

مدیریت شهری

نشریه علمی - پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،
پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی
سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۹

سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۹

۱. تحلیل پیامدهای جهانی شدن بر شهرها با تاکید بر رژیم‌های شهری
۲. بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED (مطالعه موردی: پارک ساعی)
۳. تحلیل فضایی میزان کارایی ساز و کار مدیریت رشد شهرهای ایران
۴. شهرگرایی و چشم انداز تمرکز زدایی در شهر تهران
۵. بررسی تحلیلی چگونگی برانگیزش آفرینشگری کودکان در طراحی فضاها و محوطه‌های شهری با تاکید بر رابطه «خلاقیت» و «طراحی کالبدی» فضاهای بازی کودکان
۶. اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان منطقه ۱۹ تهران بر اساس سرفصل‌های موضوعات آموزشی معاونت خدمات شهری
۷. نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر ساحلی نور
۸. آسیب‌شناسی ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران با تاکید بر مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان
۹. راهکارهای ارائه بهینه تامین خدمات ایمنی و آتش نشانی در روستاهای کشور (مطالعه موردی: دهستان طاهرگوراب، شهرستان صومعه سرا، گیلان)
۱۰. بررسی ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های فرودست در شهر بندرعباس: محلات پشت شهر و ششصد دستگاه
۱۱. بررسی و تحلیل «مدیریت توسعه زمین» از طریق رویکرد «برنامه اصلاح مجدد زمین» با تاکید بر مقوله انتقال حق مالکیت زمین
۱۲. چشم‌اندازسازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری (CDS) (نمونه مورد مطالعه: شهر مراغه)
۱۳. تحلیل استحاله نشانه‌های سکونتگاهی روستای «باباپشمان استان لرستان» پس از جابجایی با تاکید بر نشانه‌های مسکن روستایی
۱۴. ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری (نمونه موردی: مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)
۱۵. ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط؛ مطالعه موردی: مسجد امیر تهران
۱۶. شناسایی پهنه‌های زمینه ساز توسعه خلاق بافت‌های فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه ریزی شهری؛ «نمونه موردی محله امامزاده یحیی، ناحیه ۲، منطقه ۱۲ شهرداری تهران»

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: محمدرضا ارشادمش

سر دبیر: محمدرضا بمانیان

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته).

- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.

- دکتر محمدرضا بمانیان، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

- دکتر مصطفی بهزادفر، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت.

- دکتر محمدرضا پورجعفر، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته).

- دکتر رحمت ا... صدیق سروستانی، استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- دکتر محمود طاووسی، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته).

- دکتر محمدمهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

- دکتر علی عسگری، دانشیار برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا.

- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.

- دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

- دکتر غلامرضا لطیفی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

- دکتر محمدنقی زاده، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.

مدیر داخلی: مهندس هادی محمودی نژاد، پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس.

ویراستار انگلیسی: میثم حیدر اولاد.

امور اجرایی: مهندس مهدی شهریاری.

کمیته اجرایی: احسان طاهری مهر، نیما متین فر، فاطمه کمندی، رضا میرحاج.

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه

«کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

«پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)» (www.ISC.gov.ir)

«پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)» (www.SID.ir)

«بانک اطلاعات نشریات کشور» (www.Magiran.com)

«درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی» (www.IMO.org.ir)

«پایگاه مجلات تخصصی نور» (www.noormags.com)

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری

Urban management

شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹

No.25 Spring & Summer



پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان ندری،

پلاک ۱۷، پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی،

فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۶۳۹۰۲۰۵۰ -

۸۸۹۷۶۶۵۷، دورنگار: ۶۳۹۰۲۰۵۲، کد پستی:

۱۴۱۶۶۳۳۶۶۱

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی

Site: www.imo.org.ir

فهرست مطالب

۱. تحلیل پیامدهای جهانی شدن بر شهرها با تاکید بر رژیم های شهری
ابوالفضل مشکینی، فریاد پرهیز، حافظ مهدنژاد، اکرم تفکری ■ ۷-۲۰
۲. بررسی امنیت محیطی در پارک های منطقه ای به عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد
CPTED (مطالعه موردی: پارک ساعی)
نینا الماسی فر، مجتبی انصاری ■ ۲۱-۳۴
۳. تحلیل فضایی میزان کارایی ساز و کار مدیریت رشد شهرهای ایران
امیرحسین پورجوهری، حمید ماجدی ■ ۳۵-۴۸
۴. شهرگزیزی و چشم انداز تمرکز زدایی در شهر تهران
محمد رضا رضوانی ■ ۴۹-۶۲
۵. بررسی تحلیلی چگونگی برانگیزش آفرینشگری کودکان در طراحی فضاها و محوطه های شهری با تاکید بر
رابطه «خلاقیت» و «طراحی کالبدی» فضاهای بازی کودکان
محمد رضا پورجعفر، مجتبی انصاری، هادی محمودی نژاد، امین علیزاده ■ ۶۳-۸۲
۶. اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان منطقه ۱۹ تهران بر اساس سرفصل های موضوعات آموزشی معاونت
خدمات شهری
لیلا زمانی کوخالو، داریوش نوروزی ■ ۸۳-۹۰
۷. نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر ساحلی نور
محمد رضا صمیمی ■ ۹۱-۹۸
۸. آسیب شناسی ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران با تاکید بر مناسب سازی فضاهای شهری برای
معلولان
موسی کمانرودی کجوری ■ ۹۹-۱۱۴

۹. راهکارهای ارائه بهینه تامین خدمات ایمنی و آتش نشانی در روستاهای کشور (مطالعه موردی: دهستان طاهرگوراب، شهرستان صومعه سرا، گیلان)
نصراله مولایی هشتجین، سید حبیب راضی ■ ۱۱۵-۱۲۸
۱۰. بررسی ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های فرودست در شهر بندرعباس: محلات پشت شهر و ششصد دستگاه
محمد اسکندری نوده، سید عارف موسوی، لیلا صیاد بیدهندی ■ ۱۲۹-۱۴۶
۱۱. بررسی و تحلیل «مدیریت توسعه زمین» از طریق رویکرد «برنامه اصلاح مجدد زمین» با تاکید بر مقوله انتقال حق مالکیت زمین
احسان لگزیان، محمد رنج آزمای آذری ■ ۱۴۷-۱۶۸
۱۲. چشم‌اندازسازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری (CDS) (نمونه مورد مطالعه: شهر مراغه)
یوسف اشرفی، علی ملک‌زاده ■ ۱۶۹-۱۸۶
۱۳. تحلیل استحاله نشانه‌های سکونتگاهی روستای «بابا پشمان استان لرستان» پس از جابجایی با تاکید بر نشانه‌های مسکن روستایی
فرح حبیب، سید امیر حسین گرکانی، سید مصطفی مختاباد امرئی، فاطمه رحیم بخش ■ ۱۸۷-۲۰۲
۱۴. ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری (نمونه موردی: مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)
ناصر برک پور، حامد گوهری پور، مهدی کریمی ■ ۲۰۳-۲۱۸
۱۵. ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط؛ مطالعه موردی: مسجد امیر تهران
علی اکبر تقوایی، سکینه معروفی ■ ۲۱۹-۲۳۴
۱۶. شناسایی پهنه‌های زمینه ساز توسعه خلّاق بافت‌های فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه ریزی شهری؛ «نمونه موردی محله امامزاده یحیی، ناحیه ۲، منطقه ۱۲ شهرداری تهران»
محسن رفیعیان، محمدرضا بمانیان، مجتبی رفیعیان ■ ۲۳۵-۲۵۷

تحلیل و بررسی پیامدهای «جهانی شدن» بر شهرها با تاکید بر «رژیم‌های شهری»

ابوالفضل مشکینی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

فریاد پرهیز - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

حافظ مهدنژاد - پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اکرم تفکری - کارشناس ارشد سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران، تهران، ایران.

Analyzing the Consequences of Globalization on Cities with Emphasis on Urban Regimes

Abstract: Globalization is undoubtedly the most striking difference between yesterday and today; it is closely related with the concepts of integration and homogenization of the world, the global village, global communication compression, or "excessive compaction of different meanings and concepts" according to John Short. Implications and consequences of this phenomenon have widely overshadowed political, economic, social and cultural aspects of global communities differently. Cities are like a reflection and portray for globalization in a way that the dynamics of contemporary cities implicate globalization. Cities in the Age of Globalization have rapidly changed their economies in order to adapt themselves to multinational companies, international media and foreign tourists. International trade centers, International festivals and immigrant communities are now parts of urban landscape. On the same basis, the present study attempts to analyze the consequences of globalization on cities, and consequently on urban regime changes, in a descriptive - analytic way. This research shows that the processes of globalization have lead to changes in cities and network of cities. This means that most funds and elites are concentrated in particular cities. Social polarization and digital dichotomy has increasingly risen. "Fear architected" is hanging upon the wealthy habitations and Kinsey city has been replaced by the entrepreneurship city. It means that the principles and procedures of urban policy have changed from the welfare policies towards economic competitiveness policies. The idea of cities as a place of collective life has peacefully changed to the idea of cities as places of competitive economic benefits.

Keywords: Globalization, Digital Dichotomy, Urban Regimes, Kinsey City, Entrepreneurship City.

چکیده

بدون شک، جهانی شدن بارزترین تفاوت بین جهان دیروز و امروز است، و با مفهوم پیکارچه سازی و همگن شدن جهان، دهکده جهانی و فشرده سازی ارتباطات جهانی یا به تعبیر جان شورت، «فشرده‌گی بیش از حد معانی و مفاهیم مختلف» رابطه بسیار نزدیکی دارد. تبعات و پیامدهای گسترده این پدیده، ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع جهانی را تحت الشعاع قرار داده است. در این میان، شهرها تجسم بخش و انعکاس‌گر جهانی شدن هستند، به گونه‌ای که پویایی‌های شهری معاصر ترجمان فضایی جهانی شدن می‌باشند در عصر جهانی شدن، شهرها به سرعت اقتصادهای خود را به منظور سازگاری با شرکت‌های چند ملیتی، رسانه‌های بین‌المللی و گردشگران خارجی تغییر داده‌اند؛ و مراکز تجارت جهانی، فستیوال‌های بین‌المللی و اجتماعات مهاجر بر چشم اندازه‌های شهری حاکم شده‌اند. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، مبادرت به تحلیل پیامدهای جهانی شدن بر روی شهرها و به تبع آن تغییر رژیم‌های شهری نموده است. نتایج پژوهش، نشان دهنده آن است که فرآیندهای جهانی شدن منجر به تغییراتی در شهرها و شبکه شهرها شده است. به این معنا که اکثریت سرمایه‌ها و نخبگان در شهرهای ویژه‌ای متمرکز شده‌اند؛ دوقطبی شدن اجتماعی و دوگانگی دیجیتالی به طور روز افزونی افزایش یافته است؛ «معماری ترس» بر سکونتگاه‌های ثروتمندان سایه افکنده است؛ و اینکه «شهرکینزی» جای خود را به «شهرکار آفرین» داده است. به دنبال پیدایش شهرکار آفرین، رویه‌ها، اهداف و سیاست شهری از اهداف رفاه به سمت اهداف رقابت جویی اقتصادی تغییر پیدا کرده، و همچنین ایده «شهرها به عنوان مکان زندگی جمعی» به ایده «شهرها به عنوان مکانهای مزایای اقتصادی رقابت آمیز» تغییر یافته است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهرهای جهانی، دوگانگی دیجیتالی، رژیم‌های شهری، شهرکینزی، شهرکار آفرین.

مقدمه

معتبر و جدید قرار داده است. متغیرهای این مقاله مشتمل بر مفهوم جهانی شدن، مولفه‌های جهانی شدن، پیشینه، تعریف و تبیین شهرهای جهانی، سیاست‌های دستیابی به جایگاه شهر جهانی، تأثیرات جهانی شدن بر روی شهرها (از جمله استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها در تعداد معدودی از شهرها، تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، شکل‌گیری اجتماعات دروازه دار، افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه) و سیر تطور نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری در عصر جهانی شدن، ویژگی‌های شهرکینزی و کار آفرین است. افزون بر این به منظور تحلیل تغییر رژیم‌های شهری در عصر جهانی شدن، پس از تبیین سیر تحول نظریه پردازی در مورد آنها به «واکاوای زوال شهر کینزی - نیودیل و پیدایش شهر کار آفرین» پرداخته شده است. در مجموع نوشتار حاضر به دنبال پاسخ دادن به سوال‌های زیر است:

۱. «عمده‌ترین پیامدهای جهانی شدن بر روی شهرها چیست؟ مفهوم شهرهای جهانی چیست و مهمترین سیاست‌های دست‌یابی به شهرهای جهانی کدامند؟»؛ و
۲. «سیر تطور نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری چگونه است؟ عمده‌ترین تغییرات صورت گرفته از شهر کینزی به شهر کار آفرین چیست؟ و چه کسی ذینفع اصلی تغییر از شهر کینزی به کار آفرین است؟»

مفهوم و مولفه‌های جهانی شدن

بر مبنای «فرهنگ لغت اینکارتا»، «جهانی شدن، همگرایی و دموکراتیزه شدن فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت‌های جهانی، از طریق سرمایه‌گذاری فراملی، افزایش میزان ارتباطات، فناوری اطلاعات و تاثیر نیروی بازار آزاد بر اقتصادهای سطوح محلی، منطقه ای و ملی است» (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴). به باور «ماری»، جهانی شدن «فرآیندی است که همانند پوشش و لایه‌ای بر روی جهان نمایان شده، و فرهنگ‌ها، جوامع و اقتصادهای جهانی را به محض اینکه وارد آن می‌شوند، همگن می‌سازد. در این فرایند همه یکسان می‌شوند،

مفهوم «جهانی شدن»، عمده‌ترین میراثی است که سده بیست و یکم از آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی در آخرین دهه سده بیستم به ودیعه گرفته است (توسلی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). «جهانی شدن»، روندی است که در قالب گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، منجر به تشدید یکپارچگی و درهم‌تنیدگی مناسبات گسترده در ابعاد سطوح مختلف (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره)، در میان «کنشگران نو» (NGOs)، اجتماعات مجازی، شرکت‌های چند ملیتی یا فرا سرزمینی) و «سنتی» (دولت، حکومت و مقامات اداری و اجرایی) شده است. این تأثیرات دگرگونی در مناسبات پیشین اجتماعات انسانی، افزایش حجم مراودات، فراسرزمینی شدن نیازها و اثرگذاری، فزاینده‌ی دامنه آگاهی و به تبع آن، دگرگونی در مطالبات را به دنبال داشته است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳). همچنین به وابستگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین مکان‌ها و کشورهای مختلف اطلاق می‌گردد، و «فرآیندی است که توسط فناوری‌های پیشرفته به وقوع پیوسته و معاملات اقتصادی و تعاملات اجتماعی را با حجم و سرعت زیادی به انجام می‌رساند. این معاملات، طیف وسیعی از کالاها و خدمات، جریان‌های سرمایه و اطلاعات را در بر می‌گیرد.» از دهه ۱۹۷۰، جهانی شدن به نیروی قدرتمندی در بیشتر جنبه‌های زندگی تبدیل شده است (Valiyev and Savith, 2010:216). در این میان، می‌توان تمام تحولات، پیامدهای و مظاهر جهانی شدن را در شهرها مشاهده نمود، بر همین مبنا مقاله حاضر از یک طرف به تبیین مفهوم، مولفه‌های جهانی شدن و تأثیرات جهانی شدن روی شهرها پرداخته است. از طرف دیگر از آنجایی که در متون شهری کشور به طور بایسته به مفهوم رژیم‌های شهری پرداخته نشده است، به تشریح رژیم‌های شهری در عصر جهانی شدن توجه ویژه‌ای نموده است.

روش تحقیق

روش نوشتار حاضر «توصیفی - تحلیلی» است و در این راستا، مبنای تحلیل خود را بر استفاده از منابع لاتین



جهانی شدن در برگیرنده خطر و اعتماد است. در فرآیند جهانی شدن، افراد به اعتماد کردن به اشخاص ناشناخته، نیروها، هنجارهای غیر شخصی (بازار یا حقوق بشر) و به الگوهای مبادله نمادینی که به نظر می‌رسد بیرون از کنترل فرد یا گروه ملموسی باشد، کشیده می‌شوند.
جهانی شدن در برگیرنده فروریختن عام‌گرایی و خاص‌گرایی است. رشد شتابان جهانی شدن با درهم شکستن زمان و زمان سبب شده تا جداسازی‌هایی همچون «گمین شافت» و «گزل شافت»، حوزه‌های عمومی و خصوصی، کار و خانه، نظام و زندگی دیگر به کار نیابند.
جهانی شدن در برگیرنده «پدیدارشناسی فشرده‌گی» است. این پدیدارشناسی به زمان و مکان باز می‌گردد، و جهانی شدن، حذف پدیدارشناختی مکان و فراگیر شدن زمان است.
پدیدارشناسی جهانی شدن، بازاندیشانه است. ساکنان کره زمین، خودآگاهانه خود را با جهان به عنوان یک کل سازگار می‌سازند.
جهانی شدن روابط دو سویه همه پیوندهای اجتماعی - فردی را در بر می‌گیرد.
جهانی شدن دست‌کم با نوسازی هم‌زمان است.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۹ ■

شهرهای جهانی: آینه تمام‌نمای عصر جهانی شدن
بدون شک یکی از عمده‌ترین پیامدهای جهانی شدن، پیدایش شهرهای جهانی است. بر این اساس، در این مجال به پیشینه و مفهوم شهرهای جهانی پرداخته می‌شود. اصطلاح «شهرهای جهانی» برای نخستین بار توسط پاتریک گدس در کتاب «تکامل شهرها» (۱۹۱۵) به منظور تشریح «رشد شهری» و «منظومه‌های شهری» در منطقه‌های شهری خارج از بریتانیا مورد استفاده قرار گرفته شده است. او در این کتاب از «پاریس، برلین و نیویورک و دوسلدورف^۱ و پترزبورگ^۲» به عنوان شهرهای جهانی یاد کرده است. در این میان «هال»، «فریدمن» و «ساسن» از جمله مهم‌ترین پژوهشگرانی اند که در مورد شهرهای جهانی قلم رانده‌اند. هال در کتاب «شهرهای

مرزها اهمیت خود را از دست می‌دهند و فاصله‌ها از بین می‌روند» (Murray, 2006:3). «گوتیندر و لسلی باود»، جهانی شدن را به وابستگی روز افزون اقتصادی‌های جهانی تعریف نموده‌اند که بواسطه گردش اطلاعات، پول، مردم و کالاها در سراسر مرزهای ملی صورت می‌گیرد و در این فرآیند تحرک فزاینده سرمایه موجب تغییر در سازمان جغرافیایی تولید صنعتی و شبکه بازارهای مالی می‌شود (Gottinder and Budd, 2005:44). «جان شورت» از جهانی شدن به مثابه‌ی مفهومی «فوق‌العاده خلاصه شده» و «فشرده‌گی بیش از حد معانی و مفاهیم مختلف» تعبیر نموده است (شورت، ۱۳۸۸). به باور «آنتونی گیدنز»، جهانی شدن در همتنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دور دست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است، پدیده‌ای که می‌توان آن را به نوعی تلاقی حاضر یا غایب دانست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲). «گیدنز» جهانی شدن را به نوعی با مدرنیته یکسان می‌شمارد و معتقد است که به جای تاکید بر پسامدرنیته، باید از جهانی شدن به منزله «سنت زدایی» کامل از «مدرنیته» سخن گفت. در واقع، وی جهانی شدن را مدرنیته جهانی در نظر می‌گیرد که از سطح جامعه ملی گذر کرده و به سطح جامعه جهانی رسیده است و در طی آن، روابط اجتماعی جهانی تشدید می‌شود و تاثیر و تاثر متقابل میان رویدادهای مختلف در سطح کلان و جهانی از یک سو، و رویدادهای خرد و محلی از سوی دیگر ایجاد می‌شود. وی جهانی شدن را پدیده‌ای چند وجهی در نظر می‌گیرد که با چهار عنصر «دولت - ملت»، «اقتصاد سرمایه داری»، «نظم نظامی جهان»، و در نهایت، «تقسیم کار بین المللی» قابل تبیین است. «رابرتسون» نیز جهانی شدن را فرآیند «فشرده‌گی جهان معاصر و تبدیل آن به یک کل واحد» می‌داند که در آن، جهان یک نظام فرهنگی - اجتماعی معرفی می‌شود (عنایت و موحد، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴-۱۵۶). بر مبنای «دیدگاه واترز»، جهانی شدن در برگیرنده شش مولفه عمده است که شرح مبسوط آنها در جدول شماره ۱ آمده است.

1. Dusseldorf

2. Pittsburgh

جهانی» (۱۹۶۶)، تحلیل جامعی درباره گروهی از شهرها مشتمل بر «لندن، پاریس، راین - رور، مسکو، نیویورک و راند استیدن هولند» انجام داده است. «پیتر هال» (۱۹۹۳) هفت نوع شهر پایتختی از پایتخت‌های جهانی تا پایتخت‌های چند عملکردی را شناسایی نموده است (جدول شماره ۲).

به عقیده «فریدمن و ولف» (۱۹۸۲) شهرهای جهانی منبع «ایدئولوژی»، «فناوری جهانی» و «انسجام» هستند. آنها شهرهای جهانی را مشتمل بر توکیو، لس آنجلس، سان فرانسیسکو، نیویورک، لندن، پاریس، راندستات، فرانکفورت، زوریخ، قاهره، بانکوک، سنگاپور، هنگ کنگ، شهر مکزیکو و سائوپائولو دانسته‌اند (شورت، ۱۳۸۹). «ساسن» نیز در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۹۱) سه شهر بزرگ لندن، نیویورک و توکیو را به عنوان شهرهای جهانی معرفی نموده است. وی سه نوع عملکرد را برای شهرهای جهانی بر شمرده است: «نقاط کنترل و فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی؛ مکان‌های کلیدی و

بازارهایی برای صنایع پیشرو در دوره معاصر؛ مکان‌های اصلی برای پشتیبانی از صنایع پیشرو از طریق ارایه نوآوریها و ابداعات». «کریس الدس» نیز سه دسته شهر جهانی را معرفی نموده است:

۱. «شهرهای فوق جهانی شده: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی از طریق جریان‌های درونی و بیرونی قرار دارد.»؛ و
 ۲. «شهرهای در حال جهانی شدن: اتکای بیشتر بر جریان‌های از داخل تا جریان‌های از بیرون.»؛ و
 ۳. «در پیوند کامل با اقتصاد جهانی و با تجربه اثرات مستقیم در اقتصاد جهانی» (صرافی و محمدی، ۱۳۸۹).
- جدول شماره ۳، به طور کامل مفهوم شهرهای جهانی را بیان نموده است.

سیاست‌های دستیابی به جایگاه شهر جهانی سه گرایش عمده در معنای دستیابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر انگیزه‌های مالیاتی، اجرای پروژه‌های بزرگ مقیاس و گسترش جهان «وطن‌گرایی» وجود دارد؛ که شرح مبسوط آنها در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۲. انواع پایتخت‌های جهان؛ ماخذ: Hall, 1993

پایتخت‌های جهانی	پایتخت‌های جهانی که دارای نقش فراملیتی در سیاست و اقتصاد می‌باشند (لندن و توکیو).
پایتخت‌های مختص مرکز حکومت	پایتخت‌هایی که تنها به عنوان مرکز حکومت ایجاد و فاقد سایر عملکردها می‌باشند (لاسه ^۲ ، واشنگتن دی سی، اوتاوا ^۴ و برازیلیا).
شهرهای پایتختی پیشین	شهرهای پایتختی پیشین که نقش خود را به عنوان مرکز حکومت از دست داده‌اند، اما سایر عملکردهای تاریخی خود را حفظ کرده‌اند (برلین، لنینگراد و ریودوژانیرو).
پایتخت‌های سلطنتی پیشین	پایتخت‌های سلطنتی پیشین که هنوز دارای نقش‌های تجاری و فرهنگی مهمی برای قلمروهای سلطنتی پیشین هستند (مادرید، لیسبون و وین).
پایتخت‌های ایالتی	پایتخت‌های ایالتی که نقش گذشته‌ی خود را از دست داده‌اند، اما برای قلمروهای پیرامونی خود حائز اهمیت بسیار زیادی می‌باشند (میلان، مونیخ، تورنتو و سیدنی).
ابر پایتخت‌ها	ابر پایتخت‌ها که به عنوان مراکز سازمان‌های جهان شناخته می‌شوند (بروکسل، جنوا، رم و نیویورک).
پایتخت‌های چند عملکردی	پایتخت‌های چند عملکردی که دارای تمام یا بیشتر عملکردهای ملی هستند (پاریس، لندن، مسکو و توکیو).

جدول ۳. مفهوم شهرهای جهانی

<p>به اعتقاد «هانرز» (۱۹۹۶)، شهرهای جهانی (نظیر نیویورک، لندن، پاریس، لس آنجلس و میامی) به مکان بازار فرهنگ جهانی، بر اساس حضورگذار و پایدار نخبگان تجاری فراملیتی، مهاجران کشورهای در حال توسعه، متخصصان خلاق، و گردشگران بین المللی تبدیل شده‌اند.</p>	<p>(کیم و شورت، ۱۳۸۹)</p>
<p>به اعتقاد «ساسن»، شهرهای جهانی آنهایی هستند که به عنوان مراکز اصلی شبکه‌های جهانی، شرکت‌های تجاری، موسسات و سازمان‌های مالی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) و مهاجران نقش ایفا می‌نمایند و همچنین در برگزیده‌ی مکان‌های مرکزی است که عملکرد جهانی شدن در آنجا صورت می‌گیرد.</p>	<p>(Sassen, 2000)</p>
<p>«ساسن» در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۹۱) توجه خود را بر روی سه شهر بزرگ «لندن»، «نیویورک» و «توکیو» معطوف نمود؛ و از شهرهای جهانی به عنوان مراکز سیستم‌های جدید کنترل و هماهنگی و مدیریت و مکان‌های تولید خدمات تخصصی خدماتی از جمله «حسابداری»، «خدمات مالی»، و «مشاوره» نام برده است.</p>	<p>(Sassen, 1991)</p>
<p>مجموعه‌های فرهنگی از مشخصه‌های بسیار مهم در راستای شناخت شهرهای جهانی است: «تالارهای هنری، محل برگزاری موسیقی، رستوران‌های نژادی، فستیوال‌ها». شهرها از نظر اقتصاد فرهنگی هم مقیاس با اقتصاد مالی تعریف شده‌اند. مجموعه‌ای از جذابیت‌های شهری، رویدادهای میلیونی جهانی، اثرات معماری، بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال، فستیوال‌های موسیقی و هنری از ویژگی‌های بارز شهرهای جهانی هستند.</p>	<p>(شورت، ۱۳۸۸)</p>
<p>اصطلاح «شهر جهانی» به مجموعه‌ای از شهرها مشتمل بر لندن، نیویورک و توکیو اطلاق می‌گردد که به عنوان مراکز کنترل و فرماندهی اقتصاد جهانی عمل می‌نمایند. به باور «ساسن»، ویژگی این مکان‌های شهری توسط اقتصاد محلی آنها تعیین می‌گردد که مبتنی بر خدمات تجاری و مالی مربوط به شرکت‌ها و بانک‌های چند ملیتی می‌باشد، و اینها به طور مستقیم، فعالیت‌های اقتصاد سراسر جهان را کنترل می‌کنند. عمده‌ترین شهرهای جهانی از طریق سازمان مالی جهانی به طور لاینفکی با همدیگر در هم تنیده شده‌اند. به اعتقاد ساسن، شهر جهانی مراکز کنترل و فرماندهی را بواسطه شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌های مالی در خود جای داده است، به گونه‌ای که ساختار شغلی شان تحت تسلط خدمات تجاری و مالی می‌باشد. این گونه شهرهای با کاهش تولیدات سنتی و افزایش شغل‌های خدماتی با مهارت پایین مواجه شده‌اند. در نتیجه نیروی کار به طور روز افزونی از شغل‌های حرفه‌ای با درآمد بالا و کارگران خدماتی با درآمد پایین تشکیل شده است.</p>	<p>(Gottinder and Budd, 2005:44)</p>

جدول ۴. سیاست‌های دستیابی به جایگاه شهر جهانی؛

ماخذ: با اقتباس و تغییر شکل از کیم و شورت، ۱۳۸۹

نخست، سیاستمداران شهری چشم انداز شهرشان را به عنوان شهری جهانی معرفی می‌نمایند. بخصوص در آن هنگامی که آنها به دنبال کسب حمایت عمومی برای اجرای برنامه‌های مناقشه انگیز نظیر پروژه‌های نوسازی شهری، توانمندسازی بزرگ مقیاس زیر ساخت‌ها، و میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی هستند. این عقیده که چنین پروژه‌ها با رویدادهایی برای شهر، جایگاه جهانی را به ارمغان خواهند آورد، هنگامی که واکنش عمومی به طور مطلوبی به سمت آن اجماع‌کند به طور قطع مفید خواهد بود.
دوم، سیاستمداران و مؤسسات تجاری از بحث دستیابی به جایگاه شهر جهانی به هنگام طرفداری از انگیزه‌های مالیاتی بزرگ مقیاس و سیاست‌های اقتصادی تجارت‌گرایانه استفاده می‌کنند. چنین سیاستمدارانی اغلب دستیابی به جایگاه شهر جهانی را به توانایی و یا شهرت جهانی شرکت‌های بین‌المللی شهر در جذب تجارت‌های مشهور جهانی مرتبط می‌سازند.
سوم، از اقدامات دستیابی به جایگاه شهر جهانی به منظور حمایت از تلاش‌های صورت گرفته در راستای افزایش چند فرهنگ‌گرایی، و در مفهومی گسترده‌تر، جهان و وطن‌گرایی در میان مناطق مسکونی شهر استفاده می‌شود. تصورسازی شهر جهانی به عنوان طرفدار فرهنگ‌های جهان و وطن‌گرایی منجر به افزایش حمایت عمومی از حکومت‌ها برای انجام پروژه‌های فرهنگی پر هزینه نظیر جشنواره‌های قومی یا ساخت و نوسازی خانه‌های اپرا و مراکز فرهنگی می‌گردد.

اثرات جهانی شدن روی شهرها

می‌شود:

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۲ ■

۱. «استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها در تعداد معدودی از شهرها»: «شرکت‌های چند ملیتی»، کارخانه‌های تولیدی خود را در آن دسته از مکان‌ها استقرار می‌دهند که برای تولیدات آنها تقاضای بالایی وجود داشته باشد، و اینکه اتکاء به تولید در کشور خود را کاهش دهند. همچنین هزینه‌های تولید و حمل و نقل را تقلیل دهند. شرکت‌ها در شهری استقرار می‌یابند که می‌توانند در آن به بالاترین مزیت رقابت دست یابند، و اینکه بیشترین خروجی را با خرج کمترین هزینه داشته باشند؛ به این معنا که هم نیروی کار کارآمدی با کمترین هزینه و هم زیرساخت‌های فیزیکی به قدر کافی در آن شهر وجود داشته باشد (al, 2003:266; Zhao et al, 2003).
۲. «تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری»: در پی جهانی شدن وضعیت زندگی در برخی از کشورها بهبود یافته، اما در شماری دیگر همچنان رکود بر زندگی آنها سایه انداخته است. به تبعیت از این مساله، شهرهای جهانی شکاف در حال گسترده بین برندگان و بازندگان جهانی شدن را به نمایش می‌گذارند. شهرهای جهانی شدن در شهرها اتفاق می‌افتد، و شهرها تجسم بخش و انعکاس‌گر جهانی شدن هستند. فرآیندهای جهانی منجر به تغییراتی در شهرها و شبکه شهرها شده است. «پویایی‌های شهری» معاصر ترجمان فضایی جهانی شدن هستند، در حالی که تغییرات شهری به فرآیندهای جهانی شدن شکل می‌بخشند (Short and Kim, 1999:9). اثرات جهانی شدن در توسعه شهرهای معاصر نقش مهمی دارد، و به طور عمده‌ای موجب انسجام اقتصادهای ملی و تغییر بنیادی شهرهای قدیمی می‌گردد. آن دسته از عناصر جهانی شدن که در توسعه شهری نقش دارند، عبارتند از: «جهانی شدن مکان‌های تجاری و تولیدی؛ پیشرفت زیرساخت‌های فیزیکی برای انتقال اطلاعات؛ سهولت پردازش معاملات مالی و انتقال جهانی سرمایه؛ اهمیت روزافزون پیشرفت فناوری در توسعه مناطق شهری؛ و مقدار عظیم فعالیت‌های اقتصادی که هم اکنون در بسیاری از مرزهای چند ملیتی صورت می‌پذیرد (2001 Scott et al). در ادامه این پژوهش به تحلیل شماری از مهمترین اثرات جهانی شدن بر روی شهرها پرداخته

«بتا»، و «گاما» را شناسایی کردند.

شهرهای مهاجرتی آلفا مشتمل بر نیویورک، تورنتو، دبی، لس آنجلس، لندن، سیدنی، میامی، ملبورن، آمستردام، ونکوور هستند. شهرهای رتبه‌های دوم بتا، شامل شهرهای ریاض، جنوا، پاریس، تلوویو، مونترال، واشنگتن دی سی، لاهه، کیف، سانفرانسیسکو و پرت در استرالیا است. در سایر مقالات آنها، شهرهای دروازه‌ای رسمی، شهرهای دروازه‌ای غیررسمی، دروازه‌ای تصادفی و شهرهای دروازه‌ای فرعی را شناسایی کرده‌اند. دروازه‌های شهری غیررسمی در خاورمیانه پی ریزی شده‌اند؛ تعداد زیادی از دروازه‌های تصادفی در بلوک شرق سابق هستند، و دروازه‌های شرقی فرعی (شهرهای در حال جهانی سازی با سطح پایینی از مهاجران خارجی) در شهرهای آسیایی قابل مشاهده‌اند (شورت، ۱۳۸۸).

از دیگر خصایص جهانی شدن، «افزایش چشمگیر گردشگران خارجی» است. «توریسم»، صنعت شهری عمده‌ای است که جریان‌های عظیمی از مردم سراسر جهان را در بر می‌گیرد، چنان‌که به یکی از ملموس‌ترین نمودهای جهانی شدن تبدیل شده است. به طور متوسط، سالانه بیش از ۶ میلیون گردشگر خارجی از نیویورک بازدید می‌نمایند، و این رقم برای پاریس (با ۱۵ میلیون گردشگر) و لندن (با ۱۱ میلیون گردشگر) به مراتب بیشتر است. شهرها به مراکز مصرف، سرگرمی، فرهنگ و خدمات رسانی تبدیل شده‌اند تا به وسیله سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی، ساخت فرودگاه‌ها، سیستم‌های حمل و نقل انبوه، و تسهیلات رفاهی خود را با این صنعت نوظهور تطابق دهند؛ در حالی که شهرهایی نظیر لندن، نیویورک و توکیو دارای منابع مالی عظیم، ارتباطات جهانی و فرصت‌های بسیار زیادی هستند، اما سایر شهرهای کشورهای توسعه نیافته در این شرایط قادر به ایجاد اقتصاد متنوع و پویایی نمی‌باشند. برای شهرهای جهانی نظیر لندن، نیویورک و توکیو و شهرهای به سرعت در حال پیشرفت از قبیل سنگاپور، شانگهای و بانکوک، جهانی شدن به منظور تغییر مبنای صنعتی شان موهبتی اساسی به شمار می‌رود، اما در بقیه مناطق جهان توسعه نیافته، ظرفیت انتقال منابع محلی، به

جهانی، تعداد زیادی از شغل‌های «کنترل و فرماندهی» با دستمزد بالا را برای مدیران شرکت‌ها و شغل‌های «نظافتی» با دستمزد پایین را برای کارگران مهاجر در خود جای می‌دهند (Sassen, 1991). وجه بارز ارتباط بین «جهانی شدن» و «نابرابری در زیرساخت‌های شبکه‌ای جهانی» و جوامع دروازه دار شهرهای جهان سوم، به وضوح نمایان شده است. چنین ویژگی‌هایی، اکثریت عظیمی از ساکنان شهری را به حاشیه رانده است (Graham and Martvin, 2001; Mycoo, 2006).

«کیدر» در تحقیق خود در مورد تاثیرات مخرب جهانی شدن بر روی «انسجام اجتماعی در استانبول» به افزایش ثروتمندان جدید از جمله تحلیلگران امور مالی، برنامه نویسان نرم افزاری و سایر حرفه‌ای‌های جوان اشاره کرده که پیوندهای نزدیکی با «خدمات مشترک جهانی» و «الگوهای مصرفی» دارند؛ در حالی که به گفته کیدر، «جهانی شدن اقتصاد» برای بسیاری از جوانان حرفه‌ای و بانکداران سود داشته است، اما موجب زیان به اکثریت عظیمی از ساکنان شهری از طریق ایجاد سطوح جدید نابرابری، دو قطبی شدن اشتغال، درآمد و استفاده از محیط انسان ساخت گردیده است، او می‌نوشته است که «در درون شرایط ایدئولوژیکی جهان نئولیبرالیسم این توسعه‌ها (نابرابری و دو قطبی شدن) به وسیله سیاست اجتماعی، به طور کارآمد متعادل نشده‌اند» (Keyder, 2005: 124).

۳. «افزایش مهاجرت و گردشگران به شهرهای بزرگ»: ظهور جهانی شدن موجب افزایش مهاجران و گردشگران بین‌المللی به بسیاری از شهرها شده است. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۵۰ درصد جمعیت نیویورک و توکیو، اقلیت‌های قومی و متولدان خارجی بوده‌اند. در لندن، درصد ساکنان خارجی به میزان ۲۹ درصد افزایش یافته، در حالی که در پاریس این رقم به میزان ۱۵ درصد افزون گشته است. شهرهای جهانی مقصد عمده‌ای برای تعداد زیادی از مهاجران بین‌المللی هستند. «لیزانتون - شورت» و «ماری پرایس»^۵ (۲۰۰۶) بررسی وسیعی در مورد ساکنان متولد خارجی در ۱۵۰ شهر دنیا را به انجام رسانده‌اند. آنها در این پیمایش شهرهای «آلفا»،

بخش صادراتی موجب اعمال محدودیت بر مناسباتشان با اقتصاد جهانی شده است. شهرهای واقع در مکان‌های استراتژیک نظیر سنگاپور، به طور موفقیت آمیزی از فرصت‌های بین‌المللی برای شکوفا ساختن صنایع سنگین و تغییر اقتصادهای خود به منظور تطابق با مراکز مالی، شرکت‌های کلان و سایر خدمات حرفه‌ای استفاده نموده‌اند. اما بسیاری از شهرهای آفریقا قادر به جذب بخش‌های اقتصادی جدید نمی‌باشند (Savith, 2010; Valiyev and

۴. «شکل‌گیری اجتماعات دروازه‌دار»: در عصر جهانی شدن، محله‌های ثروتمندنشین برای دور نگه داشتن خود از مناطق مسکونی مجاور در راستای بهبود امنیت بر دور خود دیوار حائلی ایجاد کرده که اغلب به آن «معماری ترس» گفته می‌شود. افزون بر این طراحی فیزیکی، دسترسی محدود نظیر دیوارها، دروازه‌ها، و گاردهای امنیت نظامی ویژگی مشخصه جوامع دروازه‌دار می‌باشد، همچنین آنها کالاها و خدمات عمومی خود را به صورت خصوصی تهیه می‌کنند. با وجودی که قلمروهای مسکونی لوکس و محصور در شهرهای جهان سوم از قرن‌ها پیش وجود داشته، اما به نظر می‌رسد که جوامع دروازه‌دار محبوبیتی بی‌سابقه را در میان طبقات متوسط به بالا در دو دهه‌ی آخر سده‌ی بیستم به دست آورده‌اند (Webster et al; 2002). این جوامع دروازه‌دار چشم اندازه‌های عمومی شهرهای خود را دگرگون ساخته‌اند. پیشرفت فزاینده بی نظیر املاک در بازارهای مسکونی برای اسکان جوانان، متخصصان غرب زده و با درآمد بالا گواهی بر صدق این مطلب است. دولت‌ها نیز به جای توقف تقسیم رو به افزون بین ثروتمندان و فقیران، اغلب به دنبال تسهیل ایجاد قلمروهای محصور به واسطه‌ی «تقویت خصوصی نمودن مکان‌های عمومی»، «تقلیل مقررات روی توسعه املاک» و «تهیه حمل و نقل و تاسیسات زیربنایی ارتباطات راه دور» می‌باشند. ریشه‌های ترس از جرم، جنایت و خشونت در میان ثروتمندان ناشی از شکست حکومت‌ها در کنترل شهر موثر است، گرچه مناطق مسکونی دروازه‌دار بیشتر محصول تهدیدهای ادراکی می‌باشد (کیم و شورت، ۱۳۸۹).

۵. «افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه»: به نظر «رابرتسون»، جهانی شدن به معنای درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۲) و به عبارت دیگر تراکم آگاهی کل نزد اجزاء (همان، ص ۲۵) است. «جهانی شدن»، مفهومی است که هم به «فشرده‌گی جهان» و هم به «تشدید خود آگاهی از جهان به مثابه یک کل»، اطلاق می‌شود. به این ترتیب، جهانی شدن همان یگانه شدن جهان و نه وحدت و ادغام آن است. این تعریف از جهانی شدن مبتنی بر فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی است. بر این اساس، جامعه اطلاعاتی نیز معنا پیدا می‌کند؛ زیرا در این صورت می‌توان آن را جامعه‌ای دانست که در آن تجارت، رسانه‌ها و ارتباطات علمی در سراسر جهان یگانه می‌شود. (Webster, 2001: 3)

کاستلز، «فضای جریان‌ها» و «زمان بی‌زمان» را از جمله ویژگی‌های «جامعه اطلاعاتی و مجازی» می‌داند. به نظر او در جامعه مجازی، مفاهیم مکان و زمان معانی تازه‌ای پیدا کرده‌اند که با معانی سنتی آن در جوامع ماقبل مدرن و یا حتی صنعتی تفاوت بارز دارد. مکان با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش آن ارتباط پیدا کرده است و به این اعتبار حضور در مکان معنای تازه‌ای به خود گرفته که می‌تواند تعیین کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه‌ای و یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید. به همین ترتیب، «انتقال‌آنی اطلاعات، داده‌ها و سرمایه‌ها و امکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف»، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته است و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب‌های مکانیکی جهان صنعتی را به کلی دگرگون ساخته است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۵۴۲-۴۴۰). موضوع دوگانگی دیجیتالی به شکاف موجود در دسترسی به فرصت‌ها در میان افراد مختلف و مکان‌های متفاوت به منظور دستیابی به اطلاعات پیشرفته و فناوری‌های ارتباطات راه دور مربوط می‌شود. گرچه امروزه درک عمومی، حکایت از افزایش چشمگیر در استفاده از رایانه و اینترنت دارد، اما تعداد زیادی از مردم و مناطق در شهرهای جهان سوم فاقد دسترسی به شبکه‌های رایانه‌ای و سایر اطلاعات

پیشرفته و فناوری‌های ارتباطی می‌باشند. تقسیم دیجیتال روزافزون اغلب در مقیاس بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد، چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توان تحقق بخشیدن به اجرای زیرساخت‌های سرعت با عملکرد مطلوب را ندارند، در صورتی که این امر در کشورهای توسعه یافته به آسانی در دسترس افراد قرار می‌گیرد (UNCTAD, 2005). امروزه تقسیم ناملموس امادر عین حال بسیار مهمی در درون شهرهای جهان سوم مشاهده می‌گردد و آن اینکه ایجاد زیرساخت‌های شبکه‌ای بسیار پرهزینه، به تعداد اندکی از ثروتمندان خدمات رسانی نموده و اکثریت فقیر را نادیده انگاشته است؛ به این معنا که شبکه‌های زیرساخت‌های مدرن در کشورهای در حال توسعه تنها نیازهای بیشتر نخبگان فراملی نظیر فعالیت‌های محلی شرکت‌های فراملیتی، شرکت‌های محلی در سطح جهانی و جوانان تحصیل کرده را برآورده می‌سازد. با این وجود، عنصر اصلی چشم اندازهای جدید شهری از قبیل نوآوری، پیشرفت اقتصادی و انتقال فرهنگی و تاسیسات زیرساختی شبکه جهانی به تشدید نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند و قابلیت استفاده از ارتباطات اینترنتی در میان محله‌های درون شهرها بسیار تغییر یافته است.

رژیم‌های شهری

مفهوم «رژیم‌های شهری» یک مفهوم بسیار مهم در نظریه‌های شهری است؛ زیرا مفهوم رژیم‌های شهری توجه ما را بر روی ارتباط بین تجارت، سیاست‌ها و تنش‌ها، ضرورت سازگاری‌ها و معاملات برای سیاست‌های دموکراتیکی به منظور کار در یک جامعه سرمایه‌داری متمرکز کرده است. نظریه رژیم به تبیین این امر می‌پردازد که چگونه «ذینفعان عمومی و خصوصی» با هماهنگی همدیگر، موجبات «استقرار حاکمیت شهری» را فراهم می‌سازند. این نگرش نشان دهنده دیدگاه‌هایی ظریف در مورد «قدرت، حاکمیت و سیاست گذاری در سطح شهر» می‌باشد، و به دنبال اصلاح نظریه‌های مربوط به محدودیت سیاست‌های شهری؛ «کثرت گرایان» و «حاکمیت نخبگان» است. «کلرنس استون»، رژیم شهری را به معنای آرایش غیر رسمی ذینفعان خصوصی و بخش عمومی تعریف نموده است که همراه و دوشادوش همدیگر تصمیمات حاکمیت شهری را هدایت و اجرامی سازند. این تعریف به معنای آن است که ساختارهای رسمی حکومت محلی به تنهایی قادر به تحرک بخشیدن و هماهنگ نمودن منابع مورد نیاز برای انجام اقدامات بزرگ مقیاس و عمومی نمی‌باشد (Stone, 1989:6). تحلیل رژیم شهری، موجب شمار زیادی از پژوهش‌ها شده است. رژیم‌های شهری در طول زمان و فضا متفاوت هستند. «جاد و کانتور»^۶ (۱۹۹۲) چهار سیکل سیاست‌های رژیم را در آمریکا شناسایی کرده‌اند. به این معنا که در شهرهای کار آفرینی تا دهه‌ی ۱۸۷۰، نخبگان تجاری شهر را کنترل می‌کردند. سپس با ظهور صنعتی شدن و مهاجرت‌های بزرگ مقیاس، ذینفعان تجاری به همراه نمایندگان سیاسی مربوط به مهاجران به تازگی سازماندهی شده کار می‌کردند. نتیجه‌ی این موضوع پیدایش «شهر مبتنی بر سیاست‌های ماشینی»^۷ است که از دهه‌ی ۱۸۷۰ تا ۱۹۳۰ به طول کشیده است. از دهه‌ی ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ «ائتلاف نیودیل»^۸ رایج بود که بر اساس آن سیاست‌های فدرالی موجب رونق اقتصادهای شهری و حفظ اساس قدرت دموکراتیک شده است. در سیکل جدید نیز «رشد اقتصادی و جامعیت سیاسی» تسلط یافته است. «استوکر و موسبرگر»^۹ (۱۹۹۴) سه نوع رژیم را شناسایی کرده‌اند: «ارگانیک»، «ابزاری» و «نمادین».

«رژیم‌های ارگانیک»^{۱۰} مختص شهرهای کوچک و مناطق حومه‌ای با جمعیت یکدست، متجانس و احساس قوی تعلق به مکان است، هدف اصلی این رژیم‌ها حفظ وضع موجود می‌باشد. «رژیم‌های ابزاری»^{۱۱} بر اهداف فرعی ویژه در مشارکت سیاسی بین حکومت‌های شهری و ذینفعان تجاری متمرکز شده است. «رژیم‌های نمادین»^{۱۲} در شهرهای در معرض تغییرات سریع از جمله نوسازی

پیشرفته و فناوری‌های ارتباطی می‌باشند. تقسیم دیجیتال روزافزون اغلب در مقیاس بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد، چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، توان تحقق بخشیدن به اجرای زیرساخت‌های سرعت با عملکرد مطلوب را ندارند، در صورتی که این امر در کشورهای توسعه یافته به آسانی در دسترس افراد قرار می‌گیرد (UNCTAD, 2005). امروزه تقسیم ناملموس امادر عین حال بسیار مهمی در درون شهرهای جهان سوم مشاهده می‌گردد و آن اینکه ایجاد زیرساخت‌های شبکه‌ای بسیار پرهزینه، به تعداد اندکی از ثروتمندان خدمات رسانی نموده و اکثریت فقیر را نادیده انگاشته است؛ به این معنا که شبکه‌های زیرساخت‌های مدرن در کشورهای در حال توسعه تنها نیازهای بیشتر نخبگان فراملی نظیر فعالیت‌های محلی شرکت‌های فراملیتی، شرکت‌های محلی در سطح جهانی و جوانان تحصیل کرده را برآورده می‌سازد. با این وجود، عنصر اصلی چشم اندازهای جدید شهری از قبیل نوآوری، پیشرفت اقتصادی و انتقال فرهنگی و تاسیسات زیرساختی شبکه جهانی به تشدید نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند و قابلیت استفاده از ارتباطات اینترنتی در میان محله‌های درون شهرها بسیار تغییر یافته است.

رژیم‌های شهری

مفهوم «رژیم‌های شهری» یک مفهوم بسیار مهم در نظریه‌های شهری است؛ زیرا مفهوم رژیم‌های شهری توجه ما را بر روی ارتباط بین تجارت، سیاست‌ها و تنش‌ها، ضرورت سازگاری‌ها و معاملات برای سیاست‌های دموکراتیکی به منظور کار در یک جامعه سرمایه‌داری متمرکز کرده است. نظریه رژیم به تبیین این امر می‌پردازد که چگونه «ذینفعان عمومی و خصوصی» با هماهنگی همدیگر، موجبات «استقرار حاکمیت شهری» را فراهم می‌سازند. این نگرش نشان دهنده دیدگاه‌هایی ظریف در مورد «قدرت، حاکمیت و سیاست گذاری در

6. Judd and Kantor
7. City of machine Politics
8. New Deal Coalition
9. Stoker and Mossberger

10. Organic Regimes
11. Instrumental Regimes
12. Symbolic Regimes

را متحد می‌سازد. رژیم‌های محلی نیز به منظور حفظ وضع موجودند و اغلب در راستای جلوگیری از پایین آمدن درآمدها و گروه‌های نژادی مختلف به وجود آمده‌اند (شورت، ۱۳۸۸؛ کیم و شورت، ۱۳۸۹).

مقاله حاضر، در ادامه به تبیین سیر تحول نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری پرداخته (جدول شماره ۵) و پس از آن تحلیل زوال شهرکینزی - نیودیل و پیدایش شهرکارآفرینی به عنوان تجلی تغییر رژیم‌های شهری را در کانون توجه خود قرار داده است.

بزرگ مقیاس، تغییر سیاست‌های عمده و اقدامات تصویری تجلی می‌یابد که به دنبال تغییر تصور عمومی در مورد شهر است.

از طرف دیگر سه نوع رژیم در ایالت متحده آمریکا مشتمل بر «رژیم‌های مرکزی»، «حومه‌ای» و «محلی» شناسایی شده است. رژیم‌های شهری مرکزی، مانند آتلانتا، متشکل از اتحاد ذینفعان تجاری و واسطه‌گران قدرت ماشین‌های سیاسی رسمی است. در رژیم‌های حومه‌ای یک دستور کار مشترک، درباره‌ی پایین نگه داشتن مالیات‌ها و حفاظت از ارزش‌های دارایی جمعیت

جدول ۵. سیر تحول نظریه پردازی در مورد رژیم‌های شهری؛

Source: Mossberger and Stoker, 2001; Stone, 2005; Hall and Hubbard, 1998; Lauria, 1997:7

ابتدا «لوگان» و «مولوتچ» ^{۱۳} (۱۹۸۷) اصطلاح «ماشین رشد شهری» ^{۱۴} را در شهرهای آمریکا ابداع نمودند که شامل دلان، بانکداران محلی، سیاستمداران صاحب نفوذ، رؤسای شرکت‌ها و اتاق‌های بازرگانی است. اتاق بازرگانی مشتمل بر لابی‌هایی است که سیاستمداران شهری را مجبور به تمرکز رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها می‌کند.
دوم، «کلارنس استون» ^{۱۵} (۱۹۸۹) تجزیه و تحلیل اش را بر روی حاکمیت آتلانتا از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۸ متمرکز نمود، و اصطلاح «رژیم‌های شهری» ^{۱۶} را ابداع کرد، و آن را به عنوان «آرایش‌های غیر رسمی» تعریف کرد که امورات رسمی مقامات حکومتی را کنترل و تکمیل می‌نماید. رژیم شهری متشکل از ائتلاف‌های غیررسمی است که تصمیم‌گیری و امورات شهری را انجام می‌دهند. در حالی که لوگان و مولوتچ بر روی «دستورکارهای اقتصادی نخبگان تجاری» متمرکز شده‌اند، استون بر روابط متقابل آنها با قدرت سیاسی و توافقات حاصل شده تأکید نموده است.
سوم، تأکید بر روی دلایل و پیامدهای تغییر رژیم از شهر نیودیل - کینزی ^{۱۷} به شهرکارآفرینی ^{۱۸} می‌باشد. شهرکینزی برگرفته از نام اقتصاددان انگلیسی «جان مینارد کینزی» ^{۱۹} (۱۹۴۶-۱۸۸۳) است. وی باور داشت که دولت نقش عمده‌ای در رونق تقاضای مؤثر در اقتصاد دارد. نقطه‌ی اوج «شهر نیودیل - کینزی» از دهه‌ی ۱۹۳۳ تا ۱۹۸۰ در بیشتر کشورهای توسعه یافته بوده است، در این دوره بین نیروی کار و سرمایه در مورد نقش حکومت توافق وجود داشت. هزینه‌های حکومت موجب رونق تقاضا می‌شود، چنان که بیکاری محدود و کنترل می‌گردد. برنامه‌های حکومت دسترسی اکثریت جمعیت به بهداشت قابل استطاعت، مسکن، آموزش و رفاه اجتماعی را تضمین می‌کرد، و این امر موجب تعدیل پیامدهای اجتماعی رکود تجارت می‌شد. از دهه‌ی ۱۹۸۰ شهر نیودیل - کینزی دوران زوال خود را شروع کرد. علت آن عبارت از: «تداوم تورم توأم با کساد» که اقدامات تعادلی سرمایه‌گذاری حکومت، راکه می‌توانست بیکاری را با وجود تورم به حداقل برساند، را مختل می‌کرد؛ مقاومت رو به افزایش در برابر مالیات حکومتی، رقابت اقتصادی فزاینده و کاهش قدرت نیروی کار سازمان یافته بود. در آغاز دهه‌ی ۱۹۸۰ یک روایت کلان جدیدی به نام «دستورکار نتولیبرال» نمایان شد، که خواهان محدود کردن هزینه‌های حکومت به ویژه در مورد رفاه اجتماعی، کاهش یارانه‌های اجتماعی، جهانی شدن اقتصاد، بازارهای آزاد، اعمال محدودیت بر افزایش مالیات بود، و همه‌ی این موارد از باز جهت‌گیری گسترده هزینه‌های حکومت و باز جهت‌گیری در ماهیت سیاست‌های شهری و ملی ناشی شده است. دستورکار لیبرالیسم جدید ایجاد شهرکارآفرینی است که در جست

13. Logan and Molotch
14. Urban growth machine
15. Clarence Stone
16. Urban Regimes

17. Keynesian-New Deal City
18. Entre Preneurial City
19. John Maynard Keynes

و جوی «تسهیل خصوصی سازی و پایان دادن به خدمات اشتراکی» با هدف کسب سود از پیوند با اقتصاد جهانی می‌باشد. در شهر کارآفرین، رژیم‌های شهری بیشتر به ایجاد درآمد مستقیم و مجموعه‌ای از شرکت‌های عمومی - خصوصی تمایل دارند. همچنین شهرهای کارآفرین بیشتر به سیاست‌های به حداکثر رساندن رشد و درآمدگرایش دارند.

چهارم، توجه ویژه‌ای معطوف به این موضوع شده است که چگونه رژیم‌های شهری نسبت به جهانی شدن و رقابت جهانی روز افزون سازگاری یا واکنش نشان می‌دهند. شورت (۲۰۰۴) معتقد است که باید نگاه‌ها به دستور کار سیاسی شهرهای در حال جهانی شدن، بازنمایی شهرهای صنعتی، استفاده روز افزون از معماران نامور و چشم اندازهای جهانی، و شکل‌گیری نشانه شناختی‌های شهری جهان وطنی تغییر یابد. هم‌اکنون شهر مکان تصورات جهانی است چراکه شهرها بر سر شناخت جهانی و تجاری رقابت می‌کنند، و تلاش شهرهای جهانی موجود بر حفظ موقعیت و جایگاه شان معطوف شده است. شناخت پیچیده‌ی نقش رژیم‌های شهری در ایجاد شهرهای در حال جهانی شدن و سیاست جهانی این امکان را فراهم خواهد ساخت که چگونگی روابط متقابل نیروهای اقتصادی جهانی و محلی بهتر درک گردد.

کارگران و مصرف‌کنندگان تبدیل شده‌اند؛ در این شهر به افراد فقیر به عنوان مایه‌ی ننگ و سرافکنندگی نگریسته می‌شود.

- در شهر کارآفرین، کاهش فضاهای عمومی و افزایش کالایی شدن، کاهش فضاهای نیمه عمومی، فضاهای نیمه خصوصی (از جمله مراکز خرید) موجب فاصله گرفتن از آنهایی شده که چندان قادر به خرید و مصرف نیستند. فضاهای عمومی شهری بر اساس گروه‌های درآمدی تقسیم شده‌اند و حاشیه‌نشینان به عنوان یک تهدید انگاشته شده‌اند.

- بیشتر مردم در پشت اجتماعات دروازه‌ای پنهان شده‌اند؛ و آنها در حومه‌های مجزایی مشغول به زندگی هستند و از نظر اجتماعی از مکان‌های تفکیک شده حمایت می‌کنند. بیشتر فضاهای عمومی نه به عنوان مکانهای روابط متقابل منظم بلکه بیشتر به عنوان مکان‌های ترسناک و هول‌انگیزی در نظر گرفته می‌شوند. جدایی‌گزینی اجتماعی افزایش یافته و احساس امنیت و ایمنی از بین رفته است؛ چنان‌که گروه‌های با درآمد بالا و متوسط از فضاهای عمومی شهری عقب‌نشینی کرده‌اند. این فضاها به طور فزاینده‌ای به مکان‌های تهدید و خطر برای برقراری انضباط، کنترل و اداره تبدیل شده‌اند.

- مهمترین هدف تغییر حاکمیت شهری شامل رقابت فزاینده بین شهرها به منظور دستیابی به رشد اقتصادی همه جانبه است. جهانی شدن بازارها، تولید، فناوری و

عمده‌ترین تغییر در زمینه مفهوم رژیم‌های شهری، زوال شهرکینزی - نیودیل و پیدایش شهرکارآفرینی است. در حالی که کینز طرح نظریه‌ی دولت فعال در جوامع سرمایه دار را طراحی کرده، «برنامه اصلاحات اقتصادی - اجتماعی روزولت»^{۲۰} به آن جنبه‌ی عملی بخشیده است. حکومت روزولت در مواجهه‌ی با مسئله‌ای به نام بیکاری عظیم در سال ۱۹۳۳ اقداماتی را شروع نمود که به آن وسیله برای افزایش ظرفیت چرخه اقتصادی به منظور جذب بیکاری و تضمین ثبات اجتماعی، از بودجه‌ی حکومت استفاده کرده است. از دهه ۱۹۸۰ به اینطرف، با کاهش هزینه‌ها و بودجه‌های اجتماعی و نیز کاهش پایه‌ی مالیات در بسیاری از شهرهای صنعتی، شهر کارآفرینی جایگزین شهرکینزی نیودیل شده است. در مجموع می‌توان عمده‌ترین ویژگی‌های شهرکارآفرین را مشتمل بر موارد زیر دانست:

- در شهر کارآفرین، مقامات شهری به دنبال دستیابی به پول بیشتر، به جای هزینه هستند و حتی بودجه‌ها و مخارج آنها بیشتر به سمت ایجاد شرایط مطلوبی برای تجارت است؛ به طوری که امروزه شهرها به مکان تجارت تبدیل شده‌اند، نه مکان سکونت.

- تغییر از «شهرکینزی نیودیل» به «شهر کارآفرینی»، موجب تغییر فرهنگ سیاسی شده و شهری غیرانسانی و ضد بشری را به وجود آورده است. به گونه‌ای که در شهر کارآفرینی مردم به عنوان ساکنان و شهروندان شهر به

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۷

اقتصاد، نوسازی اقتصاد جهانی و گردش سرمایه، نشانه‌های روشن و آشکاری از رقابت فزاینده بین شهرها هستند.

اما در این رابطه مهمترین سوالی که ذهن اندیشمندان را به خود جلب کرده، این است که چه کسی ذینفع اصلی این تغییرات است؟ در این زمینه دو تفسیر متضاد و چالش برانگیزی وجود دارد.

۱. تفسیر اول مربوط به «پترسون»^{۲۱} (۱۹۸۰) می‌باشد، وی مدعی است که رشد اقتصادی شهرها به همه‌ی ساکنان سود می‌رساند، به علت اینکه هر پروژه‌ی توسعه آمیز برای کل شهر اثرات مثبت و مفیدی به همراه خواهد داشت؛ به این معنا که با رشد اقتصاد شهر تمام ساکنان از نفع آن بهره می‌گیرند و در واقع سعادت و رفاه همگانی را بوجود می‌آورد.

۲. در تضاد با دیدگاه پترسون، گروهی از اندیشمندان بر این باورند که رشد اقتصادی به معنای پیشرفت سعادت عمومی نیست. ایدئولوژی و سیاست‌های فراقینزی، نهادهای سازموسسات تجاری کارآفرینان منطقه‌ای را تشویق می‌کند. «اخلاق رشد آن‌ها» - رشد خوب است - به منظور حذف تمام دیدگاه‌های بدیل مربوط به اهداف حکومت شهری محلی یا اجتماع می‌باشد. ائتلاف از تاریخ‌های محلی، فرهنگ و عقایدی کمک می‌پذیرد، که زیربنای فعالیت هایش را تشکیل داده است. «پک و تیکسل» (۱۹۹۵) نقش ائتلاف‌های رشد را به سه دسته تقسیم کرده‌اند، نخست وابستگی اهداف رفاه‌گرا به ضرورت‌های عمده رشد و رقابت پذیری محلی؛ دوم تشدید رقابت مکان محور برای سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی؛ و سوم شکل‌گیری لایه‌ی جدید بازیگران سیاسی تجاری در سطح محلی. موسسات تجاری به عنوان یک پدیده سیاسی و سپس پدیده‌ای نهادینه شده تثبیت می‌شوند. حکومت شهر کمتر به کنترل یا تنظیم تجارت محلی می‌پردازد، بلکه بیشتر بر ارتقای رشد اقتصادی محلی تمرکز می‌کند؛ به گونه‌ای که بازاربایی شهری به نیروی اصلی و در حال رشد توسعه‌ی اقتصادی شهری جدید تبدیل شده است (شورت، ۱۳۸۸).

به عنوان نتیجه‌گیری از مفهوم رژیم‌های شهری می‌توان

به تعریف و شاخص‌های «موسبرگر» و «استوکر» (۲۰۰۱) استناد کرد. آنها معتقدند که رژیم‌های شهری، ائتلاف‌هایی بر مبنای شبکه‌های غیر رسمی و روابط رسمی می‌باشد که عمده‌ترین شاخص‌های آن عبارتند از: شراکت‌کنندگان از منابع دولتی و غیردولتی اند و به مشارکت بخش تجاری نیازمندند؛ مشارکت آنها بر مبنای تولید اجتماعی است، به این معنا که برای اجرای امور هماهنگ نمودن گروه‌های مختلف و مجزا از هم ضرورت دارد؛ الگوی ائتلاف بر پیروی از هماهنگی‌های بلندمدت و نه کوتاه مدت قرار دارد (Mossberger and Stoker, 2001).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

به عنوان نتیجه می‌توان گفت جهانی شدن منجر به تشدید یکپارچگی و در همتنیدگی، افزایش حجم مراودات، فرا سرزمینی شدن نیازها و اثرگذاری، همگرایی هر چه بیشتر فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت‌های جهانی، چند فرهنگ‌گرایی، جهان وطن‌گرایی، دموکراسی و اهمیت یافتن روزافزون حقوق بشر شده است. گرچه جهانی شدن موجب افزایش ثروت شده، اما سازوکارهای مطلوبی برای باز توزیع مزایا در بین کشورها فراهم نساخته است؛ به گونه‌ای که میزان سرمایه‌گذاری، کالا، سیاست‌گذاری، اشتغال و فناوری‌ها به طور ناهمسان و نامتوازی در مناطق مختلف جهان توزیع شده‌اند. نمود جهانی این مساله در شهرها به صورت استقرار شرکت‌های چند ملیتی و به تبع آن سرمایه‌گذاری‌ها، در تعداد معدودی از شهرها، تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ، شکل‌گیری اجتماعات دروازه دار، افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. در این میان، شهرهای جهانی را می‌توان آیین تمام‌نمای جهانی شدن دانست، که به مرکز کنترل و فرماندهی، انباشت تجارت، سرمایه، موسسات و سازمان‌های مالی، شرکت‌های متعدد، سازمان‌های غیردولتی (NGO)، نخبگان، مرکز توزیع دانش و اطلاعات، خدمات حرفه‌ای پیشرفته، مراکز بانکداری

تجاری، بانکداری سرمایه، بیمه و خدمات مالی، مراکز اصناف و اتحادیه‌ها و شرکت‌های بزرگ، مهاجران، تنوع فرهنگ‌های مختلف، مکان برگزاری موسیقی، فستیوال‌ها و رویدادهای ورزشی و هنری تبدیل شده‌اند. در این راستا، سه راهبرد عمده در دست‌یابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر انگیزه‌های مالیاتی، اجرای پروژه‌های بزرگ مقیاس نظیر نوسازی بافت‌های فرسوده و نابسامان شهری و گسترش چند فرهنگ‌گرایی، تنوع و تسامح و تساهل فرهنگی مطرح شده است. افزون بر این، جهانی شدن باعث تغییرات بسیار زیادی در شهرها و رژیم‌های شهری شده است؛ به این معناکه ساختار شهرها همچون مناطق سیاسی تغییر پیدا کرده است. تعهد به رفاه در کشورهای توسعه یافته تضعیف شده است، و عقیده شهرها به عنوان مکان‌های زندگی جمعی به وسیله عقیده شهرها به عنوان مکان‌های معاملات اقتصادی، به چالش کشیده شده است. حاکمیت شهرکینزی از دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۸۰ به طول کشیده است. دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۸۰ نقطه‌ای اوج شهرکینزی بوده، چراکه در این دوره بین سرمایه و کار در مورد نقش حکومت اتفاق نظر وجود داشته است. بودجه‌ی دولت به نیازهای اساسی زندگی اختصاص یافته؛ به گونه‌ای که مساله بیکاری محدود و کنترل شده است. بودجه‌های دولت برای اجرای برنامه‌ها، اکثریت جمعیت را تحت پوشش خود قرار داده و آنها به تسهیلات بهداشتی به نسبت ارزان، مسکن، آموزش و رفاه اجتماعی دسترسی پیدا کردند که این امر عواقب اجتماعی مربوط به رکود اقتصادی را تعدیل داده است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد زوال شهرکینزی شروع شده است. رشد فزاینده‌ی مالیات دولت‌ها و استمرار تورم توأم با رکود اقتصادی که تعادل بودجه‌های دولت را مختل کرده از جمله دلایل موثر در زوال شهرکینزی است. گرچه باید خاطر نشان ساخت مهمترین عامل دخیل در افول شهرکینزی، زوال قدرت نیروی کار سازمان یافته بوده است. فقدان شغل‌های تولیدی و زوال اندازه و اهمیت نیروی کار سازمان یافته نشانگر پیشرفت صاحبان شرکتهای تجاری است. در آغاز دهه ۱۹۸۰ روایت کلان جدیدی به نام نئولیبرالیسم در جهان سرمایه داری حکمفرما شده، که محدودیت بودجه‌های دولت به ویژه بر روی برنامه‌های

رفاهی، کاهش یارانه‌های اجتماعی، آزادی بازارها، جهانی شدن اقتصادی و تحمیل محدودیت بر روی افزایش مالیات را در صدر برنامه‌های خود قرار داده است. نئولیبرالیسم بر کارآمدی کارآفرینی خصوصی، تجارت و بازار به نسبت آزاد، و به حداکثر رساندن نقش بخش خصوصی در حاکمیت سیاسی و اقتصادی می‌باشد. ماحصل نئولیبرالیسم پیدایش شهرکارآفرین بوده است. شهرکارآفرین بر کسب هرچه بیشتر سود، تجارت و خصوصی سازی نهادها و موسسات تاکید دارد. کاهش فضاهای عمومی، نیمه عمومی و نیمه خصوصی؛ جدایی گزینی اجتماعی و کاهش روابط متقابل و مرادوات اجتماعی؛ رقابت روزافزون به منظور رشد اقتصادی و کاهش هزینه‌ها؛ از بین رفتن امنیت و در نتیجه پیدایش اجتماعات دروازه دار از عمده‌ترین پیامدهای شهر کارآفرین بوده است. در مورد اینکه ذینفع اصلی شهر کارآفرین چه کسی است، عده‌ای از اندیشمندان بر این باورند که همه مردم از رشد اقتصادی آن سود می‌برند و عده‌ای دیگر نیز رشد اقتصادی را به معنای سعادت و رفاه عمومی نمی‌دانند.

منابع

۱. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) بررسی گفتمان‌های غالب در بحث جهانی شدن، نامه علوم اجتماعی، شماره بیست و هفت، صص ۱۵۷-۱۷۹.
۲. حافظ نیا، محمد رضا؛ کاویانی راد، مراد؛ کریمی پور، یدالله؛ طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۵) تاثیر جهانی شدن بر هویت محلی (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱-۲۱.
۳. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
۴. شورت، جان رنه (۱۳۸۰) نظریه شهری ارزیابی انتقادی، ترجمه دکتر کرامت الله زیاری و حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. صرافی، مظفر و محمدی، علیرضا (۱۳۸۹) الزامات مدیریت مناطق کلانشهری در فرآیند جهانی شدن با تاکید بر منطقه کلانشهر تهران، چاپ در اولین کنفرانس

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

- (ed.) A J Scott. Oxford University Press, Oxford.
19. Short, J. R. and Kim, Y.-H, (1999) *Globalization and the City*, London: Longman.
20. Stone, C. N. (1998) *Regime politics: Governing Atlanta, 1946-1988*. Lawrence, KS: University Press of Kansas.
21. Stone, Clarence N. (2005) "Looking back to look forward; reflections on urban regime analysis," *Urban Affairs Review*, 40(3), pp. 309-341
22. Valiyev and Savith, (2010), *Globalization, in urban studies*, Ed, Ray Hutchison, SAGE Publications, university of Wisconsin
23. Zhao, Simon X.B, Chan, Roger C.K, Sit, Kelvin T.O, (2003), *Globalization and the dominance of large cities in contemporary China*, *Cities*, Vol. 20, No. 4, p. 265-278.
- بین‌المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار، تهران.
۶. عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۳) *زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن*، *مجله پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۶۶.
۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) *عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای؛ جلد اول*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.
۸. کیم، یون هیوم، شورت جان رنه (۱۳۸۹) *شهرها و نظام‌های اقتصادی*، مترجم ابوالفضل مشکینی، فریاد پرهیز، علیرضا غلامی و حافظ مهدنژاد، در حال چاپ در انتشارات مرکز مطالعات شهرسازی و معماری، تهران.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، نشرنی، تهران.
10. Gottdiener, Mark and Budd, Leslie, (2005), *Key concepts s in urban studies*, Sage Publication: London, ThousandOaks, and New Delhi.
11. Graham, Stephen and Simon Marvin, (2001), *Splintering Urbanism: Networked Infrastructures, Technological Mobilities and the Urban Condition*, London: Routledge.
12. Hall, Peter, (1993) "The changing role of capital cities: six types of capital city," in JohnTaylor, Jean G. Lengellé and Caroline Andrew, Eds, *Capital Cities: International Perspectives*, Ottawa: Carleton University Press, pp. 69-84.
13. Hall, Tim and Phil Hubbard, Eds, (1998), *the Entrepreneurial City: Geographies of Politics, Regime and Representation*, Chichester: John Wiley & Sons.
14. Mossberger, Karen and Gerry Stoker, (2001), "The evolution of urban regime theory: the challenge of conceptualization," *Urban Affairs Review* 36(6), pp. 810-835.
15. Murray, Warwick E., (2006), *Geographies of Globalization*, London: Routledge.
16. Sassen, S. (1991) *the Global City*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
17. Sassen, Saskia, ed., (2000), *Global Networks, Linked Cities*, New York: Routledge.
18. Scott, A J, Agnew, J, Soja, E W and Storper, M (2001) *Globalcity-regions*, In *Global City-Regions: Trends, Theory, Policy*,

بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به عنوان بخشی از فضاهای شهری

از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED (مطالعه موردی: پارک ساعی)

نینا الماسی فر* - پژوهشگر دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
مجتبی انصاری - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Analysis of environmental safety of County Parks as an urban landscape based on womankind viewpoint (on the Basis of CPTED); Case study: Saie Park, Iran

Abstract: Environmental safety and citizens' perception of simulated natural environments towards utilization of urban landscapes and its applications are among the most significant standpoint of developed countries especially in scientific fields such as sociology, management and landscape design. Subjective and objective perception of safety refers to landscape structure and arrangements of its components. Certain criteria and standards of environmental safety should be developed so structure and arrangements of components could be figured out. In this regard, it could be pointed out to CPTED method which emphasizes on decreasing delinquencies by and through landscape design. Simply there are so many places and situations in which it is probable that men feel safe but women don't. Objective of the present study is to identify criteria and principals which emphasizes on details of women safety in society and various part of urban landscape that is essential needs and requirements which might be subjective yet have an effect on environmental efficiency. To achieve such goal in the present study number of individuals has been estimated and the environments have been rated based on the individual's concentration in each part. Considering such statistical data compared to data gathered by police division of park delinquencies, it has been recognized that absence of individuals is proportional to scale of delinquencies and misbehaviors. Subsequently women are asked to present their idea in a questionnaire based on CPTED principals on lack of safety in urban districts (especially in the case study park) and other places they are not willing to be. Finally it is concluded that in societies which have a deep tenets and cultural structures, CPTED method should have included detailed criteria of landscape design characteristics for women.

Keywords: landscape design, environmental safety, CPTED viewpoint, women viewpoint, Saie Park

چکیده

افزایش امنیت محیطی (بر پایه چگونگی دریافت افراد از محیط پیرامونشان) در راستای بهبود «کاربری فضاهای شهری» از مهم‌ترین رویکردهایی است که جوامع پیشرفته در زمینه علوم اجتماعی، مدیریتی و «طراحی محیط» بدان توجه دارند. آنچه از امنیت به عنوان دریافت عینی و ذهنی یاد می‌شود ناشی از ساختار و نحوه چیدمان محیط است؛ لذا برای افزایش آن بایستی معیارها و استانداردهایی برای طراحی فضاهای شهری در نظر گرفت. رویکرد CPTED از جمله رویکردهایی است که بر «کاهش جرائم توسط طراحی محیط» تأکید دارد. البته این قوانین بر پایه رفتارهای جوامع غربی شکل گرفته‌اند؛ نکته مهمی که کمتر بدان پرداخته شده، «عامل جنسیت و توجه به اقلیت مختلف زنان» است (با توجه به ادراک متفاوت از امنیت در جنس زن و مرد). هدف از این تحقیق، مشخص نمودن معیارها و ضوابطی است که مشخصاً به جزئیات ریزتر احساس امنیت در رابطه با قشر زن می‌پردازد؛ خواستگاه‌هایی که شاید تنها در حد دریافت ذهنی بوده و بالواقع وجود خارجی نداشته باشند، ولی در هر صورت کارایی محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای نیل به این هدف، در نمونه مورد نظر در مقاطع مختلف، «شارش افراد» اندازه‌گیری شده است. از مقایسه میزان حضور آقایان و خانم‌ها در سطح پارک (بر پایه میزان شارش) می‌توان به میزان تفاوت حضورشان در هر مسیر پی برد. در ادامه از خود زنان تحت پرسش نامه‌ای (بر پایه رویکرد CPTED) خواسته شده که زمینه‌های کاهش احساس امنیت را در فضاهای شهری (پارک مورد نظر و به ویژه فضاهایی که کمتر استفاده می‌کنند)، شرح دهند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد در کشورهایی که ساختار فرهنگی و اعتقادی عمیق تری وجود دارد، بایستی رویکرد CPTED معیارهای ریزتر و جزئی تری را در ارتباط با زنان در شاخصه‌های طراحی محیط لحاظ نماید.

واژگان کلیدی: احساس امنیت محیطی، رویکرد CPTED، دیدگاه زنان، پارک ساعی.

پیشگیری‌های مورد نیاز برای کنترل و محافظت مؤثر جرایم به نظر رسد. هدف از این تحقیق، افزایش آگاهی و دانش کاربران، معماران و طراحان شهری در زمینه مفاهیم و اصول CPTED و تعیین اهداف جدید در زمینه افزایش کارایی آن در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌باشد. رویکرد مذکور به دنبال افزایش ایمنی و امنیت توسعه و کاهش فرصت بروز جرایم است. این تحقیق با معرفی قوانین، بسط و ارائه پیشنهاداتی در زمینه چگونگی کاربرد بهینه و کارآمد اصول این رویکرد در جوامع اسلامی و سنتی با توجه به سطح امنیت محیطی به ویژه برای اقشار آسیب پذیر، بالاخص زنان به دنبال بالابردن کاربری و کیفیت محیط دست‌ساز بشر است.

روش تحقیق

این تحقیق در حوزه ادبیات نظری، یک «تحقیق تجربی» و در حوزه «مطالعات میدانی»، «روش پیمایشی» با «ابزار گردآوری داده» به صورت «مشاهده» و «پرسشنامه» می‌باشد. در زمینه «تحلیل اطلاعات»، با استفاده از «روش همبستگی» روابط بین «احساس امنیت زنان» و «نحوه طراحی محیط» مورد مطالعه قرار گرفته است. از آن جاکه دریافت انسان‌ها از محیط و بررسی تفکر آن‌ها «کیفی» است، روشی‌هایی که در این تحقیق انتخاب شده، «تحلیل کیفی» از جمله «روش تحلیل محتوا» (فرافکنی: بررسی محتوای پیام موجود در مسیرهای انتخاب شده توسط زنان بر روی نقشه پارک) می‌باشد. در زمینه هدف، یک پژوهش تطبیقی و ارزشیابی است، زیرا می‌خواهیم با بررسی شرایط موجود و بر اساس مجموعه‌ای از ضوابط و معیارهای معین نسبت به آن چه که باید باشند، داوری و ارزشیابی کنیم. برای برداشت اطلاعات از محیط، پرسش‌نامه‌ای تهیه گردید که سؤال‌های پرسش‌نامه بر اساس معیارهای تحقیق انتخاب گردیده‌اند. سؤالات در دو گروه: «سؤالات تشریحی» و «مشخص نمودن مسیر حرکت در پارک» و «سؤالات چند گزینه‌ای طراحی» شده‌اند. «متغیرهای ثابت و کنترل» به شرح زیر می‌باشند: تمام پرسش‌نامه‌ها در محوطه پارک ساعی پخش شده‌اند که این به نوعی

«جرم» و «ارتکاب جرم» در جوامع امروزی به عنوان یک مشکل اجتماعی که همه ساله بر زندگی هزاران تن از شهروندان تأثیر سوء می‌گذارد، به شمار می‌آید. تهدیدات و خشونت‌های جدی بر ضد مردم و دارایی هایشان، وحشت قابل توجهی در اجتماع پدید می‌آورد. جرم‌هایی از قبیل دزدی، تجاوزات و قتل و ربودن، در اصل تهدیدات جدی بر علیه ایمنی و امنیت جامعه می‌باشند. ترس ناشی از این قبیل جرم‌ها به خودی خود می‌تواند آزادی رفت و آمد شهروندان را محدود کرده و مانع از حضور و شرکت آنان در عرصه جامعه گردد؛ به ویژه که برخی از گروه‌های اجتماعی، در برابر جرم و ترس از آن بسیار آسیب پذیر می‌باشند، از قبیل افراد مسن، زنان، والدین و کودکان و نوجوانان؛ بدین منظور راهکارهای متعددی برای مقابله با انواع پیچیده جرم و ترس از آن مورد نیاز است. تمام سطوح راهکارهای جوابگوی مربوط به طراحی، کارکرد اجتماعی و محدودیت‌های قانونی در راستای رسیدن به هدف مقابله با جرایم محیطی، در این زمینه کارا می‌باشند. در این ارتباط باید اذعان داشت که طراحان، معماران، شرکت‌های مربوطه می‌توانند نقش بسیار مهمی را در افزایش ایمنی و امنیت در جوامع (به این عنوان که آنان تأثیر بسزایی در طراحی محیط دست ساز بشر دارند) ایفا کنند. جوامع از گذشته به پلیس و سیستم‌های قضایی و حفاظت آنان از طریق ارباب جرایم و مجازات مجرمان، برای امنیت خود روی آورده‌اند. حال آن که سهل انگاری عمومی در رابطه با حفاظت از خویشتن به شدت ناشی از کمبود و یا نبود آگاهی از معنای حفاظت می‌باشد.

از سوی دیگر، «مقابله با جرایم از طریق طراحی محیط» (CPTED) اثبات می‌کند که جامعه، مالکان خانه‌ها، طراحان و عوامل توسعه و معماران می‌توانند نقش بارزتری را در حفاظت و کنترل جامعه و خودشان در مقابل جرایم از طریق اعمال تمام و کمال اصول و مفاهیم CPTED در طراحی و مدیریت محیط فیزیکی و انسان‌ساز ایفا نمایند. در این رابطه، رویکرد حاضر ممکن است به عنوان زیر مجموعه‌ای از اقدامات و

متغیر فضای ثابت را حفظ می‌کند؛ شرایط آب و هوایی برای همه افراد یکسان بوده و جنسیت نیز به عنوان متغیر کنترل لحاظ گردیده است:

- شرایط آب و هوایی برای تمام افراد مشابه بوده است (شرایط جوی کنترل گردیده)؛ و

- پرسشنامه‌ها توسط خانم‌های داخل پارک که به صورت مستمر از پارک استفاده می‌کنند، تکمیل شده است (با سایت پلان پارک آشنایی دارند)؛ و

- سن افراد نیز در مطالعه پارک مورد توجه قرار گرفته است.

محدوده مطالعاتی

پارک ساعی در سال ۱۳۳۷ توسط «زننده یادکریم ساعی» در تپه‌های عباس‌آباد احداث گردید. این بوستان، ۱۲ هکتاری از ضلع شمالی به کوچه ساعی، جنوبی به کوچه گلبرگ، شرقی به خیابان خالد اسلامبولی و غربی به خیابان ولیعصر محدود می‌شود. مهمترین ویژگی این پارک جنگلی، ساختار توپوگرافی آن می‌باشد که مطابق با فرم دره، شیب زمین و بدون دخل و تصرف در بستر طراحی شده است. از زیبایی‌های موجود در پارک، درختان سرو، کاج و آب‌نماهای آن می‌باشند که هنرمندانه با یکدیگر ترکیب گشته‌اند.

سؤالات تحقیق

در این تحقیق به بررسی «تعامل بین انسان» (مطالعه ویژه زنان) و «محیط مصنوع» پرداخته شده است، و به طور خاص هدف این تحقیق، مطالعه نحوه تأثیر محیط بر روی قشر زن و چگونگی برداشت آنان از فضاهای عمومی به ویژه پارک‌ها می‌باشد که بر اساس الگوی ارائه شده، تأثیر عوامل ده گانه CPTED بر روی زنان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به علاوه از طریق سؤالات پرسش‌نامه می‌توان اصولی در زمینه طراحی فضاهای شهری را نیز استخراج نمود و در طراحی‌های آتی مدنظر قرار داد. برای نیل به هدف مورد نظر پرسشنامه‌ای در غالب دو صفحه طراحی شد. معیارهای اصلی تدوین این پرسش‌نامه در جهت رسیدن به پاسخی نو در جواب به پرسش‌های زیر شکل گرفته است: «خانم‌ها بیشتر از چه

فضاهایی از پارک استفاده می‌کنند و به چه دلیل؟ فضاهایی که کمتر توسط خانم‌ها استفاده می‌شود کدام قسمت‌های پارک می‌باشد؟؛ دلیل عدم استفاده از چنین فضاهایی چیست؟؛ و این دریافت‌های ذهنی تا چه اندازه با اصول CPTED هم‌پوشانی دارد؟»

برای رسیدن به جواب، هر بخش از سوال‌های اولیه در غالب چندین سؤال در پرسشنامه مطرح گردیده است. سوالات پرسش‌نامه مورد نظر بر پایه مدل ساماندهی فضای شهری، رویکرد CPTED، طراحی گشته و در آن از خانم‌ها خواسته شد تا دلایل ذهنی و برداشت شخصی خود را از فضاهایی که در آن‌ها احساس ناامنی می‌کنند شرح دهند.

امنیت

«امنیت» [Security] از ریشه لاتین «securus» که در لغت به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه است»، می‌باشد. بنابراین معنای لغوی امنیت، «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است» (ماندل، ۱۳۷۹، ص ۴۴).

امنیت در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است. در «فرهنگ علوم رفتاری» نیز دو معنا از این واژه ارائه شده است:

- «یک حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌شود» و

- «دوم احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که در نهایت از سوی طبقه‌های اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود.»

به طور اصولی، انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد و در این میان مهم‌تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. برخی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه، مهم‌تر از وجود امنیت در آن می‌دانند؛ زیرا ممکن است در جامعه‌ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیس وجود داشته باشد، اما فرد احساس امنیت نکند، به عبارت دیگر موضوع امنیت از فرد شروع و به خانواده جامعه و در



نهایت نظام بین المللی ختم می شود. در شهر امن، ایمنی در فضاهای شهری تأمین شده و فرد در شهر احساس امنیت خاطر و فقدان خطر می کند (صالحی، ۱۳۸۷، صص ۸۶-۹۲).

امنیت محیطی

در زمینه «امنیت محیطی» و درک ناامنی محیط، خواستگاه های مختلفی وجود دارد. دریافت پدیده ناامنی، دو جنبه «ذهنی» و «عینی» را در کلیه عرصه ها در بر می گیرد؛ که «مقوله عینی»، وقایعی چون سرقت، و خشونت و «جنبه ذهنی»، دریافت ذهنی در خصوص امنیت منطقه و فضا را شامل می گردد. از لحاظ کمی می توان ناامنی را بر پایه میزان و یا تعداد خشونت ها، تعداد مکان های وقوع جرم، ماهیت و جنسیت و سن افراد قربانی محاسبه نمود. آن چه در مقوله دریافت ذهنی از ناامنی در بعد نمادی و فرهنگی جامعه درک می شود، معمولاً با احساس اضطراب و چالش همراه است که بیشتر در فضاهای جمعی دنیای صنعتی به عنوان مثال پارک های شهری، متروها، و مجتمع های مسکونی شاهد آن هستیم. مفهوم ناامنی، علی رغم کنترل بیش از حد پلیس، هنوز یکی از ویژگی های اجتماعی خطرناک در جامعه به شمار می رود (ربانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱). ارتکاب اعمال مجرمانه، موجب بروز ناامنی و در پی آن باعث ایجاد اضطراب در شهروندان می گردد. احساس ناامنی موجب پدید آمدن گروه هایی می شود که نقش پلیس را ایفا می کنند و اتخاذ تدابیری را به دنبال دارد که هدفشان پیشگیری می باشد. در روند پیشگیری، نه تنها عوامل پلیس بلکه تمام شهروندان و طراحان محیط و فضاهای شهری نیز همکاری کاملی دارند. بررسی ساختار عوامل مؤثر در وقوع جرم در فضاهای شهری سطوح مختلفی را در بر می گیرد که مراتب انجام جرم را تغییر می دهد:

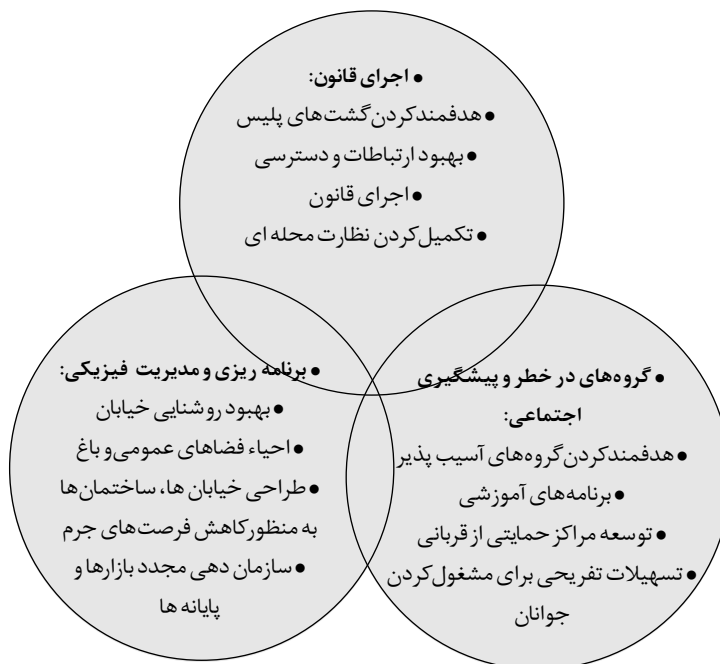
- «سطح کلان» (Macro): عوامل مؤثر در پیدایش آنومی در جامعه (فراشهری)؛ و
- «سطح میانه» (Medium): عوامل مؤثر در پیدایش آنومی در هر شهر؛ و
- «سطح خرد» (Micro): عوامل مؤثر در پیدایش

آنومی در مکان ها و موقعیت ها (فضاها).

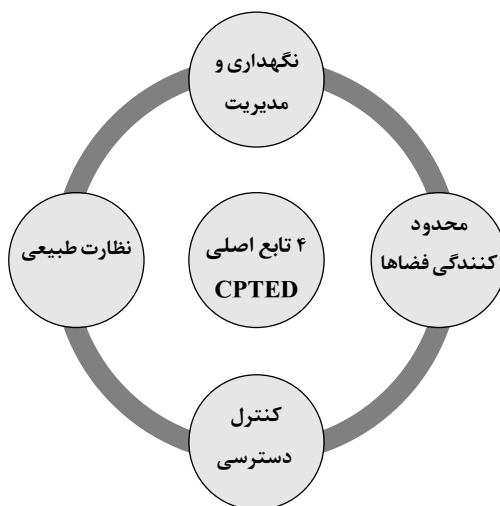
مطالعه مفهوم «فضای شهری امن»، نمی تواند محدود به خرد فضاها باقی بماند و در هر صورت عوامل مؤثر سطوح بالاتر، سطوح پایین تر را تحت شعاع قرار می دهند. لذا با کنترل امنیت در فضاهای کلان، می توان مانع از ریزش جرم به فضاهای پایین تر شد. برای ایجاد احساس امنیت و حفظ ایمنی فضاها در سطوح مختلف روش ها و روندهای گوناگونی از طریق صاحب نظران و کمیته های بین المللی ارائه گردیده است که هر یک به نوعی با تمهیداتی در پی رسیدن به «فضای شهری امن» بر آمده اند (صالحی، ۱۳۷۸، صص ۱۰۷-۱۱۴).

بر پایه پژوهشهای علوم اجتماعی و جامعه شناسی مشخص گردیده که رابطه مستقیمی بین امنیت محیطی «فضای شهری امن» و درک امنیت و خوانایی و طراحی محیط وجود دارد، یعنی هر چه فضا خواناتر و طراحی محیط بر پایه اصولی باشد که در رویکردهای امنیت محیطی مطرح شده، محیط از امنیت بالاتری برخوردار است. رویکردهای جدید طراحی محیطی نیز بر این نکته تأکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و اعمال ضوابط ویژه در آن ها، می توان به میزان گسترده ای از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری کرد. در اصل، «تقویت انگیزه های اجتماعی جامعه» و «ارتقاء نظارت عمومی در کنار افزایش شفافیت فضاهای عمومی» و «عناصر مستقر در محیط های شهری» و «رفع نابسامانی های کالبدی و منظر بخشی»، از سازوکارهای ایجاد محیط امن شهری می باشند. اکنون در جوامع پیشرفته رویکردها در جهت طراحی کارآمد و بکارگیری بهینه کلیه عناصر موجود در محیط مصنوع شکل می گیرند. دو محقق کانادایی، «وکرل» و «وایتزمن»، سه عامل را به منظور افزایش ایمنی و امنیت در فضای شهری بیان می کنند:

- ۱- «آگاهی از محیط»؛ و
 - ۲- «قابلیت مشاهده توسط دیگران»؛ و
 - ۳- «دسترسی سهل به کمک رسان در صورت نیاز».
- «بت ترلا» (۲۰۰۴) سه رکن اساسی در پیشگیری از جرم را در حوزه «قانون»، «پیشگیری های اجتماعی» و «برنامه ریزی و طراحی های مناسب محیطی» می داند که



تصویر ۱. سه رکن اساسی پیشگیری از وقوع از دید ترلا (۲۰۰۴)



تصویر ۲. فلوجارت اصول اصلی CPTED؛
(مأخذ: WWW.ncpc.org, 2009)

بدون توجه به آن نمی‌توان از جرائم قابل انتظار در محیط کاست (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷، صص ۷۴-۷۵). «مرکز بین‌المللی جرائم» (NICP, 2006)، طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته شده را عامل مناسب برای کاهش جرائم و بهسازی کیفیت زندگی می‌داند؛ به علاوه توجه به امنیت را سرلوحه اصول اولیه طراحی محیط مصنوع قلمداد می‌کند.

CPTED و اصول طراحی محیط

CPTED در معنا یعنی جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی که می‌توان بر پایه جدول زیر روش‌های گوناگون پیش‌برد این هدف را طبقه‌بندی نمود (تصویر شماره ۲): این روش خود یک ساختار سه بعدی را در بر می‌گیرد که به آن شکل می‌بخشد؛ یک راهنمای تشخیص فضایی ساده که به استفاده‌کننده در تعیین نمودن و تشخیص یک فضا (چگونه طراحی شده) یاری می‌رساند. این سه دستور خود بر پایه سه تابع «نقش‌آ»، «تعریف‌آ» و «طراحی‌آ» شکل گرفته است:

2. Designation
3. Definition
4. Design

- تمام فضاهای انسانی (دست ساز) با اهداف و کارکردهای خاصی شکل گرفته اند؛ و
 - تمام فضاهای انسانی معنای فیزیکی، منطقی، قانونی، فرهنگی و اجتماعی دارند که رفتارهای مطلوب و مورد قبول در آن فضاها را تعریف می کند؛ و
 - فضاها برای وقوع رفتارهای خاصی شکل می گیرند.
 - بر اساس این تعریف، نحوه استفاده فضاهای انسانی و دقت به خوانا بودن آن ها، از جمله مهمترین نکاتی است که در طراحی محیط می بایستی در نظر گرفته شود. بر اساس رویکرد حاضر در طراحی فضاهای شهری امن، نکات و شاخص های مهمی وجود دارد که بایستی توسط طراحان در ساختار طراحی لحاظ شود که زیر شاخه های چهار اصل ذکر شده در رویکرد CPTED می باشند و از آن ها به عنوان برنامه ریزی و استراتژی های طراحی به منظور افزایش امنیت یاد می گردد:
 - «خطوط و زاویه دید روشن و واضح»؛ و
 - «فراهم نمودن نور کافی»؛ و
 - «کاهش فضا و مسیرهای جدا و مخفی»؛ و
 - «اجتناب از فضاهایی که در آن ها امکان غافلگیری و
 - خطر وجود دارد»؛ و
 - «کاهش فضاهای تفکیک شده»؛ و
 - «استفاده بهینه از فضاها (استفاده چند منظوره)»؛ و
 - «استفاده از فعالیت های بهینه و کاربری بخشیدن به فضا»؛ و
 - «ایجاد حس مالکیت به منظور نگهداری و حفظ فضا»؛ و
 - «استفاده از علائم و نشانه ها»؛ و
 - «پیشرفت طراحی و بهبود کیفیت آن در زمینه طراحی محیط».
- هر کدام از این شاخص های طراحی نیز به نوبه خود زیر شاخه هایی دارند که به کمک آن ها می توان به مقصود مورد نظر رسید. از این معیارها می توان برای بررسی امنیت محیطی؛ اینکه یک فضای شهری، امنیت لازم برای بهره گیری شهروندان را دارا است یا نه؟ و برای تعیین میزان امنیت فضاها بهره جست که در جدول زیر به برخی از آن ها اشاره شده است (مؤسسه بین المللی مبارزه با جرم توسط طراحی محیط، ۲۰۰۳، صص ۳-۲۹).

جدول ۱. بررسی عوامل و شاخصه های مهم در طراحی بر پایه اصول CPTED؛ ماخذ: نگارندگان.

مؤلفه ها	فضاها و روش های دستیابی به هدف
دید و نظارت عمومی	نحوه کاشت گیاهان به گونه ای که مانع دید نشود؛ در هنگام طراحی رشد ۲۰ سال آینده گیاه و این که برگ ریز یا همیشه سبز بودن آن مورد توجه قرار گیرد؛ از موانع بلند و زاویه های بسته و بوته های پر برگ و حجیم که مانع دید می شوند در طراحی اجتناب نمود.
نور و روشنایی	چراغ های داخل پارک؛ نوردهی کاربری های ساخته شده.
مسیرهای مخفی و جدا افتاده	مسیرهایی بن بست؛ مسیرهایی که در چرخه گردش قرار ندارند؛ مسیرهای باریک و مخفی پوشیده شده با گیاهان؛ مسیرها و فضاهایی که به
	استفاده از دوربین های مدار بسته؛ قراردادن کیوسک های اطلاع رسانی؛ ایجاد کاربری های خدماتی؛ نورپردازی مناسب؛ دید طبیعی از فضاهای دیگر به فضای مورد نظر؛ در صورت وجود امکان غافلگیری بایستی از ۵۰ تا ۱۰۰ متر قبل این آگاهی داده شود؛ سعی شود از پوشش های گیاهی با تنه های بلند استفاده شود و از کاربرد بوته ها و استفاده بیش از حد گیاهان همیشه سبز

دلیل عدم بهسازی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.	ممانعت به عمل آید.
فضاهایی که محیط گردش جدا از مسیرهای اصلی پارک دارند؛ فضاهایی که کابری خاصی برای آن در نظر گرفته نشده.	استفاده از کاربری مناسب در فضا تا حالت دعوت‌کنندگی داشته باشد؛ طراحی بهینه منظر تا با خوانا بودن و امکان دید داشتن بیننده را به سوی خود فراخواند؛ وجود مسیرهای مختلف مفر در هنگام بروز خطر در چنین فضاهایی.
فضاهای شهری پارک‌ها فضاهای جدا افتاده‌اند.	در پارک‌ها استفاده از کاربری‌هایی چون کتابخانه و فضای بازی کودکان.
در فضاهای شهری در پارک‌ها	با ایجاد بخش‌های ورزشی و فضای کمپینگ؛ ایجاد فضاهای بازی و تفریحی؛ ایجاد فضاهای آموزشی یا ارائه خدمات؛ پخش چنین فعالیت‌های در سطح پارک برای ایجاد تعادل.
در فضاهای مخفی و جدا افتاده؛ در فضاهای پیچیده و با وسعت زیاد.	توجه به چگونگی طراحی علائم که خوانا و مشخص باشند؛ پیغامشان کافی و مشخص باشد؛ استفاده از مصالح و مواد مناسب؛ قابل استفاده برای تمام اقشار چه باسواد و چه بی‌سواد.
فضای پارک‌های محلی؛ پیاده‌راه‌ها؛ فضاهای عمومی شهری	ایجاد حس قلمرو در افراد تا احساس مالکیت ایجاد شود؛ طراحی مناسب فضایی برای دعوت‌کنندگی.
-	اهمیت کیفیت و زیبایی؛ زیبا و باکیفیت طراحی شوند که افراد از کاربرد آن لذت ببرند؛ وضوح و روشنی ساختار آن؛ باید به راحتی قابل فهم و درک باشند؛ پرهیز از فضاهای بدون کاربری که اهداف طراحی روشن و واضح نباشد؛ در ساعات شب نیز کاربری داشته باشند؛ از مصالح مناسب در زمینه رنگ، شکل و بافت برای دعوت‌کنندگی یا عدم دعوت‌کنندگی استفاده کنیم.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۷ ■

جدول ۲. راهکارها و پیشنهادات اجرایی؛ ماخذ: پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۷۸.

راهکارها و پیشنهادات اجرایی در اصول مطروحه در رویکرد CPTED	
تقویت قلمروهای طبیعی	<p>(۱) به‌کارگیری مستمر فضاها به وسیله کاربران از طریق راهکارهای طراحی محیطی.</p> <p>(۲) استفاده از تابلوها، علائم و نشانه‌های بصری از طریق هنر ارتباط تصویری.</p> <p>(۳) افزایش نظارت‌های طبیعی و گسترش حس مالکیت از طریق نهادهای اجتماعی.</p> <p>(۴) بکارگیری استراتژی‌های بازدارندگی بوسیله ارگان‌های برنامه‌ریزی اجتماعی.</p> <p>(۵) استفاده از محوطه‌سازی، حفاظ و نرده در طراحی شهر.</p>
کنترل دسترسی	<p>(۱) استفاده از موانع مسدودکننده مانند دیوارها، حصار و نرده.</p> <p>(۲) آگاهی دادن به مردم از مکان ورودی‌ها و خروجی‌ها.</p> <p>(۳) استفاده از زیرساخت‌های شهری مناسب مانند پوشش کف، جداره و محوطه‌سازی.</p> <p>(۴) نورپردازی مطلوب و کافی بر دروازه‌ها، ورودی و نوع سیستم دسترسی.</p>

<p>نظارت طبیعی</p>	<p>۱) رعایت استانداردهای مبلمان شهری مانند چراغ‌های روشنایی. ۲) ایجاد کاربری‌های مناسب در فضاهای شهری. ۳) التفات به نحوه دسترسی‌ها به فضاهای عمومی. ۴) جای دهی کیوسک‌های تلفن و روزنامه فروشی یا دکه‌های سیار در مناطق جرم خیز. ۵) امکان دهی به حضور انسان‌ها با تسهیلات خدماتی. ۶) افزایش دید طبیعی با وجود پوشش گیاهی.</p>
<p>حمایت از فعالیت‌های اجتماعی</p>	<p>۱) اصلاح برنامه‌ریزی فضایی از طریق استفاده کارآمد از فضاهای شهری. ۲) ایجاد تراکم در فعالیت‌های اجتماعی در مناطق جرم خیز. ۳) قراردهی فعالیت‌های اقتصادی خاص در مکان‌های همجوار نیروهای انتظامی. ۴) جای دهی فعالیت‌های خدماتی در مناطقی که نظارت عمومی کمتری دارد. ۵) قرار دادن فضاهای خاص در مناطق پر تراکم.</p>
<p>تعمیر و نگهداری</p>	<p>۱) تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری از جمله تابلوها و علائم ارتباطی. ۲) حفاظت از آسیب رساندن به تجهیزات شهری مانند حفاظ‌دار کردن چراغ‌های معابر. ۳) منظرسازی بر اساس معیارهای افزایش دهنده دید و نظارت.</p>

امنیت فضاهای شهری در دیدگاه زنان

عمومی چه محل کار، و پارک موجب تلطیف و کاهش خطرات محیطی می‌شود، طراحان را بر آن می‌دارد تا شاخص جنسیت را جزو اصول اصلی طراحی خود قرار دهند. در زمینه امنیت محیطی، کشورهای اسلامی برنامه‌ها و راهکارهای گوناگونی را به منصفه ظهور رسانده که رویکردهای قوانین اسلامی و اعتقادی در این زمینه دخیل بوده‌اند. لذا دامنه معیارهای امنیت محیطی در این کشورها هم‌گسترده بوده و هم از اهمیت بالایی برخوردار است. در این تحقیق به صورت موردی در پارک ساعی سعی شده تا برخی از این خواستگاه‌ها از دیدگاه خود زنان مورد بررسی قرار گیرد.

بیان رویه تحقیق و مطالعات میدانی

به منظور بررسی اولیه جهت تعیین طبقه بندی مسیرهای پارک در زمینه تراکم و میزان استفاده افراد در طول یک هفته، میزان شارش افراد از مسیرهای مختلف در طول چهار دقیقه مورد بررسی قرار گرفت (این مطالعات شامل تفکیک جنس افراد، متغیر سن، و نشسته یا در حال حرکت بودن آن‌ها می‌باشد) (تصویر ۳). بر اساس بررسی‌های به دست آمده قادر خواهیم بود تا مشخص نماییم در طول روز از چه فضاهایی به

امروز در جوامع پیشرفته، «جایگاه زنان» به یکی از نکات اصلی طراحی شهری بدل گشته است، به گونه‌ای که خواستگاه آنان در زمره شاخصه‌های اصلی طراحی به شمار می‌رود. توجه به حضور فعال زنان در دامنه فعالیت‌های روزانه، زمینه‌ای را می‌طلبد تا به راحتی بتوانند به فعالیت‌های روزانه خود بپردازند (این خواستگاه‌ها تمام زمینه‌های کاری، اداری و تفریحی آنان را در بر می‌گیرد). اصول طراحی فضاهای شهری در زمینه، فراهم نمودن امنیت محیطی به صورت کلی تمام اقشار جامعه را مد نظر قرار می‌دهد، ولی نکته مهمی که گاه از دید طراحان پنهان می‌ماند، توجه به «جنسیت افراد در بهره‌گیری از فضاهاست»؛ چه بسا فضاهایی که به راحتی برای جنس مذکر قابل بهره‌گیری است، ولی برای جنس مؤنث کارایی چندانی ندارد. احساس امنیت با توجه به خصوصیات جنسی نیز متغیر است و توانایی جسمی و قدرت دفاع شخصی نیز به نوعی دریافت انسان از امنیت را تحت شعاع قرار می‌دهد. بر اساس ضوابط امنیتی فضاهای عمومی (مطالعه موردی پارک) باید به گونه‌ای طراحی شوند تا توسط تمام افراد قابل استفاده باشند. توجه به این مطلب که حضور زنان در فضاهای

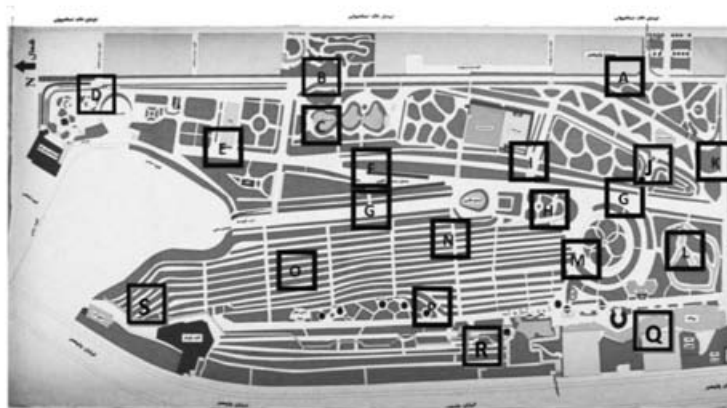
چه اندازه ای و با چه جنسیتی بهره‌گیری می‌شود، که رنگ قرمز میزان رفت و آمد متوسط در ساعات پر تراکم بین ۳۰ تا ۲۰ نفر و کم تراکم بین ۱۰ تا ۴ نفر؛ رنگ نارنجی ۲۰ تا ۱۰ نفر در ساعات پر تراکم و ۸ تا ۵ نفر در ساعات کم تراکم، رنگ زرد ۱۰ تا ۵ در ساعات پر تراکم و ۴ تا ۲ نفر در ساعات کم تراکم و رنگ بنفش ۵ تا ۰ نفر در ساعات پر تراکم و ۱ تا ۰ نفر در ساعات کم تراکم؛ البته شرایط جوی این اعداد را تحت تأثیر قرار خواهند داد. (تصویر شماره ۴ و ۵)

وقتی محدوده نقاط جرم خیز پارک که قبلاً در آن فضاها جرمی رخ داده (بر پایه اطلاعات موجود در پلیس پارک) با لایه به دست آمده از مطالعات میدانی مقایسه شود؛ هم پوشانی این محدوده‌ها مشخص می‌گردد و این نکته

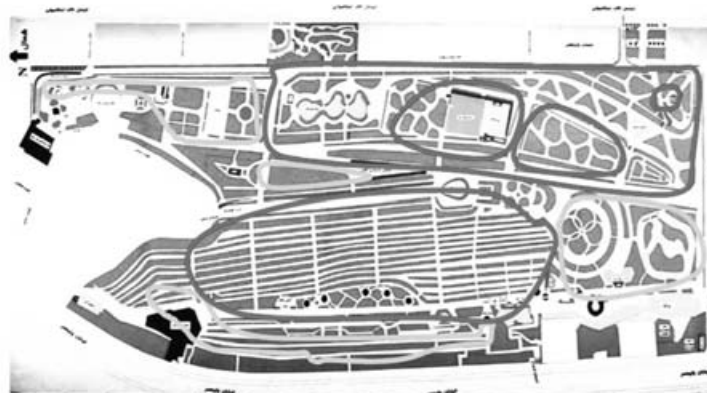
مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

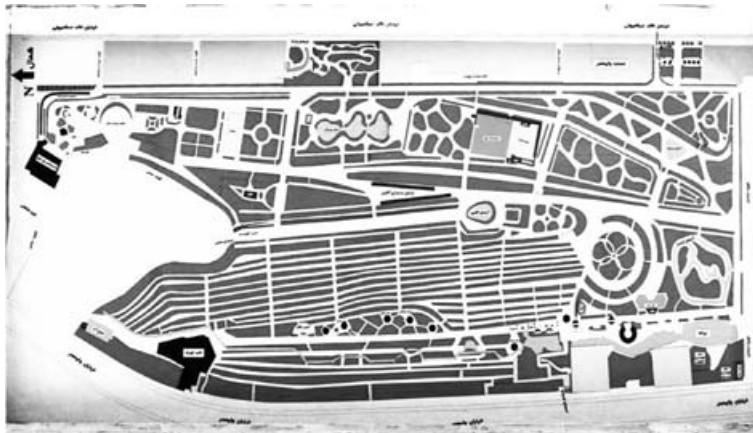
■ ۲۹ ■



تصویر ۳. محدوده‌هایی که شارش افراد در ساعات مختلف شبانه روز مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته است؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸.



تصویر ۴. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه، رنگ قرمز مسیرها، محدوده‌هایی که بیشتر توسط آقایان استفاده می‌شود؛ و رنگ زرد، مسیرها و مکان‌هایی که کمتر استفاده می‌شود؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸.



تصویر ۵. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه، رنگ قرمز مسیرها محدوده‌هایی که بیشتر توسط خانم‌ها استفاده می‌شود و رنگ بنفش مسیرها و مکان‌هایی که خیلی کمتر استفاده می‌شود؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
 علامت‌گذاری شده (توسط خانم‌های داخل پارک)، ذکر در جدول زیر (جدول شماره ۴) دلایل عدم و یا کم شده است. بخش‌های ستاره دار نکات جدیدی هستند استفاده نمودن از فضاهایی که به رنگ بنفش در تصویر که از دیدگاه زنان به آن توجه شده است.

جدول ۴. نکات به دست آمده از دیدگاه زنان در پارک؛ مأخذ: نگارندگان.

محدوده‌ها	دلایل امتناع از استفاده از مسیرها و فضاها
۱ (شکل ۶)	حضور افراد کم در این مسیر مانع از رفتن می‌شود (*); حضور پسرهای جوان که ظاهری خیابانی و ناسالم دارند (*); شیب زیاد مسیر حرکت; لوپ‌گردش در مسیر پیاده روی طولانی‌تر می‌شود. (*)
۲ (شکل ۷)	فضای جدا افتاده از مسیر اصلی است; مسیرهای داخلی ناخوانا می‌باشد; از لحاظ طراحی منظر خوشایند نیست; حضور افراد مرموز و ظاهراً عجیب در ساعات کم تراکم روز مانع از رفتن می‌شود.
۳ (شکل ۸ و ۹)	در هنگام شب نوردهی کمی در میان سروها وجود دارد و احتمال حضور افراد در پشت درختان موجب هراس می‌شود; مسیرهایی جدا از مسیرهای اصلی هستند; افراد کمی رفت و آمد می‌کنند; وجود پایتال‌ها و طراحی منظر پیچیده خوانایی فضا را مختل می‌کند; به دلیل شیب زیاد در پله‌ها امکان دسترسی نیروی انتظامی کم است لذا امنیت کافی ندارد.
۴ (شکل ۱۰)	قسمت‌های انتهایی مسیر تقریباً بلا استفاده هستند و به هیچ جایی دسترسی ندارند; وجود پایتال‌ها و پوشش کف موجب ایجاد وهم و ناخوانایی می‌شود; مسیرها باریک هستند (*); افراد کمی به این فضاها دسترسی دارند و رفت و آمد کم است;

حضور افراد عجیب و پسرهای جوان (*); عدم دید کافی توسط دیگر افراد پارک؛ مسیرها بن بست هستند و راه گریز ندارند؛ علائم بسیار کم است و نشانه‌ای برای بن بست بودن مسیر وجود ندارد.	
مسیرها باریکند و تودرتو (*); از لحاظ منظر خوب طراحی نشده؛ افراد کمی حضور دارند؛ در تابستان‌ها پوشش درختچه‌ها باعث مخفی شدن مسیر و توهم می‌شود ولی در زمستان مناسب است؛ حضور مردان در مسیر کنار اسکیت در ساعات کم تراکم مانع از رفتن می‌شود (*)	۵ (شکل ۱۱) ۶ (شکل ۱۲) ۷ (شکل ۱۳ و ۱۴)
خلوت بودن و حضور افراد کم؛ باریک بودن مسیرها؛ منظر سازی نامناسب که دعوت کننده نیست.	
این مسیرها دید کافی ندارند؛ ناخوانا بودن مسیرها چون فضای مخفی زیاد دارد؛ وجود وسایل بلا استفاده پارک از جمله صندل‌ها و سطوح‌های شکسته مکانی ناامن ایجاد کرده؛ پوشش گیاهی کنار گلخانه مانع دید می‌شود؛ نبود افراد دیگر مانع از رفتن در این فضاها می‌شود.	

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۳۱ ■

بسیاری از این دلایل شاید بالواقع عینیت نداشته باشند، ولی این دریافت ذهنی افراد از امنیت محیط است که مانع از رفتن آن‌ها در فضاهای مربوطه می‌شود. لذا اتخاذ روش‌های نو در جهت بهبود خوانایی و شفافیت محیط‌های عمومی، راهی است برای افزایش کارایی آن‌ها. گزینه‌های ذکر شده در جدول شماره ۴، سازمان‌ها و رویکردهای موجود را موظف می‌کند تا علاوه بر دریافت‌های کلی افراد از محیط، خصوصیات جنسی، فرهنگی و مذهبی را در اصول خود لحاظ نمایند، تا بدین وسیله رویکرد حاضر ارزش جهانی یابد.



تصویر ۸. منطقه ۳
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۷. منطقه ۲
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۶. منطقه ۱
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۱۱. منطقه ۵
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۱۰. منطقه ۴
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۹. منطقه ۳
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۱۴. منطقه ۷
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۱۴. منطقه ۷
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)



تصویر ۱۲. منطقه ۶
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)

شاخصه‌ها را تا حدودی پررنگ‌تر نمود تا احساس امنیت محیطی در بخش‌های مختلف فضاهای شهری به ویژه پارک‌ها و فضاهای گردشگری در ساعات مختلف شبانه روز برای زنان فراهم شود تا به راحتی و بدون دغدغه بتوانند از این فضاها استفاده نمایند.»

منابع

۱- پورجعفر، محمدرضا، محمودی‌نژاد، هادی، رفیعیان، مجتبی و انصاری، مجتبی (۱۳۸۷) ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد CPTED، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، جلد ۱۹، شماره ۱۶، صص: ۷۶ الی ۷۹.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده در زمینه مطالعه امنیت محیطی در فضاهای شهری به صورت موردی در پارک ساعی از دیدگاه زنان در این تحقیق می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد: «رویکرد اخیر CPTED که بر جلوگیری از جرائم بر پایه اصول طراحی تأکید دارد، در اصل روشی برای بهبود بهره‌بری محیط است که می‌توان از محیط‌های شهری به شکلی بهینه، بهره‌جست. البته به نظر می‌رسد در تعیین این حدود و قوانین به جنسیت توجه زیادی نشده است و یا این اصول بر پایه فرهنگ کشورهای غرب شکل گرفته‌اند. توجه به جایگاه زنان در جوامع کنونی و محدودیت‌ها و حرایم موجود به ویژه در کشورهای اسلامی، بایستی این

۲- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۶) امنیت اجتماعی و آسیب شناسی سالمندان در شهر تهران: پژوهشی از دیدگاه جامعه شناسی، مجله سالمندی ایران، سال دوم، شماره شش. صص: ۴۵۴-۴۶۱.

۳- صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷) ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، صص: ۱۰۷ تا ۱۱۴

۴- صرامی، حسین (۱۳۸۰) رابطه جمعیت و امنیت، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مقاله ۵۰۱، صص: ۶۵-۷۰.

5- Carmona, M. Heath Time, O, Tanner and Ties dell, S. (2003), "Public places urban spaces", Architectural press, New York.

6- Cozens, P., D. Hiller, G, Prescott, (2001), "Crime and the Design Residential Property- Exploring the Theoretical Background"; journal of Property Management, vol.19, Issue 2, PP. 136-164.

7- Gronland, B., (2000), "Towards the Humans City for the 21st Century"; Stockholm

8- Government of South Australia, (2002), "crime prevention through environmental design and urban design"; Adelaide, Australia.

9- Crow, T.D., (2000), "crime prevention through environmental design", Stoneham, MA: Butterworth-Heinemann, PP. 87-95.

10- Dan Fleisher and Fred Heinemann, (1996), "crime prevention through environmental design and community policing"/ Washington, DC: US Department of Justice, August, PP.34_41

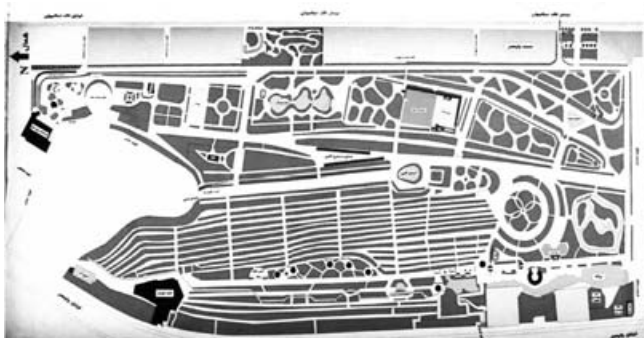
11- Mossalanejad, A, (2009), "International Security through Environmental Challenges", April 2009, Environ, PP.429-434.

12- Petrella, Laura, (2004), "Urban Space and Security Policies: Between Inclusion and Revitalization"; UN Habitat; WUF, Barcelona, Spain.

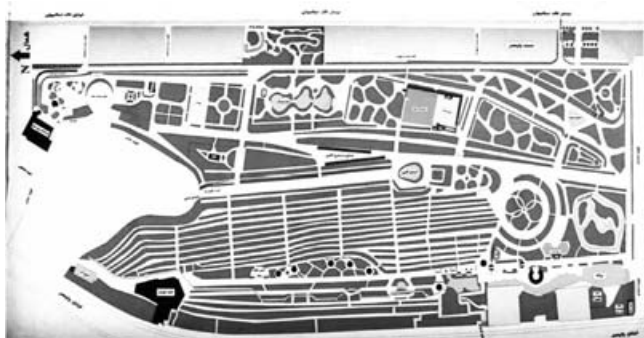
13- Designing Safer Communication: Crime Prevention through Environmental Design Handbook, (National Crime Prevention Council), (2003), (WWW.ncpc.org), access data: (10 Oct, 2009)

سوالات

۱. در موقع پیاده‌روی یا تفریح بیشتر از کدام قسمت پارک استفاده می‌کنید (در تصویر مشخص نمایید)؟



۲. در کدام قسمت از پارک احساس امنیت نمی‌نمایید (لطفاً دلایل خود را توضیح دهید)؟



۳. آیا دید طبیعی کافی در تمام فضاهای پارک وجود دارد؟

بله خیر

۴. در کدام قسمت‌های پارک نبود دید طبیعی دیگران شما را از رفتن در آن فضاها باز می‌دارد؟

۵. آیا سیستم روشنایی پارک در موقع تاریکی کافی می‌باشد؟ در کدام قسمت از پارک در این زمینه نقصان وجود دارد؟

بله تا حدودی خیر

۶. آیا به نظر شما وجود باغبان‌ها در پارک در فضاهای مختلف به احساس امنیت محیط در آن فضا می‌افزایند؟

بله تا حدودی خیر

۷. آیا نورپردازی پارک باعث ایجاد وهم و سایه در موقع حرکت در هنگام تاریکی می‌شود؟

بله خیر

۸. آیا در پارک فضاهای مخفی وجود دارد که امکان خطر و یا ارتکاب جرم را بالا ببرد، در کدام قسمت توضیح دهید؟

بله خیر

۹. آیا در پارک فضاهایی وجود دارد که از قسمت‌های اصلی پارک جدا افتاده باشد به گونه‌ای که افراد کمتری از آن

استفاده کنند، توضیح دهید؟ بله خیر

تحلیل فضایی میزان کارایی ساز و کار مدیریت رشد شهرهای ایران

امیر حسین پورجوهری* - پژوهشگر دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
حمید ماجدی - استادیار دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Spatial Evaluation of Urban Growth Management Mechanism in Iranian Cities

Abstract: As in many developing countries, Iranian cities are growing in population and physically expanding at a high rate. For approximately the past five decades, after formulation of the first series of urban development plans, defining the urban growth boundary (UGB) has been an important policy tool of (central) government and urban management agencies. Throughout this period and despite clear evidence indicating the ineffectiveness of the UGB whose policy has been adhered to with no major modifications. Perhaps lack of effort in this area goes back to the absence of scientific studies in the field of level of success of the policies and available tools. It is such an extent that current trend of urban growth management is considered as an appropriate approach. This article, while paying attention to relevant theoretical topics, analyses urban growth management and boundary in Iran. Evaluation of the current growth management process is conducted through definition of special quantitative indices and sample monitoring using non-parametric analysis techniques in GIS. As a result through a quantitative framework, this research demonstrates the weaknesses in the current procedure. The fundamental blunders cast doubt over the accuracy and credibility of the urban management mechanisms in Iran. Applicable results from the research include the necessity to revise the current policy tools.

Keywords: Growth, Urban Growth, Urban Growth Management, Urban Growth Boundary (UGB), UGB Definition Error Index, UGB Inefficiency Index.

چکیده

از زمان تهیه طرحهای توسعه شهری در ایران تاکنون، «چارچوب مدیریت رشد شهرها» کاملاً متأثر از «سیاست محدود سازی رشد» بوده است. ابزار اعمال این سیاست نیز، «تعریف حدود رشد شهری» (UGB) بوده که کماکان بدون ویرایش بنیادی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. با وجود مباحثات متفرق در زمینه ناکارایی ساز و کار فعلی، فقدان بررسی‌های علمی در این زمینه مانع از تلاش جدی جهت جایگزین نمودن سیاست و ابزارهای کارآمدتر گردیده است. این مقاله، به «تحلیل فضایی میزان کارایی ساز و کار فعلی» (از طریق تمرکز بر ابزار مورد استفاده) می‌پردازد. بدین منظور دو شاخص سنجش «میزان اعتبار» (روایی) و «کارایی» تعریف گردیده است. نتایج این مقاله بر لزوم تجدید نظر در ساز و کار فضایی فعلی مدیریت رشد در شهرهای ایران تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: رشد، رشد شهری، مدیریت رشد شهری، حدود رشد شهری، شاخص خطای تعریف حدود رشد، شاخص میزان ناکارایی حدود رشد

مقدمه و بیان مساله

تغییرات بنیادی در نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران، منجر بدان گردیده که «جمعیت شهری» در دهه‌های اخیر رشد فزاینده‌ای یابد. به عنوان نمونه در فاصله سالهای ۱۳۷۵-۱۳۳۵ ه. ش تعداد شهرهای ایران سه برابر و متوسط جمعیت شهرها دو برابر گردیده است (کامروا، ۱۳۷۹، ص ۷۸-۷۷). در عین حال، این نظام شهری کماکان در معرض جذب جمعیت و رشد است (محمدزاده تیتگانلو، ۱۳۸۱، ص ۴۵-۳۴). نمود این رشد نیز غالباً گسترش‌های برون شهری بوده که از ویژگیهای مشترک «گسترش شهر در امتداد جاده‌های منتهی به شهر»، «شکل‌گیری روستا - شهرهای حاشیه‌ای»، «تشکیل کانون‌های از هم گسیخته شهری» برخوردار است. مشروعیت یافتن عقب ماندگی، نابودی منابع طبیعی و محیط زیست، ممانعت از تحقق تراکم‌های پیش‌بینی شده در طرح‌های توسعه شهری و پایداری حضور زمینهای رها شده در بطن شهرها از نتایج این گسترش‌های عمدتاً برنامه‌ریزی نشده شهرهاست (سعیدینیا، ۱۳۷۴، ص ۳۶-۳۴؛ هاشمی، ۱۳۷۸، ص ۱۲-۱۰). در مقابل به منظور هدایت جریان گسترش، «طرح‌های توسعه شهری» از ابتدا با تعریف «حدود رشد شهری» (UGB)، سیاست اعمال محدودیت بر رشد شهری را دنبال نموده‌اند. در خصوص ناکارایی تعریف این خطوط محدودکننده رشد - که ابزار اعمال این سیاست تلقی می‌گردد - شواهد نسبی وجود دارد؛ به عنوان نمونه یک مطالعه محدود بر روی تعدادی شهر نشان می‌دهد که بین ۳ تا ۲۶ درصد از گسترش شهرها در دوره طرح توسعه شهری در خارج از محدوده مصوب صورت گرفته، در حالیکه ۱۰ تا ۴۰ درصد داخل محدوده‌ها ساخته نشده باقی مانده‌اند (مشهودی، ۱۳۸۶). با این وجود، در زمینه ضرورت جایگزین نمودن سیاست و ابزار، اجماعی میان اندیشمندان و متولیان وجود ندارد. به نظر

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۳۶ ■

می‌رسد، عدم دستیابی به این اجماع به نبود بررسی‌های علمی در زمینه میزان توفیق سیاست و ابزار کنونی بر می‌گردد. این مقاله تلاش می‌نماید با اتخاذ یک «رویکرد تحلیل فضایی» از طریق پاسخگویی به دو پرسش کلیدی زیر، «میزان صحت روند ملاک عمل فعلی» را ارزیابی نماید: ۱- «بررسی میزان اعتبار»: در جریان طرح‌های توسعه شهری، «حدود رشد شهری» (UGB) تا چه میزان درست تعریف می‌شود؟

۲- «بررسی میزان کارایی»: «حدود رشد تعریف شده» تا چه میزان در به ظرف کشیدن گسترش فضایی شهر موثرند؟

مرور ادبیات

بنابر تقسیم‌بندی «دوانی و پلاتر زیبرک» (۱۹۹۸)، رشد شهری در خلال قرن گذشته، متأثر از سه الگوی «حدود شهری»^۱، «حدود روستایی»^۲ و «توسعه بر مبنای خطوط حمل و نقل» (TOD)^۳ بوده است. الگوی اول، برآمده از آموزه‌های «ابنزر هوارد»^۴ بوده و در پی ترسیم یک خط ممتد پیرامون شهر و انتقال رشد به شهرک‌های اقماری است. الگوی دوم، مبتنی بر انگاره‌های «بنتون مک کی»^۵ امکان رشد شهر را در برخی از مجاری برون شهری مجاز دانسته و توسعه‌های جدید را در قالب «واحدهای همسایگی سنتی» (TND)^۶ سامان می‌دهد. الگوی سوم، نیز ضمن تعریف‌گره‌های^۷ منفصل توسعه به آرایش و انتظام بخشی حوزه پیرامون شهر در قالب «سامانه گذار»^۸ می‌پردازد. در پایه‌گذاری این الگو، «نو شهرگرایانی»^۹ همچون «پیتر کالتروپ»^{۱۰} و «داگلاس کلبورگ»^{۱۱} نقش کلیدی داشته‌اند (Zyberk, 1998; Duany & Plater

از منظری دیگر، «بولنز» (۲۰۰۵) نظام شهری معاصر را متأثر از دو سرمشق^{۱۲} غالب در زمینه «هدایت رشد شهرها» می‌داند. اولین سرمشق، انگاره اروپایی است

1. Urban Growth Management (UGM)
2. Rural Boundary
3. Transit Oriented Development (TOD)
4. Ebenezer Howard
5. Benton MacKaye
6. Traditional Neighborhood Development (TND)

7. Node
8. Transect
9. Newurbanist
10. Peter Calthrope
11. Douglas Kelburgh
12. Paradigm

(Frey, 1999:pp. 331-332; Todes, 2005: p.94) از منظر دیگر، بررسیهای اخیر نشان می‌دهد که علیرغم آنکه صورت عرفی موضوع پراکندگی شهری، نگرانی شهرسازان آمریکایی تلقی می‌شود، لیکن شهرهای اروپایی نیز به نحو جدی دست به گریبان این موضوع اند (Kasanko et al., 2006; Anas & Pines, 2008). به نظر می‌رسد اتفاقی که در خاستگاه هر دو سرمشق در حال واقع شدن است، از مختصات یکسانی برخوردار بوده و تنها بر سر نامیدن این پدیده به عنوان پراکندگی شهری یا گسترش شهری اختلاف سلیقه وجود دارد. (M. Bento, F. Franco & Kaffine, 2006)

مرور ادبیات نشان می‌دهد که علیرغم اعتقاد راسخ تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران حوزه شهری در ایران، بر سرمشق اروپایی مدیریت رشد شهرها تشکیک جدی وارد است. این موضوع تا حد زیادی به فراگیر شدن پدیده‌ی پراکندگی شهری در مقیاس جهانی برمی‌گردد.

تجربیات جهانی

مرور ساز و کارهای مدیریت رشد شهر در کشورهای گوناگون نشان از تفاوت تعاریف و روندها و طیف وسیعی از روشهای مواجهه دارد؛ در حالیکه چین در جستجوی خلق تعریفی کارآمد و نو برای نواحی کلان شهری (به عنوان نمونه شانگهای^{۲۶}) است، عربستان ترسیم خطوط محدود کننده در پیرامون شهرها را (همانند ایران) به عنوان در دسترس‌ترین گزینه جهت «کنترل پراکندگی شهری» و تشویق به «توسعه درون‌زا»^{۲۷} می‌داند.

(Lou, Johnston & Chen, 2003: Al - Hatlou l & Aslam Mughal, 2003) ایالات متحده از یکسو، در شهرهایی همچون «ارگون»^{۲۸}، «سان دیگو»^{۲۹} و «پورتلند»^{۳۰}، الگوی حدود رشد شهری (UGB) را دنبال می‌کند و از سوی دیگر، مبتنی بر

که «مدیریت رشد» را از طریق «حدود رشد شهری» (اعمال محدودیت بر گسترش‌های حومه‌ای از طریق تعریف خطوط محدود کننده و یا احداث کمربندهای سبز)^{۳۱} دنبال می‌نماید. ایده‌هایی همچون «حد خدمات شهری»^{۳۲}، «خط حدود شهری»^{۳۳}، «عرصه سیاستگذاری شده توسعه»^{۳۴}، «حلقه‌های شهری شده»^{۳۵}، «عرصه‌های رشد طراحی شده»^{۳۶} برآمده از این نگاه است (475-476 (Bollens, 2005:pp. این سرمشق علاوه بر خاستگاه خود (اروپا)، از مقبولیت قابل توجهی در سایر کشورهای جهان (و از جمله ایران) نیز برخوردار است. سرمشق دیگر (آمریکایی)، عمدتاً برآمده از انگاره‌های نو شهرگرایی و بطور اخص «رشد هوشمندانه»^{۳۷} بوده که پراکندگی^{۳۸} حومه‌ای را به عنوان یک واقعیت ذاتی و بنیادی شهر معاصر پذیرفته است. سرمشق آمریکایی در مواجهه با «پراکندگی و تمرکززدایی»^{۳۹} شهرها، با تکیه بر «راهبرد خلق فشردگی»^{۴۰} و «توسعه‌های حمل و نقل مدار» (TOD)، تلاش به حفاظت از عرصه‌های پیرامون شهرها می‌نماید تا بدین ترتیب رقابت و کشمکش دائمی میان بیرون و درون شهرها را تناسب بخشد.

(Walters & Luise Brown, 2004:p. 28; Trancik, 1986:p. 63; Loeb, 2008; Gillham, 2002:p. 289; Duany, Plater-Zyberk & Speck: 2000) تفاوت بنیادی این دو سرمشق تا حد زیادی به «تفاوت نوع مالکیت خصوصی یا عمومی» و نیز پابندی اروپا و عدم پابندی آمریکا به فرم‌های سنتی شهر بر می‌گردد. غالباً رحجان سرمشق اروپایی نسبت به آمریکایی، کمک به تحقق ایده شهر فشرده»^{۴۱} عنوان می‌شود، لیکن این ایده در کنار مدافعان سرسخت (بخصوص از سوی معتقدان به توسعه پایدار^{۴۲}) منتقدان جدی نیز دارد که «فوائد محیطی و هزینه فایده»^{۴۳} آن را به نحو جدی زیر سؤال می‌برند.

13. Green Belt
14. Urban Service Limit
15. Urban Limit Line
16. Development Policy Area
17. Urbanized Tiers
18. Designated Growth Area
19. Smart Growth
20. Sprawl
21. Decentralization

22. Compactness
23. Compact City
24. Sustainable Development
25. Cost - benefit
26. Shanghai
27. Endogenous Development
28. Oregon
29. San Diego
30. Portland

اهداف «رشد هوشمند»^{۳۱} در برخی از شهرها مانند «سیاتل» به شکل گیری «توسعه های حمل و نقل مدار»^{۳۲} (TOD) نظر دارد.

روند جاری در فرانسه، کماکان تا حد زیادی مبتنی بر «کنترل رشد شهرها» بر اساس مبانی «تئوری قطب رشد»^{۳۳} متعلق به «فرانسوا پرو»^{۳۴} است (اطهاری، ۱۳۸۱). سوئیس از سال ۱۹۷۰ میلادی با اتکاء بر «کمربندهای سبز غیرایستا» و قابل تغییر تجربه ای مناسب در زمینه مدیریت گسترش شهری داشته است (Burgi & Gennaio, M. Hersperger).

این رویکرد تا حد زیادی متوجه اثبات این موضوع است که کمربندهای سبز، گرچه به تحکیم ساخت و ساز در درون شهرها کمک می کردند لیکن در ممانعت از رشد بی تاثیر بوده اند (Yang & Jinxing: 2007).

از منظر دیگر روندهای کشوری مختلف در خصوص «پذیرش الحاق نواحی حومه ای» به شهرها کاملاً متفاوت است. در حالی که در ایالات متحده آمریکا «قوانین ایالتی» در این زمینه تصمیم می گیرند، در انگلستان «حکومت های محلی» میان کشمکش دائمی مقاومت شهروندان و اصرار حومه نشینان به الحاق تصمیم می گیرد (2005:p.13-19). (H. Ross & A. Levine, «سیاست های زمین»^{۳۵} در کشورهای مختلف نیز در هدایت رشد شهرها مؤثر است؛ به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا، «انتقال حقوق توسعه»^{۳۶} (TDR)، کنترل دولتی بر زمین های نوآباد را در عین مالکیت خصوصی و بازار آزاد سرمایه فراهم می آورد. این در حالی است که در کشوری مانند سوئد، حقوق ارتفافی تضمین کننده اختیار حکومت بر جهت دهی به گسترش نوظهور بر زمینهای خصوصی است.

از بررسی اجمالی تجربیات جهانی بر می آید که ساز و کارهای مدیریت رشد شهری در کشورهای مختلف، با غیر قابل تغییر نشمردن اصول سرمشق های عام جهانی (اروپایی و آمریکایی) تا حد زیادی با شرایط نظام شهری بومی خود وفق یافته اند. در عین حال با پرهیز از توسل

مطلق به احکام کالبدی - فضایی از سایر فرصتهای حقوقی، مدیریتی (در مقیاس سرزمین و شهر) جهت مدیریت رشد بهره برده اند.

(A. Mattson, 2005:p.459-460)

خود رشد شهری در ایران

حوزه نظری - در ایران گرچه مباحثات مستقیم کمی در خصوص خود رشد شهری میان مرتبطان در جریان بوده، لیکن موضوعات چالش برانگیز با واسطه ای وجود دارد که بر موضوع رشد شهری تأثیر می گذارد. گروهی از اندیشمندان بر لزوم تصحیح سیاست های زمین از طریق «تشکیل بانک زمین»، «تعیین تکلیف خود اختیارات مالک (اعم از خصوصی یا دولتی) بر زمین دایر»، «برداشتن محدودیت های قانونی در استفاده از اراضی خارج از محدوده شهرها»، «تعیین تکلیف کلیه اراضی واقع در محدوده شهرها و نیز حریم و پرهیز از بلاتکلیفی آنها»، «رانت زمین و آزاد بودن همراه با هدایت گسترش شهرها» نظر دارند (رئیس دانا، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱-۱۸۴؛ هاشمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵ و ۲۴). تعداد معدودی از این گروه بر لزوم «برنامه ریزی توسعه شهر بدون محدوده»^{۳۸} تأکید می ورزند که در فضای سنتی برنامه ریزی جامع به شدت با مقاومت روبرو است (مشهودی، ۱۳۸۶، ص ۸۵). مانند اکثر کشورهای در حال توسعه، وجود گستره های وسیعی از اسکان های غیر رسمی و نواحی حاشیه نشین مستقیماً بر موضوع خود رشد شهرها تأثیر می گذارد (اطهاری و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۸۷-۸۲). گروه دیگری از اندیشمندان، عمیقاً موضوعاتی همچون «توسعه درون زا» از طریق «تعیین تکلیف اراضی رها شده درون شهرها»، «بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده» و عمدتاً خالی از سکنه شهری را دنبال می کنند. این گروه تا حد زیادی بر ممانعت از گسترش پیرامونی شهر، از طریق تعریف خود قطعی (با هدف دستیابی به یک بافت شهری همگن و با توزیع مناسب جمعیت) تأکید می ورزند. بعلاوه گروه سومی نیز هستند که راه حل را (هر

31. Smart Growth

32. Seattle

33. Growth Pole

34. F. Perroux

35. Annexation

36. L and Policy

37. Transfer of Development Rights (TDR)

38. Limitless City

چند غیر مستقیم) در ارائه یک تعریف بینابینی جدید می‌دانند. این احساس نیاز تا حد زیادی برآمده از وجود تعداد قابل توجهی کلان‌شهر در ایران (بویژه تهران) بوده که موضوعاتی همچون نواحی کلان‌شهری، مجموعه‌های شهری، شهر-منطقه‌ها را از مناظر مختلف مورد توجه قرار داده است (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۶).

حوزه عمل- در مجموع نظام شهری ایران در رابطه با رشد شهری شاهد چهار دوره تحول بوده است:

- «دوره نوگرایی» (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه.ش): احداث خیابانهای کمربندی در اطراف شهرهای بزرگ و معرفی محدوده خدماتی برای شهرها.

- «دوره فترت» (۱۳۴۵-۱۳۲۰ ه.ش): رشد شتابناک و سریع شهرها در نبود نظارت، قطعه بندی زمین در داخل و خارج از محدوده خدماتی، فقدان مجوز و نیز توانایی شهرداری‌ها در تصاحب املاک و اراضی راکد و بدون استفاده در اطراف شهرها.

- «دوره عقل‌گرایی» (۱۳۵۶-۱۳۴۵ ه.ش): مکلف شدن شهرداری‌ها به تهیه طرحهای جامع شهری و تعیین حریم پیرامون در شهرها.

از اولین طرحهای توسعه شهری می‌توان به «طرح جامع تهران» اشاره نمود که در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید. این طرح ضمن تعریف محدوده خدماتی (یا قانونی) برای شهر به تعریف یک محدوده ۲۵ ساله نیز پرداخت. این محدوده نظارتی ۲۵ ساله در بدترین شکل ممکن، به یک الزام برای پر شدن طی ۲۵ سال تفسیر گردید.

- «دوره تداوم و بازنگری» (از سال ۱۳۵۷ تاکنون): تداوم روند دوره قبلی و افزایش متناوب حدود قبلی شهرها در جریان بازنگری طرحهای توسعه شهری.

ویژگی متمایزکننده این دوره با دوره قبل، تشدید گسترش شهرها - بدلیل شدت یافتن روند مهاجرت تحت تاثیر دو واقعه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و جنگ ایران و عراق است. در عین حال این دوره مصادف با ظهور جدی ترکلان شهرها در نظام شهری ایران است.

با بررسی بازهای هر یک از این دوره‌ها مشخص می‌شود که موضوع «مدیریت رشد شهرهای ایران» تا حد زیادی تحت تاثیر چهار مؤلفه‌ی بنیادین است:

الف- «مالکیت» - از منظر مالکیت، گسترش شهرها در

ایران همواره متأثر از دو واقعیت بوده است. از یک سو، مالکیت زمین در ایران تحت تاثیر «فقه اسلام و قوانین مدنی برگرفته از آن»، از ویژگی «محترم شمردن شدید مالکیت خصوصی» و «تسلط مطلق مالک در اعمال حقوق خود» برخوردار است. از سوی دیگر، دولت و نهادهای منتسب به آن بزرگترین مالک زمین در ایران هستند و به اعمال حقوق مالکانه خود می‌پردازند. این دو موضوع در تلفیق با یکدیگر، بستر ساز گسترش از پیش اندیشیده نشده رشد شهری در ایران بوده است. در این رابطه مباحث مرتبط با انواع اراضی - که پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و با هدف عدالت در توزیع زمین مطرح گردیده بود. نیز کماکان بر موضوع حدود شهری تاثیرگذار است (ثابتی، ۱۳۸۰، ص ۱۷-۱۶). به عنوان مثال، سیاست‌های اخیر دولت در زمینه احداث مسکن برای اقشار کم درآمد (مسکن مهر) بر روی اراضی دولتی، گستره‌های حساب نشده‌ای از اراضی برون شهری را به شهرها افزوده است.

ب- «تعاریف قانونی» تعاریف قانونی نیز بر پیچیدگی مدیریت رشد شهری در ایران افزوده است. ماهیت «طرح‌های توسعه شهری» به گونه‌ای است که شهر را در قالب یک محدوده معین، یک توده ساختمانی یا جمعیتی متراکم و محصور در یک خط مصوب، تصور می‌کند. در پیرامون محدوده قانونی محدوده‌ی دیگری به عنوان حریم شهر تعیین می‌گردد. پیش از این نیز متعارف بوده که در شهرهای بدون حریم و حتی در شهرهای برخوردار، یک محدوده بزرگتر تحت عنوان «محدوده استحفاظی» تعریف می‌گردیده که انجام عملیات عمرانی و احداث ساختمان در آن تابع شرایط ویژه‌ای بوده است. اگرچه مصوبات قانونی سال ۱۳۸۴ تلاش نموده که با وحدت بخشی و تخلص تعاریف متعدد و محدود کردن آنها به دو تعریف «محدوده شهر» و «حریم آن»، مواضع و موضوعات بلا تکلیف یا دارای ابهام را حذف نماید، لیکن اتکاء مجدد به ساز و کارهای سنتی کماکان در دو بعد مشکل ساز است. از یکسو، «عدم تحقق رشد پیش‌بینی شده در طرح‌های توسعه شهری - که عمدتاً بر اساس پیش‌بینی‌های جمعیت و جهت رشد شهر بوده - کارایی شهر را به نحو ملموسی کاهش

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

می‌دهد». در عین حال بر اساس این تعاریف مسایل شهر به صورتی قاطع از پیرامون خود جدا می‌شود؛ این در حالی است که طرح‌های توسعه شهری، ناگزیر به جانمایی بسیاری از فعالیت‌های کلان و تاسیسات زیرساختی در بیرون شهرها هستند (سعیدنیا، ۱۳۷۴، ص ۳۴).

ج- «تقسیمات کشوری» - نظام تقسیمات کشوری و تعریفی که از شهر ارائه می‌دهد (برخورداری از بافت همگن و دارای حداقل ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت) در کنار نگرش اداری - سیاسی به شهرها (در عوض بررسی همه جانبه‌ی آن به عنوان یک مجموعه در هم تنیده اقتصادی - اجتماعی)، به ندرت توانسته به شکل‌گیری تعامل میان شهر و سکونتگاه‌های پیرامون (و وابسته به آن) کمک نماید (سعیدنیا، ۱۳۷۴، ص ۳۵؛ رئیس دانا، ۱۳۷۹). همچنین محدوده‌ها و حرایمی که از حدود تقسیمات کشوری بخش و شهرستان تجاوز نموده‌اند، چالشی است که برای سال‌ها بر موضوع تعریف حدود شهری در ایران سایه انداخته بود.

د- «بازیگران» چالش برانگیزترین مؤلفه پیچیدگی، اختلاط و نیز بلا تکلیفی حوزه اختیارات و عمل نهادهای مدیریت شهری و سرزمین (از قبیل شهرداریها، بخشداری‌ها و فرمانداری‌ها) در این زمینه است. به عنوان نمونه می‌توان به وجود تعداد متنابهی از روستا - شهرهایی که در محدوده‌ی یک شهر (بخصوص در مناطق کلان شهری) واقع شده‌اند و تفرق و واگرایی حاکمیتی ناشی از آن (بدلیل وجود انبوهی از شهرداری‌های کوچک و مستقل) اشاره نمود (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۶-۱۴؛ کاظمیان، ۱۳۷۶، ص ۶۶-۶۳).

روش شناسی

«رشد شهری» به مشابه یک فرامسأله متأثر از موضوعات متعدد و متنوع بسیاری است. علاوه بر «عوامل

فضایی»^{۳۹}، موضوعات متنوعی همچون «ساختارهای اجتماعی - اقتصادی»^{۴۰}، «تصمیم سازان»^{۴۱} (ارگانها)^{۴۲}، سازندگان^{۴۳} و مالکان^{۴۴}، «تصمیمات»^{۴۵} (اهداف^{۴۶}، راهبردها^{۴۷} و سیاست‌ها^{۴۸}) و «نظامات»^{۴۹} (از قبیل تفکیک زمین^{۵۰} و روندهای قانونی^{۵۱}) نیز بر رشد شهر تاثیرگذارند (Cheng, 2003). گستردگی مسأله و این واقعیت که تأثیر تمامی موضوعات اعم از فضایی و غیر فضایی بر رشد شهر، در نهایت نمودی کالبدی پیدا می‌کند، تمرکز این پژوهش را بر بررسی «تغییرات فضایی در قالب زمانی»^{۵۲} (تحلیل روند رشد فضایی زمانی شهر) قرار داد.

در این راستا با انتخاب شهرهای منتخب، به «پایش»^{۵۳} روند رشد آنها در مقاطع مختلف زمانی و نیز تغییرات متوالی حدود رشد شهری مصوب (محدوده‌های قانونی) در طرح‌های توسعه شهری پرداخته شد. به منظور بررسی رابطه «میزان ناکارایی این ابزار» (UGB) با «گونه‌های مختلف شهری»، شهرها از نظر «ریخت‌شناسی» در گونه‌های مختلفی بر اساس معیارهای سه‌گانه:

۱. «تنوع اقلیمی»؛ و

۲. «تنوع اندازه شهر»؛ و

۳. «تنوع ساختار رابطه شهر با پیرامون» دسته بندی شدند. همچون غالب کشورهای در حال توسعه فقدان و یا در دسترس نبودن منابع داده‌ای (بخصوص در رابطه با گذشته)، در کنار ارجحیت نسبی بررسی برخی از گونه‌ها، نه‌گونه شهری را هدف این بررسی قرار داده و برای هر گونه یک شهر را از میان ۱۰۸ شهر راکه از شرایط مناسب‌تر داده‌ای برخوردار بوده‌اند، انتخاب نموده است (جدول شماره ۱).

به منظور «تعیین عرصه شهری»^{۵۴} در هر مقطع زمانی (بر اساس تفسیر بصری عکس‌های هوایی و یا تصاویر ماهواره‌ای) از تعریف قراردادی «لبه شهر»^{۵۵} استفاده

39. Spatial
40. Socio - economic Structure
41. Decision - makers
42. Agents
43. Developers
44. Owners
45. Decisions
46. Objectives
47. Strategies

48. Policies
49. Trends
50. Land subdivisions
51. Legal Procedures
52. Temporal
53. Monitoring
54. Urbanized Area
55. City Edge

جدول ۱. گونه‌بندی نمونه‌های موردی و معرفی شهرهای منتخب هر گونه *

ردیف	رابطه شهر - پیرامون	اندازه شهر	اقلیم	شهر منتخب
۱	منفرد	متوسط کوچک /	گرم و خشک	بیرجند
۲		متوسط بزرگ	سرد و کوهستانی	یاسوج
۳			گرم و مرطوب	بوشهر
۴			معتدل و مرطوب	بابل
۵		کوچک	گرم و خشک	طبس
۶		بزرگ میانی		یزد
۷		بزرگ و بسیار بزرگ		زاهدان
۸	خوشه‌ای	متوسط کوچک /	معتدل و مرطوب	لنگرود، لاهیجان
۹		متوسط بزرگ		مشهد
		کلان شهر		

شده است. لبه شهر حدود بصری و قابل تمایز عرصه‌های بیشتر شهری شده از عرصه‌های کمتر شهری شده - در حدی که دیگر از تعریف شهری خارج می‌شود - است. تعیین نقاط شهری از غیر شهری از طریق «تفسیر بصری تصاویر رستر»^{۵۶} و با تکیه بر از سه پارامتر «احتمال»^{۵۷}، «تراکم»^{۵۸} و «فشرده‌گی»^{۵۹} صورت گرفته است. انباشتگی عوامل مصنوع (ساختمانها، معابر، زیرساختهای شهری قابل مشاهده، زمینهای آماده‌سازی شده و اراضی کشاورزی مرتبط با شهر)، معرف میزان شهری بودن بیشتر است. در عین حال، بنابر قرارداد لبه شهر حدودی «تقریبی»، «فازی»^{۶۰} و «غیرخطی»^{۶۱} است.

بنابر میزان داده‌های در دسترس از شهرهای نمونه، رشد شهر حداقل در یک دوره زمانی (و حداکثر دو دوره) بررسی شده است. آغاز هر دوره بررسی به زمان نزدیکترین مدرک در دسترس از وضعیت لبه شهر در زمان تهیه طرح توسعه شهری بر می‌گردد. چون احتمال

* از نظر اقلیمی ایران به چهار پهنه متمایز گرم و خشک، سرد و کوهستانی، گرم و مرطوب و معتدل و مرطوب قابل تفکیک است. سیاستهای آمایش سرزمین نیز شهرهای ایران را از نظر جمعیتی به ۵ رده کوچک (زیر ۵۰ هزار نفر)، متوسط کوچک (بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر)، متوسط بزرگ (بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر)، بزرگ میانی (از ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر)، بزرگ و بسیار بزرگ (بین ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون نفر) تقسیم می‌کند. همچنین رابطه‌ی شهر و بستر پیرامون در ۳ گروه کلان شهر (مادر شهر متمرکز و نواحی شهری پیرامون)، شهر منفرد (شهر در بستر نسبتاً خالی و قابل تمایز از پیرامون) و شهرهای خوشه‌ای (تجمع شهرهای عمدتاً هم رده، هم جوار و خطی) قابل رده بندی است.

با توجه به شرایط خاص کلان شهرها، نماینده این گونه فارغ از اندازه و اقلیم انتخاب شده است. در عین حال در مورد شهرهای خوشه ای در اقلیم معتدل و مرطوب ۲ شهر مجاور مورد بررسی قرار گرفته است.

- 56. Raster
- 57. Probability
- 58. Density
- 59. Intensity

- 60. Fuzzy
- 61. Non- linear
- 62. Validity Index

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

تا چه میزان در زمان تعریف حدود برای شهرها وضعیت عرصه شهری شده (در آن مقطع زمانی) توسط تصمیم سازان طرحهای توسعه شهری به درستی درک شده و از این جهت می تواند «معرف میزان اعتبار پیشنهادات طرحهای توسعه شهری» در این زمینه باشد. بدیهی است که نادیده انگاشتن بخشی از عرصه شهری شده، می تواند زمینه ساز ناکارایی های بعدی در زمینه مدیریت رشد شهری باشد (تصویر شماره ۱).

ب- «شاخص کارایی»^{۶۳} شاخص دیگر تحت عنوان «ناکارایی حدود رشد شهری» است و متوجه بخشی از محدوده نهایی شهر است که در افق طرح توسعه شهری خارج از محدوده مصوب رشد (محدوده قانونی) گسترش یافته است. این شاخص بخوبی گویای میزان کارا بودن حدود رشد شهری در مظلوف و تحکیم ساختن رشد و جلوگیری از پراکندگی شهری است (تصویر شماره ۲).

تحلیل و پایش داده های تحقیق

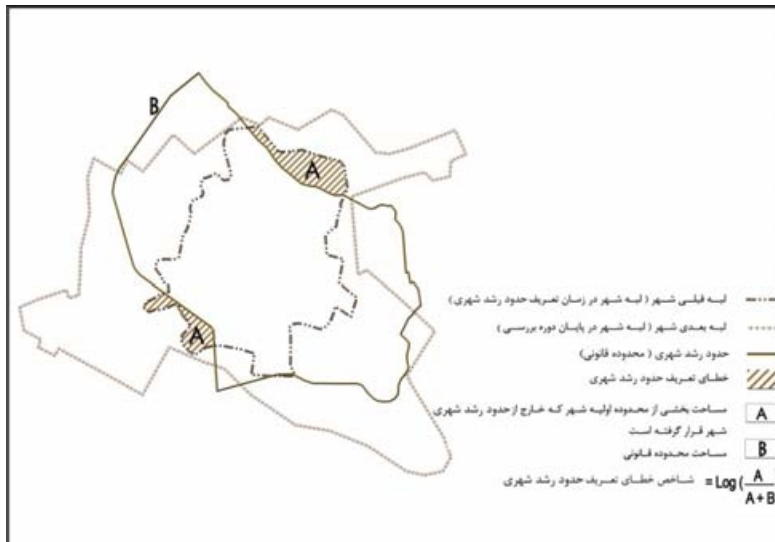
داده های گردآوری شده از روند رشد شهری در سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد تحلیل قرار گرفت (جدول شماره ۲). تحلیل خطی نتایج حاصل نشان می دهد که شاخص خطای تعریف و نیز ناکارایی حدود رشد شهری در تمامی شهرهای منتخب و در تمامی مقاطع بررسی آنها غیر صفر بوده است. این موضوع، مؤید عدم توفیق ساز و کار فعلی در تحقق اهداف متصور است، در عین حال به دلیل «کیفی بودن متغیرهای گونه بندی شهرها» و «توزیع غیر نرمال جامعه آماری در این تحلیل از آزمون های ناپارامتری»^{۶۴} استفاده شده است. باید گفت که «میزان همبستگی»^{۶۵} دو متغیر «خطای تعریف حدود رشد شهری» و «میزان ناکارایی حدود رشد شهری» در مجموع تمامی دوره های بررسی، بر اساس «ضریب همبستگی پیرسون»^{۶۶} برابر $r = 0/582$ می باشد. بالا بودن نسبی این ضریب، گویای یک رابطه وابستگی مثبت میان دو شاخص است. به عبارت دیگر به هر میزان که در تعریف محدوده رشد شهر خطای

بیشتری وجود داشته میزان ناکارایی محدوده تعریف شده نیز در دوره طرح بیشتر بوده است.

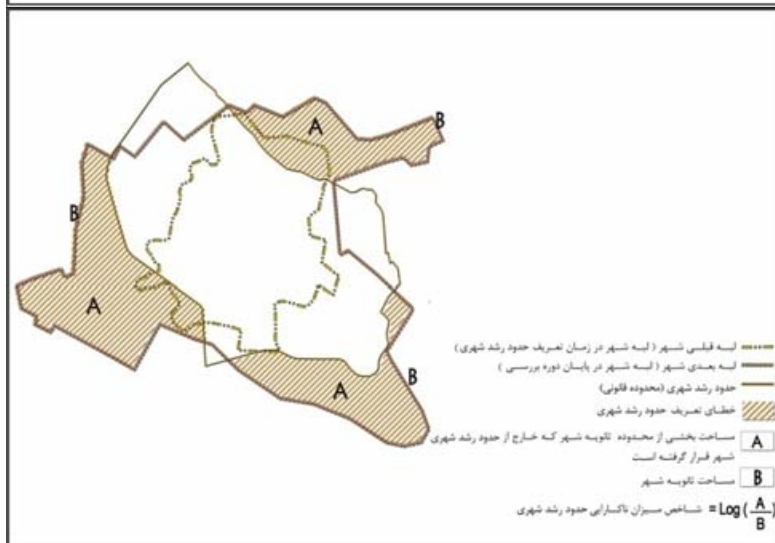
متذکر می گردد وابستگی میان دو شاخص الزاماً به مفهوم رابطه علت و معلولی نیست. با این وجود متصور این است که در صورت کاهش خطای تعریف حدود رشد امکان حصول به کارایی بیشتر در زمینه مدیریت رشد شهری وجود دارد. «معادله رگرسیون خطی»^{۶۷} رابطه ی میان شاخص های خطای تعریف و نیز میزان ناکارایی عبارت از $y = 1.392x + 1.726$ است (نمودار شماره ۱). از منظری دیگر، «شاخص خطای تعریف و ناکارایی» وابستگی معناداری^{۶۸} با مؤلفه های سه گانه گونه بندی شهرها (اقلیم، اندازه ی شهر و رابطه شهر - پیرامون) ندارند. این موضوع مؤید آن است که علیرغم تصور عمومی در میان اندیشمندان که ناکارایی ساز و کار فعلی مدیریت رشد شهری در ایران رابه صورت جدی برآمده از عدم توجه به گونه های متنوع شهری می داند، این موضوع الزاماً جدی ترین دلیل ناکامی سیاست و ابزار فعلی نیست. در عین حال این استنتاج هرگز به مفهوم نفی لزوم اتخاذ ساز و کارهای مختلف و بومی شده مدیریت رشد شهرهای مختلف نیست. با این وجود شاخص خطای تعریف در شهرهای با اندازه بزرگ میانی و اقلیم گرم و مرطوب تا حدی بالاتر از سایر گونه هاست؛ همچنین این شاخص در کلان شهرها و شهرهای منفرد نیز بیشتر از شهرهای خوشه ای بوده است. شاخص ناکارایی حدود رشد شهری نیز در کلان شهرها بیش از سایر انواع شهر (از نظر رابطه شهر و پیرامون) است. این شاخص در شهرهای با اندازه های گوناگون تفاوت چندانی ندارد. همچنین این شاخص در اقلیم گرم و مرطوب بیشتر از سایر اقلیم ها بوده است (جدول شماره ۳).

63. Efficiency Index
64. Nonparametric Tests
65. Correlation
66. Pearson

67. Linear Regression
68. Significance
69. Transect

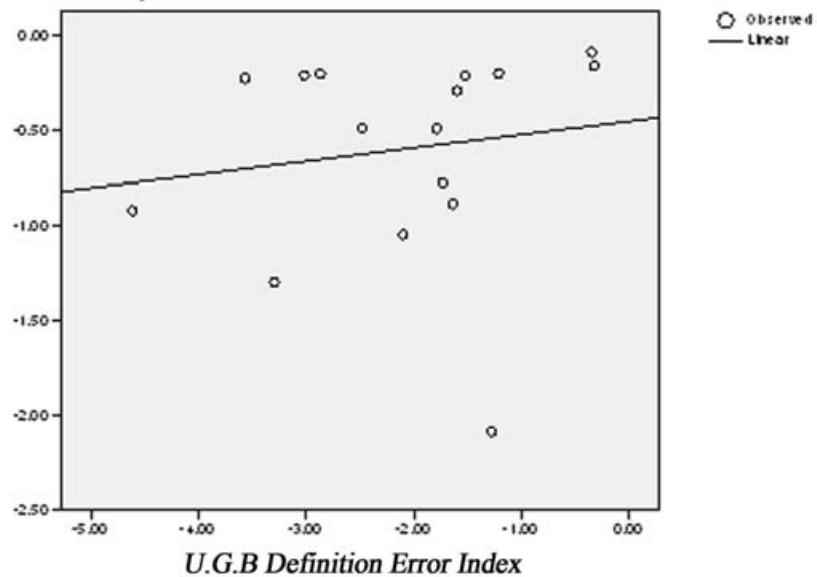


تصویر ۱. مبانی تعیین شاخص «خطای تعریف حدود رشد شهری»



تصویر ۲. مبانی تعیین شاخص «میزان ناکارایی حدود رشد شهری»

U.G.B Inefficiency Index



نمودار ۱. معادله رگرسیون شاخص‌های خطای تعریف و میزان ناکارایی حدود رشد شهری

جدول ۲- شاخص‌های خطای تعریف و میزان ناکارایی خودرشد شهری در شهرهای نمونه

شاخص	میزان ناکارایی خودرشد شهری	شاخص خطای تعریف خودرشد شهری	مساحت خطای میزان ناکارایی (هکتار)	مساحت خطای تعریف خودرشد شهری (هکتار)	مساحت خودرشد شهری مصوب (UGB) (هکتار)	مساحت عرصه شهری شده نهایی (در پایان دوره بررسی)	مساحت عرصه شهری اولیه (هکتار)	دوره بررسی	نمونه های موردی	اقلیم	اندازه شهر	رابطه شهر- پیرامون
۷۸،۰-	۱،۷۴-	۲۸۴،۳۰	۳۰،۹۷	۱۶۵۷،۳۵	۱۶۹۸،۵۷	۱۱۱۵،۰۵	دوره اول ۱۳۶۴-۸۰	بیر چند	گرم و خشک و متوسط (کوچک و بزرگ)			
۲،۰۹-	۱،۲۸-	۸،۳۵	۹۳،۵۹	۱۶۹۱،۸۳	۱۰۳۰،۳۹	۱۰۱۵،۳۵	دوره اول ۱۳۶۷-۸۰	بیر چند	گرم و خشک و متوسط (کوچک و بزرگ)			
۰،۴۹-	۲،۴۸-	۵۸۲،۵۸	۵،۹۴	۱۷۹۵،۰۷	۱۸۰۴،۵۳	۱۰۳۰،۳۹	دوره دوم ۱۳۸۰-۸۷	بیر چند	گرم و خشک و متوسط (کوچک و بزرگ)			
۱،۰۵-	۲،۱۰-	۷۳،۹۸	۸،۱۱	۱۰۱۷،۵۷	۸۲۵،۵۴	۴۹۸،۷۴	دوره اول ۱۳۶۸-۷۹	بابل	معتدل و مرطوب			

-۱,۳۰	-۰,۸۹	-۰,۹۲	-۰,۲۰	-۰,۹۳	-۰,۰۹	-۰,۲۰
-۳,۳۰	-۱,۶۴	-۴,۶۱	-۲,۸۷	-	-۰,۳۵	-۱,۲۱
۳۳,۸۳	۴۳۵,۹۳	۱۸۶,۷۲	۹۴۱۱,۵۶	۴۳۶,۳۸	۱۵۱۹,۶۹	۱۷۷۶,۲۰
۰,۵۵	۳۶,۴۴	۰,۰۴	۸,۱۲	-	۲۹۱,۹۶	۸۳,۸۳
۱۰۹۴,۸۳	۱۵۵۸,۹۱	۱۶۸۷,۴۷	۶۰۱۰,۵۸	۴۶۶۵,۹۱	۳۶۶,۴۶	۱۲۹۰,۹۰
۶۷۵,۳۵	۳۳۶۴,۷۷	۱۵۵۸,۹۱	۱۵۰۳۳,۸۸	۳۷۱۹,۵۷	۱۸۶۳,۹۵	۲۸۲۷,۹۱
۵۰۲,۲۹	۱۵۵۸,۹۱	۹۳۰,۱۳	۳۷۱۹,۵۷	۹۸۴,۵۰	۵۷۸,۷۲	۸۲۵,۵۴
دوره اول ۱۳۷۲-۸۳	دوره دوم ۱۳۶۶-۸۷	دوره اول ۱۳۵۶-۶۶	دوره دوم ۱۳۶۲-۸۷	دوره اول ۱۳۵۲-۶۲	دوره اول ۱۳۶۲-۸۷	دوره دوم ۱۳۷۹-۸۷
لاهیجان	زاهدان		یزد		بوشهر	
معتدل و مرطوب			گرم و خشک		گرم و مرطوب	
متوسط (کوچک و بزرگ)	بزرگ و بسیار بزرگ		بزرگ میانی			
خوشه‌ای (زنجیره‌ای)						

نتیجه گیری و جمع بندی

ارزیابی هانشان داد که روند فعلی تعریف حدود رشد شهرها در جریان طرح های توسعه شهری بدون ایراد نیست. این مشکل تا حدی به تلقی نادرست تصمیم سازان از عرصه شهری شده در زمان تهیه طرح توسعه شهری بر می گردد. «خطای سهوی و یا تعمد در خارج از حدود شهری قرارداد بخش هایی از عرصه شهری شده»، باعث می گردد که حدود رشد شهری (UGB) در مواردی حتی لبه ی واقعی شهر در زمان تهیه طرح های توسعه شهری را پوشش ندهد. مشکل دیگر به ناکارایی حدود تعریف شده در محدود ساختن رشد شهر در افق طرح توسعه شهری می گردد. ضمن آنکه ضرورت و توجیه پذیری سیاست محدود سازی رشد شهری زیر سؤال است به نظر می رسد که همواره بخشی از روند شهری شدن شهرها در خارج از حدود مصوب رشد شهری اتفاق می افتد. این دو ایراد بنیادین، به نحو ملموسی صحت ساز و کار مدیریت رشد شهری در ایران را زیر سؤال می برد. به نظر می رسد اتخاذ یک ساز و کار جدید و کارآمد که در وهله اول مبتنی بر «درک صحیح از عرصه های شهری شده» (لبه واقعی شهر) باشد اولویت اول بازنگری در ابزارهای مدیریت رشد شهری در ایران

۰,۱۶۱-	۰,۲۱۱-	۰,۲۳-	۰,۴۹-	۰,۲۱-
۰,۳۳-	۳,۰۱۸-	۳,۵۷-	۱,۷۹-	۱,۵۲-
۳۰۳۵۸,۹۵	۱۶۵۸۲,۸۰	۷۸۴,۵۵	۹۹,۵۶	۱۳۱۱,۳۵
۱۳۳۰۵,۴۰	۱۰,۲۸۶	۰,۲۵	۴,۳۲	۳۳,۸۳
۱۵۱۳۱,۶	۱۰۷۰۶,۵	۹۳۲,۱۶	۲۶۴,۳۲	۱۰۹۴,۸۳
۴۴۰۱۶,۶۹	۲۶۹۶۰,۹	۱۳۲۴,۶۹	۳۰۹,۴۶	۲۱۴۳,۱۸
۲۶۹۶۰,۹	۲۵۰۳,۸۹	۳۰۹,۴۶	۱۲۶,۶۳	۶۷۵,۳۵
دوره دوم ۱۳۷۸-۸۷	دوره اول ۱۳۴۵-۷۸	دوره دوم ۱۳۷۳-۸۷	دوره اول ۱۳۵۵-۷۳	دوره دوم ۱۳۸۲-۸۷
مشهد		انگود		
کلان شهر				

جدول ۳. بررسی شاخص‌های خطای تعریف و ناکارایی حدود رشد شهری در گونه‌های مختلف شهری در ایران

شاخص ناکارایی حدود رشد شهری	شاخص خطای تعریف حدود رشد شهری		
-۰.۷۲	-۱.۸۱	منفرد	رابطه شهر و پیرامون
-۰.۵۶	-۲.۵۵	خوشه ای	
-۰.۱۹	-۱.۶۷	کلان شهر	
-۰.۵۵	-۲.۴۰	بزرگ و بسیار بزرگ	اندازه شهر
-۰.۵۷	-۱.۴۴	بزرگ میانی	
-۰.۶۶	-۱.۹۰	متوسط (کوچک و بزرگ)	
-۰.۵۸	-۲.۲۵	معتدل و مرطوب	اقلیم
-۰.۶۷	-۲.۰۸	گرم و خشک	
-۰.۰۹	-۰.۳۵	گرم و مرطوب	
-۰.۷۴	-۱.۷۸	سرد کوهستانی	

است. در این راستا ارائه یک تعریف جامع از عرصه‌های شهری شده و وجه تمایز آن از عرصه‌های غیر شهری یک ضرورت است. ساز و کار جایگزین می‌باید براساس مبانی فازی در عوض تفکیک قطعی نواحی شهری از غیر شهری و محدود سازی رشد که با سرشت شهرها تناسب ندارد؛ موضوع رشد شهری را در قالب یک طیف توسعه مورد توجه قرار دهد. این طیف گذار درجات متنوعی از بیشتر و کمتر شهری بودن را باید در برمی‌گیرد. در عین حال مجموع بررسی‌ها گویای آن است که در عوض اتکاء بر این تصور که فرآیند رشد شهری می‌باید خود را با حدود رشد شهری قراردادی منطبق نماید، این حدود رشد شهری است که باید خود را با واقعیت روند رشد شهری منطبق سازد.

منابع

- ۱- احمد آخوندی، عباس و برک پور، ناصر و اسدی، ایرج و طاهرخانی، حبیب‌الله و بصیرت، میثم و زندی، گلزار (۱۳۸۶) حاکمیت شهر - منطقه تهران: چالش‌ها و روندها، *مجله هنرهای زیبا*، سال سیزدهم، شماره ۲۹، صفحات ۱۶-۵.
- ۲- اطهاری، جمال (۱۳۸۱) سیاست‌های مشارکت شهری در حومه شهرهای فرانسه، *مجله شهردار یها*، سال سوم، شماره ۳۷: صفحات ۲۴-۲۰.
- ۳- اطهاری، کمال و همکاران (۱۳۷۹) حاشیه‌نشینی در ایران، *مجله مدیریت شهری*، سال اول، شماره ۲، صفحات ۸۷-۸۲.
- ۴- ثابتی، محمد (۱۳۸۰) وضعیت حقوقی اراضی موات و بایر، *مجله شهر*، سال دوم، شماره ۱۸، صفحات ۱۷-۶.
- ۵- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۷۹) قیمت گذاری زمین‌های نوآباد شهری؛ رانت و تجربه در ایران، مجموعه مقالات همایش زمین و توسعه شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۶- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۴) اندیشه‌های خام شهرسازی، *مجله هنرهای زیبا*، سال اول، شماره اول، صفحات ۳۶-۳۴.
- ۷- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۷۶) مدیریت کلان شهر تهران، واگرایی عملکردی و فضایی، *مجله معماری و شهرسازی*، سال ششم، شماره‌های ۷ و ۶، صفحات ۶۷-۶۳.
- ۸- کامروا، محمد علی (۱۳۷۹) روند تغییر مکان جمعیت شهری در ایران، *مجله هنرهای زیبا*، سال ششم، شماره ۸، صفحات ۸۳-۷۴.
- ۹- محمدزاده تیتگانلو، حمیده (۱۳۸۱) ظرفیت‌سازی در شهرهای متوسط و توسعه فضایی منطقه ای مورد پژوهی شهر بجنورد و استان خراسان، *مجله هنرهای زیبا*، سال هشتم، شماره ۱۲، صفحات ۳۵-۳۴.
- ۱۰- مشهودی، سهراب (۱۳۸۶) مبانی طرح‌های سیال شهری، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

- ۱۱- هاشمی، فضل اله (۱۳۷۸) آیا ممنوعیت گسترش محدودده شهرها کار درستی است؟، *مجله شهر*، سال اول، شماره‌های ۶ و ۵ و ۴، صفحات ۱۶-۱۰.
- ۱۲- هاشمی، فضل اله (۱۳۷۹) سیاست زمین، *مجله شهر*، سال دوم، شماره ۱۸، صفحات ۲۵-۲۱.
- 13- Bollens, S. (2005). Urban Growth Boundary. In R. W. Caves (Ed.), *Encyclopedia of the City* (pp. 475-476). New York & London: Routledge (Tylor & Francis Group).
- 14- Al-Hathloul, S., & Aslam Mughal, M. (2004). Urban Growth Management - the Saudi Experience. *Habitat International* , 28 (4), 609-623.
- 15- Anas, A., & Pines, D. (2008). Anti- Sprawl Policies in a System of Congested Cities. *Regional Science and Urban Economics* , 38 (5), 408-423.
- 16- Cheng, J. (2003). Modeling Spatial and Temporal Urban Growth. Doctoral Dissertation, Utrecht. University, Faculty of Geographical Sciences, The Netherland.
- 17- Duany, A. A., Plater-Zyberk, E., & Speck, J. (2000). The inner city. In M. Carmona, & S. Tiesdell (Eds.), *Urban Design Readers* (pp. 352-359). Oxford: Architectural Press.
- 18- Duany, A., & Plater-Zyberk, E. (1998). *Lexicon of the New Urbanism*. In D. Watson, A. Plattus, & R. G. Shibley (Eds.), *Time - Saver Standards for Urban Design* (pp. 5.11-1-5.11-4). Massachusetts: Mc Graw - Hill.
- 19- Frey, H. (1999). Compact, Decentralised or what? The Sustainable City Debate, From Designing the City: Toward a More Sustainable Urban Form. In M. Larice, & E. Macdonald (Eds.), *The Urban Design Readers* (pp. 328-343). London: Routledge.
- 20- Gennaio, M. P., M. Hersperger, A., & Burgi, M. (2009). Containing Urban. Sprawl - Evaluating Effectiveness of Urban Growth Boundaries Step by the Swiss Land Use Plan. *Land Use Policy* , 26, 224-232.
- 21- Gillham, O. (2002). What is Sprawl? From the Limitless City: A Primer on the Urban Sprawl Debate (2002). In M. & Larice (Ed.), *The Urban Design Readers* (pp. 287-307). London: Routledge.
- 22- H. Ross, B., & A. Levine, M. (2005). Annexation. In R. W. Caves (Ed.), *Encyclopedia of the City* (pp. 13-14). New York & London: Routledge (Tylor & Francis Group).
- 23- Kasanko, M., I. Barredo, J., Lavalle, C., MacComick, N., Demicheli, L., Sagris, V., et al. (2006). Are European Cities becoming dispersed? A Comparative analysis of European Urban Areas. *Landscape and Urban Planning* , 77 (1-2), 111-130.
- 24- Loeb, D. (2008). Urban Voids: Grounds for change, Reimagining Philadelphia's Vacant Lands. *A.D (Architectural Design)* , 78 (1-2), 68-73.
- 25- Lou, S., Johnston, A., & Chen, D. (2008). Approach to Delimiting Metropolitan Regions' Boundary and Grading Urban Hierarchy Within a Metropolitan Region - A Case Study of Shanghai Metropolitan Region. *Chinese Geographical Science* , 18 (3), 197-205.
- 26- M. Bento, A., F. Franco, S., & Kaffine, D. (2005). The Efficiency and Distributional Impacts of Alternative Anti-Sprawl Policies. *Journal of Urban Economics* , 59 (1), 121-141.
- 27- Rabinson, L., P. Newell, J., & M. Marzluff, J. (2005). Twenty-five years of Sprawl in the Seattle Region: Growth Management Responses and Implication For Conservation. *Landscape and Urban planning* , 71 (1), 51-72.
- 28- Tods, A. (2005). Urban Restructuring. In R. W. Caves (Ed.), *Encyclopedia of the City* (pp. 489-491). New York & London: Routledge (Tylor & Francis Group).
- 29- Trancik, R. (1986). what is lost space? In *Urban Design Readers* (pp. 63-69). Oxford: Architectural press.
- 30- Walters, D., & Luise Brown, L. (2004). *Design First: Design-based Planning for communities*. Oxford: Architectural Press.
- 31- Yang, J., & Jinxing, Z. (2007). The failure and Success of greenbelt Program in Beijing. *Urban Forestry & Urban Greening* , 6 (4), 287-296.

شهرگریزی و چشم انداز تمرکز زدایی در شهر تهران

محمد رضا رضوانی* - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Counter urbanization and Prospect of Decentralization in City of Tehran

Abstract: Counter urbanization is the movement of population from urban areas to rural areas that generally is associated with migration from cities to villages. There is many evidences about counter urbanization in developed countries in past decades, but this phenomenon is relatively new in developing countries and there is in limited spaces including the metropolis environs. There are evidences about the temporary and permanent counter urbanization and reverse migration of people from metropolises to urban and rural areas in Iran especially in city of Tehran. The Objectives of the present research is study and analysis of counter urbanization and its changes in city of Tehran and factors affecting it. The required data by documental methods and mainly by secondary analysis of population senses is gathered and then processed and analyzed. The results indicates the net-migration in city of Tehran at least two recent decades was negative and in fact some of Tehran's residents have immigrated to surrounding rural and urban areas in certain periods. However although the net-migration has been negative in city of Tehran in past two decades, but these population flows didn't have important role in decentralization from city of Tehran, because of Tehran's most important migration destination are other townships in Tehran province especially cities and villages around the city of Tehran and this settlement doesn't have far with Tehran. Therefore is necessary implementing development plans and regional balance in the country and rural and urban integrated management in Tehran Metropolitan Area? Also decentralization should be total Tehran province or at least cover the Tehran Metropolitan Area and doesn't have limited only to city of Tehran (22 urban districts).

Keywords: Counter urbanization, Decentralization, Urbanization, Reverse Migration, Tehran

چکیده

«شهرگریزی»، حرکت جمعیت از نواحی شهری به نواحی روستایی است که عموماً با مهاجرت از شهر به روستا همراه است. شواهد فراوانی در زمینه شهرگریزی در کشورهای توسعه یافته در چند دهه گذشته وجود دارد؛ اما در کشورهای در حال توسعه، این پدیده نسبتاً جدید است و در فضاهای محدودی از جمله اطراف کلانشهرها وجود دارد. در ایران نیز در دو دهه گذشته شواهدی مبنی بر «شهرگریزی موقت و دائمی» و «مهاجرت معکوس جمعیت» از کلانشهرها بویژه شهر تهران به مناطق روستایی و شهری اطراف وجود دارد. «هدف تحقیق» حاضر بررسی سابقه و سیر تحول شهرگریزی در شهر تهران و شناسایی عوامل موثر بر آن است. داده‌های مورد نیاز با «روش اسنادی» و با «تحلیل ثانویه نتایج سرشماریهای جمعیتی کشور»، جمع آوری و سپس پردازش و تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد «مهاجرت خالص جمعیت در شهر تهران حداقل در دو دهه اخیر منفی بوده» و در واقع برخی از ساکنان شهر تهران در این مدت به مناطق روستایی و شهری اطراف مهاجرت کرده‌اند. با این حال اگرچه مهاجرت خالص جمعیت در شهر تهران در دو دهه گذشته منفی بوده است، ولی این جریانهای جمعیتی نقش چندانی در تمرکز زدایی از شهر تهران نداشته است، زیرا مهمترین مقصد مهاجرت از شهر تهران، متوجه شهرستانهای دیگر استان تهران بویژه شهرها و روستاهای اطراف شهر تهران بوده که این سکونتگاه‌ها نیز فاصله زیادی با شهر تهران ندارند. همچنین این مهاجرتها بطور خالص متوجه استانهای دیگر کشور نبوده است. در این راستا لازم است علاوه بر اجرای برنامه‌های توسعه و توازن منطقه‌ای در کشور، مدیریت یکپارچه شهری و روستایی در محدوده کلانشهر تهران ایجاد شود و سیاست تمرکز زدایی نیز باید کل استان تهران و یا حداقل منطقه کلانشهر تهران را پوشش داده و صرفاً محدود به شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه) نشود.

واژگان کلیدی: شهرگریزی، تمرکز زدایی، شهر نشینی، مهاجرت معکوس، تهران.

جمعیت نواحی کلانشهری انگلستان بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱ تا ۶/۵ درصد کاهش یافت، در حالی که جمعیت نواحی غیرکلانشهری با ۶ درصد افزایش همراه بود. در دیگر کشورهای اروپایی، این تفاوت‌ها کمتر بود، در مجموع در انگلستان طی سه دهه گذشته به دلیل شهرگزیزی رشد جمعیت در نواحی روستایی بویژه نواحی حاشیه‌ای و دورتر افزایش یافته است که این موضوع با تغییرات اقتصادی - اجتماعی ساختاری و نیز تغییر ترجیحات فردی مرتبط است و البته پیامدهایی را از جمله بین تازه واردان و ساکنان محلی داشته است.

در این راستا، بررسیها در هلند نشان داد که نرخ خالص مهاجرت به نواحی روستایی در دهه ۱۹۷۰ حدود ۲ درصد در سال بود، در ۱۹۸۲ در فرانسه، ۱/۳ درصد و در آلمان غربی در اوایل دهه ۱۹۸۰ حدود ۰/۷ درصد بود (Serow, 1991). کانادا روند پیچیده‌تری داشته، چراکه مهاجرت از شهر به روستا از ۱۹۷۱ تا دهه ۱۹۸۰ بر مهاجرت از روستا به شهر پیشی گرفت، اما نرخ رشد جمعیت در نواحی روستایی فقط در دوره کوتاهی بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۶ از نرخ رشد جمعیت شهری بیشتر بود.

شواهد مربوط به کانادا نشان می‌دهد شهرگزیزی بیش از اینکه به عنوان یک جریان منحصر به فرد، منسجم و یک طرفه باشد، باید به عنوان ترکیبی از فرآیندهای مختلف تغییر جمعیت در نظر گرفته شود؛ به عنوان مثال برخی نویسندگان، بین تمرکز زدایی، یا مهاجرت از شهرها به نواحی روستایی مجاور و تراکم زدایی، یا مهاجرت از شهرهای عمده به نواحی روستایی دیگر، تفاوت قابل هستند. تمرکز زدایی با آمد و شد روزانه مرتبط است، در حالی که تراکم زدایی اغلب با تغییر اساسی «سبک زندگی» همراه است. شهرگزیزی گرچه پدیده در کشورهای توسعه یافته بخوبی بررسی شده است، ولی در کشورهای در حال توسعه نیز از جمله در آمریکای لاتین و بویژه در آرژانتین، بررسیهای موردی در این زمینه انجام شده است. در این کشور طی دهه گذشته به دلیل پدیده شهرگزیزی، نرخ رشد جمعیت در سکونتگاههای با

در «فرایند شهرنشینی»، برخی محققین به چهار مرحله شهرنشینی: شامل «شهرنشینی» (بُلمب جمعیت در نواحی شهری)، «حومه نشینی» (گسترش شهری در نواحی پیرامونی)، «شهرگزیزی» (کاهش جمعیت در نواحی شهری) و «شهرنشینی مجدد» (ظهور مجدد ویژگی‌های شهری در کانونهای شهری) اشاره می‌کند (Clare J.A., 2004:16). شهرنشینی، فرایند تمرکز جمعیت است که شامل مهاجرت از یک ناحیه پرتراکم به یک ناحیه کم تراکم است. «شهرگزیزی» حرکت جمعیت از نواحی شهری به نواحی روستایی که عموماً با مهاجرت از شهر به روستا همراه است، که می‌تواند با مقایسه تفاوت نرخ رشد جمعیت در نواحی روستایی نسبت به نواحی شهری نشان داده شود. در واقع، شهرگزیزی روندی است که شامل تمرکز جمعیت از یک ناحیه با تمرکز جمعیتی بالا به یک ناحیه با تمرکز پایین است (Kazi S, 2009:14). شهرگزیزی هم می‌تواند شامل «تمرکز زدایی»^۱ (مهاجرت از شهرهای کوچک و بزرگ به نواحی روستایی مجاور) و نیز شامل «تراکم زدایی»^۲ (مهاجرت درون منطقه‌ای از نواحی کلانشهری به نواحی روستایی) باشد. شهرگزیزی یا جریان معکوس مهاجرت از شهر به روستا، در ابتدا با استفاده از تحلیل‌های جمعیتی در ایالات متحده آمریکا در اوایل دهه ۱۹۷۰ مشاهده شد (Schmied, D. 2002:25). این پدیده جدید، که «بری»^۳ آن را «شهرگزیزی» نامید، با مطالعاتی در چند سال بعد تأیید شد و کارهای «بُورن»^۴ و «لوگان»^۵ (۱۹۷۶) و «وینینگ»^۶ و «کونتولی»^۷ (۱۹۷۸) که «فضای چرخشی جمعیت» را در آمریکا، کانادا، استرالیا و بخش اعظم اروپای غربی مطرح کردند، از آن جمله است. در انگلستان، رشد سریع جمعیت در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، عمدتاً در نواحی روستایی متمرکز بود و یک سال قبل از سرشماری ۱۹۸۱ مشخص شد که حدود ۱۰۰،۰۰۰ نفر مستقیماً از نواحی شهری به روستایی مهاجرت کرده‌اند (Lewis, 1998; Serow, 1991). در مجموع

1. decentralization
2. deconcentration
3. Berry
4. Bourne

5. Logan
6. Vining
7. Kontuly

جمعیت کمتر از ۲۰۰۰ نفر بیشتر از نواحی شهری بوده است و نیز در هشت استان این کشور رابطه منفی بین اندازه جمعیت سکونتگاهها و نرخ رشد جمعیت آنها برقرار بوده است. در آرژانتین این تحولات با سیاستهای اقتصادی نئولیبرال تبیین شده است.

(Leveau, C.M, 2009:90-91)

در ایران تاکنون مطالعه‌ای درباره شهرگرزی انجام نشده است؛ ولی شواهد مربوط به آن در کلانشهرهای کشور و بویژه کلانشهر تهران که در مراحل بالاتری از سازمان یافتگی فضا قرار دارند وجود دارد. به هر حال با توجه به آمارهای موجود، و با توجه به امکانات و محدودیتهای زندگی در شهرهای بزرگ و کلانشهرهای کشور، انتظار تشدید آن در تهران و گسترش آن به سایر کلانشهرهای کشور وجود دارد. بنابراین لازم است با بررسی ادبیات موجود و تجربیات جهانی در این زمینه، اقدامات منطقی برای ساماندهی و هدایت پدیده شهرگرزی بعمل آید. در این راستا، هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل سوابق و شواهد مربوط به شهرگرزی از تهران و مهاجرت از این شهر به مناطق روستایی و شهری اطراف است. همچنین در این مطالعه با بررسی روند تحولات موجود، به بررسی مقدماتی عوامل موثر در شهرگرزی در مجموعه شهری پرداخته می‌شود.

عوامل موثر بر شهرگرزی

شهرگرزی، محصول «بازساخت اقتصادی جامعه شهری و روستایی» است و هماهنگ با تغییرات اجتماعی و فنی نشان دهنده این است که مردم نسبت به نسل‌های گذشته به لحاظ فیزیکی و اجتماعی پُر تحرک تر هستند. در این راستا، «کانتیولی»^۸ (۱۹۹۸) اظهار داشت طیف وسیعی از تبیین‌ها در زمینه شهرگرزی وجود دارد که می‌توان آنها را در قالب شش عامل اصلی به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

- «عوامل اقتصادی»، از جمله دوره‌های کسب و کار، رشد اشتغال محلی در استخراج معدن، گردشگری، و الگوی دوره‌ای سرمایه‌گذاری در املاک و کسب و کار؛

- «عوامل اقتصادی ساختاری»، شامل تمرکز ژدایی

مشاغل به نواحی روستایی در تقسیم‌کار فضایی جدید؛ - «عوامل فضایی و زیست‌محیطی»، شامل مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی در نواحی شهری، مسئله مسکن و هزینه‌های آن، و در مقابل جذابیت شرایط زیست‌محیطی در روستاها؛

- «عوامل اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی»، شامل تغییر در ترکیب جمعیت، افزایش پرداخت‌های رفاهی دولت و تحولات در ترجیحات سکونت، تقاضا برای زندگی باکیفیت بهتر و نیز ارزش‌های اجتماعی مردم از جمله دیدگاه‌های ایده آل‌گرایانه برای سکونت در مناطق آرام و امن؛

- «سیاست‌های دولت»، شامل اقدامات اساسی به منظور توسعه روستایی یا برای جذب مهاجران به نواحی روستایی و بهبود آموزش، بهداشت و دیگر خدمات عمومی در این نواحی؛ و

- «ابداعات فنی نوین»، از جمله توسعه خطوط حمل و نقل و ارتباطات راه دور پیشرفته مانند اینترنت که زمینه‌کار از دور را فراهم می‌سازد.

این عوامل، شرایط تصمیم‌گیری افراد درباره محل زندگی خود را تغییر داده است. در برخی موارد، موانع جدیدی مطرح شده است، برای مثال «تغییر ساختار شهری به روستایی بسیاری از صنایع کارخانه‌ای و مشاغل بخش خدمات در قالب بازساخت اقتصادی»، نشان می‌دهد که فرصت‌های شغلی می‌تواند در نواحی روستایی نسبت به نواحی شهری مجاور بیشتر شود. در موارد دیگر، بازساخت اقتصادی، تغییر اجتماعی و فرهنگی و ابداعات فنی، موانع موجود را برداشته است؛ به گونه‌ای که، تصمیمات مربوط به سکونت می‌تواند بیش از پیش بر اساس عوامل آرمانی، از جمله «کیفیت زندگی در نواحی روستایی» اتخاذ شود.

اهمیت زندگی روستایی به عنوان یک «عامل جذب» در مهاجرت با استفاده از نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت شهری در کشورهایی مانند انگلستان و کانادا ترجیح می‌دهند در نواحی روستایی زندگی کنند، در صورتیکه آنها قادر به انجام آن باشند (Bollman and Biggs, 1992; Halfacree, 1994).

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

مطالعات «هالفکری»^۹ درباره مهاجران وارد شده به روستاها در «لانکشاير»^{۱۰} و «ذون»^{۱۱} در انگلستان نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از آنها معتقدند که ویژگی روستایی ناحیه در مقایسه با عوامل دیگر در تصمیم‌گیری آنها برای مهاجرت، «فوق‌العاده مهم» بوده است؛ و کمتر از یک‌دهم مهاجران نیز گفته‌اند که ویژگی روستایی، خیلی مهم نبوده است (Halfacree, 1994). یافته‌های مشابهی توسط «گرامپ»^{۱۲} (۲۰۰۳) در ناحیه «سوناما»^{۱۳} در کالیفرنیا ارائه شد. ناحیه سوناما که در پنج مایلی شمال سانفرانسیسکو واقع شده، و یک ناحیه روستایی است که از تمرکز ژدایی و تراکم‌زدایی جمعیت متاثر گردیده است و به همین دلیل جمعیت این ناحیه بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، تا ۵۳ درصد افزایش یافت. کرامپ به این نکته پی برد که در بین ۵۰ درصد از مهاجرت‌کنندگان به این ناحیه روستایی، «محیط روستایی» مهم‌ترین عامل تصمیم‌گیری برای مهاجرت بوده است حتی در بخش حومه‌ای این ناحیه، «محیط روستایی» به عنوان عامل «بسیار مهم» یا «مهم‌ترین عامل» در بین بیش از نیمی از مهاجران ذکر شده است. عوامل دیگر مطرح شده توسط کرامپ مرتبط با محیط‌های روستایی، از جمله جذابیت محیط طبیعی، فضای باز و نزدیک، و وجود حریم شخصی، همه توسط اکثر مهاجران به نواحی روستایی مورد تأکید بوده است.

طبقه‌بندی کرامپ درباره «عوامل روستایی» نشان دهنده اهمیت «زندگی روستایی» به عنوان یک ساخت اجتماعی است. با این تفاوت که جاذبه روستاها به عنوان مکانی برای زندگی در بین مهاجران متفاوت خواهد بود. مطالعه «هالفکری» (۱۹۹۴) طیف‌گسترده‌ای از «جاذبه‌های اصلی» زندگی روستایی را بر اساس دیدگاه مهاجران ذکر می‌کند، از جمله آنها گستردگی و کیفیت زیبایی شناختی محیط و «زندگی آهسته‌تر» و «احساس اجتماعی بیشتر» و نیز قضاوت‌های ارزشی با این مضمون که نواحی روستایی برای پرورش بچه‌ها مکان بهتری است. بازتاب

قضاوت‌های ارزشی بر فضای روستایی و جامعه روستایی نشان دهنده ابعاد سیاسی در مهاجرت است که می‌تواند به ظهور کشمکش‌های محلی کمک کند؛ به عنوان مثال، هالفکری مسیر محافظه‌کارانه و نژادپرستانه را در بین اقلیت کوچکی از مهاجران وارد شده به روستاها در انگلستان تشخیص می‌دهد که نواحی روستایی برای آنها به عنوان یک فضای «تک قومیتی»^{۱۴} و «تک فرهنگی»^{۱۵} جذابیت دارد، در حالی که «جونز و همکاران»^{۱۶} (۲۰۰۳) بر عکس اظهار داشتند که اهمیت محیط روستایی به عنوان جاذبه عمده از نظر اکثریت مهاجران وارد شده به آپالاش^{۱۷} جنوبی آمریکا، به توسعه فعالیت طرفداران محیط زیست کمک کرده است.

از این رو، «مهاجرت آرمانی» پدیده مهمی در شهرگزیری است، اما از نظر اکثر مهاجران وارد شده، جاذبه «زندگی روستایی» فقط یکی از عوامل ضروری است که فرآیند چند مرحله‌ای تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد که بر اساس تصمیم‌گیری مرحله‌ای شامل نقل مکان، انتخاب یک جامعه محلی برای زندگی و انتخاب مالکیت فردی بوجود می‌آید. همه مهاجران وارد شده به نواحی روستایی در انتخاب ناحیه روستایی برای زندگی آزادانه عمل نمی‌کنند. «هارپر»^{۱۸} (۱۹۹۱) بیش از یک پنجم مهاجران در ناحیه مورد مطالعه خود را به عنوان «ساکنان محدود شده»^{۱۹} طبقه‌بندی کرده که ترجیحات سکونتی آنها توسط مدیران دولت محلی یا مالکیت مسکن محدود می‌شود، یا کسانی که محل سکونت آنها وابسته به شغل آنها بوده و بطور کلی، مهاجران زیادی هستند که بطور مؤثری مجبور به نقل مکان به یکی از نواحی روستایی، به دلیل وابستگی‌های شغلی و خانوادگی هستند. به هر حال بسیاری از مهاجران ممکن است با توجه به عوامل منطقه‌ای جذب نقاط روستایی می‌شوند که چندان ارتباطی با روستایی بودن ناحیه مورد نظر ندارد. «والمسلی و همکاران»^{۲۰} (۱۹۹۵) به این نکته پی بردند که در استرالیا، شرایط اقلیمی، سبک زندگی،

9. Halfacree
10. Lancashire
11. Devon
12. Crump
13. Sonoma
14. mono-ethnic

15. mono-cultural
16. Appalachia
17. Jones et al
18. Harpper
19. restricted residents
20. Walmsley et al

نواحی روستایی در دوره معاصر با توجه به مفهوم «شهرگریزی» نشان می‌دهد که پدیده‌ای ساده‌ای نمی‌باشد، خصوصاً چهار نکته اصلی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد:

الف- «تأکید بر شهرگریزی در ادبیات انگلیسی - آمریکایی، تنوع روندهای ملی را نشان نمی‌دهد». دیدگاه شهرگریزی توسط محققانی در ایالات متحده آمریکا که تغییر جمعیتی زیادی در آنجا وجود داشت - و نیز در انگلستان که مهاجرت از شهر به روستا به طور مداوم وجود داشته است مطرح شد. در بسیاری دیگر از کشورها، اهمیت شهرگریزی ضعیف‌تر بوده است. «کانتیولی»^{۲۳} (۱۹۹۸) اظهار داشت که در بسیاری از کشورهای اروپایی جریان شهرگریزی با جریان شهرنشینی در دهه ۱۹۸۰ مرتبط بوده است. در بعضی کشورها از جمله فنلاند و پرتغال، شهرنشینی روندی غالب در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود.

ب- در تبیین مهاجرت نقش تفاوت‌های «منطقه‌ای» در پویایی جمعیت و عوامل منطقه‌ای می‌تواند مهم‌تر از «فاکتورهای روستایی» باشد. ماهیت نامنظم شهرگریزی به لحاظ منطقه‌ای در آمریکای شمالی که «نواحی روستایی» کانادا و آمریکا را دربر می‌گیرند، مشهود است. مهاجرت شهری - روستایی در کانادا، در درجه اول، به شکل تمرکززدایی است، چراکه رشد جمعیت در نواحی روستایی نزدیک به مراکز مادر شهری «دره اس‌تی لارنس»^{۲۴} و «بریتیش کلمبیایی جنوبی» متمرکز بوده است (Bollman and Biggs, 1992). بر عکس نواحی روستایی دوردست‌تر در کانادای مرکزی و شمالی، از کاهش شدید جمعیت رنج می‌برند، به عنوان مثال جمعیت «نیوفوندلند»^{۲۵} بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱ تا ۷ درصد، جمعیت «یوگون»^{۲۶} تا ۶/۸ درصد و جمعیت «سرزمین‌های شمال غربی»^{۲۷} تا ۵/۸ درصد کاهش داشت. واکنش به این وضع در دولت کانادا سیاست تشویق مهاجرت ملل خارجی به نواحی روستایی خود را به منظور تثبیت کاهش جمعیت پذیرفته است.

محیط زیست، وضع اشتغال و فرصت‌های مسکن، از عوامل اصلی مهاجرت به ناحیه ساحلی روستایی نیو ساوت ولز^{۲۱} می‌باشند. به هر حال دارایی‌های غیر قابل انتقال جغرافیایی مانند روابط اجتماعی با دوستان و بستگان، وجود املاک و تعلق مکانی نقش معینی در تصمیم‌گیری برای شهرگریزی دارد (J.A., 2004:16). (Clare).

«لوپس» (۱۹۹۸) با جمع‌بندی بررسی‌های انجام شده در یک دوره ۲۰ ساله از اواسط دهه ۱۹۷۰، اظهار داشت که شهرگریزی را می‌توان با چند عامل مشترک مورد بررسی قرار داد:

۱. «اول»، رشد جمعیت بالاتری در سطوح پایین ترسلسله مراتب شهری اتفاق می‌افتد؛ و
۲. «دوم»، افزایش جمعیت از طریق گسترش حومه‌نشینی شهری^{۲۲} افزایش می‌یابد؛ و
۳. «سوم»، نرخ‌های افزایشی جمعیت در خارج از نواحی کلانشهری به ویژه در نواحی روستایی دور دست ثبت می‌شود؛ و
۴. «چهارم»، تغییرات جمعیتی از نواحی صنعتی و شهری به مناطق روستایی برخوردار از شرایط محیطی مناسب بوجود می‌آید. این مشاهدات نشان می‌دهد که تغییر جمعیت از شهری به روستایی در رابطه با شهرگریزی با توجه شرایط متفاوت منطقه‌ای تعدیل می‌شود.

ارزیابی مجدد شهرگریزی

بطور کلی شهرگریزی یکی از مفاهیم کلیدی است که در طول دودهم گذشته توسط دانشمندان اجتماعی روستایی مورد استفاده قرار گرفت؛ با این وجود، شواهد جمع‌آوری شده در این دوره نشان می‌دهد که «رویکرد انتقادی» نیز نسبت به آن ضروری است (Mitchell, 2004). واضح است که دوره کاهش مداوم جمعیت روستایی به پایان رسیده و اکنون جریان قوی مهاجرت از شهر به روستا وجود دارد که در افزایش جمعیت در بسیاری از نواحی روستایی مؤثر است. به هر حال، پویایی جمعیت در

21. New South Wales
22. suburbanization
23. Kontuly
24. ST Lawrence

25. Newfoundland
26. Yukon
27. North West Territories

ج- «حتی در نواحی دارای رشد جمعیت روستایی، کانون‌های کاهش جمعیت محلی نیز می‌تواند وجود داشته باشد.» انگلستان، برجسته‌ترین و با ثبات‌ترین الگوی شهرگرایی را در کشورهای توسعه یافته دارد، اما حتی در بخش‌هایی از نواحی روستایی بریتانیا که جمعیت به سرعت افزایش می‌یابد، پویایی تغییر جمعیت از یک ناحیه به ناحیه دیگر کاملاً متفاوت است. در این راستا «ویکلی»^{۳۸} (۱۹۸۸) متوجه این نکته شد که تقریباً نیمی از مجموع نقاط روستایی در «میدلندز شرقی انگلستان» که در سال ۱۹۸۱ کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت داشتند، از سال ۱۹۷۱ با کاهش جمعیت مواجه شدند، در حالیکه «اسپنسر»^{۲۹} (۱۹۹۷) پی برد که یک سوم بخش‌های «آکسفورد شایر جنوبی»^{۳۰} (یکی از نواحی روستایی دارای رشد سریع) بین سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۹۱ جمعیت خود از دست داده‌اند. جغرافیای محلی نابرابر مهاجرت روستایی، با توجه به ترجیحات سکونتی مهاجران فردی و بر اساس املاک به وجود آمده است. توسعه املاک در انگلستان با توجه به نظام برنامه‌ریزی تنظیم شده و با کنترل توسعه و ساخت و ساز، ظرفیت رشد جمعیت را در محیط‌های با ارزش و بسیار کوچک و فضاهای روستایی تحت فشار محدود می‌کند. همانطور که اسپنسر (۱۹۹۷) اظهار داشت، سیاست برنامه‌ریزی بی‌طرفانه نیست، بلکه حاصل روابط قدرت نامتعادل بین مقامات برنامه‌ریزی و مالکان زمین است که قصد دارند نواحی کم جمعیت را در برابر رشد جمعیت حفظ کند و کاهش جمعیت را در یک نقطه تشویق نمایند.

د- «شهرگرایی می‌تواند الگوهای متفاوت مهاجرت را با توجه به گروه‌های سنی و گروه‌های مختلف اجتماعی بوجود آورد.» به هر حال علی‌رغم غلبه شهرگرایی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته در اواخر قرن بیستم، مهاجرت خالص جوانان از نواحی روستایی همچنان ادامه دارد. حتی در طی دوره تحول اساسی جمعیت در ۱۹۷۵-۶، بالغ بر ۱۴۰۰ جوان در دهه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال از نواحی روستایی آمریکا مهاجرت کردند و این جریان مهاجرتی خالص در دهه ۱۹۸۰ افزایش نیز یافت. به همین

ترتیب، از ۴۸ ناحیه غیرکلانشهری استرالیا، در ۴۴ ناحیه مهاجرت خالص افراد ۱۵ تا ۲۴ سال را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۱ تجربه کردند، با این حال تنوعات در زمینه شهرگرایی بسیار زیاد است و امکان تعمیم در این زمینه بسیار محدود می‌شود.

(Gary and Lawrence, 2001)

روش‌شناسی و معرفی ناحیه مورد مطالعه

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، «کاربردی» و شیوه انجام آن «توصیفی و تحلیلی» و با بهره‌گیری از «روش تحلیل ثانویه»^{۳۱} داده‌های سرشماریهای نفوس و مسکن کشور انجام شده است. «تحلیل ثانویه»، شامل استفاده از داده‌های موجود است، داده‌هایی که با هدف دیگری جمع‌آوری شده ولی برای پیگیری اهداف یک تحقیق که متفاوت با اهداف تحقیق اولیه است، استفاده می‌شود. در واقع تحلیل ثانویه به تحلیل، تعمیم، واکاوی، ترکیب، تفسیر یا ارزیابی منابع اولیه می‌پردازند. داده‌های مورد نیاز با «روش اسنادی» و از نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ جمع‌آوری شده است. با توجه به تغییرات تقسیمات کشوری در قلمرو استان تهران، داده‌های جمع‌آوری شده پس از تطبیق با آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۸۵ پردازش گردید و مبنای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها سال ۱۳۸۵ بوده است. با توجه به استفاده از داده‌های ثانویه، کم و کیف داده‌های مورد استفاده و چگونگی پردازش و تحلیل آنها تحت تاثیر داده‌های در دسترس بوده است؛ چرا که که در سرشماریهای کشور داده‌های کافی برای بررسی پدیده شهرگرایی و مهاجرت معکوس وجود ندارد و سازمانها نیز فاقد چنین داده‌هایی هستند. بنابراین شیوه و قلمرو تحلیل‌ها متناسب با داده‌های در دسترس محدود شده است. به هر حال، با توجه به داده‌ها موجود سعی شده روند و ابعاد شهرگرایی و مهاجرت معکوس از شهر تهران به مناطق اطراف در محدوده استان تهران پرداخته شود. ناحیه مورد مطالعه در این مطالعه استان تهران و ۱۳ شهرستان تابع آن است

(شکل شماره ۱). جمعیت این استان در سال ۱۳۸۵، در حدود ۱۳۴۲۳۳۶۶ نفر بوده که از این تعداد ۷۰۸۸۲۸۷ نفر (۵۲/۸ درصد) در شهر تهران با مساحت ۵۹۴ کیلومتر مربع (مناطق ۲۲ گانه) سکونت دارند. در این استان ۹۱/۳ درصد جمعیت در نقاط شهری، ۸/۶۵ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه (۰/۱ درصد) غیر ساکن می باشند. این استان با داشتن ۱۷/۷۵ درصد جمعیت کشور، حدود ۱۵/۹۶ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را بخود اختصاص می دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۰). تصویر زیر موقعیت شهرستانهای استان تهران را نشان می دهد.

یافته‌های تحقیق

با توجه به داده‌های مورد استفاده و تحلیل آنها، یافته‌های تحقیق به شرح زیر بررسی می شود.

روند تحولات جمعیت در استان تهران

جمعیت استان تهران از حدود ۳/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱۳/۴ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. در همین مدت جمعیت شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه شهرداری) نیز از حدود ۳/۵ میلیون نفر به حدود ۱۳/۴ میلیون نفر تحول یافته است. در واقع، جمعیت استان تهران در این مدت ۳/۸۴ برابر و جمعیت شهر تهران ۲/۳۸ برابر شده است (جدول شماره ۱). در سالهای ۴۵ - ۱۳۷۵ نیز جمعیت شهر تهران تنها ۲/۳ برابر و جمعیت منطقه کلانشهر تهران ۷/۸ برابر افزایش است (خرائط زبردست، ۱۳۷۹، ص ۷۱).

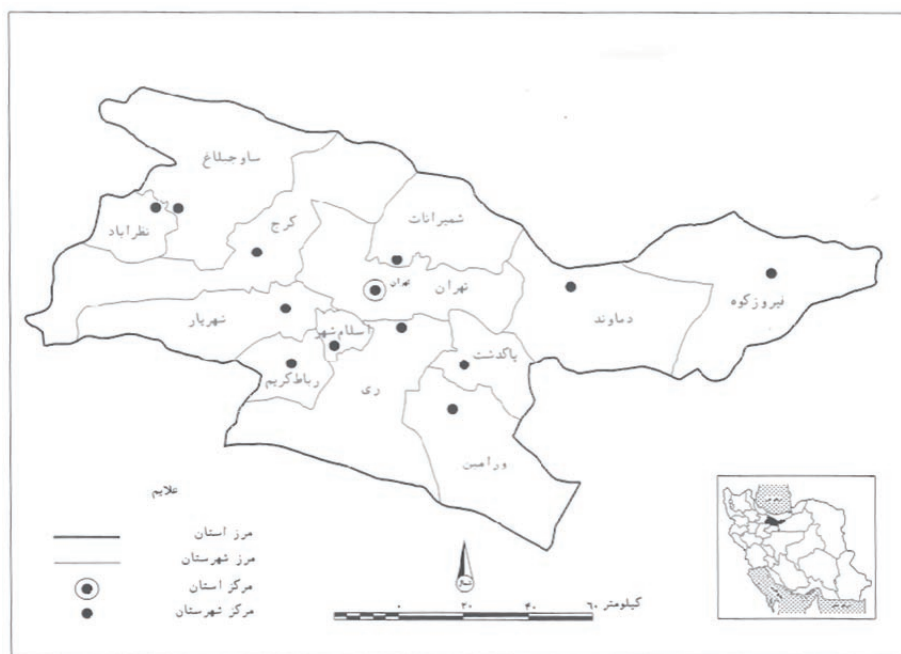
در طی چهار دهه گذشته، رشد جمعیت استان تهران در مقایسه با متوسط کشور همواره بالاتر بوده است و این روند همچنان حفظ شده است. استان تهران نیز همواره رشد جمعیت بالاتری را نسبت به شهر تهران تجربه کرده

جدول ۱. تغییرات جمعیت استان تهران و شهر تهران طی سالهای ۸۵ - ۱۳۴۵؛ ماخذ آماری: مرکز آمار ایران.

شرح	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
استان تهران	۳۴۹۲۵۰۰	۵۳۳۱۱۶۶	۸۰۹۵۳۷۴	۱۰۳۴۳۹۶۵	۱۳۴۴۲۳۶۶
شهر تهران	۲۹۸۰۰۴۱	۴۵۳۰۲۲۳	۶۰۴۲۵۸۴	۶۷۵۸۸۴۵	۷۰۸۸۲۸۷

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer



است و این برتری از دهه ۶۵-۱۳۵۵ به بعد افزایش یافته است. به عنوان مثال، رشد جمعیت استان تهران در دهه ۸۵-۱۳۷۵ با ۲/۶۴ درصد، نسبت به رشد جمعیت شهر تهران (۴۸٪ درصد) حدود ۶/۶ برابر بوده است (جدول شماره ۲). با توجه به نرخ رشد طبیعی جمعیت در تهران، این روند نشان می‌دهد بخشی از جمعیت شهر تهران به خارج از این شهر بویژه به شهرها و روستاهای اطراف منتقل شده است.

تحولات جمعیت در شهرستانهای استان تهران

بررسی تحولات جمعیت در شهرستانهای استان تهران، شواهد دیگری از جابجایی‌های جمعیتی در سطح استان تهران را در ارتباط با شهرگزینی نشان می‌دهد. نرخ متوسط رشد سالیانه جمعیت در شهرستانهای استان در دهه ۸۵-۱۳۷۵ از حداقل ۱/۱ درصد در شهرستان اسلامشهر تا حداکثر ۷ درصد در شهرستان رباط کریم نوسان دارد. در شهرستانهای رباط کریم، ساوجبلاغ، نظرآباد، دماوند، کرج و پاکدشت نیز نرخهای بسیار بالای رشد جمعیت وجود داشته است. بر خلاف شهر تهران که رشد ۰/۴ درصد را در این دهه تجربه کرده است، شهرستان تهران که فقط شامل شهر تهران و دو بخش

مرکزی و کن می‌باشد رشد ۱/۶۲ درصد داشته است (جدول شماره ۳). با توجه رشد جمعیت شهر تهران در این دهه، معلوم می‌شود که این رشد عمدتاً متوجه دیگر شهرها و روستاهای شهرستان تهران (بجز شهر تهران) می‌باشد. قابل ذکر است که جمعیت شهرستان تهران (بجز شهر تهران) از کمتر از ۵۰ هزار در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۸۰۰ هزار افزایش یافته است. این رشد ناشی از احداث شهرها و شهرکهای مسکونی بویژه شهر جدید پردیس در این دوره بوده است.

به هر حال هر چند بخش مهمی از رشد بالای جمعیت در شهرستانهای اطراف شهر تهران از جمله شهریار، رباط کریم، ری، ساوجبلاغ، نظرآباد، کرج، دماوند و پاکدشت به دلیل پذیرش مهاجر از دیگر شهرستانها و استانهای کشور بوده است؛ ولی مسلم است که بخشی از آن به دلیل مهاجرت معکوس جمعیت از شهرها به این شهرستانها از جمله به مناطق روستایی آنها بوده است (نقشه شماره ۱).

مهاجرت‌های بین استانی در قلمرو استان تهران

رشد بالای جمعیت استان تهران که در جدول شماره ۱ و ۲ مورد بررسی قرار گرفت، نشان دهنده مهاجرت پذیري خالص این استان در چند دهه گذشته است. بررسی

جدول ۲. تغییرات رشد جمعیت شهر تهران در مقایسه با استان تهران و کل کشور در چند دهه گذشته:

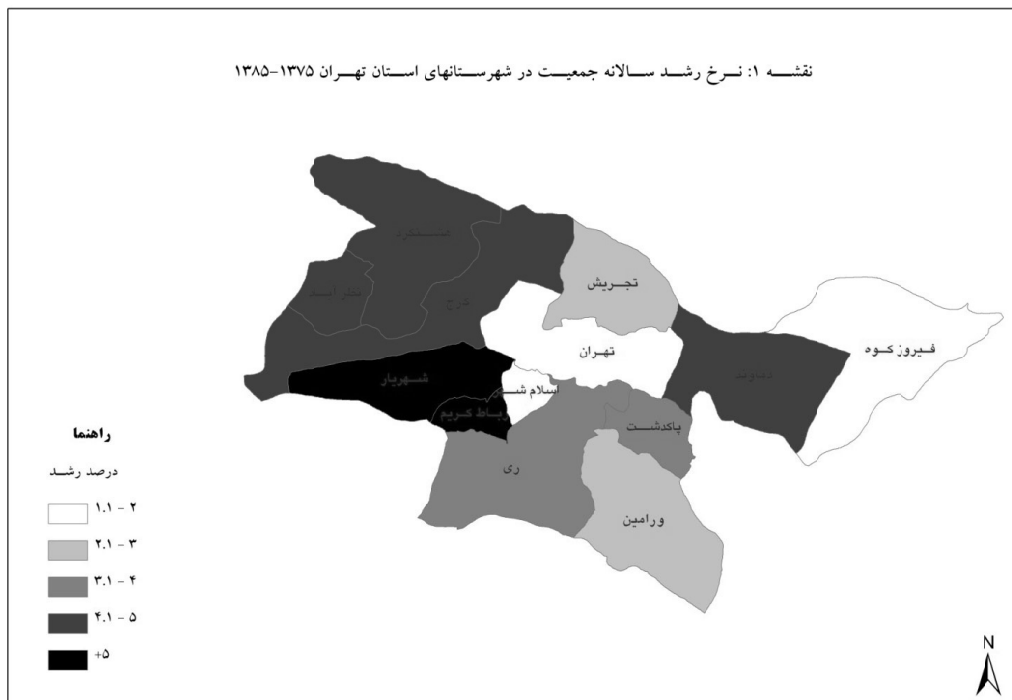
ماخذ آماری: مرکز آمار ایران

شرح	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵
استان تهران	۴/۲۸	۲/۹۲	۱/۱۳	۰/۴۸
شهر تهران	۴/۳۲	۴/۲۶	۲/۴۸	۲/۶۴
کل کشور	۲/۷	۳/۹	۱/۹۶	۱/۶۲

جدول ۳. رشد سالانه جمعیت در شهرستانهای استان تهران در سالهای ۸۵-۱۳۷۵ (درصد):

ماخذ آماری: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

شهرستان	تهران	دماوند	ری	شهریار	کرج	ساوجبلاغ و نظرآباد	وزمین	شهریار	اسلامشهر	رباط کریم	پاکدشت	فیروزکوه
رشد سالیانه	۱/۶۲	۴/۱۶	۲/۴	۲/۳۴	۴/۱۰	۴/۴۰	۲/۷۷	۷	۱/۱	۶/۸۲	۳/۹۴	۱/۶۴

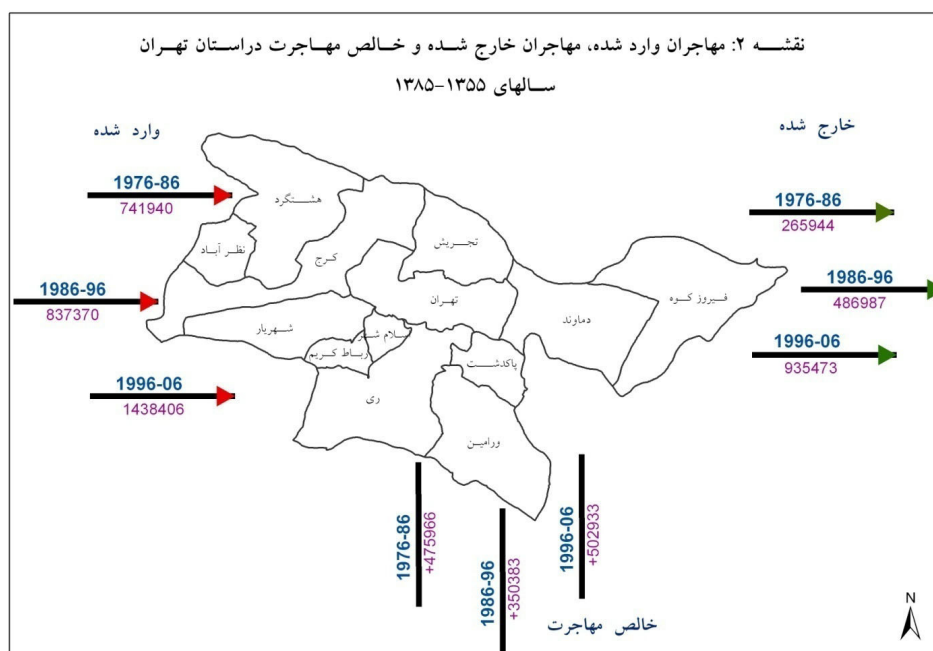


مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۵۷ ■

تعداد مهاجران وارد شده به استان تهران از سایر استانها و مهاجران خارج شده از استان تهران به سایر استانها و تفاضل حاصل از آن نیز مهاجر پذیری خالص استان تهران در سه دهه گذشته را بوضوح نشان می دهد. همانطور که جدول شماره ۴ و نقشه شماره ۲ نشان می دهند، خاص مهاجرت استان تهران در دهه ۶۵-۱۳۵۵ مثبت ۴۷۵۹۶۶ نفر، در دهه ۷۵-۱۳۶۵ مثبت ۳۵۰۳۸۳ نفر، و در دهه ۸۵-۱۳۷۵ مثبت ۵۰۲۹۳۳ نفر بوده



جدول ۴. مهاجران وارد شده، مهاجران خارج شده، و خالص مهاجرت در استان تهران (بین استانی) در سالهای ۸۵-۱۳۵۵؛
 ماخذ آماری: مرکز آمار ایران.

دوره	مهاجران وارد شده	مهاجران خارج شده	خالص مهاجرت
۱۳۵۵-۶۵	۷۴۱۹۴۰	۲۶۵۹۴۴	+ ۴۷۵۹۶۶
۱۳۶۵-۷۵	۸۳۷۳۷۰	۴۸۶۹۸۷	+ ۳۵۰۳۸۳
۱۳۷۵-۸۵	۱۴۳۸۴۰۶	۹۳۵۴۷۳	+ ۵۰۲۹۳۳

جدول ۵. انگیزه‌های مهاجرت به شهر تهران و استان تهران در سالهای ۸۵-۱۳۷۵ (درصد)؛
 ماخذ آماری: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

انگیزه‌ها	تبعیت از خانوار	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انجام خدمت وظیفه	پایان خدمت وظیفه	پایان تحصیل	انتقال شغلی	سایر	اظهار نشده	جمع
استان تهران	۴۳	۱۳/۳۷	۷/۲	۳/۱	۱/۳	۹/۳۱	۶/۹۳	۷/۵	۷	۱۰۰
شهر تهران	۴۲/۱	۱۲/۹۷	۷/۳	۳/۲	۱/۴	۹/۸۹	۷/۲۱	۷/۳	۷/۲	۱۰۰



دو فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
 No.25 Spring & Summer

است.

انگیزه‌های مهاجرت به استان تهران

نتایج سرشماری ۱۳۸۵ نفوس و مسکن کشور متفاوت با سرشماریهای قبلی، داده‌های نسبتاً خوبی را در زمینه انگیزه‌های مهاجرت به استان تهران و شهر تهران در دهه ۸۵-۱۳۷۵ ارائه می‌کند. بر اساس داده‌های موجود، ۴۳ درصد مهاجران انگیزه خود برای مهاجرت به استان تهران را تبعیت از خانوار، ۱۳/۳۷ درصد جستجوی کار، ۹/۳۲ درصد تحصیل، ۷/۲ درصد جستجوی کار بهتر، ۶/۹۳ درصد انتقال شغلی و بقیه آن سایر موارد از جمله خدمت نظام وظیفه و پایان آن بوده است. این نسبتها برای شهر تهران به ترتیب ۴۲/۱، ۱۲/۹۷، ۹/۸۹، ۷/۳ و ۷/۲۱ درصد است (جدول شماره ۵). همانطور که ملاحظه می‌شود تفاوت چندانی بین انگیزه مهاجرت به استان تهران در مقایسه با شهر تهران وجود ندارد و علت

این است که انگیزه‌های مهاجرت به استان تهران بشدت متاثر از شهر تهران می‌باشد.

شهرگریزی و مهاجرت معکوس در تهران

شواهد مختلفی از جمله کاهش رشد جمعیت شهر تهران به ۱/۱۳ درصد در دهه ۷۵-۱۳۶۵ و ۰/۴ درصد در دهه ۸۵-۱۳۷۵ و در مقابل رشد بالای جمعیت در شهرستانهای استان تهران، بخوبی گویای مهاجرت فرستی خالص جمعیت و یا مهاجرت معکوس از شهر تهران به مناطق دیگر بویژه شهرستانهای استان تهران می‌باشد. این پدیده را می‌توان بعنوان شهرگریزی از تهران به شهرستانهای اطراف در نظر گرفت. از طرف دیگر با بررسی مهاجرت‌های روستایی- شهری و شهری- روستایی در استان تهران در دهه‌های ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵، شهرگریزی و جریان معکوس مهاجرت از شهر به

روستا به صورت خالص در دهه ۷۵-۱۳۶۵ و به صورت ناخالص در دهه ۸۵-۱۳۷۵ رانشان می‌دهد. در دهه ۷۵-۱۳۶۵، حدود ۹۹۳۳۵ نفر در استان تهران از

روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند که در مقابل تعداد مهاجرین از شهر به روستا ۳۶۲۳۴۳ نفر بوده است. در واقع، بیلان خالص مهاجرت از شهر به روستا در این استان مثبت ۲۶۳۰۰۸ می‌باشد. البته در دهه ۸۵-۱۳۷۵

این روند تغییراتی داشته است؛ بدین ترتیب که تعداد مهاجرین از روستا به شهر در استان تهران ۲۲۵۱۷۹ نفر بوده که در مقابل تعداد مهاجرین از شهر به روستا

۱۶۵۵۶۶ نفر بوده است (جدول شماره ۶). در واقع، بیلان خالص مهاجرت به نفع شهرها و مثبت ۵۹۶۱۳ بوده است.

این تغییر روند در دهه ۸۵-۱۳۷۵ نسبت به دهه ماقبل آن به دلیل افزایش جمعیت در نقاط روستایی استان تهران و تبدیل بسیاری از آنها به شهر و حتی شهرهای متوسط و

بزرگ بوده است. در واقع، همان روستاهایی که در دهه ۷۵-۱۳۶۵ بطور خالص مهاجرپذیر بودند، به دلیل

افزایش جمعیت و برخورداری از آستانه جمعیتی لازم به شهر ارتقاء یافته‌اند و روند مهاجرپذیری خالص آنها در دهه ۸۵-۱۳۷۵ به نفع جمعیت شهری ثبت گردیده است.

به هر حال بر اساس تجربه و تحلیل داده‌های بدست آمده، مهاجرت خالص جمعیت و یا شهرگزیری از شهر تهران در درجه اول متوجه دیگر شهرها در استان تهران، سپس شهرهای جدید در این استان و نهایتاً نقاط روستایی در استان بوده است.

عوامل موثر بر شهرگزیری در تهران بر اساس شواهد و مدارک موجود و پژوهش‌های انجام شده (رضوانی، ۱۳۸۴؛ خراط زبردست، ۱۳۷۹؛ خوشکلام،

نتیجه گیری و جمع‌بندی جریانه‌های مهاجرتی بین شهر تهران، استان تهران و سایر استانهای کشور را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

استان تهران در سه دهه اخیر (۸۵-۱۳۵۵) یکی از مهمترین مقصدهای مهاجرت در کشور بوده و به رغم

جدول ۶. حجم مهاجرت‌های روستایی- شهری در استان تهران در سالهای ۸۵-۱۳۶۵؛ مآخذ آماری: مرکز آمار ایران.

مبدأ و مقصد مهاجرین	۱۳۶۵-۷۵		۱۳۷۵-۸۵	
	به روستا	به شهر	به روستا	به شهر
از روستا	۱۱۶۹۱۴	۹۹۳۳۵	۵۴۳۶۹	۲۲۵۱۷۹
از شهر	۳۶۲۳۴۳	۵۵۷۰۹۱	۱۶۵۵۶۶	۵۵۷۰۹۱

نوسانات موجود، این روند همواره تداوم یافته است. عامل مسلط در ایجاد جریانهای مهاجرتی به استان تهران در هر یک از دوره‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و ۱۳۵۵-۱۳۶۵ نسبت درآمدهای انتظاری بوده و فرصتهای شغلی و تسهیلات عوامل مهمی در این زمینه نبوده‌اند. عواملی که بر نسبت درآمدهای انتظاری تاثیر می‌گذارند عمدتاً شامل نحوه توزیع تقاضای دولت برای کالاها و خدمات غیرسرمایه‌ای (مخارج جاری واقعی دولت) در استان تهران نسبت به سایر استانهای کشور می‌باشد. بنابراین مؤثرترین روش محدود ساختن مهاجرت به استان تهران، محدود کردن تقاضای دولت برای کالاها و خدمات و غیرسرمایه‌ای (هزینه‌های جاری واقعی دولت) در استان تهران نسبت به سایر استانهای کشور می‌باشد. در نتیجه، پیشنهاد این است که رشد تقاضای دولت برای این نوع کالاها و خدمات در استان تهران متوقف شده و یا حداقل این رشد نسبت به سایر استانها کمتر شود به عبارت دیگر از استخدامهای جدید و افزایش سایر هزینه‌های جاری واقعی دولت در استان تهران جلوگیری شده و بتدریج تقاضای موجود دولت در این استان برای کالاها و خدمات غیرسرمایه‌ای نیز به سایر استانهای کشور منتقل شود (خوشکلام خسروشاهی، ۱۳۷۷، ص ۲).

- مهاجرت خالص جمعیت در شهر تهران حداقل در دو دهه اخیر منفی بوده و در واقع برخی از ساکنان شهر تهران در این مدت به مناطق روستایی و شهری اطراف مهاجرت کرده‌اند. این روند را می‌توان به عنوان شهرگریزی محسوب نمود؛ هر چند در مقایسه با حجم جمعیت تهران چندان محسوس نیست. در این راستا، در زمینه شهرگریزی آنچه در شهر تهران به صورت یک پدیده مهم خود را نشان می‌دهد شهرگریزی موقت از تهران به مناطق اطراف بویژه مناطق کوهستانی و روستایی در آخر هفته‌ها و تعطیلات است. بدین ترتیب که به دلیل آلودگی محیط زیست و فشارهای روانی و اجتماعی مختلف ناشی از زندگی شهری در کلانشهر تهران، بخش قابل توجهی از جمعیت تهران، ایام تعطیلات و آخر هفته خود را در مناطق کوهستانی و روستایی اطراف که شرایط مناسبی از لحاظ زیست محیطی و انجام فعالیتهای فراغتی و تفریحی دارند

می‌گذرانند (رضوانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵-۱۶). این پدیده از دو دهه گذشته تاکنون بسرعت در حال گسترش است و با گذشت زمان نواحی دورتری حتی در خارج از استان تهران مورد استفاده شهروندان تهرانی برای تعطیلات آخر هفته قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۲، ص ۶۷-۶۸).

- شهرستانهای استان تهران (بجز شهرستان تهران) یکی از مهمترین مقصدهای جذب مهاجران از شهر تهران و سایر مناطق کشور بوده و به همین دلیل در چند دهه گذشته بالاترین نرخ رشد جمعیت را در کشور داشته‌اند.

به هر حال، اگرچه «مهاجرت خالص جمعیت در شهر تهران» در دو دهه گذشته منفی بوده است، ولی این جریانهای جمعیتی نقش چندانی در شهرگریزی و تمرکز زدایی از شهر تهران نداشته است، زیرا:

- میزان شهرگریزی جمعیت از شهر تهران در مقایسه با حجم جمعیت آن بسیار اندک است؛

- مهمترین مقصد مهاجرین از شهر تهران را دیگر شهرستانهای استان تهران بویژه شهرها و روستاهای اطراف شهر تهران بوده است، البته این سکونتگاهها فاصله چندان زیادی با شهر تهران ندارند. همچنین مقصد این مهاجرتها بطور خالص متوجه دیگر استانهای کشور نبوده است.

- بسیاری از ساکنان رسمی شهرها و روستاهای اطراف شهر تهران دارای رفت و آمد شد روزانه به شهر تهران هستند و حجم جمعیت موقت موجود در تهران و بویژه جمعیت دارای رفت و آمد روزانه بشدت در حال افزایش است.

- بیشتر جمعیتی که در شهرها و روستاهای اطراف شهر تهران (در محدوده استان تهران) سکونت دارند، به دلیل وابستگی شغلی به تهران، دارای آمد و شد روزانه به این شهر هستند و به همین دلیل ثبات رشد جمعیت ساکن و نیز شهرگریزی در محدوده شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه) چندان محسوس نیست.

در این راستا برای تمرکز زدایی از تهران، اجرای راهکارهای زیر می‌تواند مفید باشد:

- «برنامه‌های توسعه منطقه‌ای» در سطح کشور بطور مستمر برای ایجاد تعادل و توازن نسبی بین مناطق

مختلف به منظور کنترل مهاجرت‌های بین منطقه ای و روستایی- شهری اجرا گردد.

- «سیاست تمرکز زدایی» نباید محدود به شهر تهران (مناطق ۲۲ گانه) شود و لازم است تمرکز زدایی در کل محدوده استان تهران در دستور کار قرار گیرد.

- لازم است برنامه ریزی و مدیریت شهرها و روستاها در قلمرو کلانشهر تهران (منطقه شهری تهران) به صورت یکپارچه اجرا و اعمال شود، و در سطح محلی نیز هر شهر و روستا از سیاستهای کلان برنامه ریزی و مدیریتی منطقه شهری تهران تبعیت گردد.

- «سیاست تمرکز زدایی و تراکم زدایی جمعیت از منطقه شهری تهران» نباید فقط محدود به اعمال محدودیت بر ساخت و سازهای شهری و روستایی در این منطقه شود، و لازم است کنترل و محدودیت استقرار فعالیتهای صنعتی نیز از هر نوع و با هر مقیاس تولید در شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران اعمال گردد. همچنین این نوع کنترل و محدود سازی نباید فقط به حومه شهر تهران محدود شود، بلکه باید در کل قلمرو منطقه شهری تهران و حتی استان تهران اجرا گردد. در این راستا به جرات می‌توان گفت که احداث شهرکهای جدید صنعتی در دو دهه اخیر در اطراف «کلانشهر تهران» (هر چند که بیشتر شامل صنایع کوچک و متوسط و برخی از انواع معین صنایع بوده است) بر خلاف روند تمرکز زدایی از تهران ارزیابی می‌گردد.

- حداقل اینکه برنامه‌های شهرسازی و توسعه مسکن در شهرهای جدید و دیگر شهرها و روستاهای استان تهران، باید همراه با برنامه‌های اشتغال و توسعه اقتصادی باشد تا از حضور و تراکم جمعیت روزانه در شهر تهران بکاهد.

- انجام مطالعات بیشتر در خصوص شهرگرایی در کشور بویژه در تهران با استفاده «روشهای میدانی» و «پیمایشی».

منابع

۱. خراط زبردست، اسفندیار (۱۳۷۹) بررسی ارتباط عملکردی سکونتگاههای خرد اطراف کلانشهر تهران، هنرهای زیبا، شماره ۸، ص ۶۵-۷۳، دانشگاه تهران.

۲. خوشکلام خسروشاهی، پرویز (۱۳۷۷) علل اقتصادی مهاجرت به استان تهران طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵: مقایسه بین دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ و ۱۳۷۵-۱۳۵۵، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد - دانشگاه شهید بهشتی.

۳. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲) تحلیل روند ایجاد گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی شمال تهران، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۵، موسسه جغرافیا دانشگاه تهران.

۴. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱) تحلیل الگوهای روابط شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۴۳، موسسه جغرافیا دانشگاه تهران.

۵. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۴) گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۵۴، موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران.

۶. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، استان تهران و شهر تهران در سال ۱۳۴۵.

۷. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، استان تهران و شهر تهران در سال ۱۳۵۵.

۸. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، استان تهران و شهر تهران در سال ۱۳۶۵.

۹. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری نفوس و مسکن کشور، استان تهران و شهر تهران در سال ۱۳۷۵.

۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۰) پایگاه نشریات مرکز آمار.

11. Clare J.A. Mitchell (2004), Making sense of counterurbanization, Journal of Rural Studies 20 (2004) 15-34, pergamon.

12. Gary L. and Lawrence, G. (2001) a Future for Oakleigh, Australia: Cambridge University Press.

13. Bollman, R. D. And Biggs, B. (1992) Rural and small town Canada: An overview, in R.D. Bollman (ed.) Rural and Small Town Canada. Toronto: Thompson Educational Publishing.

14. Kazi Saiful, ISLAM (2009), Challenge of Urban Planning at the Face of Counterurbanization, Theoretical and empirical Research in Urnan management, Vol. 2(11), Khulna University, Khulna, Bangladesh.

15. -Leveau, C. M (2009), Investigaciones

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

Geograficas, Vol. 69, PP 85-95

16. Mitchell, C. J. A. (2004) Making sense of counterurbanization, *Journal of Rural Studies*, 20, 15-34.

17. Halfacree, K. (1994) the importance of 'the rural in the constitution of couterurbanization: evidence from England in the 1980s, *Sociologia Ruralis*, 34, 164-189.

18. Lewis, G. (1998) rural migration and demographic change, in B. Ilbery (ed.), *The Geography of Rural Change*. Harlow: Addison Wesley Longman. Pp. 131-160.

19. -Rezvani, M.R. (2007) Counter-urbanization and Functional Changes in Northern Rural Area of Tehran, *Geographical Researches*, 59, spring, PP.177-192. .

20. Schmied, D. (2002), Counterurbanization and Britain's rural areas, *Geographische Rundschau*, Vol 52, Issues 1, 20-26, Universit?t Bayreuth, Germany.

21. Serow, W. (1991) recent trends and future prospects for urban-rural migration in Europe, *Sociologia Ruralis*, 31, 269-280.

22. Woods, M. (2005) *Rural Geography*, Sage Publication, London.



دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

بررسی تحلیلی چگونگی برانگیزش آفرینشگری کودکان در طراحی فضاها و محوطه‌های شهری با تاکید بر رابطه «خلاقیت» و «طراحی کالبدی» فضاهای بازی کودکان

محمدرضا پورجعفر* - استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مجتبی انصاری - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

هادی محمودی نژاد - پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

امین علیزاده - کارشناس ارشد معماری و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، اهر، ایران.

چکیده

در حوزه ادبیات نظری نحوه تعامل و برهمکنش مقولات وابسته و پیوسته «برنامه ریزی شهری» و «فرآیند مساله گشایی در طراحی فضاهای شهری»، مقوله «برانگیزش خلاقیت» از مفاهیم جدیدی است که به فراخور ظهور گرایش‌های جدید در «طراحی و برنامه ریزی شهری»، می‌تواند مورد توجه حوزه‌اندیشه و مراتب اندیشیدگی شهرسازی، خاصه در حوزه‌اندیشه «انتقادی و تفسیری» قرارگیرد. بر این اساس است که در این میان، «کودکان و نوجوانان»، در فرایند برنامه ریزی و طراحی شهری مورد التفات قرار نداشته؛ چنانچه، جستجو برای تبیین راهکارها و سیاستهای مربوط به این قشر در حوزه برنامه ریزی و طراحی کالبدی فضاهای شهری از اهمیتی مضاعف برخوردار بوده که برانگیزش «حس آفرینشگری» در این گروه می‌تواند از مهمترین مواردی باشد که لازم است در طراحی فضاها و محوطه‌های شهری مورد توجه قرارگیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با طراحی فضاهای شهری؛ خاصه فضاها و محوطه‌های عمومی شهری و پارکها، امکان برانگیزش و تقویت حس خلاقیت شهروندان بطور اعم و کودکان و نوجوانان بطور اخص، فراهم می‌شود که نتایج آن در قالب معیارهایی در حوزه راهبردی و فنی و اجرایی: عام و خاص، مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: آفرینشگری، طراحی فضاها و محوطه‌های شهری، راهکارهای برنامه ریزی و طراحی فضاهای شهری، پارکها و پردیسها، کودکان و نوجوانان.

Analyze study of children's creativity incentives in urban spaces and environment's design with emphasis on bringing up cohesions between creativity and physical design of urban spaces

Abstract: In the context of theoretical literature and the overlap of interdependent of coherent subjects like "urban planning" and problem solving in urban design, the concept of creativity and innovation incentives are contemporary ones which depending on the emergence of new trend's bring up the affection of reflection and urban construction reflection hierarchy context, specialty in the context of criticism and interpretive reflection. Accordingly here are "children and youths" who have not cared for the process of urban planning and design; however, study for finding solutions and policies in this regard is of high importance so that invocation of sense of creativity in these groups can be the most important case which are necessary in design of urban spaces and environments. Results of the study show that by urban spaces design, especially urban public spaces and environments and parks, the possibility of empowering and invoking citizen's sense of creativity as a whole and that of children and youths specialty is brought up whose consequences are pointed out in some criteria frameworks (in strategic, technical and administrative contexts; generally and specifically).

Keywords: creativity, urban space and environment design, solutions for urban space design and planning, parks, children.

«آفرینشگری» و برانگیزش «احساس خلاقیت»، از مهمترین مفاهیمی است که بایستی در برنامه ریزی «شهرهای انسان مدار»^۲ و در راستای ایجاد «محیط پاسخده»^۳ و «توسعه انسانی پایدار»^۴، مورد توجه باشد؛ چنانچه تاکیدات مُصَرِّح دین مبین اسلام در نصوص و متون دینی، نیز به این مهم پرداخته است.^۵ با این وجود، شهروندان بطور اعم و کودکان بطور اخص، در میان گروه‌های «ذینفع اجتماعی»^۶ و «اقشار آسیب پذیر اجتماعی» از سویی دیگر، از جایگاهی متناسب برای برخورداری از حقوق خود برخوردار نشده‌اند؛ که در این میان، «آفرینشگری» و برانگیزش حس کنجکاوی و «خلاقیت» در کودکان از مهمترین اهدافی است که تأثیری شایسته و بایسته در پرورش نسلی خلاق، آفرینشگر و مبتنی بر پذیرش دانایی و متّصف به رویکرد «دانایی محوری» دارد. در طراحی و برنامه ریزی شهری نیز باید در ارتقاء میزان خلاقیت شهروندان و خاصه نوجوانان و کودکان، گام‌هایی عملی برداشته شود که «بیانگری علمی این مفاهیم»، ابتدایی‌ترین گام در این رابطه بشمار می‌رود.

در هر حال، باید در طراحی فضاهای شهری بطور اعم و پارکها و بوستانهای شهری بطور اخص، در این رابطه تحقیقاتی صورت گیرد تا در حوزه «قلمروشناختی» ساحت اندیشیدگی طراحی و برنامه ریزی شهری (بستر و زمینه، محتوا و ماهیت و روش شناسی) و مقولات وابسته و پیوسته آن در حوزه مباحث «مساله کاوی» «ارتباط برنامه ریزی و طراحی کالبدی فضاها و محوطه‌های شهر» با «برانگیزش حس آفرینشگری»، راهکارها و راهبردهایی در حوزه فرآیند طراحی معماری، اشاره گردد.

در مرحله [ادبیات تحقیق و ارائه مدل مفهومی پیشنهادی] در هر دو حوزه [۱. «فضاهای شهری و معیارهای طراحی و مطلوبیت فضاهای عمومی» و ۲. «آفرینشگری و برانگیزش آن از طریق طراحی فضاهای محوطه‌های کالبدی شهری»]، روش تحقیق مشتمل است بر:

۱. روش «توصیفی» و «تحلیلی» [به تفصیل] با ابزار «گردآوری داده»: مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و دسترسی به کتب و نصوص لاتین و درگاه‌های اینترنتی و برقراری مکاتبه با نهادها، ارگانها و موسسات مطالعاتی در حوزه «آموزش آفرینشگری، تفکر و مکتبهای تفکر و در نهایت فرآیند طراحی آفرینشگری در فضاها و محوطه‌های شهری] و متخصصین و صاحبانظران زمینه فوق الذکر.

۲. روش «فراتحلیل» [به تفصیل] برای تجمیع، گردآوری و تحلیل تحقیق‌های موجود و انجام شده در زمینه «ارتقاء آفرینشگری شهروندی با طراحی فضاهای شهری خاصه کودکان» در جهان و ارائه برخی مفاهیم برای تبیین آشکار «قلمروی شناختی».

در [مرحله تحلیل و پردازش] داده‌های مرحله قبل، روش تحلیل عبارت است از:

۱. در مرحله تحلیل؛ روش «استدلال منطقی» و روش‌های «استقرائی» و «قیاسی» خاصه در حوزه تبیین مفهومی مدل و راهکارهای ارتقاء طراحی کالبدی.

۲. بر این اساس، روش تحقیق پژوهش حاضر، «توصیفی» و «تحلیلی اسنادی» است که با رجوع به اسناد و مدارک مرتبط و بنیان‌های نظری صاحبانظران در رابطه با شاخص‌های طراحی (منظر) فضاهای شهری و

۱. این مقاله از بخشی از مبانی نظری تحقیقات رساله دکتری با عنوان «تبیین مبانی آموزش خلاقیت در معماری زیست مینا» بهره برده است که لازم است تا از استاد راهنما: آقای دکتر محمدرضا پورجعفر و استاد مشاور: آقای دکتر مجتبی انصاری در رابطه با راهنمایی‌های صورت گرفته، قدردانی لازم صورت گیرد.

2. Human Oriented City

3. Responsible Space

4. Human Sustainable Development

۵. إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنزِلْنَا مِنْ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ

أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ ۗ كَذَٰلِكَ نُخَشِ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

6. Stake Holders

(Amabile, 1996; Dacey, 1989; Glover, 1989; Isaksen, 1987; Isaksen, 1993; Magyari & Istvan, 1999; Runco, 1999; Runco & Albert, 1990; Abra, 1997; Amabile, 1983; Boden, 1991, Csikszentmihalyi, 1997; Epstein, 1996; Ghiselin, 1954; Goldsmith, 1994; Hadamarz, 1954; Hayes, 1989; Kirton, 1994; Kunzendorf, 1990; Mackinnoh, 1962; Mansfield, 1981; Newell, 1962; Ragers, 1962; Runco, 1992, Runco, 1997; Simonton, 1984; Strenberg, 1989; Taylor, 1989, Anderson & Harold, 1959; Stenberg, 1988; Taylor, 1989; Torrance, 1988; Torrance, 1965; Vienake, 1974; Wallace, 1989; Weisberg, 1986; Wertheimer, 1982; Williams, 1970; Woodman, 1989; Lionberger, 1960; Ogburn & Gilfillian, 1933; Caudwell, 1951, Getzels, 1962; Piaget, 1981; Rogers, 1964; Rogers & Safilios, 1960; Ghiselin, 1952; Rogers & Stanfield, 1968; Schon, 1967; Wilkeniwg, 1958; Baer, 1997; Fester, 1971; Fryer, 1996; Guilford, 1964; Starko, 1995; Sternberg, 1996; Torrance, 1972; Torrance, 1968; Torrance, 1962; Garud, 1997; Gruber, 1962; Hallman, 1963; Koestler, 1964; Mckellar, 1957; Newell, 1959; Parnes, 1962; Boorstin, 1992; Simonton, 1990; Bidault, 1998; Christians, 2000; Davis & Richard, 2000; Goodman, 1995; Hesselbein & Golsmith, 2002; Oden, 1997; Stacey, 1996; Stevenson & Grousbeck, 1999; Sundbo & Fuglsang, 2002; Tushman & Anderson, 1996; Dunbar, 1995; Jungerman, 2000; Krebs & Shelly, 1975; Miller, 1996; Poincare, 1952; Simonton, 1988; Taylor, 1975; Betz, 1997; Carlson & Gorman, 1992; Ettlue, 1999; Mohr, 2000; Wiener, 1993; Sloboda, 1985; Solomon, 1977; Tyson, 1987; Epstein, 2000; Epstein, 1996; Glower, 1980; Gordon, 1951; Kogan, 1962; Osborn, 1953; Osborn 1966; Parnes, 1993; Parnes, 1966; Rosenblum, 1987; Siler, 1990; Altshuller, 1984; Altshuller, 2000; Altshuller, 1994; Adair, 1990; Amabile, 1983; Ausubel, 1989; Barron, 1989; Busse, 1980; Debono, 1986; Dewey, 1933; Dunn, 1989; Enggoh, 1996; Eriksson, 1994; Feldhusen, 1996; Fester, 1971; Gallager, 1985; Gardner, 1991; Ghiselin, 1954; Gowan, 1980; Gruber, 1989; Guiford, 1962; Harrington, 1990; Helson, 1990; Hennessey, 1989; Joyee, 1986; Keating, 1980; Khandwalla, 1991; Khatena, 1973; Khatena, 1995; Kogan, 1962; Landau, 1996; Lewis, 1991; List & Renzulli, 1991; Mackinnoh, 1962; Marzano, 1988; Mayer, 1989; Maslow, 1966; Milgram, 1989; Necka, 1989; Ponicaire, 1954; Reber, 1986; Renzulli, 1992; Renzulli, 1994; Rager, 1962;

پارکها، سعی دارد تا بتواند به برخی معیارها و پارامترها در طراحی این فضاها اشاره کند و در قالب روش «استدلال منطقی» ضمن اشاراتی به چرایی انتخاب و درستی معیارها از جنبه تحلیلی، به ارائه دیدگاهها و نظراتی چند در بهبود و ساماندهی رویه حاکم بر «طراحی منظر» این فضاها کمک کند. ابزار «گردآوری داده»ها نیز شامل: مطالعات کتابخانه ای، اسناد و مدارک موجود و کتب و سایتهای مرتبط بوده است.

۳- مفهوم آفرینشگری و خلاقیت

در رابطه با ادبیات تحقیق، با توجه به «فرآیند مسأله گشایی» مفروض در روشهای تحقیق، که مورد اشاره قرار گرفت، باید گفت که این مقوله را می توان در قالب سه زیر مولفه مورد بررسی قرار داد:

۱- در رابطه با مفهوم «فضاهای عمومی شهری» و «طراحی فضاهای شهری» و «مولفه های فضاهای شهری مطلوب»، تحقیقاتی چند صورت گرفته، که در ادامه به اختصار مورد اشاره قرار می گیرد؛ و

۲- در رابطه با مفهوم «حل مسأله (مسأله گشایی)» در طراحی کالبدی و فرآیند حل مسأله طراحی (مسأله یابی)^۷، مسأله کاوی^۸ و مسأله سازی^۹ و مسأله گشایی^{۱۰} تحقیقات گسترده ای تا بحال صورت گرفته است که از آنجمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

(Cherry, 1998; Duerk, 1993; Hershberger, 1999; Haworth, 1995; Kumlin, 1995; Parshall and Sutherland, 1988; Haefle, 1962; Polya, 1957; Taylor, 1989; Archer, 1973; Pena, 1988; Adams, 1979; Couger, 1998; Debono, 1986; Ayeres, 1993)

۳- در رابطه با مفهوم خلاقیت در طراحی به رغم وجود مقالات فارسی و کتب منتشره ولی مطالب قابل عرضه بدیع در مقوله «روش شناسی و ماهیتی» این علم دیده نمی شود؛ در هر حال در مقوله آفرینشگری می توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

7. Problem Finding

8. Problem Seeking

9. Problem Making

10. Problem Solving

Rosenblum, 1987; Rubenzer, 1979; Solso, 1990; Vernon, 1989; Vienacke, 1974; Wallace, 1986; Walberg, 1989; Weisberg, 1993; Willings, 1988; Yager, 1989)

باید گفت که امروزه در حوزه معماری، توجه به مفهوم «تقویت خلاقیت» در طراحی فضاها و محوطه‌های مناسب برای کودکان در راستای برانگیزش و ارتقاء سطح خلاقیت، از محورهای مورد بحث در جامعه علمی است؛ چنانچه عقیده معماران در طرح ساختمانهای کودکان بر این است که با «احساس تعلق به فضا»، و اینکه در خانه خودشان هستند، بتوان خلاقیت آنها را تحریک کرد (کرونر، ۱۳۸۵، ص ۹۷)؛ یعنی عبارتی بهتر، کودکان تمایل دارند تا در زمینه فضاها، احساس اینهمانی و هماهنگی هویتی خاص با فضاها و محوطه‌های بازی داشته باشند تا بصورت آزاد (حداقل از دیدگاه خودشان) به دخل و تصرف در محیط و پرورش حس آفرینشگری درونی خود اقدام کنند. همچنین باید گفت که شخصیت کودکان در سالهای اول زندگی، از بدو تولد تا پیش از هفت سالگی، شکل می‌گیرد. رشد کودک در سالهای ابتدای زندگی، از عوامل بسیاری تاثیر می‌پذیرد. فعالیت و بازی، یکی از ارکان اصلی رشد و یادگیری هر کودک است که در ارتباط با فضا و محیط، رشد شخصیتی و اجتماعی او را شکل می‌دهد. لذا فضاهای کودکان، می‌بایست مناسب و مطلوب برای رشد جسمی، ذهنی و عاطفی و اجتماعی کودکان باشد که در روند تقویت خلاقیت او نیز تاثیر دارد (شاطریان، ۱۳۸۷، ص ۴۸). علاوه بر این، هر چند عامه مردم، یادگیری را تنها در مدارس شدنی می‌دانند، لیکن یادگیری و خلاقیت آفرینی در خارج از مدرسه نیز بهتر صورت می‌گیرد که می‌توان به پارکها، خیابان، اطاق استراحت، میز نهار خوری و راهروها نیز اشاره کرد (کامل نیا، ۱۳۸۸، ص ۴).

روانشناسان عصر حاضر، انواع تفکر را بر اساس اهداف آنها و ویژگی‌های بکار گرفته شده در آنها، در سه گروه «تفکر جهت دار»، «تفکر بدون جهت» و «تفکر خلاقانه» دسته بندی کرده‌اند (محمودی، ۱۳۸۳، صص ۲۸-۲۹):

۱. «تفکر جهت دار»: این فعالیت سمبلیک درونی تحت تاثیر هدفی خاص (مانند حل یک مسأله) مطرح

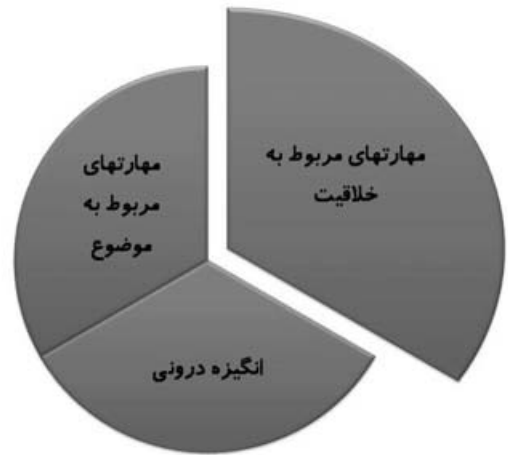
می‌باشد. تفکر جهت دار اغلب برای حل مشکلاتی که «خوب تعریف شده‌اند»، مانند حل یک پازل بکار می‌آید. در تفکر جهت دار، معمولاً از دو تکنیک برای حل مسأله استفاده می‌شود:

- در تکنیک اول، «پاسخها و راه حل‌های متنوعی مطرح می‌گردند و در این رویکرد از فرآیند سعی و خطا بهره گرفته و به حل مسأله پرداخته می‌شود»؛ برای مثال می‌توان به نمونه‌های گوناگون ایده‌های مطرح در طراحی یک فضای ورودی به درون پارک اشاره نمود: حرکت از درون یک دروازه، حرکت از درون یک زیرگذر، و یا حتی حرکت به درون پارک بدون هیچگونه اولویتی در انتخاب نقطه ورودی به پارک. در این فرآیند با نقد و بررسی انتخاب هرگزین، طراح می‌تواند به توانایی‌ها و محدودیت‌های پیشنهاد خود پی ببرد.

- در تکنیک دوم، «با خرد کردن مسأله کلی به جزء مسأله‌ها، ابتدا اقدام به حل مسأله‌های جزئی کرده و با ترکیب پاسخ مسائل خرد، دسترسی به پاسخ نهایی امکان پذیر می‌شود». با این رویکرد در رابطه با مثال ذکر شده، در خصوص طراحی ورودی به پارک، ابتدا می‌توان مسأله را به چند سوال تقسیم نمود و با پاسخ به سوالات کوچکتر، اقدام به ایجاد پاسخ نهایی نمود.

۲. «تفکر بدون جهت»: در مقابل نوع اول فکر کردن، تفکر بدون جهت قرار دارد. در این نوع تفکر، ذهن آدمی بدون هیچگونه پیش زمینه اولیه فعال می‌گردد و به دنبال تامین هدفی خاص نمی‌باشد؛ از ویژگی‌های این نوع تفکر، طبیعت آزاد و شناور آن است؛ برای مثال خواب دیدن در طول شب و یا رها شدن ذهن از واقعیات اطراف در طی روز.

۳. «تفکر خلاقانه»: نوع سوم تفکر که موارد استفاده آن در حل مسأله پیچیده، مانند طراحی، مطرح می‌باشد را تفکر خلاقانه می‌نامند. این نوع تفکر دارای اهداف بوده و برای رسیدن به پاسخ مناسب لازم است تا از راه‌های خلاقانه استفاده بعمل آید. در ادامه به نمودار زیر اشاره می‌شود که به رویه طرح خلاقیت اشاره دارد.



تصویر ۱. محل تقاطع خلاقیت (آفرینشگری):
ماخذ: نگارنده بر اساس آمابیل (۱۹۸۹)

فرضیه‌ای تشکیل می‌دهد؛ «۴. استدلال»: در این مرحله، «فرضیه» مورد بررسی قرار گرفته و با معیار «استدلال»، مورد پذیرش واقع می‌گردد؛ «۵. کاربرد»: فرضیه مورد پذیرش در این مرحله به کار گرفته می‌شود و مورد آزمایش قرار می‌گیرد تا بتوان آن را اثبات نمود. همچنین الگوهای آموزشی کودکان و نوجوانان، در جستجوی اهداف آموزشی فلسفه‌های مختلف آموزشی: نظیر تجربه‌گرایی، طبیعت‌گرایی، آرمان‌گرایی دیده می‌شود که می‌توان تحت عنوان تجربه‌گرایی به پراگماتیسم، مکتب بازسازی و پیشرفت‌گرایی اشاره کرد که طبیعت‌گرایی رُسو و اندیشه‌های آرمانگرایی فیروبل با طراحی «باغ-کودک» (که به موضوع بازی و نقش آن در تربیت می‌پردازد) از نمونه‌های مهم بشمار می‌رود (کامل‌نیا، ۱۳۸۸، ص ۴).

«گیلفورد» و «دوونو» از جمله پیشقدمانی هستند که به بحث درباره انواع تفکر می‌پردازند. گیلفورد تحت عنوان «تفکر واگرا» و «تفکر همگرا» به «تفکر منطقی» و «تفکر خلاق» می‌پردازد. از نظر وی، تفکر همگرا همان استدلال یا تفکر منطقی است که به دنبال یک جواب صحیح می‌گردد؛ در حالی که تفکر واگرا یا تفکر خلاق به «راه‌های مختلفی برای یک مسأله» توجه می‌نماید. مهمترین ویژگی‌های تفکر واگرا عبارتند از: «۱. اِصَالَت (ابتکار)، ۲. سیالی، ۳. انعطاف‌پذیری، ۴. بسط.»

باید گفت که «تفکر خلاق» را می‌توان از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان دانست. «استرنبرگ» (۲۰۰۱)، خلاقیت را توانایی آفرینش اندیشه‌های نو در سطح عالی می‌داند که آمیزه‌ای از توان‌آوری، انعطاف‌پذیری و حساسیت در برابر باورهای موجود است و به فرد این توانایی را می‌دهد که همراه با اندیشه‌های منطقی و خردمندانه، به یافته‌های دیگری بیندیشد تا دستاوردهای سودمند برای او و دیگران داشته باشد (شریفی و داوری، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

«دوونو»^{۱۱} نیز تحت عنوان «تفکر جانبی» و «تفکر عمودی» به این مقوله پرداخته است. او در کتاب «تفکر جانبی»، به طور مبخس به بررسی تفاوت‌های این دو نوع

پس از ارائه تعاریف بنیادی فوق به بررسی فرآیند تفکر پرداخته می‌شود. «جان دیوئی» در کتاب «چگونه فکر می‌کنیم»، «جریان تفکر» را شامل مراحل می‌داند که دو مرحله ابتدایی و انتهایی و پنج مرحله میانی را در بر می‌گیرد. این مراحل عبارتند از: «۱. مرحله اول یا ابتدایی»، مرحله شک و ابهام است که انسان با یک موقعیت پیچیده رو به رو شده و در صدد یافتن پاسخی برای مسأله و مشکل ایجاد شده است. «۲. مرحله انتهایی»، زمانی است که فرد از شک و ابهام درآمده و به نتیجه و جواب دست یافته است. برای رسیدن به این مرحله فرد باید مراحل دیگری را طی کند.

از «دیدگاه دیوئی»، تفکر اساسی واقعی تنها با طی این مراحل ممکن است (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۷). مراحل فی‌مابین مراحل فوق‌الذکر، عبارتند از: «۱. پیشنهاد»؛ این مرحله پیشنهاد راه‌های مختلفی است که ممکن است به جواب برسد؛ بنابراین در این مرحله هرگونه راه حلی به ذهن برسد، ارائه می‌گردد؛ «۲. تعقل»؛ در این مرحله فرد به جمع‌آوری مدارک و شواهد مربوط به مسأله و نیز به بررسی راه‌های مختلف پرداخته و درباره آن تفکر می‌نماید؛ «۳. فرضیه‌سازی»؛ پس از تعقل روی راه‌ها، فرد می‌تواند راه حل مناسبی که احتمال بیشتری دارد که به نتیجه برسد را انتخاب کند. به عبارتی برای مسأله مورد نظر

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

11. Suggestion
12. Intellectualization
13. Hypothesis

14. Reasoning
15. Application
16. Edward de Bono

تفکر می پردازد. او معتقد است که «تفکر عمودی» موجب ایجاد «قالبهای ذهنی و توسعه آن» می شود، در حالی که «تفکر جانبی یا خلاق»، «ساختار» این قالبها را تغییر داده و «قالبهای جدیدی» ایجاد می کند. وی به بررسی تفاوت «تفکر جانبی» و «تفکر عمودی» پرداخته است و می گوید: «تفکر عمودی باعث ایجاد حالت‌های ذهنی و توسعه آن می شود، در حالی که تفکر جانبی یا خلاق این قالبها را تغییر می دهد و قالبهای جدید ایجاد می کند» (قاسمی و اقلیدوس، ۱۳۸۵، ص ۵).

مهمترین تفاوت‌های «تفکر منطقی» و «تفکر خلاق» از نظر «دوئوتو» عبارت است از: «۱. وسعت عمل»: در تفکر منطقی معمولاً سعی می کنیم با بررسی شقوق مختلف یک امر یا مسأله بهترین راه را برگزینیم و آن را ملاک عمل قرار دهیم. اما در تفکر خلاق، خود را به یک طریق محدود نکرده و در صدد آنیم، راههای هر چه بیشتری برای یک مسأله بیابیم و این امر حتی پس از یافتن راههای مناسب ادامه پیدا می کند. «۲. مسیر و جهت عمل»: در تفکر منطقی جهت و مسیر مشخصی دنبال می گردد. در حالی که در تفکر خلاق نه تنها یک مسیر دنبال نمی گردد، بلکه راه و جهت‌های مختلفی نیز ایجاد می گردد. به عبارت دیگر برای فرد در تفکر منطقی روشن است که چه می خواهد و از چه راهی می تواند به مقصود برسد، در حالی که در تفکر خلاق، فرد جستجو می کند برای جستجو، تا بتواند تغییر و حرکتی ایجاد کند و تنها برای رسیدن به مقصود تلاش نمی کند. «۳. توالی در عمل»: در تفکر منطقی هر مرحله باید به دنبال مرحله بعد بیاید و مراحل به یکدیگر وابسته است. در حالی که در تفکر خلاق نیازی به توالی مراحل نیست و می توان از مرحله ای به مرحله بالاتر پرید و سپس بار دیگر مراحل باقی مانده را طی کرد. «۴. چگونگی برخورد با اشتباهات و مسائل نامربوط»: در تفکر منطقی تلاش می شود در هر قدم هیچ گونه اشتباهی رخ ندهد، در حالی که در تفکر خلاق امکان اشتباه نیز هست تا در نهایت به جواب درست دست یافت. همچنین در تفکر منطقی مسائل نامربوط کنار گذاشته می شود و تنها به آنچه به مسأله ارتباط دارد پرداخته می شود، در حالی که در تفکر خلاق به هر چیز به ظاهر بی ارتباط نیز توجه می شود، چون قرار نیست در

یک قالب ماند.

در ضمن باید اشاره کرد که «برنامه ریزی و طراحی فضاهای بازی، تفریح و ورزش برای کودکان و نوجوانان»، از زمینه‌های تخصصی معماری فضای سبز شمرده می شود که در آن نه تنها به جنبه‌های فنی که به ابعاد آموزشی - پرورشی نیز باید با دقت و وسواس فراوان توجه کرد (بهرام سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸). «هانس شارون» نیز به «گروه بازی» اشاره می کند که برای کودکان ۶ تا ۹ سال است. در اینجا تاکید بر انسجام و شخصیت اجتماعی بچه‌ها و توسعه اجتماعی و فهم با یکدیگر بودن از طریق بازی است، چنانچه اشاره دارد که فضا باید برای کودکان مانند غار و آشیانه نوعی بسط خانه پدری و خوشایند و ایمن باشد (کامل نیا، ۱۳۸۸، ص ۲۲). معمار یک مربی است و بعد از پدر و مادر، اولین مربی کودک است، تعلیم و تربیت او از طریق اشکال ساخته شده بدست او، که محیط اطراف کودک را تشکیل می دهد، منتقل می شوند و به همین دلیل ارتباط میان کودک، معماری و فضا در بطن مساله انسانی کردن تمدن قرار دارد (شاطریان، ۱۳۸۷، ص ۵۳). بر این اساس، در ادامه به مفهوم فضاهای شهری در راستای تعریف پذیری ادبیات تحقیق اشاره می شود و در ادامه معیارهای عام و خاص در حوزه طراحی این فضاها در راستای تقویت خلاقیت کودکان مورد اشاره قرار می گیرد.

۴- کودکان و برانگیزش آفرینشگری در مکتبهای روانشناسی

باید گفت که برهمکنش و تعامل فی مابین محیط شهری (فضاهای و محوطه‌ها و پارکها و پردیسها) و برانگیزش خلاقیت در کودکان از دیدگاه‌های روانشناسی رشد و یادگیری نیز قابل بررسی است که در ادامه به آنها اشاره می شود:

الف- تداعی گرایی

«گیلفورد»، خلاقیت را شکل دادن به عناصر متداعی به صورت ترکیبات تازه می داند که با الزامات خاصی مطابقت داشته باشد یا به شکلی مفید باشد و هر چه عناصر ترکیب جدید ناهمگون تر باشند، فرآیند حل کردن، خلاق تر خواهد بود (صمد آقائی، ۱۳۸۵، ص ۱۴). بر طبق نظریه

تداعی گرابی، ارتباط دو ایده است که منجر به تفکر می‌گردد؛ وقتی ایده‌ای در ذهن باشد، ایده مشابه آن نیز به دنبال آن خواهد آمد. بنابراین وقتی فرد با مسئله‌ای روبرو گردد، با تداعی اطلاعات قبلی که در ذهن دارد، به ایده تازه‌ای برای حل مسئله دست می‌یابد. پس می‌توان گفت خلاقیت عبارت از هر چه فعال نمودن تداعیها و ارتباطات ذهنی است؛ چنانچه تداعی بیشتر منجر به خلاقیت بیشتر می‌گردد. «مدنیک» (۱۹۶۲) معتقد است که تفکر خلاق عبارت است از: «شکل دادن به تداعیها به صورت ترکیبات تازه و مفید که پاسخگوی الزامات خاصی باشد» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۷). «مدنیک» بر اساس نظریه تداعی، سه روش برای «حل خلاق مسئله»، ارائه می‌دهد: ۱. «اتفاق و تصادف»: ترکیب جدید به طور تصادفی و اتفاقی به وجود آمده است. به عبارتی دیگر، ترکیب جدید به طور اتفاقی از عناصر مربوطه ترکیب شده است. ۲. «شبهات و تجانس»: در این حالت شبهات عناصر موجب ترکیب جدید می‌شود. ۳. «وساطت»: با وساطت عناصر مشترک، ترکیب جدید حاصل می‌شود.

ب- رفتار گرابی

اساس نظریات «مکتب رفتار گرابی» نیز نشأت گرفته از «تداعی گرابی» است. «اسکینر» و سایر رفتارگراها، از جمله «وودمن» (۱۹۸۱) «رفتار خلاق» را عبارت از رفتاری می‌دانند که از طریق تقویت‌های محیطی فراگرفته شده است. «رفتار گرابی» برای فرد در «تولید خلاق»، حداقل نقش را قائلند. آنها بر این باورند که محصول خلاق، معمولاً از راه «تغییرات تصادفی» به دست می‌آید که به خاطر پیامدهای مثبتشان انتخاب می‌گردند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۸). هرچند ممکن است گاهی تداعی منشأ ایده‌های تازه باشد، یا گاهی بتواند جزئی از «مرحله ایده یابی» باشد؛ اما نمی‌توان گفت تفکر خلاق از تداعی نشأت می‌گیرد، چنان که بسیاری از مواقع تفکر خلاق، بدون هیچ‌گونه تداعی شکل می‌گیرد.

ج- گشتالت گرابی

بنیان تفکر خلاق از دیدگاه گشتالت، مبتنی بر «کل گرابی» است که پدیده‌ها را بر پایه ویژگیهای کلی آن تبیین می‌کند. نظریات اساسی این مکتب پیرامون خلاقیت، توسط «ورتیمر» مطرح شده است، او معتقد است که

تفکر پیرامون «حل مسئله» باید شکل کلی داشته باشد، یعنی موقعیت، به عنوان یک کل در نظر گرفته شود. مهم این است که وقتی اساس و ماده اصلی حل مساله درک شود، می‌توان آن را به شرایط دیگری انتقال داد و این تنها راه «تفکر خلاق» است. «روشهای سنتی آموزش» که مبتنی بر حفظ و تکرار است، منجر به «رفتار مکانیکی» می‌گردد که هرگز مولد نخواهد بود. «ورتیمر» علاوه بر تاکید بر این که برای تحقق خلاقیت باید به شکل کلی توجه شود، چند شرط را گوشزد می‌کند: ۱. افراد باید با ذهن باز و بدون پیشداوری با مساله برخورد کنند. ۲. تحت فشار عادات قرار نگیرند. ۳. ماشینی عمل نکنند. ۴. ارتباط متقابل ساختار و صورت مساله را با تعمق در ریشه‌های آن تعیین کنند. «مراحل تفکر خلاق» از دیدگاه «ورتیمر» عبارت است از:

۱. «گروه بندی، ساختار بندی و سازمان دهی مجدد» در عملیات تقسیم یک کل به کلهای کوچکتر دیده می‌شود که برغم آن هنوز این کل‌های کوچکتر در ارتباط با هم و با کل، مساله ادراک می‌شوند.
۲. «فرآیند حل مساله با تلاش برای رسیدن به ارتباطات درونی آن شروع می‌شود». فرد تلاش می‌کند، طبیعت وابستگی متقابل درونی آن را کشف کند.
۳. در تفکر خلاق روابط برجسته و مشخص در ساختار درونی موقعیت نقش مهمی به عهده دارد.
۴. در تفکر خلاق، ویژگی خاصی درباره معنای عملکردی بخشها وجود دارد که همانا قطعیت روابط برای حل مساله و درک فهم فرمول است.
۵. کل فرآیند عبارتست از یک خط مستمر فکری و نه جمع عددی عملیات مجزا و خرد شده، هیچ‌گامی به طور مطلق با عملکرد خود فهمیده نمی‌شود، بلکه برعکس، هر گام در ارتباط با کل موقعیت معنی پیدا می‌کند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

د- نظریات روانشناسی رشد و یادگیری

«ژان پیاژه» یکی از مشهورترین روانشناسان کودک در خصوص رشد و یادگیری کودک معتقد است، کودکان جهان هستی را متفاوت از بزرگسالان می‌بینند و آنها از راه تجربه مستقیم با محیط پیرامون به درک و فهم امور می‌پردازند. همچنین وی بر این اعتقاد است که انسان‌ها

دو میل اصلی را به ارث می‌برند که یکی سازگاری و دیگری سازمان است. این فرآیند به شکل‌گیری «رشد شناختی» نیز موسوم است منظور از سازگاری جنبه برخورد و سازش با محیط است و سازمان به نظام مندی شناخت و ایجاد طرحواره‌های ذهنی گفته می‌شود. از ویژگی‌های مهم نظریه پیاژه «مراحل رشد» آن است. وی این مراحل را به چهار دسته اصلی یعنی: «حرکتی، پیش عملیاتی، عملیات محسوس، و عملیات صوری یا انتزاعی» توصیف می‌کند. در نظریه وی در مرحله حسی حرکتی (از بدو تولد تا دو سالگی) کودک جهان را از راه حواس و فعالیت‌های حرکتی کشف می‌کند و در مرحله پیش عملیاتی (از دو تا هفت سالگی) به تدریج تفکر نمادین ظاهر می‌شود، در دوره عملیات محسوس نیز کودکان به طور کامل منطقی می‌اندیشند اما بر حسب امور عینی و محسوس نه انتزاعی و مجرد آنها در این مرحله همچنین اصول بقا یا نگهداری، بازگشت پذیری، طبقه بندی و ردیف کردن را درک می‌کنند و در آخرین مرحله رشد شناختی پیاژه یعنی عملیات صوری نوجوان می‌تواند استدلال فرضیه ای قیاسی داشته باشد و به آنچه موجود نیست بیاندیشد. نظریه دیگر متعلق به «جروم اس برنور» است، که تاکید اساسی بر «فرآیند تفکر» دارد. مانند نظریه پیاژه، در نظریه برنور نیز این مطلب که چگونه کودکان اطلاعات مربوط به جهان هستی را به رمز درمی‌آورند و آن را سازمان می‌دهند و در ذهن خود ذخیره می‌کنند مورد توجه است. مراحل رشد ذهنی در «نظریه برنور» شامل: «مرحله حرکتی، مرحله تصویری و مرحله نمادی» است. مطابق این نظریه در مرحله حرکتی کودکان رویدادهایی را که تجربه می‌نمایند به صورت پاسخ‌های حرکتی یا عملی بازنمایی می‌کنند در مرحله بعد یعنی بازنمایی تصویری کودکان رویدادهای زندگی خود را به صورت تصاویر ذهنی حفظ می‌نمایند و در مرحله نمادی کودک به کسب یک نظام نمادی که عمده‌ترین آنها زبان است نائل می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که، رشد در حالت کلی شامل «تغییرات کمی و کیفی» است که با پیشرفت زمان در طبیعت و ساخت و رفتار موجود زنده حادث می‌شود. این تغییرات در هر دوره از زندگی انسان توانایی‌ها، نیازها، دشواری‌ها و ناسازگاری‌هایی را به

وجود می‌آورد. رشد کودکان مانند هر رشد طبیعی دیگر، دارای مراتب و مراحل و جهت است. به نظر می‌رسد که تقسیم رشد در سه بعد رشد جسمی و رشد ذهنی و روانی، یک طبقه بندی فراگیر برای تشریح این پدیده و مراتب آن باشد. رشد کودک تنها حال میراث ژنتیکی او نیست، بلکه تحت تاثیر رژیم غذایی، مراقبت‌های بهداشتی و انواع تمرینات جسمی نیز قرار می‌گیرد که کودک علاقه مند به آنهاست. ضرورت‌های اساسی رشد کودک در سه مورد خلاصه شده است: «۱. ضرورت درک محیط و گسترش شناخت؛ ۲. ضرورت سلامت، امنیت جسمی و گسترش مهارت‌های بدنی؛ ۳. ضرورت ارضای عواطف، پیوند با محیط و گسترش انگیزه‌ها». در این زمینه با طراحی مناسب فضای باز کودک، به صورت پنهان می‌توان در امر آموزش، به مدرسان یاری رساند و مشوق کودکان در فعالیتهای گروهی و تجربه‌اندوزی شد، حس «خلاقیت» و «اعتماد به نفس» را در آنان تقویت نمود و فضایی طبیعی برای افزایش سطح علمی آنان پدید آورد (شاطریان، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

ه- تقلید، بازی و مقررات

بدون تردید اهمیت غیر قابل انکار بازی به عنوان یکی از بسترهای رشد کودکان که موجب بالندگی جسم و روان و حتی ذهن آنان گردد اشکار است. یونسکو در این رابطه می‌گوید: فضاهای بازی می‌تواند نیازهای رشد کودکان را در تمامی زمینه‌ها فراهم می‌سازد: رشد جسمی، رشد ادراکی، رشد اجتماعی، و رشد احساسی. البته بدیهی است که منظور از این گونه فضاها، زمین‌های بازی است که با توجه به واقعیات و ویژگی‌های روانشناختی کودک شکل گرفته باشد و بتواند نیازهای او را در زمینه‌های یاد شده پاسخ دهد. چه بسا زمین‌هایی که با صرف هزینه‌های زیاد با انواع وسایل بازی تجهیز گردیده، ولی مورد اقبال کودکان قرار نمی‌گیرد.

و- تعامل کودکان با فضاهای شهری (پارکها و محلات شهری)

مفهوم روانشناختی «قابلیت محیط» که توسط «جیمز جی گیبسون» ابداع شده است به پیکره بندی کالبدی یک شی یا یک مکان رفتاری دلالت می‌کند که برای فعالیت‌های خاصی قابل استفاده می‌سازد. گیبسون

معتقد است که آموزش طراحی بیشتر شکل‌ها و ترکیب‌های شکلی فضا را مورد توجه قرار می‌دهد، در حالی که برای افراد قابلیت‌های فضا مهم هستند. بر اساس این مفهوم، قابلیت‌های محیط ساخته شده، انتخاب‌های رفتاری و زیبانشناختی فرد را بسته به چگونگی پیکره بندی محیط محدود می‌کند یا گسترش می‌دهد. در حالی که بخشی از قابلیت‌های محیط جنبه فیزیکی و فیزیولوژیکی دارند بخشی دیگر از قابلیت‌ها تحت تاثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌باشند. به طور مثال بالا رفتن از درخت برای بیشتر کودکان قابل ادراک و جذاب است. اما بزرگسالان می‌توانند به دلیل خطرات احتمالی، کودک را از این کار باز دارند و یا به منظور تقویت جسارت و شجاعت کودک، وی را به این کار تشویق نمایند. بوستان کودک و زمین‌های بازی از نمونه فضاهای مورد مطالعه برای شناخت تاثیر محیط در رشد کودکان می‌باشند.

۵- فضاهای شهری

«کارمونا» انواع فضاهای عمومی به عنوان فضاهای قابل دسترس برای همه را در سه گونه تقسیم بندی می‌کند: «۱. فضاهای عمومی، خارجی»^{۱۷}: قطعاتی که در بین ساختمان‌های خصوصی قرا می‌گیرند نظیر خیابان‌ها، میداين، پارک‌ها، بزرگراه‌ها و پارکینگ‌ها و همچنین فضاهای کناره رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و کنار سواحل؛ ۲. فضاهای عمومی داخلی»^{۱۸}: مؤسسات عمومی نظیر کتابخانه‌ها، موزه‌ها، تالارهای شهری و همچنین ساختمان‌های مربوط به حمل و نقل عمومی نظیر ایستگاه‌های قطار و اتوبوس و فرودگاه‌ها؛ ۳. شبه فضاهای عمومی»^{۱۹} داخلی و خارجی: پاره‌ای از فضاهایی که به طور قانونی خصوصی هستند؛ نظیر پردیس‌های دانشگاهی زمین‌های ورزش، رستوران‌ها، سینماها و مراکز خرید را می‌توان به عنوان بخشی از عرصه عمومی تلقی کرد (Carmona, 2003:111). در ادامه به معیارها و مولفه‌هایی در طراحی منظر و طراحی اشاره می‌شود که می‌تواند در پذیرش بیشتر همراه با برانگیزش

خلاقیت در کودکان منتهی شود. بر این اساس به دو دسته معیار در ساماندهی وضع موجود در فضاهای شهری برای کاربرت بیشتر و انطباق پذیری با نیازهای کودکان از یک طرف و برانگیزش و تقویت حس خلاقیت در آنها اشاره می‌شود:

۱- «معیارهای عام» به معیارهایی گفته می‌شود که در مطلوبیت پذیری بیشتر فضاهای شهری خاصه پارکها و محلات بطور اعم در تمامی اقشار اجتماعی مشترک بوده، هر چند در کودکان نیز به طرق و روشهای گوناگون خود را نشان می‌دهد.

۲- «معیارهای خاص» نیز بیشتر به کودکان توجه داشته و برانگیزش خلاقیت و «احساس آفرینشگری» را در آنها خاصه در فضاهای بازی موجود در پارکها و پردیسهای شهری واقع در مقیاس محله ای و یا فرامحلی فراهم می‌آورد.

۶- معیارهای عام طراحی فضاهای شهری کودکان (پارکها و باهمستانهای شهری)

در راستای تعیین معیارهای عام در طراحی منظر و طراحی شهری باید اشاره شود که اصولا فضای شهری در صورتی می‌تواند در مقابل نیازهای شهروندان بطور اعم و کودکان بطور اخص، منعطف باشد که موارد زیر در آن لحاظ شود:

- فضاهای شهری باید مورد استفاده کاربران (کودکان و نوجوانان) قرار گیرد، بعبارتی از اجتماع پذیری لازم برخوردار باشد.

- فضاهای شهری (پارکها و باهمستانها) باید در برابر نیازهای کودکان و نوجوانان انعطاف پذیر، پاسخگو و چند منظوره باشد.

- فضاهای شهری باید از جذابیت و تنوع و سرزندگی لازم برای کودکان و نوجوانان برای جلب نظر و نگهداشت آنها در فضا برخوردار باشد.

علاوه بر موارد عام فوق، صاحب نظران به چند مولفه برای امکان دهی به «حضور فعال و سازنده کودکان» در فضاهای شهری اشاره دارند، هر چند که این مولفه‌ها



بطور عام در رابطه با این قشر (کودکان و نوجوانان) صادق بوده و مشتمل بر دیگر اقشار اجتماعی هم می‌شوند. «جین جیگوز» در سال ۱۹۶۱ در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا، پنج معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب بیان می‌کند: ۱. ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، ۲. استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ تنوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با قدمت‌های مختلف در یک ناحیه، ۳. توجه به عنصر خیابان، ۴. نفوذ پذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت، ۵. اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها».

کوبین لینچ با انتشار «تئوری شکل خوب شهر» در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقای کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد: ۱. سرزندگی: به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر، ۲. معنی (حس): به معنی نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری، ۳. سازگاری: به منظور انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و

مدارهای رفتاری، ۴. دسترسی: به مفهوم سهولت نفوذ فیزیکی به بخش‌های مختلف بافت شهری، ۵. کنترل و نظارت: به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه‌های عمومی، ۶. کارایی: کارا بودن هر یک از معیارهای فوق باتوجه به هزینه، ۷. عدالت: پرداخته شدن هزینه معیارها از طریق سازمان یا طبقه اجتماعی که باید برای آن هزینه‌کنند»^{۲۰}.

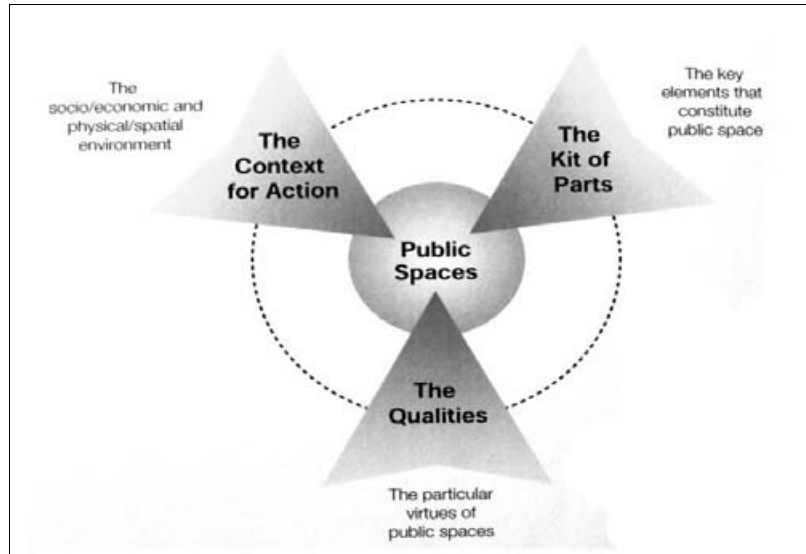
یکی از مشهورترین مجموعه‌های کیفیت‌های طراحی شهری مجموعه ارائه شده توسط «یان بنتلی و همکارانش» در کتاب «محیط‌های پاسخده»^{۲۱} است. این ۷ معیار که باید در ایجاد محیط‌های پاسخده رعایت شوند عبارتند از: ۱. نفوذپذیری، ۲. گوناگونی، ۳. خوانایی، ۴. انعطاف‌پذیری، ۵. تناسبات بصری، ۶. غنای حسی، ۷. رنگ تعلق». در همین زمینه مطالعه‌ای که PPS^{۲۲} بر روی بیش از ۱۰۰۰ قطعه فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف دنیا انجام داده است، حاکی از آن است که ۴ عامل اساسی سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است:



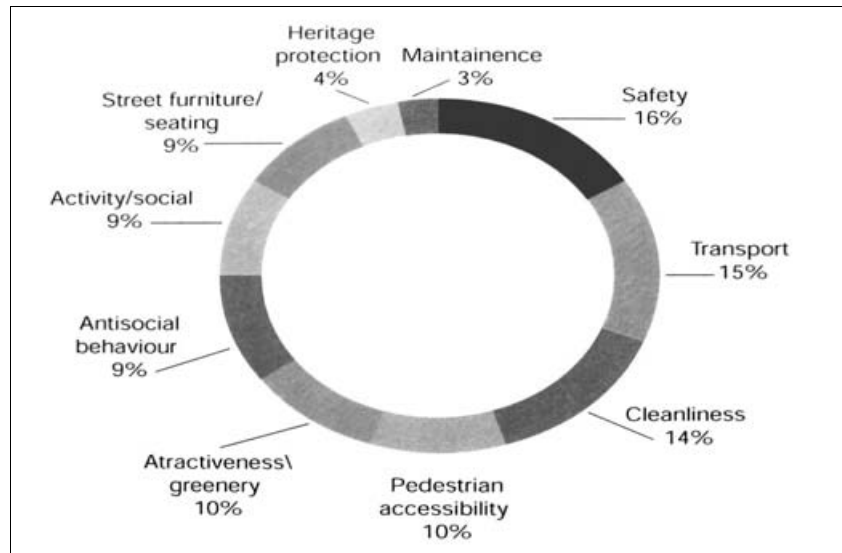
تصویر ۲. ویژگی‌های مطلوبیت فضاهای شهری به نقل از PPS؛ ماخذ درگاه اینترنتی: www.PPS.org

۲۰. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: لینچ، کوبین (۱۳۷۹) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه: سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: بنتلی، یان (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.



تصویر ۳. نمودار مولفه‌های مطلوبیت فضاهای شهری



تصویر ۴. ویژگی‌های مطلوبیت فضاهای شهری به نقل از کارمونا؛ ماخذ: Carmona، ۱۹۹۱.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۷۳

۱. دسترسی به هم پیوستگی^{۲۳}؛ ۲. آسایش و^{۲۴} تصویر شهری؛ ۵. کیفیت فرم ساختمان؛ ۶. کیفیت عرصه همگانی». تحلیلی دیگر از کیفیات محیط کالبدی در کتاب معروف متیو کرمونا تحت عنوان «مکان‌های عمومی - فضاهای شهری»^{۲۸} ارائه شده است. در این اثر کرمونا کیفیات تأثیرگذار بر محیط کالبدی را به ۷ دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: (۱) دسترسی؛ ۲. سخت فضا و

(۱) دسترسی به هم پیوستگی^{۲۳}؛ ۲. آسایش و^{۲۴} تصویر ذهنی؛ ۳. استفاده‌ها و فعالیت‌ها^{۲۵}؛ ۴. اجتماعی بودن^{۲۶} «جان پانترو متیو کرمونا» در کتاب ابعاد طراحی برنامه ریزی شهری^{۲۷} در ۱۹۹۱ نیز بحث کیفیت را در موارد زیر مطرح کرده‌اند: (۱) کیفیت پایداری زیست محیطی؛ ۲. کیفیت منظر شهر؛ ۳. کیفیت دیده‌ها، ۴. کیفیت فرم

23. Access & Linking
24. Comfort & Image

25. Uses & Activities
26. Sociability

۲۷. برای اطلاعات بیشتر، ک. به:

- Punter and Carmona, M(1997)The Design dimension of Planning/E & FN SPON

Carmona, M (2003) Public places, Urban spaces. Architectural press

۲۸. برای اطلاعات بیشتر، ک. به:

نرم فضا؛ ۳. فضای همگانی؛ ۴. ایمنی و امنیت؛ ۵. منظر شهری؛ ۶. اختلاط و تراکم؛ ۷. همه شمول بودن».

«دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس» (OPDM) این دفتر سپس باتکیه بر آنچه در سند «به کمک طراحی»^{۳۹} که توسط CABE^{۴۰} و DETR^{۴۱} در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، اشاره می‌کند که فضاهای عمومی می‌توانند با ۱۰ عامل زیر متمایز و مشخص شوند: «۱. نظافت و پاکیزگی^{۳۲}: آیا این مکان‌ها تمیز هستند و به تمیزی آنها رسیدگی می‌شود؟؛ ۲. دسترسی^{۳۳}: این فضاها تا چه اندازه در دسترسند و قابلیت تحرک در آنها وجود دارد؟؛ ۳. جذابیت^{۳۴}: تا چه اندازه جذابیت بصری دارند؟؛ ۴. راحتی^{۳۵}: آیا افراد در گذراندن اوقات فراغت در این مکان راحتند؟؛ ۵. جامعیت^{۳۶}: به چه میزان پذیرای طیف‌های مختلف اجتماعی هستند؟؛ ۶. سرزندگی و پویایی^{۳۷}: تا چه حد از فضا استفاده شده و امکان انجام فعالیت‌های شاد و زندگی بخش وجود دارد؟؛ ۷. عملکرد^{۳۸}: تا چه حد قابلیت به مرحله اجرا درآمدن فعالیت‌های مختلف در فضا وجود دارد؟؛ ۸. تمایز و تشخیص^{۳۹}: آیا این فضا یک شخصیت خاص دارد؟؛ ۹. ایمنی و امنیت^{۴۰}: آیا این فضاها احساس امنیت را القا می‌کنند و فضاهای امنی هستند؟؛ ۱۰. نیرومندی^{۴۱}: تا چه حد در طول زمان انعطاف پذیر هستند؟» (ODPM,2004:19)

علاوه بر معیارهای عام که در بالا اشاره شد، مدل‌هایی نیز برای طبقه بندی این کیفیات ارائه کرده‌اند. سه مدل عام در این زمینه عبارتند از:

۱- «مدل لنگ^{۴۲}: نیازهای انسانی»: این مدل با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده

است. بر اساس این مدل می‌توان کیفیت محیط شهری را برحسب برآورده ساختن گونه‌های مختلف نیازهای انسان یعنی: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی و امنیت، نیاز به وابستگی و احساس تعلق، نیاز به عزت و اعتماد به نفس، نیاز به تحقق خویشتن و خوشکوفایی و نیازهای زیباشناختی طبقه بندی نمود. لذا لازم است تا محیط شهری نیازهای متفاوت انسانی را برآورده سازد^{۴۳} (محمودی نژاد، ۱۳۸۹).

۲- «مدل اپلیارد^{۴۴}: حالت‌های ادراک انسانی»: بر اساس مدل پیشنهادی اپلیارد، می‌توان مؤلفه‌های گوناگون کیفیت طراحی شهری را بر اساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان (خاصه کودکان و نوجوانان) سازمان دهی و طبقه بندی نمود. اپلیارد واکنش‌های ادراکی انسان در برابر محیط را به سه حالت زیر تفکیک می‌کند: «۱. حالت واکنشی- عاطفی»^{۴۵}، که در برگزیده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به محیط است و در این حالت محیط به عنوان محرکی جهت برانگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی می‌گردد. «۲. حالت عملیاتی»^{۴۶}، که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره مانند تردد از مکانی به مکان دیگر جهت کار، ملاقات به کارگرفته می‌شود. «۳. حالت استنباطی»^{۴۷}، که افراد برای حمایت از فعالیت‌های عملیاتی و واکنش‌های عاطفی فوق، در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم معنی آن هستند. در این وضعیت اطلاعات استنباط شده، موجب روشن گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً حس مکان می‌گردد. (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۴۶-۶۸).

۳- «مدل کانتر^{۴۸}: مؤلفه‌های مکان»: مدل مشهور دیوید

- | | |
|--|----------------------------|
| 29. By Design | 36. Inclusively |
| 30. Commission for Architecture and the Built Environment | 37. Vitality and Viability |
| 31. Department of the Environment, transport and the Regions | 38. Functionality |
| 32. Cleanliness | 39. Distinctiveness |
| 33. Accessibility | 40. Safety and Security |
| 34. Attractiveness | 41. Robustness |
| 35. Comfort | 42. John Lang |

۴۳. برای مطالعه بیشتر در این رابطه می‌توانید رجوع کنید به: محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۹) فضا و مکان در طراحی شهری، انتشارات طحان، تهران.

- | | |
|----------------------|----------------------|
| 44. Applyard | 47. Inferential Mode |
| 45. Responsive Mode | 48. Canter |
| 46. Operational Mode | |

کانتز، از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری را می‌توان یکی از چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری است، محسوب نمود. براساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده «کالبد، فعالیت و تصورات» است. از آنجاکه کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است. می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان کانتز می‌توان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هر یک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصوری» محیط شهر است (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۶۵-۳۸).

فعالیت و معنی» در ۱۹۷۶ ارائه شده است. (2003:98 Carmona). جذابیت‌ها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. «پانتز»^{۵۱} در ۱۹۹۱ و «مونتگمری»^{۵۲} در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه بندی می‌کنند:

الف- مدل حس مکان رلف پانتز: «۱. فعالیت: کاربردی، حرکت پیاده، رفتار، الگوها، بو و صدا، حرکت وسایل نقلیه؛ ۲. کالبد: منظر شهری، شکل ساخته شده، نفوذ پذیری، منظر، مبلمان؛ ۳. معنا: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت، ارزیابی‌های کیفی.»

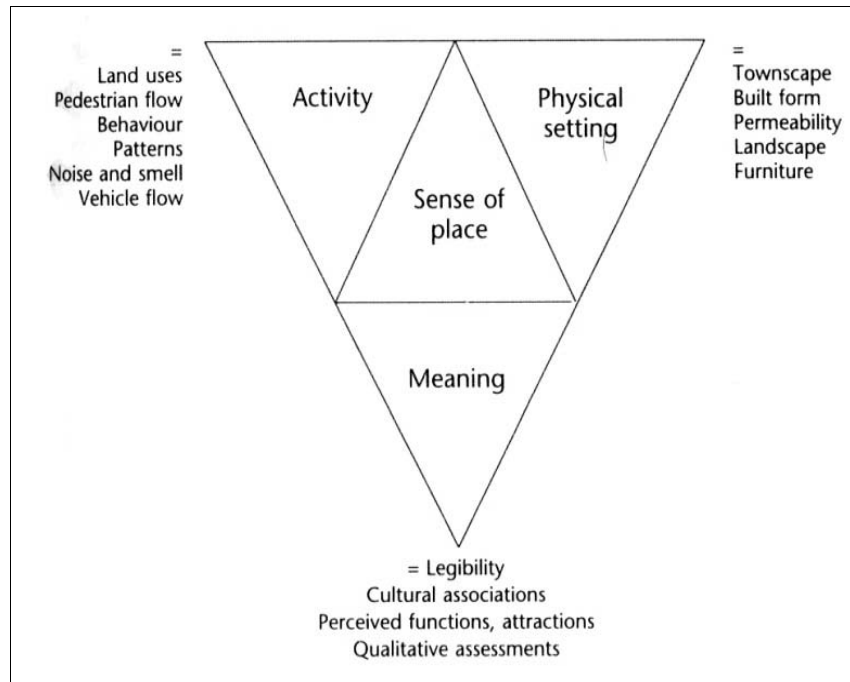
ب- مدل مکان کانتز- مونتگمری: «۱. فعالیت: تنوع سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره‌به‌چهره مردم، سنتها و سرگرمی‌های محلی، فرهنگ کافه نشینی، ساعت‌های باز، حرکت، جاذبه‌ها، داد و ستد، بافت نرم اقتصادی؛ ۲. فرم یا کالبد: مقیاس، نیرومندی،

اگرچه کانتز مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مولفه‌های مکان در اندیشه‌های رلف^{۴۹} در کتاب «مکان و بی مکانی»^{۵۰} به صورت سه مؤلفه «کالبد،

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۷۵ ■



تصویر ۵. ویژگی‌های مطلوبیت فضاهای شهری برای اقشار اجتماعی: ماخذ: گلکار، ۱۳۸۰.

49. Ralph
50. Place and Placelessness

51. Punter
52. Montgomery

نفوذپذیری، نشانه‌های شهری، نسبت فضا به ساختمان ها، دانه بندی عمودی، عرصه عمومی؛ ۳. تصورات: نماد گرایی و خاطره، تصویر پذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن» (Carmona, 2003:99).

بر اساس مدل‌های فوق التفات به مولفه‌هایی در محیط که بتواند باعث حضور بیشتر و سرشار از آرامش کودکان، احساس تعلق بیشتر به فضا، امکان دهی به شکل گیری بازیهای گروهی و تجربه حسی و قابلیت ادراکی بیشتر کودکان شود همراه با ایجاد جذابیت و سرزندگی در محیط شهری و فراهم سازی امنیت اجتماعی و ایمنی فیزیکی از مهمترین مولفه‌های مربوط به مدل‌های فوق الذکر بشمار می‌روند که لازم است در طراحی محیط کودکان برای افزایش خلاقیت مورد توجه قرارگیرد.

معیارها و مولفه‌های برنامه ریزی و طراحی فضاها و محوطه‌های کودکان

در واقع «فضای بازی کودک»، بهترین مکان برای بروز خلاقیت در کودکان بشمار می‌رود. این مکان بازی می‌تواند در خانه، مدرسه، و در صورت طراحی درست و مناسب در فضاهای شهری بطور اعم و پارکها و محلات شهری بطور اخص ممکن شود. پارک کودک به فضایی گفته می‌شود که در آن امکانات مختلف برای بازی کودکان و سرگرمی آنها فراهم شده باشد. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که هرگاه وسعت زمین پارک مورد نظر اجازه دهد، و فضا سازی داخل پارک به نحو مطلوب صورت گیرد، می‌توان در پارک کودکان، برای نوجوانان نیز امکانات تفریحی مناسب فراهم آورد (بهرام سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹). برای طراحی پارک کودک که بتواند در خلاقیت او نیز تاثیر گذار باشد، توجه به مولفه‌های خاص زیر ضروری است: ۱. مکان مورد نظر و ویژگیهای آن؛ ۲. تعیین وسعت مورد نیاز؛ ۳. نوع بازیها و محدوده مورد نیاز برای هر یک (سطح خالص بازی)؛ ۴. نحوه اجرا و ویژگیهای کیفی و ساختی محدوده‌های مورد نظر برای بازی؛ ۵. تجهیزات مورد نیاز بازی (همان، ص ۱۸۹-۱۹۰). در ادامه به برخی از مولفه‌ها و پارامترهای خاص در طراحی فضاهای کودکان که می‌تواند در برانگیزش خلاقیت تاثیر گذار باشد، اشاره می‌شود:

۱- «برنامه ریزی و طراحی بازی‌های کودک در محوطه‌ها و پارکهای شهری»: در هنگام طراحی فضاها و محوطه‌های بازی کودک، لازم است تا در رابطه با طراحی مناسب و مرحله به مرحله آنها و هدفمندی مراحل طراحی بازی کودکان، توجه شود. لذا ضروری است نوع بازیها، چگونگی جریان بازی و فضای مورد نیاز هر یک از بازیها به دقت اندیشیده شود. استفاده از بازیهای خلاقانه و راه حل‌های خلاق مسائلی موجود در بازی، و در واقع درگیر کردن و تقویت نیمه دوم مغز کودک از موارد اساسی است که می‌تواند در طراحی و نقاشی کودکان در بازیها و نقاشیهای فکری خود را نشان دهد. در فضاهای بازی، علاوه بر جنبه‌های کارکردی باید به ظاهر نیز توجه کرد. هر سن و جنسی به طیفی از رنگ و نوع خاصی از فضا نیاز دارد. خردسالان به فضاهای صورتی نیاز دارند؛ فضایی که به نظر هیجان انگیز باشد. طراحی زمین بازی وابسته به بازیهای است که انتظار می‌رود اوقات فراغت کودکان را پر کند. به همین علت با دقت طراحی و به وسایل استاندارد بازی مجهز می‌شود؛ مدل زمین بازی ماجراجویانه نیز مدل اساسی است که از اسقاطها و وسایل دور ریختنی برای ایجاد حس خلاقیت کودکان بهره می‌برد (قنبریان، ۱۳۸۳، ص ۲۶). در تعیین نوع بازیها و طراحی آنها باید مولفه‌های زیر در طراحی نوع بازی، فرآیند بازی و مراحل اجرا و بهره برداری هر چه بیشتر از معماری منظر و عناصر بصری سایت، لحاظ شود:

جدول ۱. ویژگی‌های روانشناختی فضاهای بازی کودکان؛

ماخذ: نگارندگان با تطبیق و هماهنگ سازی بر اساس «تئوری خلاقیت اف. نلر» (۱۳۶۹)

ویژگی روانشناختی	تعریف، بیان و احراز حوزه شناختی
نوجویی و نوکاو	«هیجان ذهنی» و «شعور سیال» به مثابه ابزار آزاد اندیشه در بازیهای دوران کودکی.
کاوشگری	حس «کنجکاوی» نسبت به محوطه‌های بازی با تنوع در حد معقول.
خودرهنمونی و خودشکوفایی	یادگیری متکی بر آغازگری مبتنی بر یادگیری خلاق و ایجاد التفات کودکان به مساله کاوی موجود در بازیهای سایت.

باشد، و بدون جدایی‌گزینی جنسی و سنی کودکان، امکان تعامل بیشتر کودکان و نوجوانان فراهم شده؛ چنانچه این قسمتهای زمین بازی، برای بچه‌های ۹ تا ۱۲ ساله اهمیت بیشتری دارد و بر همین اساس است که برای این گروه مفهوم «رابطه فرد با گروه» عنوان می‌گردد.

۶- «انتخاب، گزینش و کاشت گونه‌های گیاهی در محوطه‌های بازی کودک»: در نحوه انتخاب، گزینش و

کاشت بوته‌های گیاهی و گیاهان در محوطه‌های بازی کودکان، بر این نکته تاکید می‌شود که گاهی خود گیاهان و نوع کاشت آنها در سایت و زمین بازی، مولفه‌ای در حوزه توانمندی‌های سایت برای بازی از یک طرف؛ و در واقع، عنصری در شکل‌گیری بازی‌های کودکانه قلمداد شده است، یعنی طراح محوطه و فضاهای شهری مخصوص کودکان، باید گیاهان را نیز جزئی از بازی مربوطه فرض کند. این وضعیت زمانی شدت می‌یابد که وسعت پارکها کم و وسایل بازی درون آن ناچیز باشد؛ چنانچه در انتخاب گونه‌های گیاهی توجه به این موارد مفید است: «۱. استفاده از گیاهانی که بعد از آسیب دیدگی به سرعت ترمیم می‌شوند؛ ۲. استفاده از درختان با مقاومت زیاد به عنوان وسیله بازی؛ ۳. خودداری از انتخاب گیاهان علفی؛ ۴. خودداری از انتخاب درختان میوه؛ ۵. خودداری از انتخاب گیاهان سمی» (بهرام سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲)

۷- «تراکم جمعیتی کودکان در محوطه‌های بازی»: نتایج این مولفه مستخرج از تحقیقات «استفان موری» است که بیان می‌کند که در واحدهای مسکونی که تراکم، بویژه تعامل خانواده زیاد است، ازدحام محسوس می‌شود و احتمال بروز خشونت افزایش می‌یابد و امکان بروز

۲- «تولید و ایجاد حس خلوت و آرامی در طراحی فضاهای کودکان»: در این رابطه باید گفت که، کودکان و نوجوانان برای ارتقاء «اعتماد به نفس و حس خلوت» از یک طرف؛ و همچنین وجود اماکن مخفی برای بازی و بطور باواسطه کارهای خلاقانه‌ای که باید بدور از چشم مراقب (حداقل از دیدگاه خودشان) انجام دهند، به چنین محوطه‌هایی احساس نیاز می‌کنند.

۳- «سلسله مراتب فضایی و فضا بندی در طراحی محوطه‌های بازی کودکان»: سلسله مراتب فضایی و «فضا بندی» در طراحی پارک کودکان از مهمترین مقولات در زمینه طراحی و برنامه ریزی فضاها و محوطه‌های بازی کودکان است که انتظار است تا وسعت و به تبع آن، تنوع و گوناگونی فضاهای موجود در سایت زیاد باشد؛ چنانچه در این مورد می‌توان اظهار داشت که حتی تنها هر وقت وسعت پارک از ۱۰۰ متر مربع بالاتر رفت، باید به فضا بندی و تقسیمات فضایی درون آن اقدام کرد.

۴- «نحوه و چگونگی دسترسی و میزان فاصله با فضاهای و محوطه‌های بازی کودکان»: باید گفت که کارآمدترین مکان برای راه اندازی فضاها و محوطه‌های بازی کودکان، فضای پیرامون محل سکونت آنهاست، چراکه محل بازی باید در میدان دید واحدهای سکونتی باشد، در عین حال که بایستی برای والدین، امکان صدا زدن کودکان وجود داشته باشد (بهرام سلطانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۰).

۵- «اختلاط پذیری و اجتماع پذیری سنی جنسی در بازیهای گروهی طراحی شده در محوطه‌های کودکان»: در این مورد می‌توان گفت که؛ «گروه کاری» در بازیهای کودکان، تاکید بر مهارت و توانمندی کودکان دارد؛ یعنی به عبارتی، هرچه امکان اختلاط پذیری فضاها بیشتر

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

خلّاقیت کاهش می‌یابد لیکن در فضاهای شهری خاصه پارکها و پردیس‌ها و حتی فضاهای محله‌ای تحقیقی در این رابطه صورت نگرفته است.

۸- «چگونگی و اطوار سلسله مراتب فضایی در طراحی محوطه‌های بازی کودکان»: محیطی که برای کودک طراحی می‌شود بطور اعم باید دارای شامل فضاهای زیر باشد: ۱. فضاهای طبیعی: مانند درخت، آب و موجودات زنده (عینا پارک و پردیس شهری)؛ ۲. فضاهای بازی: فضاهای گسترده‌ای که کودکان بتوانند به اندازه دلخواه بدوند و انرژی‌های درونی را تخلیه‌کنند؛ ۳. فضای راه‌ها: شبکه‌ای که فضاهای صلب را بهم ارتباط می‌دهد؛ ۴. فضای ماجراجویی: فضاهایی پر از پیچیدگی، که قوه تجسم و تخیل کودکانه بواسطه قرارگیری در آن تقویت می‌شود؛ ۵. فضای مخفی: استقلال کودک از طریق این فضاهای مخفی رشد می‌یابد؛ ۶. ساختارهای بازی: فضاهایی هستند که با ساختار بازی در مکانهای بازی اهمیت می‌یابد و بعنوان زمین بازی نامیده می‌شوند (شاطریان، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

۹- «پارکها و محوطه‌های بازی کودکان و مقوله خوانایی و نمایانی پارک»: تامل در مفهوم «نقشه‌های شناختی» مهمترین مولفه در طراحی فضاها و محوطه‌های بازی کودکان برای برانگیزش حس آفرینشگری آنها است؛ چنانچه تمرینات نقشه ذهنی دانش آموزان و کودکان از محیط شهری یکی از فعالیتهای عمومی و جاافتاده محیط‌های آموزشی رده راهنمایی است (بنتلی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱). بر این اساس هرچه بیشتر این نقشه شناختی شکل بگیرد، بهتر می‌توان به طراحی متناسب با کودکان و نوجوانان نزدیک شد، چراکه در صورت طراحی مناسب برای کودکان است که احساس تعلق کودک با فضا، ترسیم احساس بودن در خانه و ایجاد آرامش در کودک می‌شود. دیده می‌شود که قرارگیری کودک در فضاهای مبهم و ناآشنا باعث ایجاد دلهره و واکنشهایی مانند گریه کردن می‌شود و امکان بروز زمینه‌های اولیه آفرینشگری را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای راهبردی و اجرایی
بر اساس آنچه به تفصیل در متن مقاله مورد اشاره قرار

گرفت، لازم است تا در حوزه سیاستها، راهبردها و راهکارهای طراحی و برنامه ریزی فضاها و محوطه‌های شهری برای ایجاد و برانگیزش حس آفرینشگری کودکان، گام‌هایی برداشته شود. برای طراحی فضاهای شهری و پارکهایی که بتواند نقش خلّاقیت آفرینی در کودکان و نوجوانان داشته باشد، بایستی دو دسته ملاحظات «فنی و اجرایی» و «برنامه ریزی راهبردی» را متصور شود. در حوزه «سیاستهای راهبردی» لازم است موارد زیر مورد توجه قرارگیرد:

۱- اجماع نظر صاحب‌نظران در حوزه‌های مرتبط با تصمیم‌گیری‌های کلی در رابطه با طراحی و برنامه ریزی شهری اعم از مسئولان و کارشناسان ذی ربط در سازمانها و ارگانهای شهری و بالاخص شهرداریها و معاونت عمرانی وزارت کشور.

۲- اعلام نظر و نظریه‌گیری از اندیشمندان و صاحب‌نظران «حوزه تعلیم و تربیت کودک»، «روانشناسان کودک» و دیگر متخصصین حوزه نظری پرورش و تربیت کودکان و نوجوانان، در هنگام طراحی برای کودکان بعنوان «مشاورین عالی».

۳- تامل، تدقیق و التزام بازمینی آیین‌نامه‌های موجود در جهت «تطبيق شرایط فضاها و محوطه‌های شهری با بسترهای شکل‌دهی حس آفرینشگری در کودکان».

۴- ساماندهی، انجام و اجرای «طرحهای مطالعاتی با رویکرد کاربردی در طراحی و برنامه ریزی فضاها و محوطه‌های کودکان» برای انطباق با شرایط فکری، روحی و فیزیکی در راستای انگیزش‌سازی، پرورش و تقویت روحیه آفرینشگری و خلّاقیت.

۵- التزام تدوین «دستورالعملهای اجرایی طراحی و طرح ریزی» پارکها و فضاهای بازی کودکان.

۶- ضرورت بی‌بدیل همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در راستای تولید دانش بنیادی و نظری در طراحی فضاهای بازی کودکان.

در حوزه سیاستها و راهبردهای کلی مربوط به مقوله روانشناختی طراحی و برنامه ریزی برای فضاها و محوطه‌های مربوط به کودکان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که در قالب جدول زیر به آنها اشاره شده است.

مؤلفه مورد نظر در مراتب روانشناسی رشد	احراز، تعریف و قلمرو مفهومی
«تنوع، سرزندگی، شادابی و ایجاد هیجان روحی و فکری»	ایجاد تنوع و سرزندگی در فضاها و محوطه‌های باعث گسترش شادابی و روحیه نوجویی و کنجکاوی شده که از زمینه‌های بسط و انگیزش روحیه آفرینشگری کودکان می‌شود.
«تماس مستقیم با محیط‌های بیرونی سالم»	در حالی که آموزش رسمی در فضاها بسته صرفاً بخشی از حواس کودک را فعال می‌کند، یادگیری فعال در محیط‌های بیرونی نسبت به محیط‌های بسته، تمام ابعاد رشد کودک را بر می‌انگیزد. در نگرش‌های نوین آموزشی، تعلیم در فعل جستجو و کشف تفسیر می‌شود و لذا تلاش می‌شود تا دسترسی به فضای سبز (پارکها و پردیسهای شهری) و به طور کلی فضای باز نیز گسترش یابد به گونه‌ای که فضای باز نیز واجد کارکردی اساسی چون کلاس تبدیل شود.
«حس تعلق و وابستگی با فضا»	«احساس در خانه بودن» و «امنیت روانی» کودک، در زمره مواردی است که نیاز است تا کودکان نسبت به احساس تعلق و وابستگی در پرتو احساس امنیت به باروری و شکوفایی حس خلاقیت در خود راغب باشند.
«التفات به ایمنی فضاها و محوطه‌های بازی»	چنین فضاهایی باید در عین ایمنی، امکان مراقبت نامحسوس کودکان را نیز فراهم کنند.
«رویکرد بازی به مثابه یادگیری»	در این رابطه باید گفت که کودکان از طریق بازی‌ها فی مابین و از همدیگر بدون توجه به سن و جنس خودشان، می‌توانند بهتر و بیشتر به امکان دهی به خلاقیت درونی خود و در بازتاب با «کودک درون» خود اقدام کنند.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۷۹

بر این اساس، با توجه به پارامترها، مولفه‌ها، سنجه‌ها و خاص و عام در حوزه طراحی منظر کودکان اشاره می‌شود، معیارهایی که بطور عام برای اقشار اجتماعی و بطور خاص چنانچه در راستای طراحی محیط‌های کودکان توجه به برای کودکان مورد اشاره بود، به جمع‌بندی معیارهای حوزه‌ها و ویژگیهای زیر ضروری است:

حوزه‌ها	ویژگیها
روانی	شبیه سازی، خلق و آفرینشگری، آرامش بخشی، ایمنی، لذت بخشی، بازی آفرینی، تشویق بخشی روحی، گسترش احساس اجتماعی کودک
فیزیکی	عطر و بوی فضایی مناسب، بافت و جنس لطیف و غیر مزاحم، حرارت و برودتی، دنجی و خلوت کودکانه، دسترسی آسان و سیرکولاسیون ساده و غیر مبهم.
فضایی	فعالیت و پویایی فضا، ساکت بودن فضا، ارتباط با طبیعت و فضای سبز، خودمانی بودن فضا، باز بودن فضا، روشنایی فضا، یادمانی و ادراکی بودن فضا.
رفتاری	تئاتر و نمایشهای کودکانه در فضاها باز کودک با شرکت خود کودکان، استراحت کودک، امکان مطالعه فردی و گروهی، همکاری و مشارکت دهی کودک، کارگروهی و بازیهای تیمی، اختلاط جنسی و سنی کودکان، فعالیت‌های بدنی همراه با بازیهای فکری، تمرین‌های نوشتاری و شنیداری کودکانه، بازی سازی با منظر و طراحی گیاهان و عناصر فیزیکی و بصری پارک.

علاوه بر موارد فوق الذکر در راستای ملاحظات فنی و اجرایی (معیارهای خاص) توجه به موارد زیر ضروری است:

۱- «میزان تراکم جمعیتی و جنسیتی فضاهای بازی»: با توجه به عدم وجود تحقیقات کافی در میان رابطه لازم بنظر می‌رسد تا در این رابطه تحقیقات مرتبط صورت گیرد، چراکه اطلاعات موجود کافی نیست.

۲- «فضابندی پارکها و پردیسهای شهری»: نحوه طراحی و ساماندهی این فضاها در مقوله تقسیم بندی فضایی باید مورد مطالعه با جامعه آماری مشخص از کودکان با در نظرگیری مولفه‌های شناختی جنسی و سنی صورت گیرد.

۳- «سرانه فضاهای بازی کودک»: شایان ذکر است که در زمینه استاندارد سرانه مورد نیاز برای فضاها و محوطه‌های سبز برای پارک کودک، نمی‌توان پیشنهاد مشخصی ارائه کرد که دلیل آن عدم انجام تحقیق لازم در این زمینه بوده که علاوه بر این دلیل عدم وجود اجماع کلی، این میزان سرانه بازی کودک متغیر بوده، چنانچه معماران منظر مانند «مولر» سرانه لازم برای فضای بازی کودک را ۱ متر مربع پیشنهاد می‌کند و «گ. ریشتر» این وسعت را بر حسب آپارتمان محاسبه کرده و رقم ۱۰ متر مربع را به ازای هر آپارتمان لازم می‌داند.

۴- «نوع بازی و برنامه ریزی و طراحی بازیهای کودک»: توجه به مقوله بازی‌های کودکان، مهمترین مساله در برنامه ریزی معماری در مقوله طراحی فضاها و محوطه‌های بازی کودکان است؛ چنانچه باید توجه داشت کودکان تنها در صورتی مبادرت به یادگیری آزاد می‌کنند که برای آنها ایجاد جذابیت شود و این مهم، صرفاً و صرفاً از طریق بازی‌هایی میسر می‌شود که بین گروه‌های همسالان و بصورت مستقیم معطوف به بازی‌های خلاقیت آفرین ممکن شود. لذا توجه به تولید و طرح ریزی بازی‌های مرتبط با طراحی کالبدی پارکها و محوطه‌های بازی باید دقت نظر صورت گیرد و از متخصصین علوم تربیتی و روانشناسی کمک گرفته شود.

۵- «دسترسی و فاصله مکانی پارکها و پردیسهای شهری»: در این رابطه لازم است تا میزان فاصله و بعد مسافتی هرکدام از این دسترسی‌ها و سهولت زایی در

آنها، از طریق مختلف بررسی و در قالب طرح‌های پیمایشی نتایج آنها به شهر و فضاها شهری تعمیم داده شود.

۶- «سلسله مراتب فضایی و سیرکولاسیون فضایی»: نوع و چگونگی گردش در فضا و استفاده از مفاهیم ابهام و ایجاد پرسش در آنها، با ساخت انواع لابیرنتها و مازها می‌تواند در برانگیزش خلاقیت کودکان تاثیرگذار باشد.

۷- «ایجاد حس خلوت و دنج بودن فضا برای ایجاد اعتماد به نفس و بسط شرایط فراخوانی خلاقیت فردی».

۸- «خوانایی و نمایانی پارک و ایجاد اینهمانی با فضا».

۹- «اجتماع پذیری سنی و جنسی در بازیهای گروهی».

منابع

۱- محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۹) تبیین مبانی آموزش خلاقیت در معماری زیست مینا، رساله دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی دکتر محمدرضا پورجعفر و مشاوره دکتر مجتبی انصاری.

۲- بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۸۴) مبانی معماری فضای سبز شهری، انتشارات دید (زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران)، تهران.

۳- کامل نیا، حامد (۱۳۸۸) دستور زبان طراحی محیطهای یادگیری، نشر سبحان نور، تهران.

۴- کرونر، والتر (۱۳۸۵) معماری برای کودکان، ترجمه دکتر احمد خوشنویس و المیرا میر رحیمی، نشر گنج هنر، تهران.

۵- ادواردز، بتی (۱۳۸۷) طراحی با سمت راست مغز (خلاقیت)، ترجمه عربعلی شروه، انتشارات مارلیک، تهران.

۶- بهروز فر، فریبرز و دیگران (۱۳۷۸) رابطه همسازی تراکم در مسکن و وضعیت تحصیلی کودکان دبستانی، نشریه شماره ک- ۲۹۷ مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

۷- بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیطهای پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

۸- شاطریان، رضا (۱۳۸۷) طراحی و معماری فضاهای

About the World. Latham, Md.: Rowan & Littlefield.

25- Getzels, Jacob W. (1964) creative thinking, problem solving, and instruction, in theories of learning and instruction. Sixty third yearbook, national society for the study of education, Chicago: university of Chicago press.

26- Gatzels, Jacob W., and Philip W, Jackson (1962) creativity and intelligence, New York: Wiley.

27- Koestler, Arthur (1964) the Act of Creation, New York: MacMillan.

28- Kumlin, Robert R. (1995) Architectural Programming, Creative Techniques for Design Professionals, New York: McGraw Hill.

29- Mcellar, Peter (1957) Imagination and Thinking, London: Cohen and West.

30- Newell, A. (1969) the processes of creative thinking, Santa Monica, Calif: Rand Corporation.

31- Sodom, Alex F (1963) Applied Imagination Principles and Procedures of Creative Problem Solving, New York, NY: Scribner.

32- Parnes, Sidney J. (1962) a source book of creative thinking, New York: Scribner.

33- Parshal and Sutherland (1988) off icing: Bringing Amenity and Intelligence to Knowledge Work, Tokyo: LibroPort Co., Ltd.

34- Pena, William M., and William W. Caudill (1959) Architectural Analysis - Prelude to Good Design, Architectural Record.

35- Pearson, David (2001) new organic architecture, the breaking wave, London, architectural Press.

36- Taylor, Irving a. (1989) the Nature of the Creative Process, in Creativity, an Examination of the Creative Process.

37- Watson, Susan (2003) Living Sustainably. San Francisco, Calif.: Smart Apple.

آموزشی، انتشارات سیمای دانش، تهران.

۹- سلیمانی، افشین (۱۳۸۱) کلاس خلاقیت، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

۱۰- گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.

۱۱- دافی، برنات (۱۳۸۱) تشویق خلاقیت و تفکر در کودکان، ترجمه مهشید یاسایی، انتشارات ققنوس، تهران.

۱۲- آمابیل، ترزا (۱۳۷۱) شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم زاده، انتشارات دنیای نو، تهران.

۱۳- رفیعیان، مجتبی و علی عسگری (۱۳۸۱) فضاهای شهری و سالمندان، همایش سالمندان و شهر.

۱۴- وان. فانژه، اوژن (۱۳۶۴) هنر خلاقیت در صنعت و فن، ترجمه حسن نعمتی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۱۵- بمانیان، محمد و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۷) پدیدارشناسی مکان: به جانب ارتقاء فضا به مکان شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.

۱۶- قاسمی، فرشید و طاهره اقلیدوس (۱۳۸۵) بررسی تاثیر درس آموزش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۳، سال چهارم.

۱۷- امیری، شعله و سمانه اسعدی (۱۳۸۶) روند تحولی خلاقیت در کودکان، نشریه تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۴.

۱۸- قنبریان، منیر (۱۳۸۳) کودک و شهرنشینی، انتشارات سازمان شهرداریها، تهران.

۱۹- اف. نلر، جرج (۱۳۶۹) هنر و علم خلاقیت، ترجمه سید علی اصغر مسدد، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

20- Matthew Carmona (2003), Public Places - Urban Spaces, Architectural Press; 1 edition

21- Anderson, Harold (1959) Creativity and its Cultivation, New York: Harper & Row.

22- Anderson, Ray (1999) Mid-Course Correction: Toward a Sustainable Enterprise. White River Junction, Vt.: Chelsea Green.

23- Cherry, Edith (1998) Programming for Design, From Theory to Practice, New York: John Wiley & Sons.

24- Clark, Robert P., and Robert Clark (2003) Global Awareness: Thinking Systematically

اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان منطقه ۱۹ تهران بر اساس سرفصل‌های موضوعات آموزشی معاونت خدمات شهری

لیلا زمانی کوخالو* - کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
داریوش نوری - استادیار دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Classification and prioritization of 19 region educational needs with attention of educational syllabus of urban civil assistant department

The main purpose of the present research is the classification and Specification & the priority of educational requirements of citizens of Tehran District No. 19 according to the municipality educational syllabuses (Urban Civil Assistant Department). For this purpose, 29 educational subjects which are subset of urban mayor domain assistant have been classified and organized according to priority. Classification and making their priority of citizens' educational requirements is one of the administrative directors' distresses. Surveying society is all citizens of Tehran District No.19 (included as male and female specially, family supervisors) on the first half of 2008 that their numbers are 248/315 people (64285 family). 384 people have been elected through cluster- randomly sampling method according to the Morgan Table. Research method is descriptive-measurement and measurement tool was the researcher questioners which have 29 closed questions. After description of the collected data, the sample group and data have been analyzed through Chi Square and Freidman Statistical Test. According to the results of the research, educational requirements of citizens of Tehran-District No. 19 has been organized and classified. For sampling, the 1st priority is urban public hygiene and the 2th, priority is individual and family methods and ways of help and rescue and the likes.

Key Words: Classification and Making Priority, Educational Needs Educational Syllabus of Urban Civil Assistant Department.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان منطقه ۱۹ تهران بر اساس «سرفصل‌های موضوعات آموزشی معاونت خدمات شهری» است. به این منظور، ۲۹ موضوع آموزشی در زیر مجموعه‌های «حوزه معاونت خدمات شهری»، طبقه بندی و رتبه بندی شد. اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان یکی از دغدغه‌های دست اندرکاران و مدیران اجرایی شهر تهران است. جامعه مورد بررسی کلیه شهروندان ساکن در منطقه ۱۹ تهران (اعم از زن و مرد و خصوصاً سرپرستان خانوارها) در نیمه اول سال ۱۳۸۷ بود که تعداد آن‌ها ۲۴۸/۳۱۵ نفر (۶۴۲۸۵ خانوار) بود و بر اساس «جدول مورگان»، ۳۸۴ نفر از طریق «روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شدند. روش تحقیق توصیفی - پیمایشی و ابزار اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۲۹ سؤال بسته پاسخ بود. پس از توصیف اطلاعات جمع آوری شده از گروه نمونه جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از «آزمون آماری مجذور کای» «آزمون فریدمن» استفاده شد. بر اساس نتایج پژوهش نیازهای آموزشی شهروندان منطقه ۱۹ تهران به گونه زیر اولویت بندی شد. برای نمونه اولویت اول: نظافت عمومی شهر؛ اولویت دوم: روش‌های امداد و نجات فردی و خانوادگی؛ و غیره. واژگان کلیدی: اولویت بندی، نیازهای آموزشی، سرفصل آموزشی، موضوعات آموزشی معاونت خدمات شهری.

عصر ما، عصر برنامه ریزی است. برنامه ریزی به عنوان کلید طلایی رفع مشکلات و مؤثرترین دارو برای جلوگیری از درهم ریختگیها و بی نظمی های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، بر این دوران حکومت می کند؛ چراکه سرعت تغییرات گوناگون اجتماعی و افراد بسیاری که در جریان این دگرگونی ها قرار می گیرند، تخصصهای متفاوت، فرصت های مختصر و امکانات زمانی کوتاه هیچ کدام دیگر اجازه نمی دهند که تجربه های از پیش نیندیشیده و ناآگاهانه، باز هم با زندگی مردم بازی کنند. در این میان، شانس و تصادف بیشترین سهم را داشته باشد. برنامه ریزی به خصوص در مورد «نیازهای آموزشی شهروندان» از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نیازهای آموزشی با نسل حال و آینده سروکار دارد، با نسل انعطاف پذیری که با هر تدبیر به گونه ای رشد کرده و تأثیر خود را در میان مدت یا حتی در دراز مدت نمایان خواهد ساخت (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۵).

به اعتقاد تمام بزرگان و دانشمندان، آموزش یک جامعه می تواند عامل اساسی برای توسعه، پیشرفت و سعادت آن جامعه باشد؛ و در مراحل بالاتر، با آموزش می توان افرادی کارآمد، با بازدهی مناسب تربیت کرد و بعد با شناخت نیازهای جامعه و انطباق اهداف آموزشی با این نیازهاست که افراد آموزش دیده تر و کارآمدتر قادر خواهند بود به نیازهای اجتماع خود، پاسخی مثبت دهند و از این راه هویت واقعی خود را (شهروند محوری) بیابند. از همین جاست که لزوم تطبیق هدف های کلی با نیازهای آموزشی اجتماع، بیشترین اهمیت را پیدا می کند. بدون تردید هیچ نظامی نتوانسته و نمی تواند تمام نیازهای فرد و جامعه را با زیر مجموعه گسترده آن بر طرف سازد. به همین دلیل «اولویت بندی نیازهای آموزشی» ضرورت دارد. اولویت بندی نیازها به معنی ترجیح مطلق یک نیاز بر نیاز دیگر نیست، بلکه تشخیص مهم ترین نیازها، تعیین نقاط اشتراک نیازها و سنجش میزان توجه به هر نیاز در هدف گذاری برنامه ها است. مهم ترین نیاز به معنی نیازی است که رفع نشدن آن می تواند مشکلات بیشتری برای فرد نیازمند به وجود آورد (اسمیت، ۱۹۸۸ و کافمن، ۱۹۹۱، به نقل از فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۵).

یکی از دلایل مهم گرایش به برنامه ریزی در کلیه فعالیت ها و اقدامات بشری، «وجود منابع محدود از یک سو و موانع و محدودیت های اثرگذار و تعیین کننده از سوی دیگر است». این امر افراد را وادار به شناسایی اولویت های اساسی و تعیین راهبردهای اثر بخش به منظور تحقق این اولویت ها می کند (فتیحی و اجارگاه، ۳۸۴۱، ص ۲۷).

آموزش در شهرداری تهران، شامل آموزش کارکنان سازمان و آموزش شهروندان اداره کل آموزش و مشارکت های اجتماعی است؛ مدیریت و برنامه ریزی فعالیت های اجتماعی که در کار سازماندهی و نظم بخشیدن به اقدامات شهرداری تهران و نحوه مشارکت شهروندان، موضوعاتی را که مورد توجه مخاطبان خود است، به عنوان «سرفصل های موضوعات آموزشی حوزه معاونت خدمات شهری»، طراحی نموده و در این پژوهش به بررسی این سرفصل ها خواهد پرداخت؛ که مرتبط با معاونت ها، ادارات کل، سازمان ها، شرکت ها، مؤسسات و مراکز وابسته به شهرداری تهران است. «حوزه معاونت خدمات شهری» یکی از معاونت های فعال است که از تاسیس آن، مدت بسیار زیادی می گذرد و با گردآوری نیازهای آموزشی مردم با نظرسنجی ها و نیازسنجی آموزشی که از طریق شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران صورت گرفته است، به تدوین سرفصل های موضوعات آموزشی حوزه خدمات شهری اقدام نموده است؛ لذا محقق بر آن شده که به بررسی نیازها و شناسایی موضوعات آموزشی حوزه مورد مطالعه در شهرداری منطقه ۱۹ شهر تهران بپردازد.

پیشینه تحقیق

این پژوهش به دنبال آن است که «ابزار مفهومی لازم در ارتباط با موضوع تمرکززدایی را به برنامه ریزان آموزشی و اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان را از طریق این پژوهش به مسئولان و مدیران اجرایی شهر تهران» ارایه دهد؛ همچنین به دنبال کشف نظرات و هدفهای محوری و خط مشی های تمرکززدایی در نظام آموزشی شهروندان است که از طریق اولویت بندی نیازهای آموزشی و توضیح این مطلب که با صرف سرمایه گذاری مدیران اجرایی شهر، می توان شهری آباد و بدون دغدغه

داشت؛ چراکه نیازهای آموزشی بسیاری از شهروندان در مناطق و محلات مختلف متفاوت است و این مطالعات مقدماتی ابتدا بر روی منطقه ۱۹ شهر تهران اعمال شد تا سندی برای معاونت خدمات شهری باشد که گام بعدی حرکت به سوی آموزش و ارائه محتوای آموزش شهروندان با فن‌آوری‌های نوین در سطح شهر تهران بشمار می‌رود؛ لذا توجه به نگرش و شناسایی نیازهای آموزشی شهروندان تهرانی مدنظر محقق قرار گرفته است.

مبانی نظری

اولویت بندی نیازهای آموزشی مردم

«اولویت‌های آموزشی»، منبع اطلاعاتی مهمی به حساب می‌آیند. از آن جاکه هر سازمان، اداره و مؤسسه آموزشی، اولویت‌هایی دارند و این اولویت‌ها برای طراحی برنامه آموزشی و آموزش‌هایی است که می‌تواند آن مؤسسه را تحت تأثیر قرار دهد، باید آموزش‌ها را مشخص و حتی تا حد ممکن در برنامه‌های آموزشی رعایت کرد. این اولویت‌ها موجب تمرکز بر یک قلمرو ویژه یا نوعی برنامه خاص و عدم تمرکز و محوریت سایر قلمروها و برنامه‌ها می‌شوند (نصر و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۱ و به نقل از حکیمی، ۱۳۸۶).

اولویت‌های آموزشی، منابع و نوع نگرش شهروندان تهرانی را در مورد موضوعات آموزشی مشخص می‌کنند. همچنین اگر وقتی یک مؤسسه آموزشی در یک کلان شهر واقع شده است، نباید انتظار داشت که اولویت تشخیص نیازهای آموزشی از لوازم برنامه ریزی باشد.

رویکردهای گوناگون برای فهم نیازها وجود دارد:

- رویکرد اول، آن است که (نیاز) را نظر «مرجّح» در نظر گیریم و اهداف برنامه را بر اساس آن تنظیم کنیم (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۵)؛ یعنی از شهروندان، صاحب نظران و کارشناسان نظرسنجی کنیم و نظر اغلب را از بین آن چه هست و آن چه که باید باشد را نیاز تلقی کنیم؛

- در رویکرد بعدی به شناخت مسائل و مشکلات موجود تأکید می‌شود (به نقل از نوروزی، ۱۳۷۱، فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

هر یک از قابلیت‌های فوق در «قالب‌های آموزشی» با

تعیین «هدف‌های کلی و رفتاری» مشخص در سطح مناطق شهر تهران قابل اجرا است. بدیهی است آموزش شهروندی بسته به بافت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر منطقه متفاوت است و یک نسخه رانمی‌توان برای کل شهر تهران پیچید؛ به عنوان مثال موضوعاتی که برای شهروندان منطقه ۱۹ نیاز آموزشی است، برای ساکنان منطقه ۱ جذابیتی ندارد و بالعکس. بنابراین قالب‌های آموزشی که تعریف می‌شود بایستی مبتنی بر یک مطالعه و بررسی میدانی در سطح مناطق باشد تا اولویت‌های آموزشی و اهداف رفتاری مورد انتظار، تعیین و سپس برنامه ریزی آموزشی، تهیه محتوا و تولید محصول آموزشی در دستور کار قرار گیرد. یکی دیگر از قالب‌های آموزشی که می‌توان برای شهر تهران به آن توجه کرد، آموزش‌های شهروندی در دوره ابتدایی است. این آموزش‌ها هم می‌تواند به صورت تئوری (در کتابهای درسی و با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی) و هم به صورت عملی از طریق خانه‌های سلامت شهروند محلات در اختیار مدارس قرار گیرد. بحث‌های اساسی مانند حفظ محیط زیست، ترافیک، آلودگی هوا و غیره از دوران ابتدایی باید مد نظر قرار گیرد (نظام نامه جامع آموزش و مشارکت‌های اجتماعی شهروندی، ۱۳۸۵). اولویت بندی نمودن نیازهای آموزشی شهروندان و تشخیص نیازها، ذهن مخاطب را با این امر درگیر می‌سازد که کدام یک از این موضوعات در سرفصل‌های آموزشی حوزه خدمات شهری از اولویت بالاتری برخوردار است.

اولویت بندی نیازها

گام بعد از شناسایی نیازها، «اولویت بندی» آن هاست. محدودیت منابع مالی، انسانی و زمان از دلایل مهمی هستند که دلالت بر ضرورت اولویت بندی نیازها دارد. بعد از «تحلیل شکاف در نیازسنجی»، ممکن است فهرستی طولانی از نیازها به دست آید، که امکان برنامه ریزی برای همه آن‌ها نه عملی باشد و نه مقرون به صرفه؛ لذا اولویت بندی نیازها، روشی معقول و منطقی برای برنامه ریزی جهت رفع آن دسته از نیازهای آموزشی است که از اهمیت زیادی در تحقق اهداف برخوردار

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

می‌باشند. همچنین در اولویت بندی نیازها، محدودیت‌هایی که در زمینه‌های مختلف وجود دارند بایستی مد نظر قرار گیرند (خراسانی، حسن زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶)؛ مثلاً در همین تحقیق: ۲۹ موضوع آموزشی را نهایتاً باید با توجه به نگرش شهروندان تهرانی (پایلوت شهرداری منطقه ۱۹ تهران) به یک نتیجه‌گیری رساند که بتوان در آن برخی از موضوع‌های آموزشی را طبق محدودیت‌هایی که برای آموزش شهروندان وجود دارد، انتخاب نمود.

«رودا»^۱ و «کاسی»^۲ توجه به موارد زیر را در اولویت بندی نیازها ضروری می‌دانند:

۱. «اثر بخشی هزینه»

۲. «تعهدات قانونی»

۳. «ضمانت اجرایی»

۴. «تعداد افراد»

۵. «مشتریان» (مخاطبان).

با در نظر گرفتن عوامل فوق در اولویت بندی نیازها، نیازهای کم اهمیت راکنار گذاشته و توان و انرژی خود را صرف رفع نیازهایی می‌کنیم که از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردارند (رودا و کاسی، ۱۹۹۶ و به نقل از میلر، ۱۹۹۶).

«بویل» شش معیار را مبنای اولویت بندی نیازها می‌داند که عبارت است از:

۱- «اجتماع»؛ و

۲- «شرکت کنندگان»؛ و

۳- «سیاست‌ها»؛ و

۴- «سازمان»؛ و

۵- «منابع»؛ و

۶- «کارکنان».

جامعه آماری در این پژوهش، کلیه شهروندان زن و مرد خانوارهایی که در ۱۲ محله و در نیمه اول سال ۱۳۸۷ بوده است. از مجموع کل شهروندان مورد مطالعه ۶۴۲۸۵ خانوار و بر اساس «جدول مورگان»، نمونه ۳۸۴ نفری و از طریق «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شدند. روش تحقیق «توصیفی-پیمایشی» و ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه محقق ساخته، حاوی ۲۹ سوال بسته پاسخ با مقیاس ۱ تا ۱۰ استفاده شده است. «ضریب پایایی پرسش نامه» بر اساس «ضریب آلفای کرونباخ»، ۰/۹۸ برآورد گردید که در «سطح آلفای یک درصد» (۰/۰۱) معنادار می‌باشد و حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری است. اعتبار صوری پرسش نامه با نظر کارشناسان و اساتید تعلیم تربیت مورد تأیید قرار گرفت و به منظور توصیف داده‌ها از شاخص آمار توصیفی استفاده شد. باید دانست که این شش معیار در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند (بویل، ۱۳۷۴، ص ۲۱۸).

فتحی در طراحی نظام جامع آموزش کارکنان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، اولویت بندی نیازهای آموزشی را این گونه مطرح نموده است. محدودیت‌های زمان و مکان و بودجه و الزامات اثر بخش، اقتضا می‌کند که نیازهای آموزشی پس از شناسایی، اولویت بندی شوند. اهمیت اولویت بندی از آن جهت است که نیازهایی که برای سازمان یا شغل ارزشمند است را مشخص می‌کند و داده‌هایی که برنامه آموزشی بر آن بنا خواهد شد را تعیین می‌کند. از مهم‌ترین روش‌ها یا معیارهای اولویت بندی نیازهای آموزشی می‌توان به تمام مواردی که اشاره شد پرداخت (فتحی و اجارگاه، فرمپینی، ۱۳۸۴، ص ۵۶-۵۷)؛ لذا با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان نتیجه گرفت اداره آموزش و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران پس از تدوین نمودن سرفصل‌های آموزشی ۳۱ گانه خود با توجه به نگرش مردم منطقه مذکور، سیاست کلی سازمان، اهداف سازمان، رسالت و مأموریت‌های محوله برای اهداف آموزشی خود را با دیدی وسیعی گسترش داده‌اند.

هدف پژوهش

روش این پژوهش توصیفی پیمایشی بود که در آن پژوهشگر به اولویت بندی نیازهای آموزشی شهروندان منطقه ۱۹ شهر تهران پرداخته است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه شهروندان زن و مرد خانوارهایی که در ۱۲ محله و در نیمه اول سال ۱۳۸۷ بوده است.

جدول ۱. نتایج آزمون فریدمن برای مقایسه پاسخ شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱۹ در خصوص سرفصلهای آموزشی حوزه خدمات شهری

ردیف/ اولویتها	موضوعات آموزشی	میانگین رتبه ها
۱	نظافت عمومی شهر	۱۹/۷۳
۲	روش های امداد و نجات فردی و خانوادگی	۱۸/۷۵
۳	روش جمع آوری زباله (ساعت ۹)	۱۸/۶۸
۴	چگونگی کاهش آلودگی های صوتی در شهر تهران	۱۸/۴۷
۵	روش های ایمنی در منزل و پیشگیری از حوادث خانگی	۱۸/۲
۶	تفکیک زباله از مبدا و جلوگیری از هدر رفتن سرمایه های ملی	۱۸/۰۹
۷	روش های حفظ بهداشت محیط	۱۷/۹۹
۸	ایمن سازی ساختمان ها از حوادث خانگی	۱۷/۷۵
۹	روش استفاده از کپسول آتش نشانی و اطفاء حریق	۱۷/۷۴
۱۰	نحوه استفاده از اماکن عمومی و حفظ و نگهداری آنها	۱۷/۶۷
۱۱	روش های مبارزه با حیوانات موذی	۱۷/۲۴
۱۲	اورژانس های خدمات شهری و خدمات آن	۱۶/۹۸
۱۳	پیشگیری از سد معبر	۱۶/۸۴
۱۴	مبارزه با آلودگی های زیست محیطی	۱۶/۶۸
۱۵	راه های بازیافت مواد و آثار و فواید آن	۱۶/۶۵
۱۶	پسمانده های خطرناک صنعتی و بیمارستانی	۱۶/۲۴
۱۷	نحوه استفاده از گوشت (مرغ، دام و آبزیان)	۱۵/۸۲
۱۸	طرح جامع فضای سبز شهر تهران (کمر بند سبز)	۱۵/۳۹
۱۹	صنایع و مشاغل مزاحم شهری	۱۴/۷۶
۲۰	جلوه های زیباسازی در شهر تهران (نمادهای شهری)	۱۴/۷۲
۲۱	نحوه نگهداری و استفاده از فضای سبز شهری و گیاهان مناسب برای شهر تهران	۱۴/۵۹
۲۲	آموزش فرهنگی، هنری و تبلیغاتی پیرامون زیبایی های شهر تهران	۱۴/۴۶
۲۳	روش های حمل و نقل نخاله های ساختمانی	۱۴/۳۵
۲۴	چگونگی مقابله با بارش برف و باران در شهر	۱۴/۱۴
۲۵	تزیینات داخلی منازل و مبلمان محله های شهری	۱۳/۹۲
۲۶	نحوه نگهداری گیاهان آپارتمانی و گل های گلدانی	۱۳/۵۴
۲۷	چمن کاری و درختکاری	۱۳/۳۷
۲۸	اطلاعات ضروری مربوط به بهشت زهرا (س)	۱۳/۰۴
۲۹	نشانه ها و یادواره های شهری	۱۲/۵۶

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

نتایج و یافته‌های پژوهش

بررسی سوال اول

اولویت بندی نیازهای آموزشی مردم منطقه ۱۹ تهران، بر اساس سرفصل موضوعات آموزشی معاونت خدمات شهری شهرداری تهران است. با توجه به اینکه فراوانی موضوعات آموزشی در هر موضوع با یکدیگر متفاوت بوده است، از این رو در هر موضوع فراوانی موضوعات آموزشی بر تعداد آن تقسیم شده است اما هم چنان که ملاحظه می‌گردد، میانگین رتبه پاسخ شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱۹ تهران در خصوص سرفصل‌های آموزشی مطرح شده از یکدیگر متفاوت بوده است. نتایج حاصله از آزمون فریدمن نیز در این زمینه بیانگر آن بود که چون مقدار آزمون فریدمن محاسبه شده در این زمینه $\chi^2 = 505/89$ از مقدار مجذور کای برای $\chi^2 = 50/89$ با درجه آزادی ۳۰ و احتمال خطای کمتر از ۰/۰۱ بیشتر بوده است و لذا چنین استنباط می‌شود که مابین پاسخ شهروندان مورد مطالعه در خصوص موضوعات آموزشی مطرح شده در حوزه معاونت خدمات شهری، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌های حاصله از جدول فوق در می‌یابیم که آموزش نظافت عمومی شهر برای شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱۹ تهران از جذابیت بیشتری در مقایسه با سایر موضوعات آموزشی مطرح شده در حوزه معاونت خدمات شهری برخوردار بوده است. موضوعات آموزشی مطرح شده در حوزه معاونت خدمات شهری مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ بدین منظور در این بخش تفاوت پاسخ شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱۹ شهر تهران به موضوعات آموزشی عنوان شده در حوزه مورد بررسی با استفاده از «آزمون فریدمن» مورد مقایسه قرار می‌گیرند. یافته‌های ۲۹ موضوع آموزشی عنوان شده در معاونت خدمات شهری در منطقه مورد مطالعه به شرح ذیل می‌باشد:

حوزه معاونت خدمات شهری

میانگین رتبه در بین موضوعات آموزشی مطرح شده در حوزه خدمات شهری آموزش نظافت عمومی شهر از اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. حال بدیهی است که طبق گزارش به دست آمده از تحلیل داده‌ها و نتایج پرسش‌نامه که حاکی از آمار اعلام شده‌ای مبنی بر نظر

شهروندان مورد مطالعه در منطقه ۱۹ تهران است، مدیریت شهری باید در جهت اهداف و نیازهای آینده مردم، نگاهی مدبرانه و آگاهانه داشته و بعد، با برطرف نمودن آن، مطمئناً نیازهای پیرامون این گونه مسائل حل خواهند شد؛ و در حاضر این گونه مطرح شده است که: مدیریت شهری برای برنامه ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان می‌توانند با آگاهی از این طبقه بندی و در کنار اقدامات زیربنایی خود، طرح‌های کوتاه مدتی را در جهت برطرف سازی نیازهای ضروری آنان را به مرحله اجرا در آورد. در حوزه امور شهری، طرح فراگیر ساماندهی مشاغل و رفع سد معبر و طراحی جدیدی در خصوص جمع‌آوری زباله و نظافت شهری با رویکردی نوین و مبتنی بر توجه بیشتر به صنعت بازیافت مواد زائد که خود نیز به نوعی هم در اقتصاد و اشتغال شهروندان مؤثر و مفید است.

نتیجه گیری و جمع‌بندی

پژوهشگر با توجه به مباحث مطرح شده در مورد نگرش شهروندان نتیجه‌گیری می‌نماید که اهداف، سیاست‌ها و خط مشی‌هایی که سازمان شهرداری، حوزه معاونت خدمات شهری در راستای خدمات رسانی به شهروندان مورد توجه قرار داده و موارد اصلی آن استخراج گردیده است، بدین منظور بوده است که در نهایت یک نوع همسویی و تطابق بین نیازهای استخراج شده از منابع مختلف با اهداف و سیاست‌های سازمان صورت گیرد. بدین منظور همچنین سیاست‌های اجرایی و خط مشی سازمان شهرداری تهران در طول برنامه و در سطح سند توسعه محلات و توسعه خدمات رسانی در برنامه مدیران شهری دیده شده است.

از طرف دیگر، می‌توان این چنین استنباط نمود که مدیران ارشد، مدیران اجرایی و مدیران کل ادارات در راستای ایجاد نگاهی واقعی به نیازهای مخاطبان خود در زمینه اولویت‌های آموزشی مناطق یا محلات خود باید توجه داشته باشند که آموزش است که در رأس تمام این اهداف و غایات آموزشی نهفته است؛ پس اول باید نیاز را با توجه به نگاه مخاطب و بودجه، هزینه نمود تا مجموعه اهداف مدیریت شهری کارآمد فراهم شود. به طور کلی

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer



مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

می تواند راهگشای برنامه ریزی مدیریت شهری و به طبع آن، آموزش شهروندان در شهرداری تهران در حوزه معاونت خدمات شهری باشد. این پژوهش نیز کاملاً بیانگر این امر است که انشالله مدیران ارشد، میانی، مسئولان و کارشناسان معاونت خدمات شهری تهران با بینشی علمی و عملی در زمینه نیازسنجی آموزشی شهروندان گام برداشته، تا از این رو خود را در زمره کشورهای موفق و پیشرفته دنیا قرار دهند.

پژوهشگر در این پژوهش به این نتیجه می رسد که ارائه دیدگاه ها و اندیشه های نوین از سوی شهروندان در اداره امور شهر، آموزش شهروند و هم چنین نیاز به بهبود کیفیت در نظام آموزش شهری و سلامت شهروند در سطح مناطق، محلات و نواحی تهران بزرگ ضروریست؛ و همچنین نیاز به بهبود کیفیت در نظام آموزشی، تغییرات و نگرش های نوین برنامه ریزی در نیازسنجی آموزشی مشهود است. آگاهی از این تغییرات و نگرشها

منابع

- ۱- بارترام، شارون (۱۳۸۴) تجزیه و تحلیل نیازهای آموزشی، ترجمه احمد رضا حراف، تهران، انتشارات شرکت ملی صنایع پتروشیمی.
- ۲- بویل پاتریک، ج. (۱۹۸۱) برنامه ریزی در فرآیند توسعه (روشهای نوین در برنامه ریزی آموزشی بزرگسالان)، ترجمه غلامرضا احمدی سعیده، شهابی (۱۳۷۴)، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۳- توماس ولش، ونوئل مک‌گین (۱۳۸۲) تمرکز زدایی در آموزش: چرا، چه موقع، چه چیز و چگونه؟، مترجم عبدالعظیم حکیمی (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۴- خراسانی، اباصلت و حسن زاده بارانی کرد، سودابه (۱۳۸۶) استراتژیهای راهبردهای نیازسنجی آموزشی، تهران، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- ۵- سیف، علی اکبر (۱۳۸۴) روشهای اندازه گیری و ارزشیابی آموزش، تهران، نشر دوران.
- ۶- شهرداری تهران منطقه ۱۹ (۱۳۸۵) بانک اطلاعات منطقه ۱۹، معاونت هماهنگی و برنامه ریزی شهرداری تهران.
- ۷- شهرداری منطقه ۱۹ تهران (۱۳۸۱) شناخت نواحی شهرداری تهران منطقه ۱۹، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- ۸- زمانی کوخالو، لیلا (۱۳۸۷) اولویت بندی نیازهای آموزشی مردم منطقه ۱۹ تهران طبق سرفصل موضوعات آموزشی شهرداری و ارائه الگوی مناسب آموزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- ۹- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۴) نیازسنجی در برنامه ریزی آموزش و درسی، تهران، انتشارات آبیژ.
- ۱۰- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۵) نیازسنجی پژوهش (مساله یابی پژوهش و اولویت بندی طرحهای تحقیقاتی) ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهش، تهران، نشر آبیژ.
- ۱۱- ملکی، حسن (۱۳۸۴) تعلیم و تربیت اسلامی (با رویکرد کلان نگرا)، تهران، انتشارات عابد.
- ۱۲- ملکی، حسن (۱۳۸۰) برنامه درسی (راهنمای عملی)، تهران، انتشارات پیام اندیشه.
- ۱۳- آقا زاده، محرم و احدیان، محمد (۱۳۸۶) راهنمای عملی برنامه ریزی درسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نورپردازان.
- ۱۴- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران.
- ۱۵- شهرداری تهران معاونت فرهنگی و اجتماعی، اداره کل آموزش و مشارکتهای اجتماعی (۱۳۸۵) نظام نامه جامع اداره کل آموزش و مشارکتهای اجتماعی، شهرداری تهران.
- ۱۶- نصر، احمدرضا و همکاران (۱۳۸۶) برنامه درسی و طراحی درس در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- ۱۷- نوروزی، داریوش (۱۳۷۱) طراحی آموزشی چیست؟، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی آموزش از راه دور، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۱۸- شهرداری تهران (۱۳۸۶) گزارش نظرسنجی مناطق ۲۲ تهران توسط سازمان شهرداری تهران از سال ۱۳۷۳ الی ۱۳۸۶، سایت شهرداری تهران.
- 19- Kerlinger, F.N. & Lee, H.B. (2000). Foundations of behavioral research (4th), Orland, FL: Harcourt court College Publishers
- 20- Kaufman. R. (1979) " Needs Assessment" Educational Economic Publications.
- 21- Kaufman. R. (1991) " Strategic Planning in education" Educational Economic Publishing
- 22- Miler A. J., & Osinski, M. D. (1996). Training Needs Assessment, Published in www.Ispi.org.
- 23- Smith, 6 (1988) " Social need: policy, practice and research" London. CIV
- 24- Connell D. Participatory development: an approach sensitive to class and gender. Dev Pact. 1997 Aug; 7(3): 248-59

نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری؛ مطالعه موردی: شهر ساحلی نور

محمد رضا صمیمی* - کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

The rule of management in areas social and economy stability Development Case study: Seaport of Noor

Abstract: The aim of this paper is to identify the role of management in economic and social sustainability of urban regions from the viewpoint of citizens. Using existing literature, initially some influence managerial indicators to evaluate the extraction effects and based on the required data through questionnaires has been collected from the city of NOOR. Research method is descriptive analytical which it appropriate to the type of data, nonparametric statistical tests for data analysis has been used. From the viewpoint of citizens, Research results show that administrators with their own functions and programs have caused positive social and economic effects such as: increasing level income of citizens, increasing of employment and creation job opportunities, rising life standards, reducing unemployment, reducing crime and activities Unlawful cities, reduce social conflicts, rising level of social security; and negative effects such as: lack of people participation in projects and programs in landscape and landscape degradation. Based on χ^2 -square test statistics in this area, there are significant agreements between the citizens.

Keywords: management, urban management, socio-economic stability, Seaport of Noor

چکیده

هدف این مقاله، «شناخت نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی نواحی شهری از دیدگاه شهروندان» است. با استفاده از ادبیات موجود، ابتدا برخی «شاخصهای تاثیرگذار مدیریتی» جهت بررسی اثرات، استخراج و بر آن اساس، داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه از شهر نور گردآوری شده است. روش تحقیق، «توصیفی و تحلیلی» است که متناسب با نوع داده‌ها، «آزمونهای آماری ناپارامتری» برای تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه شهروندان، مدیران با عملکردها و برنامه‌های خود، اثرات اقتصادی و اجتماعی مثبتی نظیر: «افزایش سطح درآمد شهروندان، افزایش اشتغال و ایجاد فرصتهای شغلی، بالا رفتن سطح استاندارد زندگی، کاهش بیکاری، کاهش جرم و فعالیتهای غیرقانونی شهر، کاهش درگیریهای اجتماعی، بالا رفتن سطح امنیت اجتماعی» و اثرات منفی نظیر: «عدم مشارکت مردم در طرحها و برنامه‌ها تخریب مناظر و چشم اندازها» را موجب شده‌اند. در ضمن باید گفت که بر اساس آماره «آزمون کای اسکوئر» در این زمینه، «توافق معناداری بین شهروندان» وجود دارد.

واژگان کلیدی

مدیریت، مدیریت شهری، پایداری اقتصادی و اجتماعی، دیدگاه شهروندان و مدیران، شهر ساحلی نور.

ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی، این امر به وسیله مدیریتی متعهد و متخصص در جهت پایداری توسعه در سطح شهر امکانپذیر می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

«مدیریت»، به عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی دارای قدمتی بسیار دیرینه است که جوامع بشری از هنگام پیدایش و خصوصاً در اعصار اجتماعی شدن و ایجاد تمدنها با آن آشنا بوده‌اند. نوشته‌ها و آثار به جا مانده از دورانهای پیشین، بیانگر این واقعیت اندک‌ه بشر همواره فنون مدیریت را در سازماندهی و هماهنگی فعالیت‌های اعم از: تجارت، بازرگانی، کشاورزی، صنعت، هنر، عمران، جنگ و کشورگشایی مورد استفاده قرار می‌داده است؛ از این رو صحیح به نظر نمی‌رسد، اگر فکر کنیم که مدیریت زائیده تحولات عصر جدید بوده و در کشورهای اروپایی و آمریکایی پایه‌گذاری شده است و دیگر جوامع و ملل، فعالیت‌های مدیریتی را تجربه نکرده‌اند و سهمی در شکلگیری مفاهیم متداول امروزی در رشته مدیریت نداشته‌اند (شیرازی، ۱۳۷۳). مدیریت فرآیندی است که به وسیله آن کوششهای فردی و گروهی به منظور نیل به هدف مشترک هماهنگ می‌شود (صادقپور و مقدس، ۱۳۷۷) و دارای دو خلصت است:

۱. اول، اینکه کارآیی فعالیت‌های جمعی یا گروهی را تا حد امکان افزایش می‌دهد؛ و
۲. دوم اینکه همانند چارچوبی عمل می‌کند که وقتی انسان را در قالب آن قرار می‌دهیم، اکثر قریب به اتفاق واکنشها و رفتارهای قابل پیش بینی می‌شوند؛ و خلصت دوم باعث تحقق عقلانیت می‌گردد (دعائی، ۱۳۸۵).

بدین ترتیب در اداره‌ی مطلوب امور کلیه جوامع، مدیریت نقش مهم و سازنده‌ای ایفا می‌کند، همانگونه که جامعه بدون مدیر گرفتار سرگردانی و پریشانی خواهد شد، مدیران فاقد ابزارهای لازم برای اداره امور نیز قادر نخواهند بود، تا قلمرو زیر فرمان خود را به گونه‌ای مطلوب اداره کنند. مدیریت با دستیابی به هدفهای سازمانی از طریق هدایت و رهبری آنها و همکاری با افراد

در جوامع اولیه، نیازهای انسان ساده و راه‌های رفع آن نیازها نیز ابتدایی بوده است. اگر برای اجرای کاری همکاری گروهی ضرورت می‌یافت، بعد از رفع مشکل گروه باقی نمی‌ماند و تا پیدایش مشکلی دیگر، گروه‌بندی جدیدی صورت نمی‌پذیرفت. سازمانهای اجتماعی در ابتدا کوچک، ساده و خودجوش بودند و برای تأمین نیازهای فوری به وجود می‌آمدند و بعد از رفع نیاز، از هم می‌گسیختند. «انقلاب صنعتی و پیشرفت علوم و فناوری»، «تغییر در ترکیب جمعیت روستایی و شهری»، «توسعه روز افزون نیازهای انسانی» و بسیاری از پدیده‌های دیگر، روز به روز بر پیچیدگی جوامع انسانی افزوده است. حکومتها که در جوامع اولیه ترکیبی ساده و وظایف و امکانات محدودی داشتند، در دنیای جدید نه تنها در مقابل ملتها بار مسئولیت سنگینی را تقبل کرده‌اند، بلکه در زمینه مسائل بین المللی نیز متحمل مسئولیتهای دشواری شده‌اند. پیچیدگی و اهمیت این وظایف توجه به دست اندرکاران و پژوهشگران را به سوی نتایج این مسئولیتهای و چگونگی اجرای این وظایف معطوف داشته است؛ بدین ترتیب مدیریت بعد از انقلاب صنعتی، به عنوان موضوعی جدید مورد بحث و توجه قرار گرفت و تلاش وافر برای ارائه تعاریف آن به عمل آمد (رضویان، ۱۳۸۱).

امروزه از مجموع شهرهای عمده‌ی جهان، ۳۱ شهر با بیش از ۶۰ درصد، در کشورهای رو به رشد واقع شده‌اند. این شهرها، «مراکز تعامل اجتماعی»، «توزیع گروه‌های قومی»، «تفرق مسکونی»، «جابجایی هویت‌های فردی» و «الگوهای شکل‌گیری طبقاتی» اند. شهر یک سیستم ارتباطی، ثبت‌کننده توزیع قدرت و صحنه کشمکش‌های اجتماعی و مورد معنا شده است. به همین دلیل است که ارائه‌ی بحثی در زمینه مدیریت شهری به هنگام جهانی شدن روابط انسانی، و وظیفه‌ای است سنگین که گاه ممکن است در میان دو نظم «واقع‌گرایانه» و «آرامی» درگیر شود. با وجود این، یک درک مشترک میان محققان شهری وجود دارد که شهر امروزی بنیان توسعه جهانی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین با توجه، به نقش شهر در جهت رفع مشکلات و موانع موجود در ایجاد توسعه و در همه‌ی

به وسیله افراد گروه‌ها، می‌تواند گامی مؤثر در جهت توسعه و در نهایت توسعه پایدار بردارد (رضویان، ۱۳۸۱). امروزه در بسیاری از شهرهای جهان مسائل ضروری مانند ترافیک، تراکم زمین، ساختمانهای متروک، تغییر کاربری زمین، آلودگی صوتی، آلودگی آب، بیکاری، مهاجرت، کمبود درآمد، عدم مشارکت مردم در بسیاری از موضوعات دیگر، موضوع پایداری شهرها مطرح می‌سازند؛ بنابراین امروزه با توجه به مسائل و مشکلاتی که شهرها دارند بایستی به ابعاد و اصول توسعه پایداری شهری توجه نمود. یک شهر پایدار و توسعه یافته شهری است که از منابع طبیعی و انسانی منطقه خود، بهره برداری کرده و خودکفا باشد و شهری که به زندگی ساکنینش معنی ببخشد. هدف «فرآیند توسعه شهری پایدار» دستیابی به وضعیت پایداری جوامع شهری می‌باشد، فرآیندی که هدف آن ایجاد یا تقویت ویژگیهای پایداری در زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شهر است. امروزه شهرها از دو جنبه اهمیت یافته‌اند:

- «یکی به عنوان مرکز تجمع گروه عظیمی از مردم»؛ و
- «دیگری به عنوان عمده‌ترین بازیگر نقش اقتصادی در کل اقتصاد ملی».

از این رو باید به مسائل و مشکلات آنها توجه بیشتر و دقیق‌تر کرد؛ زیرا در حالتی که برنامه ریزی دقیق و درست، سبب رشد اقتصادی، تثبیت سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می‌گردد، شکست در رفع مشکلات و مسائل شهری نیز سبب رکود اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط زیست خواهد شد. در این میان، یکی از مهمترین نقشها بر عهده مدیریت شهری است و باید با توجه به وظایف محوله که عبارتند از:

- «مدیریت و بهبود سرمایه‌گذارهای زیربنایی»؛ و
- «ارائه و توزیع خدمات اجتماعی»؛ و
- «ارتقای رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم»؛ و
- «برنامه ریزی استراتژیک که مشکلات را رفع کند و منجر به توسعه ای که در آن اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی در پیوند با هم قرار بگیرند، شود» (رجب صلاحی، ۱۳۸۱).

از این رو با توجه به موارد ذکر شده، نیاز به مدیریت توانا و متخصص در سطح شهر برای بهبود روز افزون منطقه و ایجاد و افزایش توسعه پایدار، پیش از پیش احساس می‌شود. مدیریت شهری به عنوان چهارچوب سازمانی توسعه شهر، به سیاستها، برنامه‌ها، طرحها و عملیاتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به زیرساختهای اساسی، مسکن و اشتغال هستند. کار این مدیریت شهری وابستگی مشخص به عوامل زمینه ای از قبیل ثبات سیاسی، انسجام و یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارتها و انگیزه‌های سیاستمداران و افراد استفاده کننده از این سیاستها ارتباط دارد. تحت این شرایط، چهارچوب و ویژگیهای سازمانی مدیریت شهری بویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن تأثیر بسیار تعیین کننده‌ای در موفقیت آن ایفا می‌کند (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۵).

ماهیت مدیریت در شهر مستلزم دارا بودن اطلاعات جامعی در زمینه‌های برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است. بدیهی است رشد و توسعه متوازن نقاط شهری در گرو مطالعه و شناخت شهر، تحلیل واقعی از میزان نیازها و توانمندیهای آن است، به همین منظور دانش مدیریت شهری، امروزه با هدف توسعه پایدار در شهرها بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین مدیریت شهری می‌تواند با اقدامات و برنامه‌های مؤثر در فضای شهری باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و در نهایت توسعه پایدار شود (بخشنده نصرت، ۱۳۷۸). مدیریت شهری در ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید، مدیریت زیرساختها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام و درآمد هزینه برای شهرها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و عدالت اجتماعی قابل بررسی است. بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان کننده گستردگی مفهوم مدیریت شهری در ایران می‌باشد. مدیران شهری بعنوان متولیان امور مربوط به شهرها، عمدتاً در محورهای فوق به فعالیت می‌پردازند (هوشیار، ۱۳۸۱). مدیریت شهری در ایران که توسط سازمانها و ارگانهای دولتی به اجرا در می‌آید، مهمترین هدف را بر

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

مبنای توسعه با دید کلی بنا گذاشته‌اند که می‌تواند با اثرات منفی و مثبت در جهت توسعه یا عدم پیشرفت شهر بکوشند. در این بین استان مازندران، خصوصاً شهر نور دارای قابلیت‌های فراوان برای ایجاد توسعه پایدار شهری می‌باشد که از طریق مدیریت برنامه ریزی امکان پذیر است؛ بنابراین می‌بایست با شناسایی حساب شده، تواناییها و قابلیت‌های این شهر اقدامات و برنامه‌های مفیدی جهت استفاده بهینه از این قابلیت‌ها و همچنین توسعه و گسترش آن با بهره‌گیری از مدیران توانا انجام شود.

روش شناسی تحقیق

جهت دستیابی به اهداف تحقیق، در این تحقیق از «روش‌های پیمایشی» و «روش زمینه یابی با هدف‌های توصیفی و تحلیلی»، از طریق بررسی آثار و پیامدهای مدیریتی در ناحیه شهری استفاده شده است. محقق در ابتدا با توجه به اطلاعات ثانوی موجود، به بررسی چگونگی وضعیت مدیریت و اثرات و نقش آن در توسعه جامعه مورد مطالعه پرداخته و آنرا توصیف می‌کند. سپس به تجزیه و تحلیل عوامل تأثیرگذار پرداخته که بیشتر از «روش تحقیق کاربردی» استفاده می‌شود. «جمع آوری اطلاعات» در این تحقیق با استفاده از «روش‌های میدانی»، «کتابخانه ای»، «پرسشنامه» و «مصاحبه» با مردم و مسئولین مرتبط صورت گرفته است. بدین منظور با مراجعه مستقیم به مراکز آماری و همچنین استفاده از شناسنامه شهرها، اطلاعات جامعی برای تحقیق، تهیه شده و سپس از طریق پرسشنامه، مصاحبه، مطالعات میدانی مذکور تکمیل شده است. با توجه به هدف مطالعه در مورد بررسی نقش مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی شهر نور، «جامعه آماری» شامل شهروندان و مدیران شهری می‌باشند. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از روش‌های

مختلف آماری از جمله «آزمونهای همبستگی» و «آزمون کای اسکویر» استفاده می‌شود. استفاده از نرم افزارهایی همچون Excel, Spss, Arcview برای تجزیه و تحلیل آماری و ترسیم نقشه‌های لازم، مورد توجه خواهند بود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش عبارت از شهروندان شهر نور و مدیران شهری می‌باشند. محدود مورد مطالعه دارای ۶۱۷۸ خانوار و ۲۲۴۹۱ نفر جمعیت می‌باشد. با توجه به تعداد زیاد خانوارهای ساکن در شهر نور، امکان مطالعه همه جانبه آماری امکان پذیر نبوده و از «روش نمونه گیری خوشه ای» استفاده شده است. با توجه به تعداد زیاد خانوارهای ساکن در این محدوده امکان مطالعه همه آنها امکانپذیر نبوده است و حجم تعداد خانوار نمونه در منطقه مورد مطالعه، بر اساس «فرمول نمونه گیری کوکران» محاسبه شده است. بدین ترتیب تعداد خانوارهای نمونه در شهر نور، تعداد ۳۶۱ خانوار بدست آمده است. همچنین برای مدیران شهری، ۹۰ پرسشنامه به طور تصادفی از هر سازمانی انتخاب شد.

محدوده مورد مطالعه

شهر نور در استان مازندران، بین ۲ و ۳۶ تا ۳۶ و ۳۶ عرض شمالی واقع شده است. این شهر از سمت غرب به شهر رویان از سمت جنوب به محدوده روستایی بخش چمستان، از سمت شرق به روستای رستمروود و از سمت شمال به دریای خزر محدود می‌شود. جمعیت شهر نور ۲۲۴۹۱ نفر و تعداد خانوار آن ۶۱۷۸ خانوار می‌باشد. از این تعداد ۱۱۰۵۱ نفر را مردان و ۱۱۴۴۰ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. این شهر در سال ۱۳۸۷ نیز به عنوان پایتخت ساحل ایران معرفی شده است، شهر نور در قسمت جلگه ای واقع شده و عمده ترین فعالیت اقتصادی در این شهر بخش خدمات در رتبه ای اول و بعد از آن بخش صنعت و ساختمان قرار دارد. پارک جنگلی نور سالیانه پذیرای میهمانان زیادی از سراسر کشور می‌باشد، که برای

جدول ۱. آمار جمعیتی شهر نور طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵؛ مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵

شهر	جمعیت ۱۳۷۵	نرخ رشد سالانه	جمعیت ۱۳۸۵
نور	۶۸۰۸۱	۲/۹۶	۲۲۴۹۱
استان	۱۲۶۵۵۵۴	۲/۰۸	۱۵۵۴۱۴۳

استفاده از جلوه‌های طبیعت زیبای جنگل و دریا به این خطه عزیمت می‌نمایند.

یافته‌های تحقیق

بر اساس ارزیابی ساکنین، از اثرات مثبت اقتصادی توسط مدیران شهری در این حوزه می‌توان «افزایش فرصت‌های شغلی جدید» (با میانگین رتبه ۳/۸)، «افزایش سطح درآمد» (با میانگین رتبه ۴/۲۵)، «افزایش اشتغال» (با میانگین رتبه ۴/۲)، «کاهش بیکاری» (با میانگین رتبه ۴/۱) و «بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی» (با میانگین رتبه ۴/۱) در منطقه مورد مطالعه را نام برد. بر این اساس بیش از ۷۰ درصد ساکنین معتقد بودند که فعالیتها و عملکردهای مدیران شهر منجر به بهبود شاخصهای فوق‌الذکر گردیده است و بر اساس «آماره آزمون کای اسکوئر»، توافق معناداری در بین نظرات ساکنین در این زمینه وجود دارد (جدول شماره ۱). در این خصوص یافته‌های پرسشنامه شهروندان این ناحیه نشان دهنده همسویی با موارد فوق است؛ به طوریکه ۸۰ درصد پاسخگویان معتقد بودند که مدیران شهری با عملکردها و برنامه‌های مفید خود، نظیر احداث بُنگاههای مسکونی و تجاری و دانشگاه بین‌المللی (افزایش درآمد از طریق خرید و اجاره مسکن دانشجویان) و ایجاد و گسترش مراکز تفریحی توریستی، جذب سرمایه‌گذار برای احداث بنای مسکونی و تجاری، فراهم نمودن زیرساختهای توسعه و برنامه‌های مربوط به بخشهای صنعت و خدمات در سطح شهر، برنامه‌های عمرانی و خدماتی کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت و ایجاد اشتغال به صورت طرح بنگاه زود بازده و کوچک، توسعه صنعت ساختمان موجب ایجاد و افزایش میزان درآمد و اشتغال و به تبع آن کاهش نرخ بیکاری و بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی در سطح شهر شده است؛ به طوریکه طبق آمار سال ۱۳۸۵ شهرستان نور از لحاظ نرخ بیکاری پایین‌ترین نرخ بیکاری را در بین شهرستانهای استان مازندران دارا بوده است. و همه این عوامل مذکور نیاز به نیروی کار جهت اشتغال برای انجام امور مربوطه به خودشان را دارند. همچنین بر اساس آماره آزمون کای اسکوئر دو بعدی بین افزایش و ایجاد درآمد و اشتغال و

وابستگی آنها به عملکردهای مدیران شهری رابطه معنی داری در سطح ($\alpha=0/01$) وجود دارد و میزان ضریب همبستگی ۰/۷۹ می‌باشد. بر اساس دیدگاه ساکنین، تاثیرات اجتماعی مدیران شهری منجر به کاهش جرم و فعالیتهای غیرقانونی شهر (با میانگین رتبه ۳/۹)، کاهش درگیریهای اجتماعی (با میانگین رتبه ۴) و بالا رفتن سطح امنیت اجتماعی (با میانگین رتبه ۴/۳) در منطقه مورد مطالعه شده است. بر این اساس بیش از ۶۷ درصد ساکنین معتقد بودند که فعالیتها و عملکردهای مدیران شهر منجر به بهبود شاخصهای فوق‌الذکر گردیده است و بر اساس آماره آزمون کای اسکوئر توافق معناداری در بین نظرات ساکنین در این زمینه وجود دارد (جدول شماره ۱). وجود نیروهای امنیتی در شهر، آگاهی و تبلیغات موثر در کاهش جرم و جنایت به شهروندان افزایش خود باوری و توانمندی در شهروندان نسبت به مسائل حاد اجتماعی، آموزش شهروندان در جهت کاهش بزهدارپها و فرهنگسازی قوی نسبت به این مسائل مذکور از سوی مدیران شهر سبب گشته تا سطح امنیت اجتماعی در منطقه مورد مطالعه به میزان قابل توجهی افزایش یابد. کاهش جرم و فعالیتهای غیرقانونی در سطح شهر از طریق عملکردها و برنامه‌های مدیران شهری می‌تواند باعث افزایش سطح امنیت اجتماعی در جهت ورود گردشگران به شهر ساحلی نور که دارای قابلیتها و پتانسیلهای فراوان گردشگری است شود، همچنین این موضوع می‌تواند عواملی همچون جذب سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری در این منطقه، ورود افراد متخصص و با تجربه و مکانی برای آرامش روحی و روانی افراد گردد که این مسئله خود می‌تواند باعث افزایش میزان درآمد و باعث اشتغالی و در نهایت توسعه این منطقه شود. با توجه به اثرات مثبت اقتصادی و اجتماعی عملکردهای مدیران شهری در منطقه مورد مطالعه، ادراکات و تصورات جامعه میزبان از عامل، به کارگیری مشارکت مردم در تصمیمات و برنامه ریزی در راستای توسعه بهینه در ناحیه مورد نظر منفی می‌باشد به طوری که براین اساس، عملکرد مدیران همراه با عدم مشارکت مردم (با میانگین رتبه ۴/۳) بوده و بر اساس آزمون کای اسکوئر، توافق معناداری در رتبه‌های فوق‌الذکر وجود

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

دارد (جدول شماره ۱). با توجه به اینکه امروزه یکی از عوامل مهم در جهت ایجاد و گسترش توسعه در نواحی شهری و روستایی، توجه به منابع انسانی به عنوان اصلی ترین منبع موجود در سطح این نواحی می باشد. منابع انسانی به عنوان سرمایه اصلی در سطح شهر و روستا مورد توجه همه متخصصین و محققین در جهت توسعه پایدار می باشد. عوامل انسانی با مشارکت خود در برنامه ها و طرحهای مختلف شهر و روستا به دلیل اینکه بیشتر با مسائل و مشکلات سروکار دارند، صورت تجربی آن را حس می کنند می تواند بسیار مفید و موثر باشد. در مورد این متغیر توسط مدیران شهری در سطح شهر ساحلی نور، شهروندان به میزان کمتری در برنامه ها و تصمیمات مدیران شهری مشارکت دارند. از دیدگاه شهروندان عواملی نظیر تک محوری بودن مدیریت شهری، اجرای برنامه ها از بالا به پایین، غیر بومی بودن مدیران شهری، استفاده نکردن شهروندان به عنوان عامل فکری، نداشتن برنامه خاص از سوی مدیران، نبودن میزان آموزش و آگاهی به مردم، عدم تبلیغات در جهت بهره گیری از افکار و نظرهای مردم را به عنوان مواردی که موجب عدم مشارکت مردم در تصمیمات و برنامه های سطح شهر شده است، یاد کرده اند؛ بنابراین در جهت هدایت شهر به سمت توسعه پایدار، توجه به منابع

انسانی از عوامل مهم و سازنده می باشد، زیرا که شهروندان با هدفی دلسوزانه و مصمم باعث توسعه کارایی هامفید در سطح شهر می شوند.

نتیجه گیری و جمع بندی

مدیریت شهری به عنوان چهارچوب سازمانی توسعه شهر، به سیاستها، برنامه ها، طرحها و عملیاتی مربوط می شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به زیرساختهای اساسی، مسکن و اشتغال هستند. کار مدیریت شهری وابستگی مشخص به عوامل زمینه ای از قبیل ثبات سیاسی، انجام و یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت ها و انگیزه های سیاستمداران و افراد استفاده کننده از این سیاستها ارتباط دارد. تحت این شرایط، چهارچوب و ویژگیهای سازمانی مدیریت شهری بویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن تأثیر بسیار تعیین کننده ای در موفقیت آن ایفا می کند. ماهیت مدیریت در شهر مستلزم دارا بودن اطلاعات جامعی در زمینه های برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل است. بدیهی است رشد و توسعه متوازن نقاط شهری در گرو مطالعه و شناخت شهر، تحلیل واقعی از میزان نیازها و توانمندیها آن است، به همین منظور دانش مدیریت شهری، امروزه

جدول ۱. سطح معناداری ارزیابی ساکنین از متغیرهای اقتصادی و محیطی متأثر از عملکرد مدیران شهری با استفاده از آزمون کای اسکور

شاخص	میانگین رتبه شهر نور**	میزان معناداری
افزایش فرصتهای شغلی جدید	۳/۸	۰/۰۰۰*
افزایش سطح درآمد	۴/۵۲	۰/۰۰۰*
افزایش اشتغال	۴/۲	۰/۰۰۱*
کاهش بیکاری	۴/۱	۰/۰۰۱*
بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی	۴/۱	۰/۰۰۰*
کاهش جرم و فعالیتهای غیر قانونی شهر	۳/۹	۰/۰۰۰*
کاهش درگیریهای اجتماعی	۴	۰/۰۰۱*
بالا رفتن سطح امنیت اجتماعی	۴/۳	۰/۰۰۰*
عدم مشارکت مردم در طرحها و برنامه ها	۴/۳	۰/۰۰۰*

** میانگین رتبه در شهر (رتبه ۱ خیلی کم، رتبه ۲ کم، رتبه ۳ تا حدودی، رتبه ۴ زیاد و رتبه ۵ خیلی زیاد)؛ و* معنادار در سطح ۰/۰۹۹؛ مأخذ: محاسبات انجام شده بر روی اطلاعات مستخرج از پرسشنامه

با هدف توسعه پایدار در شهرها بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین مدیریت شهری می‌تواند با اقدامات و برنامه‌های مؤثر در فضای شهری باعث توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و در نهایت توسعه پایدار شود. مدیریت شهری خواستگاه نیازهای مردم در قالب سطحی از تصمیم‌گیری و اجراست. شهروندان در این مجموعه سکونتگاهی، خواسته‌ها و مطالباتی دارند که باید در این سطح و به شیوه‌ای قابل قبول و مصوب همگان به مرحله اجرا در آید. اگر به نقش سازنده و پایدار مدیریت شهری می‌اندیشیم، باید به دستمایه کارآمد یا شروع آن یعنی نقش و حضور مردم توجه داشته باشیم. مدیریت شهری پایدار، زمانی کارآمد است که مشارکت و مداخله مردم، به صورت حقیقی و حقوقی آن را تضمین کند. مدیریت شهری پایدار، وقتی پاسخگوی مطالبات ساکنان شهر است که از حضور مستقیم و غیر مستقیم مردم بهره‌گیرد. به همین دلیل است که امروزه مدیریت؛ دموکراتیک و تکنوکراتیک از بالا، به سطح کارآیی عملکرد مشترک و همگانی متکی به مشارکت مردمی نمی‌رسد.

مدیریت شهری در ایران در محورهای مدیریت زمین و تولید، مدیریت زیرساختها و خدمات زیربنایی، مدیریت مالی و نظام و درآمد هزینه برای شهرها، مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار و مدیریت برای کاهش فقر و عدالت اجتماعی قابل بررسی است. بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان‌کننده گسترده‌گی مفهوم مدیریت شهری در ایران می‌باشد. مدیران شهری بعنوان متولیان امور مربوط به شهرها، عمدتاً در محورهای فوق به فعالیت می‌پردازند. مدیریت شهری در ایران که توسط سازمانها و ارگانهای دولتی به اجرا در می‌آید، مهمترین هدف را بر مبنای توسعه با دید کلی بنا گذاشته‌اند که می‌تواند با اثرات منفی و مثبت در جهت توسعه یا عدم پیشرفت شهر بکوشند.

در این بین استان مازندران، خصوصاً شهر نور دارای قابلیت‌های فراوان برای ایجاد توسعه پایدار شهری می‌باشد که از طریق مدیریت برنامه ریزی امکان پذیر است؛ بنابراین می‌بایست با شناسایی حساب شده، تواناییها و قابلیت‌های این شهر اقدامات و برنامه‌های

مفیدی جهت استفاده بهینه از این قابلیت‌ها و همچنین توسعه و گسترش آن با بهره‌گیری از مدیران توانا انجام شود. با مطالعه موردی شهر نور، تأثیر مدیریت در پایداری اقتصادی و اجتماعی شهری تبیین شد. بر اساس ارزیابی شهروندان، مدیریت شهری با پیامدهای مثبتی نظیر؛ ایجاد اشتغال، ایجاد فرصتهای شغلی جدید، افزایش درآمد، تنوع اشتغال، توسعه شهر، بالا رفتن سطح استاندارد زندگی، کاهش بیکاری، امنیت شغلی، کاهش جرم و فعالیتهای غیر قانونی شهر نور، کاهش درگیریهای اجتماعی، بالا رفتن سطح امنیت اجتماعی و پیامدهای منفی نظیر: افزایش شکاف طبقاتی و درآمدی، ساخت و سازهای کنترل نشده و بدون برنامه، آلودگی صوتی، ایجاد ترافیک، تخریب محیط زیست و سواحل، همراه بوده است. شهروندان با طرح یک سری موارد اظهار داشتند که می‌توان به توسعه بهینه در این شهر رسید.

این موارد عبارتند از: «ایجاد و گسترش صنعت توریسم توأم با برنامه ریزی و مدیریت مناسب و صحیح در جهت توسعه، افزایش میزان امنیت (شغلی، اجتماعی) کاهش ترافیک، ایجاد تعادل و توازن منطقه ای، کاهش نابرابریهای اجتماعی، افزایش و توزیع بهینه درآمد و اشتغال ایجاد فرصتهای شغل جدید، توسعه موزون شهری، هماهنگی بین نهاد و سازمانهای موجود در سطح شهر، ایجاد مراکز بازاری در سواحل، آزاد سازی سواحل، بکارگیری نیروهای خلاق و فعال منطقه و آگاه کردن آنها نسبت به مسائل، مشارکت مردمی، نظارت و کنترل دقیق خالصانه، بهره‌گیری از مدیران بومی، ایجاد اصل تخصص‌گرایی، سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف صنعتی و خدماتی، برنامه ریزی مناسب و با هدف درجهت توسعه، بالفعل کردن امکانات و قابلیت‌های بالقوه، حفظ منابع طبیعی، عدم تخریب محیط زیست، گسترش میزان آموزشهای مردمی در جهت مشارکت در طرحها و برنامه‌ها، آگاه سازی مردم از روند رو به رشد و توسعه شهر.»

به طور کلی شهروندان معتقد بودند که همه این عوامل باید توأم با برنامه ریزی و مدیریت مناسب و صحیح در جهت توسعه و در نهایت توسعه پایدار باشد، چرا که

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

پایداری توسعه در این منطقه باعث تعادل و توازن شهری در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی خواهد شد. بنابراین می توان با توجه به امکانات و قابلیت‌ها و پتانسیل‌های شهری در این منطقه و با اعمال برنامه ریزی استراتژیک بر طبق عوامل مذکور و در سایه مدیریت یکپارچه به توسعه بهینه و پایدار در این شهر دست یافت.

منابع

۱. بخشنده، نصرت (۱۳۷۸) نقش مدیریت و همامنگی توسعه شهرهای کوچک در توسعه پایدار شهر تبریز، اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، دانشگاه تبریز.
۲. ثابت قدم، سیدمحمد علی (۱۳۷۹) اثرات مدیریت اقتصادی بر توسعه شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
۳. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۴) مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت.
۴. حناچی، سیمین (۱۳۸۱) جایگاه مدیریت پایدار شهری در مجامع بین المللی، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
۵. دعائی، حبیب اله (۱۳۸۵) مدیریت توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. رضویان، محمد تقی (۱۳۸۱) مدیریت عمران شهری، تهران، انتشارات پیوند نو.
۷. صادقی، علی (۱۳۸۰) سما، باز خوانی یک آیین، کتاب مجموعه مقالات درگستره مازندران، دفتر اول به کوشش قوام الدین بینایی و زین العابدین درگاه، تهران، رمانش.
۸. ——— (۱۳۷۹) فصلنامه مدیریت شهری، شماره دوم، تهران، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها.
۹. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران (۱۳۸۳) گزارش اقتصادی، اجتماعی شهرستان نور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران.
۱۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهر نور.
۱۱. مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور (۱۳۶۹) نگرشی بر الگوهای برنامه ریزی شهری در ایران، مراکز

مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران.
۱۲. هوشیار، حسن (۱۳۸۱) برنامه ریزی توسعه فیزیکی شهرهای میان اندام، نمونه موردی، شهر مهاباد، دانشگاه تبریز.

1. Samuelc. Celto Allen Bocon (1998), principles of modern management.
2. Agarwal, R.D (1998) .organization, management. Newyork: McGraw-Hill co.
3. Chuck Williams ,(2002), Effective management , by Thomason learning
4. Haughton .G. (1997) Developing sustainable urban development the consumption of essential yesoueees local Environmental.
5. 17-tanigvehi , cassia , 1995 , "creating an Environmentally
6. Sustainable city: the cvitiba Initiative, Regional development, Dialogue, 16(1). 18-White , Rodney R:1994 : "strategic Decisions for sustainable urban development in the third world", twrp,16(2).

آسیب‌شناسی ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران با تاکید بر مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان

موسی کمانرودی کجوری* - دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، تهران، ایران.

Structural pathology of management and urban development: making appropriate Tehran spaces for the disabled

Abstract: Making appropriate urban spaces for the disabled that should be considered the most priority of urban management programs and actions. Despite significant policy and legislative actions of national and local urban management Tehran a long, medium and short-term plan run prospects for solid, sustainable and effective mechanisms of monitoring, controlling, evaluation and organization arrangements rerequire in making appropriate urban spaces for the disabled does not include completely. This study surveying the structural pathology-Management making appropriate buildings and public roads for disabled people in Tehran and a program executive at two levels and a few related variables and indicators. First level data to study Library and information in the second method with five case studies from field samples of buildings and public roads in areas of northern, central, south, east and west of Tehran has been collected. For statistical analysis, the quantitative and qualitative research methods were used simultaneously. Based on the findings of this study that focused on the structure and function of performance necessary to disperse the Tehran urban management making appropriate urban spaces for the disabled and does not require the development of participatory political structure based on the plural good governance. Reform the structure, processes, information and education, including general and specialized management solutions realization rules making appropriate urban spaces for the disabled in Tehran.

Key words: pathology, Tehran, urban management, the disabled, urban spaces making appropriate

چکیده

«مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»، از اولویت دارترین برنامه‌ها و اقدامات مدیریت شهری محسوب می‌گردد. به‌رغم اقدامات سیاستگذاری و قانونگذاری قابل توجه ملی و محلی، مدیریت توسعه شهری تهران از یک برنامه بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت منسجم و پایدار و سازوکارهای «نظارتی»، «کنترلی»، «پایشی»، «ارزیابی» و «هماهنگی‌های سازمانی» کارآمد در زمینه مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان برخوردار نمی‌باشد. این پژوهش به «آسیب شناسی ساختاری - مدیریتی» مناسب‌سازی ساختمان‌های مسکونی - اداری و معابر عمومی برای معلولان در شهر تهران در دو سطح «برنامه‌ای» و «اجرایی» و در تعداد معدودی از متغیرها و شاخص‌های مربوط پرداخته است. اطلاعات سطح اول این پژوهش به «روش تحلیل و توصیفی» و با استناد به «مطالعات کتابخانه‌ای» و اطلاعات سطح دوم، با «مطالعات میدانی» پنج مورد از نمونه ساختمان‌های مسکونی - اداری و معابر عمومی واقع در حوزه‌های شمالی، مرکزی، جنوبی، شرقی و غربی شهر تهران، جمع‌آوری شده است. برای تحلیل اطلاعات این پژوهش از «روش کمی» و «روش کیفی» بطور همزمان استفاده شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، ساختار متمرکز بخشی و عملکرد متفرق مدیریت توسعه شهری تهران کارایی لازم مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان را ندارد و مستلزم توسعه ساختار سیاسی متکثر مشارکتی مبتنی بر «حکمرانی خوب شهری» است. اصلاح ساختارها، فرایندها، اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی و تخصصی از جمله راهکارهای مدیریتی تحقق ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهر تهران است. واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، مدیریت شهری، شهر تهران، معلولان، مناسب‌سازی فضاهای شهری.

عمومی سازمان ملل متحد» به عنوان «دهه سازمان ملل متحد برای معلولان» نامیده شد و اقداماتی توسط کشورهای در حال توسعه با همکاری سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی در زمینه پیشگیری از معلولیت، توانبخشی و برابری فرصت‌ها انجام پذیرفته است. در این سال، مرکز توسعه اجتماعی و امور بشر دوستانه اداره امور اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی دبیرخانه سازمان ملل متحد به عنوان مرکز هماهنگی و نظارت بر اجرای «برنامه اقدام جهانی برای معلولان» که طی «قطعنامه ۳۷/۵۳» در سوم دسامبر ۱۹۸۲ در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده بود، تعیین گردید.

در «بند ۱» برنامه اقدام جهانی برای معلولان آمده که هدف آن برنامه این است که معیارهای مؤثر پیشگیری از معلولیت، توانبخشی و تحقق هدف‌های مشارکت کامل افراد معلول را در زندگی اجتماعی، توسعه کشور و نیز برابری حقوق آنان ترویج دهد. بر اساس «بند ۸۷» آن برنامه، دولت‌ها مسئولیت نهایی اجرای آن را بر عهده دارند. در این بند تصریح شده است که برنامه‌های بلندمدت باید در سطح ملی آغاز شوند تا اهداف برنامه‌های اقدام جهانی برآورده شود. در «بند ۱۱۴» آن برنامه آمده است: «به افراد معلول باید اطمینان داده شود که دسترسی آنان به تمام ساختمان‌های عمومی و تسهیلات جدید، مجموعه‌های مسکونی همگانی و شبکه‌های حمل و نقل مسیر است. همچنین معیارهایی باید اختیار شود که در صورت لزوم، امکان دسترسی معلولان به ساختمان‌ها و تسهیلات عمومی موجود، مجموعه‌های مسکونی و حمل و نقل فراهم شود.» بندهای ۱۴۸ الی ۱۵۴ آن برنامه مشخصاً در خصوص اطلاعات و آموزش عمومی است؛ بدین معنی که کشورهای عضو باید برنامه اطلاعات عمومی جامعی را در زمینه حقوق، مشارکت و نیازهای برآورده نشده معلولان تدوین نمایند که همه افراد، از جمله عامه مردم را در برگیرد.

کنوانسیون ۵۰ ماده‌ای «حقوق افراد کم‌توان» که در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ در صحن علنی مجمع عمومی سازمان ملل با اکثریت آراء به تصویب رسید و در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۷ به کشورهای اعلام گردید، دستاورد جدید

در خصوص واژه «معلولیت»، تعاریف مختلفی ارائه شده است. «سازمان بهداشت جهانی» در سال ۱۹۸۱ معلولیت را «وجود اختلال در رابطه بین فرد و محیط»، تعریف کرده است. معلولیت عبارت از عارضه‌ای که بر اثر ضعف یا اختلال در سیستم حسی و حرکتی ایجاد می‌شود و موجب اختلال در جابجائی و برقراری ارتباط با محیط می‌گردد نیز، تعریف شده است. بطور کلی معلولیت را می‌توان یکی و یا ترکیبی از نارسائی‌ها و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی، روانی؛ و معلول را فردی که برای انجام امور زندگی خود نیازمند کمک دیگران، استفاده از ابزار و تجهیزات و مراقبت ویژه می‌باشد تلقی نمود. بر اساس «تبصره ماده قانون جامع حمایت از معلولان»، معلول به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی، و یا توأم، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، بطوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳). ناتوانی و معلولیت غالباً مترادف با هم بکار می‌روند؛ با این تفاوت که ناتوانی همیشه ایجاد معلولیت نمی‌کند، ولی در مجاورت هر نوع معلولیت، نشانه‌هایی از ناتوانی و ضعف به چشم می‌خورد. سازمان بهداشت جهانی، «توانبخشی» را اولین پاسخ به ناتوانی و معلولیت تعریف کرده است که به سه مرحله «توانبخشی پزشکی»، «توانبخشی حرفه‌ای» و «توانبخشی اجتماعی» قابل تقسیم است. یکی از مواردی که در توانبخشی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، مناسب‌سازی اماکن شخصی و اجتماعی و ابزار فرد معلول برای کم‌کردن مشکلات روزمره اوست. مناسب‌سازی محیط برای معلولان، اصلاح محیط و تدارک تجهیزات مورد نیاز به گونه‌ای است که افراد معلول قادر باشند آزادانه و بدون احساس خطر در محیط پیرامون خود فعالیت نموده و از تسهیلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و خدماتی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند (بابائی اهری، ۱۳۷۳، ص ۱۹).

با اعلام سال ۱۹۸۱ به عنوان «سال بین‌المللی معلولان»، دهه ۹۳-۱۹۸۳ با تصویب در «سی و هفتمین اجلاس

فعالان و طرفداران جنبش حقوق معلولان به شمار می‌آید. این کنوانسیون تنها کنوانسیون می‌باشد که در نخستین روز به امضاء نمایندگان بیش از ۸۰ کشور جهان رسیده است.

در «بند ج ماده ۱۹۳» قانون «برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور» و آئین‌نامه اجرائی آن تأکید شده بود که مناسب‌سازی اماکن عمومی و خصوصی در طول آن برنامه صورت پذیرد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲). در «ماده ۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» و تبصره‌های آن به ضرورت مناسب‌سازی محیط برای معلولان و وظایف ارگان‌های مختلف در این زمینه تأکید شده است. طبق تبصره آن ماده، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی معلولان، ساختمان‌ها و اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود مناسب‌سازی نمایند. بر اساس تبصره ۲ این ماده، شهرداری‌ها موظفند از صدور پروانه‌احداث و پایان‌کار برای آن تعداد از ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت کرده باشند، خودداری نمایند.

در بخش «راهنمای طرح راهبردی- ساختاری (جامع) شهر تهران»، ضمن تأکید بر توجه برنامه‌ها و طرح‌های شهری تهران به مشکلات کم‌توانان و ناتوانان جسمی و حرکتی، شهرداری تهران موظف شده است در یک برنامه‌زمانی میان‌مدت با همکاری نهاد طرح‌های توسعه‌شهری تهران نسبت به تهیه طرح موضوعی «ساماندهی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» اقدام نماید (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶). شورای اسلامی شهر تهران با تصویب ماده واحده‌ای در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۴ شهرداری تهران را موظف نموده است تا حداکثر ظرف مدت دو سال نسبت به انجام مواردی در خصوص مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان اقدام نماید. شهردار تهران با ابلاغ آن مصوبه شورای اسلامی شهر تهران به شهرداری تهران، کلیه واحدهای ستادی و اجرایی

شهرداری را موظف نمود که در دو فاز اجرایی تا پایان سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ اقدامات اجرایی مشخصی را به منظور مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان و جانبازان به انجام برسانند. در پی تصویب و ابلاغ این مصوبه‌ها، «ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی» در شهرداری تهران تشکیل شد و اقدامات سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارتی متعددی را در این خصوص به عمل آورده است.

به‌رغم تمام این تلاش‌ها، در لایحه برنامه پنجساله شهرداری تهران (۹۲-۱۳۸۸) توجه کافی به اقدامات برنامه‌ریزی شهرداری تهران در موضوع مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان به عمل نیامد؛ بطوری‌که فقط در ذیل ماده ۵۲ آن لایحه، شهرداری تهران موظف شده است در راستای بهینه‌سازی جریان ترافیک از طریق اعمال مدیریت ترافیک و ارتقای ایمنی سیستم حمل و نقل شهری و افزایش اعتماد و اطمینان شهروندان به وسایل نقلیه عمومی در طول دوره‌زمانی آن برنامه، نسبت به موارد مختلف، از جمله «مناسب‌سازی سیستم حمل و نقل و ترافیک جهت استفاده معلولان و جانبازان» اقدام نماید (شهرداری تهران، ۱۳۸۷، ص ۶۹).

این مقاله بر آن است تا با آسیب‌شناسی ساختاری مدیریت شهری در مناسب‌سازی فضاهای مسکونی- اداری و معابر عمومی شهر تهران برای معلولان، پیشنهادات اصلاحی مشخصی برای بهبود نارسائی‌های ساختاری مدیریت مربوط ارائه نماید. از این رو، این پژوهش در راستای پاسخگویی به سئوالات سه‌گانه زیر طراحی شده است:

۱- «مدیریت توسعه شهری تهران برای مناسب‌سازی فضاهای مسکونی- اداری و معابر عمومی برای معلولان چه اقداماتی انجام داده است؟»:

۲- «آسیب‌های ساختار مدیریتی مناسب‌سازی فضاهای مسکونی- اداری و معابر عمومی برای معلولان در شهر تهران چیست؟»:

۳- «برای بهبود مدیریت مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان چه اقدامات ساختاری را می‌توان انجام داد؟»

این پژوهش بر این فرض استوار است که تحولات

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران در چند دهه اخیر به شکل گیری «مدیریت یکپارچه محلی» منتهی نگردد و نارسایی های سطوح برنامه ریزی های راهبردی و اجرایی ناشی از آن، موجب شد که برنامه ریزی محلی در تهران بیشتر بصورت بخشی و کوتاه مدت انجام پذیرد. به همین دلیل، برنامه ریزی ها و امور اجرایی مدیریت شهری تهران، از جمله برنامه ریزی و مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان به سهولت و مطلوب محقق نمی گردد؛ بطوری که مدیریت شهری تهران از یک برنامه اجرایی میان مدت و کوتاه مدت منسجم و پایدار از یکسو و سازوکار کارآمد نظارتی، کنترلی، پایش و ارزیابی عملکرد نیز از سوی دیگر برخوردار نمی باشد. جهت کسب بخشی از اطلاعات این مقاله، از نتایج پروژه مطالعاتی ای که بصورت امانی و با نظارت نگارنده مقاله با عنوان «بررسی میزان تحقق ضوابط و مقررات مناسب سازی محیط شهری برای معلولین در شهر تهران» در مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران در سال ۱۳۸۸ به اتمام رسید، استفاده شده است.

روش پژوهش

ابعاد مختلف فرایند مدیریت، یعنی «برنامه ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و نظارت» (فرنچ و ساورد، ۱۳۷۱، ص ۳۷۸) را می توان بطور کلی به دو بخش «برنامه ریزی» و «اجرا» تقسیم نمود. برنامه ریزی را بسته به «موضوع»، «هدف» و «مقیاس» می توان به دو سطح «راهبردی» و «اجرایی» تقسیم کرد. به عبارت دیگر، فرایند مدیریت را می توان به سه مرحله برنامه ریزی راهبردی (هدفگذاری ها و سیاستگذاری های کلان و دراز مدت)، برنامه ریزی اجرایی و اجرا تقسیم نمود. از نگاه مدیریت راهبردی، ارتباط و تعامل نظاموار هر یک از مراحل سه گانه برنامه ریزی راهبردی، اجرایی و اجرا ضروری است.

مدیریت شهری و ابعاد آن

مدیریت شهری به عنوان یکی از شاخه های مدیریت، فرایند برنامه ریزی و اداره شهر در راستای دستیابی به اهداف جامع توسعه شهری است. بر خلاف سنخ و

سرعت رشد تحولات مدیریت شهری جوامع پیشرفته، تحولات مدیریت شهری در ایران به ساختار متمرکز دولتی و بخشی منتهی شد. ساختار مدیریت شهری ایران به رغم شکل گیری «شوراهای اسلامی شهر»، فاقد ویژگی های یک مدیریت محلی مشارکتی و مردم سالار، تنگناها و نارسایی های عمده قانونی، ساختاری و عملکردی است (کمانرودی کجوری، ۱۳۸۴). بر اساس این پژوهش، اگرچه تاکنون تلاش های مدیریتی و کارشناسی شایان توجه ای در سطح برنامه ریزی راهبردی و اجرایی شهر تهران انجام پذیرفت، اما این اقدامات به برنامه ریزی های هماهنگ میان مدت و کوتاه مدت، اجرا، مناسب سازی فراگیر فضاهای شهری و توانبخشی معلولان در استفاده عادلانه و برابر از فضاها و امکانات شهری منتهی نگشته است. این پژوهش بر این رویکرد استوار است که ضرورت عبور از بحران های ساختاری نظام مدیریت شهری ایران (تهران) حرکت به سوی ساختار مشارکتی از طریق کاهش نقش متمرکز دولت و توسعه مدیریت یکپارچه شهری و مدیریت سیاسی متکثر مبتنی بر (حکمرانی خوب شهری) است.

از بین فضاهای مسکونی - اداری و معابر عمومی و ضوابط و مقررات ملاک عمل مناسب سازی مربوط برای معلولان، ۶ خرده فضا و ۱۵ ضابطه در این پژوهش به عنوان متغیرها و شاخص های ارزیابی وضع موجود و عملکرد مدیریت اجرایی مناسب سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان مورد استفاده قرار گرفته اند. برای جمع آوری اطلاعات این پژوهش، از «روش ترکیبی کتابخانه ای و میدانی» (پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، اندازه گیری) استفاده شده است. روش کتابخانه ای بیشتر برای جمع آوری اطلاعات مبانی و سوابق و روش میدانی برای آشنایی با نظرات کارشناسان و مدیران اجرایی و ارزیابی فنی اجرای ضوابط و مقررات مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان در نمونه های مورد بررسی و شناخت وضع موجود و عملکرد مدیریت شهری تهران بکار گرفته شده است. در تحلیل اطلاعات این پژوهش از روش تحلیل همزمان کمی و کیفی استفاده شده است (جدول شماره ۱).

جدول ۱. متغیرها و شاخص‌های پژوهش آسیب‌شناسی ساختاری- مدیریتی مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان؛ مأخذ: نگارنده مقاله.

محدودیت‌ها	شاخص‌ها (ضوابط و مقررات)	متغیرها	
		اصلی	فرعی
ورود به ساختمان	ورودی ساختمان دارای سطح شیب‌دار باشد.	ورودی	فضاهای مسکونی و اداری
	ورودی ساختمان فاقد آستانه باشد.	ساختمان	
تردد در راهرو	درکناره راهرو، میله کمکی نصب شده باشد.	راهرو	
استفاده از راه پله و سطوح شیب‌دار	کناره سطح شیب‌دار دارای لبه محافظ با رنگ متضاد باشد.	راه پله و سطوح شیب‌دار	
	جنس کف سطح شیب‌دار غیرلغزنده، صاف و سخت باشد. میله دستگرد در دو طرف رمپ و راه پله بصورت ممتد نصب شده باشد.		
استفاده از بالا بر	بالا بر در ساختمان نصب شده باشد. خط بریل درکنار دکمه‌های آسانسور در داخل و خارج اتاقک نصب شده باشد.	بالا بر	
استفاده از پارکینگ	پارکینگ به خودرو معلولان در ساختمان تخصیص داده شده باشد. پارکینگ به آسانسور دسترسی داشته باشد.	پارکینگ	
تردد در سواره‌رو و پیاده‌رو	پل ارتباطی بین ارتباط سواره‌رو با پیاده‌رو نصب شده باشد. پل ارتباطی و پیاده‌رو هم‌سطح باشد و یا سطح شیب‌دار ایجاد شده باشد. محل ارتباط پیاده‌رو با سواره‌رو دارای علائم حسی برای معلولان باشد. درکناره‌های عرضی پل ارتباطی، تعبیه لبه مخصوص به ارتفاع حداقل ۵ سانتی‌متر با رنگ متضاد با محیط الزامی است. مسیر خط‌کشی عابر پیاده، فاقد جدول و جزیره‌های وسط خیابان باشد.	سواره‌رو و پیاده‌رو	معايير عمومی

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۰۳

این پژوهش در دو «سطح برنامه‌ای و اجرایی» اجرایی سازمان شهرداری تهران (حوزه معاونت فنی و مناسب‌سازی فضاهای مسکونی- اداری و معاير عمومی در شهر تهران انجام شده است: در سطح اول؛ ساختارها، فرایندها، ضوابط و مقررات، برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، و در سطح دوم؛ اجرای ضوابط و مقررات و مناسب‌سازی فضاهای مسکونی- اداری و معاير عمومی مورد بررسی قرار گرفته است: - اطلاعات سطح اول پژوهش از کلیه واحدهای ستادی و

اجرائی سازمان شهرداری تهران (حوزه معاونت فنی و عمرانی، حمل و نقل و ترافیک، شهرسازی و معماری، تحقیقات و برنامه‌ریزی توسعه شهری، شهرداری‌های مناطق) و - اطلاعات سطح دوم با مطالعات میدانی ۵ مورد از فضاهای مسکونی - اداری و معاير عمومی نمونه‌ی واقع در حوزه شمالی (منطقه ۱)، حوزه مرکزی (منطقه ۱۲)، حوزه جنوبی (منطقه ۲۰)، حوزه شرقی (منطقه ۴) و حوزه غربی (منطقه ۵) شهر تهران بصورت تصادفی انتخاب

شده اند جمع آوری شده است.

در واقع سطح دوم این پژوهش جهت ارزیابی اجرایی یافته‌های سطح اول انجام پذیرفته است. جهت تحدید و قابلیت انجام و تحلیل یافته‌های پژوهش، متغیرها و شاخص‌های مربوط از طیف معدودی از متغیرها و شاخص‌های مدیریت اجرایی مناسب‌سازی فضاهای مسکونی - اداری و معابر عمومی برای معلولان انتخاب شده‌اند.

اقدامات مدیریت توسعه شهری تهران

اقدامات نهادهای دولتی

نشست ویژه‌مسئولان و کارشناسان مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در سال ۱۳۶۵ در خصوص مناسب سازی فضاهای شهری رامی توان نقطه عطفی در آغاز این فرآیند در ایران دانست. در سال ۱۳۶۶ پژوهشی تحت عنوان «طراحی فضاهای ساخته شده عمومی و خصوصی برای معلولان جسمی- حرکتی» توسط آن مرکز انجام پذیرفت. در همان سال به پیشنهاد «سازمان بهزیستی»، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان مراجع مختلف، از جمله مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، دانشکده توانبخشی دانشگاه تهران و وزارت مسکن و شهرسازی تشکیل گردید. براین کار آن کمیته، تدوین جزوه‌های متعدد در زمینه آئین کاربرد اصول اساسی طراحی فضا برای معلولان بود. به دنبال انتشار آن جزوه‌ها، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن در اواخر سال ۱۳۶۷، جلساتی را با حضور نمایندگان ارگان‌های مربوط تشکیل داد که در نهایت به تدوین کتابی تحت عنوان «ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی- حرکتی» منجر گردید. این مجموعه در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۸ از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسید و توسط ریاست جمهوری به تمامی استان‌های کشور ابلاغ شد. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به استناد بند ۵ این مصوبه در جلسه تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۲، مصوبه جدیدی را جایگزین مصوبه قبلی نمود که کمیسیون بند ۳ آن در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن فعال شد.

در سال ۱۳۷۹ بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به دنبال تصویب این بند، در سال ۱۳۷۹ پیش نویس آئین نامه اجرائی آن با همکاری سازمان بهزیستی، وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهیه گردید و در تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ به تصویب هیئت وزیران رسید. در بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم تأکید شده است که به منظور ارتقای کمی و کیفی خدمات توانبخشی و دسترسی عموم مردم به این خدمات و تحقق تساوی فرصت‌ها برای معلولان و توسعه مشارکت فعال آنان در جامعه، مناسب‌سازی اماکن عمومی و خصوصی در طول آن برنامه صورت پذیرد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲). «قانون جامع حمایت از حقوق معلولان» در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. ماده ۲ این قانون و تبصره‌های آن به ضرورت مناسب‌سازی محیط برای معلولان و وظایف ارگان‌های مختلف در این زمینه تأکید نموده است. بر اساس این ماده، کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها، اماکن و معابر عمومی و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی جامعه فراهم گردد. طبق تبصره این ماده، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی معلولان، ساختمان‌ها و اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود مناسب‌سازی نمایند. مسئولیت هماهنگی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها در این خصوص و تهیه گزارش مربوط و ارائه آن به دولت به عهده سازمان بهزیستی گذاشته شده است. بر اساس تبصره ۲ این ماده، شهرداری‌ها موظفند از صدور پروانه احداث و پایان کار برای آن تعداد از ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابری که استانداردهای تخصصی مربوط به معلولان را رعایت نکرده باشند، خودداری نمایند.



اقدامات نهاد طرح‌های توسعه شهری تهران

در طرح راهبردی - ساختاری (جامع) شهر تهران که توسط نهاد طرح‌های توسعه شهری تهران به عنوان «نهاد مشترک دولت و شورای اسلامی شهر و شهرداری تهران» تهیه و در سال ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسیده بود، در ذیل برنامه‌ساماندهی فضاهای شهری و محورها، پهنه‌ها و مراکز، طرح «ساماندهی فضاهای شهری برای جانبازان و معلولان» پیش‌بینی شده است. همچنین در بخش راهبردهای کلی طرح جامع به این نکته اشاره شده است که برنامه‌ها و طرح‌های شهری تهران باید به مشکلات کم‌توانان و ناتوانان جسمی و حرکتی توجه داشته باشند.

در بند ۵-۶-۲ راهبردهای بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و نظام حمل‌ونقل و ترافیک طرح جامع تهران نیز «مناسب‌سازی راه‌های شهری و پایانه‌ها برای حرکت دسترسی آسان معلولان جسمی و حرکتی» آمده است.

بر اساس بند ۲-۱۳ برنامه بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و نظام حمل‌ونقل و مدیریت ترافیک (برنامه‌ها و طرح‌های موضعی و موضوعی - پیوست شماره چهار طرح جامع شهر تهران)، شهرداری تهران موظف شده است در یک برنامه‌زمانی میان‌مدت (تا سال ۱۳۹۵) با همکاری نهاد طرح‌های توسعه شهری تهران نسبت به تهیه طرح موضعی «ساماندهی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» اقدام و آن را به تصویب کمیسیون ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برساند (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶).

اقدامات شورای اسلامی شهر تهران

شورای اسلامی شهر تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۴ ماده واحده‌ای را به منظور اجرایی نمودن مفاد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی و حرکتی و آئین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجرای مفاد ماده ۵۵ قانون شهرداری به تصویب رسانید و به شهرداری تهران ابلاغ نمود. بر اساس آن مصوبه، شهرداری تهران موظف

شده است حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ آن نسبت به انجام موارد متعددی در خصوص مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان اقدام نماید. بر اساس تبصره ۲ و مصوبه شورای اسلامی شهر تهران، شهرداری تهران مسئولیت هماهنگی و پیگیری اجرایی نمودن مفاد آن مصوبه را بر عهده‌داشته و مکلف شده است ظرف مدت یکماه پس از ابلاغ آن نسبت به تشکیل «ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی» با حضور کلیه حوزه‌های اجرایی مرتبط اقدام و گزارش پیشرفت کار را هر سه‌ماه یکبار جهت اطلاع به شورای اسلامی شهر تهران ارائه نماید.

اقدامات شهرداری تهران

الف - «سیاست‌گذاری‌های مدیریتی»: شهردار تهران طی بخشنامه شماره ۸۴۱۰/۸۴۹۷۳۹۴ تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۰، مصوبه یکصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران مبنی بر مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی - حرکتی را به کلیه واحدهای ستادی و اجرایی شهرداری تهران ابلاغ نمودند. بر اساس آن بخشنامه، شهرداری تهران موظف شده بود در دو فاز اجرایی تا پایان سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ اقدامات زیر را به انجام برساند:

۱- «مناسب‌سازی معابر عمومی و نصب علائم فیزیکی لازم با اولویت میادین و معابر اصلی و نزدیک به تقاطع‌ها»؛

۲- «تجهیز چراغ‌های راهنمایی به علائم صوتی و نیز برجسته نمودن سطح پیاده‌روهای نزدیک به تقاطع‌ها برای استفاده از نابینایان»؛

۳- «ایجاد محل‌های ویژه جهت توقف وسایل نقلیه برای معلولان در توقفگاه‌های عمومی»؛

۴- «رعایت کلیه ضوابط مندرج در آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در ساختمان‌ها و اماکن عمومی و خصوصی و تجهیز بخش‌های توسعه شهری و معابر عمومی و اعمال کنترل‌های لازم وفق آیین‌نامه مذکور در صدور هرگونه مجوز ساخت و ساز و گواهی پایان کار»؛

۵- «اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی مناسب از طریق



هماهنگی با سایر دستگاه‌های اجرایی ذیربط، به ویژه سازمان بهزیستی و از طریق دستورالعمل مشخص؛

۶- «تأمین تسهیلات و خدمات ویژه برای کم‌توانان جسمی و حرکتی و جانبازان در امر رفت و آمد از طریق شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (مترو) و سازمان تاکسیرانی»؛

۷- «هماهنگی لازم با دیگر دستگاه‌های اجرایی مرتبط»؛

۸- «نظارت مستمر بر احداث فضاهای عمومی و پیاده‌روهای شهری برای پیش‌بینی تمهیدات ذکر شده.»

ب- «اقدامات برنامه‌ای ستادی»: بر اساس مصوبه یکصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۴، «ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی» با حضور نمایندگان واحدهای مربوط در شهرداری تهران تشکیل شد. آن ستاد مسئولیت تعیین خط‌مشی، هدایت و نظارت بر کلیه اقدامات مناسب‌سازی شهرداری تهران را بر عهده دارد. آن ستاد در این راستا، علاوه بر سیاستگذاری اجرایی، تدوین و ارائه استانداردهای مناسب‌سازی اماکن و معابر عمومی، پیگیری اجرای ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط از طریق شهرداری‌های مناطق ۲۲گانه و تعامل با بخش خصوصی و نهادهای عمومی در جهت تحقق دسترسی کامل شهروندان دارای محدودیت‌های جسمی و حسی به اماکن و خدمات عمومی را در دستور کار خود قرار داد.

ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری در اولین اقدام، مجموعه ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای معلولان جسمی - حرکتی که توسط مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن تهیه شده بود را به کلیه واحدهای سازمانی مربوط در شهرداری تهران ابلاغ نمود. آن ستاد فرم‌هایی را با هدف کنترل پروژه‌های عمرانی به لحاظ رعایت ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی - حرکتی تهیه کرده است. آن ستاد با هدف فرهنگ‌سازی و ترویج، ۵ پروژه عمرانی را در زمینه‌های ساماندهی و اصلاح ساختمان شهرداری‌های مناطق، اصلاح معابر در یک محور شمالی - جنوبی، اصلاح فضای یک فرهنگسرا و اصلاح یک پارک بزرگ منطقه‌ای در هر یک از مناطق ۲۲گانه به انجام رسانید. علاوه بر این، آن ستاد به جهت مشکلات کارشناسی در

مرحله اجرا، بعضی دوره‌های آموزشی برای کارشناسان حوزه‌های معاونت شهرسازی و معماری، حمل و نقل و ترافیک و فنی و عمرانی شهرداری‌های مناطق برنامه‌ریزی نمود تا ضمن ارتقای سطح دانش کارشناسان، موجبات انطباق بیشتر پروژه‌های عمرانی با ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان را فراهم آورد. از سوی دیگر آن ستاد راهنمایی تحت عنوان «راهنمای علامتگذاری و ایجاد تمهیدات لازم برای مسیر ویژه نابینایان در معابر پیاده و مشخصات قطعه انتخابی» را تهیه کرد و آن را به واحدهای مربوط در شهرداری تهران ابلاغ نموده است. از دیگر اقدامات آن ستاد عبارتند از:

- دریافت لیست مشخصات کلیه پروژه‌های در دست اقدام مناطق در هر ماه و کنترل آنها از لحاظ رعایت ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی برای افراد معلول جسمی - حرکتی،

- انتخاب ۳ منطقه (شمالی، مرکزی، جنوبی) به عنوان مناطق نمونه و انتخاب ۳ مشاور توسط سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران جهت بازبینی و طراحی مجدد پروژه‌های این مناطق بر اساس ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی برای افراد معلول جسمی - حرکتی.

- بازدید دوره‌ای از مناطق و تهیه گزارش از اقدامات در دست انجام مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان و ارائه آن در جلسات شورای معاونین فنی و عمرانی مناطق.

- برگزاری جلسات کارشناسی با اعضای هیأت علمی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن و اداره کل مناسب‌سازی بنیاد شهید و امور ایثارگران در زمینه تبادل تجربیات.

- ارتباط با تشکل‌های معلولان و دریافت نظرات آنان در زمینه مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان.

- برقراری کارگاه‌های آموزشی «مناسب‌سازی محیط» برای کارشناسان مربوط در شهرداری تهران.

- برنامه‌ریزی برای اعتبار سالانه شهرداری‌های مناطق در زمینه مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان.

- تهیه و ابلاغ دستورالعمل جزئیات کف‌سازی و محوطه‌سازی برای معلولان در شهرداری تهران.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌های مختلفی برای مناسب‌سازی فضاهای

شهری در شهرداری تهران مورد استفاده قرار می‌گیرد. بخشی از این ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌ها ملی بوده و بخشی در واحدهای تخصصی شهرداری تهران تهیه گردیده‌اند.

ج- «اقدامات اجرایی شهرداری‌های مناطق»:
شهرداری‌های مناطق شهر تهران از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۴ در ذیل اعتبارات عنوان کد «ایجاد معابر جهت معلولان و جانبازان» با هزینه معادل ۲،۸۹۵،۷۹۹،۰۰۰ ریال (جدول شماره ۲)، به برخی اقدامات مناسب‌سازی معابر عمومی برای معلولان و جانبازان پرداخته‌اند. این اقدامات اجمالاً به قرار زیر بوده است:

- احداث مسیر ویژه معلولان و نصب کف پوش برجسته برای نابینایان،
- نصب تابلوی پارک معلولان در معابر پرتدد،
- احداث رمپ در سکوی ایستگاه‌های اتوبوس،
- بهسازی پل‌های تقاطع معابر و روی نهر،
- مناسب‌سازی پیاده‌روها،
- ایجاد شیب راهه ویژه عبور ویلچر در تقاطع‌ها و سطوح شیب‌دار،
- جمع‌آوری موانع فیزیکی واقع در مسیر تردد معلولان،
- همسطح‌سازی دریچه‌های مربوط به تأسیسات در کف پیاده‌روها،
- تکمیل فرم‌های بازرسی (تهیه شده توسط ستاد مناسب‌سازی معابر حوزه معاونت فنی و عمرانی به منظور کنترل انجام امور عمرانی معابر)،
- منظور نمودن ورودی مستقل معلولان بصورت رمپ با شیب ۷ درصد در ساختمان‌های اداری، تجاری و مسکونی،
- طراحی واحد مسکونی و پارکینگ ویژه معلولان،
- رعایت حداقل ابعاد آسانسور جهت ورود معلولان در ساختمان‌های اداری، مسکونی و تجاری،
- جلوگیری نمودن از طراحی پیاده‌رو در بر ساختمان‌ها بصورت پله‌ای،
- الزام کنترل نقشه براساس ضوابط معلولان برای مهندسين طراح (معمار و محاسب) و متقاضیان هر نوع پروانه ساختمانی.

تحلیل یافته‌ها

اگرچه از اواسط دهه ۱۳۶۰ تاکنون تلاش‌های مدیریتی و کارشناسی قابل توجه‌ای در سطح سیاستگذاری‌های کلان و قانونگذاری، از جمله تدوین و تصویب ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای معلولان جسمی- حرکتی توسط مجموعه وزارت مسکن و شهرسازی، تصویب بند ج ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور توسط مجلس شورای اسلامی و آئین‌نامه اجرائی آن توسط هیئت وزیران در سال ۱۳۷۹، تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳، توجه ویژه طرح راهبردی- ساختاری (جامع) و تفصیلی شهر تهران و الزام تهیه طرح موضوعی «ساماندهی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» و مصوبه یکصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۸۴ مبنی بر الزام شهرداری تهران به تشکیل «ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری» و سایر اقدامات و اجرای مفاد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری مربوط انجام پذیرفت، اما این اقدامات به رغم اعتقاد مدیران، کارشناسان و خواست شهروندان به برنامه‌ریزی‌های هماهنگ میان مدت (پنجساله) و کوتاه‌مدت (یکساله)، اجرا، مناسب‌سازی فراگیر فضاهای شهری و توانبخشی معلولان در استفاده عادلانه و برابر از فضاها و امکانات شهری منتهی نگشته است. برنامه‌ریزی‌های راهبردی و اجرایی میان مدت (پنجساله) و کوتاه‌مدت (یکساله) محلی مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در ذیل سیاست‌ها و قوانین کلان ملی و محلی نیز به جهت نارسایی‌های ساختاری ناشی از تفرق، فقدان انسجام و یکپارچگی سیاسی ملی و محلی و عدم خواست و اراده مستمر و پایدار مدیریتی انجام پذیرفته است. به جهت نارسایی‌های دو سطح سیاستگذاری‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های اجرایی میان مدت و کوتاه‌مدت فرابخشی و بخشی بین‌دستگاهی ملی و محلی، برنامه‌ریزی محلی در ایران بیشتر بصورت بخشی و دستگاهی و کوتاه‌مدت انجام می‌پذیرد. البته

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

جدول ۲. هزینه نهایی مناسب سازی معابر عمومی برای معلولان و جانبازان در شهرداری های مناطق شهر تهران در سال های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۴ (مبالغ به یک هزار ریال): ماخذ: اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران، ۱۳۸۵

منطقه	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
۱								۴,۱۵۶,۷۸۹	۱,۹۶۳,۱۵۳	
۲								۴۲۱,۲۷۴	۱,۵۰۰,۰۰۰	
۳								۴۵۹,۵۸۶	۹۷۸,۱۹۷	
۴								۲,۳۳۹,۴۹۵	۱,۹۰۸,۶۰۳	
۵									۱,۲۸۱,۸۷۳	
۶	۹۸۰,۰۰۰	۲۱۲,۲۰۳	۳۹۸,۳۹۲	۵۰,۰۰۰	۲۲۷,۲۰۵			۲,۸۷۶,۹۸۴	۱,۰۰۰,۰۰۰	
۷								۱۹۸,۸۳۲	۷۸۶,۸۸۹	
۸				۲۰۱,۸۹۴	۳۹۷,۴۱۵	۲۵۸,۰۲۵	۱,۱۲۵,۲۶۹	۲,۰۵۰,۱۲۹		
۹							۴۹۸,۲۰۰	۸۱۴,۵۰۵		
۱۰						۷۵,۰۰۰	۱,۳۳۸,۶۱۱	۱,۷۷۷,۰۰۰		
۱۱	۹۴,۴۲۴	۴۶,۳۶۶	۵۷,۴۱۲	۱۹۹,۸۵۱	۵۰,۰۰۰	۶۳۵,۲۳۵	۶۸۵,۸۴۶			
۱۲		۷۳,۵۰۰						۶۸,۷۶۵		
۱۳						۷۰,۲۲۵	۵۰,۰۰۰	۵۵۵,۲۹۲	۱,۴۷۳,۲۸۲	
۱۴						۷۵,۰۰۰			۱,۱۷۷,۶۰۰	
۱۵						۵۰,۰۰۰		۴۷,۷۵۳	۱,۵۰۰,۰۰۰	
۱۶								۱,۴۸۸,۷۷۶	۲,۵۰۰,۰۰۰	
۱۷						۶۲,۰۳۷	۱۳۷,۳۰۲	۱,۹۹۷,۴۷۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	
۱۸								۱,۰۰۲,۷۷۶	۱,۰۹۰,۱۰۹	
۱۹								۷۰۷,۲۶۲	۳,۰۰۰,۰۰۰	
۲۰							۱۵۰,۰۰۰	۱,۷۱۱,۰۴۲	۱,۵۶۱,۷۸۷	
۲۱									۹۹۶,۷۷۰	
۲۲						۴۳,۰۰۰		۱,۹۷۵,۱۳۶	۲۲۷,۸۵۶	
جمع	۱,۰۷۴,۴۲۴	۳۳۲,۰۶۹	۴۵۵,۸۰۳	۵۰,۰۰۰	۴۲۷,۰۵۶	۲۷۲,۱۱۹	۸۰۲,۴۲۵	۵۶۵,۳۲۷	۲۳,۵۰۴,۵۴۸	۲۹,۴۴۳,۵۹۷

تمامی سطوح برنامه‌ریزی، از جمله برنامه‌ریزی عملیاتی - اجرایی نیز فرایند شناخت، سیاستگذاری اجرایی، تدوین اهداف کمی، اولویت‌بندی نیازها، تدوین برنامه، طراحی پروژه، بودجه‌ریزی، اجرا، نظارت، کنترل، پایش و ارزیابی را به روش‌های متفاوت طی می‌نمایند. در این پژوهش ضمن بررسی اجمالی آسیب‌های ساختاری برنامه‌ریزی‌های هماهنگ ملی و محلی و بین‌بخشی (بین‌دستگاهی) در خصوص مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان، بر برنامه‌ریزی اجرایی و مدیریت شهری تهران تمرکز شده است. این پژوهش نشانگر آن است که مدیریت اجرایی مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان نیز از شاخصه‌های عمومی و فراگیر نظام خرد و کلان برنامه‌ریزی ایران برخوردار بوده و از آسیب‌های آن مصون نمانده است. در پی سیاستگذاری‌های کلان ملی و مصوبه یکصد و پنجاه و هشتمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۸۴، «ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی» با حضور نمایندگان واحدهای مربوط در شهرداری تهران تشکیل شد و اقدامات سیاستگذاری و نظارتی قابل توجه‌ای در شهرداری تهران انجام داده است. برخی حوزه‌های ستادی شهرداری مانند حوزه‌های معاونت فنی و عمرانی،

حمل و نقل و ترافیک و شهرسازی و معماری به برخی اقدامات مدیریتی از قبیل تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی و اغلب شهرداری‌های مناطق به برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان پرداخته‌اند. روند رو به رشد اعتبارات و هزینه‌های مناسب‌سازی معابر عمومی برای معلولان و جانبازان در شهرداری‌های مناطق شهر تهران در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۴ نشانگر افزایش اقدامات اجرایی شهرداری‌های مناطق شهر تهران در این زمینه است (نمودار شماره ۱). اما مدیریت شهری تهران در انجام و تداوم این اقدامات، از یک برنامه اجرایی میان‌مدت (پنج‌ساله) و کوتاه مدت (یک‌ساله) منسجم و پایدار از یکسو و سازوکار کارآمد نظارتی، کنترلی، پایش و ارزیابی عملکرد مناسب برخوردار نبوده و از هماهنگی‌ها و انسجام ساختاری و عملکردی مربوط محروم مانده است. بطوری‌که:

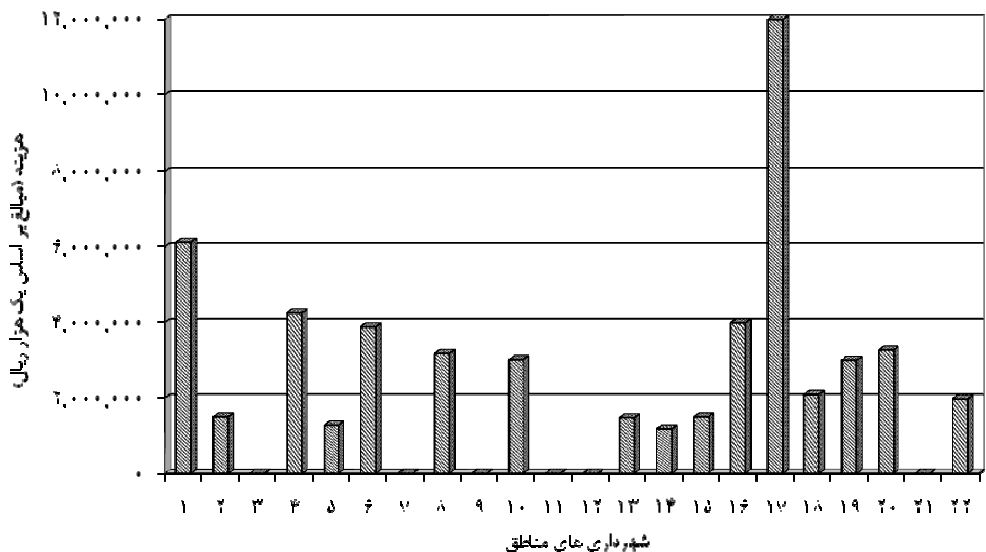
به رغم الزام شورای اسلامی شهر تهران در سال ۱۳۸۴ مبنی بر اقدامات برنامه‌ای اجرای مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان و الزام قانونی تهیه طرح موضوعی «ساماندهی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» توسط شهرداری تهران در سال ۱۳۸۶ از سوی شورای عالی شهرسازی و

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۰۹

نمودار ۱ روند هزینه مناسب‌سازی معابر عمومی برای معلولان و جانبازان در شهرداری‌های مناطق شهر تهران در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۶



معماری ایران در بند ۱۲-۳ پیوست ۴ طرح راهبردی - ساختاری (جامع) شهر تهران تا سال ۱۳۸۹ از یکسو و خواست شهردار تهران از سوی دیگر، در لایحه برنامه پنجساله شهرداری تهران (۹۲-۱۳۸۸) که در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۷ جهت بررسی به شورای اسلامی شهر تهران ارسال شد، به تهیه طرح فوق و مناسب سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان توجه لازم به عمل نیامد و فقط در ذیل ماده ۵۲ آن لایحه، شهرداری تهران موظف شده است در راستای «بهینه سازی جریان ترافیک در معابر شهری از طریق اعمال مدیریت ترافیک و ارتقای ایمنی سیستم حمل و نقل شهری و افزایش اعتماد و اطمینان شهروندان به وسایل نقلیه عمومی» نسبت به موارد مختلفی، از جمله «مناسب سازی سیستم حمل و نقل و ترافیک جهت استفاده معلولان و جانبازان» اقدام نماید؛

- فقدان رویکرد جامع به مقوله معلولیت و زندگی شخصی و اجتماعی معلولان، عدم ضوابط و مقررات مصوب جامع و بهنگام و فراگیر، عدم اراده جمعی و التزام عملی فراگیر به ضوابط و مقررات موجود، و فقدان نهادها، سازوکارها و ابزارهای نظارتی و کنترلی مناسب، و فقدان مشارکت شهروندان و خصوصاً معلولان، از دیگر نارسایی های ساختاری (و عملکردی) مدیریت شهری تهران در مناسب سازی فضاهای شهری برای معلولان است؛

- علاوه بر نارسایی های ساختاری - مدیریتی، کلیه فضاها و امکانات شهری عمومی شهر تهران (خصوصاً معابر) از حیث فیزیکی در شرایط نامناسبی قرار دارند و ساماندهی و مناسب سازی آنها مستلزم صرف دانش، ابزار، مهارت، بودجه، زمان و اقدامات برنامه ای مشارکتی بلندمدت و میان مدت است، به گونه ای که بسیاری از فضاهای شهری عمومی تهران برای شهروندان غیر معلول و توانمند نیز نامناسب می باشند؛

- بر اساس این پژوهش، به جهت همین محدودیت های ساختاری، میزان تحقق ضوابط و مقررات مناسب سازی فضاهای مسکونی - اداری برای معلولان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از حد خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) معادل ۲/۴ (بین کم و متوسط) بوده است. حداقل این میزان

برابر ۱/۴ (بین خیلی کم و کم) در منطقه ۲ و حداکثر آن به میزان ۳/۲ (تقریباً متوسط) در مناطق ۱۶ و ۱۸ با انحراف معیار برابر ۰/۴ بوده است. میزان تحقق ضوابط و مقررات مناسب سازی معابر عمومی برای معلولان در مجموع مناطق شهر تهران ۲/۵ (بین کم و متوسط) و حداقل آن ۱/۳ در منطقه ۵ و حداکثر آن ۳/۸ در منطقه ۱۸ شهر تهران با انحراف معیار ۰/۶ بوده است (جدول شماره ۳).

با توجه به نارسایی های ساختاری - مدیریتی مناسب سازی فضاهای شهری تهران و تحقق نسبتاً کم ضوابط و مقررات مربوط در شهر تهران، می توان مدیریت و مناسب سازی و استفاده فضاهای شهری برای معلولان را فرایند به هم پیوسته از فعالیت های سیاسی، عمرانی و اجتماعی دانست که به تولید و کاربرد فضاهای شهری برای معلولان منتهی می گردد. بدیهی است که این فرایند بدون سازوکار مشارکتی و خروج از رویکرد صرف وظیفه ای به مدیریت شهری و تأمین امکانات و خدمات اجتماعی میسر نخواهد شد. در صورت تحقق ساختار سیاسی متکثر و مشارکتی و ایفای نقش هماهنگی، فرصت سازی، پیشینه سازی، عدالت محوری، قانونگرایی، شفاف سازی و پاسخگویی در چارچوب رویکرد حکمروائی خوب و توسعه پایدار شهری، این امکان فراهم می گردد. مناسب سازی و توسعه فضاهای شهری تهران برای کم توانان و معلولان در غیر این شرایط، جز دور باطلی از «آزمون و خطا» یا «تلاش و انفعال» نخواهد بود. در ساختار متمرکز وظیفه ای، با گسست روابط سیاسی و اجتماعی مدیران شهری و شهروندان، کاهش آموزش مستمر و نامنظم تعاملی و آگاهی شهروندان، موجبات مطالبات و مواضع متقابل و حق به جانب مدیران و شهروندان و تقابل آن دو با هم و مسدود شدن همکاری و کند شدن روند تکاملی طرفین و افزایش کیفیت زندگی و تأمین حقوق اجتماعی می گردد.

بر این اساس، نارسایی های ساختاری - مدیریتی مناسب سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان را می توان بطور خلاصه به قرار زیر برشمرد:

- فقدان انسجام و یکپارچگی سطوح سیاستگذاری های کلان و برنامه ریزی اجرایی و اجرا؛

- فقدان یکپارچگی سطوح برنامه ریزی شهری (اعم از

جدول ۳. میزان تحقق ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای مسکونی- اداری و معابر عمومی برای معلولان در شهر تهران

منطقه	ساختمان‌های مسکونی و اداری (متغیر A)	معابر عمومی (متغیر B)
۱	۲/۲	۲/۷
۲	۱/۴	۱/۸
۳	۲/۲	۲/۴
۴	۲/۶	۲/۷
۵	۲/۱	۱/۳
۶	۲/۵	۲/۵
۷	۲/۵	۳/۱
۸	۲/۶	۳/۱
۹	۲/۷	۲/۷
۱۰	-	-
۱۱	۲/۶	۱/۹
۱۲	۲/۴	۳/۱
۱۳	۲/۵	۲/۶
۱۴	۲/۶	۲/۷
۱۵	۱/۹	۱/۹
۱۶	۳/۲	۳/۵
۱۷	۲/۵	۲/۶
۱۸	۳/۲	۳/۸
۱۹	-	-
۲۰	۲	۲/۵
۲۱	۲/۱	۲/۴
۲۲	۲/۵	۲/۸
کل	۲/۴	۲/۵
حداقل	۱/۴	۱/۳
حداکثر	۳/۲	۳/۸
انحراف معیار	۰/۴	۰/۶

میزان تحقق: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=متوسط ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد

مأخذ: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۸

سیاستگذاری اجرایی، برنامه‌ریزی اجرایی، و اجرای برنامه)؛

- «فقدان یکپارچگی ساختاری (و عملکردی) اجزاء سازمانی شهرداری تهران در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های سازمانی مناسب‌سای فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان سازماندهی و مشارکت فراگیر معلولان در برنامه‌ریزی مناسب‌سازی محیط شهری تهران برای آنان»؛

- «فقدان مشارکت غیرانتفاعی فراگیر نهادهای محلی- شهری غیر دولتی و خصوصی در هیچ یک از سطوح برنامه‌ریزی مناسب‌سازی محیط شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان طرح موضوعی و برنامه‌اجرایی میان‌مدت مناسب‌سای فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان برنامه‌اجرایی کوتاه‌مدت (یکساله) هماهنگ مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان بانک اطلاعات برنامه و اقدامات مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان تشکیل ستادهای اجرایی یکپارچه و کارآمد در کل حوزه‌های ستادی مرتبط و شهرداری‌های مناطق ۲۲ گانه به محوریت ستاد مناسب‌سازی شهرداری تهران»؛

- «تداخل امور فنی و اداری در سازوکارهای موجود مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهرداری تهران»؛

- «فقدان الزام اجرایی و کارایی سازوکارها و فرایندهای نظارت، پیگیری و ارزیابی عملکرد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در وضع موجود شهرداری تهران»؛

- «فقدان ارزیابی، رتبه‌بندی و ایجاد بانک اطلاعات پیمانکاران عمرانی شهرداری تهران بر اساس اجرای ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»؛

- «ناکارایی فرم‌های صدور پروانه و پایان‌کار ساختمانی و فرم‌های دستورکار و تحویل پروژه‌های عمرانی شهرداری تهران در مدیریت اجرایی مطلوب مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان انجام فرایندی مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان بر اساس شناخت، برنامه‌ریزی، طراحی، بودجه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و رتبه‌بندی

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

عملکرد، آموزش و اطلاع‌رسانی»؛

- «فقدان اصول و ضوابط مناسب‌سازی فضاهای شهری فراگیر و بهنگام برای کلیه معلولیت‌ها»؛

- «فقدان اصول و ضوابط مناسب‌سازی فضاهای شهری محلی متناسب با شرایط جغرافیایی ویژه شهر تهران»؛
- «فقدان آگاهی عمومی در خصوص مشکلات، نیازها، و ضرورت حضور معلولان در جامعه»؛

- «فقدان آموزش منظم معلولان و خانواده‌های آنها در خصوص مشارکت در برنامه‌ریزی و استفاده از فضاها و امکانات شهری»؛

- «فقدان آموزش مستمر عوامل انسانی امور مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

- «فقدان آموزش و مهارت‌های لازم پیمانکاران و مجریان پروژه‌های عمرانی با اصول و ضوابط مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»؛

- «محدودیت فنی - فیزیکی فراگیر بافت‌های شهری تهران (خصوصاً پیاده‌روها) جهت اجرای اصول و ضوابط مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان».

پیشنهادها

در پایان، پیشنهادهایی به منظور بهبود ساختاری - مدیریتی مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهر تهران ارائه می‌گردد. این پیشنهادها با توجه به یافته‌های این پژوهش و در انطباق با چرخه مدیریت اجرایی مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان، به سه بخش اصلاح ساختارها، فرایندها، و اطلاع‌رسانی و آموزش تقسیم شده‌اند:

الف- «اصلاح ساختارهای مدیریتی - اجرایی»

۱- تشکیل «ستاد برنامه‌ریزی مناسب‌سازی محیط شهری تهران برای معلولان» با مشارکت کلیه نهادهای محلی دولتی و غیردولتی مربوط در شورای اسلامی شهر تهران به عنوان نهاد محلی سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برنامه‌ای مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان؛

۲- تشکیل انجمن (NGO) معلولان محلات و نواحی شهر تهران با همکاری شهرداری‌های نواحی،

شورایاری‌های محلات و سازمان بهزیستی توسط «ستاد برنامه‌ریزی مناسب‌سازی محیط شهری تهران برای معلولان»؛

۳- تهیه و تصویب طرح موضوعی «ساماندهی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» در ذیل بند ۱۲-۳ پیوست ۴ طرح راهبردی - ساختاری (جامع) شهر تهران؛

۴- تهیه برنامه‌میان‌مدت (پنج‌ساله) و بانک اطلاعات مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان توسط «ستاد برنامه‌ریزی مناسب‌سازی محیط شهری تهران برای معلولان» در ذیل طرح موضوعی «ساماندهی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان» و سیاست‌های سازمانی شهرداری تهران؛

۵- تشکیل ستادهای اجرایی و گسترش کمیته‌های فنی منطقه‌ای در شهرداری‌های مناطق شهر تهران در ذیل ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان شهرداری تهران به ریاست شهرداران مناطق؛

ب- «اصلاح فرایندها و سازوکارهای مدیریتی - اجرایی»

۶- «طراحی و تدوین و اجرای سازوکارها و فرایندهای نظام‌مند همکاری نهادها و انجمن‌های غیر دولتی و خصوصی با ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان، انجمن معلولان محلات و نواحی شهر تهران و ستادهای اجرایی مناسب‌سازی فضاهای شهری شهرداری تهران»؛

۷- «بازنگری و تدوین و اجرای سازوکارها و فرایندهای نظارت، پیگیری و ارزیابی عملکرد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان از طریق ستاد اجرایی مناسب‌سازی فضاهای شهری شهرداری تهران»؛

۸- «نظارت برنامه‌ای عملکرد ستادهای اجرایی منطقه‌ای شهرداری تهران توسط ستاد مرکزی مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهرداری تهران»؛

۹- «نظارت سیاستی و برنامه‌ای دوره‌ای مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان توسط ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛

۱۰- «ایجاد هماهنگی و انسجام میان واحدهای ذیربط مناسب‌سازی محیط برای معلولان در شهرداری تهران»؛

- ۱۱- «رفع محدودیت‌ها و موانع حقوقی مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهرداری تهران»؛
- ۱۲- «بازنگری و اصلاح فرآیند نیازسنجی و اولویت‌بندی نیازهای مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهرداری تهران با توجه به اصلاحات ساختاری»؛
- ۱۳- «بازنگری و اصلاح فرآیند تخصیص اعتبار، تأیید انجام کار و هزینه‌های مربوط با توجه به اصلاحات ساختاری»؛
- ۱۴- «انجام هماهنگی‌های بین دستگاه‌های محلی در پیشبرد اجرای برنامه‌ای مشترک مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران از طریق ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان»؛
- ۱۵- «ارزیابی، رتبه‌بندی و ایجاد بانک اطلاعات پیمانکاران عمرانی شهرداری تهران بر اساس اجرای ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»؛
- ۱۶- «بازنگری و تغییر فرم‌های صدور پروانه و پایان‌کار ساختمانی و فرم‌های دستورکار و تحویل کلیه پروژه‌های عمرانی شهرداری تهران با هدف اضافه‌کردن اطلاعات لزوم اجرا و تأیید اجرای ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»؛
- ۱۷- «انجام مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در فرایند مطالعه و شناخت، برنامه‌ریزی، طراحی، بودجه‌ریزی، اجرا، نظارت، کنترل، پایش، اصلاح، ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی، آموزش و اطلاع‌رسانی»؛
- ۱۸- «بازنگری و اصلاح قراردادهای همسان (تیپ) عمرانی با هدف اضافه نمودن لزوم اجرای ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»؛
- ۱۹- «تدوین اصول طراحی و اجرای ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان با استفاده از طرح موضوعی غطعظی و مناسب‌سازی شهر تهران برای حرکت جانبازان و معلولان و تجربیات اجرایی»؛
- ۲۰- «تدوین آئین‌نامه‌ها و ضوابط و مقررات تمامی معلولیت‌ها از طریق دستگاه‌های ذیربط و همکاری ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای معلولان با استفاده از کلیه تجربه‌های ملی و فراملی و شرایط جغرافیایی ویژه محلی»؛
- ج- «اطلاع‌رسانی و آموزش»
- ۲۱- «ارتقاء سطح آگاهی عمومی در خصوص مشکلات، نیازها و ضرورت حضور معلولان در جامعه از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی»؛
- ۲۲- «آموزش دانش و روش و تدوین نیازهای آموزشی و اجتماعی معلولان با همکاری انجمن (NGO) معلولان محلات و نواحی، شهرداری‌های نواحی، شورایی‌های محلات و سازمان بهزیستی»؛
- ۲۳- «ارائه آموزش‌های برنامه‌ای و هماهنگ به معلولان و خانواده‌های آنها در خانه‌های فرهنگ محلات و فرهنگسراها توسط شهرداری تهران با همکاری سازمان بهزیستی»؛
- ۲۴- «ارائه آموزش ضمن خدمت مستمر عوامل فنی و اجرایی واحدهای سازمانی مربوط به مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان در شهرداری تهران»؛
- ۲۵- آموزش «طراحی و ساخت فضاها و تجهیزات معلولان» در دوره‌های آموزش عالی رشته‌های مربوط؛
- ۲۶- «گنجانیدن موضوع و ویژگی‌های فضاهای مناسب برای معلولان در کتاب‌های درسی دانش آموزان»؛
- ۲۷- «برگزاری مسابقات علمی و هنری در خصوص بهترین طراحی و ساخت فضاهای شهری از حیث رعایت ضوابط و مقررات مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان»؛
- ۲۸- تهیه «کتاب راهنمای شهری برای معلولان» به تفکیک انواع معلولیت.

منابع

- ۱- اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران (۱۳۸۵) اعتبار و هزینه مناسب‌سازی معابر عمومی برای معلولان و جانبازان در شهرداری‌های مناطق شهر تهران در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۴.
- ۲- اداره کل تدوین ضوابط و مقررات و صدور پروانه شهرداری تهران (۱۳۸۵) ضوابط و مقررات ساماندهی فضاهای شهری برای معلولین، پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۸۰/۸۵/۳۱۲۲۸/۸/۲۷ تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۷.
- ۳- بابائی‌اهری، مهدی (۱۳۷۲) برنامه اقدام جهانی برای معلولین، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.

- ۴- بابائی اهری، مهدی (۱۳۷۳) آیین نامه برابری فرصت‌ها برای معلولین (سازمان ملل متحد)، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
- ۵- بابائی اهری، مهدی (۱۳۷۴) دیدگاه‌هایی درباره ایجاد و گسترش محیط شهری بدون مانع، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
- ۶- حبیبی، محسن و قائم، گیسو (۱۳۶۷) فضای شهری و معلولین، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، چاپ اول.
- ۷- حبیبی، محسن و قائم، گیسو (۱۳۶۹) ساختمان‌های عمومی و معلولین، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، چاپ اول.
- ۸- حبیبی، محسن و قائم، گیسو (۱۳۷۲) معلولین و سد معبرهای ساختمانی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، چاپ اول.
- ۹- زندیه، مهدی (۱۳۸۵) مجموعه چکیده و اصل مقالات همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری برای معلولین، پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، چاپ اول.
- ۱۰- سازمان بهزیستی استان تهران (۱۳۸۴) گزارش عملکرد سال ۱۳۸۴ سازمان بهزیستی استان تهران..
- ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۲- شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۸۶) سند اصلی طرح راهبردی- ساختاری (جامع) شهر تهران..
- ۱۳- شهرداری تهران (۱۳۸۷) لایحه برنامه پنجساله (۹۲-۱۳۸۷) شهرداری تهران..
- ۱۴- شهرداری منطقه ۱ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۰۱/۵۸۲۴۸ تاریخ ۱۳۸۵/۹/۶
- ۱۵- شهرداری منطقه ۳ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۰۳/۴۰۹۶۲ تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۹
- ۱۶- شهرداری منطقه ۷ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۰۷/۸/۳۹۶۶۴ تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱۱
- ۱۷- شهرداری منطقه ۱۱ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۱۱/۱۵/۲۱۹۳۱ تاریخ ۱۳۸۵/۸/۲۹
- ۱۸- شهرداری منطقه ۱۲ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۱۲/۱/۲۰۷۱۷ تاریخ ۱۳۸۵/۷/۳۰
- ۱۹- شهرداری منطقه ۱۳ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۱۳/۲۰/۲۲۸۸۸ تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲۵
- ۲۰- شهرداری منطقه ۱۷ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۱۷/۳۵۲۶۱ تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۱
- ۲۱- شهرداری منطقه ۱۹ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۱۹/۱۴/۳۰۰۸۵ تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۶
- ۲۲- شهرداری منطقه ۲۰ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۲۰/۱۶/۴۵۰۱۸ تاریخ ۱۳۸۵/۷/۲۵
- ۲۳- شهرداری منطقه ۲۱ شهر تهران (۱۳۸۵) پاسخ استعلام و ارسال اطلاعات به شماره ۵۲۱/۶۵/۲۶۳۸۳ تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱
- ۲۴- فرنج، درک و ساورد، هیتر (۱۳۷۱) فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
- ۲۵- قائم، گیسو (۱۳۷۱) مسکن و معلولین، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، چاپ اول.
- ۲۶- کامرودی کجوری، موسی (۱۳۸۴) تحلیل فضایی کاربری‌های زمین در شهر تهران با تأکید بر عملکرد شهرداری از سال ۸۰-۱۳۷۰، رساله دوره دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، گروه جغرافیا.
- ۲۷- مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان.
- ۲۸- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۸۸) میزان تحقق ضوابط و مقررات مناسب‌سازی محیط برای معلولین در شهر تهران، گزارش پژوهشی شماره ۲۶۱-۸۸.
- ۲۹- معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران (۱۳۸۵) گزارش عملکرد ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری تهران برای جانبازان و معلولان.

راهکارهای ارائه بهینه تامین خدمات ایمنی و آتش نشانی در روستاهای کشور (مطالعه موردی: دهستان طاهرگوراب، شهرستان صومعه سرا، گیلان)

نصراله مولایی هشتجین - دانشیار جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.
سید حبیب رازی* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.
رضا حسن پور - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران.

Optimum Pattern of firefighting and safety services supply in country villages (Case study, Rural District Taherghorab, Somecvara Town ship of Gilan)

Abstract: Various events in the country according to the extent and variety of climate, human made dangerous, the gap between urban and rural environments, unfair distribution of services and facilities and lack of hierarchy in the rural community service problems are following the disastrous. One way to increase efficiency and safety factor depends on the villages is identifying, study and proper implementation of new methods to reduce fire risks by building firefighting center and their correct site selecting in the villages. In this study the village of Tahergurab from central city of Some Sara of Gilan province, with the aim of performance measurement and improvement of the existing firefighting station service hierarchy model and determining optimal location of rural firefighting stations, the defined area by using documents and field and analytical methods - descriptive and quantitative methods were studied. Accordingly Tahergurab village with large population (1317 persons) and the minimum total distance (102.9 km) compared to other villages, there most types of services in total institutions based on Gatman method (29 units) and having the highest centrality values (2.81), is the appropriate location for construction and development of firefighting center. Also, based on the SWOT model, strengths, weaknesses, opportunities and threats in the firefighting station according to different environmental aspects - ecological, economic, administrative review and ultimately a comprehensive safety and fire model is presented. The result suggests a positive and effective role in dealing with incidents of this firefighting station, especially, fire and increase public satisfaction is a function of the firefighting station.

Key words: optimize, Hierarchy, Rural settlement, Rural Fire Fighting Station, Taherghorab, Gilan

چکیده

بروز حوادث مختلف در کشور با توجه به «گسترده‌گی» و «تنوع اقلیمی»، «خطرات انسان ساخت»، «شکاف بین محیط‌های شهری و روستایی»، «توزیع ناعادلانه امکانات و خدمات» و «عدم وجود سلسله مراتب خدمات رسانی در جامعه روستایی»، بروز مشکلات فاجعه آمیز را در پی دارد. یکی از راههای افزایش کارایی و ضریب ایمنی روستاها در گرو شناسایی، مطالعه و اجرای صحیح روشهای نوین کاهش ریسک با احداث پایگاههای آتش نشانی و مکان یابی صحیح آنها در روستاها می باشد. در این پژوهش در دهستان طاهرگوراب از توابع بخش مرکزی شهرستان صومعه سرا، گیلان، با هدف سنجش عملکرد پایگاه موجود و بهبود الگوی سلسله مراتب خدمات رسانی و تعیین مکان بهینه پایگاه آتش نشانی روستایی، محدوده مورد نظر با استفاده از روشهای «اسنادی و میدانی» و «روش تحلیلی - توصیفی» و روشهای کمی مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس روستای طاهرگوراب با داشتن تعداد جمعیت زیاد (۱۳۱۷ نفر) و حداقل مجموع فواصل (۱۰۲.۹ کیلومتر) نسبت به سایر روستاها، وجود بیشترین خدمات در مجموع انواع موسسات بر اساس «روش گاتمن» (۲۹ واحد) و با دارا بودن بالاترین «ارزش مرکزیت» (۲.۸۱)، مناسبترین مکان برای احداث و توسعه پایگاه آتش نشانی می باشد. همچنین بر اساس مدل SWOT نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت در پایگاه مورد نظر از جنبه‌های مختلف محیطی - اکولوژیکی، اقتصادی، مدیریتی بررسی شده و در نهایت راهکارهای ارائه بهینه خدمات جامع ایمنی و آتش نشانی ارائه شده است. نتایج حاصله حکایت از نقش مثبت و موثر این پایگاه در مقابله با حوادث بخصوص حریق و افزایش رضایت مردم از عملکرد این پایگاه دارد.

واژگان کلیدی: بهینه سازی، سلسله مراتب، سکونتگاههای روستایی، پایگاه آتش نشانی روستایی، طاهرگوراب، گیلان.

شکل‌گیری نوعی خاص از نظام فضایی سکونتگاه‌های انسانی منجر شده است. «نبود تعادل میان سکونتگاه‌های روستایی و شهری» در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، موجب برهم خوردن نظم فضایی سکونت‌گاهها از یک سو و رشد شتابان شهرهای درجه اول و دوم، مهاجرت‌های نارس از روستاها به شهرها و محرومیت روزافزون روستاها در مقایسه با شهرها از سوی دیگر شده است (مولایی هشتجین، ۱۳۸۲، ص ۲۵). یکی از خدمات زیرساختی در روستاها ارائه خدمات ایمنی و آتش‌نشانی در این نقاط می‌باشد. هر ساله در نقاط مختلف روستایی کشور حوادث و حریق‌های بسیاری اتفاق می‌افتد که باعث وارد آمدن آسیب به افراد، خسارات به اموال و برهم خوردن تعادل اکولوژیکی و مشکلات زیست محیطی و غیره می‌شود به طوری که کشور ایران از جمله ده کشور جهان از نظر بلاخیزی بوده و از نظر تنوع حوادث در زمره پنج کشور اول دنیا قرار دارد. آمارهای موجود شهرداریها و سازمانهای آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرهای کشور در زمینه وقوع حوادث و حریق‌های مختلف بویژه در شهرهایی با نقاط روستایی پیرامونی، بیانگر این مسأله است که وقوع حریق در نقاط روستایی (بویژه در زمان برداشت محصول و فصول گرم) بسیار بیشتر از محدوده شهری می‌باشد.

در این زمینه به رغم آگاهی مسئولان، هنوز پایداری و کاهش آسیب‌پذیری در نقاط روستایی رویه‌ای منطقی را شاهد نبوده و تمرکز اصلی ایجاد ایمنی و پایداری سکونتگاهها، در نقاط شهری می‌باشد؛ به طوری که طبق قانون شهرداریها خدمات رسانی آتش‌نشانیها منحصر به محدوده‌های شهری می‌باشد و این نهاد خدمات رسانی تنها به واسطه تعهد انسانی به نقاط روستایی خدمات رسانی می‌کنند. که این مسأله نیز به دلیل عدم دسترسی‌های مطلوب، دوری روستاها و ضعف تجهیزات و غیره در بسیاری از موارد کارایی چندانی ندارد؛ بنابراین نقاط روستایی کشور با حدود ۳۱.۴ درصد جمعیت کشور نیازمند پوشش حمایتی و خدماتی مطمئن برای مقابله با حوادث و حریق‌های مختلف می‌باشند. محدوده مورد مطالعه دهستان طاهر گوراب از توابع بخش مرکزی شهرستان صومعه سرا در استان گیلان می‌باشد. این

استقرار هر عنصر در «موقعیت فضایی- کالبدی» خاصی از سطح شهر یا روستا، تابع اصول و قواعد و ساز و کار (مکانیسم‌های) خاصی است که در صورت رعایت شدن به موفقیت و کارایی عملکردی آن عنصر در همان مکان مشخص، خواهد انجامید. استقرار بسیاری از عناصر بیشتر تابع ساز و کارهای اقتصادی و رقابت آزاد است، اما برای خدمات عمومی که «ایستگاههای آتش‌نشانی» نیز جزء این نوع از خدمات می‌باشند، نمی‌توان به ساز و کارهای بازار بسنده کرد، بلکه لازم است برای جبران ناکارآمدی‌های بازار به تصمیمها و سیاستهای مبتنی بر منافع عموم نیز تمسک جست. رعایت اصول و مبانی مکان‌گزینی و استقرار واحدهای خدمات عمومی و شهری با هدف حداکثر کردن کارایی و اثربخشی آنها و نیز برنامه‌ریزی و طراحی این واحدها، چندان در شهرها به خصوص در روستاهای ایران مرسوم نیست. این خلاء و غفلت در بعضی از مراکز خدمات مانند آتش‌نشانی، ممکن است تبعات منفی جبران‌ناپذیری را برای آحاد مردم و همچنین هزینه‌های بیشتر برای نهادهای مدیریتی برجای گذارد. ایستگاههای آتش‌نشانی به عنوان مکانی جهت استقرار و انتظار خودروهای آتش‌نشانی و امداد، از جمله مراکز مهم و حیاتی خدمات‌رسانی در شهرها و روستاها هستند که نقش مهمی در تأمین ایمنی و آسایش شهروندان و توسعه اقتصادی مکانهای فعالیتی ایفا می‌نمایند. بدیهی است خدمات‌رسانی به موقع و مطمئن توسط ایستگاههای آتش‌نشانی بیش از هر چیز مستلزم استقرار آنها در مکانهای مناسب است که بتوانند در اسرع وقت و بدون مواجه شدن با موانع و محدودیتها از یک طرف و با ایجاد حداقل آثار منفی بر روی زندگی ساکنان از طرف دیگر به محل حادثه رسیده و اقدامات اطفاء و یا امداد را به انجام برسانند.

۲- بیان مسئله

روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در چند دهه اخیر، بخصوص از زمان حکومت پهلوی تاکنون از یک طرف و گوناگونی بستر جغرافیایی از طرف دیگر، به

دهستان شامل ۲۴ نقطه روستایی بوده و به دلیل پوشش جنگلی منطقه و رونق فعالیت‌های کشاورزی و نیز پراکندگی بسیاری از این نقاط و نیز دور بودن از محدوده خدمات رسانی ایستگاه‌های آتش نشانی شهرهای این منطقه، هر ساله حریق‌ها و حوادث مختلفی در این منطقه به وقوع می‌پیوندد که موجب بروز آسیب‌های مختلف جانی، مالی و اکولوژیکی و غیره شده است.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از لحاظ هدف، «کاربردی» بوده و به لحاظ ماهیت «تحلیلی- توصیفی» می‌باشد و جهت جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از «روش اسنادی و میدانی» بهره‌گرفته شده است. در روش اسنادی تکنیک کار شامل «فیش‌برداری»، «سوابق آماری» و «دیدگاه‌ها و نظریات مختلف مربوط به موضوع پژوهش» بوده که با مراجعه به کتابخانه‌ها، نمایه‌ها و آرشیوهای مختلف به دست آمده است. در «روش میدانی» بنا به ماهیت موضوع از فنون مختلفی مانند «پرسشنامه» (نمونه‌گیری)، «مصاحبه» (سؤالات باز و بسته)، «مشاهده عینی»، «عکسبرداری» و غیره استفاده شده است.

۴- مبانی نظری تحقیق

بررسی تاریخچه، مطالعات و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد «پیدایش و توسعه آتش نشانی در جهان» از حدود ۳ قرن پیش با اولین کوشش‌های اساسی برای مقابله با آتش سوزی در شهرهای بزرگ جهان صورت گرفت که ماحصل آن، تشکیل سازمان آتش نشانی در اکثر کشورها بود. سپس این سازمان در روند تکمیلی خود برای مقابله با حوادث و بلایای مختلف وظایف جدیدی را عهده دار شد. با گذشت زمان مطالعات و نظریات مختلفی در زمینه مکانیابی و ارائه خدمات بهینه مطرح شد که در کل به سه گروه شامل:

الف - «نظریه‌های مربوط به حداقل کردن هزینه»: تعیین مکان با تاکید بر حداقل کردن هزینه‌های عوامل تولیدی است؛ و

ب - «نظریه‌های مربوط به تجزیه و تحلیل بازار»: تاکید بر تقاضا و عوامل تشکیل دهنده بازارهای در دسترس و

حداکثرکردن درآمد است؛ و

ج - «نظریه‌های مربوط به حداکثر کردن سود»: ترکیبی منطقی از دو نگرش فوق است (آسایش، ۱۳۷۹، ص ۳۹). با توجه به نظریه‌های مطرح شده و کارهای انجام گرفته در سیر تحول و تکامل آنها، مدل‌های مکان‌یابی را از نظر تکامل زمانی به سه دوره می‌توان تقسیم کرد:

الف - «فرموله کردن مسئله» (از زمان و بر تا دهه ۱۹۴۰)؛ و

ب - «کاربرد مدل‌ها در بخش صنعت» (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰)؛ و

ج - «توسعه مدل‌ها در بخش عمومی و خدمات رسانی» (پرهیزگار، ۱۳۷۶، ص ۷).

«مدل‌های مکان‌گزینی» در بخش عمومی و خدمات رسانی، قسمت آخر از روند شکل‌گیری مدل‌ها می‌باشند که در آن تعداد زیادی از تصمیم‌گیرندگان (کاربران) در مدل منظور می‌شوند و بخش عمومی به عنوان متولی جامعه، تنها کسب حداکثر سود یا به حداقل رساندن هزینه‌ها را در نظر نمی‌گیرد، بلکه جلب رضایت همه شهروندان و برقراری «عدالت اجتماعی» در دسترسی به خدمات مختلف را پی‌گیری می‌نماید. در مدل‌های مکان‌گزینی مراکز خدماتی، تأکید فوق‌العاده‌ای روی هزینه‌های مرتبط با حمل و نقل که منتج از فاصله است بوضوح نمایان می‌باشد. با اینکه عامل فاصله، یک شاخص مهم برای برنامه‌ریزان و مدیران می‌باشد اما تمرکز در فاصله و استثنای سایر شاخص‌ها، ضعف بزرگی برای این مدل‌ها خواهد بود، در همان حال اهمیت فاصله‌ی فیزیکی در حالت‌های اضطراری مانند اعزام آمبولانس یا ماشین‌های آتش‌نشانی به محل درخواست امداد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در روند تکاملی مدل‌ها جهت رسیدن به توزیع بهینه خدمات و دخالت دادن حداکثر کاربران (مشتریان) در یک حوزه خدماتی خاص و در عین حال به حداقل رساندن هزینه‌ها و در نهایت نزدیک شدن به تأمین عدالت اجتماعی، پارامترها و شاخص‌های مختلفی مطرح شدند که در مدل‌ها منظور گردیدند. در حال حاضر به کمک رایانه‌ها و نرم‌افزارها با استفاده از تحلیل شبکه و کاربرد مدل‌های ریاضی مختلف، در بخش خدمات عمومی خصوصاً در مکان‌گزینی کاربریها و خدمات از تلفیق

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

مدلهای ریاضی با توانمندی‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی در مکان‌گزینی خدمات شهری و روستایی جهت دستیابی به تأمین عدالت اجتماعی استفاده می‌کنند.

۵- تاریخچه آتش‌نشانی در ایران

در ایران اولین اقدام برای «حفاظت اماکن و بناها در برابر آتش»، در سال ۱۲۲۱ هجری شمسی در «شهر تبریز» با ایجاد یک واحد آتش‌نشانی انجام گرفت. همچنین دومین واحد آتش‌نشانی در ایران، با هدف حفاظت از «پالایشگاه نفت مسجد سلیمان و آبادان» در جنوب کشور احداث شد. اما تا آن موقع ایستگاههای خاص خاموش کردن آتش در سطح شهرها وجود نداشت. ایجاد پایگاه آتش‌نشانی در شهر تهران، از سال ۱۳۰۳، ابتدا از یک تانکر آب که برای آب‌پاشی خیابان‌های تهران خریداری شده بود، آغاز گردید. به همراه این تانکر، یک موتور پمپ که از آن برای پرکردن یا تخلیه نمودن تانکر استفاده می‌شد نیز خریداری شد. از این تانکر علاوه بر آب‌پاشی خیابان‌ها برای خاموش کردن آتش نیز استفاده می‌شد. وقوع آتش‌سوزیهای شدید و کمبود امکانات، مسئولان را واداشت تا به تجهیز وسایل آتش‌نشانی بپردازند و بدین منظور در سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷، پنج دستگاه اتومبیل مخصوص خاموش کردن آتش با تمامی وسایل و لباس نسوز خریداری شد. تقریباً همزمان با تاسیس اطفاییه در تهران، در برخی شهرستانها نیز شعبه‌های اطفاییه توسط بلدیه‌ها افتتاح شد. از اقدامات جدید برای تأمین پوشش ایمنی در کشور، ساخت پایگاه آتش‌نشانی روستایی است که در برنامه سوم توسعه کشور با احداث هشت پایگاه آتش‌نشانی صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۱ نیز با مطرح شدن مدیریت روستایی در قالب دهیاری‌ها، موضوع تأمین خدمات ایمنی و آتش‌نشانی در فضاهای روستایی کشور پیگیری شده است. در شرایط کنونی، حضور دهیاری‌ها قابلیت اجرایی مدیریت خدمات ایمنی در روستاها را افزایش می‌دهد. استفاده مناسب از ساختار جدید مدیریت روستایی می‌تواند اثر بسزایی در توسعه خدمات ایمنی و آتش‌نشانی در سراسر کشور داشته باشد (کتاب سبز شهرداریها، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

۶- وضعیت آتش‌نشانی روستایی در ایران

۶-۱- پایگاه‌های آتش‌نشانی روستایی

از آنجایی که یکی از اهداف مهم دولت، کند نمودن روند مهاجرت روستاییان به شهرها و نیز تثبیت جمعیت در مناطق روستایی می‌باشد، لذا فراهم نمودن زمینها و زیرساخت‌های آن امری ضروری و مهم تلقی می‌گردد. همچنین با توجه به وسعت جامعه روستایی و شرایط خاص اقلیمی برخی از آنها اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت در برابر حریق و افزایش ایمنی در سطح روستاها؛ می‌تواند گامی موثر در این زمینه محسوب گردد. همچنین دهیاری به موجب «بند‌های ۱، ۲، ۳، ۱۴، ۲۳، ۲۹، ۳۰ و ۳۹ ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها مصوب ۸۰/۱۱/۲۱» در راستای فراهم نمودن زمینه ایجاد پارک‌ها و فضاهای سبز، ورزشی و آموزشی و مراکز تفریحی عمومی، ایجاد و سازماندهی غسالخانه و اطفاء حریق وظیفه مند می‌باشند. از این رو سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور جهت حمایت از روستاییان و ایجاد امکانات لازم در این زمینه، برنامه‌ریزی لازم را انجام داده است که بر این اساس تکمیل طرح و تجهیز سایر روستاهای واجد شرایط نیازمند تأمین اعتبار لازم در این خصوص می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع صدرالذکر و ارتباط مستقیم آن با وضعیت ایمنی ساکنین روستایی؛ برنامه‌ها و اقدامات زیادی توسط دهیاری‌ها در زمینه‌های فوق در حال برنامه‌ریزی است که در صورت حمایت اعتباری و آموزشی آن‌ها اقدامات چشم‌گیر و مثبتی در سطح روستاهای کشور رخ خواهد داد. با توجه به اینکه وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) بعنوان دستگاه مسئول و ارائه‌کننده خدمات در زمینه‌های مورد نظر نقش اساسی ایفاء می‌کند، انتظار آن می‌رود تمهیدات لازم در این خصوص بعمل آید. مطابق آخرین اعلام رسمی مرکز آمار ایران جمعیت روستایی کشور برابر ۲۲۱۳۱۱۰ نفر می‌باشد که در مقایسه با جمعیت کل کشور ۳۱/۴ درصد از جمعیت کشور در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. تعداد آبادیهای کشور نیز حدود ۶۳۱۲۵ آبادی است که استقرار مدیریت روستایی به موجب قانون تاسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور مصوب ۱۳۷۷، در تعداد ۳۷۷۶۹ روستای بالای ۲۰ خانوار از

مجموع کل روستاهای کشور میسر می‌باشد (سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، بانک اطلاعات معاونت امور دهیاریها، ۱۳۸۹). با تشکیل واحد مدیریت روستایی به نام دهیاری وظایف ۴۷ گانه ای به عهده دهیار و دهیاری گذارده شد که در ذیل وظایف مرتبط با ایمنی و آتش نشانی کشور مطابق اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیاریها مصوب ۱۳۸۰ ذکر می‌شود:

۱. «اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ روستا از خطر سیل و حریق در رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر و اماکن عمومی و تسطیح چاهها و چاله‌های واقع در معابر بر اساس مصوبات شورا» (بند ۳۰ ماده ۱۰)؛ و
۲. «همکاری با واحدهای امداد رسانی در هنگام وقوع حوادث و سوانح غیر مترقبه و بلاای طبیعی» (بند ۳۹ ماده ۱۰).

۲-۶- جمعیت روستایی تحت پوشش خدمات ایمنی و آتش نشانی

فضای روستاهای کشور تلفیقی از بافت کالبدی روستا و مزارع، باغها و جنگل‌های حواشی روستاست که محل فعالیت و تولید روستا تلقی می‌شود. یکی از خدمات عمومی و پایه مورد نیاز روستاهای کشور برخورداری از خدمات ایمنی و آتش نشانی به دلیل وجود فضاهای فراوان مخاطره آمیز در روستاهای کشور می‌باشد. بررسی وضع موجود، نشان از آن دارد که تاکنون شهرداریهای کشور که به موجب «بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری» وظیفه تامین ایمنی شهر و شهروندان در برابر خطر آتش سوزی و سیل را به عهده دارند، خارج از وظیفه قانونی خود به روستاهای پیرامونی خدمات ایمنی و آتش نشانی را ارائه می‌نمودند.

وضعیت فوق حاکی از آن است که تقریباً ۳۱/۴ درصد از جمعیت کشور خارج از پوشش ایمنی و آتش نشانی قرار دارند در حالیکه سالانه در پهنه‌های روستایی کشور ۲۵۴۵۱ فقره آتش سوزی در واحدهای مسکونی، مراکز تولیدی، مزارع، باغها، و جنگل‌های حاشیه روستاها رخ می‌دهد که حسب داده‌های بانک اطلاعات شناسنامه ده و دهیاری که از روستاهای دارای دهیاری جمع‌آوری شده است، سالانه خسارتی بالغ بر حدود ۵۰۰ میلیارد ریال به

جای می‌گذارد. اگر موضوع حوادث غیر مترقبه به خصوص زلزله را که به دلیل آسیب پذیری مساکن روستایی و استفاده از مصالح کم دوام در ساخت آن به این آسیب پذیری اضافه کنیم درمی‌یابیم که روستاهای کشور بیش از پیش نیازمند توجه در مقوله ایمنی و آتش نشانی می‌باشند (نمونه زلزله بم و تخریب بالای ۷۰ درصد از ۲۶۳ پارچه آبادی در سال ۱۳۸۲).

مطابق مصوبه شورایی عالی معماری و شهرسازی کشور در خصوص ضوابط ایجاد پایگاههای آتش نشانی روستایی در صورتی که هر یک از این پایگاهها ۱۰ روستا را تحت پوشش قرار دهند با توجه به وضع موجود و تحت پوشش بودن ۲۴۱۰ روستا، ۶/۱ درصد روستاها و ۶/۳ درصد جمعیت روستایی تحت پوشش خدمات ایمنی و آتش نشانی قرار می‌گیرد. صرفه جویی‌های ناشی از ایجاد چنین مراکز خدمات نوینی در روستاهای کشور که می‌تواند انواع حوادث از جمله آتش سوزی، امداد جاده‌ای و حوادث غیر مترقبه را پوشش دهد علاوه بر حفظ سرمایه‌های انسانی در حفظ سرمایه‌های طبیعی و محیطی و ایمن سازی فضاهای سکونت و کاهش خسارات صدر الذکر نقش موثری خواهد داشت؛ چراکه میزان خسارات فعلی به دلیل عدم پوشش ایمنی و آتش نشانی در روستاهای کشور می‌باشد. پایگاه آتش نشانی روستایی مکانی است مستقل و تحت مالکیت دهیاری روستای محل استقرار که با برخورداری از نیروی آموزش دیده و تجهیزات (خودروی با ظرفیت سبک) مقابله با آتش سوزی و امداد و نجات، تحت نظارت بخشدار به عملیات امداد و نجات آسیب دیدگان حوادث مترقبه و غیرمترقبه در محدوده روستاهای تحت پوشش می‌پردازد. تاکنون دو برنامه برای ساخت و تجهیز پایگاه آتش نشانی در روستاهای کشور توسط سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور تنظیم و اجرا شده است که نخستین برنامه در سال ۱۳۸۳ با ساخت و تجهیز ۱۲۱ پایگاه آتش نشانی و دومین برنامه در سال ۱۳۸۷ برای تجهیز ۱۲۰ پایگاه آتش نشانی در روستاهای کشور طراحی شده است. البته از آغاز اجرای برنامه نخست تاکنون ۱۰ روستای تعیین شده برای ایجاد پایگاه به شهر تبدیل شدند. بر این اساس از مجموع کل دهیاریهای تجهیز

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

شده در دو مرحله ۲۴۱ دهیاری ۱۰ پایگاه آتش نشانی حذف شد. لذا با اجرای این دو برنامه تعداد پایگاههای آتش نشانی کشور به ۲۳۱ پایگاه رسیده است (سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، دفتر معاونت عمران و توسعه روستایی، ۱۳۸۹).

۳-۶- ماشین آلات آتش نشانی روستایی

همانگونه که در بالا اشاره شد، از ابتدای تأسیس دهیاریها تاکنون مجموعاً دستگاه خودرو آتش نشانی خریداری و در اختیار پایگاههای آتش نشانی روستایی قرار گرفته که با توجه به تبدیل ۱۰ دهیاری از این تعداد روستاها به شهر در حال حاضر مجموع پایگاههای فعال آتش نشانی روستایی ۲۳۱ پایگاه می باشد. همچنین ۱۷۳۳ دستگاه کپسول اطفای حریق نیز برای دهیاریها خریداری و بین آنها توزیع شده است. بطوریکه کلیه پایگاههای آتش نشانی روستایی موجود در حال حاضر حداقل یک دستگاه ماشین آتش نشانی و تعدادی کپسول اطفای حریق دارا می باشند. دفاتر و واحدهای تخصصی سازمان از قبیل دفتر عمران و توسعه روستایی، اداره کل تجهیزات و تدارکات، ستاد ایمنی و آتش نشانی و کمیته فنی ماشین آلات سازمان با مطالعه کافی برای تهیه خودرو مناسب و متناسب با شرایط اقلیمی و جغرافیایی روستاهای کشور و ضریب وقوع حادثه در روستاهای دارای ایستگاه و محدوده عملیاتی این ایستگاهها و با هدف امکان خدمات رسانی مطلوب، خودروهای آتش نشانی را از میان خودروهای تیپ ۱ و بر روی دو نوع شاسی کامیون آمیکو و ایسوزو ساخته و به تجهیزات امداد و ایمنی لازم تجهیز و توزیع نموده است. در شناسایی خطرات حریق معمولاً به سه عنصر اصلی تشکیل دهنده آن (اکسیژن، منبع سوخت، منبع اشتعال) پرداخته می شود و جهت پیشگیری از وقوع حریق سعی می شود هر کدام از این عناصر محدود گردد. (American Society for Testing and Materials, May 2006)

تجهیز پایگاهها به انواع ادوات و تجهیزات جدید قابل استفاده و متناسب با شرایط روستاها با توجه شناسایی خطرات از لوازم خاص نظیر موتورسیکلت های

امداد رسان و خاموش کننده های پر قدرت جدید قابل حمل توسط انسان و همچنین مطالعه، طراحی و اجرای سیستم های جامع هوشمند اعلام حریق قابل اتصال به مراکز امداد و نجات از جمله برنامه های آتی برای دستیابی به روستاهای ایمن می باشد.

۴-۶- معیارهای مکانیابی پایگاههای آتش نشانی

«مکان یابی پایگاه آتش نشانی روستایی»، به معنی تعیین مناسب ترین مکان در سطح روستا با توجه به موقعیت نسبی می باشد. عوامل موثر در مکان یابی مانند جاده ها، بافت روستا، شبکه دسترسی درون روستا، عوارض طبیعی و وضعیت پستی و بلندی زمین است. انتخاب مناسب ترین مکان باید بر اساس معیارهایی صورت گیرد که عملکرد صحیح را تضمین کند. مهم ترین عوامل موثر در مکان یابی پایگاه آتش نشانی روستایی شامل موقعیت روستا، جمعیت و یا منطقه زیر پوشش، اموال و دارایی های منطقه، تراکم، شبکه های ارتباطی، احتمال وقوع حوادث در کاربری ها و نواحی مختلف، نحوه مجاورت با شبکه دسترسی داخل و خارج روستا، دسترسی به منابع آب کافی و ودایمی و همجواری یا دوری از کاربری های آسیب پذیر و حساس روستا می باشد (کتاب سبز دهیاریها، ۱۳۸۷، ص ۶۴). که علاوه بر آن لازمست بر خطرات و شدت آن احتمال وقوع خطر و حادثه، ریسک با ضرایب مشخص توجه گردد:

۱. «خطر»: به شرایطی اطلاق می شود که دارای پتانسیل آسیب و صدمه به افراد، خسارت به دارایی ها و از بین بردن مواد یا کاهش کارایی در اجرای یک عمل از پیش تعیین شده باشد؛ و

۲. «شدت خطر»^۲: عبارتست از یک توصیف طبقه بندی شده از سطح خطرات بر اساس پتانسیل واقعی یا مشاهده شده آنها در ایجاد جراحت، صدمه و یا آسیب؛ و

۳. «احتمال خطر»: عبارتست از امکان بروز شرایط خاص در یک وضعیت معین؛ و

۴. «حادثه»: واقعه ای برنامه ریزی نشده و گاهی صدمه آفرین یا خسارت رسان که انجام، پیشرفت یا ادامه طبیعی فعالیتها را مختل می کند و همواره در اثر اعمال

یا شرایط نایمن و یا ترکیبی از آنها به وقوع می‌پیوندد؛ و
۵. «ریسک»: عبارتست از امکان وقوع حادثه بر حسب
احتمال وقوع و شدت آن.

(ISO/TK 13327-2, 1999)

۷- یافته‌های حاصل از بررسی خدمات ایمنی و آتش نشانی روستایی در کشورهای توسعه یافته

نگاهی به تجارب کشورهای جهان نشان می‌دهد که در
بیشتر کشورهای توسعه یافته مشارکت مردم در
فعالیت‌های ایمنی امدادی در سطح بالایی قرار دارد و
بطور مثال در کشور آلمان تعداد آتش نشانان داوطلب
نزدیک به ۶۰ برابر آتش نشانان حرفه‌ای است (راضی،
۱۳۸۰، ص ۵۹). بنا به نظر انجمن ملی حفاظت در برابر
حریق (NFPA) در حدود ۱/۱ میلیون آتش نشان در
ایالات متحده وجود دارد. از این تعداد ۲۷ درصد آتش
نشانان شاغل تمام وقت و ۷۳ درصد آتش نشان داوطلب
می‌باشد. حدوداً ۳۰ هزار ایستگاه در سراسر ایالات
متحده وجود دارد. ایستگاههای آتش نشانی ممکن
است از آتش نشانان شاغل، داوطلب و یا ترکیبی از هر دو
تشکیل شده باشند که بر حسب نیازها و منابع موجود در
منطقه به ایفای نقش می‌پردازند (سازمان شهرداریها،
۱۳۸۹، ص ۲۲). در یک بررسی اجمالی از وضعیت ایمنی و
آتش نشانی روستایی کشورهای توسعه یافته می‌توان به
موارد ذیل اشاره کرد:

- «وجود قانون ایمنی و آتش نشانی»؛ و
- «هماهنگی بین آتش نشانی شهری و روستایی»؛ و
- «برخورداری از سلسله مراتب و سطوح خدمات
رسانی»؛ و

- «استفاده از مشارکت تمام مردمی در تمامی جوانب»؛ و
- «برخورداری پایگاه‌های آتش نشانی روستایی از لوازم و
تجهیزات کامل و کارآمد»؛ و

- «بهره‌گیری از نیروهای آموزش دیده و ماهر»؛ و
- «هماهنگی بین ارگانهای مرتبط امدادی مانند
اورژانس، آتش نشانی، پلیس»؛ و
- «هم پوشانی ایمنی و آتش نشانی در سطح سرزمین»؛ و
- «بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف در جهت آموزشهای
همگانی»؛ و

- «تهیه بسته‌ها و دستورالعمل‌های مختلف برای
مواجهه با هرگونه شرایط»؛ و
- «پوشش همه حوادث مانند تصادفات جاده‌ای»
(FEMA&NFPA, October2007)

۸- معرفی محدوده مورد مطالعه

دهستان طاهرگوراب از توابع بخش مرکزی شهرستان
صومعه سرا می‌باشد که بین «۳۷°۲۵'۱۶ تا «۳۷°۲۰'۱۹ عرض
جغرافیایی و همچنین بین «۳۴°۹'۳۹ تا «۴۵°۱۹'۴۹ طول
جغرافیایی قرار گرفته است. این دهستان از شمال به
دهستان ضیایر، از شرق به دهستان کسما از غرب به

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۲۱



نقشه شماره ۱. شهرستان صومعه سرا به تفکیک بخش و دهستان و پراکنش آبادی‌ها در دهستان طاهرگوراب

شهرستان ماسال و از جنوب به بخش میرزا کوچک جنگلی منتهی می‌شود. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ این دهستان از ۲۴ روستای دارای سکنه تشکیل شده که مساحت دهستان برابر با ۸۶/۰۶۲ کیلومتر مربع می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

در محدوده مورد مطالعه واحد امدادی آتش نشانی فقط در روستای طاهرگوراب وجود دارد. دهیاری این روستا در سال ۱۳۸۳ تاسیس و احداث پایگاه آتش نشانی جدید در محوطه دهیاری در سال ۱۳۸۸ شروع و از حدود ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی (نصب اسکلت فلزی) برخوردار می‌باشد. با توجه به اینکه بزرگترین کارخانه پیله ابریشم خاورمیانه در مجاورت این روستا قرار گرفته این پایگاه تنها دارای یک خودروی اطفائیه (آمیگو چینی) بوده که دارای ظرفیت آب کم، فرسوده و فاقد حداقل لوازم و تجهیزات آتش نشانی مورد نیاز می‌باشد (دهیاری طاهرگوراب، ۱۳۸۹).

بررسی آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشانگر این مطلب است که تعداد خانوارها از سال ۴۵ تا ۸۵ رو به افزایش بوده است؛ به طوریکه تعداد خانوارها از ۲۲۰۷ خانوار در سال ۴۵ به ۳۲۶۷ در سال ۸۵ رسیده است. جمعیت این دهستان رو به کاهش بوده و از ۱۱۸۶۲ نفر در سال ۴۵ به ۱۱۴۴۷ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. بُعد خانوار به تناسب نوسانهای جمعیتی در حال تغییر بوده؛ به طوریکه متوسط بُعد خانوار در سال ۱۳۴۵ برابر با ۵.۳ نفر در خانوار و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۳.۵ می‌باشد (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی ۱۳۸۵-۱۳۴۵).

۹- نتایج بررسی حوادث روستایی در استان گیلان

استان گیلان به خاطر شرایط خاص جغرافیائی، زمین شناسی و آب و هوائی، بی نصیب از رخداد حوادث طبیعی نبوده و در آمار مربوط به سال ۱۳۸۸، در مجموع تعداد ۸۳۵ دهیاری تعداد ۶۲۱ مورد حادثه آتش سوزی اتفاق افتاده است. در سایر حوادث و سوانح نیز زلزله با ۱۷۶ مورد و سیل با ۱۲۶ مورد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین بطور متوسط بالغ بر ۷۲ میلیارد ریال خسارت ناشی از آتش سوزی متوجه روستاهای فوق در این استان شده است. از طرفی با توجه به وضعیت و موقعیت این

استان، به لحاظ مسافر پذیر بودن و بالا بودن جمعیت شناور، نوع ساخت و ساز اماکن مسکونی و عمومی، شرایط آب و هوایی، نوع اشتغال و تردهای جاده‌ای، هر از چندگاهی به کرات در نقطه‌ای از استان شاهد بروز حوادث انسان ساختی، همچون آتش سوزی اماکن مسکونی، تجاری، کارخانجات، انبارهای کشاورزی و دامی، خفگی ناشی از گاز گرفتگی، برق گرفتگی، حوادث مکرر جاده‌ای، آتش سوزی وسیع جنگلها، حوادث کوچک و بزرگ ناشی از عدم رعایت نکات ایمنی در منزل و محل کار، سقوط در چاه، سقوط اجسام و اشجار بوده و رخداد همین حوادث نیز علاوه بر تلفات و جراحات انسانی، تأثیر بسیار زیادی بر وضعیت روحی - روانی و اقتصادی شهروندان گیلانی در مناطق روستایی می‌گذارد. طول عمر و قدمت اماکن مسکونی در برخی از روستاهای استان، ساخت و سازهای غیر استاندارد، عدم رعایت نکات ایمنی در ساخت و سازها، عدم پیش بینی ابزار و امکانات ایمنی در اماکن (البته ساختمان‌های قدیمی عموماً ایمنی در آنها رعایت نشده و هیچگونه ابزار ایمنی در آنها منظور نگردیده است)، بخصوص عدم بکارگیری روشها و ابزار مناسب ایمنی، عدم آشنائی به نحوه استفاده از ابزار و تجهیزات، سهل انگاری و عدم رعایت نکات ایمنی در منزل و محل کار، همگی به نحوی از عوامل مؤثر در ایجاد حوادث انسان ساخت و تشدید آن می‌باشند.

۱۰- بررسی مکان گزینی پایگاه آتش نشانی روستای

طاهرگوراب با استفاده از روشهای آماری

بر اساس بررسی میدانی صورت گرفته و طبق آمار ارائه شده از سوی پایگاه آتش نشانی طاهرگوراب در طی سالهای ۸۹-۸۴ تعداد ۸۰۰ حریق و حادثه در محدوده خدماتی پایگاه مذکور به وقوع پیوسته و از پایگاه آتش نشانی جهت امداد رسانی اعزام شدند. یکی از مشکلات اساسی توسعه فضایی و ناحیه‌ای، گسیختگی سازمان فضایی و عدم سلسله مراتب مبتنی بر رابطه تعاملی میان سکونتگاهها است. در همین راستا تعیین و تشکیل سلسله مراتبی از سکونتگاهها که بتواند چارچوب موثری برای توزیع جمعیت، فعالیتها، خدمات و کارکردها در

سطوح مختلف باشد، ضروری است؛ بنابراین بکارگیری معیارها و روشهای کمی، جهت سطح بندی سکونتگاهها در سیستم فضایی مناطق، نه تنها موجب شناخت تفاوت میان سکونتگاهها می‌گردد، بلکه این سطح بندی معیاری برای تعیین مرکزیت، همچنین تعیین تعداد انواع خدمات مورد نیاز و تعدیل نابرابری بین سکونتگاهها می‌باشد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹). لذا به منظور بررسی جانمایی و استقرار پایگاه آتش نشانی در مرکز دهستان طاهرگوراب با توجه به ضوابط اعمال شده، عملکرد پایگاه مذکور در مرکز دهستان و سایر نقاط روستایی که از خدمات این پایگاه بهره می‌برند با استفاده از روشهای مجموع حداقل فواصل، روش گاتمن، شاخص مرکزیت و تحلیل روابط کارگری به آزمون گذاشته شده و نتایج حاصل از بررسیها و مصاحبه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱-۱۰- روش مجموع حداقل فواصل

یکی از ساده‌ترین روشها برای تعیین مکانهای بهینه توسعه و مرکزیت، استفاده از روش مجموع حداقل فواصل است. بر اساس این روش روستای طاهرگوراب نسبت به روستاهای دیگر از لحاظ مجموع کل فواصل دارای حداقل بوده (۱۰۲۰۹ کیلومتر) و با توجه به وجود جاده ارتباطی مناسب و موقعیت جلگه ای این روستا به عنوان مرکز دهستان در رتبه اول قرار دارد.

۲-۱۰- روش گاتمن

در این روش از متغیرهایی مانند؛ وجود خدمات زیر بنایی یا روبنایی برای هر یک از روستاها در دهستان استفاده شده سپس تعداد انواع خدمات و در نهایت رتبه روستاها بر اساس فراوانی انواع خدمات مشخص می‌شود. هر چه تعداد یک واحد از خدمات در روستای الف از روستاهای دیگر بیشتر باشد نشان می‌دهد که این نوع کارکرد برای اکثر روستاها مورد نیاز است. مطابق این روش روستای طاهرگوراب در رتبه اول و روستای شکرباغان در رتبه آخر قرار دارند.

۳-۱۰- روش وزن دهی مراکز با استفاده از شاخص مرکزیت

در این روش درجه سرویس دهندگی مراکز جمعیتی و تعیین ضرایب مرکزیت هر یک از این مراکز از طریق اندازه گیری و سنجش مقدار کمی خدمات موجود در آنها

صورت گرفته و بدین شکل عملکرد متقابل نظام سکونتگاهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این مبنا روستای طاهرگوراب و اباتر با دارا بودن شاخص مرکزیت (۲۰۸۱ و ۲۰۶۲ درصد) به ترتیب در مرحله اول قرار گرفته و روستاهای پشتیر (۱۰۵۴)، آسیاب سر (۱۰۷۶ درصد)، اومندان (۱۰۹ درصد)، چمن (۱۰۶۹ درصد)، زیکسار (۱۰۶۳ درصد)، کلنگستان (۲۰۱۴ درصد)، کلیدبر (۱۰۹۵ درصد)، کوده (۱۰۸۴ درصد)، ملک سر (۱۰۷۴ درصد)، مناره بازار (۱۰۸۹ درصد) و نوکاشت با ۲۰۱۱ درصد در رتبه دوم قرار گرفته و بقیه روستاها در مرتبه سوم قرار گرفته‌اند. در این سطح بندی به دلیل نقش و عملکرد مسلط مرکز دهستان «روستای طاهرگوراب» و اباتر در مرتبه اول در سطح دهستان در سطح یک سلسله مراتب خدمات دهی سکونتگاهها جای گرفته‌اند.

۴-۱۰- تحلیل روابط کارکردی و تعیین حوزه‌های هم پیوند

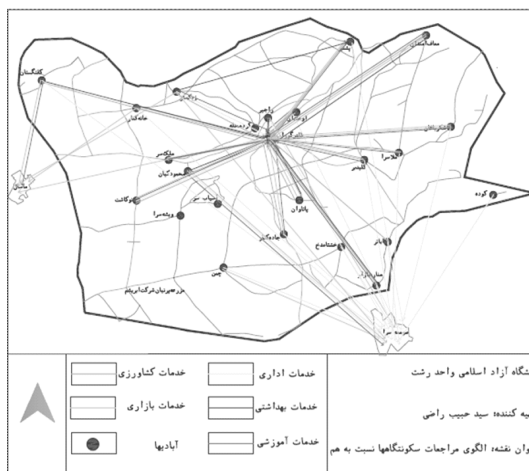
با توجه به بررسی وی ژگیهای کالبدی دهستان مورد مطالعه و وجود یا عدم وجود انواع مختلف خدمات زیر بنایی و روبنایی باید توجه داشت که نحوه دسترسی افراد به این خدمات در سطح سکونتگاهها از اهمیت زیادی برخوردار بوده و بر اساس نحوه توزیع خدمات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و غیره جریانات بین این مراکز برقرار می‌شود. سپس حوزه‌ها و مجموعه‌های هم پیوند بین مراکز با توجه به الگوهای رفتاری، ویژگیهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی منطقه تعیین می‌شود. میزان برخورداری روستاها از عناصر خدماتی متفاوت بوده بطوری که برخی از روستاها فاقد هرگونه خدماتی بوده، برخی اندک و برخی دیگر مانند؛ مرکز دهستان دارای انواع مختلف و سطوح بالایی از خدمات می‌باشند. بر اساس بررسیهای میدانی مردم روستاهای فاقد خدمات برای استفاده از خدمات بیشتر و رفع نیازهای خود به سکونتگاههای برخوردار از خدمات مراجعه می‌نمایند. در این میان عواملی مانند وضعیت حمل و نقل، کیفیت راههای ارتباطی، فاصله سکونتگاهها نسبت به هم و الگوهای رفتاری مردم تاثیر بیشتری در روابط کارکردی خدمات دارد. در این میان شهرستان صومعه سرا نقش ارائه خدمات خارج از دهستان را برای سکونتگاهها دارد. بر اساس مصاحبه و تکمیل پرسشنامه از شوراها و

دهبیریه‌های دهستان طاهرگوراب، اهالی این روستا برای رفع نیازهای اداری مانند جهاد، دفتر ثبت اسناد و خدمات کشاورزی و ترویج روستایی یا خدمات سطح بالای بهداشتی و درمانی، آموزش عالی و تجاری به دلیل نبودن برخی از این خدمات در روستاها، سهولت دسترسیها و همچنین همجواری برخی روستاها با برخی از شهرها، به این شهر مراجعه می‌کنند.

۱۱- ارزیابی مخاطرات و حوادث از جنبه‌های مختلف در دهستان طاهرگوراب

۱-۱- تجزیه و تحلیل وضعیت ایمنی از جنبه طبیعی و جغرافیایی

بررسی ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی دهستان مورد مطالعه نشان می‌دهد که طاهرگوراب دارای آب و هوای معتدل خزری است. این محدوده بعلت ساختار زمین شناسی از وجود گسل‌های لرزه خیزی برخوردار بوده و



نقشه ۲. الگوی مراجعات در دهستان طاهرگوراب

احتمال وقوع زمین لرزه در این منطقه بالا می‌باشد. از سوی دیگر، بدلیل میزان نسبتا بالای نزولات جوی و عبور رودخانه از دهستان مذکور امکان وقوع سیل در محدوده مطالعاتی محتمل است البته سوابق تاریخی از وقوع سیلابهای مخرب در منطقه حکایت دارد. به همین دلیل به بررسی مهمترین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید به لحاظ هر یک از عوامل موجود و مرتبط با ایستگاه آتش نشانی طاهرگوراب پرداخته شده است.

۱۱-۲- تجزیه و تحلیل وضعیت ایمنی از جنبه اجتماعی- فرهنگی

نحوه شکل گیری و استقرار مراکز جمعیتی و همچنین پراکنش جمعیت در منطقه مورد مطالعه متاثر از شرایط محیطی و موقعیت ارتباطی و شرایط سیاسی آن، استقرار جاده ترانزیتی مواصلاتی رشت، آستارا، اردبیل در محدوده مطالعاتی و وقوع حوادث و تصادفات رانندگی در جاده مذکور قابل توجه است. به لحاظ تراکم جمعیتی و مقایسه آمارهای سرشماریهای قبلی نشان دهنده کاهش جمعیت و مهاجرت بی رویه و نارس در محدوده مطالعاتی می‌باشد.

۱۱-۳- تجزیه و تحلیل وضعیت ایمنی منطقه مورد مطالعه از جنبه اقتصادی

با توجه به اینکه ابعاد مختلف توسعه پایدار شامل مسئولیت اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی است نقش این مطالعات (در تمام ابعاد آن) در فرآیند توسعه پایدار نقشی لازم و تعیین کننده است؛ بطوریکه از میان اهداف عمده در طرحها و برنامه‌های اقتصادی که با جهت گیری توسعه و رفاه دنبال می‌شود ایجاد عرصه

جدول ۱. مهمترین فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت به لحاظ ویژگیهای محیطی- اکولوژیک

عوامل	
نقاط قوت (strengths)	۱- فاصله نزدیک با شهرهای اطراف و امکان استفاده از امکانات و خدمات این شهرها
نقاط ضعف (Weaknesses)	۱- خطرپذیری بالا در مواقع حوادث و بلایای طبیعی بدلیل استفاده از مصالح کم دوام ۲- وجود بارشهای ناگهانی و نامنظم
فرصتها (Opportunities)	۱- فاصله اندک با جاده ترانزیت و احداث و تکمیل بزرگراه استان و امکان برقراری ارتباط سریع با استانهای دیگر
تهدیدها (Threats)	۱- قراگیری منطقه در پهنه خطر بالای زلزله

مهم و تاثیرگذار این اصل از بدو تاریخ همراه بشر بوده است. وجود مراکز تجاری، مغازه‌ها در سطح محدود مطالعاتی و عدم برخورداری از حداقل ایمنی لازم در طول تاریخ وقوع آتش سوزی‌های مخرب را تجربه نموده و علاوه بر آن وقوع آتش سوزی در مزارع و شالیزارها به کرات حاصل زحمات کشاورزان را به باد داده است.

۱۱-۴- تجزیه و تحلیل وضعیت ایمنی محدوده مطالعاتی از جنبه مدیریتی

اهمیت رفاه و آسایش مردم از طریق برنامه ریزی‌های اصولی از مهمترین وظایف مدیریتی است. در این میان حفظ جان و اموال آحاد مردم از درجه اول اهمیت قرار دارد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که در اکثر کشورها امور ایمنی از جمله امور حاکمیت دولتها محسوب می‌شود. در کشور ما نیز با آگاهی از این مهم در فصل دوم اساسنامه در بند سی ام در قسمت تشکیلات و سازمان دهیاریها ذیل وظایف تفصیلی دهیاری برای اداره و حفظ توسعه پایدار روستا، بر اساس قوانین شوراها و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه به مدیریت ایمنی و

مقابله با حوادث پیش بینی نشده روستایی آمده است: اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ روستا از خطر سیل، حریق و رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر و اماکن عمومی و تسطیح چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر بر اساس مصوبات شوراها از وظایف دهیاری است از طرف دیگر در بند سی و نهم دهیاری‌ها موظف اند که با واحدهای امداد رسانی در هنگام وقوع حوادث و سوانح غیرمترقبه و بلایای طبیعی همکاری و تمامی تلاش خود را مصروف محدود ساختن دامنه خسارات حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی و به حداقل رساندن اثرات تخریبی آن در محیط روستا کنند با توجه به این امر مهم مهمترین چالشها فرا روی مدیریت بخش ایمنی و آتش نشانی طبق جدول زیر عبارتند از:

۱۱-۵- تجزیه و تحلیل وضعیت موجود محدوده مورد مطالعه از جنبه وقوع حوادث و امکانات پایگاه آتش نشانی

اگر موضوع مدیریت، نیروی انسانی و لوازم و تجهیزات را به عنوان یک مثلث برای هدایت پایگاه آتش نشانی در



جدول ۲. مهمترین فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت به لحاظ اجتماعی و فرهنگی

عوامل	
۱- بالا بودن سطح عمومی سواد در مقایسه با آمار کشور	نقاط قوت (strengths)
۱- سیر نزولی جمعیت در سطح محدود مطالعاتی ۲- فراهم نکردن بسترهای لازم جهت تحقق مشارکت مردمی	نقاط ضعف (Weaknesses)
۱- بالا بودن روحیه مشارکت مردمی جهت امداد رسانی در سطح کشور	فرصتها (Opportunities)
۱- تداخل وظایف ارگانهای امداد رسان و عدم هماهنگی آنها	تهدیدها (Threats)

جدول ۳. مهمترین فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت به لحاظ اقتصادی

عوامل	
۱- وجود زمینه‌های مثبت در پایگاه آتش نشانی در زمینه ایمن سازی مراکز اقتصادی ۲- اراده عمومی در نزد بسیاری از صنوف، کسبه جهت ایمن سازی مکان کسب و کار	نقاط قوت (strengths)
۱- قدمت بالای ساختمانهای تجاری و مغازه‌ها و استفاده از مصالح کم دوام در ساخت آنها	نقاط ضعف (Weaknesses)
۱- وجود درآمد پایدار با برخورداری از عوارض کارخانجات و تلاشهای کشوری در جهت مدیریت محلی عوارض مذکور	فرصتها (Opportunities)
۱- وجود بزرگترین کارخانه ابریشم خاورمیانه در محدوده خدماتی که از حداقل تجهیزات ایمنی برخوردار نیست	تهدیدها (Threats)

نظر بگیریم بررسی میدانی صورت گرفته پرسشنامه‌ها و مصاحبه از پایگاه مذکور نشان دهنده کمبود نیروی انسانی با حداقل آموزش‌های تخصصی لازم، کمبود فاحش لوازم تجهیزات و وقوع حوادث و آتش سوزی بسیار زیاد که از متوسط حوادث کشوری (در حوزه روستایی) بالاتر می‌باشد قابل توجه و تامل است.

۱۲- نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به نبود سلسله مراتب خاص خدمات رسانی بین روستاها در سطح دهستان و بهره‌گیری روستاها از امکانات موجود، بررسیها برای مکانیابی گزینه مناسب برای احداث و یا توسعه پایگاه آتش نشانی مورد بررسی

قرار گرفت. با توجه به عوامل مختلفی چون جمعیت، فاصله، موقعیت استقرار روستا و وجود یا عدم وجود خدمات در روستاها و نحوه شکل‌گیری جریانهای بین روستایی برای بهره‌مندی از خدمات روستایی برخی از مراکز به عنوان سطح یک که چندین روستا را نیز پوشش می‌دهند به عنوان مراکز سطح اول در ارائه خدمات مشخص شدند. در بررسی اجمالی دهستان طاهرگوراب فاصله و نزدیکی به شهرهای صومعه سرا و ماسال و همچنین فواصل روستاها به دهستان طاهرگوراب مناسب بوده، پایگاه مذکور به لحاظ جایگاه آماده‌نشده، تنها خودروی آتش نشانی آن فرسوده بوده و مناسب نمی‌باشد. نیروهای شاغل آن کم و هیچگونه آموزش

جدول ۴. مهمترین فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت به لحاظ مدیریتی

عوامل	
نقاط قوت (strengths)	۱- مدیریت واحد ایمنی و آتش نشانی و استقرار اورژانس در پایگاه آتش نشانی
نقاط ضعف (Weaknesses)	۱- عدم برگزاری آموزشهای تخصصی جهت نیروهای تحت امر ۲- عدم بهره‌گیری از نیروهای مردمی
فرصتها (Opportunities)	۱- تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور ۲- تشکیل سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور ۳- بهره‌گیری از سرباز و وظیفه در پایگاههای آتش نشانی روستایی
تهدیدها (Threats)	۱- خلاءهای قانونی به جهت پوشش سراسری ایمنی در سطح سرزمین و وجود نقاطی که جزء محدوده خدمات رسانی هیچ ارگانی نیست

جدول ۵. مهمترین فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت به لحاظ تجهیزات، نیروی انسانی و ساماندهی

عوامل	
نقاط قوت (strengths)	۱- وجود پایگاه آتش نشانی روستایی ۲- استقرار لوازم و تجهیزات اورژانس در پایگاه روستایی ۳- بالا بودن سطح تحصیلات و آگاهی دهیار ۴- نظارت بر ساخت و ساز پایگاههای روستایی از سوی دهیاری
نقاط ضعف (Weaknesses)	۱- کمبود تجهیزات و نبود خودروی آتش نشانی مناسب و کارآمد ۲- فرسوده بودن خودروی آتش نشانی موجود (آمیگو) ۳- عدم آموزشهای تخصصی مورد نیاز جهت نیروها ۴- ناکافی بودن تعداد نیروها در بخش آتش نشانی
فرصتها (Opportunities)	۱- تلاش کشوری برای هماهنگی و مدیریت واحد ارگانهای امداد رسان
تهدیدها (Threats)	۱- عدم هماهنگی دستگاههای امداد رسانی

تخصصی ندیده‌اند، این امر به همراه کمبود نیرو عملیات اطفا‌ی حریق را با مشکل مواجه می‌نماید همچنین این دهستان از میزان حریق و حادثه بالایی برخوردار می‌باشد. با توجه به بررسی صورت پذیرفته تدوین جداول فرصتها، تهدیدها و نقاط ضعف و قوت در بخشهای مختلف در اینجا به تفکیک راهبردهای لازم با تاکید بر مسائل و مشکلات مبتلا به مطالعه موردی بیان می‌گردد:

۱-۱۲- ایمنی

- ایجاد هماهنگی بین واحدهای امدادی مانند آتش نشانی، اورژانس و پلیس در نمونه مورد بررسی تجهیزات و لوازم اورژانس در پایگاه آتش نشانی مستقر بوده که لازم است نسبت به تأمین نیروی انسانی متخصص و مسائل قانونی نیز اقدام گردد.

- آسیبها و خطرات تهدیدکننده ساختمانهای موجود روستایی به لحاظ کیفیت و مقاومت مصالح بررسی و راهکارهای مقاوم سازی برای ساختمانهای موجود و نظارت بر اجرای مقررات ملی ساختمان برای ساختمانهای در دست احداث اقدام گردد.

- تصویب قوانین و مقررات الزام آور در خصوص پوشش ایمنی و آتش نشانی در سطوح شهری و روستایی.

- با توجه به تعریف وظایف شهری حدود ۳۰ آرگان در حوزه ایمنی در سطح شهرها و روستاها نسبت به تدقیق وظایف با هدف حذف امور موازی و همپوشانی امور اقدام گردد.

۲-۱۲- اجتماعی فرهنگی

- تغییر نگرش مردم در خصوص حوادث و ارتقاء آموزشهای عمومی و تخصصی به منظور تغییر رفتار نا ایمن.

- بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در تهیه و اجرا و نظارت کلیه طرح‌ها و پروژه‌های ایمنی.

- بهره‌گیری از پتانسیل‌های فرهنگی مذهبی جهت ترغیب مردم به مشارکت‌های مردمی در موضوع احداث، نگهداری و خرید ماشین‌آلات و تجهیزات پایگاه، آتش نشانی روستایی، پایگاه مورد مطالعه از سال ۱۳۸۰ شروع

به احداث شده بدلیل بهره‌گیری صرف از اعتبارات دولت کماکان نیمه‌کاره رها شده است.

- استفاده از آتش نشان داوطلب در سطح روستاها: این امری است که در کشور ما مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

- بهره‌گیری از قشرهای مختلف همانند تشکلهای مردمی همانند اصناف، بسیج و غیره در حوزه ایمنی روستایی بسیار کارآمد می‌باشد.

۳-۱۲- مدیریتی و اجرایی

- تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور به عنوان یک فرصت جهت حمایت و اجرای طرحهای ایمن سازی تلقی نمود.

- بهره‌گیری از سرباز آتش نشان در پایگاههای آتش نشانی روستایی، یک راهکار مهم در جهت تأمین نیروی انسانی برای پایگاههای مذکور می‌باشد.

- ایجاد تأمل و هماهنگی بین آتش نشانی شهری و روستایی بسیاری از خلاءهای موجود آموزشی، تجهیزاتی پایگاههای روستایی را مرتفع می‌نماید.

- ایجاد هماهنگی با ارگانهای مرتبط در مواجهه با حوادث در مناطقی که تحت پوشش خدماتی شهرها و روستاها نمی‌باشد همانند آتش سوزی‌های مربوط به تصادفات جاده‌ای بسیار ضروری است.

- بهره‌گیری از ظرفیت‌های بیمه‌ای در این بخش می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

۴-۱۲- امکانات و تجهیزات

- کمبود خودروی آتش نشانی کارآمد در سطح روستاها با توجه به تعداد و پراکنش روستاها با توجه به تکیه به اعتبارات صرفاً دولتی امری طبیعی می‌باشد. حضور خیرین همانند سایر کشورهای توسعه یافته در این بخش ضروری است.

- جهت استفاده بهینه از ابزار و تجهیزات تخصصی داشتن دانش و مهارت تخصصی ضروری است در حالیکه در نمونه موردی مورد مطالعه نیروها هیچ‌گونه آموزشی ندیده بودند.

- استفاده از ظرفیتهای محلی و تجهیز پایگاههای

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

روستایی با توجه به نوع حوادث آسیب پذیری روستایی و مأموریت‌های پایگاه و پتانسیل موجود در روستاها جهت مقابله با حوادث پیشنهاد می‌گردد. مثلاً در روستاهایی برخوردار از فشار آب مناسب، نصب یک شیر هیدرانت آتش نشانی که از کارایی بیشتری نسبت به ماشین آتش نشانی برخوردار می‌باشد، نقش بیشتری در بهبود وضعیت پایگاه ایفاء می‌نماید.

- با توجه به اصل هزینه و فایده و میزان به نسبت اندک حوادث روستایی بهره‌گیری از ماشین آلات و ادوات چند منظوره؛ راهکار مناسب در این بخش می‌باشد.

منابع

۱. آسایش، حسین (۱۳۸۱) اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲. آمارهای پایه ای استان گیلان (۱۳۸۰) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان.
۳. حکمت نیا، حسن، میر نجف موسوی (۱۳۸۵) کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین.
۴. راضی، سید حبیب (۱۳۸۶) قانون ایمنی و آتش نشانی کشور، ضرورتها و چالشها، فصلنامه فرهنگ ایمنی، شماره ۱۱ و ۱۲
۵. راضی، سید حبیب (۱۳۸۰) نقش و جایگاه مشارکتهای مردمی در تامین ایمنی شهرها، اولین همایش مهندسی ایمنی و پیشگیری از آتش سوزی.
۶. سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور (۱۳۷۸) مدیریت توسعه زیر ساختهای کشور، کتاب سبز دهیاریها.
۷. فاتحی، علی (۱۳۸۲) بیان آب و امکانات توسعه بهره برداری از منابع آب استان گیلان، ایستگاه هوا شناسی کسما، شرکت سهامی آب منطقه ای گیلان.
۸. مولایی هشتجین، نصرالله (۱۳۸۲) الگوی بهینه برای برنامه ریزی بهینه توسعه خدمات روستایی در ایران (مطالعه موردی جنوب استان اردبیل)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۷۰
۹. مولایی هشتجین، نصرالله (۱۳۸۲) برنامه ریزی توسعه خدمات زیربنایی و روبنایی در نواحی روستایی از دیدگاه جغرافیا (مطالعه موردی شهرستان خلخال).

۱۰. وزارت کشور (۱۳۸۹) سازمان شهرداریها و دهیاریها، آمار و اطلاعات حوزه روستایی کشور.

۱۱. وزارت کشور (۱۳۸۹) سازمان شهرداریها و دهیاریها، اصول و مهارتهای آتش نشانی (سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد).

۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۴۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، فرهنگ آبادیهای شهرستان صومعه سرا

۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۵۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، فرهنگ آبادیهای شهرستان صومعه سرا

۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۶۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، فرهنگ آبادیهای شهرستان صومعه سرا

۱۵. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، فرهنگ آبادیهای شهرستان صومعه سرا

۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، فرهنگ آبادیهای شهرستان صومعه سرا

17. FEMA&NFPA, (2007), Public Fire Education Planning For Rural Communities: A Five-Step Process,

18. American Society for Testing and Materials(2006) ASTM D5425-96 "Standard Guide for Development of Fire Hazard Assessment, Standards of Electro technical Products", United States, ASTM Publication

19. ISO/TK 13327-2, (1999) "Fire Safety Engineering-Design Fire Scenario & Design Fires" International Organization for Standardization.

بررسی ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های فرودست در شهر بندرعباس: محلات پشت‌شهر و ششصد دستگاه

محمد اسکندری نوده* - پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.
سید عارف موسوی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
لیلا صیاد بیدهندي - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، واحد بندر انزلی، انزلی، ایران.

Investigation about the Social Structure in Informal Settlements of Babdarabbas City; Case Study: Poahtshahr and sheshsad dastgah district

Abstract: Today, informal settlements as part of urban structures have been accepted and tried that existing capacity of organizing and empowering them to be used. Important issues in the informal settlements which are always considered documents empowerment, is social structures in this settlements. This research is trying to use descriptive and analytical approach and using the field techniques and use of questionnaires to evaluate the social structure of informal settlements. For this purpose, two informal settlements which names are Sheshsad dastgah and Poshtshahr in BandarAbbas has been studied. Descriptive data were reviewed and data were analyzed using factor analysis. The results show that these neighborhoods in homogeneous distribution and social indicators coordinate variables are not homogeneous. And most of the studied variables have not an acceptable coefficient in factor variables and homogeneous development of social indicators. The results in this direction were summarized and recommendations to promote and improve social indicators were presented.

Key words: Informal settlement, Social Structure, Bandarabbas, sheshsad dastgah, poshtshahr.

چکیده

امروزه، «سکونتگاه‌های غیررسمی» به عنوان بخشی از ساختارهای شهری پذیرفته شده‌اند و سعی بر آن است که از ظرفیت‌های موجود آنان، جهت «ساماندهی و توانمندسازی» استفاده شود. از مقوله‌های بسیار مهم در سکونتگاه‌های غیررسمی که همواره مورد توجه اسناد توانمندسازی است، «ساختارهای اجتماعی» این سکونتگاه‌هاست. این تحقیق سعی دارد که با استفاده از «رویکرد توصیفی و تحلیلی» و با استفاده از «روش میدانی» و بهره‌گیری از «تکنیک پرسشنامه» به بررسی ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی بپردازد. برای این هدف، دو سکونتگاه غیررسمی با نام‌های پشت‌شهر و ششصد دستگاه را در شهر بندرعباس مورد مطالعه قرار داده است. اطلاعات توصیفی به دست آمده بررسی شد و تحلیل استنباطی اطلاعات با استفاده از تحلیل عاملی به انجام رسید. نتایج نشان می‌دهد که محلات مذکور در توزیع یکدست و همگون متغیرهای شاخص اجتماعی از تجانس برخوردار نیستند و اکثر متغیرهای مطالعه شده از بار عاملی قابل قبول که نشانگر توسعه همگن متغیرها و در مجموع شاخص اجتماعی باشد، برخوردار نیستند. در این راستا جمع بندی و نتیجه‌گیری شد و پیشنهادهایی به منظور ارتقاء و بهبود «شاخص اجتماعی» ارائه گردید.

واژگان کلیدی: سکونتگاه‌های غیررسمی، ساختارهای اجتماعی، بندرعباس، پشت‌شهر، ششصد دستگاه.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه «سکونتگاه‌های فرودست» به عنوان یکی از ساختارهای شهری پذیرفته شده در کشور به منظور «استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود»، در آستانه ساماندهی و توانمندسازی هستند. در کشور ما این ساماندهی در آغاز با «رویکردهای تمرکز محور» شروع شده است و هم‌اکنون در بُرهه‌ای قرار دارد که تفویض اختیار در سطوح استانی و منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است. این مسئله که در صورت واگذاری اختیارات سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر ساماندهی سکونتگاه‌های فرودست به سطوح استانی و مخصوصاً مدیریت شهری، این مجموعه چگونه خواهد توانست ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های مذکور را ساماندهی نماید، از چه رویکردهایی بهره خواهد برد و چگونه خواهد توانست که میان مباحث نظری و فنی ارتباط معقول و بهینه برقرار نماید، از مهمترین دغدغه‌های مدیریت شهری است. بر اساس آمار ارائه شده در «برنامه اسکان بشر سازمان ملل»، در خلال سی سال آینده، از هر سه نفر در جهان، یک نفر در مناطق حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های فرودست زندگی خواهند کرد. در این گزارش آمده است که از قریب به ۷ میلیارد نفر جمعیت جهان، حدود ۹۴۰ میلیون نفر در مناطق غیر بهداشتی، بدون سرپناه و به دور از خدمات عمومی و امنیتی شهری زندگی می‌کنند. آفریقا با ۳۰٪، آمریکای لاتین با ۱۴٪ و ۵۵۰ میلیون نفر از جمعیت آسیا در مکان‌هایی زندگی می‌نمایند که در بیانیه سازمان ملل، مناطق حاشیه‌ای و غیرقابل پذیرش نامیده شده‌اند (UN-Habitat: 2005). در همین راستا حدود ۲۰ درصد از جمعیت جهان به سرپناه مناسب دسترسی ندارند. علاوه بر این تخمین زده می‌شود جمعیت کشورهای که از سطح درآمد پایین برخوردارند و به آنها جمعیت جهان سوم اطلاق می‌گردد، حدود نصف و یا بیشترشان در مسکنی ساکن باشند که شرایط آنها زیر استانداردهای متعارف جهانی است. ابعاد چنین پدیده‌ای در کشورهای جهان سوم به نسبت کشورهای توسعه یافته وخیم‌تر

می‌نماید؛ بطوریکه در اکثر شهرهای عمده و میلیونی جهان سوم، بالاتر از یک میلیون نفر با شرایط غیرقانونی مسکن و سطح نازل امکانات بهداشتی اسکان یافته‌اند. اکثر این جمعیت در مسکن خودروبی سکنی گزیده‌اند که هیچگونه آگاهی و مسئولیتی در قبال طراحی و ساخت خانه‌های خود ندارند (McAuslan, 1985: 79). در ایران پدیده مسکن غیر رسمی و سکونتگاه‌های فرودست بطور مشهودی از دهه ۱۳۴۰ به بعد که رشد شهرنشینی در اوج خود بوده نمایان گردید و شهرهای کشور را با مشکل جدی روبرو نمود. طبق شواهد موجود ابعاد این توسعه نیز افزایش می‌یابد. طبق برخی برآوردها در حال حاضر حدود ۳/۵ میلیون نفر در شرایط بد مسکنی و در سکونتگاه‌های فرودست در ایران زندگی می‌کنند (پیران، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

توجه به تاریخ تحولات شهری در ایران، نمایان می‌سازد که قبل از دهه ۱۳۴۰ و در دوره قاجار و پس از آن با روی کار آمدن رضاخان، سیمای شهرهای ایران دچار تحولات زیادی شد و تا حدودی به شکل‌های امروزی در آمد. در این دوره تمرکز فعالیت‌های سیاسی، اداری و اقتصادی در شهرهای کشور، نفوذ تفکر تمدن غرب، افزایش وسایل نقلیه و همراه با این دگرگونی‌ها، افزایش جمعیت، موجب گسترش شهرها شد. متعاقب گسترش شهرها، در ایران «دولتی متمرکز» و به اصطلاح مدرن بر سرکار آمد. به علت عقب‌ماندگی نسبی جامعه ایران از نظر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی، دولت عهده‌دار نوسازی زیرساخت‌های توسعه گردید. درآمد نفت به تدریج پُر اهمیت و بدنه دولت به تدریج فربه‌تر از گذشته شد. روی کار آمدن دولتی متمرکز و نوگرا، ظهور درآمد رانتی نفت، گسترش ساختار و تشکیلات دولتی در تهران و شهرهای بزرگ کشور و هزینه کردن مازاد ملی از سوی دولت در شهرهای درجه اول و متوسط، با در نظر داشتن سیل مهاجرین در جستجوی فرصت‌های شغلی، نظامی از رشد شهری و شهرنشینی را در کشور پدید آورد که اصلاً با رشد سنتی شهرنشینی قابل قیاس نیست؛ عبارتی بخش عمده‌ای از اقتصاد جامعه در اختیار دولت

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۳۰ ■

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی بنیان‌های نظری اسکان غیررسمی در ایران با تاکید بر مدیریت شهری» است که در گروه مدیریت شهری پژوهشکده علوم توسعه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی به انجام رسیده است.

قرار گرفت و با تبلیغ سیاست‌های اقتصادی دولت، روز به روز بر تعداد مهاجرین که از مسکن مناسبی برخوردار نبودند، افزوده شد. پس از فروپاشی رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، یک دوره جدید تحوّل در شهرهای کشور به وقوع پیوست. از یکسودولت سیاست‌های جدیدی به منظور جلوگیری از گسترش بی‌رویه‌ی شهرها و سیاست ترویج کشاورزی و ایجاد یک کشاورزی خودکفا در سطح کشور را در پیش گرفت و از سوی دیگر، اعمال سیاست‌های ضدّ و نقیض مسئولین دولتی و غیر دولتی موجب تشویق و ترغیب سیل مهاجرین به شهرها شد. عدم هماهنگی و کنترل در نهادها و ارگان‌های دولتی اجرای سیاست‌های مسکن در شهرها و تعدّد مراجع تصمیم‌گیری و در نهایت جنگ ایران و عراق و ورود جنگ‌زدگان به شهرهای همجوار موجب تشدید بافت‌ها و سکونتگاه‌های فرودست شد و بر ابعاد مسکن نابهنجار و ناپایدار در این افزود (هادی پور، ۱۳۷۸، ص ۹۲).

تشدید روند رو به رشد سکونتگاه‌های فرودست و ضرورت‌هایی از قبیل: وضعیت نابسامان و نامطلوب کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی و انعکاس این نابسامانی کالبدی در منظر شهری و آشفستگی و نابهنجاری آن، ناهنجاری‌های فیزیکی مسکن و مشکلات اجتماعی آن از قبیل زندگی چندین خانوار در یک واحد مسکونی و معضلات اجتماعی ناشی از آن، فشار گروه‌های کم‌درآمد شهری ساکن در سکونتگاه‌های مذکور که گاهی اوقات با فشارهای سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی همراه است، مشکلات مدیریتی و خدمات‌رسانی به این تیپ بافت‌ها، مقوله‌های مربوط به امنیت اجتماعی در شهرها و آمار وقوع جرم و جنایت در سکونتگاه‌های فرودست تحقیق و تلاش در جهت ساماندهی به این تیپ سکونتگاه‌ها را بیش از پیش نمایان ساخت (اسکندری نوده، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

همانطور که ملموس است «تلاش‌های صورت گرفته در ارتباط با ساماندهی سکونتگاه‌های فرودست تاکنون بیشتر با بینش‌های برنامه‌ریزی شهری انجام پذیرفته است و رویکردهای مدیریت شهری در ساماندهی و توانمندسازی این بافت‌ها چندان مورد کنکاش و تفقّد

نبود.» این تحقیق بر آن است که با استفاده از رویکردهای مدیریت شهری در ساماندهی مسائل شهری به مطالعه و واکاوی ساختارهای اجتماعی در سکونتگاه‌های فرودست شهر بندرعباس، محله‌های پشت‌شهر و ششصدستگاه پردازد. فرض اولیه تحقیق بر این قرار است که علیرغم فعالیت‌های چشمگیر دولت در ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های فرودست در شهر بندر عباس، در محلات مورد مطالعه متغیرهای شاخص اجتماعی در مقوله توانمندسازی از رشد هماهنگ و متجانسی که بیانگر توزیع همگون متغیرهای شاخص اجتماعی است برخوردار نبوده و رشد شاخص اجتماعی همچون سازواره‌ای است که بخشی از آن رشد یافته و بخشی دیگر به تکامل کافی نرسیده‌اند.

چارچوب نظری

«رویکردهای مدیریت شهری» را در ساماندهی مسائل شهری به سه دسته می‌توان تقسیم نمود. این سه رویکرد عبارتند از: «رویکرد ساختاری»، «رویکرد کارکردی» و «رویکرد مشارکتی» (اسکندری نوده، ۱۳۸۹، ص ۷۴).

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، رویکرد ساختاری به صورت پایگاه جدید در نظریه‌هایی در آمد که می‌توانست درباره تغییرات اجتماعی در کشورهای در حال توسعه موثر آفتد. این نظریه، چهار پیش فرض اساسی را در پاسخگویی به مسائل شهری و مدیریت آن پیش روی می‌گذارد:

۱. بر اساس آموزه‌های این بینش، شهر یک نظام (سیستم) است.

۲. این سیستم به صورت یک کل از اجزای مختلف وابسته به هم شکل گرفته است.

۳. همچنین بر اساس دیدگاه مذکور، این کل انتظام یافته، برتر از جزء جزء و مجموعه اعضا در کنار هم عمل می‌کند؛ این بدان معناست که هیچکس نمی‌تواند بخش‌ها و اجزای منفرد آن را بشناسد. تنها زمانی می‌توانیم بخش‌ها و نهادهای شهر را بشناسیم که این کل انتظام یافته، یعنی ساختار را بشناسیم. بنابراین ساختار، یک نظام است و هر پدیده اجتماعی باید در داخل این ساختار اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. هر یک از بخش‌ها و اجزای یک ساختار در جهت ثبات و تعادل

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

ساختار نقشی برعهده دارند؛ و

۴. نهایتاً اینکه وابستگی بخش‌ها و اجزای یک ساختار به یکدیگر، یک وابستگی متقابل است، بطوریکه بخش‌ها و اجزای ساختار یکدیگر را حمایت می‌کنند و متقابلاً با همدیگر سازگاری دارند که از این طریق به ثبات ساختار تداوم می‌بخشند (Ankie, 1990: 51).

در ارتباط با این کلیت و یکپارچگی، «امیل دورکیم»^۲ به جامعه شهری «نگرش اندام‌واره» دارد و جامعه شهری را به منزله یک هستی و یک نظام در بستر مکان و زمان می‌نگرد که نمی‌توان آن را به بخش‌های تشکیل دهنده مجزا تقسیم کرد. «تالکوت پارسونز»^۳ به «یگانگی جهان اجتماعی به عنوان یک نظام» معتقد است. از این نظر، کلی‌ترین و اساسی‌ترین خصلت یک نظام، رابطه پیوسته اجزا و متغیرهاست. گرایش به ایجاد یکپارچگی در یک نظام، ذاتاً به تمرکز می‌انجامد، بنابراین هر ساخت اجتماعی نتایج ویژه اجتماعی به وجود می‌آورد و پیش‌بینی عملکرد ساخت‌ها را فراهم می‌آورد، زیرا افراد و گروه‌ها صرفاً در داخل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ساختارها می‌توانند فعالیت کنند (1981: 74-75 Harvey).

«آنتونی گیدنز»^۴ معتقد است که ساختارها را انسان‌ها ایجاد می‌کنند، اما آنها نیز هم‌کنش انسانی را محدود و هم‌امکان‌پذیر می‌سازند؛ نتیجه آنکه گیدنز با تأکید بیش از حد بر ساختار یا عاملیت انسانی مخالف است. از نظر او شناخت دوگانگی ساختار و عاملیت انسانی بطور متقابل منطقی است. (Cloke and etal, 1991: 98)

«آلتوسر»^۵ و «بالبار»^۶ ساختن دوباره کلیت‌های اجتماعی با عنوان ساختارها در داخل سلطه را مطرح می‌کنند. از نظر این دو محقق، در شهرها، روابط ساختاری اجتناب‌ناپذیر و الزامی میان سطوح مختلف یک جامعه، مثل عامل اقتصادی، سیاسی و آگاهی، تعیین‌کننده است. از اینرو ممکن است شرایط مختلف اجتماعی به تغییرات عمده در سازمان اجتماعی شهرها و روابط اجتماعی تولید بیانجامد و باعث شکل‌گیری سازمان جدیدی از روابط اجتماعی در زندگی شهری شود

(Peet, 1991: 56-55).

در مجموع رویکرد ساختاری را می‌توان با دوره فُوردیسم و تأثیرات آن در زندگی شهری مرتبط دانست. از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، دولت‌ها با الهام از رویکردهای ساختاری در جهت ایجاد بزرگراه‌ها و آزادراه‌های بین‌شهری کوشش همه‌جانبه‌ای را آغاز کردند و هزینه‌های فراوانی به این امر اختصاص یافت. در مقابل، در جهت جلوگیری از تخریب بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهرها و سکونتگاه‌های فرودست اقدامات کمتری صورت گرفت و هزینه‌های کمتری اختصاص یافت. زمانی که بافت‌های بخش مرکزی شهرها کاملاً فرسوده شد، خانواده‌های ساکن در آن به حومه‌هایی مهاجرت کردند که بزرگراه‌های شهری و بین‌شهری این دو منطقه را پیوند می‌داد. نتیجه چنین رویکردی عبارت بود از:

- کارگران به جای سکونت در بخش مرکزی شهرها در حومه‌ها ساکن شدند؛ و

- صنعت ساختمان و بورس بازی زمین رونق بیشتری گرفت و تورم در این مقوله به توسعه ناموزون شهر و رشد سکونتگاه‌های فرودست انجامید؛ و

- در نتیجه توسعه شهری با رویکرد ساختارگرا با مسئله عدم توفیق در سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه بهینه مسکن مواجه گردید. روابط ناسازگار صنعتی و گسترش بیکاری، افت توان خرید افراد و اشباع اقتصاد شهری منجر به حاشیه‌کشیده شدن افراد در شهرها شد و در نهایت فشار گروه‌های کم‌درآمد، بحران سکونتگاه‌های فرودست را دو چندان نمود (Peet, 1991: 134).

رویکرد ساختاری در پاسخ به ساماندهی سکونتگاه‌های فرودست توسط مدیریت شهری با بازگشت به اصول اولیه و چهارگانه اشاره شده، پذیرش این بافت‌ها و ساماندهی آن در قالب یک ساختار شهری را مورد تأکید قرار می‌دهد. صاحب‌نظرانی که در تحلیل این پدیده از رویکرد ساختارگرا استفاده می‌کنند، به «مکتب اقتصاد سیاسی فضا» گرایش دارند. در این دیدگاه، زندگی و رفتار اجتماعی افراد و گروه‌های شهری در ارتباط با شرایط زندگی، باورها و نظام اجتماعی مورد مطالعه قرار

2. Emile Durkheim
3. Talkot Parsons
4. Antony Giddens

5. Althusser
6. Balibar

می‌گیرد، بدین صورت که هر پدیده مشهود شهری، نظیر گرانی مسکن، سکونتگاه‌های فرودست، فقر، بیکاری و انحرافات اجتماعی نتیجه ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود، ساختارهایی که به صورت پنهان عمل می‌کنند. این دیدگاه به عنوان یک راهکار در قالب یک فرایند، در جستجوی شناخت کیفیت توزیع منابع کمیاب مثل زمین شهری، ثروت و درآمد میان مردم است که البته حاصل یک رویداد خلق الساعه نیست و ریشه در ساز و کاری طولانی مدت دارد. سعی رویکرد ساختاری در مدیریت سکونتگاه‌های فرودست، شناخت این ساختارهای پنهان و آشکار و سعی در اصلاح آن است (Unwin, 1992: 169).

در مقابل، «بنیان کارکردگرایی» بر این واقعیت استوار است که کلیه سنن، مناسبات و نهاد‌های اجتماعی، تداوم و بقای شان به کار یا «وظیفه‌ای» بستگی دارد که در نظام اجتماعی، یعنی کل انتظام یافته بر عهده دارد. اگرچه در دیدگاه کارکردگرا نیز همچون رویکرد ساختاری به پیوستگی و کلیت اجزا و عناصر تاکید می‌شود، اما این نقش اجزاست که به آن رسمیت می‌بخشد. به عبارتی هر مجموعه‌ی شهری بر اساس نقش یا وظیفه‌ای که دارد، شناخته می‌شود. در این مقوله، در نظریه‌های «افلاطون» در باب کارکردگرایی نیز به تحلیل ارگانیک جامعه و دولت و وظیفه‌ی تقسیم کار اجتماعی به عنوان عامل ضروری نظام اجتماعی بر می‌خوریم. در مفهوم کارکرد، جامعه‌شناسان شهری بیش از همه بر سه معنی «کار»، «وظیفه» و «نقش» تاکید می‌کنند. در نظر آنان، کارکردگرایی در مفهوم اولیه سعی می‌کند تا معلول‌های دوطرفه را در فعالیت‌های اجتماعی شناسایی نماید، سپس اثر آنها را در کل سیستم روشن سازد. همبستگی عناصر با یکدیگر و همبستگی کل اجزا، مستلزم بقای کل و مفید بودن اجرا است و مهمتر از آن مشارکت هر یک از عناصر در بقای ساختار نظام موثر است و این قسمت نکته کلیدی در نظریه کارکردی محسوب می‌شود. لذا بحث «دورکیم» درباره تقسیم کار اجتماعی، همراه با مفهوم انسجام است؛ به عبارتی او مطرح می‌کند که یک نظام اجتماعی برای آنکه بتواند به عنوان یک کل کارکرد داشته باشد، نیازمند چه سطحی از انسجام است. کدام

کارکرد ضروری باید انجام پذیرد تا یک نظام اجتماعی به حد کافی انسجام داشته باشد، به عبارتی ضرورت‌های کارکردی برای حفظ و بقای یک نظام اجتماعی چیست؟ بطور کلی عده‌ای روش صحیح تعیین سطح این انسجام را بررسی هر جامعه به صورت منفرد و جدا می‌دانند، یعنی کارکردهای ضروری موثر در انسجام هر جامعه جداگانه طراحی می‌شود و هیچ کوششی برای تعمیم یک نظام به نظام دیگر به عمل نمی‌آید. از طرفی عده‌ای معتقد به مقایسه جوامع هستند تا از طریق تجربی به این سوال پاسخ دهند. سر انجام عده‌ای از لحاظ نظری با تکیه بر انواع نیازهایی که محیط در نظام اجتماعی جایگزین کرده است، ضرورت‌های کارکردی را از مفهوم انتزاعی نظام اجتماعی استنتاج نموده‌اند (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵-۲۱۱).

با توجه به مطالب فوق الذکر، سیاستی که کارکردگرایان در جامعه شهری به منظور توسعه بکار برده و توجیه می‌نمایند نیز متفاوت است:

- عده‌ای از کارکردگرایان که اساساً با تطوّر اجتماعی موافق نیستند، محور بحث‌شان «فعل و انفعالات داخلی شهرها» و تاکیدشان بر «کارکردهای دورنی نظام شهری» است؛ یعنی اینکه چه کارکردهایی در نظام اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی داخل شهر باعث به وجود آمدن پدیده‌ای در یک ساختار می‌شود. این افراد شکل‌گیری سکونتگاه‌های فرودست را به «علل داخلی و دورنی نظام شهری» ربط می‌دهند. در این صورت تاکید سیاستی آنان برای مدیریت شهری، اساساً بر انطباق و سازگاری است.

- دسته دوم از کارکردگرایان، تاکید ویژه بر «وضعیت کلان محیطی» دارند. در این دیدگاه وضعیت نظام شهری در رابطه با جهت‌گیری‌های کلی نظام شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد و شکل‌گیری پدیده‌های شهری چون سکونتگاه‌های فقیرنشین را معلول نظامی بالاتر از نظام شهر و وابسته به شرایط کلان شهرنشینی و روابط ملی و بین‌المللی می‌دانند. در اینصورت تاکید سیاستی برای مدیریت شهری اساساً منطبق بر «شناخت ویژگی‌های نظام شهرنشینی و تقسیم کار محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی» و «تعیین جایگاه پدیده» در این اثناء است و

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

انطباق و سازگاری نسبی و تلاش در جهت ساماندهی را برای مدیریت شهری با عنایت به شناخت ویژگی‌ها و ضرورت‌های کارکردی (تقسیم‌کار یا نقش شهر) در نظام بین‌المللی - ملی و منطقه‌ای و برنامه‌ریزی برای آن توصیه می‌کند (شکویی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۸).

«رویکرد مشارکتی» نیز در فرایند توجه به ساماندهی مسائل شهری مورد توجه مدیریت شهری قرار گرفته است. مقوله مشارکت شهروندی از دهه ۱۹۶۰، مطرح و شکل گرفت. مشارکت کردن به معنی سهیم بودن در چیزی و از آن سود بردن و یا شرکت جستن در گروهی و با آن همکاری داشتن است. به همین سبب از دیدگاه جامعه‌شناختی باید بین «مشارکت به معنی حالت یا وضع» (امر شرکت کردن) و «مشارکت به عنوان عمل و تعهد» (عمل مشارکت) تمایز قایل شد. مشارکت در معنای دوم از تعلق به گروهی خاص داشتن و سهم در هستی آن خبر می‌دهد و معنای شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. مشارکت در عرصه مدیریت شهری هر دو معنی را در بر می‌گیرد، معنای اول به مفهوم شرکت کردن را می‌توان مختص به همکاری بخش خصوصی با شهرداری دانست، مفهوم دوم یعنی مشارکت فعال در همکاری بخش مردمی با شهرداری (ایمانی جاجرمی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۸).

کارکردهای با اهمیت و مفید رویکرد مشارکتی از قبیل اعتماد، همبستگی، و مشارکت که از ابعاد سرمایه اجتماعی در شهرها به حساب می‌آید، همواره باعث تشویق سکنه شهری به شرکت در تعیین سرنوشت خود است. مشارکت به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های مهم در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع است، بطوریکه مشارکت گسترده مردم در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، یکی از مفروضات دستیابی به توسعه پایدار شهری بشمار می‌رود. نقش و جایگاه مردم در این فرایند از جهات مختلف پررنگ‌تر و مهم‌تر از سایر عوامل است. در واقع هر چقدر توانمندی‌های فردی و جمعی مردم یک جامعه بالاتر باشد یا به عبارتی هر قدر شاخص‌های «فرهنگ شهروندی» در یک جامعه بیشتر رشد کرده باشد، زمینه‌های مشارکت مردم در فعالیت‌های مختلف و در

نتیجه دستیابی به رشد پایدار شهری سریعتر فراهم می‌شود (اسکندری نوده، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲).

در رویکرد مشارکتی، هدف تبدیل افراد شهرنشین به شهروند است. در این راستا نقش شهروندی به این دلیل برای مدیریت شهری اهمیت دارد که در جامعه احساس تعلق شهری را ایجاد کرده و به تبع آن مسئولیت‌پذیری افراد را نسبت به محیط شهری بالا می‌برد. به عبارت دیگر، زمانی فرد خود را به عنوان شهروند یک شهر تلقی می‌کند، ناخودآگاه نسبت به جنبه‌های مختلف آن احساس مسئولیت کرده و در واقع خود را با دیگران در امور شهری شریک می‌داند. آگاهی از نیازها و بررسی نگرش آنان در میزان نقشی که می‌توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند، زمینه‌ساز را برای برقراری ارتباط منطقی و صحیح بین نهاد خدمت‌رسان به شهروندان و شهروند فراهم ساخته و اعتماد میان شهروندان و مدیریت شهری را برقرار نماید (سعیدنیا، ۱۳۸۲، ص ۳).

در رویکرد مشارکتی به منظور ساماندهی مسائل شهری، ترویج نگرش مشارکتی به معنای تشویق نوعی رهیافت مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» و «توانمندسازی» است؛ بدینسان که تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی در خصوص راه حل به زبان ساده‌تر، «مبتنی بر اجتماعات محلی» با هدف تامین شرایط لازم برای رفاه شهروندان می‌باشد. در ارتباط با ساماندهی سکونتگاه‌های فرودست با بهره‌گیری از رویکرد مشارکتی نیز سیاست توصیه شده و بکار رفته بر مبنای «برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا» است. به عبارتی این سیاست سه محور اساسی را دنبال می‌کند:

- «نهادسازی مردمی در محلات فرودست»؛

- «ظرفیت‌سازی در محلات فرودست»؛ و

- «توانمندسازی و آموزش و ترویج حقوق شهروندی».

در ارتباط با نهادسازی می‌توان تشکیل شورایی‌ها، فرهنگسراها و کتابخانه‌های عمومی که اداره آن در اختیار افراد محلی است را بر شمرد. ظرفیت‌سازی در محلات با تهیه و تصویب برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی محله‌ای توسط مدیریت شهری مقدور است. شالوده‌های سیاست توانمندسازی بر تعامل بین بخشی نهادهای متولی اداره امور شهر در مقیاس کلان، میانه و

خرد و بهره‌گیری از رویکرد مشارکتی قرار گرفته است (اطهاری و جواهری پور، ۱۳۸۲، ص ۷۶-۷۱). ایجاد تعامل و همکاری با مشارکت مردمی توسط شورای شهر نماد یک نهادسازی موثر در مدیریت شهری است، ضمن آنکه بر مشروعیت تصمیمات شوراها خواهد افزود، به مرور زمان بسیاری از هزینه‌های مدیریت راکاهش خواهد داد. در ارتباط با سکونتگاه‌های فقیرنشین، این رویکرد سبب نوعی خودآگاهی و درنهایت انطباق و سازگاری اجتماعی ساکنان با مفاهیم شهروندی و سرانجام تبدیل آنان به شهروندان فعال در اداره امور شهر خواهد شد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۱، ص ۹). در ایران به علت عدم حاکمیت روح برنامه‌ریزی غیرمتمرکز (از پایین به بالا) و عدم در اختیار نهادن ابزارهای سیاستگذاری برای مدیریت شهری، عملاً سازمان‌های کلان سیاستگذار چون وزارت مسکن و شهرسازی به برنامه‌ریزی در زمینه حل مسائل اسکان افراد فقیر در محلات شهری می‌پردازند و شهرداری‌ها در ساماندهی این سکونتگاه‌ها سابقه قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که سازمان‌های مردم‌نهاد، نمادی از فعالیت‌ها و مشارکت اجتماعی هستند. اصولاً میزان درصد شرکت نهادهای مردمی در جامعه شاخص بسیار ایده‌آلی برای توسعه‌یافتگی آن کشور است که می‌بایست با ایجاد استراتژی مناسب، مشارکت مردم را در تصمیمات شهری و اداره امور شهر مهیا نماید. در ساماندهی سیمای شهر، مشارکت و حمایت مردمی عامل تعیین‌کننده و انکارناپذیر می‌باشد و مهمترین مشکل مدیریت شهری را در بدنه شهرداری‌ها باید تا حدودی عدم مشارکت شهروندان دانست که در حال حاضر با توجه به پویایی و روند رو به رشد بلوغ فکری شهروندان نسبت به مطالبات خود نیاز به تشکیل اجتماعات محلی بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌گردد که این امر مهم، نیز توسط شوراها و هم‌شهرداری‌ها امکان پذیر است.

در مطالعه ساختارهای اجتماعی سکونتگاه‌های فرودست می‌توان تلفیقی از ویژگی‌های رویکردهای ذکر شده را توصیه کرد. همانطور که بیان شد، رویکرد ساختاری در پاسخ به ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی توسط مدیریت شهری با بازگشت به اصول

اولیه و چهارگانه «دیدگاه ساختاری و کل‌نگر» (سیستمی)، پذیرش این بافت‌ها و ساماندهی آن در قالب یک ساختار شهری را مورد تاکید قرار می‌دهد؛ به عبارتی مهمترین شاخص مستخرج از بررسی رویکرد ساختارگرا در این پژوهش، توجه به شهر و مسائل آن از جمله سکونتگاه‌های فرودست در قالب یک «کل منسجم و به هم پیوسته» (یک سیستم) است. مهمترین شاخصی که کارکردگرایان ارائه می‌کنند، توجه و اهمیت دادن به «نقش نهادها و ارگان‌ها بصورت متقابل» در مجموعه شهری است. به عبارتی تحقق مدیریت هماهنگ و در سطحی فراتر مدیریت واحد یا یکپارچه شهری که با فعالیت‌های نهادسازی و ظرفیت‌سازی که از دستاوردهای رویکرد مشارکتی است، منطبق است. دیدگاه مشارکتی به لایه‌های عمیق‌تر «مشارکت مردمی»، «مشارکت‌های بین‌نهادی» در مدیریت شهری، ظرفیت‌سازی، نهادسازی و مهمتر از همه توانمندسازی ساکنان به عنوان راهبردهایی اساسی توجه می‌کند. به بیان روشن می‌توان گفت که سه شاخص اساسی در رویکرد مشارکتی عبارتند از: «ظرفیت‌سازی»، «نهادسازی» و «توانمندسازی» که محور بررسی‌ها قرار می‌گیرند.

بر این اساس، شهر به عنوان یک ساختار کل بر همه شئون موجود در آن در قالب یک ظرف و مظروف‌های متصور تاثیر می‌گذارد. نهاد مدیریت شهری نیز با قوانین و سازوکارهای سیاستی و قانونی موجب ایجاد، تعدیل و یا تبدیل ساختارها می‌گردد. ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در شهر بر هم تاثیرات متقابل دارند اما تاثیر ساختارهای اجتماعی در شکل‌دهی به ساختارهای اقتصادی و شدت و ضعف متغیرهای اقتصادی قابل توجه و تعمق است (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۴۲-۲۳۰).

از جمله برنامه‌های بسیار اساسی در زمینه ساماندهی مسائل شهری و از جمله اسکان غیر رسمی، برنامه توانمندسازی اجتماعی سکنه شهری است. راهبرد توانمندسازی جدیدترین و مناسب‌ترین راه‌حل در ساماندهی اسکان غیر رسمی است و به مصداق «ماهگیری و حتی توربافی به جای دادن ماهی به تهیدستان می‌باشد» (صرافی، ۱۳۸۲، ص ۲۷). راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود در شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهای‌شان بهبود بخشند. بطور خلاصه در روش توانمندسازی مرکز توجه، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می‌گردد که تسهیلات لازم را برای آنان فراهم کند. بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مسأله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را رهگشا نمی‌داند، بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است (هادیزاده، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

برخی از اقدامات که در چارچوب راهبرد توانمندسازی پیشنهاد می‌شود عبارتند از:

- «شناسایی و بکارگیری روش‌های مشارکت ساکنان در خدمات‌رسانی زیربنایی، بادوام‌سازی و اصلاحات لازم فنی در این سکونتگاه‌ها؛» و
- «تشویق سازمان‌های غیردولتی برای حضور و مشارکت در امر ساماندهی و توانمندسازی اجتماعات؛» و
- «اقدام ملی در جهت ایجاد ستادهای ساماندهی اسکان غیررسمی و تشکیلات مربوط به آن در مناطق و واگذاری اختیارات، هماهنگی و هدایت دستگاه‌های دولتی و عمومی به این ستادها؛» و
- «برقراری ساز و کار لازم قانونی برای حل اختلافات حقوقی و پشتیبانی از حق مسکن و امنیت سکونت در سکونتگاه‌های غیررسمی موجود؛» و
- «قویت و ایفای نقش تضمین‌کننده و تنظیم‌کننده در جهت دسترسی همگان و در حد توان مالی اقشار کم درآمد شهری به نهادهای مسکن؛» و
- «حمایت بخش دولتی و عمومی از خانه‌سازی خانوارهای متقاضی کم درآمد و تشویق بخش خصوصی محلی به عرضه کالا و خدمات مورد نیاز آنها و اولویت دادن به اجرای طرح‌های انبوه‌سازی در این زمینه؛» و
- «بازنگری کلیه قوانین و مقررات محدودکننده دسترسی اقشار کم درآمد به تسهیلات و اعتبارات رسمی؛» و
- «ایجاد صندوق‌های محلی برای خرده‌وام و پس‌انداز

مسکن و اشتغال با مشارکت و سرمایه‌اولیه خود مردم، ضمن بهره‌گیری از منابع دولتی، عمومی و خصوصی؛» و - «تخصیص بخشی از وام‌های یارانه‌ای بخش دولتی برای تأمین مالی اولیه صندوق‌های وام محلی» (مصوبه هیئت وزیران، ۱۳۸۲).

با توجه به اینکه در شهر بندرعباس از سال ۱۳۸۳ به بعد برنامه توانمندسازی اجتماعی به اجرا گذارده شده است، سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر بندرعباس تهیه و در حال اجراست. این سند در مقوله ساختارهای اجتماعی به معیارهایی از قبیل رشد جمعیت سکونتگاه‌های فرودست، مهاجرت در آن، سرانه فضای مسکونی، سرانه فضای باز، سواد، سطح تحصیلات، نحوه تملک مسکن، تعداد اطاق در اختیار خانوار، تعداد خانوار در یک منزل مسکونی و امثال آن پرداخته است که این تحقیق با توسل به این متغیرها سعی در بررسی میزان همگنی، تجانس و یا عدم همگنی شاخص اجتماعی ذیل ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های فرودست بندرعباس دارد. از آنجاکه سند مذکور بر توانمندسازی اجتماعی تأکید دارد، تحلیل این تحقیق از ساختار اجتماعی محلات غیررسمی به نوعی ناظر بر فعالیت توانمندسازی اجتماعی توسط دولت و مدیریت شهری است، لذا خروجی تحقیق در مقام تحلیل و نتیجه‌گیری بر نقد مقوله توانمندسازی در ساختارهای اجتماعی محلات استوار خواهد بود.

روش تحقیق، نحوه نمونه‌گیری و تحلیل بکار رفته
با دقت در محتوای عنوان تحقیق، می‌توان دریافت که پژوهش در قالب تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار می‌گیرد؛ زیرا محقق قصد دارد تا با گردآوری اطلاعات واقعی، متنوع و گسترده از پدیده سکونتگاه‌های فرودست و علل تکوین آن، به ابعاد محدودکننده و تسهیل‌کننده‌ی ساماندهی این بافت‌ها دست یابد. بنابراین از روش اسنادی و میدانی (تکنیک پرسشنامه) به عنوان متداولترین روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها استفاده می‌کند.

«جامعه آماری» مورد بررسی در این تحقیق، ۲۹۹۵ خانوار با ۱۶۱۷۶ نفر جمعیت در قالب ۲ محله فقیرنشین است. از

اگر بالای ۰/۷ باشد پایایی خوب به حساب می‌آید (بست، ۱۳۷۴، ص ۲۳۵). مقدار آلفای کرونباخ در این مطالعه ۰/۷۹ محاسبه شد که یک مقدار مطلوب به حساب می‌آید. روایی پرسشنامه نیز با استفاده از پیش‌آزمون در ۲۰ درصد جامعه آماری و رفع نواقص با مساعی صاحب‌نظران به انجام رسید و در تکمیل پرسشنامه سعی بر آن بود که محقق حضور کامل داشته باشد، لذا ابهام‌های مورد نظر پرسش‌شوندگان نیز بطور حضوری مرتفع شده است. همچنین از تحلیل عاملی داده‌ها به منظور درک توزیع همگن یا ناهمگن متغیرهای ذیل شاخص اجتماعی استفاده گردید.

قلمروی پژوهش

شهر بندر عباس یکی از نقاط شهری پنجگانه شهرستان بندرعباس و مرکز استان هرمزگان با وسعتی حدود ۵۳۲۳/۵ هکتار در شمال تنگه هرمز و در قسمت جنوبی شهرستان در موقعیت ۲۷ درجه و ۱۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۴ درجه و ۳۰ طول شرقی واقع شده است. این شهر با ۳۷۹۳۰۱ نفر در سال ۱۳۸۵، با ۲۵/۹ درصد جمعیت کل استان و ۶۰ درصد جمعیت شهری استان، بعنوان مهمترین و پرجمعیت‌ترین نقطه شهری استان هرمزگان

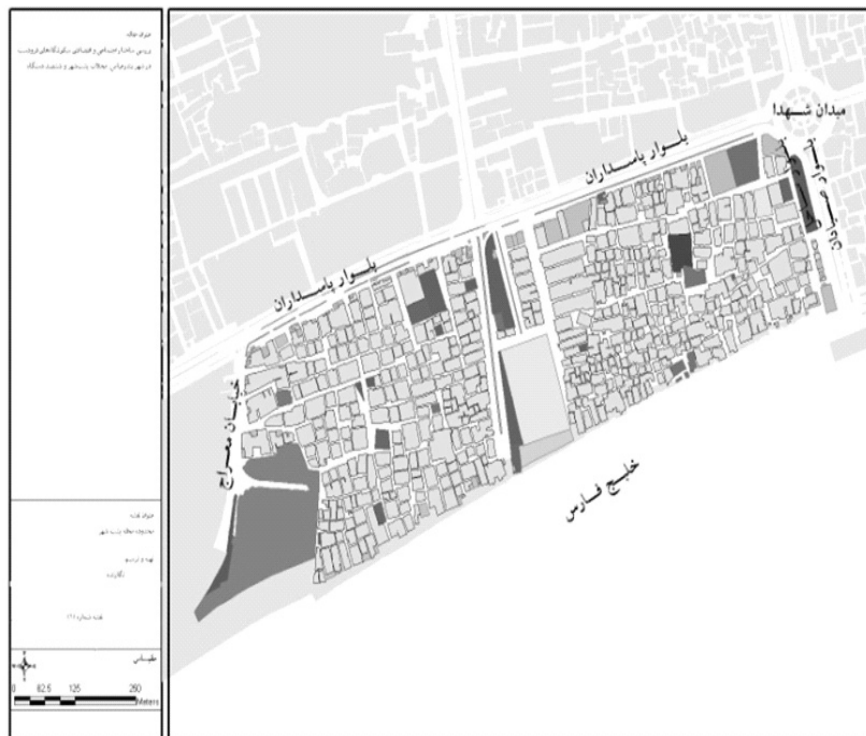
آنجا که دو محله فرودست از نظر سطح و سطوح مختلف و جمعیت و خانوار متفاوت می‌باشند، لذا نمونه‌گیری به صورت جداگانه برای تک تک محله‌ها محاسبه شد. در تحقیق مذکور، «حجم نمونه» از «روش نمونه‌گیری تصادفی ساده»، با استفاده از «فرمول کوکران» به دست آمد. تعداد نمونه‌ها ۵۱ نمونه محاسبه شد که به تفکیک در محلات مورد بررسی پراکنده است. محله پشت‌شهر با ۱۲۳۰ خانوار و ۶۶۴۴ نفر جمعیت، ۲۱ نمونه و محله ششصد دستگاه با ۱۷۶۵ خانوار و ۹۵۳۲ نفر جمعیت، ۳۰ نمونه را به خود اختصاص داده است. شاخص‌های اجتماعی با متغیرهایی از قبیل مهاجرت، رشد جمعیت، موالید، مرگ و میر، اطاق در دسترس خانوار، تجانس و همگنی جمعیت، نحوه تصرف یا تملک مسکن و غیره مورد استفاده قرار گرفته شد.

پایایی پرسشنامه با استفاده از «روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ» محاسبه شد که این روش برای محاسبه هماهنگی درونی پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند، بکار می‌رود. مقدار آماری آلفای کرونباخ بین صفر و یک متغیر است. بدین صورت که اگر نتیجه آزمون زیر ۰/۳ باشد، پایایی ضعیف، اگر بین ۰/۳ تا ۰/۷ باشد پایایی متوسط و

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۳۷





مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۳۸ ■

محسوب می‌شود (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی استانداری هرمزگان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). محله‌های پشت‌شهر و ششصددستگاه از محلات فرودست شهر بندرعباس محسوب می‌شوند که در غرب شهر قرار دارند. این محلات به عنوان محدوده مورد مطالعه انتخاب شدند. نقشه‌های شماره ۱ و ۲ محدوده محلات مورد مطالعه را نشان می‌دهند.

داده‌ها و یافته‌های تحقیق توصیف داده‌های آماری

محله پشت‌شهر در قسمت غربی شهر و در شرق محله سورو قرار دارد. این محله از شمال به بلوار پاسداران، از جنوب به سواحل خلیج فارس، از غرب به محله سورو و از شرق به بلوار صیادان محدود می‌شود. بلوار معراج دو محله سورو و پشت‌شهر را به لحاظ حد و مرز از هم جدا می‌کند. بر اساس اطلاعات اخذ شده از مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۵، محله پشت‌شهر دارای ۶۶۴۴ نفر جمعیت است که از این تعداد جمعیت ۳۳۴۲ نفر مردان و ۴۲۵۷ نفر از زنان تشکیل می‌دهند. تعداد خانوار در این محله ۱۲۳۰ و بعد خانوار نیز ۵/۴ محاسبه شده است. تعداد شاغلین این محله (مرد و زن) ۱۲۴۹ نفر (۳۷ زن و ۱۲۱۱ مرد) سرشماری شده است و نرخ اشتغال در این محله در

سال ۱۳۸۵، ۴۹/۸ درصد می‌باشد. از نظر سواد نیز تعداد ۲۱۵۰ زن باسواد و ۲۴۷۴ مرد باسواد سرشماری شده‌اند که نرخ باسوادی ۶۹/۵ درصد محاسبه می‌شود. ضریب رشد جمعیت در محله پشت‌شهر ۳/۲ درصد است که با عنایت به جمعیت سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ محله بدست آمد. با توجه به این روند، پیش‌بینی جمعیت برای محله پشت‌شهر در افق دهساله، یعنی سال ۱۳۹۵، برابر با ۹۳۷۱ نفر محاسبه شد. نسبت جنسی محله با توجه به آمار جمعیتی محله در سال ۱۳۸۵ به دست آمد. جمعیت زنان در این محله ۳۳۰۴ نفر و جمعیت مردان ۳۳۴۱ نفر است که با عنایت به فرمول نسبت جنسی، این نسبت برای محله پشت‌شهر ۱۰۱ نفر محاسبه شد. از لحاظ ترکیب سنی، ۳۰۰۴ نفر (۴۵/۲۲٪) در رده سنی ۰ تا ۱۴ سال، ۳۴۶۸ نفر (۵۲/۲٪) در رده سنی ۱۵ تا ۶۵ سال و ۱۷۲ نفر (۲/۵۸٪) در رده سنی بالای ۶۵ سال قرار دارند که بیانگر جوانی ترکیب جمعیتی در محله است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

محله ششصددستگاه نیز در حد فاصل اراضی کم ارتفاع شمال غربی شهر واقع شده است. بطور کلی محله ششصددستگاه از سمت شرق به خیابان سلمان فارسی، از سمت شمال و شمال غربی به اراضی بایر، از جانب جنوب به خیابان یاسرو میدان هفت تیر و از سمت غرب به اراضی ساخته نشده و بکر محدود می‌شود. در سال

۱۳۸۵، محله سیصد دستگاه نیز دارای ۹۵۳۲ نفر جمعیت بود که از این تعداد جمعیت، ۴۹۰۴ نفر را مردان و ۴۶۲۸ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. تعداد خانوار در این محله ۱۷۶۵ و بعد خانوار نیز ۵/۴ محاسبه شده است. تعداد شاغلین این محله (مرد و زن) ۱۷۲۹ نفر (۱۰۹ زن و ۱۶۱۹ مرد) سرشماری شده است و نرخ اشتغال در این محله در سال ۱۳۸۵، ۴۸/۸ درصد می‌باشد. از بعد سواد نیز تعداد ۳۲۰۸ زن باسواد و ۳۷۴۲ مرد باسواد سرشماری شده‌اند که نرخ باسوادی ۷۲/۱ درصد محاسبه می‌شود. ضریب رشد جمعیت در محله ششصد دستگاه ۳/۲ درصد است که با عنایت به جمعیت سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ محله بدست آمد. با توجه به این روند، پیش‌بینی جمعیت برای محله ششصد دستگاه در افق دهساله، یعنی سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۳۴۴۰ نفر محاسبه شد. نسبت جنسی محله با توجه به آمار جمعیتی محله در سال ۱۳۸۵ به دست آمد. جمعیت زنان در این محله ۴۶۲۸ نفر و جمعیت مردان ۴۹۰۳ نفر است که با عنایت به فرمول نسبت جنسی، این نسبت برای محله ششصد دستگاه ۱۰۶ نفر محاسبه شد. از لحاظ ترکیب سنی ۴۴۹۲ نفر (۴۷/۱۳٪) در رده سنی ۰ تا ۱۴ سال، ۴۹۰۶ نفر (۵۱/۴۷٪) در رده سنی ۱۵ تا ۶۵ سال و ۱۳۴ نفر (۲/۱۱٪) در رده سنی بالای ۶۵ سال قرار دارند که بیانگر جوانی ترکیب جمعیتی در محله است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

توصیف داده‌های پرسشنامه‌ای

بر اساس پرسشنامه‌های توزیع شده، ۹۰/۵ درصد از سرپرست خانوارها را در محله پشت شهر مردان و ۹/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که ۸۰ درصد سرپرستی خانوارها در محله ششصد دستگاه مربوط به مردان است و ۱۳/۳ درصد از زنان، سرپرستی

خانوار را در این محله بر عهده دارند. در مقایسه وضعیت سرپرست خانوارها در نگاه اول می‌توان به قدرت سازماندهی بیشتر ساکنان در محله پشت شهر نسبت به محله ششصد دستگاه اشاره نمود.

جدول ۱. وضعیت سرپرست خانوارها در محلات مورد مطالعه به درصد؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محلات هدف	مردان %	زنان %	سایر %
پشت شهر	۹۰/۵	۹/۵	۰
ششصد دستگاه	۸۰	۱۳/۳	۶/۷

انگیزه مهاجرت همواره به عنوان یک متغیر قوی ذیل شاخص‌های اجتماعی مطرح است. در محله پشت شهر، ۶۳/۴ درصد از افراد، انگیزه مهاجرت خود به شهر و محله را انگیزه یافتن کار مطرح کرده‌اند، ۲۸/۶ درصد گزینه سایر را انتخاب نموده‌اند و ۸ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. این وضعیت در محله ششصد دستگاه متفاوت است. ۳۰ درصد از ساکنان انگیزه خود از مهاجرت را انگیزه یافتن کار مطرح کرده‌اند و ۲۰ درصد گزینه سایر را انتخاب کرده‌اند. از این میان ۲۳ درصد رفاه بیشتر و ۱۰ درصد ازدواج را عامل انگیزشی مهاجرت عنوان نموده‌اند. ۱۷ درصد نیز خشکسالی را عامل مهاجرت خود ذکر کرده‌اند. در مقایسه نتایج بررسی از انگیزه مهاجرت، بطور برجسته می‌توان به تنوع علل و انگیزه‌های مهاجرتی در محله ششصد دستگاه نسبت به محله پشت شهری برد.

یکی از عوامل تسریع‌کننده مهاجرت، «داشتن بستگان و آشنایان در مقصد» است. همچنین «ارزانی ابعاد زندگی در مقصد» هم از نکات مهم است. نتیجتاً اکثر پاسخگویان این دو علت را عامل انتخاب محل سکونت

جدول ۲. انگیزه‌های عمده‌ی مهاجرت سرپرست خانوار؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محلات هدف	یافتن کار (درصد)	رفاه بیشتر (درصد)	اشتغال (درصد)	ازدواج (درصد)	خشکسالی (درصد)	سایر (درصد)	بدون پاسخ
پشت شهر	۶/۳۴	-	-	-	-	۲۸/۶	۸
ششصد دستگاه	۳۰	۲۳	۱۷	۱۰	-	۲۰	۰

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

جدول ۳. دلایل انتخاب محله برای سکونت توسط سرپرست خانوار؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محللات هدف	آشنایان (درصد)	نزدیکی به کار (درصد)	ناتوانی مالی (درصد)	ارزانی (درصد)	ملک پدری (درصد)	سایر (درصد)	بدون پاسخ
پشت شهر	۱۹	۲۸/۶	-	۴/۸	۲۸/۶	۱۹	۰
ششصد دستگاه	۲۳/۳	۱۰	۳۰	-	۳/۳	۲۶/۷	۶/۷

پرسشنامه، میانگین سکونت خانوار در محللات دوگانه مورد مطالعه ۱۸ سال ذکر شده است.

جدول ۴. مدت سکونت سرپرست خانوار در محللات مورد

مطالعه؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محللات هدف	میانگین سال
پشت شهر	۱۸
ششصد دستگاه	۱۸

الگوی مبدا مهاجرت، عمدتاً متأثر از مهاجرت‌های درون شهری و روستاهای شهرستان بندرعباس و استان هرمزگان است. بنابراین جابه‌جایی‌های درون شهری توجیه‌کننده اصلی مهاجرت به حساب می‌آید. جدول ذیل ابعاد موجود در الگوی مبدا مهاجرت را به روشنی بیان می‌کند.

در متغیر مدت سکونت در همین مسکن، محله ششصد دستگاه پایداری سکونتی قابل توجهی را نسبت به محله پشت‌شهر نشان می‌دهد، بطوریکه در محله پشت‌شهر ۹۰.۵ درصد خانوار بین ۱ تا ۱۰ سال است که در محله

خود عنوان نموده‌اند. چنین برمی‌آید که نزدیکی به محل کار و نزدیکی به محل اقامت قبل، نقش مؤثری در انتخاب محل سکونت در محللات مورد بررسی ندارد. «ملک پدری» نیز دلیل بیشتر افراد جهت مهاجرت به محله به شمار می‌آید که به این دلیل، فرزندان از سایر نقاط شهری به محللات پدری مهاجرت کرده‌اند و در نتیجه همین امر است که مهاجرت درون شهری در شهر بندرعباس و بخصوص محللات مورد مطالعه بیشتر از سایر انواع مبدا مهاجرت می‌باشد.

متغیر مدت سکونت در محله هدف از آن جهت اهمیت دارد که هر چه عمر سکونت بیشتر باشد تعلق و علقه مکانی بیشتری نیز ایجاد می‌گردد و به لحاظ مشارکت، مردم محللات مذکور از علاقه بیشتری برخوردارند و آمادگی پذیرش تحولات جدید در محله بیشتر خواهد بود. سال‌های اقامت سرپرستان خانوار، یکی از شاخص‌های مناسب برای تشخیص چگونگی شکل‌گیری محللات هدف نیز است؛ ولی در استفاده از این شاخص، حتماً باید جابجایی ساکنان قدیمی محللات هدف با ساکنان جدید را در نظر داشت. بر اساس اطلاعات

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۴۰ ■

جدول ۵. الگوی مبدا مهاجرت مهاجرین در محللات مورد مطالعه؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محللات هدف	شهر بندرعباس (درصد)	شهرستان بندرعباس (درصد)	سایر مکان‌های شهری و روستایی استان و کشور (درصد)
پشت شهر	۷۱/۴	۹/۵	۱۹/۱
ششصد دستگاه	۶۰	۱۰	۳۰

جدول ۶. مدت سکونت در همین مسکن به درصد در محللات مورد مطالعه؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محللات هدف	۱-۱۰ درصد	۱۰-۲۰ درصد	۲۰-۳۰ درصد	۳۰-۴۰ درصد	۴۰ سال به بالا درصد
پشت شهر	۹۰/۵	۰	۰	۰	۹/۵
ششصد دستگاه	۰	۰	۰	۳۳/۳	۶۳/۳

جدول ۷. میزان تحصیل سرپرست خانوار در محلات مورد مطالعه؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محلات هدف	ابتدایی %	راه‌نمایی %	دبیرستان %	دیپلم %	لیسانس %	بالا تر از لیسانس %
پشت شهر	۵۶	۱۱/۱	۰	۲۷/۸	۵/۶	۰
ششصد دستگاه	۱۰/۷	۷/۱	۳۵/۷	۳۲/۱	۱۴/۳	۰

سکونت دارند، اما در محله ششصد دستگاه، ۳۳/۳ درصد از خانوار بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۶۳/۳ درصد بالای ۴۰ سال است که در محله زندگی می‌کنند. سکونت بالای ۴۰ سال برای محله پشت شهر به ۹۰۵ درصد می‌رسد. این حضور اجتماعی از نقاط قوت محلات محسوب می‌شود؛ زیرا آشنایی افراد در این محلات بالا بوده و در نتیجه آن امور مشارکت اجتماعی نیز در این محلات به راحتی قابل پایه‌ریزی است.

در متغیر سطح تحصیلات سرپرست خانوارها، محله پشت شهر نسبت به محله ششصد دستگاه حالت شکننده و وضعی دارد، بطوریکه ۵۶ درصد از باسوادان حائز مدرک ابتدایی و ۵۰۶ درصد از سرپرستان خانوار این محله دارای مدرک لیسانس هستند. اما در محله ششصد دستگاه تنها ۱۰۰۷ درصد از سرپرستان خانوار در سطح تحصیلات ابتدایی قرار دارند و ۳۳/۱ درصد دیپلمه و ۱۴/۳ درصد لیسانسه هستند. محله ششصد دستگاه در سایر مقاطع بالاتر از ابتدایی نیز درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است.

در متغیر فرزندان در حال تحصیل، دو محله با درصد ۶۶/۷ درصد، از نسبت مشابهی در ایجاد فرصت‌های تحصیلی برای فرزندان خود برخوردار هستند.

جدول ۸. درصد فرزندان در حال تحصیل در محلات مورد

مطالعه؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محلات هدف	فرزندان در حال تحصیل به درصد
پشت شهر	۶۶/۷
ششصد دستگاه	۶۶/۷

بالا بودن تعداد خانوار در یک واحد مسکونی از مهمترین مولفه‌هایی است که منجر به کاهش سرانه اطاق در دسترس افراد می‌شود. این مقوله عوارض، محدودیت و بحران‌های اجتماعی مخصوص به خود را در بر خواهد داشت. شاید یکی از بارزترین این مسائل مجاورت‌های درون خانواری و مسائل مترتب بر آن باشد. علاوه بر آن

در متغیر تعداد اطاق در اختیار خانوار، میانگین نشان‌دهنده در دسترس بودن فضای بیشتر در منازل محله پشت شهر نسبت به محله ششصد دستگاه است. بطوریکه این عدد برای محله پشت شهر ۳/۴ و برای محله ششصد دستگاه ۲/۴ به دست آمده است. در دسترس بودن اطاق و سرانه مطلوب در این متغیر، زمینه‌های مناسبی را از لحاظ اجتماعی و امنیت روابط در خانواده به وجود می‌آورد که عدم وجود سرانه‌های

مطلوب این مزیت را دچار بحران خواهد کرد. و نهایتاً در متغیر تعداد خانوار در هر واحد مسکونی، ۹۰/۵ درصد از واحدهای مسکونی محله پشت شهر پذیرای ۱ خانوار هستند که این درصد برای محله ششصد دستگاه برابر با ۶۰ درصد است؛ یعنی به نسبت در محله ششصد دستگاه واحدهای مسکونی ۲ یا چند خانواری بیشتر زندگی می‌کنند. درصد دو خانوار در محله پشت شهر به ۹۰۵ درصد می‌رسد، در حالیکه در محله ششصد دستگاه این درصد برابر با ۳۳/۳ درصد می‌باشد. گزاره دو خانوار به بالا نیز در محله پشت شهر مشاهده نشده است، اما در محله ششصد دستگاه ۶/۷ درصد گزارش می‌شود.

بالا بودن تعداد خانوار در یک واحد مسکونی از مهمترین مولفه‌هایی است که منجر به کاهش سرانه اطاق در دسترس افراد می‌شود. این مقوله عوارض، محدودیت و بحران‌های اجتماعی مخصوص به خود را در بر خواهد داشت. شاید یکی از بارزترین این مسائل مجاورت‌های درون خانواری و مسائل مترتب بر آن باشد. علاوه بر آن

جدول ۹. میانگین تعداد اطاق در اختیار خانوار در محلات مورد مطالعه؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محلات هدف	یک اطاق	دو اطاق	سه اطاق	چهار اطاق و بیشتر	میانگین تعداد اطاق در اختیار خانوار
پشت شهر	۰	۶	۴	۱۱	۳/۴
ششصد دستگاه	۶	۱۵	۵	۳	۲/۴

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

جدول ۱۰. وضعیت تعداد خانوار در واحد مسکونی؛ ماخذ: برداشت‌های میدانی نگارندگان

محللات هدف	یک خانوار درصد	دو خانوار درصد	دو خانوار به بالا درصد
پشت شهر	۹۰/۵	۹/۵	۰
ششصد دستگاه	۶۰	۳۳/۳	۶/۷

برخی از بزهکاری‌ها که در سنین نوجوانی و جوانی در چنین مساکنی رخ می‌دهد، می‌تواند ناشی از اختلاطی باشد که در اثر سکونت بیش از یک خانوار در درون خانواده‌ها به وجود بیاید.

تحلیل داده‌ها

به منظور شاخص‌سازی بین متغیرها و درک همگونی در توزیع متغیرها یا عدم همگونی و میزان پراکندگی متغیرهای شاخص اجتماعی از روش تحلیل عاملی داده‌ها استفاده شد. تحلیل عاملی برای کشف الگوهای موجود در تغییر مقادیر چند متغیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر از طریق ایجاد ابعاد مصنوعی عوامل که همبستگی زیادی با چند متغیر دارند و از یکدیگر مستقل هستند، تحقق می‌یابد. در تحلیل عاملی داده‌ها، محقق یک بعد مصنوعی ایجاد می‌کند که با هر یک از شاخص‌هایی که ابعاد مسئله‌ی مورد بررسی را می‌سجد، به شدت همبستگی دارد. هر شاخص در اساس نمره‌ای از آن بعد مصنوعی دریافت می‌کند و این نمره، پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای صفات مشاهده شده روی هر شاخص است. برون‌داد یک فرایند تحلیل عاملی شامل چند عامل است. این عوامل از ارتباط مشاهده شده‌ی میان متغیرها به علاوه‌ی همبستگی بین هر متغیر و هر عامل که «بار عاملی»^۷ نامیده می‌شود، ایجاد شده است. در این روند، متغیرها درون‌داد تحلیل هستند و سلسله‌ای از عوامل که بار عاملی مناسب دارند، برون‌داد تحلیل می‌باشند. بنابراین باید معنای عاملی معینی را بر اساس آن متغیرهایی که همبستگی زیادی با آن عامل دارند، تعیین کرد. برای این منظور، دو معیار در نظر گرفته می‌شود:

(۱) یک عامل باید بخش نسبتاً زیاد از انحراف معیاری که در متغیرهای مورد مطالعه یافت می‌شود را توضیح دهد.

(۲) هر عامل باید کمابیش مستقل از سایر عوامل باشد. بنابراین و با این منطق، تحلیلی عاملی روشی موثر برای کشف الگوهای مسلط در میان شمار زیادی از متغیرهاست، زیرا به جای آنکه محقق مجبور شود همبستگی‌های بی‌شماری را مقایسه کند، از تحلیل عاملی برای این منظور بهره می‌گیرد. تحلیل عاملی همچنین داده‌ها را به گونه‌ای ارائه می‌دهد که خواننده یا محقق به راحتی می‌تواند آنها را تفسیر کند، چون برای هر عامل معینی، خواننده یا محقق می‌تواند متغیرهایی را که بار سنگینی روی این عامل دارند، به راحتی پیدا کند و به این ترتیب متوجه خوشه‌هایی از متغیرها با بار تسلط بیشتر یا کمتر گردد (بی، ۱۳۸۶، ص ۸۶۴-۸۶۱).

لذا در این تحقیق به منظور شاخص‌سازی از این تحلیل استفاده شد. در تحلیل عاملی، ضریب بار عاملی بین ۰ تا ۱ است و هر چه مقدار از ۰/۴ بالاتر و به ۱ نزدیکتر باشد، بار عاملی قوی‌تر خواهد بود و پایین‌تر از ۰/۴ بار عاملی، ارزش تحلیلی را از دست می‌دهد. بنابراین از متغیرهایی که پایین‌تر از ۰/۴ بار عاملی به خود اختصاص دادند، صرف‌نظر می‌شود.

در شاخص اجتماعی، متغیرهایی از قبیل سال‌های اقامت در محله، بعد خانوار، سطح تحصیلات، تعداد فرزندان در حال تحصیل، تعداد اطاق در اختیار خانوار و تعداد خانوار در هر واحد مسکونی و غیره که سنخیت ذاتی به لحاظ آماری داشته‌اند، به منظور شاخص‌سازی مورد استفاده قرار گرفت. بر اساس تحلیل عاملی به عمل آمده در نرم‌افزار، بار عاملی دو متغیر «بعد خانوار» و «تعداد خانوار در هر واحد مسکونی» به ترتیب با ضریب ۰/۸۵۱ و ۰/۶۵۲ بیش از سایر متغیرها بود. به عبارتی این دو متغیر توسعه‌ای همگون در محللات مورد مطالعه داشته‌اند و سایر متغیرها از یکدستی و همگونی در رشد و توسعه برخوردار نیستند.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۴۲ ■

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از آنجا که در مطالعات مرسوم در سکونتگاه‌های غیررسمی براسناد توانمندسازی تکیه کرده و تحلیل‌ها بر میزان تحقق اهداف سند استوار است و با تکیه بر مباحث مطروحه در مبانی نظری مبنی بر سیاست اخیر مدیریتی که نتیجه است توجه بیشتر بر توانمندسازی اجتماعی در محلات فرودست است باید گفت که بر اساس آنچه که از پیمایش حاضر بر می‌آمد، اصلاح ساختارها و بهبود کیفیت اجتماعی در محلات مورد مطالعه فرودست در شهر بندرعباس چندان با توفیق روبرو نبوده است، زیرا ضریب عاملی اکتسابی متغیرهای شاخص اجتماعی که نشانگر همگنی رشد و توسعه متغیرهاست، بسیار ضعیف است. موفقیت برنامه توانمندسازی و بهبود ساختارهای اجتماعی بر رشد همه‌جانبه در متغیرهای توانمندسازی اجتماعی و متغیرهای آن استوار است و تحلیل عاملی نیز بر توزیع همگون شاخص‌ها و یا عدم توزیع همگون آن تاکید دارد. نتایج ارزیابی متغیرهای شاخص اجتماعی در شهر بندرعباس مشخص می‌کند که در شاخص اجتماعی موفقیتی در ارتقا و بهبود مشاهده نمی‌شود؛ اقدامات و فعالیت‌های توانمندسازی، فرایندی یکپارچه و همه‌جانبه است که کلیه جهات آن باید به اندازه و هم‌راستای هم رشد و توسعه یابد. شهر و محله ارگانیزمی است که باید به صورت متوازن و هم‌قواره توسعه پیدا کند. توانمندسازی اجتماعی مستلزم موفقیت در ارتقای شاخص‌ها در کلیه جهات به صورت منسجم است. به عبارتی مفهوم توانمندسازی اجتماعی یک تواناسازی همه‌جانبه است، نه اینکه در این فرایند به مولفه‌ای توجه وافر شود و در مولفه‌هایی نقص و کاستی مشاهده گردد. توسعه ناهمگون متغیرهای ساختار اجتماعی و عدم رشد برخی از آنها سیاست توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی را در شهر بندرعباس و محلات مورد مطالعه حداقل در ابعاد ساختارهای اجتماعی به چالش می‌کشد. به عبارتی ساختارهای اجتماعی محلات مانند ارگانیزمی پرورش داده که بخشی از آن رشد یافته و بخشی دیگر به تکامل کافی نرسیده‌اند. اگر چه در مطالعه نظری تاکید بسیاری بر رویکرد ساختاری، کارکردی و مشارکتی و به عبارتی توجه به

در توضیح و بسط نتایج تحلیل عاملی باید گفت که در متغیر «بعد خانوار» و به عبارتی دستیابی به بعد خانوار مطلوب، بار عاملی برابر با ۰/۸۵۱ و در متغیر «تعداد خانوار در هر واحد مسکونی»، بار عاملی برابر با ۰/۶۵۲ است که دارای بار معنادار است و نشان‌دهنده بهبود اوضاع است، اما در سایر متغیرها، از قبیل متغیرهای «مدت اقامت در محله»، «تعداد اطاق در اختیار خانوار»، «تعداد فرزندان در حال تحصیل» و «سطح تحصیلات»، بار عاملی یا همگونی در توزیع متغیرها بسیار ضعیف است؛ بطوریکه بار عاملی متغیر «سال‌های اقامت در محله» که نشانگر «پایداری اجتماعی» محلات در صورت طولانی بودن مدت اقامت است برابر با ۰/۴۷۴-، بار عاملی متغیر «تعداد اطاق در اختیار خانوار» که بیانگر «دستیابی به سرانه مطلوب» سکونت است برابر با ۰/۱۱۴-، بار عاملی متغیر «تعداد فرزندان در حال تحصیل» که نشانگر «اهمیت یافتن تحصیل و آموزش» نزد حاشیه‌نشینان است برابر با ۰/۳۸۳- و نهایتاً متغیر «سطح تحصیلات» که نشانگر «بینش و آگاهی» افراد است برابر با ۰/۱۱۳ است که ضرایب بسیار ضعیفی در تحلیل عاملی به شمار می‌آیند. بنابراین می‌توان گفت که در شاخص اجتماعی، بین متغیرهای تحقیق، رشد هماهنگ و متجانس دیده نمی‌شود، به عبارتی شاخص اجتماعی مانند ارگانیزمی است که بخشی از آن رشد یافته و بخشی دیگر به تکامل کافی نرسیده‌اند. جدول ذیل وضعیت ضرایب متغیرهای شاخص اجتماعی را در تحلیل عاملی متغیرها نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. ضریب نهایی متغیرهای شاخص اجتماعی بر اساس تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS؛ ماخذ: محاسبات نگارندگان در نرم‌افزار SPSS با استفاده از تحلیل عاملی میان شاخص‌ها

ردیف	متغیرهای شاخص اجتماعی	ضرایب
۱	بعد خانوار	۰.۸۵۱
۲	تعداد خانوار در هر واحد مسکونی	۰.۶۵۲
۳	سطح تحصیلات	۰.۱۱۳
۴	تعداد اطاق در اختیار خانوار	-۰.۱۱۴
۵	تعداد فرزندان در حال تحصیل	-۰.۳۸۳
۶	سال‌های اقامت در محله	-۰.۴۷۴

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

رویکردهای تلفیقی در ساماندهی ساختارهای اجتماعی در سکونتگاه‌های فرودست بر مبنای توانمندسازی اجتماعی بود، اما نبود نظام برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکردهای مشارکتی و حاکم بودن روح برنامه‌ریزی متمرکز در کشور باعث بخشی دیدن توسعه و به تبع نظام ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شده است که آسیب‌های آن قابل تأکید است. در این نظام کمتر مجالی برای رشد و شکوفایی برنامه‌ریزی هماهنگ در قالب مدیریت هماهنگ شهری پیش می‌آید، لذا ساماندهی اسکان غیررسمی در شاکله‌ای متمرکز به شدت دچار چالش شده و بخش‌ها به سهم‌خواهی از رهاورد طرح‌های ساماندهی و اسناد مرتبط با سکونتگاه‌ها دچار می‌شوند. از طرفی ستادهای استانی ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی در کشور نیز بنا بر حکم عضویت و زیرمجموعه‌ای نهاد‌های حاکمیتی و دولتی، تابع قوانین و مقرراتی هستند که بعضاً در سطوح وزارتی اندیشیده و به آنان ابلاغ می‌شود. چه بسا این فرامین و بخشنامه‌ها در تعارض با اهداف و ماموریت‌های ستاد در راستای ساماندهی اسکان غیررسمی قرار می‌گیرد.

از این روست که در برخی از فعالیت‌های ساماندهی و خصوصاً توانمندسازی اجتماعی و توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی محلات فرودست تساهل قابل مشاهده است؛ به عبارتی در سند ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی بر ساختارهای اجتماعی، مشارکت محله‌ای، مدیریت هماهنگ شهری و نقش نهادهای میانجی تأکید شده است که متأسفانه در عمل برای شهری که عنوان پایلوت اقدامات مدیریتی را در چارچوب طرح تصویب شده یدک می‌کشد، کمتر تحقق یافته است. از طرفی، نظام تفویض اختیارات در سطوح برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در قالب ستادهای استانی و ضرورت ظرفیت‌سازی، آگاهی بخشی و توانمندسازی مدیران شهری را در تناظر با اعمال این اقدامات برای ساکنان سکونتگاه‌ها نباید فراموش کرد. متأسفانه در کشور ما بنا به دلایل مختلف در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی آنچه که مورد تأکید است، ظرفیت‌سازی، آگاهی بخشی و توانمندسازی برای ساکنان این سکونتگاه‌ها است و در ارتباط با

مدیران شهری و ارتقای کیفی آنان کمتر بحث‌های جدی به میان می‌آید، لذا در جایگاه خاص خود پرداختن به این مقوله توانایی بسیاری را برای مدیریت شهری در ساماندهی مسائل شهری به وجود می‌آورد. عدم توجه به آموزش مدیران خود به خود آنان را از توجه به نهادهای عمومی و خصوصی که امروزه در ادبیات توسعه سهم نهایی ایفا می‌کند، دور می‌سازد. نهادهای میانجی که بر نقش آنان در تقویت سرمایه اجتماعی در محلات غیررسمی تأکید می‌شود، شایسته است که مورد شناسایی قرار گیرند و با همکاری آن نهادها در تعامل با مدیران شهری، آنان را در استفاده از ظرفیت‌های مذکور سوق داد.

به نظر می‌رسد که به منظور دستیابی به اهداف توانمندسازی و ساماندهی و بخصوص شکل دادن به ساختار اجتماعی سکونتگاه‌های فقیرنشین لازم است که مجموعه اقداماتی سرلوحه اعمال مدیریتی قرار گیرد که به شرح پیشنهادات ذیل قابل ارائه است:

- با توجه به تحلیل انجام شده، اصلاح و بهبود در ساختارهای اجتماعی باید مُتجانس باشد. در متغیر ابعاد خانوار و تعداد خانوار در واحد مسکونی شاهد نوعی اصلاح و ارتقای متغیرها هستیم، لکن در سایر متغیرها از قبیل سطح تحصیلات، تعداد فرزندان در حال تحصیل، تعداد اطاق در اختیار خانوار و سال‌های اقامت در محله، متغیرها بار عاملی ضعیفی کسب نموده و در نتیجه بسیار ضعیف هستند.

به منظور رفع این نقص لازم است مواردی را مورد لحاظ قرار داد:

۱) اول: به منظور افزایش سطح سواد و به عبارتی سطح آگاهی در محلات فرودست آموزش‌های لازم توسط مدیریت شهری یا نهادهای ذیصلاح اعمال گردد تا سکنه از نقش تحصیلات و آگاهی در روند بهبود و اصلاح مکان زندگی خود آگاه شوند. به عبارتی قشر باسواد با ظرفیت‌های حقوقی و قانونی شهروندان زودتر و به شیوه‌ای صحیح‌تر آشنا شده و از آن ظرفیت‌ها جهت ارتقای سکونت‌خویش سود خواهند برد.

۲) دوم: متغیرهایی از قبیل تعداد اطاق در اختیار خانوار که اشاره مستقیم بر مباحث اجتماعی (فشرده‌گی روابط

شهری»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، پژوهشکده توسعه، گروه مدیریت شهری.

۲. اسکندری نوده، محمد (۱۳۸۹) «سیاست دولت در ساماندهی اسکان غیررسمی: شهر بندرعباس»، رساله دکتری به راهنمایی دکتر احمد پورا احمد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای انسانی.

۳. اطهری، کمال و جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۲) «حاشیه‌نشینی در ایران: علل و راه‌حل‌ها»، جلد چهارم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.

۴. افروغ، عماد (۱۳۷۷) «فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن»، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

۵. ایمانی جاجرمی، حسین و همکاران (۱۳۸۳) «مدیریت شهری پایدار، بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرهای ایران»، چاپ دوم، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.

۶. بیبی، ارل (۱۳۸۶) «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، ترجمه رضا فاضل، سمت.

۷. پیران، پرویز (۱۳۸۲ ح) «اجتماعات اسکان غیررسمی در ایران: از دنیای زنده زندگی روزمره تا تحلیل نظری»، کارگاه تخصصی اسکان غیررسمی در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.

۸. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳) «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، چاپ و انتشارات سازمان سمت.

۹. سعیدنیا، احمد (۱۳۸۲) «مدیریت شهری»، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.

۱۰. شکویی، حسین (۱۳۷۸) «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی»، ج ۱، سمت.

۱۱. صرافی، مظفر (۱۳۸۲ الف) «بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران»، مجموعه مقالات: در جستجوی راهکارهای توانمندسازی در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه توانبخشی و علوم بهزیستی، جلد دوم.

۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) «آمار اولیه سرشماری

انسانی) و کالبدی داشته و همبستگی مستقیم با سرانه فضای مورد نیاز هر فرد دارد مورد بازبینی قرار گیرد. این مهم می‌تواند با ظرفیت‌سازی آموزشی و حقوقی و آشنا نمودن شهروندان محلات با ساز و کارهای قانونی اخذ وام و نگهداری و توسعه فضای سکونتی همراه باشد.

- با توجه به اینکه اصلاح ساختارهای اجتماعی مقوله‌ای است مشارکتی، لذا ساختارهای منحصر به خود را می‌طلبند، از جمله ضروریات این مهم توجه به مدیریت شهری به عنوان اصلی‌ترین بازیگر در اصلاح ساختارهاست. این امر از لحاظ اجتماعی ساختارهای مدیریت محلی را به سوی جلب مشارکت ساکنان در سکونتگاه‌های فرودست سوق می‌دهد. از طرفی نهادهای محلی به خصوص در زمینه‌های اجتماعی با توجه به بومی بودن و آشنایی با فرهنگ و آداب ساکنان به راحتی قادر به شناسایی نیازها و انعطاف در پاسخگویی به خواسته‌ها خواهند بود.

استفاده از نهادهای میانجی در ساماندهی ساختارهای اجتماعی محلات غیررسمی ضروری است. این نهادها با توجه به زمینه‌های محلی و بومی که دارند، از ظرفیت‌هایی در محله آگاه هستند. با توجه به این آگاهی ظرفیت‌هایی نوینی را شناسایی می‌کنند و در راستای اصلاح ساختارهای اجتماعی بکار می‌بندند که حتی مدیران شهری بومی نیز توانایی این جنس مشاهده و جلب مشارکت را دارا نیستند. نهادهای میانجی از قبیل NGO، CBO و PVOها اکثراً به عنوان مشاورینی زبده در خدمت مدیریت شهری بوده و عموماً اعضای آنها در سکونتگاه‌های مورد نظر ساکن هستند یا مراداتی با آنان دارند. اصولاً هنر اصلی در شکل دادن به نهادهای میانجی آن است که از افراد محلی این نهادها را شکل داد. این نهادها به خصوص در تقویت سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های فرودست و تقویت مشارکت اجتماعی و در نتیجه شکل دادن به ساختارهای اجتماعی در جهت مثبت موثر و مفیدند.

منابع

۱. اسکندری نوده، محمد (۱۳۸۹) «بررسی بنیان‌های نظری اسکان غیررسمی در ایران با تاکید بر مدیریت

- عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استان هرمزگان».
۱۳. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی استانداری هرمزگان (۱۳۸۷) «بررسی کالبدی حاشیه‌نشینی در شهر بندرعباس»، با همکاری دانشگاه هرمزگان.
۱۴. نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۱) «برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالش‌های تجربی»، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، چاپ دوم.
۱۵. هادی‌پور، حلیمه‌خاتون (۱۳۷۸) «بررسی مرزبندی نواحی منطقه یک شهرداری تهران»، رساله کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر رحمت‌اله فرهودی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۱۶. هادی‌زاده بزاز، مریم (۱۳۸۲) «حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان»، مشهد، شهرداری مشهد با همکاری نشر تیهو.

17. Ankie, M. and Hoogvet.M. (1990). "The Sociology of Developing Societies" Macmillan.
18. Cloke, P and etal. (1991). "Approaching Human Geography", P.C.P.
19. Harvey, M.E. (1981). "Functionalism: in Themes in Geographical Thought", Edited bu Milton.E. Harvey and Brian. P. Holly, Croom-Helm.
20. McAuslan, P. (1985). "Urban Land and Shelter for the Poor", London: International Institute for Environment and Development.
21. Peet, R. (1991). "Capitalism: Theories of Social Development", Routledge.
22. UN-HABITAT.2005. Financing Urban Shelter, Earthscan.
23. Unwin, T. (1992). "The Place of Geography", Longman.

بررسی و تحلیل «مدیریت توسعه زمین» از طریق رویکرد «برنامه اصلاح مجدد زمین» با تاکید بر مقوله انتقال حق مالکیت زمین

احسان لگزیان* - کارشناس ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رنج آزمای آذری - کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

Study of analysis of "land development management" using the "land readjustment" approach with an emphasis on transfer of urban real estate and land ownership

Abstract: It should be noted that in provision of "urban department document", caring for land development management is of those important issues whereas neglecting of interdependent to land development management in one hand, and being parallel to the pre-stream of physical development for urban spaces in other hand, result in district of the main goals of development plans which are important in the context of toward "urban life quality promotion". The main goal of this article is to introduce an applied model in the context of land development management so as to create coordination between development stream in cities and future development plans emphasizing and paying attention to the existing environmental potentials and the way to deal with the concepts of land and ownership and solution in this regard. Therefore, "land readjustment" is introduced as a selected method for land development management in urban contexts, and its different applications are investigated with respect to the experiences of recent decades. Result of the study can be used as useful tool and applications toward guiding and management of land development, and in accordance with "urban management" especially the areas of land ownership rights and the methods of dealing with future development of the city in accordance with urban development plans.

Key word: land and urban land, land use planning, land readjustment, land development management, urban development plans.

چکیده

باید گفت که در تدوین «اسناد توسعه شهری»، توجه به مدیریت توسعه زمین، از مقولات قابل تاملی است که عدم توجه به ضرورت‌های وابسته و پیوسته با «مدیریت توسعه زمین» از یک طرف، و همگام با جریان «توسعه کالبدی» پیش بینی شده برای پهنه‌های شهری از طرف دیگر، سبب می‌گردد تا هدف اصلی طرح‌های توسعه، که تأکیدی در حوزه «هدف شناسی» در راستای «ارتقاء کیفیت زیست شهری» دارند، تحقق نیابد. در عین حال، منظور از «مدیریت توسعه زمین»، نوعی ایجاد هماهنگی و پیوستگی فی مابین شاخصه‌ها، سنجه و مولفه‌های وابسته با «ویژگی‌های زمین» و «نحوه استفاده و نوع کاربری» از آن است. در این مقاله، هدف اصلی، معرفی «الگوی کاربردی در زمینه مدیریت توسعه زمین»، به منظور هماهنگی با جریان توسعه در شهرها و در نظرگیری «زمینه‌های توسعه‌آتی» با تأکید و توجه بر پتانسیل‌های محیطی موجود و نحوه برخورد و مواجهه با مقوله زمین و مالکیت فعلی و راهکارها و رویه‌های موجود در این رابطه است. بدین منظور، «برنامه اصلاح مجدد زمین» به عنوان روش منتخب مدیریت توسعه زمین در گستره‌های شهری معرفی، و زمینه‌های مختلف کاربرد آن با توجه به تجارب گسترده جهانی در دهه‌های اخیر بیان می‌گردد. نتایج مورد نظر در این زمینه می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد و اثرگذار با کارکردهای اقتصادی و کالبدی، در راستای هدایت و مدیریت توسعه زمین، و هماهنگ با مقوله «مدیریت شهری» خاصه در مقولات حقوق مالکیت زمین و نحوه برخورد با توسعه‌های آتی شهر و در عین حال، همگام با طرح‌های توسعه شهری باشد.

واژگان کلیدی: «زمین و زمین شهری»، «برنامه ریزی کاربری زمین»، «برنامه اصلاح مجدد زمین»، «مدیریت توسعه زمین»، «طرح‌های توسعه شهری».

«زمین» به مثابه بستر و مامن انسان طی ادوار تاریخی، دستخوش تغییرات و تحولات عظیم و گوناگونی گشته است؛ چنانچه پس از پیدایش انسان، سیر تدریجی تکامل و در نهایت تشکیل جوامع یکجانشین، اندک اندک تغییرات اساسی در این مقوله آغاز می‌گردد. در حدود نه تاده هزار سال قبل، تعدادی از جوامع انسانی که در مناطق مختلف خاورمیانه امروز به سر می‌بردند، راه و روش‌های کشت گیاهان و اهلی کردن حیوانات را فراگرفتند و بدین طریق تغییرات اساسی آغاز شد. اندازه جمعیتها و همچنین تراکم آنها افزایش یافت. دوره‌های استقرار و سکونت در هر محل طولانیتر و اغلب دائمی شد، کالاهای مادی فراوانتر گردید و ساختارهای اجتماعی پیچیدگی بیشتری یافت. نخستین جامعه‌های شهری در همین دوران پدید آمد و با آنکه نسبت به معیارهای امروزی ابعاد کوچکی داشتند (جمعیت بزرگترین آنها از چند هزار نفر تجاوز نمی‌کرد) نسبت به معیارهای زمان خود بسیار عظیم بودند. یکی از خصیصه‌های بی سابقه جوامع شهری نوظهور در این بود که تمام ساکنان آنها در تولید مواد غذایی مورد نیاز خود شرکت نداشتند ولی برای نخستین بار در تاریخ بشری به فعالیتهای گوناگون در زمینه‌های مختلف دست زده بودند و مبادلاتی پایاپای با کشاورزان حومه‌ها انجام می‌دادند. بر این اساس باید گفت که زمین به عنوان بستر اصلی توسعه، نقش تعیین کننده‌ای در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه دارد. «عدم تناسب میان ساز و کارهای اجرایی طرح‌های توسعه شهری با ویژگی‌های کالبدی، نظام تقسیمات و الگوی مالکیت زمین»، سبب کاهش میزان تحقق پذیری این طرح‌ها می‌گردد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، «الگوی توسعه زمین»، از «الگوی مالکیت زمین» تبعیت می‌کند. بر این اساس باید گفت که الگوی مالکیت زمین نیز موضوعی حقوقی است که در تعیین آن، اصول فنی و الزامات توسعه‌ای، کمتر دخالت داشته‌اند. از این رو گاه در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه ی شهری در پهنه‌های با الگوی مالکیت خرد و الگوی نامنظم و انداموار توسعه زمین (تحت تأثیر الگوی مالکیت)، عامل اجرایی با مشکلات متعددی روبرو

می‌گردد. «تعدد مالکان» از یک سو و لزوم «توسعه یکپارچه»، از سوی دیگر مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تدوین و اجرای طرح توسعه می‌باشد. به طوری که گاه اجرای طرح توسعه، امکان پذیر نمی‌گردد. لزوم توجه به مدیریت توسعه زمین و بکارگیری ابزارهای آن در جریان تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری، یکی از موثرترین راه‌های برون رفت از این چالش می‌باشد.

بنابراین هر «سیستم مالکیت زمین» بر مبنای یک سری «مفاهیم اقتصادی و اجتماعی»، بنیان‌گذاری می‌شود. رد بعضی از سیستمها، زمین بعنوان قسمتی از «روابط اجتماعی ما بین مردم و جامعه» در نظر گرفته می‌شود و به هیچ وجه تمایزی ما بین جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی این روابط در نظر گرفته نمی‌شود. در بیان رابطه باید گفت که، این روش در جوامع سنتی که به وسیله آداب و رسوم گذشته اداره می‌شوند رایج است (Farvacque, Mcauslan, 1992.p36). در نقطه مقابل این روش، سیستمهای دیگر زمین را بعنوان قسمتی از «روابط اقتصادی ما بین مردم و جامعه» تلقی می‌کنند. لذا باید گفت که در جوامع امروزی که تحت تسلط بازار است، روابط اقتصادی و اجتماعی را کاملاً جدا از همدیگر در نظر می‌گیرد و به «زمین بعنوان کالا و یک عامل تولید» می‌نگرد. با وجود این تا زمانیکه این دو روش در نظر گرفته نشود، «سیاست زمین شهری و مدیریت زمین» موثر واقع نخواهد شد. این دو روش بر هم منطبقند؛ چنانچه زمین ممکن است در معرض قوانین و عملیاتی قرار بگیرد که از سیستمهای مالکیت زمین مبتنی بر هر دو نوع مالکیت نشأت گرفته باشد. اشخاص ممکن است از یک روش به روش دیگر مراجعه کنند. هر دو روش جزء تفکیک ناپذیر کل جامعه محسوب می‌شوند و قانونی نیز هستند. در ادامه باید گفت که «برنامه اصلاح مجدد زمین»، می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد و اثرگذار با کارکردهای اقتصادی و کالبدی، که به لحاظ «سلسله مراتب طرح‌های شهری»، مقیاسی بین طرح‌های جامع و تفصیلی و طراحی و اجرای یک واحد مسکونی دارد، فرض شود که می‌تواند تا راه حلی مناسب جهت مداخله در این بافت‌ها باشد. این برنامه، با در نظر گرفتن واقعیت‌های طراحی شهری، خدمات عمومی و

جنبه‌های اجتماعی و مشارکت ساکنان، اقدام به تغییر در خطوط «مالکیت، تقسیم، تجمیع، تعویض و کاهش مساحت قطعات» در محدوده مورد نظر، با توجه به سهم گذاری هر یک از ساکنین در پروژه می‌نماید.

۲- مواد و روشها

روش تحقیق پژوهش حاضر، «توصیفی» و «تحلیلی» است که از ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای و اسنادی در راستای تبیین جایگاه برنامه ریزی اصلاح مجدد زمین در اسناد توسعه شهری در جهت مدیریت توسعه زمین بهره برده است. در عین حال باید اشاره داشت که از روش «استدلال منطقی» نیز برای تحلیل و بحث در مقولات مرتبط استفاده شده است.

۳- ادبیات تحقیق

۱-۳- زمین؛ مفاهیم و تعاریف

تعابیر و تعاریف متعددی از زمین، «نحوه استفاده از زمین» و «تغییرات استفاده از زمین» در منابع علمی مختلف، وجود دارد. این تعاریف بسته به زمینه بررسی، در علوم مختلف از جنبه‌های متفاوتی ارائه گردیده است. در «علوم طبیعی»، بیشتر به «جزئیات و جنبه‌های طبیعی زمین» توجه می‌گردد؛ در حالی که «علوم انسانی» بیشتر به «جنبه‌های فضایی و عملکردی زمین» توجه دارد. باید گفت که زمین ماهیت عمومی دارد، از آن روی که:

۱. «کالایی با دوام است، تولید مجدد یا نابود کردن آن جز در حدی بسیار محدود ممکن نیست»: از آنجاکه هیچ نسلی نمی‌تواند آن را با مصرف خود تمام کند، هر نسل این وظیفه اخلاقی را دارد که در بهره‌گیری از آن به نسلهای آینده بیاندیشد.

۲. «زمین یکی از عناصر شناخته شده در هر نوع تولید است»: در جوامع کشاورزی زمین مهمترین منشأ برکت است. در جوامع شهری رابطه پیچیده‌تر است، اما باز هم قابلیت تولید، به مکان کافی و مناسب بستگی دارد.

۳. «ارزش زمین، خاصه در شهرها تا حد زیادی با پدیده اجتماعی شهرنشینی ایجاد می‌شود»: زمین ماهیت خصوصی دارد از آن روی که افراد نیاز روانی ژرفی به امنیت

دارند و این امنیت از دیرباز با مالکیت زمین و خانه پیوند خورده است. بررسی ماهیت و مفهوم زمین و جایگاه آن نزد مکاتب مختلف فکری و نظریه پردازان بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان ضمن وجود دیدگاههای مختلف، جملگی بر ویژگی زمین نسبت به سایر عوامل تولید و یا به عبارتی کالای موجود در جامعه تأکید داشتند (Paul, Balch in, 1997.p81).

۲-۳- ماهیت زمین

«فیلیپ کی ول» در کتاب «زمین و شهر»، زمین را به عنوان زمینه چندبعدی توسعه شهری در نظر می‌گیرد. زمین یک فضای خنثی و دربرگیرنده فعالیتها و اجسام نبوده و کلید اصلی برای درک دو جنبه مهم از توسعه شهری است:

۱. زمین برای توصیف شکل، نقشه و توسعه شهر ضروری است.

۲. زمین در مرکز فعالیتهای شهری قرار گرفته و با تامین قدرت و ایجاد ارتباط میان گروه‌ها و فعالیتهای مختلف، بر توسعه اقتصادی تاثیر می‌گذارد (رفیعیان، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

دانشمندان و صاحب نظران علوم مختلف در خصوص «تعریف و ماهیت زمین»، دارای وحدت نظر نسبی هستند؛ اما در نحوه استفاده و کاربرد زمین چنین وحدت نظری را مشاهده نمی‌کنیم؛ چنانکه عده‌ای صاحب نظران معتقدند، زمین نه به عنوان یک «کالا» بلکه به عنوان یک «منبع طبیعی»، اساس سایر منابع طبیعی محسوب می‌شود. این طیف از صاحب نظران همچنین اعتقاد دارند، در طول تاریخ انسان بیشتر مواد مورد نیاز برای تغذیه، سوخت، لباس و مسکن خود را از زمین تأمین کرده است. زمین بعنوان بوم انسان و فضای زندگی او، پایگاه زندگی و مرگ او بشمار می‌آید. زمین همواره بصورت یک اکوسیستم، یعنی مجموعه‌ای از موجودات زنده و محیط طبیعی آنها عمل می‌کند. از این رو «کارایی هر اکوسیستم به نوع و کیفیت کاربری زمین وابسته است» (شکویی، ۱۳۷۳ ص ۲۵۳). نگرستن به زمین از این زاویه که بر پایه «اخلاق و فضیلت انسانی» تکیه دارد،



در دیدگاه‌های افلاطون و بطور کلی افکار اقتصادی یونان قدیم و قرون وسطی نیز منعکس است. با این حال از آغاز رنسانس علمی تاکنون، زمین و مباحث پیرامون آن کانون توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان و نظریه پردازان مکاتب مختلف علمی فلسفی، اقتصادی و سیاسی بوده و هست (قدیری اصل، ۱۳۶۸، ص ۵۲).

۳-۳- زمین شهری

اصولاً در مقیاس گسترده، «زمین به عنوان یک منبع» در نظر گرفته شده و «کاربری زمین» به معنی «کاربری منابع» می‌باشد؛ لیکن در مقیاس شهری، بجای اینکه زمین را از منظر توان تولیدی خاک و یا معادن زیرزمینی ارزیابی کنند، تأکید بیشتر بر روی توان استفاده از روی زمین، جهت استقرار فعالیتهای گوناگون است. در مورد اول زمین به گروههایی همچون معدن، کشاورزی، مرتع و جنگل طبقه‌بندی شده و توان آن بر حسب محصول زمین سنجیده می‌شود، در حالیکه در مورد زمین شهری، زمین به گروههایی نظیر تولید، توزیع، خدمات، مسکن، تفریح، حمل و نقل و فعالیتهای دیگر یک جامعه شهری تقسیم و توان آن به عوامل متعددی بستگی دارد که از آن جمله است: «مکان» و «موقعیت آن» (بحرینی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱-۱۸۰).

۴-۳- ویژگیهای زمین شهری

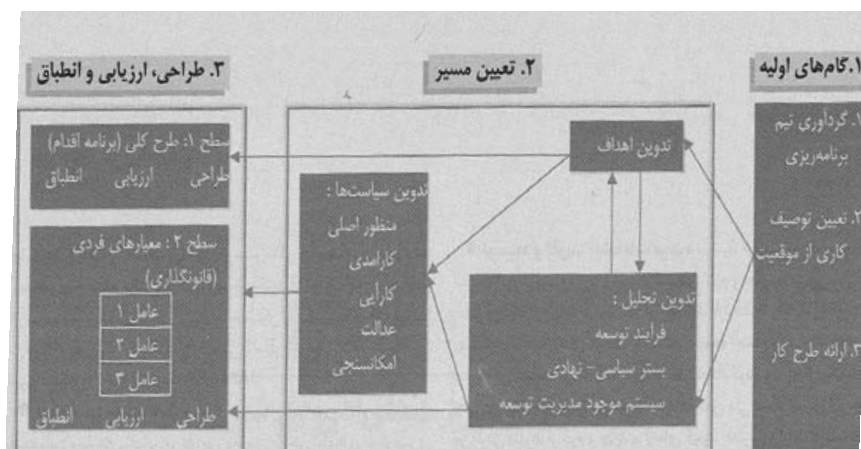
اصولاً متخصصین، پنج ویژگی مهم و اساسی را برای زمین در نظر می‌گیرند که عبارتند از:

۱. «ثبات نسبی عرضه زمین»: اقتصاددانان سنتی معتقدند که عرضه زمین در واقع ثابت است. اگر یک نوع کاربری در سطح زمین افزایش یابد (برای مثال مزارع) باید در کاربریهای دیگر گسترش یابد (در داخل جنگل) اما اقتصاد دانان زمین با این تعریف و درک جهانی زمین و چگونگی کاربرد آن موافق نیستند. آنها معتقدند که بواسطه فعالیتهای بشر تولید زمین هم افزایش می‌یابد و هم کاهش.

۲. «عدم پرداخت هزینه برای ایجاد آن»: در حالیکه بشر قادر است مالکیت خود را افزایش دهد یا سرمایه ایجاد کند و مهارتهای خود را بهبود بخشد، قادر نیست زمین را به مفهوم عام بسازد. بنابراین زمین وجود داشته و بشر برای ساخت و ایجاد آن هیچ هزینه‌ای پرداخت نکرده است. اما وقتی که زمین را توسعه می‌دهیم هزینه‌هایی را متحمل می‌شویم در این صورت است که عامل زمین شبیه سایر عوامل تولید تلقی می‌گردد.

۳. «عدم تجانس»: برای استفاده‌کننده از زمین هر مکان تفاوت می‌کند؛ بگونه‌ای که می‌توان زمین را با لحاظ اقتصادی به زمینهای حاشیه‌ای نه چندان مفید، زمینهای متوسط و زمینهای مرکزی با کاربریهای بسیار سودمند طبقه‌بندی کرد. با این حال این طبقه بندیها را می‌توان نسبی تلقی نمود. چراکه در طی زمان، با تغییر کاربریها موقعیت زمینها نیز متحول می‌گردد.

۴. «رانت اقتصادی یا رانت کمیابی زمین»: کلمه رانت بطور ریشه‌ای فقط به زمین به عنوان یکی از عوامل مهم تولید نسبت داده می‌شود. اقتصاددانان کلاسیک



تصویر ۱. فرایند تهیه طرح مدیریت توسعه؛ ماخذ: رفیعیان، ۱۳۸۹، ص ۴۵.

رنالیستی دریافته‌اند که در مقام مقایسه، کمیابی زمین بدلیل ویژگی ذاتی نسبت به سایر عوامل که بطور معمول قابل دستیابی‌اند، همچون نیروی کار و سرمایه بهره‌کامل ایجاد می‌کند.

۳-۵- اشکال زمین شهری

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان زمین شهری را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. «زمین اصلاح نشده»؛ زمین اصلاح نشده و یا عبارتی زمین شهری اصلاح نشده به آن دسته از زمینهایی می‌گویند که بطور قانونی در محدوده شهری واقع شده‌اند، ولی بر روی آنها ساخت و ساز انجام نشده یا بر مبنای تعریفی دیگر بر روی آنها ساختمان ایجاد نشده باشد. این دسته شامل زمینهای کشاورزی، منابع طبیعی (جنگل و مرتع)، زمینهای بایر و موات است. اینگونه زمینها که عمدتاً در حواشی و حومه شهرها دیده می‌شوند، به لحاظ وسعت، موقعیت، کیفیت و نحوه مالکیت نقش بسزایی در توسعه شهری ایفا می‌کنند.

۲. «زمین اصلاح شده یا توسعه یافته»؛ این طیف از زمینها به آن دسته از زمینهای شهری اطلاق می‌گردد که تحت فرآیند توسعه قرار گرفته باشند، بگونه‌ای که بر روی آنها ساختمان ایجاد شده یا برخی خدمات و تسهیلات شهری و عمومی چون آب، برق، گاز، تلفن و شبکه آب و معابر بر روی آنها مهیا شده باشد تا برای گسترش ساخت و ساز شهری آماده شود یا در همین راستا حداقل در معرض تسطیع و اصلاح هندسی قرار گرفته باشد.

۳-۶- کاربری زمین

«نوع و نحوه بکارگیری زمین در ساختار شهری» را بطور عام کاربری زمین شهری می‌نامند که در این میان یکی از وظایف طرحهای شهری مشخص کردن نوع کاربری زمین برای استفاده در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز زندگی شهری در محدوده قانونی شهرها برآورد می‌شود (سعید نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۳). لذا می‌توان گفت که نحوه استفاده از زمین و کارکردی که به آن تعلق می‌گیرد را «کاربری زمین» گویند. موضوع کاربری زمین یعنی «نحوه استفاده، تخصیص، توزیع و حفاظت از زمین»، همواره از محورهای اساسی توسعه شهری بوده است؛ مراد از

کاربری زمین، انواع فعالیت‌های انسان بر روی زمین است.

۳-۷- برنامه ریزی کاربری زمین

«برنامه ریزی کاربری زمین» هم به عنوان «هدف» و هم به عنوان «وسیله»، یکی از ارکان سامان بخشی به فعالیت‌های انسانی در عرصه محیط شهری محسوب می‌شود و در واقع، از طریق «اثرگذاری بر تصمیمات عمومی و خصوصی و هدایت نحوه استفاده بهینه از زمین‌های شهری»، نقش اساسی در تعیین «الگوی توسعه شهر و دستیابی به اهداف توسعه پایدار و اعتلای کیفیت محیط شهر و حومه» را به عهده دارد (مهدیزاده، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹). «استوارت چاپین»، هسته اصلی برنامه ریزی کاربری زمین را تلاش در جهت تأثیرگذاری بر جریان تغییر کاربری زمین و هدایت آن می‌داند (1995, P.35, Chapin). «برنامه ریزی برای کاربری اراضی شهری» یعنی ساماندهی مکانی و فضایی فعالیتها و عملکردهای شهری بر اساس خواستها و نیازهای جامعه شهری. این برنامه ریزی در عمل هسته اصلی برنامه ریزی شهری است و انواع استفاده از زمین را طبقه بندی و مکانیابی می‌کند (سعید نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۳-۱۴).

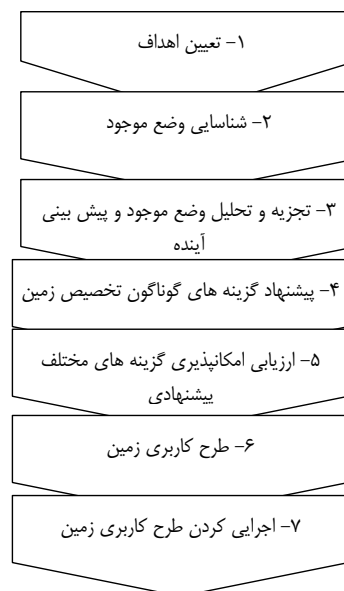
۳-۸- محتوای طرح کاربری زمین

«طرح کاربری زمین» بیانگر الگوی آتی استفاده از زمین در شهر است و انواع گوناگون کاربریهای شهری (مسکونی تجاری و صنعتی) و استفاده‌های عمومی (آموزشی، بهداشتی، اداری و تفریحی) را تعیین می‌کند. علاوه بر تعیین نوع استفاده از زمین تعیین شدت و کثرت کاربری یا تراکم استفاده‌های متفاوت نیز اهمیت دارد. در طرح کاربری زمین، کجایی و مکان نوع فعالیتها و عملکردهای شهری مشخص می‌شود و بر همین اساس است که چارچوبی می‌سازد که در آن مکان زمان و ظرفیت عملکردهای گوناگون مشخص می‌شود (سعید نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

۳-۹- فرآیند برنامه ریزی کاربری زمین

«فرآیند برنامه ریزی کاربری زمین»، شبیه «فرآیند برنامه ریزی شهری» است؛ زیرا هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ نظری هسته برنامه ریزی بشمار می‌رود. فرآیند برنامه ریزی کاربری زمین شامل هفت مرحله است.





نمودار ۱. فرآیند برنامه ریزی کاربردی زمین

۳-۱۰- طبقه بندی کاربریهای اراضی شهری

کاربریهای شهری بطور عام به نه دسته تقسیم می شوند که «معیارهای مکانی و استانداردهای فضایی» خاصی دارند. از نظر کدگذاری هر گروه فرعی با یک شماره اختصاصی و یک پیش شماره کاربری اصلی مشخص می شود. در جدول به طبقه بندی و کدگذاری کاربریهای اراضی شهری اشاره شده است.

۳-۱۱- مفهوم توسعه زمین

توسعه زمین عبارت است از «ایجاد هرگونه تغییر در نحوه استفاده از زمین جهت افزایش میزان بهره وری از آن». توسعه زمین اغلب با تغییر در خصوصیات زمین همراه است. به لحاظ «عامل توسعه گر»، دو گونه معمول از توسعه مجدد وجود دارد:

کاربری اصلی	کد	کاربری اصلی	کد
خدماتی	۶	مسکونی	۱
فرهنگی و گذران اوقات فراغت	۷	صنعتی	۳ و ۲
منابع تولیدی و استخراج	۸	حمل و نقل و تاسیسات	۴
اراضی بایر و مناطق آبی	۹	تجاری	۵

Source: Joseph De Chara, Lee Koppelman (1974), p: 119.

۱. «به صورت داوطلبانه و از طریق همکاری میان مالکان زمین»؛

۲. «به صورت خرید و تملک اجباری توسط یک عامل از بخش عمومی». به دو گونه بالا، گونه سوم را می توان افزود که ترکیبی از دو گونه فوق می باشد. (2007:459) (Home,

۳-۱۲- مدیریت زمین^۲ و مدیریت توسعه زمین^۳

«مدیریت زمین»، فرآیندی است که طی آن منابع و ذخایر مرتبط با زمین، به بهترین استفاده ممکن اختصاص می یابند. مدیریت زمین، «مدیریت بر تمامی فعالیت هایی که به بهره گیری از زمین، چه از دیدگاه محیطی و چه از دیدگاه اقتصادی می پردازد» را پوشش می دهد. این موضوع می تواند شامل «زراعت، استخراج معادن، مدیریت املاک و برنامه ریزی کالبدی شهر و حومه» گردد. با توجه به تعریف ارائه شده از توسعه زمین، مدیریت توسعه زمین را می توان به عنوان «مدیریت تغییرات در نحوه استفاده از زمین» تعریف نمود، که هدف آن نظارت و هدایت مداوم تغییرات است؛ به نحوی که به بهترین شکل به اجتماع سود رسانی کند. «مدیریت توسعه زمین» عبارت است از ایجاد هماهنگی میان خصوصیات زمین با نحوه استفاده از آن. در خصوص زمین شهری، مدیریت توسعه زمین را می توان ایجاد هماهنگی میان ویژگی های زمین با جریان توسعه شهری تعریف نمود (مهدیزاده، ۱۳۸۲، ص ۳۶۳)

۴- رویکرد نوین به برنامه ریزی کاربری زمین

«استوارت چاپین» به عنوان پیشرو در رویکرد نوین به برنامه ریزی کاربری زمین شهری، این مسئله را مطرح نمود که هیچ نظریه صرف در برنامه ریزی و تغییرات شهری، به تنهایی نمی تواند به طور کامل «پیچیدگی و

پویایی واقعیت عملی برنامه ریزی کاربری زمین» را در شرایط پیچیده رقابت، تغییر و تقابل، توصیف کند. از آنجایی که تغییر تنها عامل ثابت در این شرایط آشفته است، یک راهکار مفهومی بر پایه «مدیریت تغییر نحوه استفاده از زمین»، بیشتر با واقعیت عمل برنامه ریزی متناسب است. مطابق این رویکرد، هدف نهایی تمامی فعالیت‌های برنامه ریزی کاربری زمین، «نظارت و هدایت مداوم تغییر» است؛ به نحوی که به بهترین شکل به اجتماع سودرسانی کند. وی هسته‌ی اصلی برنامه ریزی کاربری زمین را، «تلاش برای تأثیرگذاری بر جهت تغییرات استفاده از زمین می‌داند» (Chapin, 1995:P.35) وی مجموعه این تلاش را مدیریت تغییرات کاربری زمین می‌نامد. او معتقد است که به منظور مدیریت تغییرات کاربری زمین، برنامه ریزی کاربری زمین می‌بایست در برگزیده چهار عملکرد اصلی باشد:

۱. «بینش اطلاعاتی»^۴،

۲. «برنامه ریزی پیشرفته»^۵،

۳. «تدوین راه حل برای مسائل»^۶ و

۴. «اجرای نظام مدیریت توسعه»^۷ (Chapin, 1995:P.61).

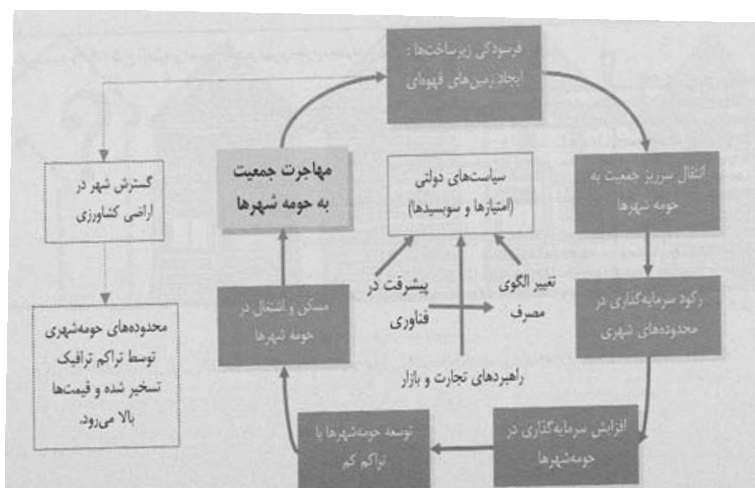
بدین ترتیب برنامه ریزی کاربری زمین، فرآیندی چهارمرحله‌ای خواهد بود که هدف آن نیل به توسعه زمین است؛ همانگونه که مشاهده می‌گردد، در این فرایند، «عملکرد مدیریت توسعه به عنوان حلقه اتصال

۵- پروژه‌های توسعه شهری و مالکیت معمولاً «الگوی مالکیت زمین»، پاسخ آرام به تحولات اجتماعی و اقتصادی است و یکی از عوامل عمده تأثیرگذار بر ساخت و رشد شهرها، بعنوان تجلی‌گاه زندگی اقتصادی اجتماعی بشر است. نظم و بی‌نظمی جهت توسعه شهری، نحوه مکان‌یابی کاربریها، توزیع کاربریها، تراکم توسعه و نهایتاً کیفیت عمومی زندگی در شهر را می‌توان به نوعی وابسته به الگوی مالکیت دانست. «مالکیت» که به عنوان حق تملک تعریف شده، در برخی از کشورها در قدرت‌گروه‌های صاحب نفوذ و یا دولتهاست، در این صورت می‌توان قدرت تأثیرگذاری دولت و گروه‌های پُر قدرت سیاسی - اقتصادی را بر ساختار شهری درک کرد، اگر همین حق در اختیار تک تک افراد ساکن در شهرها قرارگیرد، نیز می‌توان تأثیر آن را بر الگوی رشد و توسعه شهرها متصور بود. با توجه به اهمیتی که شهرها در عرصه اجتماعی، اقتصادی سیاسی و زندگی جوامع انسانی ایفا می‌کند، دولتها ناگزیرند برای جلوگیری از تفوق اهداف و سلايق شخصی بر منافع عمومی، مفهوم «اهداف عمومی را بر طرحهای توسعه شهری» نیز تعمیم داده تا از این رهگذر بتواند در تصرف و

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۵۳



تصویر ۲. چرخه الگوی گسترش بی رویه؛ ماخذ: رفیعیان، ۱۳۸۹، ص ۴۵.

4. Intelligence
5. Advanced Planning

6. Problem Solving
7. Development Management

کاربری شهری، منافع عمومی را تعریف کند (میرعلی کتولی، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

به طور معمول در یک «پروژه توسعه شهری»، از محدوده مورد نظر که در تملک یک مالک است، سلب مالکیت می‌گردد؛ عامل، مجری توسعه (بخش عمومی و یا خصوصی) به طور معمول یک طرح توسعه (طرح تفصیلی) را با همکاری شهرداری تهیه و اجرا می‌نماید. اگر چه زمانی که محدوده، دارای ساختار پیچیده و نامنظمی از ملک و مالکیت است، تملک آن توسط یک مالک، فرآیندی پرهزینه و زمان بر است؛ برای مثال حتی زمانی که خصوصیات یک محدوده به خوبی از جهات مختلف برای انجام توسعه مورد مطالعه قرار گرفته است، برنامه تدوین شده ممکن است با نظر مالک و یا اجتماع محلی در هماهنگی نباشد. عقاید و نظرات در خصوص مسیر و زمان پروژه توسعه ممکن است متفاوت باشد. همچنین این موضوع در خصوص تمایل مالکان به مشارکت نیز می‌تواند صادق باشد. حتی ممکن است کمبود منابع جهت اجرای پروژه وجود داشته باشد. از این رو توسعه یک محدوده ممکن است برای زمان قابل توجهی به تأخیر افتد. در نتیجه در بسیاری از کشورها، گونه‌های مختلفی از ابزارهای قانونی جهت توسعه زمین شهری ایجاد شده تا در چنین مواردی، تسهیل‌کننده امور باشد. «فرآیند اصلاح مجدد زمین» می‌تواند به عنوان روشی برای توسعه زمین شهری «توسط مالکان» و یا به عنوان ابزاری برای اجرای طرح «توسط مسئولان» مورد استفاده قرار گیرد. کشورهای مختلف، بسته به نظام برنامه ریزی و مسئولیت بخش خصوصی و عمومی در تولید زمین شهری، به راه حل‌های مختلفی در این زمینه دست یافته‌اند (Vitanen, 2001:1)

در کشورهای اروپای شرقی، دولت‌ها مقدار متناسبی زمین در حوالی شهرها تصرف می‌کنند تا با ایجاد برخی کاربریها، تعادل این سکونتگاه را تضمین کنند. در کشورهای سرمایه‌داری نیز با وجود مالکیت خصوصی، قوانین بسیاری برای مصادره زمین، جهت کاربریهای شهری وجود دارد (Ofori, 1986.p40-41). بعنوان مثال، در کشور هلند برای تصرف زمینهای مورد نیاز توسعه شهری، روشهایی چون مالیات بر زمین، مناطق

حفاظت شده شهری، مصادره و تصرف کوتاه مدت زمین اعمال می‌شود (ibid.p41).

الگوی مالکیت زمین در کشورهای سوسیالیستی، برای حل مشکلات شهری بسیار ایده‌آل به نظر می‌رسد زیرا، فعالیت‌های دولت را می‌توان در جهت ثبات ساختار شهری هدایت کرد. در کوبا طی سالهای گذشته، به منظور رفع زمینه‌های نامطلوب اجتماعی موثر در شهرنشینی و ساختار شهری، الگوی مالکیت زمین از طریق تغییر قوانین اصلاح شده است. در مقابل در کشورهایی که حق مالکیت عمدتاً خصوصی است، کنترل یا هدایت شکل و ساختار شهر بسیار محدود است. در این قبیل کشورها برای توسعه شهری از یک سری پروژه‌های عمومی، به عنوان نیروی تعدیل‌کننده ساختار شهری کمک گرفته می‌شود. شیوه‌هایی چون منطقه‌بندی، کنترل دقیق قوانین و همچنین شیوه‌های غیر مستقیمی چون مالیات‌بندی، تسخیر زمین و آماده سازی خدمات عمومی، (این مورد در کشورهای توسعه یافته بسیار بهبود یافته است) نه تنها در مکانیابی کاربریها، بلکه در نحوه اجرای آن نیز موثر واقع می‌شود. شیوه تصرف عدوانی زمین یکی از مشکلات جوامع در حال توسعه (همچون آفریقا) می‌باشد (میرعلی کتولی، ۱۳۸۰، ص ۴۸).

«اصلاح مجدد زمین»، در میان روش‌های متنوع «توسعه شهری» که در سطح جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، روشی منحصر به فرد است. روش معمول توسعه شهری بدین ترتیب است که ابتدا محدوده مورد نظر توسط عامل توسعه خریداری می‌گردد و توسعه کالبدی انجام می‌شود. تأمین زمین مورد نیاز برای توسعه و ایجاد زیر ساختارهای لازم، نیازمند صرف سرمایه هنگفتی می‌باشد. این سرمایه از طریق دریافت وام‌هایی با بهره‌های قابل توجه، از مؤسسات مالی تأمین می‌گردد. اما با استفاده از اصلاح مجدد زمین، به عنوان ابزار توسعه و با بهره‌گیری از ویژگی‌های اقتصادی آن، عامل توسعه در عمل متحمل هزینه‌ای برای توسعه نمی‌گردد.

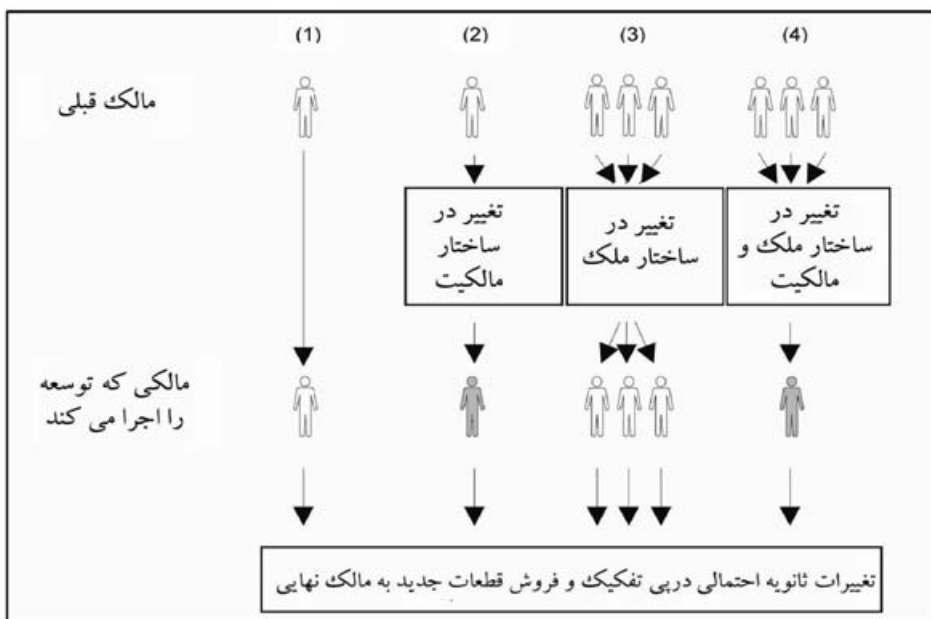
جدول ۱. انواع مالکیت زمین در کشورهای مختلف بر حسب حقوق و مشخصات

نوع مالکیت	مالک	حقوق مالکیت	استفاده از زمین	اداره زمین	انتقال مالکیت	انتقال استفاده
خصوصی	افراد شرکت تعاونیها	مطلق یا محدود شده بوسیله منافع عمومی	بدون محدودیت	خصوصی	کنترل نشده	کنترل نشده
		- دائمی یا موقت	محدود شده به وسیله منافع عمومی	عمومی	کنترل شده	کنترل شده
				مختلط	بر اساس مالیات	بر اساس مالیات
				تعاونی	با حق شفعه	با حق شفعه
دولتی (عمومی)	ملت دولت کشور	مطلق یا محدود شده بوسیله حقوق خصوصی یا حقوق مذهبی	خصوصی جمعی	عمومی تعاونی خصوصی	ممنوع شده	ممنوع شده
				مختلط		مجاز فقط بر اساس ارث
	شهرداری	دائمی یا موقت	عمومی			مجاز بر اساس فروش یا اجاره
جمعی	تعاونی خانواده	مطلق یا محدود شده بوسیله حقوق خصوصی	خصوصی		ممنوع شده	ممنوع شده
					مجاز فقط بر اساس ارث	مجاز فقط بر اساس ارث
	ایل	خصوصی عمومی یا مذهبی	جمعی			مجاز بر اساس فروش یا اجازه
	قبیله جامعه		عمومی	دولتی یا تعاملات محلی	ممنوع شده یا مجاز	
موقوفات مذهبی	خدا جامعه دولت مذهب شخصی یا گروه	مطلق یا محدود شده بوسیله منافع عمومی	مذهبی جمعی عمومی	مذهبی جمعی عمومی رفاه اجتماعی	ممنوع شده یا مجاز کنترل شده یا نشده بر اساس وضع مالیات با حق شفعه	ممنوع شده یا مجاز کنترل شده یا نشده بر اساس وضع مالیات با حق شفعه

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۵۵



تصویر ۳. چهار مدل جهت تطبیق ساختار مالکیت املاک با طرح کاربری؛ منبع: Vitanen 2001:2.

۶- روش‌های مدیریت توسعه زمین شهری شیوه‌های متفاوتی جهت مدیریت توسعه شهری و مدیریت اراضی وجود دارد، همچون: «ملی کردن زمین، مالکیت دولتی بر اراضی حاشیه ای، مالیاتها و عوارض ویژه بر منافع حاصل از افزایش بهای اراضی در اثر احداث خدمات عمومی، اصلاحات ارضی» (Kitay, 1985; Dunkerley, 1983; Group, 2001:Glossary) «بازبانی زمین، اصلاح مجدد زمین» (The World Bank) و غیره که برای حل مسائل مربوط به زمین شهری مورد استفاده قرار گرفته است. بطور مثال می‌توان اشاره کرد که طبق تحقیقات انجام شده در سکونتگاههای شهری کشورهای با درآمد کم و متوسط، بویژه شهرهایی چون «بیجنینگ، دارالسلام، سانتیاگو، داکا و کاراکاس، ریودوژانیرو» و همچنین برخی نقاط شهری کشورهای توسعه یافته چون «تورنتو، استکهلم، ماینج و آمستردام»، الگوی تغییر کاربری زمین کشاورزی به مسکونی و مراحل مختلف آن مورد تجزیه و تحلیل و تبیین قرار گرفته است. بر این اساس اگر توسعه دهندگان خصوصی زمین شهری، از شیوه‌های قانونی اقدام به تبدیل زمین مسکونی نماید غالباً با مراحل طولانی، پیچیده و فرآیندی گران قیمت روبه‌رو هستند

(Habitat, 1996.p249). جدول زیر مراحل مختلف انتقال زمین خام (اغلب کشاورزی) را به یک قطعه زمین مسکونی در شهرهای فوق‌الذکر نشان می‌دهد.

بدین ترتیب تبدیل زمین کشاورزی به زمین شهری هزینه‌های بسیاری را طلب می‌کند. بویژه در مواقعی که زمینهای فوق از زیرساختها و خدمات مطلوب شهری نیز بهره‌مند شوند. اصولاً در این شرایط زمینهای دارای خدمات به سرعت افزایش قیمت یافته و با در طی مراحل آماده سازی با تأخیر در عرضه روبرو می‌شود، در نتیجه طیفی از متقاضیان شهری کم‌بضاعت و همچنین سرمایه‌گذاران صنعت ساختمان و ساخت و ساز به ناچار به زمینهای بدون خدمات روی می‌آورند که این نوع از زمینها نیز در حاشیه شهرها و عمدتاً در مناطق غیر مجاز است (میرعلی‌کتولی، ۱۳۸۰، ص ۵۹). در این میان باید گفت که اصلاح مجدد زمین، یکی از روش‌های رایج در مدیریت توسعه زمین شهری است که با توجه به زمینه مطالعه، در ادامه به عنوان شیوه منتخب معرفی و به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قیمت زمین خام (بایر و کشاورزی)

بدلیل تمرکز شدید مالکیت زمین - انگیزه اندک برای توسعه زمین - جریمه برای عدم توسعه زمین - فقدان شبکه مناسب در همه بخشها و موقعیتها - قیمت پایین زمین در نواحی حاشیه‌ای شهرهایی که زمین خام به وفور یافت می‌شوند. هر یک در قیمت زمین خام موثر است.

عرضه زمین در حاشیه کمربند بزرگ سبز اطراف شهر (مثلاً سئول) که برای مصارف غیرمسکونی منطقه‌بندی شده‌اند کنترل گسترش شهر که عموماً در اکثر شهرهای اروپایی انجام می‌شود فرآیند بوروکراتیک نظام اداری طولانی مدت و دست و پاگیر

به دلیل فرآیند طولانی و پیچیده تهیه تاییدیه که عمدتاً ارگانهای مختلف بر آن نظارت دارند، هزینه افزایش چشمگیر دارد.

این مهم، وابسته به استانداردهای رسمی است که ممکن است غیرواقعی باشد. قطعات بزرگ اغلب با قیمت‌های سرسام آوری مواجه و افراد فقیر و کم درآمد را از زمین دار شدن محروم می‌سازد.

در نواحی که دولتها چنین تسهیلاتی را فراهم می‌سازند تأخیر در ارائه آنها یکی از مهمترین هزینه‌هاست. اگر تسهیلات و خدمات توسط توسعه دهنده ارائه شود بالطبع بر قیمت قطعات تاثیر می‌گذارد.

این هزینه‌ها با توجه به مراحل قانونی خرید و ثبت زمین متفاوت خواهد بود.

این هزینه‌ها نیز متاثر از نحوه پرداخت و اخذ بهره وام بانکی است.

۲- هزینه فراهم کردن مجوز برای تبدیل زمین از کشاورزی یا غیر شهری برای کاربری مسکونی

۳- هزینه فراهم کردن تاییدیه برای طرح تفکیک زمین

۴- تاثیر قواعد تفکیک زمین بر قیمت یک قطعه زمین. برای مثال کوچکترین قطعه تفکیکی جاده و امکانات اجتماعی می‌خواهد

۵- هزینه‌های توسعه زمین - هزینه‌هایی چون ارائه خدمات و زیرساختها که بر مبنای اصول استاندارد رسمی ارائه می‌شود.

۶- هزینه‌های مالی برای تفکیک کننده زمین

۷- هزینه‌های متقاضی دریافت زمین مسکونی شامل مبالغی که برای خدمات حقوقی و قانونی، ثبت قطعه‌ای زمین، مالیات و عوارض می‌بایست پردازد

۸- هزینه ناشی از بهره بانکی یا تنخواه که متقاضی جهت خرید زمین دریافت می‌کند

۷- رویکرد تئوریک تحلیل زمین شهری

سیاسی حاکم بر جامعه ناممکن است. این نظریات در واقع به ماکمک خواهند نمود تا نه تنها در برخورد زمین شهری با دارای دیدگاهی مشخص و شفاف باشیم بلکه ما را قادر خواهد ساخت تا عوامل پنهان و پیدای موثر بر زمین شهری و بویژه مسکن را طی فرآیندی سیستمی و

تبیین توسعه شهری، بدون توجه ژرف همراه با نگرش علمی به زمین بعنوان بستر رشد و گستردگی شهری ناممکن است. تحلیل زمین شهری نیز بدون آگاهی از ابعاد آن و عملکرد نهادهای اجتماعی، اقتصادی و



علمی، تبیین نموده و درک درستی از موضوع داشته باشیم. بر اساس مطالب فوق، نظریات، دیدگاهها و تئوریهای مطروحه را می توان در دو گروه دسته بندی کرد:

الف- رویکردهای مبتنی بر نظریه های اقتصادی

ظاهراً عمده مصادیق دیدگاه اقتصاد بر شهرهای سرمایه داری متمرکز شده و محققین این دیدگاه کمتر در مورد شهرهای سوسیالیستی مطالعه داشتند. زیرا تمامی بحث ها بر مبنای سرمایه داری بنا شده است. در حقیقت این دیدگاه به تجزیه و تحلیل تاثیر نظام سرمایه داری بر فرآیند توسعه مسکونی شهری می پردازد. بنابراین مباحث در حیطه اقتصاد جای می گیرد. بررسی زمین از دیدگاه اقتصادی بطور عمده، معطوف به اقتصاد خرد است. تحلیل آن نیز با کمک تئوریهای مطرح در این حیطه صورت می گیرد. اولین و مهمترین تئوری که در اقتصاد خرد مطرح است و پایه بسیاری از تئوریهای دیگر، تئوری «عرضه و تقاضا» است.

الف-۱- تئوری عرضه: تابع عرضه بیانگر حداقل قیمتی است، که بنگاه یا واحد اقتصادی حاضر به ارائه مقدار مشخصی از کالای خود به بازار است. به عبارتی قیمت، پاداشی است که به تولید کالای پرداخت می شود. طبیعی است که با افزایش این پاداش تولید کننده و نهایتاً عرضه کننده تمایل بیشتری به کار و فعالیت از خود نشان می دهند. اقتصاددانان معتقدند این فرآیند در خصوص کالاهای مختلف صادق است. اما زمین در این بین به لحاظ ماهیتش استثناء است؛ زیرا زمین کالایی است که تولید آن هزینه ندارد و قیمت آن در واقع ناشی از کمیابی آن است. به نظر اقتصاددانان کلاسیک، زمین به عنوان یک کل، استعداد طبیعی با ارزش است که نوعی درآمد نیز محسوب می گردد. از نظر آنان زمین با سایر کالاها متفاوت است به این دلیل که:

۱. «اولاً: غیر قابل تولید است». بنابراین عرضه آن در کل و در دراز مدت ثابت است. برخی اقتصاددانان زمین، با این تعریف و درک جهانی از زمین مخالفند و برای اثبات ادعای خویش به باتلاقهای هلند و داس باول ایالت متحده آمریکا اشاره می کنند. ضمن اینکه تاکید دارند عرضه زمین را با تبدیل، تغییر و تراکم کاربری می توان

کاهش یا افزایش داد.

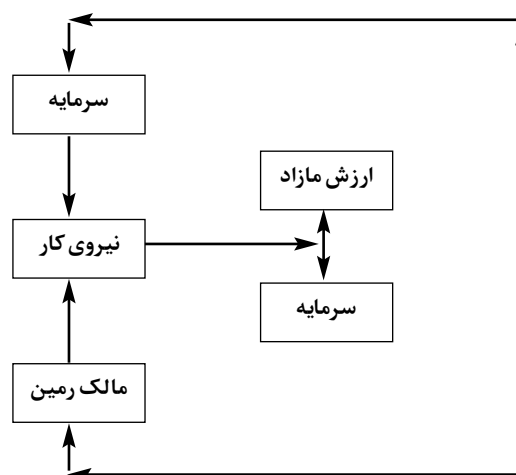
۲. «ثانیاً: برای تولید زمین هزینه ای پرداخت نمی شود». به رغم آنان، بشر برای افزایش میزان مالکیت خویش توانایی دارد. او می تواند سرمایه ایجاد کند و مهارتهای خود را افزایش دهد. اما قادر نیست زمین را به مفهوم عام آن بسازد. زمین وجود داشته و بشر برای ساخت آن هزینه نکرده است، اگرچه برای آماده سازی در فرآیندهای ثانویه هزینه هایی را متحمل می شود.

۳. «ثالثاً: عدم تجانس، زمین برای استفاده کننده زمین و ساختمان، هر مکان تفاوت می کند». از جهتی این زمینها را می توان در قالب طبقه بندی اقتصادی نیز طبقه بندی کرد: زمینهای حاشیه ای نه چندان مفید، زمینهای متوسط با استفاده متوسط و میانه و زمینهای مرکزی با کاربری های بسیار مفید. در نواحی شهری نیز این ایده قابل عمل است (Paul, 1977.p3).

الف-۲- تئوری تقاضا: تابع تقاضا بیانگر قیمتی است که مصرف کننده یا متقاضی برای مقدار مشخصی کالا حاضر است بپردازد. به عبارت دیگر، قیمت در تئوری رفتار مصرف کننده، نشان دهنده تمایل به پرداخت وی بوده و انتظار می رود با کاهش قیمت، تقاضا برای کالا افزایش یابد. البته همانند بحث عرضه، تابع تقاضا از عوامل مختلفی تاثیر می پذیرد. بطوریکه تغییرات قیمت موجب حرکت بر روی منحنی تقاضا خواهد شد؛ در حالیکه تغییر در سایر عوامل، موجبات انتقال منحنی تقاضا را فراهم می آورد.

الف-۳- تئوری رانت اقتصادی و ارزش زمین شهری: اساس و پایه همه تئوریهایی که امروزه در خصوص ارزش زمین ارائه می شود به «تئوری رانت ریکادو» برمی گردد که با تفاوت قیمت پرداختی برای زمینهای کشاورزی مختلف تبیین شده بود. این تئوری می گوید، بین کشاورزان برای استفاده حداکثر از حاصلخیزی زمین رقابت است و همین امر باعث شکل گیری رانت می شود. در بحث منابع طبیعی و زمین که هزینه ای برای تولید آن صرف نشده است و قیمت عرضه آن صفر است، کل درآمد حاصل از آن مازاد اقتصادی یا رانت اقتصادی است. در اساس منشأ کلمه رانت تنها به زمین، بعنوان یکی از عوامل تولید اشاره دارد. اقتصاد دانان کلاسیک ایده آلیست، فقدان

رقابت را برای تولید زمین، یک بازگشت سرمایه یا بازدهی کاملاً متفاوت از بازده طبیعی نیروی کار و سرمایه می‌دانند (Paul, 1977, p.3-5). در مقوله «رانت زمین شهری» می‌توان گفت که تقاضا برای زمین شهری در حومه شهرهای مختلف جهان، بیش از تقاضا برای زمین در نقاط مسکونی این شهرها است. موقعیت و مکان زمین قابل عرضه در نقاط شهری با لحاظ اقتصادی، اجتماعی و میزان سودمندی در کاربری آن اهمیت بسیار دارد. پیشرفت و عدم پیشرفت مکانی، امری مداوم و طولانی است. اگر در محدوده‌های مرکزی شهرها، در عین حال که تقاضا برای زمین زیاد است زمین قابل عرضه کم باشد، رانت بسیار بالایی را طلب می‌کند؛ زیرا عرضه زمین در این نواحی بسیار محدود است. اگرچه در طولانی مدت، امکان استفاده فشرده از زمین در همین نقاط نیز وجود دارد (Paul, 1977, p.170).



نمودار ۲. طرح مارکسیستی بیان رانت

الف- ۴- تئوری رانت گپ: «تئوری رانت گپ» یا «تفاوت اجاره»، دیدگاه پویایی را برای اجاره زمین و توسعه شهری فراهم می‌آورد. رانت گپ نکته فنی در معاملات ملکی نیست بلکه یک تئوری اقتصاد سیاسی از توسعه نامنظم در مقیاس شهری است. این تئوری بر نظریه بهره مالکانه دیوید ریکاردو و بنیانگذاری شده است. تئوری فوق به عدم سازگاری بین بهره سرمایه‌گذاری، اجاره و بر بهره بالقوه اجاره می‌پردازد. بهره سرمایه‌گذاری به مشکلات جاری هر منطقه و انواع استفاده از زمین

بستگی دارد در حالیکه بهره بالقوه در یک ناحیه، اجاره‌ای است که در صورت استفاده تمام و کمال از زمین آن ناحیه بدست می‌آید. رانت گپ نتیجه منطقی و عقلایی از کاربردهای زمین و بازار ساخت و ساز است. اسمیت (۱۹۹۶) رانت گپ را برای زوال تاریخی ساختار درون شهر بکار گرفت. در این مفهوم ایجاد رانت گپ را با فرآیند تعیین ارزش سرمایه مرتبط دانسته شده و بر این اساس معتقد است، توسعه مستمر و متوالی شهر از نظر تاریخی در عین حال که بطور عموم سطح اجاره را بالا می‌برد باعث اختلاف مکانی و فضایی اجاره در ساختار شهری نیز می‌شود (Smith, 1996). فرض اساسی ایجاد رانت گپ، ثبات فضایی سرمایه در ساخت محیط است (1978 Harvey). به این معنی که سرمایه‌گذاری اصلی تمایل دارد به شکل ساختارهای غیر منقول ایجاد شده محصور شود. هاروی (۱۹۷۸) این پدیده را همچون یک دوگانگی می‌داند که در آن ساختارهای مکانی ایجاد شده به نوبه خود همانند حصارهایی برای انباشت بعدی سرمایه عمل می‌کنند. همین مکانیسم، اختلاف بین اجاره بالقوه زمین شهری با اجاره بالفعل را ایجاد می‌کند. این فرآیند، همواره موجب جابجایی سرمایه در درون شهر از یکسو و شکل‌گیری ساختار متفاوت شهری از سوی دیگر می‌گردد که بر پایه تفاوت بهره یا اجاره زمین حاصل می‌شود.

ب- رویکردهای مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی تئوری‌ها و آراء اقتصادی که در تحلیل زمین به کار رفته و در این تحقیق نیز به اختصار به برخی از آنها اشاره شد، تاکید بر تحلیل اقتصادی رفتار، نگرش و تقاضای متقاضیان زمین دارند. همچنین در پایان بررسی ضمن اینکه اشاره شد این تئوریها و نظریات قادر به تبیین همه ابعاد زندگی انسانی از جمله موضوع مورد بررسی نیست و تاکید بر این است که مدل‌های دیگری از جنس نظریات و تئوریهای اجتماعی برای این منظور لازم است. بنابراین در ادامه به برخی از این مدلها و نظریات که به تحلیل ابعاد کمی و کیفی رفتار ساکنین شهرها در تقاضای زمین از منظر اجتماعی می‌پردازند اشاره می‌گردد. چه بسا برخی از این تئوریها و مدل‌های مورد نظر از تئوری اقتصادی عرضه و تقاضا الهام گرفته‌اند.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

ب-۱- **تئوری جابجایی:** تئوری جابجایی، به این بحث می‌پردازد که چگونه گروه‌های اجتماعی - اقتصادی ساکن شهرها، در محله‌های خاص ساکن می‌گردند. این تئوری در اصل توسط برگس (۱۹۵۳) برای بیان مشاهداتش از شهر شیکاگو مطرح شد. در این شهر برگس مشاهده نمود که طبقه مرفه جامعه از مرکز شهر دور شده به حواشی می‌روند و گروههایی با درآمد کمتر ساکن این محله‌ها می‌شوند. همچنان که درآمد گروههای شهری افزایش می‌یابد تقاضا برای مسکن نیز افزایش می‌یابد و مسکن جدید را عموماً در نواحی که دسترسی به زمینهای پر وسعت میسر است می‌سازند. واضح است تئوری فوق در بیان تئوری سه احتمال را در تحقق موضوع تئوری محتمل می‌داند.

۱. با انتقال طبقه مرفه از خانه‌های مسکونی خود در بافت اصلی شهر به حواشی، گروههای هم تراز جایگزین آنها گردند.

۲. انتقال کامل: در این وضعیت با جابجایی قشر مرفه، افراد با موقعیت اقتصادی و اجتماعی نازلتر جای آنها را پر می‌کنند و محله‌ای همگن خود را شکل می‌دهند.

۳. در حالت سوم هنگامی که افراد و ساکنین متوسط نقل مکان می‌نمایند افراد ضعیف الحال اجتماع جایگزین آنها گردند.

طبیعی است، مصادیق این تئوری را در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران نیز می‌توان مشاهده نمود، با این تفاوت که در برخی از شهرها جابجایی ساکنین بر مبنای موقعیت اقتصادی اجتماعی لزوماً یکسویه و بر اساس انتقال طبقه مرفه به نواحی حاشیه شهرها صورت می‌گیرد و اقشار پایین تر لزوماً جایگزین آنها نمی‌شوند، بلکه مهاجرین به شهرها در آن نواحی سکنی می‌گزینند. الگوهای مختلفی را می‌توان برای جابجایی جمعیت مشاهده و تبیین نمود، آنچه مهم است عوامل و انگیزه‌های جابجایی اقشار در درون شهرها است، لیتل (۱۹۸۰) معتقد است روند انتقال از هسته شهر به اطراف ممکن است توسط عوامل بیرونی، همچون تراکم، سرو صدا یا ترس از جرائم صورت گیرد. وی تاکید دارد حتی حضور اقشار و خانواده‌های با درآمد و موقعیت اقتصادی و اجتماعی متفاوت نیز، موجب جابجایی گردد.

به رغم ایشان علاوه بر ارزانی و وسعت زمین در دسترس، کیفیت آب و هوا نیز از جمله عواملی هست که در این حیطه جای می‌گیرند.

ب-۲- **مدل معامله:** این مدل از جمله مدل‌های اقتصادی اجتماعی است. مدل فوق دسترسی به مکانهای مرکزی شهرها و نیاز خانواده‌ها به فضا در شهر را تبیین می‌کند. مدل فوق بر این اساس بنا شده که معمولاً مبلغی که خانوارها برای دسترسی به محل ارزانتر می‌پردازند متفاوت است. هنگامی که درآمد خانوارها افزایش می‌یابد اصولاً این مبلغ نیز افزایش می‌یابد. مدل بالا با این فرضیه شروع می‌شود که زمین در ناحیه مرکز تجاری شهر مطلوبترین مکان است. زیرا بیشترین دسترسی به کار و دیگر وسایل رفاهی را فراهم می‌سازد. هر چه از مرکز دور شویم، مرغوبیت زمین به لحاظ کاربری شهری کاهش می‌یابد، بر این اساس ساکنین شهرها برای انتخاب محل زندگی دو عامل را در نظر می‌گیرند:

۱. **عامل اول:** مقدار زمین در اختیار، بدین معنی که هر چه مقدار زمین مورد نظر خانوار بیشتر باشد، میل به دوری از مرکز تجاری شهر نیز بیشتر است.

۲. **عامل دوم:** هزینه مسافرت به شهر و در درون شهر است. هزینه‌های مسافرت و رفت و آمد شامل هزینه‌های غیر پولی و هزینه موقعیت‌های حساب شده در حین مسافرت است. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که ارزش و بهای وقت هدر رفته حدود ۲۵٪ دستمزد مسافران است. این کشش متضاد، دامنه دسترسی و فضا را برای خانوارهای شهری در این مدل نشان می‌دهد.

مصادیق مدل فوق در ایالات متحده نشان می‌دهد، حرکت به سوی حومه شهر، به مقدار زیادی تحت تاثیر هزینه‌های مسافرت است، در نتیجه محله خانواده‌های پر درآمد بیشتر در مناطق حلقه خارجی شهرهای بزرگ قرار دارند. در بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی و اروپایی، این تمایل خانوارها برای نقل مکان از مرکز شهر به حومه، دیده شده است. موارد متناقض نشان می‌دهد این مدل تحت تاثیر اوقات فراغت، تصور تسهیلات زندگی مطلوب در آن شهر و دیگر عوامل روانشناسی اجتماعی نیز قرار می‌گیرد (میرعلی‌کتولی، ۱۳۸۰، ص ۹۸).

ب-۳- **مدل تراکم فرهنگی:** مدل‌های انتقال و معامله،

ضرورت ایجاد محله‌های همگن اقتصادی اجتماعی خانوارهای ساکن شهری و واحدهای همسایگی را تبیین می‌کنند. عوامل فرهنگی نیز در کنار سایر عوامل فوق‌الذکر در مکانیابی و تعیین محل مسکونی مهم و تاثیرگذار است (Blair, 1995, p.250). اغلب مردم معتقدند که از نظر موقعیت فرهنگی، دوستان یا همسران هم‌قشر و هم‌سطحی بیابند. بنابراین براساس خواسته‌های اجتماعی و تراکم اقتصادی، محله‌ها با وجود افرادی که خصوصیات اجتماعی مشابهی دارند، شکل می‌گیرد. خدماتی که مطلوب گروه‌های قومی خاصی باشد، از نظر اقتصادی قابل تهیه است البته اگر بتوان درجه توانمندی اقتصادی اقشار را بدست آورد. بر این اساس، گروه‌های اجتماعی ممکن است محله‌هایی در اطراف مغازه‌هایی که مواد مورد نیازشان را تهیه می‌کند، تشکیل دهند.

ب- ۴- مدل تاییت: تاییت (۱۹۵۶)، این مدل را توسعه داده که رابطه بین برنامه‌های محلی دولت، مالیاتها و قیمت خانه را تشریح کند. مدل وی، بیانگر استفاده مفید و هوشمندانه از مفاهیم اصلی عرضه و تقاضا است. این مدل معمولاً قسمتی از تاریخچه درآمد عمومی بشمار می‌رود. زیرا بر نقش خدمات و دولت بعنوان جذب‌کننده اصلی مالیاتها به عنوان کاهش دهنده اصلی در ایجاد وسایل رفاهی محله‌ها، تاکید می‌کند. این مدل برای تبیین تغییر محلات اجتماعی و اقتصاد شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد که چهار شرط اساسی را مطرح می‌کنند.

۱. اول: آنکه خانه‌ای که در منطقه خاصی از شهر واقع می‌شود، متضمن یک سری خدمات است که با توجه به فعالیت دولت، این خدمات تفاوت می‌کند و بعضاً وسایل و امکانات رفاهی غیر دولتی همچون اعتبار اجتماعی همسایگان و آرامش نیز مد نظر ساکنان است.

۲. دوم: افراد بر اساس خدمات عمومی و دیگر مشخصه‌های محیط خارج و خدمات خصوصی، مکانی را بر مکانهای دیگر ترجیح می‌دهند.

۳. سوم: سطوح مختلف تهیه خدمات، هزینه‌های مالیاتی متفاوتی را طلب می‌کند که این تفاوت را دسته بندی می‌کند.

۴. چهارم: سلیقه و تمایل افراد به پرداخت متفاوت در تامین هزینه‌های رفاهی و خدماتی. مدلها و تئوریهای مورد بررسی فوق، جملگی بر نحوه و علل شکل‌گیری محلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همگن اشاره کرده و به تحلیل آن پرداخته‌اند. برخی شکل‌گیری محلات فوق را بر مبنای کارکردهای اقتصادی شهرها دانسته و برخی نیز آنرا با عوامل فرهنگی و اجتماعی همساز می‌دانند. آنچه از نظر ما در این تحقیق مهم جلوه می‌کند وجود مکانیسمی در منطقه است که مدل‌های فوق بر آن تاکید دارند. شکل‌گیری محلات همگن از حیث توسعه شهری و عرضه زمین شهری دو نتیجه مهم را در بر خواهد داشت:

۱. ماحصل عملکرد مکانیسم و فرآیند فوق، شکل‌گیری محلات اقتصادی متفاوت در حواشی شهرها و درون شهرها، با بازساخت محلات قدیمی است. هر یک از این محلات با ویژگیهای خود کیفیت توسعه، جهت توسعه و کمیت توسعه مسکن شهری را به لحاظ میزان و نحوه اجرای قوانین شهری و رعایت استانداردهای مرتبط، مشخص می‌سازد. طبیعی است در این فرآیند بسیاری از محلات با طرح و نقشه بهینه شکل می‌گیرد و بسیاری نیز محلات غیررسمی اند که مانعی هستند در توسعه هنجار و بهینه شهری. همچنین این مدلها علل شکل‌گیری این محلات در موقعیت‌های مختلف را برای ما آشکار می‌سازند.

۲. تفاوت در تقاضا برای زمین و مسکن هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت نکته دیگر است که در مدل‌های فوق لحاظ شده است، محلات فقیر و غیررسمی در حواشی و حتی در مراکز شهری، به زمین شهری با مختصات مختلفی از محلات مرفه نشین در نقاط خوش آب و هوای شهری نیازمند است و هرکدام الگوهای خاص خود را می‌طلبند.

۸- اصلاح مجدد زمین

اصلاح مجدد زمین، شیوه‌ای شایان توجه در مدیریت زمین شهری، بخصوص در پهنه‌هایی است که گسترش بی رویه شهر بدون برنامه‌ای مشخص و مدون، رخ داده است. موضوع اصلاح مجدد زمین، تبدیل توسعه



پراکنده، بی قاعده و نامنظم زمین به قطعاتی با فرم منظم و مطابق با نیازهای توسعه شهری می‌باشد. (3: 2003 Wickramaarachchi). تعاریف متفاوتی از مفهوم اصلاح مجدد زمین، از سوی نویسندگان و موسسه‌های مختلف ارائه گردیده است. در سال ۱۹۹۰، مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تنظیم کرد که بر اساس آن: «مناطق توسعه نیافته می‌تواند بر اساس برنامه اصلاح مجدد زمین، جهت بهسازی، شامل اصلاح و چیدمان مجدد قطعات، شبکه بندی زمین، احداث جاده‌ها و فراهم آوری تأسیسات، طراحی گردد. در این روش به جای پرداخت عوارض ترقی ملک، مالکان می‌بایست قسمتی از زمین خود را به عنوان عوارض ترقی و بهبود ملک، به مسئولان محلی واگذار نمایند. بنابراین مسئولان محلی می‌توانند این بخشها را مجدداً به فروش برسانند و بدین طریق هزینه‌های بهسازی را تأمین نمایند.» همانگونه که مشاهده می‌گردد، مرکز اسکان بشر، زمینه کاربرد این شیوه را در مناطق توسعه نیافته شهرها می‌داند و خودکفایی اقتصادی این شیوه را مورد توجه قرار می‌دهد. «سوکی سنس ترک» در ۲۰۰۴، اصلاح مجدد زمین را چنین تعریف می‌نماید: «اصلاح مجدد زمین (LR) ابزاری مهم، در دو زمینه توسعه نواحی جدید و سازماندهی مجدد نواحی شهری می‌باشد (به نقل از Larsson, 1997). از طریق بکارگیری این روش، اراضی کشاورزی و یا زمین‌های روستایی به اراضی شهری تبدیل می‌گردند. بعلاوه در صورت لزوم، قطعات زمین شهری می‌توانند اصلاح گردند. (Sence Turk, 2004:p1) (Sevkiye

در این تعریف، تبدیل اراضی کشاورزی و زمین‌های روستایی، به اراضی شهری، به عنوان زمینه اصلی کاربرد برنامه اصلاح مجدد زمین ذکر گردیده است. همچنین عنوان شده که در صورت لزوم این برنامه در زمین‌های شهری نیز قابل اجراست. در تعریفی دیگر که از سوی «آروانیتیس و بالا» در ۲۰۰۵ ارائه شده چنین آمده است: «اصلاح مجدد زمین، ابزاری است قانونی جهت اصلاح خطوط مالکیت زمین، در نواحی شهری و یا حومه ای، که

با هدف سازماندهی برخی مناطق دارای خصوصیات ویژه در مقیاس‌های عملکردی کوچک و بزرگ تنظیم شده است. به طور کلی، موضوع اصلی این برنامه، تأمین خدمات مورد نیاز قسمت‌های ساخته شده و یا توسعه متناسب تجهیزات و زیر ساخت‌های شهری می‌باشد.» در این تعریف، تأکید بر تأمین خدمات، تجهیزات و زیرساخت‌ها در پهنه‌های شهری و یا حومه می‌باشد. در حالی که «اصلاح مجدد زمین» اصطلاحی معمول است، اما در برخی موارد با عناوینی چون «یکپارچه سازی زمین^۸، تغییر چیدمان قطعات^۹، تقسیم بندی مجدد^{۱۰}، در ژاپن زمین^{۱۱}، قطعه بندی^{۱۲}، تقسیم بندی مجدد^{۱۳}»، در ژاپن Kukaku Seiri یا KS و در آلمان Umlegung نیز نامیده می‌شود (Home, 2007:461) بر اساس تعاریف ارائه شده، مشخصه‌های اصلی اصلاح مجدد زمین به شرح ذیل قابل تشخیص می‌باشند:

۱. حضور یک مسئول از بخش عمومی در جریان تهیه و اجرای طرح».
 ۲. «تجمیع چند پلاک زمین».
 ۳. «تفکیک مجدد قطعات تجمیع شده».
 ۴. «تأمین خدمات برای قطعات تفکیکی».
 ۵. «تخصیص زمین به مالکان اصلی».
 ۶. «فروش باقی مانده قطعات برای تأمین هزینه ها».
- همچنین زمینه استفاده از برنامه اصلاح مجدد زمین، پهنه‌های توسعه نیافته، حاشیه شهرها و روستاهای در آستانه ادغام و جایگشت در شهر ذکر گردیده است. در معنای ساده، اصلاح مجدد زمین می‌تواند به عنوان فرآیند اصلاحی زمین تعریف گردد، زیرا طی آن مکان و کاربری قبلی قطعه زمین در محدوده پروژه تغییر می‌یابد. به لحاظ مفهومی، موضوع اصلاح مجدد زمین، اراضی روستایی و یا اراضی بی برنامه شهری که اغلب به شکلی بی قاعده و در طول زمان تقسیم شده‌اند را در بر می‌گیرد و کاربریهای خصوصی و عمومی را بر طبق نیازهای موجود تخصیص می‌دهد. «مفهوم طرح بسیار ساده است. هنگامی که نیاز به توسعه در نواحی حومه ای شهر وجود دارد، ابتدا یک طرح برای مجموعه مورد نظر

8. Land Pooling

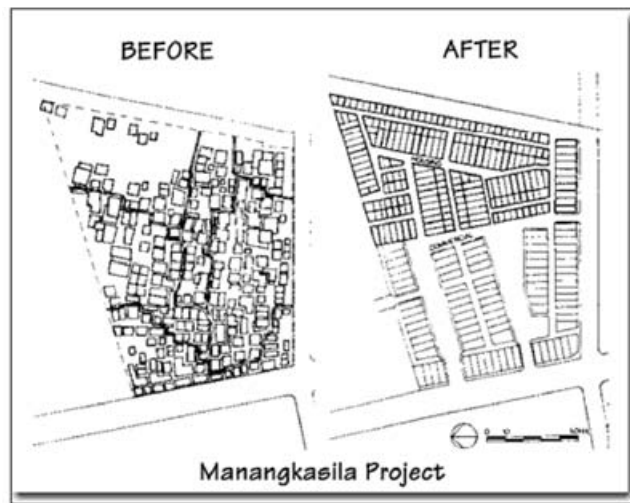
9. Replotting

10. Land Reassembly

11. Percolation

12. Repartition

تهیه می‌گردد. سپس محدوده مطابق الگویی متناسب از معابر، پارکها، مدارس و فضای مورد نیاز جهت سایر کاربری‌ها تقسیم بندی می‌گردد. در این میان بلوکهای ساختمانی مجموعه، توسط طرح معابر تعریف می‌گردد و قطعات جدید جهت توسعه‌های بخش خصوصی اختصاص می‌یابد. سطح مورد نیاز کاربری‌های عمومی بر اساس سرانه‌های طرح بر حسب متر مربع تعیین گردیده و با مساحت کلی محدوده پروژه مقایسه می‌گردد» (1986 Doebele, «قطعات زمین به قطعات ساختمانی تبدیل می‌گردد. پس از پروژه شهر قادر خواهد بود توسعه

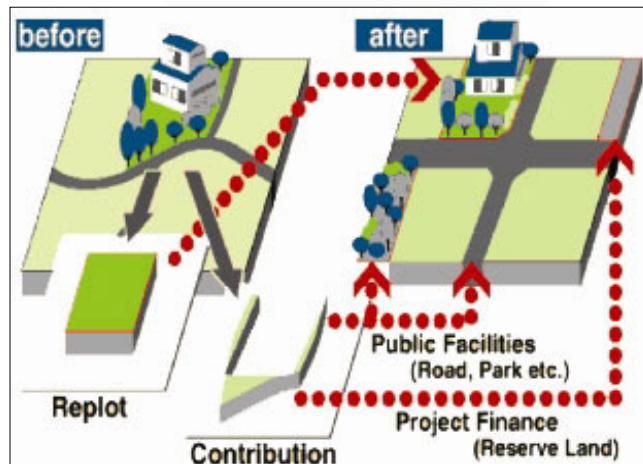


تصویر ۴. اولین پروژه اصلاح مجدد اراضی تایوان^{۱۳}

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۶۳



تصویر ۵. طرحی شماتیک از برنامه اصلاح مجدد اراضی^{۱۴}

13. Reference: The World Bank Group:

<http://web.mit.edu/urbanupgrading/upgrading/issues-tools/index.html>

14. The World Bank Group

Reference: <http://web.mit.edu/urbanupgrading/upgrading/issues-> The World Bank Group tools/index.html

۱. «ساخت خدمات شهری و تأسیسات زیر بنایی بر طبق طرح».

۲. «تأمین زمین ذخیره جهت کاربری‌های مختلف که اغلب در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد و از این طریق علاوه بر رونق بخشی به محدوده، هزینه‌های اجرایی برنامه نیز تأمین می‌گردد».

۸-۱- پیشینه تاریخی

«فنون اصلاح مجدد زمین حدود ۱۵۰ سال است که در آلمان و ژاپن کاربرد دارد. در اواخر قرن نوزدهم میلادی، آلمان و ژاپن سیاست‌های صنعتی شدن را جهت دستیابی به توسعه کشور و اثبات برتری خود به سایر کشورها، در پیش گرفتند. این سیاست‌ها سبب رونق نواحی شهری گردید و بدلیل مقیاس اقتصادی، سبب ایجاد مهاجرت‌های روستا - شهری شد. از این رو زیرساخت‌های شهری قادر به پاسخگویی به نیازهای جمعیت رو به افزایش شهری نبودند. در نتیجه کمبودهای خدماتی در تمام زمینه‌ها ایجاد گردید. جهت حل این مشکلات، اصلاح مجدد زمین در مقیاس وسیعی مورد استفاده قرار گرفت.» (Yanase; 1996:1)

قانون یکپارچه سازی اراضی (قانونی که پیشگام در اصلاح مجدد زمین بود) در ۱۸۹۹ در ژاپن پایه‌گذاری شد. در ۱۹۰۲، فرانز آدیکس، شهردار سابق فرانکفورت در آلمان، قانونی کاملاً جدید را در خصوص اصلاح مجدد زمین با عنوان «قانون آدیکس»^{۱۵} معرفی کرد. با بهره‌گیری از تجارب اجرای اصلاح مجدد زمین در پروژه‌های بازسازی پس از جنگ جهانی دوم، روش اصلاح مجدد زمین ارتقا و تکامل یافت. قانون اصلاح مجدد زمین در ژاپن، در سال ۱۹۵۴ به تصویب رسید. در حالی که قانون ساختمانی فدرال آلمان که شامل ماده‌ای در مورد اصلاح زمین است، در ۱۹۶۰ به تصویب رسیده است. در آلمان شیوه‌ای جهت ممیزی در طرح‌های توسعه با یک فرآیند مشخص بنام «اصلاح مجدد زمین» وجود دارد. فردی که در وضع این قانون بسیار تأثیرگذار بود، «فرانز آدیکس»^{۱۶} شهردار فرانکفورت بود و از این رو قانونی که در ۱۹۰۲ وضع

شد و در ۱۹۰۷ اصلاح گردید «لکس آدیکس» نامیده می‌شود (Müller; 2004:2) شیوه ابداعی آدیکس بر اساس دریافت بخشی از زمین مالک خصوصی در قبال اضافه بهای ناشی از تغییر کاربری اراضی کشاورزی به مسکونی و ایجاد خدمات لازم جهت ملک مذکور بود (Yomralioglu; 1993:21).

«ایده کلی اصلاح مجدد اراضی»، بر پایه تغییر در چیدمان قطعات در محدوده پروژه می‌باشد. این بدین معنی است که «در فرآیند اصلاح مجدد زمین، تملک زمین از سوی یک عامل عمومی و یا سرمایه‌گذار خصوصی صورت نمی‌گیرد و بنابراین مداخله مالی و ریسک سرمایه‌گذاری وجود ندارد». شیوه عمومی بدین صورت است که:

۱. تمامی قطعات واقع در محدوده پروژه با یکدیگر تجمیع می‌گردند که در اصطلاح توده اصلاحی زمین نامیده می‌شود.

۲. در مرحله بعد و پس از انجام محاسبات لازم توده تجمیعی مجدداً تفکیک می‌گردد. ولی این تفکیک بر اساس فرایندی محاسباتی انجام می‌گیرد و صرفاً یک تپ از قطعه زمین در کل محدوده طرح ایجاد نمی‌گردد.

۳. در این میان کلیه طراحی‌های لازم مطابق طرح توسعه شهری جهت تأمین تسهیلات عمومی نظیر معابر، فضاهای پارکینگ، فضای سبز عمومی و زمین بازی کودکان نیز انجام می‌گیرد. زمین باقی مانده که در اصطلاح «توده توزیع مجدد»^{۱۷} نام دارد، میان مالکان اصلی توزیع می‌گردد.

به لحاظ سلسله مراتب برنامه ریزی، اصلاح مجدد زمین به عنوان یک «طرح موضعی»^{۱۸} مقیاسی پس از طرح‌های بالادست نظیر طرح جامع و یا ساختاری و طرح تفصیلی و قبل از طراحی و اجرای یک واحد مسکونی بر اساس طرح تفصیلی را دارد. بدین لحاظ برنامه اصلاح مجدد زمین می‌بایست در مواردی همچون «حد نصاب تفکیک، تراکم و نحوه توزیع کاربری از ضوابط ارائه شده در طرح‌های بالادست»، تبعیت نماید.

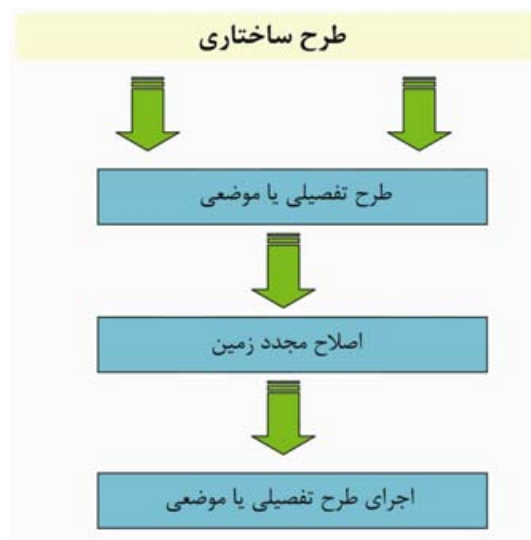
15. Adickes Act

16. Lex Adickes

17. Redistribution mass

18. Local area plan

اجرای یک واحد مسکونی بر اساس طرح تفصیلی را دارد. بدین لحاظ برنامه ی اصلاح مجدد اراضی می بایست در مواردی همچون حد نصاب تفکیک، تراکم و نحوه توزیع کاربری از ضوابط ارائه شده در طرح های بالادست تبعیت نماید.



نمودار ۳. موقعیت اصلاح مجدد اراضی در سلسله مراتب برنامه ریزی (Source: Apostolos Arvanitis, Evangelia Balla:2005)

۵-۸- ملاحظات مالی در برنامه اصلاح مجدد زمین خودکفایی اقتصادی، مفهومی پایه در برنامه اصلاح مجدد زمین می باشد؛ این بدان معنی است که هزینه های ناشی از تهیه و اجرای طرح و همچنین هزینه های مربوط به تأمین خدمات و احداث زیر ساخت های مورد نیاز از طریق دریافت بخشی از ارزش افزوده ایجاد شده برای قطعات، از مالکان آنها تأمین می گردد. بدین ترتیب دستگاه مدیریت شهری، هیچ هزینه ای را جهت تأمین خدمات و احداث زیر ساخت ها متحمل نمی گردد. علاوه بر این بخشی از اضافه ارزش ایجاد شده نیز مستقیماً به مالک اصلی منتقل می گردد.

۲-۸- تعریف تغییر چیدمان قطعات زمین^{۱۹} «تغییر چیدمان» شامل «انتقال مالکیت، از قطعات اصلی، به طرح تفکیکی جدید» می باشد. در پی این جابجایی، حقوق قانونی متعلق به قطعه اولیه، بجز بخشی از زمین که به خدمات عمومی و تأمین مالی پروژه اختصاص می یابد، عیناً به قطعه تفکیکی جدید منتقل می گردد. به عبارت دیگر، مالک اصلی صرف نظر از شکل، اندازه و ویژگی های طرح تفکیکی، کلیه حقوق ملکی قبلی را همچنان دارا خواهد بود. بدین ترتیب، طی کردن مرحله ی چون تجمیع، تفکیک مجدد و دیگر فرآیندها جهت ثبت زمین، ضرورتی ندارد؛ (Yanase 1996:4)

۳-۸- فرآیند تغییر چیدمان قطعات زمین طرح تفکیکی اولیه، پس از تهیه جهت آگاهی عموم، منتشر می گردد. نظرات و انتقادهای مالکان مورد بررسی قرار می گیرد و در صورت لزوم، اصلاحات لازم انجام می گیرد. طرح تفکیکی نهایی جهت تصویب، به مسئولان ارائه می گردد. طرح تفکیکی تصویب شده، نشان دهنده موقعیت و نحوه توزیع قطعات است. همچنین دلایل منطقی برای طرح پیشنهادی تغییر چیدمان قطعات زمین ارائه و میزان «حق اصلاح»^{۲۰} مربوط به هر قطعه (که از حق مالکیت مجزا می باشد) و محل و اندازه قطعات ذخیره را را تعیین می کند.

۴-۸- جایگاه اصلاح مجدد زمین در طرح های توسعه ی شهری پروژه های اصلاح مجدد زمین، در چارچوب قواعد شهر سازی به کار گرفته می شوند. اصلاح مجدد زمین می بایست در چارچوب طرح جامع و یا ساختاری شهر، اجرا گردد. بنابراین، اصلاح مجدد می بایست در مسیر تحقق اهداف تعیین شده در این طرح ها حرکت نماید (Hayashi; 2002:10). به لحاظ سلسله مراتب برنامه ریزی، اصلاح مجدد اراضی به عنوان یک طرح موضعی^{۲۱}، مقیاسی پس از طرح های بالادست نظیر طرح جامع و یا ساختاری و طرح تفصیلی و قبل از طراحی و

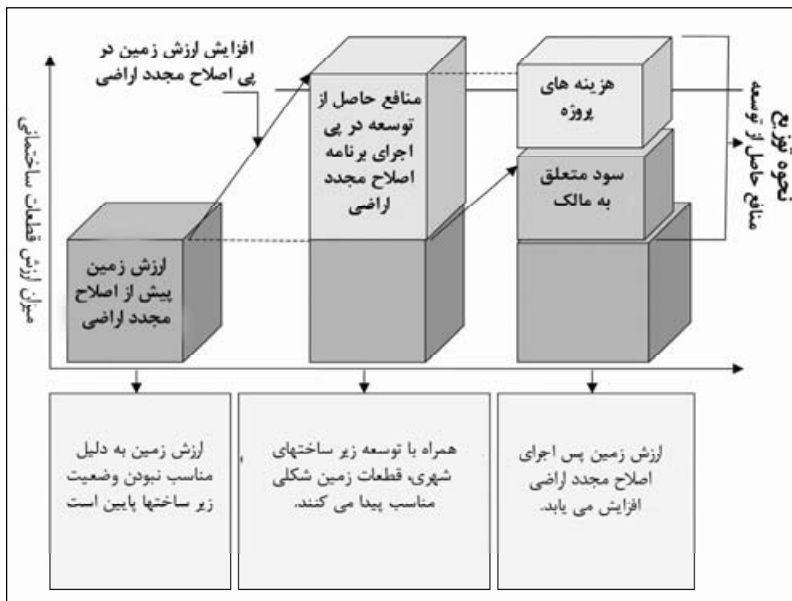
مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۶۵

19. Repotting Disposition
20. Adjustment Payment

21. Local area plan



نمودار ۴. نحوه توزیع منافع حاصل از توسعه

طی آن تسهیلات شهری نظیر جاده ها، پارکها و سایر تجهیزات، به همراه قطعات آماده سازی شده مطابق شرایط مورد نیاز جهت اجرای طرح توسعه، در محدوده اقدام ایجاد می گردد.

۲. «توزیع مناسب هزینه و فواید توسعه»: هر یک از مالکان، تأمین میزان متناسبی از زمین را جهت توسعه تسهیلات شهری تقبل می کنند. از سوی دیگر سود حاصل از توسعه به شکل متناسبی به آنها باز می گردد. در حقیقت اصلاح مجدد زمین، ابزاری است که هزینه های آن از منابع درونی تأمین می گردد.

۳. «حفاظت از حق مالکیت زمین»: طی فرآیند اصلاح مجدد زمین، حق مالکیت پیشین، به قطعات جدید منتقل می شود. بنابراین بر خلاف روش تملک و فروش، حق مالکیت طی اجرای پروژه حفظ و بنابراین اجتماع محلی پیشین باقی می ماند.

۴. «مشارکت مالکان»: در پی فراهم آمدن شرایطی جهت توزیع مناسب هزینه و فواید توسعه و حفاظت از حق مالکیت زمین، زمینه مشارکت فعال مالکان نیز در برنامه اصلاح مجدد اراضی فراهم می گردد.

۵. «فرآیندی بی طرف»: پروژه اصلاح مجدد زمین دارای فرآیندی کاملاً شفاف است. در موردی که اجرای توسط

به عبارت دیگر منافع فردی و منافع جمعی، به شکلی متناسب تأمین می گردد. در نمودار بالا فرآیند تأمین هزینه های طرح و انتقال سود ناشی از توسعه نشان داده شده است.

۹- نتیجه گیری و جمع بندی

توجه به جایگاه مدیریت توسعه زمین و استفاده از ابزارهای آن در تدوین طرح های توسعه شهری، موضوع بسیار مهم و شایان توجهی است که تا به امروز در کشور ما، کم و بیش مورد غفلت واقع شده است. این موضوع در خصوص پهنه های توسعه نیافته شهری با توجه به ویژگی ها و الگوی خاص استقرار قطعات زمین و همچنین الگوی مالکیت در این پهنه ها، از اهمیت افزون تری برخوردار است. براساس بررسی های انجام شده و مطالب ارائه شده در این مطالعه، برنامه اصلاح مجدد زمین می تواند به عنوان یک ابزار مدیریت توسعه در پهنه های شهری مورد استفاده قرار گیرد. مهمترین ویژگی هایی که می توان برای برنامه اصلاح مجدد زمین به عنوان یک ابزار مدیریت توسعه زمین، برشمارد به قرار زیر است:

۱. «توسعه همه جانبه همراه با کاربردی وسیع»: اصلاح مجدد زمین اقدامی است در جهت توسعه شهری که در

در توسعه مسکن»، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

۸. هرولد، ب، دانکرلی و دیگران (۱۳۷۶) «سیاست زمین شهری» ترجمه عبدالله کوثری، تهران، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، دفتر برنامه ریزی اقتصاد مسکن.

9. Apostolos Arvanitis, Evangelia Balla (2005) "Cost Action G9 Modeling Real Property Transactions", 8th Workshop and 9th final MC Meeting, Stockholm, 13-15 October 2005.

10. Chapin, Stewart - Kaiser, Edward J (1995) Urban Land use Planning, University of Illinois Press - 1995.

11. Doebele, W.A. Land Readjustment (1982) A Different Approach to Financing Urbanization, Massachusetts: D.C. Health and Company, Lexington Books. 1982.

12. Doebele, A. William (1978) Selected Issues in Urban Land Tenure, Word Bank, Washington D.C

13. Doebele, A. William (1987) Intervening in the Informal Urban Land Supply: Neglected Opportunities. Paper Prepared for a USAID seminar in. 1988- 1987.

14. Dowall, David (1991) the Land Market Assessment, UMP, and No: 4. the World Bank / UNCHS, Washington, D.C

15. Habitat an Urbanizing World (1996) Global Report On Human Settlement 1996, Oxford, University press

16. Habitat (1996) the Relationship Between Under Employment and Unemployment and Shelter Provision, Report of the Executive Director to the Four Tenth Sesion of the Human Settlements, Commission Nairobi

17. Drunkenly (1383) Urban Land Policy: Issues and Opportunities, a World Bank Publication, Oxford University Press. 1983.

18. Kitay, G. M. (1985) Land Acquisition in Developing Countries: Policies and Procedures of the Public Sector, OG&H/Lincoln Institute of Land Policy, Boston. 1985.

19. Müller J?kel (2004) Land Readjustment: A Win -Win Strategy for Sustainable Urban Development, FIG Working Week 2004, Athens, Greece, May 22-27, 2004.

20. Sevkiye Sence Turk (2005) Land readjustment: an examination of its application in

یک شرکت تعاونی انجام گیرد، مجمع عمومی مالکان برگزار می گردد. در موردی که اجرا پروژه توسط دولت محلی انجام گیرد، یک گروه مشورتی به نمایندگی از مالکان جهت پیگیری فرآیند اجرا تشکیل می گردد.

بنابراین به نظر می رسد با استفاده از این ابزار توسعه زمین، می توان زمینه افزایش تحقق پذیری طرح توسعه پیشنهادی، در پهنه های شهری کشور را فراهم نمود. لازمه استفاده از این ابزار، تدوین بستر قانونی لازم و تعریف جایگاه آن در نظام طرح ریزی شهری کشور است.

منابع

۱. رفیعیان، مجتبی (۱۳۸۹) زمین شهری، کاربری، توسعه: تاملی بر الگوهای نوین برنامه ریزی و مدیریت تغییرات کاربری زمین شهری، ماهنامه منظر، شماره دهم (ویژه نامه نهاد توسعه شهر تهران).

۲. مهدیزاده، جواد و همکاران (۱۳۸۲) «برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)»، شورای انتشارات حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ نخست، زمستان ۱۳۸۲.

۳. دویل، ویلیام (۱۳۷۶) «مفاهیم مالکیت زمین شهری» ترجمه عبدالله کوثری، مجموعه مقالات سیاست زمین شهری، انتشارات سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.

۴. ماجدی، حمید (۱۳۷۳) «نکات کلی پیرامون مسائل شهرسازی (نحوه استفاده از زمین)، سیاستهای زمین شهری و ارزیابی سیاستهای زمین شهری در ایران دوره ۱۰ ساله ۶۸-۱۳۵۸»، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، جلد نخست، تهران، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.

۵. ——— (۱۳۷۸) مجموعه خلاصه مقالات همایش زمین و توسعه شهری، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۶. میر علی کتولی، جعفر (۱۳۸۰) «فرآیند عرضه زمین و نقش آن در توسعه شهری ایران»، رساله دوره دکتری جغرافیای انسانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۷. هاشمی، فضل الله (۱۳۷۴) «سیاست زمین و تأثیر آن

Turkey, Faculty of Architecture, The Department of Urban and Regional Planning, Istanbul Technical University, Turkey, published in Elsevier, Vol. 22, No. 1, p. 29-42, 2005.

21. Wickramaarachchi, Nishani (2003) Land Readjustments as a Land Management Technique For Urban Areas", Paper submitted for the 9th International conference on Sri Lanka Studies, 28th - 30th November 2003, Matara, Sri Lanka.

22. Harvey, D (1975) Political Economy of Urbanization in Advanced Capitalist Societies: The Case of the United States, Beverly Hills

23. Harvey, D (1978) the Urban Process under Capitalism: A Framework for Analysis, International Journal of Urban and Regional Research.1978.

24. Harvey, D (1989) The Condition of Post modernity, Basil Blackwell, Oxford

25. Harvey, J (1996) Urban Land Economics, Macmillan Press. ITD. London.

26. Paul, N (1977) Urban Economics, Macmillan Building and Carrying Series, London

27. Viitanen, K (2001) the Finnish Urban Land Readjustment Procedure in an International Context, In: FIG Working Week 2001, Korea Confederation of Surveyors, Seoul, Korea, 6.-11 May 2001.

28. Yanase, Norihiko (1996) A Theory of Replotting Design in land Readjustment: Adopting land readjustment in Malaysia, with cooperation from the federal Department of Town and country planning (FTCP) Civil IND, Yokohama

29. Yomralioglu, Tahsin (1993) A Nominal Asset Value-Based Approach for Land Readjustments and Its Implementation Using Geographical Formation System, a thesis submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, Department of Surveying University of Newcastle upon Tyne, and June, 1993.

30.<http://web.mit.edu/urbanupgrading/upgrading/issues-tools/index.html>

31.<http://web.mit.edu/urbanupgrading/upgrading/resources/glossary.html>

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۶۸ ■

چشم اندازسازی مشارکتی در فرایند راهبرد توسعه شهری (CDS) (نمونه مورد مطالعه: شهر مراغه)

یوسف اشرفی* - پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علی ملک زاده - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Shared Visioning in Urban Development strategy Process; Case Study: Maragheh

Problem: Cities are increasingly aware that they need to take a proactive role in making their local economy competitive and in improving the quality of life for all residents. Experience in developed countries indicates that local government economic and social development efforts are more successful if guided by a strategic process. In between visioning as a heart of strategic process and as a strategic thinking before strategic planning is important in planning for urban development. Objective: This paper followed two principal goals: first purpose is to provide community residents with a process for thinking about and planning for their shared future. The second purpose is guides a community through the process of arriving at a shared vision for urban development planning and an action plan that supports and leads the Maragheh toward its goals. Methods: The methodology is practical at the purpose of research and descriptive-analytic at the course of research. Responder for this study was 305 citizens, 62 elites (in one of two focus groups) and 36 city authorities. A nonrandom selection process was used to obtain focus groups and city authorities and random selection for citizen. Results: It combines input from citizen, focus groups and city authorities to positively influence urban development planning initiatives. This process result will culminated in the creation of a vision that will guide urban development and invigorate city's action plan.

Key Words: Strategic Planning, Vision, Shared Visioning, Scenario, City Development Strategy, Maragheh

چکیده

امروزه شهرها باید نقش فعالی در ایجاد «اقتصاد محلی رقابت آمیز» و «بهبود کیفیت زندگی» همه ساکنان داشته باشند. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که تلاش های اقتصادی و توسعه اجتماعی شهر، زمانی بیشتر موفق خواهد بود که به وسیله یک «فرایند استراتژیک» هدایت شود. در این میان، چشم اندازسازی به عنوان قلب فرایند CDS و به عنوان فکری استراتژیک قبل از برنامه ریزی استراتژیک از اهمیت شایانی در برنامه ریزی توسعه شهری برخوردار است. مقاله حاضر دو هدف اصلی را دنبال می کند: «۱- ایجاد بستری برای ساکنان شهر مراغه تا در مورد آینده مشترک شهر خود تفکر کرده و برنامه ریزی کنند و ۲- رسیدن به یک چشم انداز مشترک برای توسعه آتی شهر مراغه تا آن هم بستری برای برنامه ریزی توسعه شهری و طراحی طرح های اجرایی باشد.» روش مورد استفاده بر حسب هدف، «روش تحقیق کاربردی»، و شیوه مطالعه بر حسب روش و ماهیت، «تحقیق توصیفی- تحلیلی زمینه یاب» (پیمایشی) می باشد. بر اساس نتایج تحقیق، ساکنان شهر مراغه و قشرهای مختلف جامعه شهری دارای اجماع نسبتاً خوبی بر روی قابلیت ها، پتانسیل ها و مشکلات شهر مراغه و در نتیجه رسیدن به یک چشم انداز مشترک برای توسعه آتی آن هستند.

واژگان کلیدی: راهبرد توسعه شهری، برنامه ریزی استراتژیک، چشم انداز، چشم اندازسازی مشارکتی، سناریو، مراغه

«ماری» و «گرینز» معتقد هستند که؛ قبل از هر گونه برنامه‌ریزی و اقدامی، باید آینده‌ای که در تلاش برای دستیابی به آن هستیم ترسیم شود (Murray & Greens, 2006: 364). برنامه‌ریزی برای آینده یک جامعه ممکن است کاری مشکل، وقت‌گیر و پرهزینه باشد، مسئولین و ساکنان شهرها اغلب درگیر کارهای روزانه می‌باشند تا اینکه در مورد آینده جامعه‌شان فکر کنند. در این میان ساکنان خواهان مدارس خوب، شغل آبرومند، امنیت، محیط تمیز و غیره در مکانی که زندگی می‌کنند هستند. با این وجود بدون داشتن یک چشم‌انداز، جوامع توانایی خودشان را محدود به تصمیم‌گیری درباره این موضوعات می‌کنند. به عبارت بهتر دچار روزمرگی می‌شوند. این وضعیت را می‌توان به راننده‌ای تشبیه کرد که در سرتاسر کشور رانندگی می‌کند بدون اینکه دارای یک نقشه راه باشد.

سؤالی که اینجا شکل می‌گیرد این است که: چه کسانی باید آینده جامعه را به غیر از ساکنین آن مشخص کنند؟ به عبارت بهتر چه کسانی باید آن نقشه راه را برای شهر تهیه و مسیر آن را مشخص کنند؟ آیا این وظیفه دولت مرکزی است یا حکومت و دولت محلی باید در مورد آن تصمیم‌گیری کند؟ چه کسانی باید در مورد ایجاد بزرگراه، مراقبت از تالاب‌ها، ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای، توسعه آموزش عالی، ایجاد صنایع سنگین یا سبک، مراقبت از باغات و زمین‌های کشاورزی و صدها موضوع دیگر که می‌تواند تأثیر بزرگی بر روی آینده جامعه و ساکنان آن داشته باشد تصمیم‌گیری کنند؟ مردم باید در آینده جامعه‌شان مشارکت کرده و فعال باشند؟ یا اینکه گروهی دیگر و یا افراد خاص باید این آینده را برای آنها مشخص کنند؟

امروزه در جوامع شهری کشور ما گروهی از افراد به عنوان تکنوکرات و عقل کل (همه‌چیزدان) در مورد آینده جامعه شهری تصمیم‌سازی می‌کنند بدون اینکه از قدرت یک نیروی عظیمی از ساکنان استفاده کرده باشند. همین عامل باعث عدم درک درست از مشکلات و مسایل شهر، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های آن و در نتیجه تهیه یک طرح

توسعه واقعی برای شهرهای کشورمان شده است. هدف مقاله حاضر ایجاد بستری برای ساکنان شهر است تا در مورد آینده شهر خود تفکر کرده و برای آینده مشترک‌شان برنامه‌ریزی کنند. در واقع مقاله حاضر راهنمایی برای جامعه شهری برای رسیدن به یک چشم‌انداز مشترک و طرح اجرایی است تا آن هم راهنمایی برای رسیدن جامعه به اهداف خود باشد.

چارچوب نظری تحقیق

برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبرد توسعه شهری (CDS) «برنامه‌ریزی عقلایی جامع»، برای دهه‌ها، شکل معمول و رایج برنامه‌ریزی برای شهرها و روستاها بود. در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از سازمان‌ها، «برنامه‌ریزی استراتژیک» را (با تمرکز بر روی تعدادی موضوع در عوض کل موضوعات ممکن) به عنوان یک آلترناتیو برای برنامه‌ریزی جامع اختیار کردند (Green & others, 2000: preface:5).

«برایسون» (۱۹۹۵:۴) معتقد است «برنامه‌ریزی استراتژیک تلاش منظمی برای تولید تصمیمات اساسی و فعالیت‌هایی است که آنچه را یک سازمان دارد، آنچه انجام می‌دهد و چرایی انجام آن را شکل می‌دهد. این نیاز به تلاشی وسیع و در عین حال جمع‌آوری اطلاعات مؤثر، توسعه و جستجوی جایگزین‌های استراتژیک و یک تأکید بر استنباط آینده از شرایط موجود دارد». در طول دهه ۱۹۸۰ اصل‌های برنامه‌ریزی استراتژیک به زمینه‌های توسعه اجتماعی کشیده شد. به‌طور نمونه این برنامه‌ریزی شامل سنجش روندهای اصلی موجود در جامعه، ارزیابی استراتژی‌های مختلف توسعه و گسترش طرح‌های اجرایی برای رسیدن به اهداف می‌شود. برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی است که منجر به تولید ابتکارات بهره‌وران خصوصی و عمومی که در جستجوی همکاری و اشتراک مساعی برای توسعه شهر هستند، می‌شود (Steinberg, 2002:1).

«استراتژی توسعه شهری» به عنوان جدیدترین رویکرد در برنامه‌ریزی استراتژیک، یکی از دو رویکرد اصلی در «پیمان نامه شهرها» (Cities alliance) و «موضوع اصلی این پیمان نامه»^۱ می‌باشد. استراتژی توسعه شهری، یک

۱. پیمان نامه شهرها در ۱۹۹۹ برای اتحاد شهرها و توسعه مشترک آنها با تعهد بر کاهش فقر شهری به عنوان یک موضوع مشترک برای همه جهان بسته شد. اعضای شورایی گروه شامل Un-Habitat، بانک جهانی، مؤسسه مسئولین محلی و دولت‌ها می‌باشد. برای

چشم‌اندازسازی و ریشه‌های آن

برنامه چشم‌اندازسازی به‌عنوان یک تکنیک برنامه‌ریزی از اوایل دهه ۱۹۸۰ در آمریکا و کانادا متولد شد (۹: ۲۰۰۵ Gannon & Ratcliffe). در برنامه‌ریزی استراتژیک و در تهیه سند CDS، چشم‌اندازسازی قلب فرآیند را تشکیل می‌دهد. در واقع چشم‌اندازسازی فکری استراتژیک قبل از برنامه‌ریزی استراتژیک است (شکل شماره ۱ فرایند CDS و جایگاه چشم‌اندازسازی را در آن نشان می‌دهد). حدود ۱۵ سال پیش اصطلاح چشم‌اندازسازی در برنامه‌ریزی اغلب منحصرأً برای توضیح ایده‌های ابتکارانه‌ای به‌کار می‌رفت که افرادی مانند «هاوارد»، «رایت» و «لوکوربوزیه»، آن را به‌عنوان شکل آرمانی شهرهای آینده پیشنهاد کرده بودند (2000 Shipley). با سپری شدن دوران عقاید سنتی اسرار بر رویاروایی، از یک دهه پیش برنامه‌ریزان حرفه‌ای شروع به استفاده از چشم‌انداز و چشم‌اندازسازی در چند روش جدید کردند. برای نمونه وقتی افراد از «داشتن یک چشم‌انداز» بحث می‌کنند، آن معمولاً برمی‌گردد به چگونگی رهبری خواست‌ها و رویاهای دیگران با عقاید و نگرش‌هایی که درباره آینده مطلوب خود دارند. همچنین برنامه‌ریزان، بحث «چشم‌اندازسازی جمعی»^۶ را آغاز کردند که یک مفهومی برای توضیح روشی جدید برای بیرون‌کشیدن اطلاعات بهره‌وران در جهت ایجاد طرحی مشترک بود (Shipley & Newkirk, 1999).

چشم‌اندازسازی جمعی روش پویایی برای مردم است تا اهداف، ادراک و تصور خود از آینده جامعه‌شان را اظهار کنند (Shipley & others, 2004).

چشم‌اندازسازی در ارزیابی استراتژیک، به‌ویژه در زمینه برنامه‌ریزی شهری که تغییرات در شهر سریع اتفاق می‌افتد اولین گام محسوب می‌شود. هدف از آن، تصویر کردن آینده مطلوب شهر می‌باشد (92: 2002 Hodgkinson). چشم‌اندازسازی، فرآیندی است که جامعه در آینده می‌خواهد به آن برسد و طرح‌هایی است برای اینکه چگونه باید به آن برسد. در فرآیند درگیری

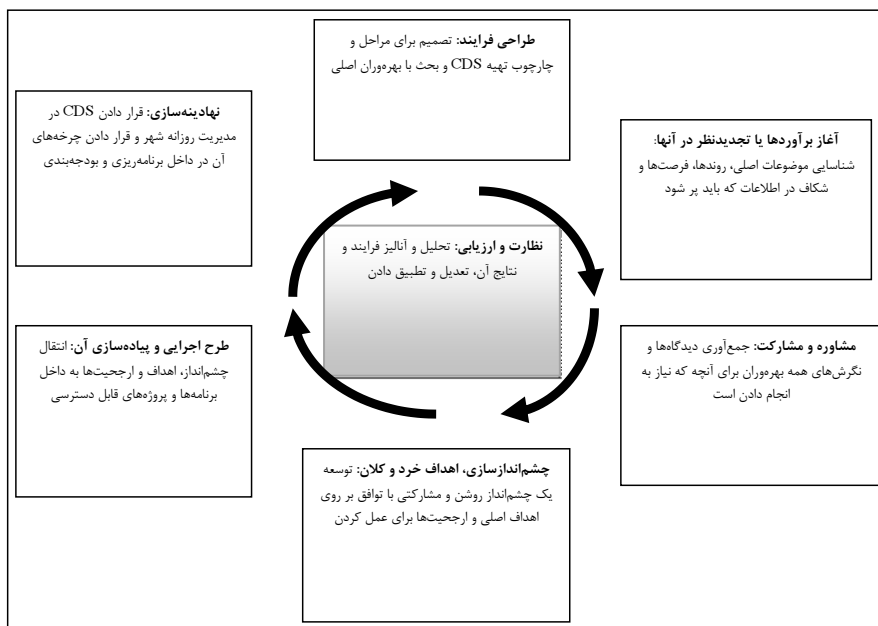
ابزار جدید برای کمک به توسعه، یک ابزار طراحی شده برای پاسخ به تغییرات جزر و مدی فراگیر جهانی و تسکین فقر شهری و توسعه اقتصاد محلی می‌باشد. اهداف CDS مشارکت ترکیب همه اجزای تأثیرگذار در جامعه برای رسیدن به «چشم‌انداز بلندمدت یکپارچه شهر»، «تثبیت استراتژی رشد»، «به توافق رسیدن در مورد اولویت‌های مشکلات اداری» و «شناسایی طرح‌های اجرایی کوتاه مدت» است (9: 2004 bank, The world). استراتژی توسعه شهر، در نهایت یک تصمیم‌سازی مشارکتی است برای شهرهایی که با بحران فقر شهرنشینی، افزایش رقابت و اعمال فشار بر پایداری محیطی و اقتصادی روبرو هستند. استراتژی توسعه شهر، چارچوبی برای رشد اقتصادی، پایداری و برابری آن با انجام یکسری اعمال و استراتژی‌ها فراهم می‌آورد.

اهداف CDS شامل: استراتژی دورنمای یکپارچه شهری، بهبود حکومت و مدیریت شهری، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش سیستماتیک و مداوم فقر شهری است. بیشترین اهمیت این رویکرد این است که به‌عنوان یک استراتژی گسترده شهری، شهر را به‌عنوان «موتور توسعه اقتصادی» در نظر می‌گیرد و تأثیر مستقیم در «کاهش فقر، رشد اقتصادی محلی و بهبود حکمرانی» دارد. رویکرد واقعی CDS با توجه به شرایط ملی و محلی متغیر است. با این وجود بدون توجه به تفاوت‌های محلی، بیشتر استراتژی‌های توسعه شهری به‌عنوان یک فرایند مشارکتی، سه هدف اصلی: بهبود مدیریت شهری، رشد اقتصادی و کاهش فقر شهری را دنبال می‌کند. علاوه بر این، استراتژی توسعه شهری، برای پایداری توسعه شهرها، بر اساس چهار اصل کلی بنیان‌گذاری شده است که عبارتند از:

- «قابلیت زندگی»^۲،
- «رقابت پذیری»^۳،
- «بانک‌پذیری»^۴ و
- «مدیریت و حاکمیت خوب شهری»^۵.

2. Livability
3. Competitiveness
4. Bankability

5. Good Urban Management and Governance
6. Community Visioning



تصویر ۱. فرایند CDS و جایگاه چشم‌اندازسازی در آن؛ مأخذ: UN-HABITAT, 2002: 11

مطلوب تضمین می‌کند (Spurgeon, 1996) & Hackett). چشم‌انداز تصویری امیدبخش و متقاعد کننده از آینده‌ای مطلوب و ممکن است که جامعه در جستجوی رسیدن به آن می‌باشد (Clement, 1991). به سخن دیگر چشم‌اندازسازی فرایندی است درباره آینده تصویری که یک جامعه می‌خواهد و سپس طرحی برای اینکه چگونه باید به آن برسد (Green & others, Ibid). این نوع تصویرسازی موقعیتی را تعریف می‌کند که در آن موقعیت شهر در وضعیت مطلوب و بهینه خود باشد (Eigeles, 2003: 209).

چشم‌انداز آینده یک شهر، باید «چشم‌اندازی مشارکتی»^۷ باشد؛ معنی آن این است که چشم‌انداز باید به صورت متقابل درک شده و به وسیله بهره‌وران مختلف شهری حمایت شود. چشم‌انداز مشارکتی در مقابل «چشم‌انداز شخصی»^۸ قرار می‌گیرد. چشم‌اندازی که دارای مطلوبیت ذاتی و غایی است. یعنی آن چیزی است که ما برای ارزش ذاتی‌اش آن را می‌خواهیم نه به خاطر موقعیتی که ما را با مکان‌های دیگری مرتبط می‌کند. چشم‌انداز شخصی یک بلوک ساختمانی از چشم‌انداز اشتراکی شهر می‌باشد (Von Einsiedel, 2001: 3).

عمومی^۷، جوامع قصد و نیت^۸، ارزش‌های اصلی و چشم‌انداز آینده خود را شناسایی می‌کنند و با انتقال آن به یک سیستم قابل مدیریت و عملی، هدف کلی^۹ جامعه و طرح اجرایی آن را تنظیم می‌کنند (Green & others, 2000: 5). به عبارتی دیگر چشم‌اندازسازی فعالیتی است که شهروندان و بهره‌وران را برای شکل دادن به یک دورنمای مشترک از آینده جامعه‌شان (شهر، شهرک، و روستا) دور هم گرد می‌آورد. هدف چشم‌اندازسازی استنتاج و تجسم اهداف بلندمدت جامعه و هدف‌های استراتژیک برای برنامه‌ریزی فضایی و شهری پایدار می‌باشد (MUSPP, 2007). جوامع امروزه به طور فزاینده‌ای چشم‌اندازسازی را به عنوان قسمتی از برنامه‌ریزی استراتژیک و یک تکنیک مشارکت عمومی مورد استفاده قرار می‌دهند. چشم‌اندازسازی انتخاب‌ها و فرصت‌های جامعه را بر اساس اهداف مشترک و ارزش‌های مشترک ارزیابی می‌کند. این فرایند بردرگیری عمومی از ابتدای تهیه آن و در طول تهیه تأکید دارد. چشم‌اندازسازی بیشتر بر روی دارایی‌ها تأکید دارد تا نیازها (Haines, 2000). وجود دایمی آن مسیر صحیح حرکت شهر یا سازمان را در راستای رسیدن به وضعیت

7. Public Involvement
8. Purpose
9. Goals

10. Shared vision
11. Personal vision

- ۱- «تعریف مرزهای جامعه»؛ و
 - ۲- «تحلیل و آنالیز جامعه»؛ و
 - ۳- «اتخاذ یک بیانیه چشم انداز»؛ و
 - ۴- «ساختن یک طرح اجرایی»؛ و
 - ۵- «اجرای طرح اجرایی».
- «آمس» برای تدوین چشم انداز، پنج سؤال اساسی بدین شکل مطرح می‌کند:
- ۱- «جایی که جامعه در حال حاضر قرار دارد؟» (شرایط موجود)؛ و
 - ۲- «جایی که با این شرایط خواهد رفت؟» (روند حرکت)؛ و
 - ۳- «جایی که می خواهد برود؟» (سناریو یا آلترناتیوهای دارای اولویت یا برتر)؛ و
 - ۴- «چگونه می توان به آنجا رسید؟»؛ و
 - ۵- «گام بعدی چیست؟» (انتخاب یک مدل یا فرآیند برنامه‌ریزی).
- او معتقد است در ادامه باید شش مرحله زیر دنبال شود تا به چشم انداز برسیم:
- گام ۱: «ایجاد یک سناریو»؛
 - گام ۲: «عقاید ایجاد شده، میزان نوآوری و اهمیت آنها»؛
 - گام ۳: «عقاید دستوری و اهمیت آنها»؛
 - گام ۴: «نام‌گذاری عقاید / طبقه‌بندی بر اساس اهمیت»؛
 - گام ۵: «ارزیابی نتایج» و
 - گام ۶: «تهیه سند نتایج» (Ames, 1993).

روش تحقیق

در این مطالعه و تحقیق روش مورد استفاده بر حسب هدف، «روش تحقیق کاربردی»، و شیوه مطالعه بر حسب روش و ماهیت، «تحقیق توصیفی - تحلیلی و زمینه‌یاب» (پیمایشی) می‌باشد. رویکرد مطالعه حاضر نیز به صورت استراتژیک می‌باشد (تصویر شماره ۲ فرایند تدوین چشم‌انداز شهر مراغه را نشان می‌دهد). برای گردآوری اطلاعات در این مطالعه از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، روش مشاهده مستقیم و روش‌های میدانی و پیمایشی مانند مصاحبه با مردم، کارشناسان و نخبگان شهری و تهیه پرسشنامه استفاده شده است. قلمرو

چشم‌اندازسازی جامعه هم یک «فرایند»^{۱۲} و هم یک «محصول»^{۱۳} می‌باشد. فرایند، فرصت‌هایی به ساکنان برای اظهار نظر کردن آنچه آنها ارزش برای جامعه‌شان می‌پندارند می‌دهد و یک اجماع را بر روی آنچه آنها دوست دارند، تغییر یابد یا حفظ شود تولید می‌کند. در طول این فرایند ساکنان درباره عقایدشان بر روی آنچه که برای جامعه‌شان در طول ۵ تا ۱۰ سال آینده می‌خواهند بحث می‌کنند. محصول این بحث ایجاد یک بیانیه چشم‌انداز است. فرایند توسعه بیانیه چشم‌انداز بسیار مهم‌تر از بیانیه واقعی است. فرایند به ساکنان در داشتن یک دید واقعی نسبت به جامعه‌شان کمک می‌کند. این دید واقعی تنها اختصاص به ذکر نقص‌ها و مشکلات ندارد، بلکه یک سنجش واقعی و دقیق از آنچه جامعه دارد، به دست می‌دهد. این اطلاعات برای توسعه استراتژی تغییرات لازم و اساسی است (6: 2005 The Center for Rural Pennsylvania). تولید یا محصول بیانیه چشم‌انداز مهم می‌باشد. برای اینکه آن جامعه را به حالتی در می‌آورد که دارد مسیری را دنبال می‌کند و این مسیر به صورت ممتد و دنباله‌دار می‌باشد. بیانیه چشم‌انداز را می‌توانیم به صورت قطب‌نمایی فرض کنیم که جامعه را در طول بالا و پایین‌های اقتصادی، یا تغییرات سیاسی و اجتماعی هدایت می‌کند. در مجموع، بیانیه ممکن است برای ارزیابی سازگاری ابتکارات برنامه‌های جدید با عقاید ساکنان استفاده شود. جامعه ممکن است همیشه فرصت‌های جدیدی مانند تجارت جدید، احداث بزرگراه، برنامه‌های دولتی و غیره داشته باشد. اما این بستگی به ساکنان دارد تا مشخص کنند که آیا این فرصت‌ها جزء موانع بوده یا اینکه می‌توانند جامعه را در رسیدن به چشم‌اندازشان برای آینده کمک کنند.

مراحل تدوین چشم‌انداز

فرایند واقعی تدوین چشم‌انداز از جایی به جای دیگر متفاوت است. «مرکز روستایی پنسیلوانیا»^{۱۴} (۷: ۲۰۰۵)، پنج‌گام برای تدوین و اجرای چشم‌انداز را توصیه می‌کند:

12. Process
13. product

14. The Center for Rural Pennsylvania

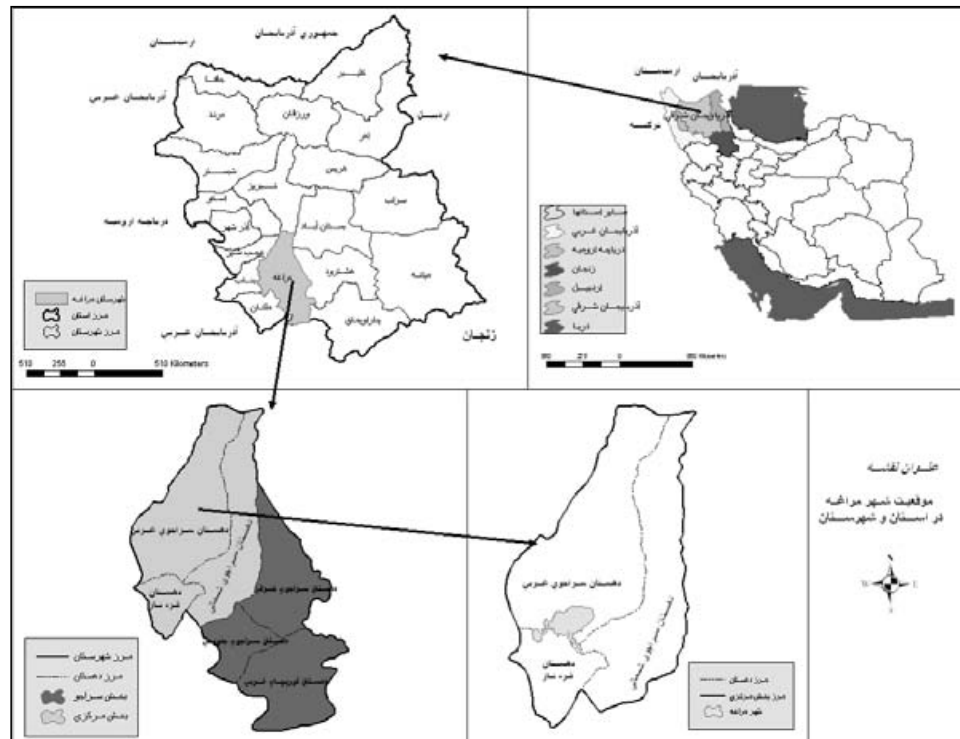
بعد از توزیع پرسشنامه در بین شهروندان با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی و مسؤلین و نخبگان شهری با استفاده از نمونه‌گیری غیرتصادفی، اقدام به جمع‌آوری پرسشنامه‌ها شد. از بین ۳۱۷ پرسشنامه توزیع شده در بین شهروندان با توجه به بسته بودن پرسشنامه‌ها، ۳۰۵ پرسشنامه جمع‌آوری شد. پرسشنامه مسؤلین به صورت کاملاً باز تهیه شده و در ادارات مهم شهر مانند شهرداری شهر مراغه، شورای شهر، فرمانداری، اداره محیط‌زیست، سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر، سازمان میراث فرهنگی و اداره ارشاد و فرهنگ اسلامی توزیع شد (جدول شماره ۱ مشخصات مربوط به جامعه آماری تحقیق را نشان می‌دهد). برای آشنایی با دیدگاه‌ها و نظرات نخبگان شهری نیز اقدام به تشکیل جلسات بحث و تشکیل گروه‌های بحث شد. گروه‌های بحث شامل دو گروه دانشجویان بومی دانشگاه‌های مراغه و دانشجویان غیربومی دانشگاه‌های مراغه می‌شدند. در نهایت با جمع‌آوری پرسشنامه‌های توزیع شده بین

گروه‌های مختلف شهری و جمع‌بندی نظرات گروه‌های بحث^{۱۶} و نخبگان شهری و وارد کردن آنها در نرم‌افزار SPSS، اقدام به تهیه چشم‌انداز شهر مراغه در سال ۱۴۰۳ با مشارکت شهروندان، نخبگان و مسؤلین شهری شد. لازم به ذکر است که در روند تهیه چشم‌انداز شهر مراغه از روش «آمس» استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا به بررسی وضع موجود شهر مراغه (شرایط موجود) و مشکلات و مسایل آن پرداخته و اقدام به اولویت‌بندی مشکلات شده است (روند حرکت). سپس با طرح پرسش‌هایی نقاط قوت و قابلیت‌های شهر مراغه در توسعه آتی (جایی که می‌خواهد برود) مورد بررسی قرار گرفته و با جمع‌بندی نظرات و دیدگاه‌های گروه‌های مختلف شهری، چشم‌انداز شهر مراغه در سال ۱۴۰۳ تهیه شده است. در نهایت با توجه به چشم‌انداز تدوینی و نیز جمع‌بندی نظرات گروه‌ها، مهم‌ترین سناریوهای ممکن برای توسعه آتی شهر مراغه تعریف شدند.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۷۵



نقشه ۱. موقعیت شهر مراغه در استان و شهرستان؛ مأخذ: اشرفی، ۱۳۸۷

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهر مراغه یکی از قدیمی ترین شهرهای ایران می باشد که در کنار رودخانه صافی چای واقع شده است و از شمال به کوه های قشلاق و آشان، از جنوب به باغات ورجوی، از مشرق به باغات و مزارع و بلاخره از مغرب به کوه معروف رصد معطوف است و در ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی واقع است. ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۱۳۹۰ متر می باشد (مروراید، ۱۳۷۲، ص ۶۳). این شهر مرکز شهرستان مراغه و یکی از ۱۹ شهرستان استان آذربایجان شرقی در مسیر راه آهن تهران- تبریز واقع شده و گسترش جغرافیایی آن از شمال به جنوب است. این شهر از شمال به شهرستان تبریز و از جنوب به استان آذربایجان غربی محدود می گردد. از شرق شهرستان های بستان آباد، هشترود، و چارویماق آن را محدود می سازند. شهرستان های فوق به ترتیب در شمال شرق، شرق و جنوب شرق این شهرستان واقعند. شهرستان های اسکو، عجب شیر، بناب و ملکان نیز در غرب این شهرستان قرار گرفته اند (مهندسین مشاور نقش محیط، ۱۳۸۵، ص ۹). جمعیت شهر مراغه بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، ۱۴۹۹۲۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). مساحت شهر در داخل محدوده محاسباتی ۲۵۹۷/۷ هکتار می باشد. متوسط تراکم ناخالص جمعیتی کل شهر در وضع موجود ۵۷ نفر در هکتار است.

یافته های تحقیق

بررسی وضع موجود مراغه

شهر مراغه یکی از شهرهای تاریخی و کهن آذربایجان و دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی پرباری می باشد. این شهر در دوره مادها ساخته شده و سابقه پایتختی را در دوره ایلخانان (هلاکو خان) دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵، ص ۲). با احداث رصدخانه مراغه توسط خواجه نصیرالدین طوسی در زمان هلاکو خان، مراغه تبدیل به مرکز علمی و فرهنگی مهمی در جهان اسلام و حتی خارج از مرزهای آن می شود. در میان رصدخانه های شناخته شده در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، رصدخانه مراغه از نظر طول زمان کار از موقعیت ممتازی برخوردار است و به

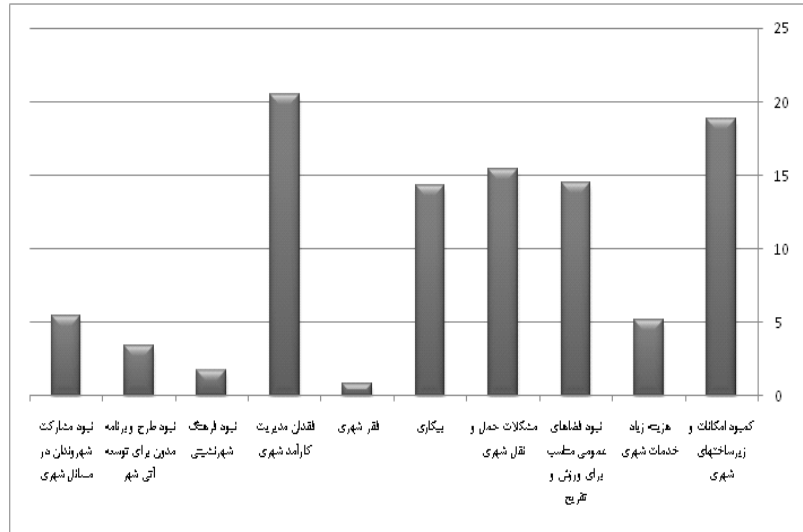
اعتباری طولانی ترین زمان فعالیت را به خود اختصاص داده است (ورجانوند، ۱۳۴۸، ص ۳۵۷).

شهرستان مراغه به عنوان دومین شهر استان از نظر جمعیتی، به دلیل قابلیت های فراوان توسعه و به دلیل تأثیراتی که در حوزه منطقه ای جنوب غرب استان دارد از سطح کشش پذیری بالایی برخوردار است. به دلیل وجود امکانات و قابلیت های مناسب شهرستان به خصوص در زمینه کشاورزی، مهاجرت از روستا به شهر نسبت به شهرهای دیگر استان کمتر بوده است. فعالیت های عمده کشاورزی این منطقه به ترتیب زراعت، باغداری و دامپروری است. باغداری این شهرستان با محوریت پرورش سیب رتبه اول استان را به خود اختصاص داده است. وجود قابلیت در کشاورزی زمینه گسترش و تولید صنایع تبدیلی را فراهم آورده است. وجود شبکه حمل و نقل جاده ای، ریلی و هوایی در این شهر از قابلیت های مهم آن محسوب می شود. وجود تولیدات کشاورزی و دامی، شبکه حمل و نقل ریلی، هوایی و زمینی، رشد بازرگانی خارجی با محوریت صدور محصولات کشاورزی (خشکبار) را فراهم آورده است. به طوری که ۵۴ درصد انواع خشکبار استان از این شهرستان صادر می شود (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸). این شهر به دلیل سابقه تاریخی و ویژگی های طبیعی، دارای جاذبه های گردشگری مناسب نیز می باشد.

بررسی مسایل و مشکلات شهر مراغه از دیدگاه گروه های

مختلف شهری

شهروندان: بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه ها، فقدان مدیریت کارآمد شهری، کمبود امکانات و زیرساخت های شهری، مشکلات حمل و نقل شهری، نبود فضاهای عمومی مناسب برای ورزش و تفریح، و بیکاری، از مشکلات اصلی شهر مراغه می باشند. ضمن اینکه نبود مشارکت شهروندان در مسایل شهری، هزینه زیاد خدمات شهری، و نبود طرح و برنامه مدون برای توسعه آتی شهر از جمله مشکلاتی هستند که شهروندان به آنها اشاره داشته اند.



نمودار ۱. مسایل و مشکلات اصلی شهر مراغه از دیدگاه شهروندان؛
 مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از بررسی پرسشنامه‌ها، ۱۳۸۷

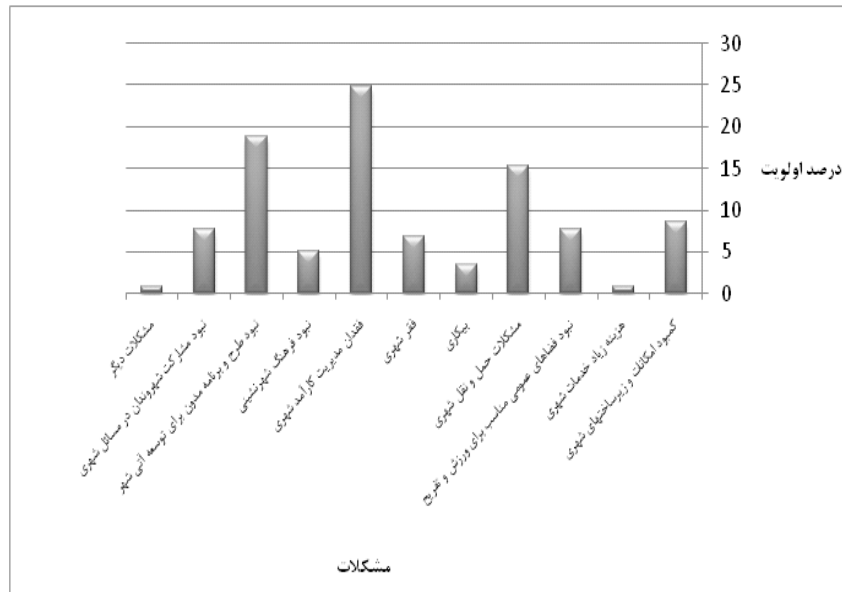
آتی شهر هستند. نداشتن طرح و برنامه مدون برای توسعه و مشکلات حمل و نقل شهری به ترتیب اولویت‌های دوم و سوم شهروندان را تشکیل می‌دهند (نمودار شماره ۲). نکته جالب توجه در مورد گزینه‌های بالا، مشکل هزینه زیاد خدمات شهری است که در سؤال قبلی بعد از مشکل نبود مشارکت شهروندان در جایگاه هفتم قرار داشت ولی در اولویت‌بندی مشکلات در رده

اما در سؤالی از شهروندان در مورد اینکه کدام یک از این مشکلات باید در اولویت‌کاری مسؤولین شهری قرار گیرد؟ شهروندان فقدان مدیریت کارآمد شهری را به عنوان اولویت اول خود انتخاب کرده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد شهروندان مراغه‌ای چندان از مدیریت شهری راضی نبوده و خواستار بهبود وضعیت آن برای توسعه

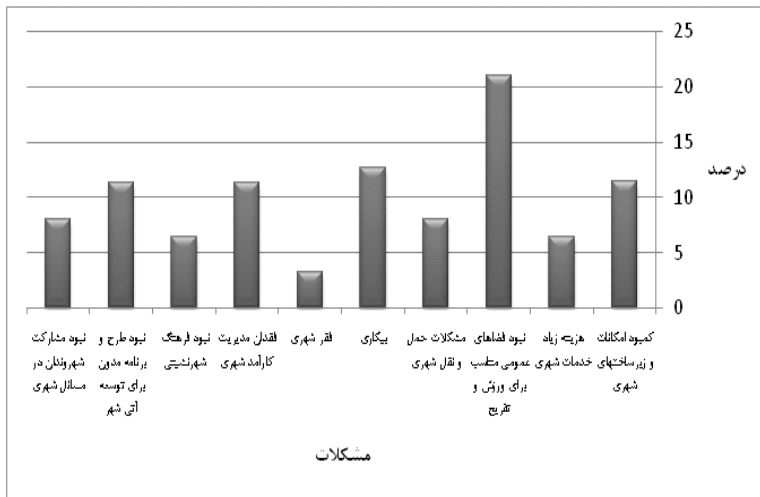
مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
 No.25 Spring & Summer

۱۷۷



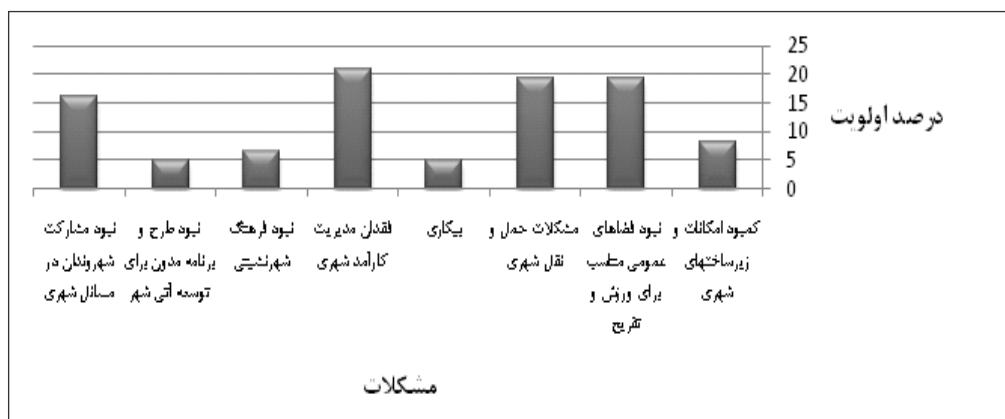
نمودار ۲. اولویت‌بندی مشکلات شهر مراغه از دیدگاه شهروندان؛
 مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، ۱۳۸۷



نمودار ۳. مسایل و مشکلات شهری از دیدگاه نخبگان و گروه‌های بحث؛
مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

گرفته است. بنابراین در زمینه فقدان مدیریت کارآمد شهری نخبگان شهری کاملاً با شهروندان هم‌عقیده‌اند که شهر مراغه از نبود حکمرانی خوب رنج می‌برد و برای همین باید در اولویت کاری مسئولین قرار گیرد. مشکلات حمل و نقل شهری و نبود فضاهای عمومی مناسب، در رده دوم اولویت‌های نخبگان قرار دارد. ضمن اینکه نبود مشارکت شهروندان در مسایل شهری با ۱۶ درصد در اولویت سوم قرار گرفته است (نمودار شماره ۴).
مسئولین و مدیران شهری: با توجه به باز بودن پرسشنامه مسئولین و مدیران شهری، هر یک از کارمندان ادارات مختلف شهر از دیدگاه اداره خود به مسایل و مشکلات نگاه کرده‌اند. برای نمونه مسئولین اداره حفاظت

آخر قرار گرفته است.
نخبگان و گروه‌های بحث: از دیدگاه نخبگان و گروه‌های بحث، نبود فضاهای عمومی مناسب در شهر، با فاصله زیاد نسبت به مشکلات دیگر، جزء اصلی‌ترین مشکلات شهر مراغه می‌باشد. بیکیاری، کمبود امکانات و زیرساخت‌های شهری، فقدان مدیریت کارآمد شهری و نبود طرح و برنامه مدون برای توسعه آتی شهر مشکلات اصلی دیگر مراغه را تشکیل می‌دهند؛ ضمن اینکه مشکلات حمل و نقل شهری و نبود مشارکت شهروندان در مسایل شهری در جایگاه بعدی قرار دارند (نمودار شماره ۳).
اما در اولویت‌بندی مسایل و مشکلات شهری توسط نخبگان، فقدان مدیریت کارآمد شهری در اولویت قرار



نمودار ۴. اولویت‌بندی مشکلات شهر مراغه از دیدگاه نخبگان شهری و گروه‌های بحث؛
مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

جدول ۲. مسایل و مشکلات اصلی شهر مراغه از دیدگاه
مسئولین شهری

ردیف	عنوان مشکلات
۱	مشکلات ترافیکی به دلیل خیابان‌های تنگ و باریک شهر، به خصوص خیابان‌های اصلی شهر
۲	عدم وجود برنامه بلندمدت برای توسعه شهری نبود زمین مناسب و کافی برای توسعه شهر
۳	مشکل اخذ بودجه‌های دولتی جهت سرمایه‌گذاری و نیز عدم جذب سرمایه‌گذاری خصوصی
۴	ساخت و سازهای ناهمگون در سطح شهر (ایجاد آپارتمان‌های ۷ الی ۸ طبقه در کنار ساختمان‌های مسکونی یک طبقه و ایجاد مشکلاتی هم برای آپارتمان نشینان به دلیل نبود فرهنگ آپارتمان نشینی و هم برای ساکنین خانه‌های مسکونی)
۵	بافت متراکم و فشرده شهر
۶	عدم نگاه مدیریتی و علمی به منابع آب و خاک و پتانسیل‌های موجود منطقه
۷	ضعف در برنامه‌ریزی کلان شهری و عدم وجود و استفاده از آمایش سرزمین
۸	عدم توجه به قابلیت‌های توریستی و تاریخی منطقه
۹	عدم کارایی شهرک‌های صنعتی تأسیس شده
۱۰	تکمیل نشدن طرح خیابان ۱۲۰ متری (پروژه جام‌جم) و هزینه سنگین دیرکرد آن برای شهرداری
۱۱	درآمد کم نهادهای تأثیرگذار شهری
۱۲	عدم استفاده از افراد متخصص در نهادها و سازمان‌های مربوط به تخصص‌شان
۱۳	نبود زیرساخت‌های مناسب فرهنگی، ماند
۱۴	کتابفروشی‌های کافی، نمایشگاه‌های دائمی و غیره

مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل؛

پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

محیط زیست مراغه، عدم نگاه مدیریتی به منابع آب و خاک را جزء مشکلاتی ارزیابی کرده‌اند که باید در اولویت کاری مسئولین قرار گیرد. در صورتی که اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مشکلات فرهنگی را جزء مشکلات اولویت‌دار شهر ارزیابی کرده‌اند. با این وجود و در کل اگر بخواهیم مشکلات کنونی شهر مراغه را از دیدگاه مسئولین شهری طبقه‌بندی کنیم باید به ۱۴ مشکل اساسی اشاره کرد. جدول شماره ۲ این مشکلات را نشان می‌دهد.

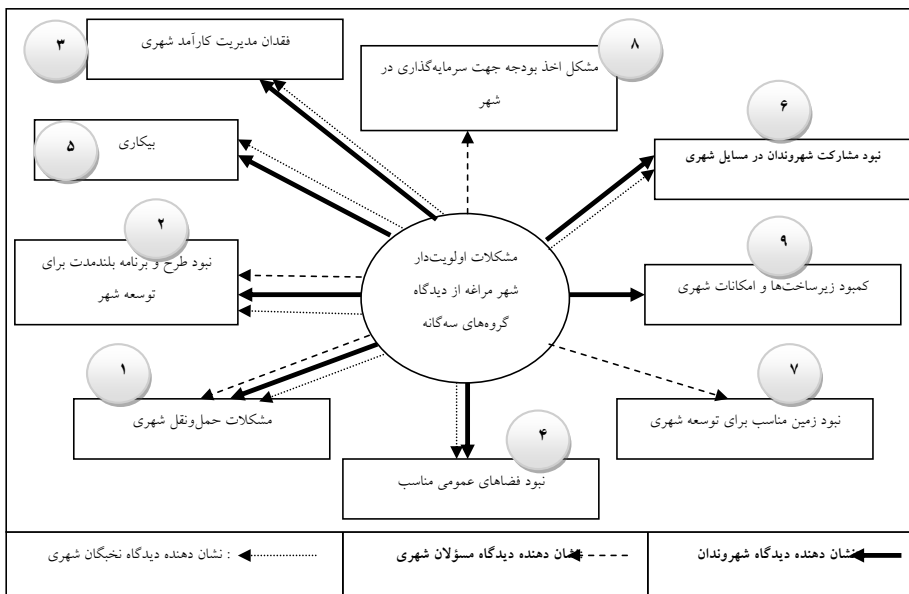
اما اگر بخواهیم مشکلات و مسایل شهر مراغه را از دیدگاه مسؤلان شهری اولویت‌بندی کنیم: تقریباً اکثریت آنها معتقد هستند که خیابان‌های تنگ و باریک به خصوص در مرکز شهر و مشکلات ترافیکی جزء مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکلاتی است که باید در اولویت کاری قرار گیرد. مشکل اخذ بودجه‌های دولتی جهت توسعه سرمایه‌گذاری و نیز عدم جذب سرمایه‌گذاری خصوصی دومین مشکل اولویت‌داری است که باید جهت رفع آن اقدامات لازم صورت گیرد. نبود برنامه بلندمدت برای توسعه شهری، نبود زمین کافی و مناسب برای توسعه شهر، عدم هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف شهری و عدم استفاده افراد متخصص در نهادهای و سازمان‌های مربوط به تخصص خود از مهم‌ترین مشکلاتی است که به ترتیب باید در اولویت قرار گیرند.

در پایان مرحله اول چشم‌اندازسازی، و بررسی دیدگاه گروه‌های مختلف شهری در مورد مسایل و مشکلات شهر، خیابان‌های تنگ و باریک به خصوص در مرکز شهر و مشکلات ترافیکی از جمله مهم‌ترین مشکلاتی است که هر سه گروه مذکور روی آن اتفاق نظر دارند. نبود طرح و برنامه بلندمدت نیز دیگر مشکلی است که هر سه گروه روی آن اجماع و خواستار تدوین طرح و برنامه بلندمدتی برای شهر هستند. در بعضی موارد نیز گروه‌های مختلف باهم اختلاف نظر زیادی به خصوص در مورد مدیریت ناکارآمد شهری دارند که البته طبیعی به نظر می‌رسد. شکل شماره ۳ اجماع حاصل بر روی مشکلات شهر توسط گروه‌های سه‌گانه را نشان می‌دهد. بعد از بررسی وضع موجود و تجزیه و تحلیل مسایل و مشکلات شهر مراغه و نیز اولویت‌بندی مهم‌ترین مشکلات آن از دیدگاه

مدیریت شهری

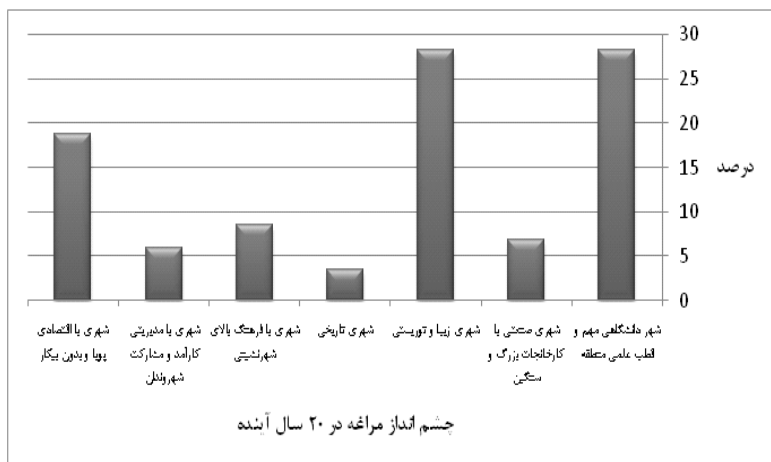
دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۷۹ ■



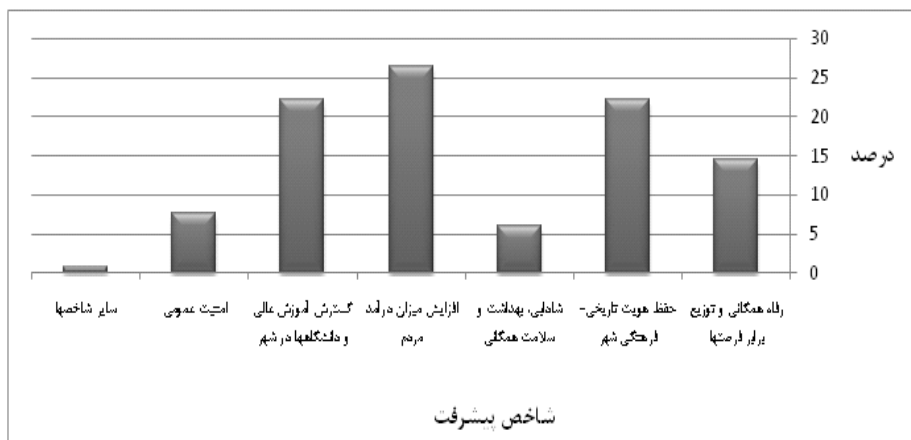
تصویر ۳. اولویت‌بندی مشکلات شهر مراغه از دیدگاه گروه‌های مختلف شهری؛ مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

گروه‌های مختلف شهری، مرحله بعدی چشم‌اندازسازی، بررسی جایگاهی است که مراغه در آینده می‌خواهد به آن برسد. در این مرحله با بررسی دیدگاه‌های مختلف گروه‌های شهری اقدام به تدوین چشم‌انداز مشارکتی برای شهر مراغه خواهد شد. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، بیشتر از ۵۰ درصد شهروندان مراغه مناسب‌ترین فعالیت برای مراغه در آینده را طی سؤالی فعالیت‌های توریستی عنوان کرده‌اند. صنعت بسته‌بندی و صادرات تولیدات کشاورزی و تولید و توزیع فرآورده‌های دامی به ترتیب در مکان‌های دوم و سوم قرار دارند. طی سؤالی دیگر با عنوان: دوست دارید مراغه در ۲۰ سال آینده چگونه شهری باشد؟ بیشتر از ۲۸ درصد شهروندان اعلام کرده‌اند دوست دارند مراغه در ۲۰ سال آینده شهری دانشگاهی و مهم و به عنوان قطب علمی منطقه آذربایجان مطرح باشد. ۲۸ درصد نیز عنوان کرده‌اند دوست دارند مراغه شهری توریستی و زیبا برای جهانگردان داخلی و خارجی باشد. ۱۸ درصد نیز عنوان کرده‌اند دوست دارند مراغه شهری با اقتصادی پویا و فعال و بدون بیکار باشد (نمودار شماره ۵).



نمودار ۵. چشم‌انداز مراغه در ۲۰ سال آینده از دیدگاه شهروندان؛

مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷



نمودار ۶. شاخص پیشرفت مراغه تا سال ۱۳۰۴ از دیدگاه شهروندان؛
مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

صادرات کشاورزی و ۱۲ درصد نیز گسترش صنایع دستی را

به عنوان مهم ترین فعالیت مراغه عنوان کرده اند.

بیشتر از ۳۵ درصد نخبگان شهری در جواب سؤال:

دوست دارید مراغه در ۲۰ سال آینده چگونه شهری باشد؟

اعلام داشتند دوست دارند مراغه شهر دانشگاهی مهم و

قطب علمی منطقه باشد. ۱۹ درصد عنوان کرده اند

دوست دارند مراغه شهری با فرهنگ بالای شهرنشینی

باشد. ۱۲ درصد نیز شهری با اقتصاد پویا و بدون بیکار را

عنوان کرده اند (نمودار شماره ۷).

بنابراین تبدیل مراغه به شهری دانشگاهی و قطب علمی

منطقه خواست مشترک شهروندان و نخبگان شهری

طی سؤالی دیگر با عنوان مهم ترین شاخص پیشرفت

مراغه تا سال ۱۴۰۳، بیشتر از ۲۶ درصد شهروندان بهبود

وضعیت اقتصادی و افزایش میزان درآمد مردم را به

عنوان شاخص نخست معرفی کرده اند. ۲۲ درصد

گسترش آموزش عالی و دانشگاهها در شهر و ۲۲ درصد نیز

حفظ هویت فرهنگی - تاریخی شهر را به عنوان شاخص

پیشرفت مراغه عنوان کرده اند (نمودار شماره ۶).

بیشتر از ۵۰ درصد نخبگان شهری نیز طی سؤالی

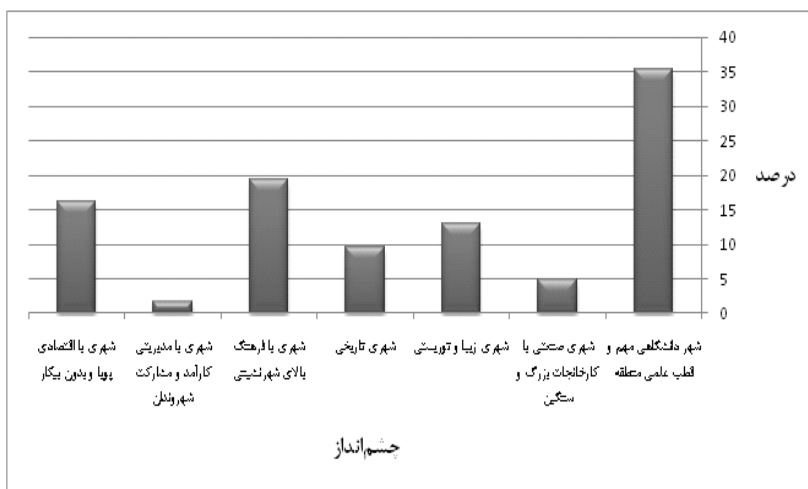
مناسب ترین فعالیت برای مراغه در آینده را فعالیت های

توریستی عنوان کرده اند. ۲۵ درصد صنعت بسته بندی و

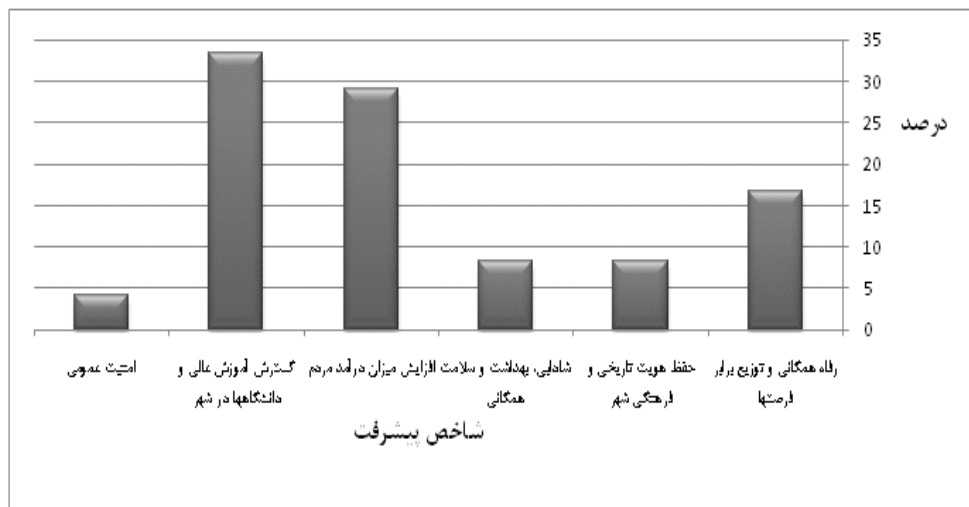
مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۸۱



نمودار ۷. چشم انداز مراغه در ۲۰ سال آینده از دیدگاه نخبگان شهری؛
مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷



نمودار شماره ۸: شاخص پیشرفت مراغه تا سال ۱۳۰۴ از دیدگاه نخبگان شهری؛

مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

جدول ۳. شاخص‌های توسعه و چشم‌انداز شهر مراغه در ۲۰ سال آینده از دیدگاه مسئولین شهری

مرتبیه اهمیت	شاخص توسعه و چشم‌انداز شهر در ۲۰ سال آینده
۱	فعالیت‌های توریستی و توسعه گردشگری
۲	تبدیل مراغه به قطب علمی منطقه با تأکید بر تحقیقات نجوم و فسیل‌شناسی
۳	توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته به آن
۴	شهری مدرن با فرهنگی غنی و با ارزش‌های یک شهر ایرانی-اسلامی
۵	شهری آباد و توسعه یافته با انسان‌های علاقمند به سرنوشت خود و عاری از هرگونه فقر و بیکاری
۶	نماد یک باغشهر ایرانی با حفاظت از باغ‌های اطراف و قابلیت‌های کشاورزی
۷	تبدیل مراغه به شهری هوشمند با مدیریتی الکترونیک
۸	تبدیل شهرستان مراغه به استان و شهر مراغه به مرکز استان در ۲۰ سال آینده

مأخذ: نگارندگان، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل

پرسشنامه‌ها، سال ۱۳۸۷

است. مهم‌ترین دلیل برای این خواست سابقه تاریخی مراغه در زمینه علم و دانش و وجود رصدخانه مراغه به عنوان نماد علمی این شهر می‌تواند باشد. چراکه طی سؤالی با عنوان: دوست دارید مراغه با کدام مکان یا بنا به عنوان سمبل و نماد شهر در ایران و جهان شناخته شود؟ بیشتر از ۷۱ درصد نخبگان و بیشتر از ۷۹ درصد شهروندان رصدخانه مراغه را عنوان کرده‌اند. ضمن اینکه ۱۵ درصد نخبگان و ۷ درصد شهروندان نیز به مقبره اوحدی اشاره داشته‌اند.

نخبگان شهری طی سؤال دیگری با عنوان مهم‌ترین شاخص پیشرفت مراغه تا سال ۱۴۰۳، گسترش آموزش عالی و دانشگاهها در شهر (۳۳ درصد) و افزایش میزان درآمد مردم و بهبود اوضاع اقتصادی شهری را به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های توسعه شهری عنوان کرده‌اند (نمودار شماره ۸). بدین صورت ملاحظه می‌شود که در مورد شاخص‌های پیشرفت مراغه در ۲۰ سال آینده میان شهروندان و نخبگان شهری اتفاق نظر کاملی وجود دارد. در نهایت با بررسی دیدگاه‌های مسئولین شهر نسبت به شاخص‌های توسعه مراغه و چشم‌انداز آن در ۲۰ سال آینده به ۷ شاخصی رسیدیم که مکرراً توسط مسئولین شهر عنوان شده‌اند. جدول شماره ۳ این چشم‌اندازها را به ترتیب اهمیت از دیدگاه مسئولین نشان می‌دهد.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۸۲

وابسته به آن (تصویر شماره ۴).

اما در مورد شاخص‌های توسعه شهری مراغه تا سال ۱۴۰۳، گسترش آموزش عالی و دانشگاه‌ها در شهر مراغه مهم‌ترین شاخصی است که هر سه گروه بر روی آن اجماع دارند. بهبود اوضاع اقتصادی و افزایش میزان درآمد مردم نیز دومین شاخصی است که گروه‌های سه‌گانه به آن اشاره کرده و خواهان توسعه آن هستند. این خواسته به خصوص در میان شهروندان و مسؤولین شهری شدیدتر از نخبگان و گروه‌های بحث می‌باشد. بنابراین اگر بخواهیم بر اساس نظریات گروه‌های مختلف شهری و چشم‌انداز تدوینی، سناریوهایی را برای توسعه آتی شهر تعریف کنیم به سه سناریوی مهم و اصلی خواهیم رسید. شکل شماره ۵ این سه سناریو را نشان می‌دهد.

در کنار سه سناریوی تعریف شده در شکل، باید به ۲ یا ۳ سناریوی فرعی اشاره کرد که می‌توان به نوعی آنها را در سناریوهای بالایی ادغام کرد. برای نمونه سناریوی بهبود اوضاع اقتصادی و افزایش میزان درآمد مردم و کاهش بیکاری، موضوعی است که در هر سه سناریوی بالایی می‌توان به نوعی آن را جستجو کرد. به عبارت بهتر طرح‌های اجرایی^{۱۷} تعریفی برای سناریوهای بالایی باید به نوعی طراحی شود که باعث ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، بهبود اوضاع اقتصادی و افزایش میزان درآمد مردم شود؛ چراکه این موضوع خواست و آرزوی همه گروه‌های شهری می‌باشد. در واقع ایجاد اشتغال و بهبود اوضاع اقتصادی یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌هایی^{۱۸}

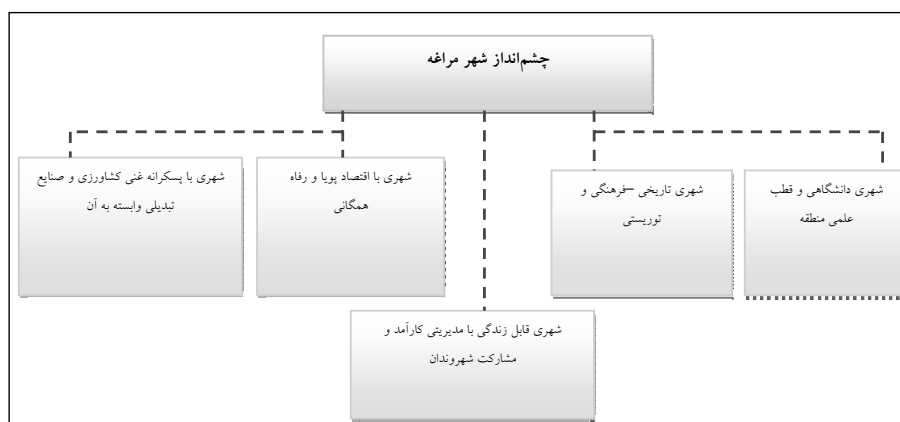
با مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های گروه‌های سه‌گانه شهری (شهروندان، نخبگان و مسؤولین)، ملاحظه می‌شود که تبدیل مراغه به شهری دانشگاهی و قطب علمی منطقه، چشم‌اندازی است که هر سه گروه یاد شده بر روی آن اجماع دارند. توسعه فعالیت‌های توریستی و گردشگری دومین چشم‌اندازی است که گروه‌های سه‌گانه بر روی آن اتفاق نظر داشته و آن را به عنوان یک چشم‌انداز مطلوب برای شهر دانسته‌اند. توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته به آن سومین چشم‌اندازی است که اتفاق نظر کاملی روی آن وجود دارد. البته باید به توسعه دامپروری و صنایع وابسته به آن نیز اشاره کرد که می‌توان با تلفیق آن با فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته به آن به چشم‌انداز یکپارچه «توسعه فعالیت‌های کشاورزی و دامی و صنایع وابسته به آن دو» رسید. با تلفیق چشم‌اندازهای پیشنهادی گروه‌های مختلف شهری با مسایل و مشکلاتی که در مرحله اول به آن اشاره شد و روی هم‌گذاری آنها به چشم‌اندازی می‌رسیم که مشارکتی بوده و همه ساکنان شهر روی آن اجماع دارند. بنابراین چشم‌انداز مشترک شهر مراغه برای سال ۱۴۰۳ بر اساس نظرات ساکنان شهر به این صورت تدوین می‌شود:

چشم‌انداز مراغه: مراغه در سال ۱۴۰۳، شهری توریستی-تاریخی، به عنوان قطب علمی منطقه با تجدید حیات هویت فرهنگی، دارای اقتصادی پویا و فعال، شهری قابل زندگی با مدیریتی کارآمد و مشارکت شهروندان در مسایل شهری، و دارای پسرکانه غنی کشاورزی با صنایع تبدیلی

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۸۳



تصویر ۴. چشم‌انداز شهر مراغه؛ مأخذ: نگارندگان، سال ۱۳۸۷

است که هر سه سناریوی بالایی باید به دنبال رسیدن به آن باشند. دومین سناریوی فرعی، مراغه شهری با فرهنگ بالای شهرنشینی است که به خصوص نخبگان شهری و مسؤولین تأکید زیادی روی آن داشته‌اند. گفتنی است که این سناریو را می‌توان به نوعی در سناریوی اولی جستجو کرد. چراکه با تبدیل مراغه به شهری دانشگاهی و بار فرهنگی که دانشگاه و جمعیت دانشجویی به همراه خواهد داشت می‌تواند خود باعث افزایش فرهنگ شهرنشینی در این شهر شود. و در نهایت سومین سناریوی فرعی، حفظ هویت تاریخی و فرهنگی شهر است که این سناریو را هم می‌توان به نوعی در سناریوی دومی با گسترش فعالیت‌های توریستی و گردشگری جستجو کرد؛ چراکه برای توسعه گردشگری و جذب توریست در این شهر، با توجه به اینکه یکی از قابلیت‌های توریستی آن مکان‌های تاریخی شهر است، به ناچار باید به حفاظت از این مکان‌ها و معرفی آنها به عنوان مکان‌های توریستی شهر پرداخت.

بعد از تدوین بیانیه چشم انداز و تعریف سناریوی برتر و سناریوهای جایگزین، گام بسیار اساسی بعدی ایجاد یک طرح اجرایی است. هدف از طرح اجرایی اولویت بندی و هماهنگ کردن اجزای بیانیه چشم‌انداز است. در بسیاری مواقع گروه‌های مختلف دولتی، مذهبی، خصوصی، تجاری و اجتماعی دارای طرح‌ها و استراتژی‌هایی برای توسعه شهر هستند، بیانیه چشم‌انداز می‌تواند به عنوان چتری بزرگ برای این گروه‌ها و طرح‌هایشان باشد. در نهایت اینکه هدف از بیانیه چشم‌انداز گذاشتن آن در قفسه کتابخانه یا قاب عکس نیست، بلکه باید آن را مورد استفاده قرار داد چراکه ایجاد بیانیه چشم‌انداز و تدوین

چشم‌انداز مشارکتی گام نخست و البته مهم در فرایند بزرگتر توسعه جامعه می‌باشد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

یکی از چالش‌های اصلی تهیه سند راهبرد توسعه شهری در کشورهایی که فاقد تشکیلات گسترده غیردولتی (NGO) هستند، تأمین مشارکت سازمان یافته اقشار مختلف اجتماعی در فرایند چشم‌اندازسازی می‌باشد. قوانین مناسب، آموزش، تبلیغ، تشکل‌های غیردولتی، رشد دموکراسی، توجه به جامعه مدنی و غیره از ضروریات دستیابی به مشارکت در تهیه سند می‌باشند. بر همین اساس، در این مقاله سعی شد با بررسی دیدگاه‌های گروه‌های مختلف شهری مراغه نسبت به مسایل و مشکلات شهر، قابلیت‌ها و پتانسیل‌های آن؛ اقدام به تدوین چشم‌انداز شهر مراغه در سال ۱۴۰۳ به صورت مشارکتی و در چارچوب رویکرد استراتژیک شود تا با تعریف سناریوهای اصلی و جایگزین، روند توسعه آتی شهر به صورت یک چارچوب مشخص و واقعی درآید.

چشم‌انداز یک سفر ذهنی از دانسته‌ها به ندانسته‌ها است. چشم‌اندازسازی فرایندی است درباره آینده‌ای تصویری که یک جامعه می‌خواهد و سپس طرح‌های برای اینکه چگونه به آن برسد. در واقع چشم‌انداز مانند یک چراغ دریایی می‌ماند که بیشتر از آنکه محدوده را مشخص کند، مسیر (موضوع) را مشخص می‌کند و بیشتر از اینکه مکان را نشان دهد جهت را نشان می‌دهد. به چشم‌اندازسازی باید به عنوان یک فرایند مدنی (civic pro cess) نگاه کرد که مشارکت شهروندان هسته اصلی



تصویر ۵. تعریف سناریوهای اصلی توسعه آتی شهر مراغه؛ مأخذ: نگارندگان، سال ۱۳۸۷

آن را تشکیل می‌دهد.

قدردانی می‌کنم.

روی همین اصل در این مقاله با بررسی دیدگاه‌های سه گروه مختلف شهری (شهروندان، نخبگان و مسؤولین شهری) در مرحله اول به ارزیابی وضع موجود شهر مراغه و قابلیت‌های آن و همچنین مسایل و مشکلات آن پرداخته شد. در این مرحله نبود طرح و برنامه مدون و بلندمدت برای توسعه شهر و مسایل ترافیکی از جمله مشکلاتی بودند که هر سه گروه یاد شده بر روی آنها اتفاق نظر داشتند. مدیریت ناکارآمد شهری نیز از جمله مهم‌ترین مشکلاتی بود که شهروندان و نخبگان شهری روی آن اجماع کاملی داشتند و خواهان بهبود آن بودند؛ کما اینکه مسؤولین شهری هیچ اشاره‌ای به آن نداشتند که البته طبیعی هم به نظر می‌رسید. در مرحله بعدی از فرایند چشم‌اندازسازی با طرح پرسش‌هایی، جایگاهی که مراغه در ۲۰ سال آینده باید به آن برسد و نیز شاخص‌های توسعه آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نهایت با روی هم‌گذاری نظرات و خواست‌های گروه‌های شهر و مقایسه آنها، اقدام به تدوین چشم‌انداز مراغه در سال ۱۴۰۳ شد. بعد از تدوین چشم‌انداز، مهم‌ترین و اصلی‌ترین سناریوها (سه سناریو) برای توسعه آتی شهر تعریف شدند. لازم به ذکر است که ایجاد بیانیه چشم‌انداز و تدوین چشم‌انداز مشارکتی فقط گام نخست و البته مهم در فرایند بزرگتر توسعه جامعه می‌باشد. گام بسیار اساسی بعدی ایجاد طرح اجرایی برای سناریوهای تعریفی است که خود یک مرحله مهمی از برنامه‌ریزی استراتژیک است.

سپاسگذاری

در پایان از آقای دکتر بهگام و آقای صدیق (رئیس مرکز آموزش عالی صنعتی غیرانتفاعی مراغه) به خاطر راهنمایی‌های ارزنده‌شان و آقای ایرج محسنی دانشجوی کارشناسی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران که در توزیع پرسشنامه‌ها و جمع‌آوری آمار و اطلاعات کمک زیادی به بنده کردند تشکر می‌کنم. همچنین از مسؤولین محترم اداره حفاظت محیط‌زیست مراغه، اعضای محترم شورای شهر مراغه، فرمانداری شهرستان مراغه و کارکنان سازمان پارک‌ها و فضای سبز مراغه که کمال همکاری را با اینجانب داشتند تشکر و

منابع

۱- اشرفی، یوسف (۱۳۸۸) CDS رویکردی جدید در برنامه‌ریزی شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، سال هفتم، شماره ۲۳، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، صص ۱۰۴-۸۸

۲- اشرفی، یوسف (۱۳۸۷) ارزیابی قابلیت‌های توسعه شهری با تأکید بر نقش دانشگاهی در چارچوب رویکرد استراتژیک نمونه مورد مطالعه: شهر مراغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، دکتر محمدتقی رهنمایی، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه برنامه‌ریزی شهری

۳- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت، تهران.

۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی (۱۳۸۵)، برنامه توسعه شهرستان مراغه

۵- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) آخرین نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

۶- مروارید، یونس (۱۳۷۲) مراغه، افزاز رود از نظر اوضاع: طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، چاپ دوم با تجدید نظر کلی، انتشارات بی‌ام.

۷- مهندسان مشاور نقش محیط (۱۳۸۵) طرح توسعه و عمران شهر مراغه، مرحله اول: بررسی و شناخت شهر، جلد اول، وزارت مسکن و شهرسازی.

۸- مهندسان مشاور نقش محیط (۱۳۸۵) طرح توسعه و عمران شهر مراغه، مرحله اول: بررسی و شناخت شهر، جلد دوم، وزارت مسکن و شهرسازی.

۹- ورجاوند، پرویز (۱۳۸۴) کاوش رصدخانه مراغه: نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران، چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

10- Ames, Steven C. (1996), A guide to community visioning: Hands-on information for local communities (rev:1998), Portland .OR: Oregon vision projected

11- Bryson, John (1995), Strategic planning for public and nonprofit organizations, San Francisco: Josses-Bass.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

- 12- Clement, Bezolt (1991), On future thinking for health and health care: trend, scenarios, visions and strategies ,Institute for Alternative Future ,Alexandria
- 13- Eigeles, D. (2003), Facilitating shared vision in the organization, Journal of European Industrial Training, vole 27, Emerald
- 14- Gannon, Julie & Radcliffe S. John (2005), Visioning the future of urban environment: a tool for stimulating the process of urban regenerations .The Future Academy, Dublin Institute of Technology .pp 1-13
- 15- Green, Gary & Haines, Anna, & Hale sky, Stephen (2000), Building our future: a guide to community visioning, Wisconsin county, Extension office, 286 pages
- 16- Hackett M. & Spurgeon P. (1996), Leadership and vision in the NHS: How do we create the vision thing?, Health Manpower Management, vol 22, No.1
- 17- Haines, Anna (2000), Using visioning in a comprehensive planning process, available at: www.uwex.edu/ces/pubs.
- 18- Hodgkinson M. (2002), A shared strategic vision: dream or reality?, The learning organization, vol 9, No.20, Emerald
- 19- Murray A.J & Greens K.A (2006), New leadership Strategies for the enterprise of the future ,The Journal of Information and Knowledge Management Systems, vol36, No 4
- 20- MUSPP)Municipal Special Planning Support Programme) (2007), Making better cities together ,Leaflet , available at: www.rrota.com
- 21- Steinberg, Florian (2002), Strategic urban planning in Latin America: experiences of building and managing the future, HIS, Rotterdam, Netherland ,November 2002
- 22- The Center for Rural Pennsylvania(2005), Planning for future: A hand book on community visioning, Harrisburg, Second edition, 40 pages
- 23- United Nation Human Settlements Program (UN_ HABITAT)(2002), UMP City Development Strategy, Nairobi, Kenya
- 24- Von Einsiedel, Nathaniel (2001), Developing a city vision ,Presented at the CDS2 first national workshop, 6-7 November 2001, Manila.pp1-16
- 25- Shipley, Robert; Feick, Robert; Hall, Brent & EARLEY Robert (2004) , Evaluating Municipal Visioning , Planning, Practice & Research, Vol. 79, No. 2, pp. 195-210,
- 26- Shipley. R. & Newkirk. R. (1999) Vision and visioning in planning; what do these terms really mean. Environment and Planning B: Planning and Design, 26(4), pp. 573-591.
- 27- Shipley, R, (2000) Origin and development of vision and visioning in planning. International Planning Studies. 5(2), pp, 225-236
- 28- UMP City Development Strategy Reports (2002), Urban Management Programme City Development Strategies: A synthesis and lessons learned.pp1-181
- 29- The World Bank office Beijing, Urban/Environment Development Unit (2004), City Development Strategy (CDS) Program in China.



تحلیل استحاله نشانه‌های سکونتگاهی روستای «باباشمان استان لرستان»

پس از جابجایی با تاکید بر نشانه‌های مسکن روستایی

فرح حبیب - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سید امیر حسین گرکانی* - پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات؛ تهران، ایران.

سید مصطفی مختاباد امرئی - دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری، تهران، ایران.

فاطمه رحیم بخش - دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

The Analysis of the Transformation of the Signs of "Babapashman" Village at Lorestan Province after the Relocation

Abstract: Most of reconstruction programs after the happenings, the total or partial policy of relocation of habitation, as an appropriate solution, respect to technical aspect, is considered for decreasing the risk and providing security for earthquake, flood, ground drift, etc. However, investigating different experiences predicate that the relocation consequences are in forms that generally the remainders which were transited for reasons as the lack of any the reconciliation at renovation of architecture in the new village with the old village in the process of rehabilitation, that there were no satisfaction and often the relocation caused the villagers lose their self-sufficiency and feel dependent to a place at the new village. At this article the village is assumed as a text which consists of different layers and by investigating the semiotics approaches, based on Lotman Symbolic theory, the manner of how the transformation signs such as the sky-line, the neighborhood system, the pavement network model, and etc. at the new village of Babapashman at Lorestan Province are considered. With regard to transformation of the signs and satisfaction villagers, design with stress on semi logy analysis and utilization of old rural sings that is acceptable by villagers that must be rehabilitation or relocation can be use for designing villages.

Keywords: Relocation; Semiotics; The old village; the new village; Babapashman village.

چکیده

در اغلب «برنامه‌های بازسازی پس از سانحه»، سیاست جابجایی کل یا بخشی از سکونتگاه، به عنوان راه حلی مناسب از لحاظ فنی، جهت کاهش خطر و ایمنی از پدیده‌هایی چون زلزله، سیل، رانش زمین و غیره مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. با این حال بررسی تجارب مختلف حاکی از آن است که پیامدهای جابجایی به گونه‌ای بوده که عموماً بازماندگانی که جابجا شده‌اند به دلایل مختلفی از جمله عدم تطبیق معماری روستای بازسازی شده با معماری روستای قدیم در فرآیند بازتوانی، «از جابجایی رضایت نداشته و جابجایی اغلب به از دست دادن خوداتکایی روستاییان و حس تعلق به مکان در روستای جدید منجر شده است.» این مقاله روستا را به مثابه متنی می‌پندارد که از لایه‌های مختلفی تشکیل شده و با بررسی رویکردهای نشانه‌شناسی، به تحلیل چگونگی استحاله نشانه‌هایی چون «خط افق»، «نظام همسایگی»، «الگوی شبکه معابر» و غیره در روستای باباشمان استان لرستان می‌پردازد. برای این منظور از «رویکرد نشانه‌شناسی معماری امبرتواکو» و تفکیک نشانه‌ها به «مرزگان تکنیکی»، «مرزگان تحلیلی» و «مرزگان معنایی» استفاده گردیده و برای سنجش میزان رضایت‌مندی روستاییان، از «روش پیمایشی» استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از «استحاله نشانه‌های مسکن روستای قدیم» و حفظ نشانه‌های بافت در روستای جدید است. بکارگیری نشانه‌هایی از روستای قدیم که مورد پذیرش روستاییان است موجب رضایت‌مندی روستاییان از بازسازی و سکونت در روستای جدید گردیده است، طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی می‌تواند راهبردی برای طراحی روستاهایی باشد که می‌بایست از نوساخته و یا جابجا شوند. واژگان کلیدی: سکونتگاه روستایی، جابجایی، بازسازی، نشانه‌شناسی، روستای باباشمان.

نشان داده که جابجایی اجباری با افزایش استرس (روحي - روانی و اجتماعی)، میزان مرگ و میر و بیماری‌ها را شدت می‌بخشد و مخاطرات بهداشتی دیگری نیز به همراه دارد (Hemadri, Ravi et Al, 1999). نتیجه این مسأله، بر هم خوردن انسجام روستاییان و در مواردی مهاجرت ایشان و عدم استقبال آنان از سکونتگاه‌های جدید است. این مقاله بر این فرض است که «طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی^۴ روستای قدیم»، بر رضایت‌مندی جابجاشوندگان تأثیرگذار است و با بکارگیری نشانه‌هایی از روستای قدیم که مورد پذیرش روستاییان است و با توجه به قابلیت جابجایی نشانه‌ها در محورهای «جانشینی»^۵ و یا «همنشینی»^۶، می‌توان در طراحی مسکن و بافت روستای جدید، تعلق خاطر جابجا شونده‌گان را به مکان جدید افزایش دهیم. در این مقاله جابجایی روستای باباپشمان استان لرستان، که در زلزله سال ۱۳۸۵ به علت قرارگیری بر روی خط‌گسل جابجا شد و طراحی روستای جدید آن با تکیه بر «تحلیل نشانه‌شناسی» و «استفاده از نشانه‌های روستای قدیم» انجام شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش نخست مقاله به تبیین کاربرد نشانه‌شناسی در خوانش معماری روستا، و در بخش دوم به تحلیل نشانه‌های روستای باباپشمان و میزان رضایت‌مندی روستاییان از طرح روستای جدید، که به شیوه پیمایشی انجام شده است پرداخته خواهد شد. نتایج کیفی پژوهش حاکی از استحاله نشانه‌ها و نتایج کمی، حاکی از تأیید فرضیه و رضایت‌مندی روستاییان از بافت سکونتگاه جدید است.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله ترکیبی از «روش کیفی و کمی»

مروری بر «متون نظری بازسازی»^۱، حاکی از آن است که تا دهه‌های گذشته تنها جنبه‌های کالبدی و ملموس مسکن از نظر فنی، اقتصادی و آن هم از نقطه نظر سازمان‌های مسئول مورد توجه قرار می‌گرفته و در دهه اخیر همراه با اهمیت یافتن رویکردهای اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و اهداف «توسعه پایدار»^۲ به تدریج ابعاد دیگر فرآیند تأمین مسکن پس از سازه، ظرفیت‌ها و نیازهای جامعه محلی نیز مورد توجه قرار گرفت.

1987, Fallahi 1996, Davidson et Al., 2006)

(Aysan & Oliver

مطالعات مربوط به «موضوع جابجایی»^۳ سکونتگاه‌های روستایی» به دلایل مختلف اعم از وقوع سوانح در متون نظری ایران و جهان منابع غنی ندارد (Habitat, 1988). به نظر می‌رسد موضوع جابجایی سکونتگاه اغلب موضوع پیچیده مورد بحث محققان مختلف است (Aysan & Davis 1993).

در ایران در بسیاری موارد، با وجود تجربه زلزله‌های منجیل، بم، و لرستان در بازسازی سکونتگاه‌های روستایی پس از جابجایی، شهرک‌هایی طراحی شده که توجه به نیازهای شهری بوده است و نتیجه آن فقدان کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در روستاها است. در جابجایی سکونتگاه، گروه‌های قوم و خویش پراکنده می‌شوند، «هویت فرهنگی»، «اقتدار سنتی» و «پتانسیل کمک متقابل»، تحلیل یا به طور کلی از دست می‌رود (World Bank, 2005) علاوه بر این جابجایی دارایی‌های مولد و تولیدی را نابود کرده و آثار زیست محیطی شدیدی را بوجود می‌آورد و همچنین منابع طبیعی ارزشمندی را از بین می‌برد. تحقیقات



1. Reconstruction

فعال کردن تمامی خدمات، ترمیم و دوباره سازی ساحتارهای زیربنایی و سازه‌های تخریب شده، احیاء حیات اقتصادی و بازگرداندن فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را بازسازی تعریف می‌نمایند (Aysan & Davis, 1993:48).

2. Sustainable Development

3. Relocation

4. Semi logy

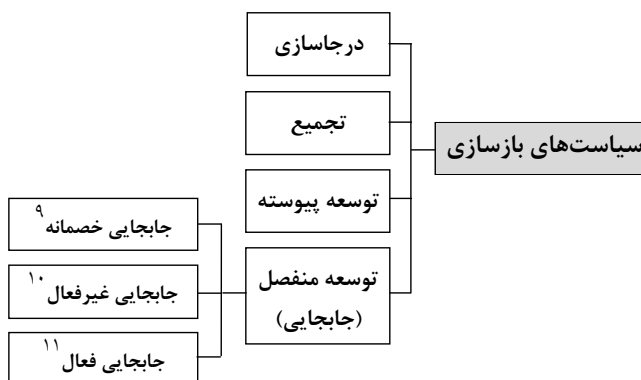
5. Paradigmatic, جانشینی: چگونگی جایگزینی عناصر بجای هم

6. Syntagmatic, همشینی: چگونگی قرارگرفتن عناصر کنار هم.

است. در «روش کیفی» با «شیوه میدانی» و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و «اسنادی» و در بستر «رویکرد نشانه‌شناسی» به تحلیل نشانه‌های روستای قدیم و تطبیق آنها با نشانه‌های معماری روستای جدید پرداخته شده است. در «روش کمی» که به «شیوه پیمایشی» انجام شده است، برای تعیین «تعداد حجم نمونه» از «فرمول کوکران»^۷، ۳۵ سرپرست خانوار به طور تصادفی انتخاب شدند و میزان رضایت‌مندی روستاییان از طرح مسکن و بافت در روستای جدید، با استفاده از «پرسشنامه» و به «روش لیکرت»^۸ مورد بررسی قرار گرفته است؛ یکی از مقیاس‌ها که برای سنجش عقیده، احساس، تمایل و یا نگرش افراد یک جامعه کاربرد زیادی دارد، قیاس لیکرت می‌باشد و سؤالات پرسشنامه‌های این پژوهش مبتنی بر این روش طراحی گردیده است.

جابجایی سکونتگاه‌های روستایی

در برنامه‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی در ایران مطابق نمودار شماره ۱، چهار سیاست «درجاسازی»، «تجمیع»، «توسعه پیوسته» و «جابجایی کل



نمودار ۱. سیاست‌های بازسازی سکونتگاه‌های روستایی

7. Test Cochran، حجم نمونه از فرمول زیر که بنام فرمول کوکران نام‌گذاری شده بدست آمده است: $n = \frac{N.t^2.p(1-p)}{N.d^2 + t^2.p(1-p)}$ از ۰/۰۵ کمتر باشد، $d^2 =$ تقریب در برآورد پارامتر جامعه، که برابر با ۰/۰۷۲ = p احتمال وجود صفت (1-p) = احتمال عدم صفت Likert Scale 8.

9. Hostile Relocation، جابجایی خصمانه: شرایطی که به افراد ضعیف تحمیل می‌شود که جابجا شوند و کجا بروند.
 10. Passive Relocation، جابجایی غیرفعال: شرایطی که افراد به دلیل موانعی برای بازگشت به خانه دور از آن اسکان می‌یابند.
 11. Active Relocation، جابجایی فعال: شرایطی که افراد می‌توانند به خانه بازگردند اما خود اسکان در محل دیگری را انتخاب می‌کنند

ملل متحد»^{۱۲} جابجایی عبارت است از: «اسکان پناهندگان در مکانی غیر از مناطق اصلی و اولیه شان» (5: UNHCR, 1998). در ایران، بسیاری از روستاها بدلیل مختلفی جابجا می‌گردند و طبق آمار موجود در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۸۸ در روستاهای جابجا شده تعداد ۲۰۹۳۰ واحد مسکونی، احداث شده است (بنیاد مسکن، ۱۳۸۹). در جدول شماره ۱، آماری از روستاهای جابجا شده و در دست جابجایی و تعداد روستاهایی که به دلایل طبیعی (سیل، زلزله، رانش زمین و غیره) یا غیر طبیعی (جنگ، اجتماعی، سیاسی و غیره) جابجا شده‌اند، ارائه گردیده است.

نشانه‌شناسی

«نشانه‌شناسی با هر چیز که بتواند یک نشانه قلمداد شود، سر و کار دارد» (اکو، ۱۹۷۶، ص ۶). نشانه‌شناسی نه فقط شامل مطالعه چیزهایی است که ما در مکالمات روزمره نشانه می‌نامیم، بلکه مطالعه هر چیزی است که بر چیز دیگر اشاره دارد (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۲۰). «فردینان دو سوسور»^{۱۳} نشانه‌شناسی را به معنای «علم مطالعه علائم و نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی» تعریف کرده است (دو سوسور، ۱۳۸۴، ص ۲۴). او به مطالعه زندگی و حیات

نشانه‌ها در بطن زندگی اجتماعی می‌پردازد. از نظر او نشانه، موضوعی فیزیکی و معنادار است و از ترکیب «دال»^{۱۴} و «مدلول»^{۱۵} شکل می‌گیرد که بین این دو رابطه‌ای طبیعی و یا ضروری برقرار نیست، بلکه رابطه میان آنها از طریق قرارداد، قاعده و یا توافقی برقرار می‌شود، که مورد پذیرش جامعه است. از منظر سوسور، کلید فهم نشانه‌ها توجه به رابطه ساختاری آنها با نشانه‌های دیگر است. چندی پس از سوسور، «چارلز سندرس پیرس»^{۱۶} در آمریکا نوع دیگری از نشانه‌شناسی را معرفی کرد^{۱۷}.

پیرس که پدر سنت نشانه‌شناسی آمریکایی معروف است، در پروژه مطالعاتی خود بر «دلالت»^{۱۸} تأکید ویژه می‌نهد و در واقع نشانه‌شناسی را نظریه عمومی شیوه‌های دلالت تعریف می‌کند از این رو از دیدگاه او، عناصر اصلی در نظریه نشانه‌شناسی شامل نشانه، موضوع و مفسر است که سه ضلع یک مثلث را تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۲).

«امبرتو اکو»، برای تحلیل نشانه‌شناسی معماری سه دسته رمزگان معرفی می‌کند؛ این رمزگان‌ها بر اساس درجه اهمیت به طور مختصر معرفی می‌شوند:

جدول ۱. آمار روستاهای جابجا شده یا در دست جابجایی در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸؛ منبع: بنیاد مسکن.

علت جابجایی		تعداد روستا	
غیر طبیعی	طبیعی	روستای در دست جابجایی	روستای جابجا شده
۱۴۶	۴۴۸	۱۰۶	۵۵۴

12. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

13. Ferdinand, De. Saussure

14. Signifier

15. Signified

16. Charles Sanders Peirce

۱۷. پیرس میان شمایل (icon)، نمایه (index)، و نماد (symbol) تمایز قائل شد. به اعتقاد وی، شمایل نشانه‌ای است که میان صورت و معنی‌اش نوعی شباهت صوری وجود داشته باشد (نشانه تصویری). نمایه نشانه‌ای است که میان صورت و معنی‌اش نوعی رابطه علی وجود داشته باشد (نشانه طبیعی)، و نماد نشانه‌ای است که میان صورت و معنی‌اش رابطه قراردادی وجود داشته باشد (صفوی، ۱۳۸۶).

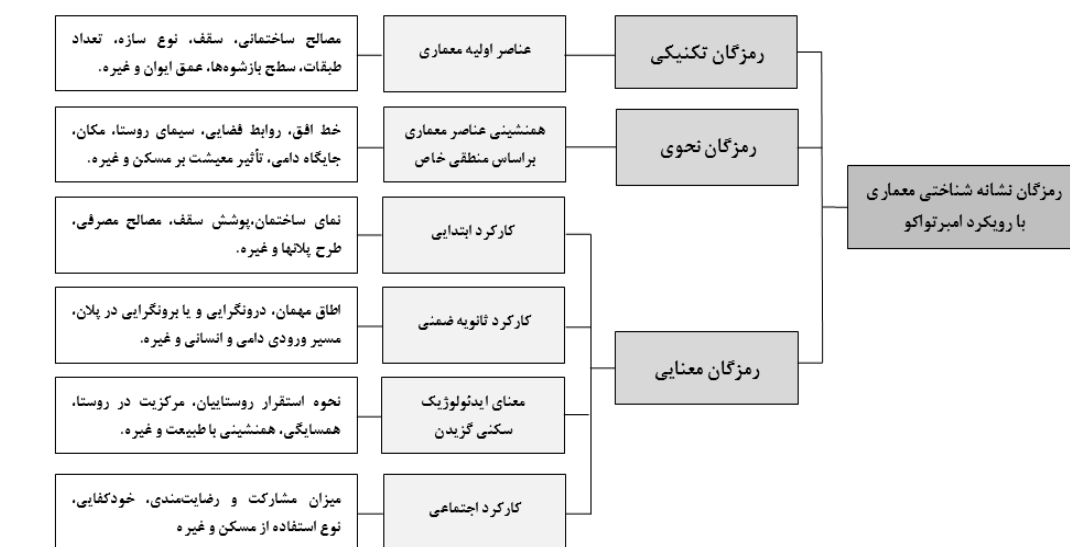
17. Signification

جدول ۲. مقایسه نظام نشانه‌ای سوسور و پیرس

سوسور	پیرس
دال + مدلول	نشانه + موضوع + مفسر
واقعبیت بیرونی معنا → دال (عین) / مدلول (مفهوم)	نشانه / موضوع / مفسر
نظام نشانه‌ای سوسور ^{۱۹}	مثلث نشانه‌ای پیرس ^{۲۰}

- دسته اول را اکو، «رمزگان تکنیکی»^{۲۱} می‌نامد که شامل عناصر اولیه معماری می‌شود؛ و
- دسته دوم، «رمزگان‌های نحوی»^{۲۲} است که عناصر معماری بر اساس منطق خاصی در رابطه همنشینی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و دلالت معنایی ایجاد می‌کنند؛ و
- دسته سوم، «رمزگان‌های معنایی»^{۲۳} است.

در اینجا است که عناصر منفرد معماری در ارتباط دلالت‌های یک به یک و ضمنی، دلالت معنایی عمیق‌تر و شاخص‌تری را تولید می‌کنند. اکو، «رمزگان‌های معنایی» را به چهار گونه تقسیم می‌کند:



نمودار ۲. برگرفته از رویکرد تحلیلی نشانه‌شناسی معماری امبرتواکو

- ۱۹. امبرتواکو، ۱۳۸۷، ص ۷.
- ۲۰. امبرتواکو، ۱۳۸۷، ص ۸.
- 21. Technical Codes
- 22. Syntactic Codes
- 23. Semantic Cod

نشانه‌شناسی سکونتگاه‌های روستایی

هر بنایی از مجموعه‌ای عناصر یا نمادها و مجموعه‌ای از قواعد برای ترکیب این نمادها ساخته می‌شود (الکساندر، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰). «زبان معماری» که با نشانه‌ها و نمادها و فرم‌های زمینه آن بیان می‌شود، علاوه بر آنکه نشان دهنده زندگی اجتماعی و رفتارهای ساکنان آن است و چگونگی سکونت را فراهم می‌کند، بیان‌کننده زندگی ذهنی ساکنان آن نیز می‌باشد (شصتی، ۱۳۸۶، ص ۷). «سوسور» با تأکید بر زبان معتقد است که «زبان واقعیت» را منعکس نمی‌کند بلکه آن را «بنا» می‌کند؛ همانطور که هایدگر بیان می‌کند: «زبان خانه هستی است». لذا زبان تنها در خدمت ارتباطات نبوده و برای آشکار ساختن ساختارهای اصلی وجودی نیز به کار می‌رود. بستر زمین و مکان شکل‌گیری روستا همچون دستور زبانی است که حاکم بر شکل کالبدی آن است، طرح یک روستا و ساختار و روابط کوچه‌ها و محلات و فضاهای همسایگی آن همه بر مبنای روابط فرهنگی خاصی شکل گرفته و هر کدام در یک ساختار واحد عمل می‌نمایند؛ همانطور که سوسور می‌گوید: «کل وابسته به اجزا است و اجزا وابسته به کل» (سجودی، ۱۳۸۲، ص ۷۱). روستا به عنوان پدیده‌ای انسان ساخت، قبل از جابجایی به طور تدریجی و طی سالیان متمادی بدون دخالت دولت شکل گرفته و حاصل برآیند نیروهای بسیار و انبوهی از لایه‌ها از جمله همنشینی طبیعت و معیشت روستایی در کنار کالبد معماری است؛ در حالیکه کالبد معماری روستا پس از جابجایی با دخالت وسیع دولت بر معیشت و طبیعت روستا تحمیل می‌گردد (نمودار شماره ۳) که در فرآیند این تغییر در بسیاری موارد، سکونتگاه جدید روستاییان، منطبق بر نیازمندیها و معیشت روستایی نمی‌باشد، نتیجه این مسأله، بر هم خوردن انسجام روستاییان و در بسیاری مواقع، مهاجرت ایشان و عدم استقبال از سکونتگاه جدید است. از اینرو برای افزایش مفهوم سکونت در روستا همچون تحلیل زبان‌شناسان می‌بایست، در پی خوانش متن روستای قدیم بود. سوسور در نگرش خود به موضوع نشانه‌شناسی به «روابط همنشینی و جانشینی» اشاره می‌کند (سوسور، ۱۳۸۲). روابط همنشینی امکاناتی برای ترکیب‌اند؛ اما روابط

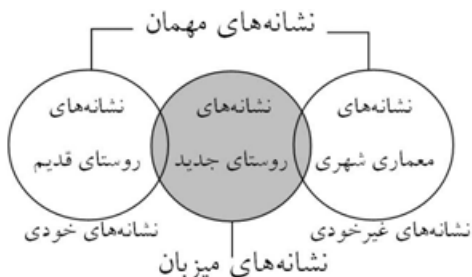
(روستا قبل از جابجایی)



نمودار ۳. ترتیب همنشینی لایه‌های شکل‌گیری روستا، قبل و بعد از جابجایی

جانشینی مقایسه عناصر و قائل شدن به تمایز بین آنها می‌باشند. همنشینی با روابط درون متنی با دیگر دال‌ها که در متن وجود دارند مربوط است در حالیکه جانشینی به روابط بین متنی، به دال‌هایی ارجاع پیدا می‌کند که در متن غایب هستند (سوسور، ۱۹۸۳، ص ۱۲۲).

«انتقال‌های جانشینی» شامل «جایگزینی و جابجایی» و «انتقال‌های همنشینی» شامل «افزایش و حذف»، به عنوان چهار فرآیند اساسی جنبه‌های ادراک و یادآوری مورد توجه قرار گرفته‌اند (چندلر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷)، بنا به نظر چندلر ساختار تمام متون و فرآیندهای فرهنگی دارای هر دو محور جانشینی و همنشینی است (همان، ص ۱۳۱). در جابجایی روستاها نشانه‌های برگرفته از روستای قدیم را «نشانه‌های مهمان خودی»، نشانه‌هایی که معمولاً برگرفته از فرهنگ شهرنشینی است را «نشانه‌های مهمان غیر خودی» و نشانه‌های مکان جدید و یا در مواردی که جابجایی به تجمیع روستای جابجاشده با روستای دیگری منجر می‌گردد را «نشانه‌های میزبان» می‌نامیم (نمودار شماره ۴).



نمودار ۴. نشانه‌های مهمان و نشانه‌های میزبان

برای هر گونه مداخله و یا طراحی سکونتگاه روستایی می توان با تکیه بر تحلیل نشانه شناسی از ترکیب نشانه های روستای قدیم و شناسایی نشانه هایی از معماری شهری که مورد پذیرش روستاییان می باشد روستای جدید را طراحی نمود. بنابراین روستا به مثابه متنی است که تمام ویژگی های زبانی را داراست و می بایست برای هر گونه مداخله در روستا، آشنا با دستور زبان و مناسبت ها و روابط بین اجزاء آن عمل نمود. بر اساس «دیدگاه لوتمان»^{۲۴}، نه تنها نشانه، قابلیت جابه جایی و عبور از سرزمینی به سرزمینی دیگر را دارد، بلکه با تکیه بر این ویژگی بی مرزی می تواند آن قدر در سرزمین میزبان جولان دهد تا پا را از همزیستی فراتر نهاده و خود به نشانه ای نو بی مانند تبدیل گردد. اگرچه لوتمان، «سپهر نشانه شناسی»^{۲۵} خود را در حوزه «ترجمه» بیان می دارد، اما نمی توان این موضوع را کتمان نمود که اگر ترجمه، نشانه فرهنگی را از سرزمینی به سرزمینی دیگر می برد، گفتمان هنری نیز این حق را به خود می دهد تا نشانه هنری را از جایگاه اصلی خود جدا ساخته و در تلاقی و تعامل با نشانه ای که متعلق به حوزه و جایگاهی دیگر است، قرار دهد (شعیری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳). اصول سپهر نشانه معناشناختی لوتمان را می توان به ترتیب زیر تعبیر نمود (Y. Lotman, 1999, p.227):

۱. نشانه غیر خودی و خارجی (مهمان) با ورود به سرزمین خودی در موقعیت ارزشمند و برتر قرار می گیرد؛ به شیوه ای که به آن نسبت گونه نشانه تعالی داده می شود. به همین ترتیب، گونه های نشانه ای قبلی که شناخته شده و رایج هستند، (نشانه های خودی و میزبان) به عقب رانده شده و رنگ می بازند، تا جایی که در بعضی مواقع به آنها نسبت گونه های نشانه ای بی ارزش یا پیش پا افتاده داده می شود.
۲. دو گونه نشانه ای که در تلاقی با یکدیگر قرار گرفته اند، یکدیگر را مورد حمایت قرار می دهند. میزبان و مهمان در تشریک مساعی با یکدیگر وارد همزیستی مسالمت آمیز می گردند. در ابتدا، مهمترین اتفاق، قطع ارتباط با گذشته و گونه های رایج و ایدئال سازی گونه جدید

می باشد. سپس در مرحله بعد، گونه جدید با گونه نشانه ای قدیمی ارتباط برقرار نموده و به این ترتیب گونه جدید را می توان به ادامه حیات زیستی گونه قدیمی تعبیر نمود.

۳. در این مرحله تمایلی شکل می گیرد مبتنی بر این طرز تفکر که گونه صادر شده در سرزمین یا مکان اصلی خود به خوبی شناخته و کشف نگردیده است. به همین دلیل در سرزمین جدید که پایگاه جدیدی برای حیات آن به شمار می رود مدلولی نو و متفاوت به نشانه وارد شده نسبت داده می شود که در سرزمین یا پایگاه اصلی خود آن نشانه، خبری از آن نبوده است.

۴. گونه نشانه ای غیر خودی به قدری در فرهنگ سرزمین جدید نفوذ می نماید که کاملاً در آن مستحیل می گردد و به گونه ای نشانه ای تبدیل می گردد که دیگر به هیچ وجه بوی نا آشنا نمی دهد. به این ترتیب، جهت و معنای تازه ای به آن نشانه داده می شود که سرنوشت آن را با سرنوشت قبلی اش کاملاً متفاوت می سازد.

۵. نشانه جدید در سرزمین میزبان که روزی پذیرای آن بوده است، آن قدر خودی می گردد، که دیگر نمی توان از نشانه خارجی سخن گفت و، سرزمین میزبان خود تبدیل به صادرکننده گونه ای نشانه ای می گردد که روزی دریافت کننده آن بوده است.

نمونه مورد مطالعه

زلزله لرستان و جابجایی روستای باباپشمان

استان لرستان، استانی کوهستانی که در میان کوه های آن دشت هایی کم وسعت و اغلب حاصلخیز دیده می شود. این دشت ها مکان اصلی اسکان جمعیت هستند و اغلب شهرهای استان و همچنین بسیاری از روستاهای پر جمعیت در آنها استقرار یافته اند. در تاریخ ۱۱ فروردین ماه سال ۱۳۸۵ زلزله ای با بزرگی ۶.۱ در مقیاس ریشتر در استان لرستان با کانون چالان چولان و در مرز شهرهای دورود و بروجرد به وقوع پیوست. شهرستان های بروجرد، دورود و خرم آباد و روستاهای پیرامون آن ها، تحت این لرزش قرار گرفتند. این سانحه منجر به کشته



24. Y. Lotman

25. Semi sphere



تصویر ۱. روستای باباپشمان؛ منبع: نگارندگان

شدن ۶۴ نفر و مجروح شدن ۱۴۱۸ نفر شد. علاوه بر کشته شدن ۵۰۲۸ راس دام، به ۴۶ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی، ۷۰۰۰ واحد جایگاه دامی و ده‌ها ساختمان دولتی و اماکن متبرکه و بناهای تاریخی، مدرسه و غیره خسارت وارد گردید (بنیاد مسکن، ۱۳۸۷، ص ۴). در بازسازی استان لرستان روستای باباپشمان به علت قرارگیری روی خط گسل، به ضلع جنوبی جاده اصلی به فاصله حدود ۳۰۰ متری از روستای قبل، جابجا شد (تصویر شماره ۱).

شده - طراحی بر اساس معیشت و توسعه بر اساس نیازمندی‌ها؛ و
 - عدم تفکیک ورودی فضای دام و انسان؛ و
 - عدم اختصاص عملکردی مشخص به اتاق‌ها (انعطاف پذیری فضاها).

برخی از ویژگی‌های کلی روستای باباپشمان بعد از جابجایی

الف- طرح مسکن

در طراحی مسکن روستای باباپشمان از طرح معماری تیپ با متراژ ۶۰ مترمربع استفاده شده است. سازه طرح مذکور از اسکلت فلزی با اتصالات پیچ و مهره‌ای است که به طور پیش ساخته در اختیار روستاییان قرار گرفته است. سقف سبک شیروانی بکار رفته در مسکن جدید در تضاد با سقف سنگین مسکن قدیم است و بطور کلی طرح مسکن جدید برگرفته از معماری شهری است و رمزگان تکنیکی، نحوی و معنایی در روستای جدید در مقایسه با طرح قدیم همانگونه که در جدول شماره ۳ عنوان شده در شکلی جدید ظاهر شده و شباهتی با طرح مسکن روستای قدیم ندارد. در نمودار شماره ۶، نوع استفاده خانوار و چگونگی استقرار مسکن ارائه گردیده است.

ب - طرح بافت

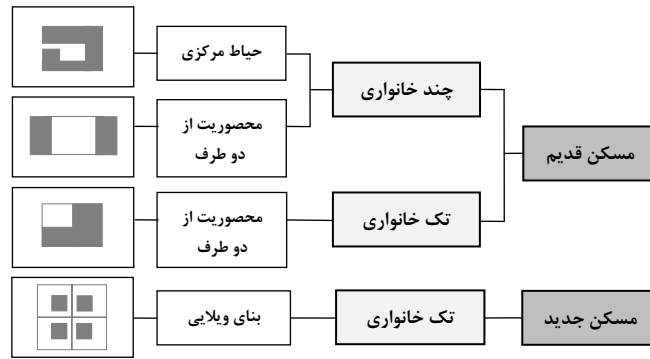
الگوی طرح بافت و شبکه معابر روستای جدید باباپشمان برگرفته از روستای قدیم می‌باشد. در طرح روستای جدید شبکه معابر و نظام همسایگی، شمایی از روستای قدیم بوده که در جهت عقربه‌های ساعت، طرح قدیم ۱۸۰ درجه چرخیده است (مطابق تصویر شماره ۲). پیرس در

بررسی رمزگان نشانه‌شناختی روستای باباپشمان امبرتو اکو بر این باور است که در نشانه‌شناسی نه از «نشانه‌ها» بلکه از نقش نشانه‌ای^{۲۶} باید سخن گفت؛ نقش نشانه‌ای رابطه‌ای است قراردادی که میان بیان و محتوا برقرار می‌شود. در این میان، محتوا خود ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص است. از این رو بیان در وهله نخست به فرهنگ بر می‌گردد؛ از سوی دیگر، اکو به گونه‌شناسی نشانه‌ها اعتقادی ندارد و بر این باور است که فرهنگ قراردادهای منتج از آن در زمره عوامل عمده تولید نشانه‌ها قرار دارند (امبرتو اکو، ۱۳۸۷، ص ۱۰-۹). از اینرو در ادامه به بررسی ویژگی‌های کلی و تشریح برخی از نشانه‌ها روستای باباپشمان قبل و بعد از جابجایی می‌پردازیم.

برخی از ویژگی‌های کلی روستای باباپشمان قبل از جابجایی؛ عبارتند از:

- انطباق محیطی و جغرافیایی کالبد با مکان؛ و
- استفاده از مصالح بوم آورد؛ و
- دو طبقه بودن واحدهای مسکونی (طبقه همکف فضای دامی، خدماتی و طبقه اول فضاهای سکونت)؛ و
- استفاده از فضای باز برای فعالیت‌های معیشتی؛ و

۲۶. نقش نشانه‌ای رابطه‌ای قراردادی است که میان بیان و محتوا برقرار می‌شود (امبرتو اکو، ۱۳۸۷، ص ۹).



نمودار ۵. نحوه استقرار مسکن قدیم و جدید روستای باباشمان.

در روستای قدیم باباشمان مرکز روستا دارای هویت ویژه‌ای بود و به عنوان یک قرارگاه رفتاری و مرکز محله در روستا به شمار می‌رفته، حضور درختان کهنسال و چشمه آب و محل اجتماع روستاییان در مرکز هویت ویژه‌ای به روستای قدیم بخشیده بود. پس از جابجایی، با توجه به طراحی صورت گرفته جهت حفظ هویت پیشین، مسجد روستا جانشین عناصری چون درخت و آب شده است.

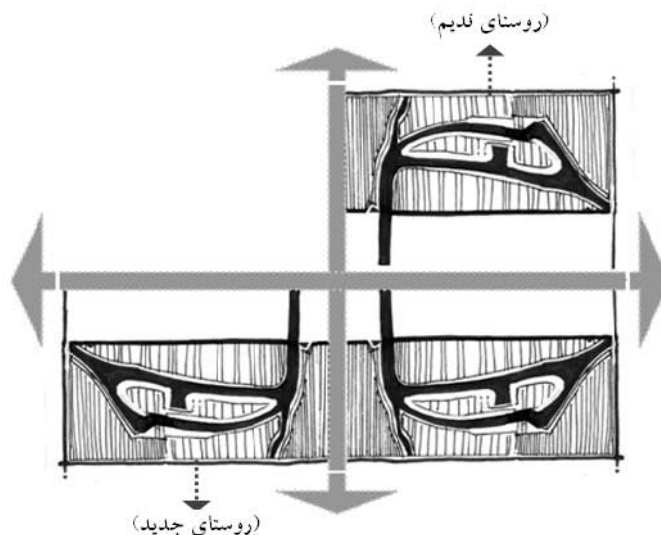
در گذشته فضای مرکزی در عین محصوریت، خالی از عناصر مصنوع بود در حالیکه پس از جابجایی توده بنای مسجد، جانشین عناصر طبیعی همچون درختان کهنسال و چشمه آب در روستای قدیم شده است. در روستای قدیم اغلب روستاییانی که دام بیشتر داشتند در کناره‌های روستا سکنی گزیده بودند، در روستای جدید نیز همانند گذشته، روستاییانی که دام بیشتر دارند در

تعریف شمایل‌گرایی می‌گوید: «نشانه هنگامی شمایی است که بتواند موضوع خود را اساساً از طریق مشابهت بازنمایی کند» (امبرتواکو، ۱۳۸۷، ص ۴۴). طرح بافت روستای جدید باباشمان همانگونه که در جدول ۳، عنوان شده از طریق مشابهت‌های هندسی با نشانه‌هایی همچون الگوی معابر، زاویه، دسترسی، طرح شبکه معابر، نظام همسایگی و غیره شمایی از روستای قدیم می‌باشد. به علت همشکلی بافت روستای جدید با روستای قدیم و شکل‌گیری مراکز محله و واحدهای همسایگی مطابق روستای قدیم، نحوه استقرار روستاییان مطابق الگوی گذشته صورت گرفته است.

بیرون به درون (از حاشیه به مرکز)

یکی از مباحث اصلی نشانه‌شناسی (بویره نشانه‌شناسی

معماری) حرکت درون یک متن است: «معماری امکان آمد و رفت انسانها را با دوام بی‌زمانی خود بر آورده می‌سازد [...] معماری تسهیلاتی فراهم می‌آورد تا بدان داخل شوند، در آن راه بروند، در آن زندگی بکنند و بدین ترتیب با صورت خود، حضور انسان را به رسمیت می‌شناسد» (آرنه‌ایم، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶) حرکت درون فضاهای یک بنا نه تنها کارکردی ابتدایی و فایده‌گرا دارد، بلکه می‌تواند در سه سطح اکوهم قابل طرح باشد. همچنین حرکت خود رمزگان نحوی بنا را هم بر ما نمایان می‌سازد (نجومیان، ص ۱۱۶).



تصویر ۲. ایدئوگرام طرح روستا بعد از جابجایی؛ منبع: نگارندگان.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer



تصاویر ۳ و ۴. تصویر راست همنشینی واحد مسکونی و جایگاه دام. تصویر چپ نمایی از واحدهای جدید، منبع: نگارندگان.

مصنوع با طبیعت است.

در روستای قدیم باباشمان به دلیل همنشینی فرم مصنوع در بستر طبیعت و قرارگیری منظر دشت سیلاخور در زمینه روستا، کیفیت بصری ویژه‌ای به خانه‌ها و بافت قدیم داده، که با حرکت در روستا و تجربه سکانهای بصری متفاوت، وحدت خاصی بین محیط مصنوع و طبیعت برقرار شده بود، گویی روستا در دل طبیعت دشت سیلاخور بنا شده است، در حالیکه پس از جابجایی روستا و قرارگیری در مکانی نزدیک به کوههای زاگرس، فرم‌های مصنوع، بر زمینه کوهها همنشین شده و به لحاظ بصری از کیفیت متفاوتی در مقایسه با روستای قدیم برخوردار شده است. در روستای قدیم هر بنا کیفیت معماری ویژه‌ای داشته و متناسب با سلیقه و نیازهای ساکنینش ساخته شده بود، استفاده از طرح تیپ در معماری و سازه اسکلتی با اتصالات پیچ و مهره‌ای (نشانه‌های مهمان غیر خودی) برای واحدهای مسکونی در سیمای روستای جدید، نمایان است. در خانه‌های روستای قدیم باباشمان خط آسمان برگرفته از خط افق دشت سیلاخور صاف بوده و سطح بام به عنوان فضایی عملکردی (خشک نمودن مواد غذایی و علوفه دام) عمل می‌کرده است.

حاشیه و کناره‌های روستا ساکن شده‌اند و مرکزیت روستا با حضور مسجد از هویت و اهمیت بیشتری نسبت به حاشیه روستا برخوردار شده است.

- محورهای عمودی و افقی

در روستای قدیم خانه‌های روستاییان در دو طبقه ساخته شده بود که طبقه فوقانی فضای مسکونی و طبقه زیرین به جایگاه دامی اختصاص پیدا کرده بود. حضور انسان در بالا به اهمیت دام و امنیت روانی ساکنین اشاره داشته و انسان با دام در یک محور عمودی همنشینی بوده است در حالیکه پس از جابجایی روستا، جایگاه دامی در کنار فضای مسکونی ساخته شد، و همنشینی انسان در کنار دام در امتداد محور افقی قرار گرفته است.

- منظر و سیمای روستا

تحلیل همنشینی در پی رابطه هر فریم، نما، صحنه یا سکانس با دیگری است. منظر یک روستا شامل مجموعه‌ای بیش از یک نما است که در یک مکان و زمان واقع شده است حرکت در روستا تجربه سکانس‌ها و نماهایی است که خود شامل لایه‌هایی از همنشینی بافت

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۱۹۶ ■



تصاویر ۵ و ۶. تصویر راست همنشینی روستا با کوههای زاگرس در مقایسه با تصویر چپ همنشینی روستا با دشت سیلاخور منبع: نگارندگان.



تصاویر ۷ و ۸. تصویر راست معبر اصلی روستا و تصویر چپ تفکیک فضای دام از انسان؛ منبع: نگارندگان.

دامی و انسانی هر دو پلاک، به تفکیک در کنار هم طراحی و اجرا شده‌اند و به همین ترتیب در سمت دیگر معابر ورودی‌های انسانی و ورودی‌های دامی نیز در مقابل هم ساخته شده‌اند. در مواردی ورودی‌های انسانی بعضاً بسته شده و همانند گذشته دام و انسان از یک مسیر تردد می‌نمایند. در بررسی نتایج پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، روستاییان علت را، صرفاً ضعف توان مالی در تهیه دودرب مجزا عنوان کرده‌اند. تفکیک ورودی دام از انسان با برتری و تفاخر ورودی انسانی، که با عقب نشینی از دیوار حصار و تغییر در خط افق و تعبیه پاخوره‌هایی برای نشستن، که برگرفته از طرح‌های ورودی روستای باباپشمان قدیم است اجرا شده (نشانه‌های مهمان خودی) و در پاره‌ای از موارد پاخوره‌های اجرا شده که در گذشته محل نشستن پیران و یا مکانی برای سهولت پیاده شدن ایشان و یا زنان و کودکان بوده به گلدان‌هایی

تغییر خط افق روستای قدیم به خط شکسته و استفاده از سقف‌های شیروانی با رنگ‌های متفاوت در تقابل با طبیعت سیلاخور خودنمایی می‌کند و نشانه‌ای از معماری شهر بر وجود است (نشانه مهمان غیر خودی) که جانشین سقف خانه‌های روستای قدیم که فضایی عملکردی، و قابل دسترس بوده، گردیده است. تغییر در جنس مصالح ساختمانی و نوع سازه از شیوه‌ای سنتی به روشی پیش ساخته، سیمای روستا را دستخوش تغییر نموده و نماها و مصالح مدرن، جانشین سیما و مصالح بومی روستای قدیم شده است.

- تفکیک ورودی دامی از انسانی

در روستای قدیم ورودی دامی و انسانی یکی بوده و هر دو از یک مسیر به فضای خانه وارد می‌شدند. در روستای جدید جایگاه دام و بنای مسکونی و به تبع آن ورودی‌های



مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۹۷

جدول ۳. بررسی رمزگان نشانه شناختی روستای باباپشمان از دیدگاه امیرتواکو، منبع: نگارندگان

رمزگا	عناصر	قبل از جابجایی	بعد از جابجایی
تفکیک	مسکن	پلان فشرده، دسترسی بین فضاها زنجیره‌ای - درونگرایی در پلان	پلان باز، دسترسی بین فضاها بطور ساده - برونگرایی در پلان
	شیوه استقرار بنا	طول بنا شرقی و غربی	روبه جنوب، به سمت قبله
	تعداد طبقات	دو طبقه، فضای	یک طبقه، فضای مسکونی در کنار

	فضای دامی		مسکونی بر روی فضای دامی	مصالح	دیوار	سازه		
	بلوک‌های سفالی		بلوک‌های خشتی و آجری					سقف
	سبک: غالباً سقف شیروانی با ظرفیت حرارتی پایین		سنگین، طاق توپزه و ضربی با ظرفیت حرارتی زیاد					نما
	آجر نما و نمای سنگی		کاهگل					
	اسکلت فلزی پیچ‌و-مهره‌ای		غالباً دیوار باربر					
	یک متر		دو تا سه متر	عمق ایوان‌ها				
	بین ۱۵ تا ۲۵ در صد		۱۸ در صد	سطح بازشو				
	ایوان یک متر بالاتر از کف		ایوان یک پله بالاتر از کف	ارتفاع بنا به حیاط				
	نیمه متر اکم		متراکم	باقی				
	تنوع و انسداد مسیرها		تنوع و انسداد مسیرها	ویژگی‌های معابر				
تبعیت جهت معابر از شیب روستا	تبعیت جهت معابر از شیب روستا							
اختصاص عملکردی مشخص به فضاها (نام گذاری کاربری اتاقها)	عدم اختصاص عملکردی مشخص به فضاها (انعطاف پذیری)	عملکرد فضاها						
شکسته	صاف	خط افق						

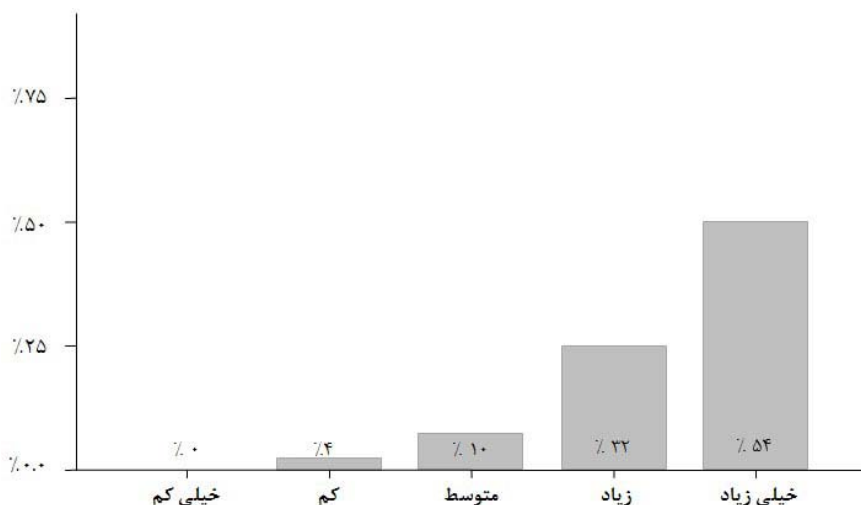
	همنشین کوههای زاگرس		همنشین دشت سیلاخور	سیمای روستا	نحوی
	تفکیک ورودی دام از انسان		یکی بودن ورودی دام با انسان	ورودی دامی و انسانی	
	تأکید بر ورودی، عقب نشینی نسبت به معبر و اجرای فضای پیر- نشین		تأکید بر ورودی و عقب نشینی نسبت به معبر	سردرب ورودی	
طراحی	جلب مشارکت و نظرخواهی از روستاییان	اجرا	شکل‌گیری روستا به طور تدریجی (عدم دخالت دولت) طراحی و اجرا با استفاده از دانش و مصالح بومی در روستا توسط روستاییان انجام شده.	مشارکت	معنایی
	توسط روستاییان با نظارت دولت				
	عدم تغییر فاصله طبقاتی در داشتن دام و از بین رفتن فاصله طبقاتی در بخش مسکن (استفاده از طرح تیپ)		فاصله طبقاتی به لحاظ داشتن دام و مسکن	فاصله طبقاتی	
	تعلق به مکان به علت شباهت ظاهری طرح بافت و نزدیکی مکان جدید		تعلق به مکان به لحاظ داشتن هویت مکانی و زمانی	حس تعلق به مکان	
	عدم تغییر در نوع معیشت و میزان درآمد		دامداری و کشاورزی	معیشت	
	تک خانواری		چند خانواری	نوع استفاده از مسکن	

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۱۹۹

تزیینی، تغییر کارکرد داده است (تصاویر شماره ۷ و ۸). مهمان خودی از روستای قدیم همنشین نشانه‌های میزبان و نشانه‌های مهمان غیر خودی در روستای جدید شده‌اند همچون مکان استقرار واحدهای مسکونی و کاربری‌های خدماتی، شکل واحدهای همسایگی، الگوی شبکه معابر و طرح سردرب ورودی به علت ریشه داشتن در فرهنگ و خاطرات روستایی در یک محور همنشینی در روستای جدید، بنا به نظر لوتمان، نفوذ یافته و کاملاً در روستای جدید مستحیل گشته و به گونه‌ی نشانه‌ای تبدیل شده‌اند که دیگر به هیچ وجه بوی ناآشنا در طراحی بافت روستای جدید بابا پشمان، همسایگی‌های روستای پیشین و مکان استقرار ساکنین غالباً تغییر نکرده و مرکز محلات روستای قدیم در سایت جدید مجدداً شکل گرفته، که این مهم باعث حفظ نشانه‌های فرهنگی، روابط همسایگی، خانوادگی و همچنین قرارگاه‌های رفتاری روستای قدیم شده است. به طور کلی آندسته از نشانه‌هایی که به عنوان نشانه‌های



نمودار ۶. میزان رضایت مندی روستاییان از طرح معابر روستای جدید باباشمان.

معماری روستای جدید با خواسته‌ها و نیازهای ساکنین اشاره نمود. در تحلیل چگونگی استحاله نشانه‌های روستای باباشمان، در بخش طراحی بافت روستای جدید، همسایگی‌های روستای پیشین و مکان استقرار ساکنین غالباً تغییر نکرده و مرکز محلات روستای قدیم در سایت جدید مجدداً شکل گرفته، حفظ نشانه‌ها در بخش بافت با توجه به شباهت بافت جدید به بافت گذشته و استفاده از نشانه‌های قدیم، از رضایت جابجا شوندگان برخوردار گردیده است. از اینرو طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی و کشف نشانه‌های تکنیکی، نحوی و معنایی روستا قدیم و بکارگیری نشانه‌هایی در طرح روستای جدید، که مورد پذیرش روستاییان است، بر افزایش میزان رضایت مندی جابجا شوندگان تأثیرگذار می‌باشد.

بنا بر یافته‌های این تحقیق طراحی با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی روستای قدیم می‌تواند راهبردی برای طراحی روستاهایی باشد که می‌بایست از نو ساخته و یا جابجا شوند.

نمی‌دهند. از طرفی نشانه‌هایی همچون تغییر در خط افق از الگویی صاف به الگویی شکسته که برگرفته از سنت معماری شهرستان بروجد بوده و تغییر در ارتفاع طبقات بنا از دو طبقه به یک طبقه، تغییر در نحوه ارتباط فضای دامی از رابطه‌ای عمودی به افقی و تغییر در سنت ساخت و استفاده از مصالح مدرن در روستای جدید، و به طور کلی برونگرایی مسکن جدید در مقابل درونگرایی روستا قدیم به عنوان نشانه‌های مهمان غیرخودی در یک فرآیند جانشینی در روستای جدید، ظاهر شده‌اند. یافته‌های کمی این پژوهش حکایت از وجود رابطه معنادار بین میزان رضایتمندی ساکنین و استفاده از نشانه‌های روستای قدیم همچون نظام اسکان و همسایگی‌ها، مرکزیت روستا، الگوی معابر و غیره وجود دارد برای نمونه نمودار یکی از سؤالات این پژوهش در نمودار شماره ۱ ارائه می‌گردد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

روستا به مثابه متنی است که تمام ویژگی‌های زبانی را داراست و برای هرگونه مداخله در روستا، می‌بایست آشنا با دستور زبان و مناسبت‌ها و روابط بین اجزاء آن عمل نمود. حس تعلق به مکان جدید و رضایت مندی و بازتوانی روستاییان پس از جابجایی حاصل برآیند مؤلفه‌های بسیاری است که از جمله می‌توان به تطبیق

منابع

۱. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶) معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن، ویراست دوم، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲. امیر یار احمدی، محمود (۱۳۷۸) بسوی شهرسازی انسانگرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳. چندلر، دانیال، پارسا، مهدی (۱۳۸۷) مبانی نشانه شناسی، سوره مهر، تهران.
۴. خسروی، علیرضا (۱۳۷۸) اولویتهای طراحی معماری خانه‌های روستایی استان لرستان، حوزه معاونت زمین و مسکن بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۵. دیویس، یان، و آيسان، یاسمین (۱۳۸۵) معماری و برنامه ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحي، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۶. دوسوسور، فردینان (۱۳۸۲) دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفری، انتشارات هرمس، تهران.
۷. راپوپورت، ایمس (۱۳۸۲)، خاستگاههای فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، خیال.
۸. زادرفیعی، ناصر (۱۳۸۴) مقاله فرآیند اجتماعی - فضایی هویت شهر، مجله آبادی، شماره ۴۸.
۹. سجودی، فرزانه (۱۳۸۲) نشانه شناسی کاربردی، نشر قصه، تهران.
۱۰. شصتی، شیما و میرزایی، نواب (۱۳۸۶) مقاله هویت مکانی - اجتماعی - شناخت و توسعه عوامل درونزای آن در جهت رشد و بالندگی هویت انسان در حوزه‌ی سکونتگاه‌های زاگرس مرکزی، کنفرانس بین المللی سکونتگاههای زاگرس.
۱۱. شعیری، حمید رضا (۱۳۸۵) مقاله مطالعه نقش گفتمان هنری در جابجایی نشانه‌ها و تغییرکارکرد معنایی آنها، مقالات دومین هم اندیشی نشانه شناسی هنر، فرهنگستان هنر، تهران.
۱۲. صفری، کورش (۱۳۷۹) درآمدی بر معنی شناسی، تهران، حوزه هنرنا.
۱۳. خورشیدیان، عبدالمجید (۱۳۸۷) گزارش بنیاد مسکن، طراحی مشارکتی جهت بازسازی مسکن روستایی استان لرستان پس از زلزله ۱۳۸۷.
۱۴. گزارش بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۹) دفتر مطالعات و تحقیقات، آمار جابجایی سکونتگاههای روستایی.
۱۵. مستندسازی بازسازی زلزله لرستان (۱۳۸۵) دفتر امور بازسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۱۶. نجومیان، امیر علی (۱۳۸۴) مقاله تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان، نامه هنر، فصلنامه دانشگاه هنر، دوره جدید شماره دوم.
۱۷. نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲) گزینه ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، جان و جهان، تهران.

18.

19. Aysan, Y. & Oliver (1987) Housing and Cultural after Earthquake: A guide For Future Policy Making on Housing in Seismic Area, oxford.

20. Cernea, Michael M. (1988) "Involuntary Resettlement in Development projects", World Bank Technical Paper, No. 80.

21. Polytecnic.-Barakat, Sultan (2003) Housing reconstruction after conflict and disaster, HNP, The Humanitarian Practice Network, Number 43.

22. Eco, Umberto (1976): A theory of Semiotics. Bloomington. IN: Indiana University Press /London: Macmillan.

23. Eco, Umberto (1997) "Function and sign: The Semiotics of Architecture" in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory, Ed. By Neil Leach, Rutledge, London.

24. Falahi, A. (1994) Shelter Provision in Rural Areas of the 1990 Manjil Earthquake, in Islamic Republic of Iran, proceeding of international geographical union seminar, New Delhi, December 9-12

25. "Frequently Asked Questions (FAQs)", World Bank, 2005.

26. "Handbook for Preparing a Resettlement Action plan", IFC, 2002.

27. "Involuntary Resettlement (Revised April 2004)", World Bank, 2005.

28. Heidegger, Martin (1997) "Building, Dwelling, and Thinking" in Rethinking Architecture: A Reader in Cultural Theory, Ed. By Neil.

29. Hemadri, Ravi et Al. (1999) "Dams, Displacement, Policy and law in India".

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

30. World Commission on Dams, Leach, Rutledge, London. "Morgan, Diane, "Postmodernism and Architecture", The Rutledge Companion to Postmodernism, Stuart Sim, Rutledge, London,2001
31. <http://www.emdat.be/database>

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۰۲ ■

ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری (نمونه موردی: مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)

ناصر برک پور* - استادیار گروه شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران.
حامد گوهری پور - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران.
مهدی کریمی - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران.

Evaluation of Municipality Performance based on Citizen Satisfaction with Urban Public Services in city of Tehran

Abstract: Municipality performance measurement and evaluation for services delivery can be done in two ways, based on objective and subjective perspective. In objective view, quality of services measured according to the certain standards and criteria. While in subjective view, citizen satisfaction and their feelings are determinant for quality of municipality performance. In present research, a model for evaluating municipality performance has been designed and implemented in two districts of Tehran, based on literature review and examination of other countries' experiences. The main purpose of this study is assessing the citizen satisfaction with municipal services and also evaluating factors affecting it. In this research, satisfaction will be examined as a dependent variable. Urban public services including 17 municipality tasks and their quality are considered as independent variables which have direct impact on overall living environment quality and citizen satisfaction. In this survey research, the main and necessary data has been gathered by questionnaire. In this study, the impact of various factors on citizen satisfaction has been considered. The results indicate that citizen satisfaction level in both districts is close to average, but there are differences between two district residents based upon social characteristics such as age, education and gender on citizen satisfaction.

Keywords: performane evaluation, municipality, citizen satisfaction, city, Tehran.

چکیده

بررسی و سنجش عملکرد شهرداری و نحوه ارائه خدمات از دو منظر عینی و ذهنی می‌تواند صورت گیرد. از منظر عینی، کیفیت ارائه خدمات شهری بر پایه سنجش آنها نسبت به استانداردهای بیرونی صورت می‌گیرد. اما در منظر ذهنی، احساس مردم و میزان رضایت آنان از خدمات شهری، تعیین کننده «کیفیت عملکرد شهرداری» است. در تحقیق حاضر، مدلی برای ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها طراحی شده و به طور نمونه در سه محله از دو منطقه تهران اجرا شده است. هدف اصلی از انجام این تحقیق، سنجش رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری در سطح محله و عوامل مؤثر بر آن است. در این تحقیق، رضایت به عنوان یک متغیر وابسته و متغیرهای مستقل یا شاخص‌های عملکرد شامل ۱۷ وظیفه عمرانی، فرهنگی و خدماتی شهرداری است که کیفیت انجام آنها تأثیر مستقیم بر کیفیت محیط شهر و از آن طریق بر میزان رضایت مردم می‌گذارد. روش این پژوهش، روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد سطح رضایت عمومی شهروندان از عملکرد شهرداری در هر دو منطقه نزدیک به متوسط است، اما از نظر ویژگی‌های اجتماعی پاسخ‌دهندگان مانند جنسیت، سن، تحصیلات و میزان آگاهی از وظایف شهرداری، تفاوت‌های معناداری میان نظرات ساکنان دو منطقه وجود دارد.
واژه‌های کلیدی: ارزیابی عملکرد، شهرداری، رضایت شهروندان، شهر، تهران.

حاضر، مدلی برای ارزیابی عملکرد شهرداری ها، طراحی شده و به طور نمونه در دو منطقه از شهر تهران اجرا شده است. با انتخاب دو محله از منطقه یک و یک محله از منطقه ۱۱ (مناطق بالا و پایین خیابان ولیعصر) سعی شده است با سنجش و ارزیابی میزان رضایت ساکنان از عملکرد شهرداری محل سکونت خویش به این نکته پی برده شود که میزان رضایت مردم منطقه از عملکرد شهرداری و کیفیت خدمات شهری مختلف چگونه است، و این که تفاوت‌های موجود در دو منطقه (اجتماعی و اقتصادی) چه تاثیری در میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری دارد؟

در این بررسی مقایسه ای از میزان رضایتمندی از عملکرد شهرداری در محلاتی متفاوت از لحاظ فرهنگی و اقتصادی، تاثیر عوامل مختلف سنی، جنسی و فرهنگی بر میزان رضایتمندی نیز مورد نظر بوده است. در مقاله حاضر پس از معرفی روش تحقیق، بررسی رویکردها و روش‌های مختلف سنجش رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری و نیز چند نمونه از تجارب عملی کشورهای دیگر در این زمینه صورت می‌گیرد. پس از آن مدل عملیاتی این تحقیق بر پایه یافته‌های نظری و همچنین مرور و وظایف شهرداری‌ها در ایران و طبقه بندی آنها معرفی می‌شود و در انتها نیز تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق و نتیجه گیری نهایی ارائه خواهد شد.

روش بررسی و تحقیق

همان گونه که اشاره شد هدف از انجام تحقیق حاضر سنجش رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری در سطح محله و عوامل مؤثر بر آن است و پی بردن به این موضوع که آیا تفاوت‌های محله ای (اجتماعی و اقتصادی)، در کیفیت ارائه خدمات از سوی شهرداری مناطق تاثیر گذار بوده است یا خیر. در این تحقیق، رضایت به عنوان یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد و متغیرهای مستقل تحقیق شامل وظایف متعددی است که کیفیت انجام آنها توسط شهرداری، تاثیر مستقیم بر کیفیت محیط شهری و از آن طریق بر میزان رضایت مردم می‌گذارد. با توجه به ماهیت موضوع و هدف اصلی تحقیق که سنجش دیدگاه مردم نسبت به

«احساس رضایت شهروندان» از محیط شهر و خدماتی که شهرداری ارائه می‌دهد، عامل مهمی در جهت ایجاد انگیزه در مردم برای «مشارکت در توسعه شهری» و «بهبود کیفیت محل سکونت خویش» است. علاوه بر این، رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری موجب ترغیب آنان برای همکاری با نهادهای شهری در جهت انجام بهتر وظایف و ارائه خدمات در سطح شهر می‌شود. در حالی که نارضایتی از عملکرد نهادهای عمومی و احساس تبعیض در ارائه خدمات از سوی شهرداری در مناطق مختلف شهر موجب یأس، ناامیدی و عدم مسئولیت پذیری شهروندان می‌شود. ایجاد حس رضایت در شهروندان و مشارکت دادن آنان در اداره شهر نیازمند برنامه ریزی منظم و همه جانبه است که مدیریت شهری را قادر می‌سازد با ارائه تصویری مطلوب از شهرداری و ایجاد تعاملی موثر، شهروندان را در عرصه فعالیت‌های شهری امیدوار سازد. گام اول در این زمینه، طراحی ساز و کار مناسب به منظور شناسایی و درک چگونگی نگرش مردم نسبت به عملکرد شهرداری و میزان رضایت آنان از ارائه خدمات شهری است.

به طور کلی، بررسی و سنجش عملکرد شهرداری و نحوه ارائه خدمات شهری از دو منظر عینی و ذهنی می‌تواند صورت گیرد. در منظر عینی، کیفیت ارائه خدمات شهری بر پایه سنجش آنها نسبت به معیارها و استانداردهایی صورت می‌گیرد که توسط مراجع مرتبط تنظیم می‌شود. اما در منظر ذهنی، احساس مردم و میزان رضایت بهره برداران از خدمات شهری، تعیین کننده کیفیت و چگونگی عملکرد ارائه دهندگان خدمات است. درباره نقاط قوت و ضعف این دو شیوه، نظرات مختلفی ارائه شده است، اما یکی از مزایای مهم رویکرد ذهنی، بی واسطه بودن سنجش ذهنیت استفاده کنندگان اصلی خدمات شهری است. علی رغم اهمیت سنجش رضایتمندی مردم از عملکرد سازمان‌ها و نهادهای عمومی و تاثیر آن بر ارتقای کیفیت ارائه خدمات عمومی و از آن طریق کیفیت زندگی به طور کلی، متأسفانه در ایران تاکنون توجه چندانی به این مسأله نشده و مطالعات زیادی در این زمینه صورت نگرفته است. در تحقیق

عملکرد شهرداری است، رویکرد حاکم بر این پژوهش، «روش پیمایشی» با استفاده از «پرسشنامه» سنجش رضایت مردم است. علاوه بر این، به منظور تقویت پایه‌ها و مبانی نظری، بررسی‌های لازم از طریق مطالعه اسناد و مدارک مرتبط صورت گرفته است.

ضرورت‌ها و آثار ارزیابی عملکرد سازمان‌ها از دیدگاه شهروندان

از اوایل دهه ۹۰ میلادی به کارگیری شاخص‌های مربوط به اندازه‌گیری و ارزیابی عملکرد در برنامه‌ها و پروژه‌های موسسات دولتی رونق یافته است. از محرک‌های کلیدی این موضوع می‌توان به کتاب «نوسازی دولت» اسپورن و گبلر اشاره کرد که به ایجاد سیستم شاخص‌های مبتنی بر نتایج و پیامدها منتهی شدند. این سیستم‌ها قابلیت ارائه داده‌ها برای تنظیم اهداف و ارزیابی آن‌ها در بخش‌های دولتی در مقوله‌های مدیریت و مسئولیت پذیری موسسات، برنامه ریزی استراتژیک، ارزیابی برنامه توسعه اقتصادی، سنجش رضایت مشتریان و رقابت پذیری شهری را دارند. در حوزه دولت محلی، از شاخص‌های اندازه‌گیری عملکرد در سازمان‌هایی از قبیل: «پلیس، آتش‌نشانی، مدیریت پسماند، حمل و نقل عمومی، بهداشت و خدمات اجتماعی» به منظور ارزیابی مواردی از قبیل حجم کار انجام شده، خروجی‌ها و کارایی استفاده شده است. دولت‌های شهری نیز شاخص‌های عملکرد را برای ارزیابی میزان موفقیت پروژه‌های مهم و اساسی از قبیل برنامه‌های احیاء و رونق بخشی شهری ایجاد نموده‌اند. در سطح بین‌المللی، سازمان‌های مختلفی به طراحی و اجرای برنامه‌های اندازه‌گیری عملکرد برای فعالیت‌های بخش شهری خود پرداخته‌اند. در منطقه آسیا و اقیانوسیه، سازمان‌های بسیاری از سیستم شاخص‌های ارزیابی عملکرد استفاده می‌کنند (وست فال، دویلا، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

موضوعی که در تحقیق حاضر مورد تاکید و توجه قرار گرفته است، ارزیابی عملکرد نهادهای عمومی از دیدگاه شهروندان و سنجش میزان رضایت آنان از خدمات شهری است. «توماس میلر» و «میشل میلر»، شش «دلیل خوب» برای این کار ذکر کرده‌اند:

- شناسایی نیازهای جامعه (تخصیص منابع)،
- برنامه ریزی بلند مدت،
- برنامه ریزی کوتاه مدت،
- ایجاد ارتباط با شهروندان،
- ارزیابی خدمات و

- تعیین سیاست‌های حمایتی. اگر حکومتی از گزارش‌های رضایت شهروندان برای یک یا تعدادی از دلایل بالا و یا علی به جز پیشنهادات میلر و میلر استفاده کند و قادر باشد خدمات خود را بر پایه این گزارش‌ها انجام دهد، می‌توان گفت آن حکومت به نتایج و خروجی‌های مورد نظر دست یافته است» (Bo Gattis, 2010; p.2).

اگر شش دلیل میلر و میلر به دو دسته تصمیم‌گیری‌های فوری و تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی شده تقسیم شوند، عواملی چون تخصیص منابع، ارتباط با شهروندان و ارزیابی خدمات، در زمره تصمیم‌گیری‌های فوری و سایر موارد، یعنی برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کوتاه مدت و تعیین سیاست‌های حمایتی جزء تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی شده قرار می‌گیرد. در پژوهش «بوگاتی»، ۱۲۱ حکومت محلی مشارکت کردند و چرایی و چگونگی استفاده از گزارش‌های رضایت شهروندان را بیان نمودند که مهم‌ترین نتیجه به دست آمده این است که چگونگی استفاده از اطلاعات گزارش‌ها و در واقع تکنیک استفاده از آن‌ها، رابطه زیادی با تصمیم‌گیری‌های فوری دارد؛ ولی هرچه تصمیم‌گیری‌ها برنامه ریزی شده‌تر باشد، نحوه استفاده از اطلاعات این گزارش‌ها تأثیر و ارتباط کم‌تری با نتایج دارد. به طور کلی بررسی ابعاد مختلف و بازخوردهای اثر متقابل عملکرد شهرداری و رضایت شهروندان از منظر مردم یا از منظر حکومت‌های محلی، موضوع بررسی محققان مختلف بوده است که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

- «گوتیرز و همکارانش» در مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ منتشر کرده‌اند به بررسی رابطه بین کیفیت خدمات، رضایت مردم و اعتبار حکومت محلی» بر اساس گزارش رضایت شهروندان از سنجش کیفیت خدمات دولت محلی پرداخته‌اند (Vaughan, Edwards, 2009: p.2).
- «گوتیرز، وازکویز» (Gutiérrez, Vazquez) در این تحقیق، سعی شده با تجزیه و تحلیل اجزای کیفیت، ارتباط بین کیفیت

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

خدمات، رضایت و اعتبار ارزیابی شود. در تحقیق گوتیرز، با ۴۰۰ نفر از ۷۶ حکومت محلی در منطقه کاستیلای لئون اسپانیا به صورت رودررو مصاحبه شد. مصاحبه شونده‌گان مرد و زن، درباره خدماتی که طی سه ماه اخیر دریافت کرده‌اند، گزارش دادند. پرسشنامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که پنج متغیر نهفته، یعنی «ویژگی‌های فنی، عملکرد-دی، تصویر پنهان، کیفیت و اعتبار»، ارزیابی شوند. در مدل مذکور عامل دیگری به عنوان متغیر آشکار وجود دارد که با این پنج متغیر در ارتباط است: «رضایت شهروندان». نتایج پژوهش، برخی از فرضیه‌های تحقیق را تأیید کرد، مثل ارتباط مستقیم بین کیفیت خدمات و رضایت، در حالی که ارتباط میان کیفیت و اعتبار، غیر مستقیم است. هم چنین رضایت و اعتبار، پیوند بسیار محکمی با هم دارند.

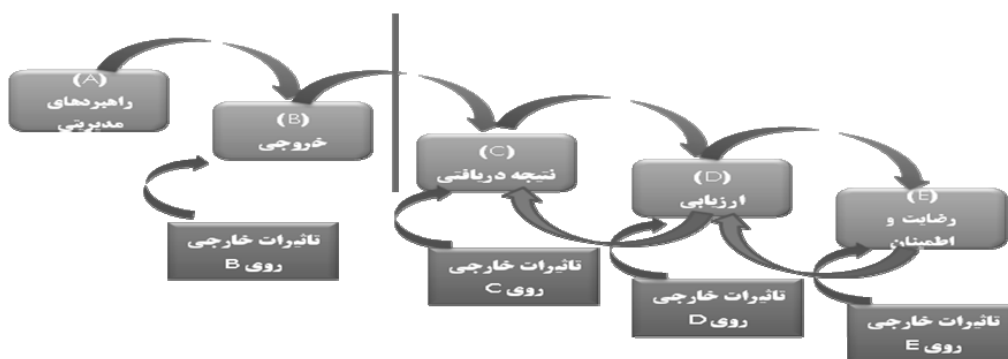
- «فان رایزین»، استاد دانشکده امور اجتماعی دانشگاه نیویورک، عقیده دارد پرسش مهم در بررسی عملکرد شهرداری این است که شهروندان چگونه به عملکرد خوب یا بد، عکس‌العمل نشان می‌دهند. در نگاه اول پاسخ به این سوال ساده به نظر می‌رسد. وقتی شهروندان راضی‌اند می‌توان پنداشت که عملکرد شهرداری خوب است و نارضایتی آن‌ها نتیجه عملکرد ضعیف شهرداری است؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد پاسخ به این سوال که چگونه شهروندان به عملکرد شهرداری عکس‌العمل نشان می‌دهند، پیچیده‌تر از چیزی است که به نظر می‌رسد. او در مقاله خود با ایجاد چارچوبی مفهومی سعی در ایجاد ارتباط بین عملکرد شهرداری، رضایت شهروندان و اطمینان پس از آن دارد (Van ryzin, 2006: p.1). نمودار زیر این چارچوب

مفهومی را به شکل ساده نشان می‌دهد:

از A به B: «راهبردهای مدیریتی و خروجی‌های هدف»؛ این مرحله نمایانگر نگرانی بخش عمومی در مورد ارزیابی عملکرد است. پلیس راهبردهایی برای کاهش جرایم در نظر می‌گیرد یا سازمان بهداشت سعی در پاکیزگی معابر و جمع‌آوری زباله‌ها دارد، اما مدیران به طور کامل نمی‌توانند خروجی‌ها را کنترل کنند. جرایم ممکن است در یک دوره زمانی افزایش یا کاهش یابد؛ بنابراین بین راهبردهای مدیریتی و خروجی‌های قطعی، فاصله ایجاد می‌شود. اگر خروجی‌ها به طور ناقص و غیر واقعی اندازه‌گیری شوند، مدیران، اطلاع قطعی از این که به هدف خود رسیده‌اند ندارند.

از B به C: «خروجی‌های هدف و خروجی‌های دریافت شده»؛ همه شهروندان نمی‌توانند همه خدمات شهرداری را دریافت کنند و در مورد آن‌ها نظر صحیح بدهند؛ برای مثال خدماتی نظیر پلیس، آتش‌نشانی و نهادهای آموزشی (به ویژه برای خانواده‌هایی که فرزند ندارند) از جمله مواردی هستند که ممکن است بسیاری از شهروندان طی مدت زیاد با آن‌ها برخورد نکنند و بالطبع نمی‌توانند نظر صحیحی درباره کیفیت این خدمات در اختیار مدیران شهری قرار دهند.

از C به D: «خروجی‌های دریافت شده و رضایت»؛ نظر فرد در پاسخ به خدمات شهری، بر پایه دانش علمی نیست بلکه بر پایه تصاویری است که خود کسب کرده است. شهروندان چگونه دریافت و رضایت خود از خدمات شهری را اعلام می‌کنند؟ یکی از پاسخ‌های ممکن به این سوال در مدل «احتمال-عدم قطعیت» ارائه شده است. طبق این مدل، شهروندان برای ابراز میزان



رضایت، خدمات دریافت شده را با تجربیات گذشته خویش مقایسه می‌کنند. در صورتی که عملکرد، از نظر آنان رو به پیشرفت باشد (بدون توجه به سطح واقعی آن) احساس رضایت می‌کنند و در غیر این صورت ناراضی خود را اعلام می‌دارند.

از D به E: «رضایت و اطمینان»: اما آیا آن چه با عنوان رضایت شهروندان اندازه‌گیری می‌شود، کمکی به رسیدن به اهداف عالی می‌کند؟ در نهایت یک پرسش سیاسی به وجود می‌آید که شهروندان ناراضی چه عکس‌العملی به صورت فردی یا جمعی از خود بروز می‌دهند؟ چالش جدی هنگامی به وجود می‌آید که نتایج، حاکی از ناراضی‌تبی شهروندان باشد. طبق مدلی که طراحی شده است، در این حالت چهار نتیجه رفتاری می‌تواند اتفاق بیفتد: ترک محل، غرولند کردن، بی‌توجهی، اطمینان. در واقع مثبت‌ترین واکنش، حفظ اطمینان و منفی‌ترین آن، ترک محل است.

- «موسسه مشاورین برکشایر»، گزارشی درباره تخصیص مجدد منابع، با توجه به اولویت‌های شهروندان منتشر کرده است که طبق آن، وقتی مدیران شهری بتوانند مقایسه‌ای بین اطلاعات آماری در زمینه میزان رضایت شهروندان از ارائه خدمات و هم‌چنین اولویت‌های مدنظر آنان انجام دهند، به ابزاری قدرتمند برای تخصیص مجدد منابع دست یافته‌اند (Walker, 1996; p.1). آنان می‌توانند از ماتریس رضایت - اهمیت، به عنوان مبنایی برای این کار استفاده کنند. بر این اساس،

مقیاس‌هایی برای سنجش سطح رضایت شهروندان از خدمات مختلف و هم‌چنین اهمیت خدمات در اختیار آنان قرار می‌گیرد که در نهایت نموداری به دست می‌آید که در آن اهمیت هر یک از خدمات و میزان رضایت شهروندان از آن‌ها مشخص می‌شود. ماتریس زیر مقیاس‌های مورد استفاده در هر یک از شرایط را نشان می‌دهد:

بر اساس ماتریس فوق، چهار راهبرد در شرایط مختلف پیشنهاد می‌شود:

۱- «اهمیت کم، رضایت کم»: در این حالت باید بدون افزایش بودجه، با اعمال سیاست‌هایی، رضایت شهروندان را افزایش داد.

۲- «اهمیت کم، رضایت زیاد»: در این شرایط باید ارزیابی مجدد صورت گیرد که آیا بودجه اختصاص یافته مناسب است یا خیر. در این حالت سعی می‌شود بودجه این خدمات به گونه‌ای کاهش یابد که در رضایت شهروندان تغییر محسوسی مشاهده نشود.

۳- «اهمیت زیاد، رضایت کم»: در این حالت باید با تمرکز و تلاش مؤثر و هم‌چنین تخصیص منابع بیشتر به این گونه خدمات که دارای اهمیت زیاد هستند، سطح رضایت شهروندان را افزایش داد.

۴- «اهمیت زیاد، رضایت زیاد»: این حالت، بهترین وضعیت است و باید سعی در تثبیت آن داشت. در صورت امکان اگر خللی در رضایت شهروندان ایجاد نمی‌شود، باید کمی از هزینه‌های خدمات مورد نظر کاست.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۰۷ ■

میزان رضایت	زیاد	<p>تثبیت</p> <p>حفظ کیفیت و کاهش هزینه‌ها</p>	<p>ارتقاء</p> <p>تمرکز فعالیت‌ها و منابع به منظور ارتقای میزان رضایت</p>
	متوسط	<p>ارزیابی</p> <p>ارزیابی این مساله که آیا منابع به صورت مناسب به کار گرفته می‌شوند؟</p>	<p>پایش</p> <p>درک تغییر اهمیت‌های صورت گرفته و تلاش در جهت ارتقای میزان رضایت بدون افزایش هزینه.</p>
	کم		

نمونه‌هایی از مدل‌های عملیاتی ارزیابی و سنجش میزان رضایت شهروندان از عملکرد شهرداریها

در سال‌های اخیر طراحی و اجرای نظام ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها با استفاده از دیدگاه شهروندان مورد توجه شهرداری‌ها و حکومت‌های محلی کشورهای مختلف جهان، اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و همچنین کشورهایی با نظام‌های سیاسی و اداری مختلف قرار گرفته است. در ادامه به چند نمونه از این تجارب به طور خلاصه اشاره می‌شود.

– «کلومبوس (ایالات متحده آمریکا)»: طی دوسه دهه اخیر، شهروندان سراسر ایالات متحده خواستار افزایش کیفیت ارائه خدمات شهری با توجه به مالیات‌هایی که پرداخت می‌کنند شده‌اند. افزایش فشار مردمی برای ارتقاء عملکرد مدیریت شهری موجب شد تا مسئولان شهر کلومبوس به عنوان یکی از اولین مادرشهرها به بررسی میزان رضایت شهروندان خود از نحوه ارائه خدمات شهری بپردازند. به این ترتیب در شهر کلومبوس کمیته‌ای تشکیل گردید تا با بررسی اطلاعات به دست آمده از میزان رضایت شهروندان، در بهبود ارائه خدمات شهری توسط دولت محلی اهتمام ورزد. در سال ۱۹۹۴ اولین گزارش از میزان رضایت شهروندان از نحوه ارائه خدمات شهری منتشر شد. با گذشت زمان، روش نمونه‌گیری و نحوه جمع‌آوری نظرات مردم تغییر کرد. در سال ۲۰۰۲، این گزارش بر پایه مصاحبه‌ی تلفنی با ۱۱۸۸ نفر از شهروندان که شماره‌ی تلفن آنها به صورت تصادفی انتخاب شده بود صورت گرفت.

The Ohio State University, 2002: p.18)
(Center for Survey Research,

در این نمونه‌گیری مواردی چون جنسیت، سن، تحصیلات، درآمد خانوار، رنگ پوست، وضعیت شغلی، تأهل و تأثیر آن‌ها در میزان رضایت شهروندان مورد توجه قرار گرفت. شهروندان باید به هر یک از شاخص‌ها (خدماتی که مدیریت شهری باید ارائه کند) امتیازی بین صفر (کیفیت بسیار پایین) تا ده (کیفیت بسیار بالا) نسبت می‌دادند. با میانگین جبری امتیاز شاخص‌های مختلف، میزان کیفیت زندگی در شهر مشخص شد. این عدد در سال ۲۰۰۲، برابر ۷/۲ بود که خدمات آتش‌نشانی

بیشترین رضایت و جمع‌آوری زباله‌ها کمترین رضایت شهروندان را دربرداشت. اما در ارزیابی میزان رضایت شهروندان که در سال ۲۰۰۹ انجام گرفت، نحوه‌ی دستیابی به نظرات شهروندان تغییر کرد. در این سال مرکز SRC در دانشگاه ویسکانسین، پرسشنامه‌هایی را از طریق پست الکترونیکی به صورت تصادفی به ۱۱۳۷ نفر از شهروندان کلومبوس ارسال کرد که ۳۹٪ از آن‌ها (۴۴۷ مورد) پاسخ داده شد. در نمونه‌گیری جدید سعی شد با توجه به اطلاعات اجتماعی و اقتصادی جدید شهر، نمونه‌ی انتخابی با واقعیت تطابق داشته باشد. پرسشنامه با توجه به طرح جامع شهر، شامل شش سرفصل برای سوالات بود: (۱ حمل و نقل، ۲ منابع طبیعی و فرهنگی، ۳ مسکن، ۴ توسعه‌ی اقتصادی و کاربری زمین، ۵ خدمات و امکانات اجتماعی، ۶ دولت محلی. هدف از این مطالعه، جمع‌آوری نظرات ساکنان درباره تحقق هر چه بهتر طرح جامع شهر بود. نتایج این گزارش، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های راهبردی شهر کلومبوس را به وضوح به صورت زیر مشخص کرده است:

(Janke, Hadley, Trechter, 2009: p.1)

a. ساکنان شهر خواستار ارتقاء کیفیت جاده‌ها، پیاده‌روها، مدیریت بهتر آب‌های ناشی از بارندگی و پروژه‌های برگزیده‌ی اجتماعات شده‌اند و حاضر به پرداخت مالیات برای آن‌ها هستند.

b. آنان انتظار دارند که شهرشان به مرکزیت منطقه‌ای تبدیل شود.

c. ساکنان شهر خواستار ارتقاء کیفیت مسکن و در اختیار داشتن انتخاب‌های متعدد برای اسکان در شهر هستند.

– «امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب»: در سال ۲۰۰۸ گزارش موسسه AmericaBarometer در مورد میزان رضایت شهروندان از نحوه ارائه خدمات شهرداری در ۲۳ کشور امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب منتشر شد. طبق این گزارش کشور برزیل بالاترین میزان رضایتمندی را به خود اختصاص داده و پس از آن کشورهای دومینیک و اکوادور قرار گرفته‌اند. کم‌ترین میزان رضایتمندی نیز مربوط به کشور جامائیکا است. نکته‌ای که در این گزارش به آن پرداخته شده، رابطه بین ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی پاسخ‌دهندگان و میزان تأثیر این ویژگی‌ها در

سطح رضایت آن هاست. در این گزارش از نظرات ۳۳۸۰۹ نفر از ساکنان کشورهای امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب استفاده شده و امتیازات از یک (خیلی خوب) تا پنج (خیلی ضعیف) درجه بندی شده است. عوامل مورد بررسی در این گزارش، تحصیلات، جنسیت، سن، منطقه سکونت (شهری یا روستایی) و میزان درآمد و رابطه‌ی آن‌ها با میزان رضایتمندی افراد است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد افراد با درآمد بالاتر، در مقایسه با افراد کم درآمد رضایت بیشتری از خدمات شهری دارند. علاوه بر این افرادی که در مناطق شهری ساکن هستند رضایت بیشتری از خدمات ارائه شده در مقایسه با مناطق روستایی دارند. همچنین میزان رضایت در زنان به مراتب بیش از مردان است (Montalvo, 2009: p.2).

– «داکا» (بنگلادش): طی دهه‌های گذشته، داکا از یک شهر سرسبز و آرام به یکی از آلوده‌ترین و شلوغ‌ترین شهرهای دنیا تبدیل شده است. انجمن شهر داکا، مدیریت شهر را با ۱۵۴ کیلومتر مربع مساحت و حدود ۵.۳ میلیون نفر جمعیت بر عهده دارد. طبق پیش‌بینی، جمعیت شهر در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۱۰ میلیون نفر خواهد رسید. حدود ۱۵٪ از جمعیت شهر در زاغه‌هایی زندگی می‌کنند که فشار را برای تامین خدمات و زیرساخت‌های بیشتر، غیرقابل مدیریت می‌کند (Akther, Islam, Uddin, 2009: p.1).

انجمن شهر مسئول تامین تسهیلات پایه است. حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست و همچنین صدور مجوزهای گوناگون، دو وظیفه مهم انجمن است. محققان بنگلادشی در پژوهشی تلاش کردند عملکرد انجمن شهر را در ارائه خدمات بررسی کنند. هدف تحقیق، بررسی نظر شهروندان درباره خدمات شهری با توجه به انتظارات آنان بود. تحقیق بر روی سه وظیفه انجمن شهر، یعنی مدیریت مواد زائد، کنترل حشرات و صدور مجوز متمرکز شده است. برای این منظور ۱۲ ناحیه از ۹۰ ناحیه شهر به عنوان نمونه انتخاب شد. این نواحی به گونه‌ای در نظر گرفته شدند که مناطق قدیمی و جدید شهر را پوشش دهند. در این نواحی، بخش‌های کاملاً مسکونی تا تجاری و صنعتی نیز قرار داشتند. از هر ناحیه ۳۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و در مجموع

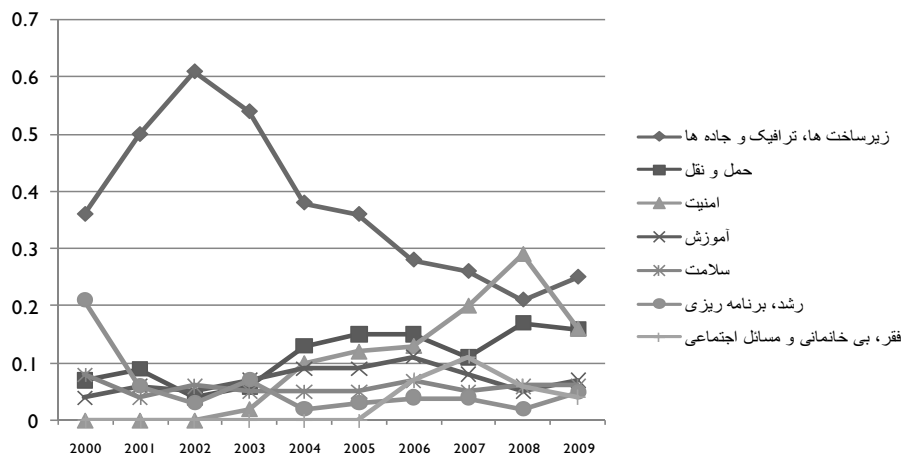
۳۶۰ نفر به پرسش‌ها پاسخ دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، رضایت شهروندان داکا از مدیریت مواد زائد و صدور گواهی و مجوزهای مختلف در حد متوسط است. در بعضی از نواحی، رضایت در حد بسیار زیاد و در برخی دیگر، بسیار کم است. هم چنین پژوهش نشان داد شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی پاسخ دهندگان در نظرات آنان تاثیرگذار است، به طوری که با افزایش سطح درآمد، سطح رضایت شهروندان نیز افزایش می‌یابد.

– «کلگری» (کانادا): گزارش سال ۲۰۰۹ شهر کلگری (Calgary) درباره میزان رضایت شهروندان از مدیریت شهری منتشر شده است که مهم‌ترین موارد آن به شرح زیر است (Ipsos, 2009: p.2):

– ۶۸ درصد از ساکنین کلگری از نحوه ارائه خدمات شهری ابراز رضایت کرده‌اند. این عدد در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، معادل ۶۴ درصد بود. ۷ درصد هم اعلام ناراضی‌ت می‌کردند و سایرین نسبتاً ناراضی، متوسط و نسبتاً راضی بودند.

– ۱۳ درصد از مردم اعلام کردند حاضرند با قطع مالیات از خدمات شهری کاسته شود. ۲۷ درصد همین میزان مالیات و در برابر آن خدمات را مناسب می‌دانند، ولی بقیه شهروندان حاضرند مالیات بیشتری بدهند و در عوض، خدمات شهری ارتقاء و در زمینه‌های دیگر گسترش یابد. نمودار زیر نمایانگر مهم‌ترین دغدغه‌های ساکنان کلگری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ است. با توجه به این نمودار طی سال‌های اخیر وضعیت زیر ساخت‌ها و جاده‌ها به طور محسوسی بهبود پیدا کرده، ولی فقر و بی‌خانمانی و سایر مسائل اجتماعی که تا سال ۲۰۰۵ وضعیتی بسیار عالی داشت، در سال‌های اخیر به نگرانی عده‌ای از شهروندان تبدیل شده است، هرچند که تقریباً تمام شاخص‌های یاد شده کماکان از وضعیت مناسبی برخوردارند.

– «آلمان»: رتبه‌بندی شهرها در کشور آلمان بسیار پرطرفدار است، به طوری که هر ماه فهرست جدیدی از «سبزترین شهرهای آلمان»، «بهترین محل برای زندگی» یا «ده شهر برتر برای توسعه اقتصادی» در نشریات این کشور منتشر می‌شود (Petersen, Aholt, 2009: p.1).
– (Zenker). توصیف مزیت‌های هر شهر به آن اهمیت می‌دهد. چرا که توان رقابت آن را برای جذب کالاهای



مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

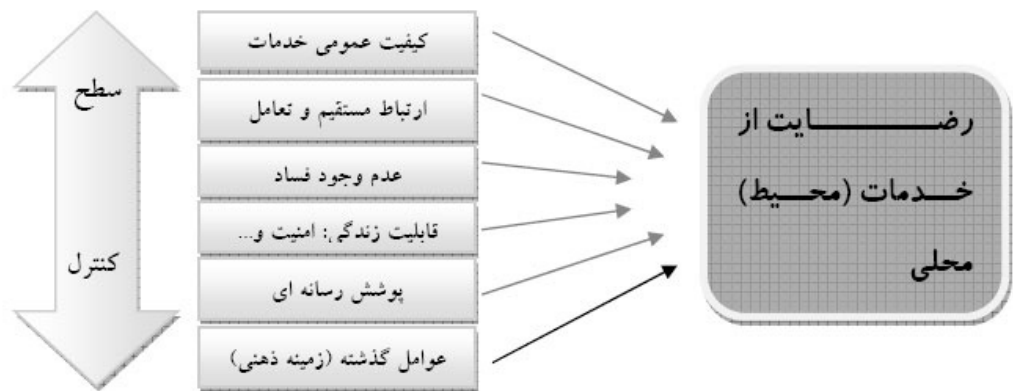
■ ۲۱۰ ■

پارک‌ها و فضاهای باز و آسایش خاطر.

— «گزارش موسسه ایپسوس از رضایت شهروندان در کشورهای مختلف»: موسسه ایپسوس مطالعه ای در مورد ۲۳ کشور جهان، شامل آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، مجارستان، هند، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، لهستان، روسیه، کره جنوبی، اسپانیا، سوئد، جمهوری چک، هلند، بریتانیا، ایالات متحده و ترکیه با نمونه موردی ۲۳۶۷۳ نفر (تقریباً هر کشور ۱۰۰۰ نفر) از نوامبر ۲۰۰۹ تا ژانویه ۲۰۱۰ انجام داد. در مقدمه این گزارش آمده است که محیط محلی زندگی مردم، بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی روزانه آنان دارد. این موسسه، نتایج پژوهش خود را درباره میزان رضایت شهروندان از محیط محلی زندگی شان، با عنوان شاد زیستن عنوان کرده که بر اساس آن، شهروندان کشورهای هلند، کانادا و استرالیا شادترین مردم هستند. در این تحقیق، رضایت شهروندان کشورهای مختلف از محیط محلی و هم چنین از عملکرد دولت محلی بررسی شده است. نتایج تحقیق بیانگر این نکته است که دو مقوله رضایت از عملکرد دولت‌های محلی و رضایت از محل زندگی، رابطه بسیار زیادی با هم دارند (Duffy, 2010: p.5).

با بررسی جوانب و عوامل گوناگون تأثیرگذار بر سطح رضایت شهروندان، «مؤسسه ایپسوس»، مدل زیر را برای ارزیابی «سطح رضایت شهروندان از محیط و حکومت محلی» معرفی می‌کند:

کمیاب، محققان، شرکت‌ها، توریست‌ها، شهروندان جدید و هم چنین نیروی کار شایسته افزایش می‌دهد. عباراتی نظیر «جنگ برای استعدادها»، این افزایش رقابت را توصیف می‌کند. این رقابت به شهرها انگیزه بیشتری برای اتخاذ سیاست‌های بازاریابی محلی می‌دهد. طبق پژوهشی که در سال ۲۰۰۹ در دانشگاه هامبورگ انجام شد، به منظور مقایسه بین تحقیقاتی که در زمینه میزان رضایت شهروندان شهرهای مختلف آلمان انجام شده است، از دو روش به طور هم زمان استفاده شد. در روش اول ۱۸ مقیاس مختلف از تحقیقات شهرهای گوناگون به علاوه عوامل برگرفته از تحقیقات کیفی با هم ترکیب شد و نتیجه آن به ۲۱ پرسش نهایی تبدیل شد که عنوان شاخص‌های رضایتمندی شهروندان (CSI) برای آن‌ها برگزیده شد. در روش دوم از مقیاس چهار بعد مشخص و تأثیرگذار بر میزان رضایت شهروندان استفاده شده است: شهرنشینی و گوناگونی، طبیعت و اوقات فراغت، فرصت‌های شغلی، بهره‌وری هزینه. این تحقیق نشان داد عامل اول (شهرنشینی و گوناگونی) بیشترین تأثیر را بر میزان رضایت شهروندان دارد. به نظر می‌رسد غالب مردم خواستار زندگی در شهرهای بزرگ هستند، شهرهایی با فرصت‌های شغلی زیاد، رویدادهای فرهنگی و فعالیت‌های تجاری. هم چنین آن‌ها علاقه‌مند به مکان‌هایی هستند که به روی فرهنگ‌های مختلف باز است. در عین حال مردم به طبیعت و تفریح هم اهمیت زیادی می‌دهند، آلودگی کم،



مدل عملیاتی تحقیق حاضر

بررسی تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد، مدل ارزیابی رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری‌ها و حکومت‌های محلی وجوه تشابه فراوان دارد و تفاوت اصلی عمدتاً در معیارها و شاخص‌های رضایتمندی است که آن هم بستگی به وظایف شهرداری‌ها در هر کشور دارد. در بسیاری از این تجارب، برای هر یک از وظایف شهرداری و نیازهای مردم اهمیت یکسان در نظر گرفته شده است. در واقع پس از آن که به هر یک از معیارها، عددی با توجه به میزان رضایت شهروندان نسبت داده می‌شود، با محاسبه میانگین این اعداد، عدد نهایی که نشانگر میزان رضایت شهروندان است به دست می‌آید، بدون توجه به این نکته که میزان اهمیت هر یک از معیارهای مشخص شده برای شهروندان یکسان نیست. برای مثال، دسترسی به آب آشامیدنی سالم اهمیت به مراتب بیشتری نسبت به وجود پارک بازی کودکان در هر یک از واحدهای همسایگی، دارد؛ در حالی که در ارزیابی نهایی، اهمیت این دو یکسان در نظر گرفته شده است. در تحقیق حاضر سعی شده در بررسی میزان رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری، اولویت‌های آنان نیز با توجه به موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در نظر گرفته شود تا نتایج بررسی به واقعیت نزدیکتر شود.

بر اساس قانون شهرداری که در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید وظایف متعددی بر عهده شهرداری‌های ایران گذارده شد، اما به تدریج در سال‌های بعد و با تاسیس

سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌های جدید، که ناشی از رویکرد تمرکزگرای دولت بود بخشی از آن وظایف از شهرداری منتزع شد و در اختیار دولت قرار گرفت. با توجه به هدف این تحقیق که ارزیابی میزان رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری در سطح محلات شهری است سعی شده است وظایفی که تاثیر مستقیم بر کیفیت محیط شهری می‌گذارد و از دیدگاه مردم در سطح محله مهم‌تر به نظر می‌رسد، مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی وظایف انتخاب شده شهرداری در سه گروه «فنی و عمرانی»، «اجتماعی و فرهنگی» و «خدماتی» دسته‌بندی شده است. هر یک از این گروه‌ها شامل وظایف مشخصی است که در متن قانون تصریح شده است. هر گروه به عنوان یک شاخص کلی در نظر گرفته شده و هر یک از وظایف زیرمجموعه آنها به عنوان شاخص جزئی یا عملیاتی قلمداد شده است. بر این اساس، پرسشنامه‌ای تدوین شده و در اختیار ساکنان محلات مورد نظر قرار گرفته است که در آن ضمن امتیازدهی به هر یک از وظایف شهرداری (با توجه به میزان رضایت از ارائه آن)، اولویت‌های ساکنان با پرسش از آن‌ها سنجیده شده است.

تعداد نمونه مورد بررسی با توجه به جمعیت محلات مورد نظر به نحوی انتخاب شده که سطح اطمینان نسبی از نتایج حاصله به دست آید. در نمونه‌های منتخب، عواملی چون جنسیت، سن، تحصیلات و میزان درآمد (موقعیت شغلی)، مطابق با آخرین اطلاعات آماری در

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer



نمودار ۱. معیارهای رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری بر حسب وظایف مختلف شهرداری.

نظر گرفته شده تا تاثیر هر یک از این موارد در میزان رضایت شهروندان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. با استفاده از ماتریس ارزیابی و پاسخ شهروندان، میزان ارجحیت هر کدام از معیارها در هر منطقه مشخص می شود. از سوی دیگر با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری SPSS پردازش اطلاعات دریافتی از مردم صورت گرفته و با استفاده از آن، میزان رضایتمندی ساکنان از عملکرد شهرداری در هر یک از معیارها مشخص شده است. در آخر با اعمال میزان اهمیت معیارها در میزان رضایت شهروندان میزان موفقیت عملکرد شهرداری از دیدگاه مردم سنجیده شده است.

محدوده های بررسی میدانی

محله منیریه (منطقه ۱۱): منطقه ۱۱ شهر تهران با وسعت حدود ۱۲۰۰ هکتار و جمعیتی حدود ۲۴۰ هزار نفر، از مناطق مهم مرکزی شهر تهران به شمار می آید. از ویژگی خاص این منطقه، تنوع بسیار فعالیتها و کاربریها است. در سطح منطقه، مراکز مهم سیاسی حکومتی،

بازارهای تخصصی با عملکرد فرامنطقه‌ای و فرا شهری،

واحدهای بزرگ صنعتی، مراکز درمانی تخصصی با

عملکرد فرامنطقه‌ای و مهم‌ترین مراکز ارائه موسیقی و

هنرهای نمایشی در جوار طیف گسترده‌ای از بافت‌های

مسکونی با خصوصیات مختلف کالبدی استقرار یافته‌اند.

در حال حاضر حدود ۴۵٪ از سطح منطقه ۱۱ به کاربری

مسکونی اختصاص یافته است. (مهندسین مشاور پارت،

۱۳۸۲: ۳). محله منیریه در منطقه ۱۱ از شمال به خیابان

امام خمینی، از جنوب به خیابان‌های منیریه و ابوسعید،

از غرب به خیابان کارگر و از شرق به خیابان وحدت

اسلامی محدود است. در این محله ۸.۸٪ از جمعیت

منطقه (معادل ۲۴۲۰۲ نفر) سکونت دارند. وسعت این

محله ۹۹.۲۴ هکتار است که حدود ۸.۲٪ از مساحت

منطقه را فراگرفته است. تراکم جمعیتی آن معادل

۲۴۳.۸۷ نفر است.

محله باغ فردوس و محله محمودیه (منطقه ۱): منطقه

یک شهرداری تهران یکی از مناطق شمال تهران است که

در دامنه ارتفاعات البرز قرار گرفته است. وجود باغات،

دره‌ها و نزدیکی به کوهپایه‌ها باعث گردیده که این منطقه

از دیرباز به عنوان بیلاقات تهران مطرح باشد. باگسترش

شهر تهران و تثبیت نظام شهرنشینی، این منطقه به دلیل

داشتن ارزشهای محیطی مورد توجه اقشار پردرآمد و

افراد حکومتی و سفارتخانه‌های خارجی قرار گرفت

(مهندسین مشاور بافت شهر، ۱۳۸۲). محله باغ فردوس

در منطقه یک از شمال به میدان تجریش، از جنوب به

خیابان فیاضی (فرشته)، از غرب به خیابان ولیعصر و از

شرق به خیابان تختی محدود است. در این محله ۴.۶٪ از

جمعیت منطقه (معادل ۱۷۳۲۴ نفر) سکونت دارند.

وسعت این محله ۸۹.۴۵ هکتار است که حدود ۲.۵٪ از

مساحت منطقه را فراگرفته است. تراکم جمعیتی آن

معادل ۱۹۳.۶ نفر در هکتار است. محله محمودیه از

شمال به خیابان‌های پسیان و مقدس اردبیلی، از جنوب

به پارک وی، از شرق به خیابان ولیعصر و از غرب به اوین

محدود است. در این محله ۱.۶٪ از جمعیت منطقه

(معادل ۶۲۱۷ نفر) سکونت دارند. وسعت این محله

۱۰۷.۶۹ هکتار است که حدود ۳٪ از مساحت منطقه را

فراگرفته است. تراکم جمعیتی آن معادل ۵۷.۷ نفر در

هکتار است.

تحلیل یافته‌ها و نتایج تحقیق

هر تحلیل صحیح، نیازمند داده‌های مستند و مبتنی بر

واقعیت است. در این پژوهش سعی شده که پرسشنامه‌ها

با دقت و با حضور مستقیم نگارندگان تحقیق و راهنمایی

آنان، توسط ساکنان دو محدوده، تکمیل شود. پس از

تکمیل پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم افزار تحلیل آماری

ثتث، به تحلیل و مقایسه رضایت ساکنان دو حوزه پرداخته

شده و در نهایت، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفته

است. یکی از دشواری‌های این‌گونه تحقیقات که نیازمند

جمع‌آوری نظرات مردم از طریق پرسشنامه است، راضی

کردن آنان به پاسخگویی و مشارکت در پژوهش است.

همان‌طور که در بخش معرفی نمونه‌هایی از کشورهای

دیگر اشاره شد، در بسیاری از شهرهای جهان، این کار از

طریق پست الکترونیک یا تلفن و گاه از طریق تلفن‌گویا

انجام می‌شود؛ ولی در کشور ما به دلایل مختلف،

شهروندان نسبت به پاسخگویی و مشارکت در این

پژوهش‌ها تمایلی ندارند. به هر حال در این پژوهش

سعی بر آن بوده است که تا حد امکان، نمونه مورد نظر با

شرایط واقعی جامعه از نظر جنسیت، سن، تحصیلات و

... تطابق داشته باشد. روش تحلیل نهایی به این صورت

بوده است که ابتدا، میزان رضایت شهروندان از هر یک از

وظایف مدیریت شهری (۱۷ شاخص مورد بررسی) در دو

ناحیه مورد مطالعه به دست آمده است، سپس سطح

رضایت عمومی شهروندان برآورد شده و در نهایت رابطه

بین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی پاسخ‌دهندگان و

میزان رضایت آنان تحلیل شده است. لازم به ذکر است در

بسیاری از موارد، برای درک بهتر علت تفاوت در سطح

رضایت ساکنان و تأیید نتایج تحلیل، از مشاهدات

نگارندگان پژوهش نیز استفاده شده است. در ادامه نتایج

تحلیل‌های مختلف ارائه شده است، با این توضیح که به

دلیل محدودیت فضای مقاله از ارائه نتایج و تحلیل

تفصیلی در مورد شاخص‌های ۱۷ گانه پرهیز شده است.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

جدول ۱. سطح رضایت از خدمات در محلات مورد مطالعه

منیریه	باغ فردوس و محمودیه	شاخص
۲,۷۰	۳,۳۹	پاکیزگی محله
۲,۵۳	۳,۲۱	فضای سبز عمومی و پارک
۲,۵۶	۳,۰۶	روشنایی و امنیت معابر در شب
۳,۱۴	۲,۷۸	از سد معبر و مشاغل مزاحم
۲,۳۹	۱,۹۲	محل مناسب برای توقف اتومبیل
۳,۴۵	۳,۲۷	دسترسی به ایستگاه های اتوبوس
۲,۹۵	۳,۰۷	امور اجرایی حمل و نقل و ترافیک
۲,۵۹	۲,۹۸	مبلمان شهری
۲,۵۰	۳,۱۲	زیبا سازی و بهبود محیط کالبدی
۲,۷۴	۲,۸۶	ایجاد و نگهداری معابر
۲,۵۷	۲,۶۶	نظارت بر ساخت و سازها
۱,۹۵	۲,۴۳	فضاهای ورزشی و اوقات فراغت
۲,۶۲	۲,۲۶	جلوگیری از تکدی گری
۲,۲۹	۲,۴۶	مؤسسات فرهنگی
۲,۷۰	۲,۵۵	برگزاری مراسم و جشن ها
۱,۸۳	۱,۸۲	اطلاع رسانی و نظرخواهی
۲,۰۴	۲,۱۳	رسیدگی به شکایات

سطح رضایت عمومی

در این پژوهش، سطح رضایت عمومی (نهایی) شهروندان از سه طریق برآورد شده است که هر یک تأییدی بر دیگری است. در روش اول که آسان ترین راه است، پس از آشنایی پاسخ دهندگان با وظایف مدیریت شهری و پاسخگویی به ۱۷ مورد ذکر شده، از آن‌ها خواسته شد رضایت نهایی خود را از عملکرد مدیریت شهری در مقیاس ترتیبی لیکرت مشخص کنند. بر این اساس جدول زیر به دست آمده که با نسبت دادن اعداد یک تا پنج به پاسخ‌های خیلی کم تا خیلی زیاد، سطح رضایت نهایی شهروندان محلات باغ فردوس و

محمودیه برابر با ۲.۹۶ در مقیاس لیکرت (نزدیک متوسط) و سطح رضایت نهایی شهروندان محله منیریه برابر با ۲.۵۴ (بین کم تا متوسط) به دست آمده است. در حالت دوم، روشی که در بسیاری از شهرهای جهان رایج است به کار گرفته شد، به این صورت است که ابتدا رضایت آنان از هر یک از خدمات محاسبه شده و با به دست آوردن میانگین این اعداد، سطح رضایت نهایی ساکنان برآورد می‌شود. با این روش، سطح رضایت نهایی ساکنان محلات باغ فردوس و محمودیه برابر با ۲.۷۰ و سطح رضایت نهایی ساکنان محله منیریه برابر با ۲.۵۶ به

فراوانی پاسخ های شهروندان از میزان رضایت عمومی از عملکرد شهرداری محله مورد سکونت					
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
منطقه یک	۵	۱۰	۲۹	۱۲	۳
منطقه یازده	۹	۱۵	۳۲	۵	۰

دست آمده است. اما نکته ای که در این میان وجود دارد این است که تمامی خدماتی که از سوی مدیریت شهری به شهروندان ارائه می شوند دارای اهمیت یکسان نیستند. در واقع از نظر شهروندان شاید مواردی چون پاکیزگی محله، بسیار مهم تر از مبلمان شهری باشد؛ حتی بین شهروندان دو محله مختلف شهر نیز ممکن است تفاوت هایی در نگرش آنان نسبت به خدمات مختلف وجود داشته باشد. بر این اساس در روش سوم، با توجه به اهمیتی که هر یک از خدمات از دیدگاه مردم دارند و با پرسش از آنان، ضرایبی برای هر یک از این خدمات منظور گردیده است. برای مثال در نظر ساکنان محله منیریه، پاکیزگی محله بیشترین اهمیت را دارد و پس از آن، تأمین فضاهای ورزشی و احداث و توسعه فضای سبز در اولویت قرار دارند. در هر حال برای هر یک از ۱۷ مورد خدماتی که مدیریت شهری موظف به ارائه آن ها می باشد، ضرایبی از یک تا ۱۴ با توجه به فراوانی آن ها در اظهارات ساکنان در نظر گرفته شد. در برخی از موارد به دلیل اهمیت تقریباً مساوی، ضرایب یکسانی اختصاص یافته است. از دیدگاه ساکنان محلات باغ فردوس و محمودیه به ترتیب، رسیدگی به شکایات مردم، پاکیزگی محله و تأمین فضاهای ورزشی و روشنایی

معايير بیشترين اهميت را دارند. براي ۱۷ مورد خدمات در اين محلات نيز ضرايبي در نظر گرفته شد. در اين محلات تعداد خدمات با اهميت مساوي و در نتيجه ضرايب يکسان بيش از منيريه است. در نهايت سطح رضايت شهروندان محلات باغ فردوس و محموديه ۲.۶۴ و سطح رضايت شهروندان محله منيريه ۲.۴۱ در مقياس ليکرت برآورد شده است. جدول زير ميزان اهميت و ضرايب هر يک از خدمات را در دو محدوده ي مطالعاتي نشان مي دهد:

رابطه بين ويژگي هاي اجتماعي، اقتصادي پاسخ دهندگان و رضايت آنان

- جنسيت: در محلات باغ فردوس و محموديه، سطح رضايت زنان به مراتب بيش از مردان است، به طوري که فقط ۱۶ درصد از زنان رضايت کم تر از متوسط دارند. اين عدد در مورد مردان نزديک ۳۲ درصد يعني دو برابر است. سطح رضايت مردان در مقياس ليکرت برابر با ۲.۸۲ و سطح رضايت زنان معادل ۳.۱۶ است. اما در محله منيريه، مردان نسبت به زنان کمی راضي تر به نظر مي رسند. سطح رضايت در مردان برابر با ۲.۵۵ و در زنان ۲.۵۲ است.

- سن: در محلات باغ فردوس و محموديه بيشترين

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۱۵ ■

رسیدگی	اطلاع رسانی	مراسم	فرهنگی	تکدی گری	ورزشی	ساخت و ساز	خیابانها	زیباسازی	مبلمان	حمل و نقل	آب و برق	محل توقف	سد معبر	روشنایی	فضای سبز	پاکیزگی	
۱۱	۴	۱	۵	۵	۷	۲	۲	۴	۲	۴	۲	۵	۲	۷	۴	۸	فردوس و محمودیه
۸	۲	۴	۵	۱	۱۳	۱	۱	۵	۵	۱	۱	۶	۳	۶	۱۱	۱۴	منیریه

سطح رضایت مربوط به بازه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال و کم‌ترین آن مربوط به بازه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال است. شاید نتیجه به دست آمده را بتوان به بالا بودن سطح رفاه خانواده‌ها و به تبع آن دغدغه‌ی کم‌تر جوانان در این محله نسبت داد. نکته جالب توجه این است که بالاترین سطح رضایت در بین ساکنان محله منیریه مربوط به بازه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال است. در این محله افراد بالاتر از ۵۰ سال کم‌ترین رضایتمندی را از خدمات دارند.

- تحصیلات: رابطه بین سطح تحصیلات و میزان رضایتمندی در هر دو محله یکسان است به نحوی که بیشترین رضایتمندی در میان افراد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم وجود دارد و پس از آن، افراد با مدرک لیسانس و بالاتر قرار دهند. برخلاف انتظار، در هر دو محله، افراد با تحصیلات زیر دیپلم، رضایت کمی از خدمات ارائه شده دارند. این موضوع در محله منیریه بسیار ملموس است.

- آگاهی از وظایف مدیریت شهری: میزان آگاهی افراد از وظایف مدیریت شهری در هر دو محدوده، تقریباً یکسان و کمی بیش از متوسط است. در حالت کلی، کسانی که آشنایی زیادی با وظایف مدیریت شهری دارند عموماً سطح رضایت کم‌تری دارند. این پژوهش نشان می‌دهد رضایت افراد با میزان آگاهی متوسط و کم‌تر از آن برابر با ۲.۸۵ و رضایت افراد با میزان آگاهی بیش از متوسط برابر با ۲.۰۵ در مقیاس لیکرت است. هرچه سطح آگاهی شهروندان از وظایف مدیریت شهری افزایش یابد، انتظارات آنان نیز بیشتر می‌شود و در شرایط یکسان، رضایت آنان از سایر افراد کم‌تر خواهد بود. هرچند که سطح تحصیلات می‌تواند در افزایش آگاهی شهروندان تأثیرگذار باشد، اما عموماً شغل و میزان حضور افراد در فعالیت‌های اجتماعی، تأثیر بیشتری در میزان آشنایی آنان با خدمات و وظایف مدیریت شهری، حداقل در حوزه‌ی مربوط به آنان دارد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

از مقایسه نتایج به دست آمده در محلات مورد بررسی می‌توان دریافت که سطح رضایت عمومی شهروندان از ارائه‌ی خدمات شهری در محلات باغ فردوس و محمودیه بالاتر از رضایت ساکنین منیریه است. اما این

نتیجه‌گیری به چه معناست؟ در بسیاری از کشورهای جهان، گزارش‌هایی را که در مورد سطح رضایت شهروندان از خدمات مدیریت شهری (حکومت محلی) به دست می‌آید با عنوان کیفیت زندگی ساکنان منتشر می‌کنند. در برخی کشورها، نتایج این تحقیقات را به عنوان میزان شادمانی یا شاد زیستن مردم عنوان می‌کنند. اما آیا تعبیری مانند کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، قابلیت زندگی، شادمانی و غیره را می‌توان درباره‌ی چنین گزارش‌هایی در ایران نیز به کار برد؟ آیا خدماتی که مدیریت شهری ارائه می‌کند، حتی اگر به نحو احسن به شهروندان عرضه شود، ضامن دستیابی به کیفیت مناسب زندگی است؟

واقعیت این است که مفهوم کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده، چندبعدی و جامع است. بدیهی است هر یک از عوامل عینی موثر در کیفیت زندگی، نظیر زیرساخت‌ها، وضعیت مسکن، شرایط اقتصادی و اشتغال، کیفیت محیط و خدمات شهری و سایر عوامل، هر یک سهمی در تعیین سطح کیفیت زندگی دارند و برابندی تأثیرات این عوامل است که میزان رضایت مردم را تعیین می‌کند. در عین حال پراکندگی نهادهای تامین‌کننده زیرساخت‌ها و ارائه دهندگان خدمات شهری، به ویژه در مقیاس محلی و در حوزه خدماتی که بر زندگی مردم تأثیر مستقیم می‌گذارد موجب دشواری تعیین میزان تأثیر خدمات شهری بر سطح کیفیت زندگی دارد. به این مفهوم که ممکن است با وجود ارائه مناسب خدمات شهری، تغییر محسوس در سطح سایر عواملی که خارج از مسئولیت مدیریت شهری است، مانند امنیت اجتماعی، بی‌کاری یا تورم، بر قضاوت عمومی مردم نسبت به کیفیت زندگی و از آن طریق نسبت به کیفیت خدمات شهری تأثیر فراوان بگذارد.

بررسی سیر تطور نهاد مدیریت شهری در ایران نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف این نهاد در دوره کنونی، محدود بودن وظایف آن است. به طور کلی وظایف شهرداری‌ها در جهان روز به روز گسترده‌تر می‌شود و شهرداری‌ها به عنوان نهادهای محلی نشأت گرفته از خواست عمومی، وظایف بیشتری را بر عهده می‌گیرند. از مجموعه وظایف دارای سنخ محلی، تنها

وظایفی چون ارائه خدمات شهری، خدمات فرهنگی و تفریحی، نظارت و کنترل ساختمانی و تأمین بخشی از زیرساخت‌های شهری توسط شهرداری‌های ایران عرضه می‌شوند. دوایر محلی و استانی دولت مرکزی اغلب وظایف دارای سنخ محلی را رأساً عهده دار هستند. به عنوان مثال در حوزه‌ی تأمین زیرساخت‌های شهری، ساخت تأسیسات آب، برق، گاز و فاضلاب خارج از حیطه‌ی وظایف شهرداری هاست. خدمات پلیس، خدمات ثبتي، خدمات رفاه و تأمین اجتماعی و بهزیستی، خدمات بهداشتی، آموزش و تأمین مسکن تبر عهده وزارتخانه‌های دولت مرکزی است. حضورده‌ها سازمان دولتی عمل کننده در سطح شهرها در کنار شهرداری، وضعیت آشفته ای را از جهت هماهنگی در انجام وظایف و ارائه خدمات به وجود آورده است و هزینه‌های مضاعفی را به شهروندان تحمیل می‌کند. بنابراین سطح کیفیت زندگی در شهرهای ایران، ترکیب و برآیندی از خدمات مختلفی است که از طرف شهرداری و ده‌ها سازمان دولتی عمل کننده در سطح شهر ارائه می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نزدیک به ۸۵ درصد از ساکنان محلات باغ فردوس و محمودیه مایل هستند در محله‌ی خود بمانند، اما بسیاری از آنان علت را در این می‌بینند که این محلات جزء بهترین محلات شهر هستند. به نظر آنان در شهر تهران به ندرت نقاطی پیدا می‌شوند که وضعیتی مطلوب‌تر داشته باشند. در واقع اگر بخش‌هایی در شهر وجود داشته باشند که خدمات بهتری در آن‌ها ارائه شود و کیفیت زندگی بالاتر باشد، مایلند از محله خود نقل مکان کنند. ۴۰ درصد از ساکنان منیریه نیز تمایل خود را به ادامه زندگی در این محله اعلام کرده‌اند، اما اکثریت آنان تأکید کرده‌اند که این موضوع، ارتباطی با عملکرد مدیریت شهری ندارد. در واقع عواملی هم چون قدیمی بودن محله و عادت به زندگی در آن، ساکن بودن قشر عمدتاً مذهبی در آن و مانند اینها، دلیل اصلی این تمایل است. در واقع حتی اگر سطح رضایت شهروندان از خدمات مدیریت شهری تا حد خیلی زیاد هم برآورد شود نمی‌توان با اطمینان از رضایت کامل افراد و کیفیت بالای زندگی سخن گفت،

همان طور که نارضایتی افراد از خدمات عرضه شده نیز دلیلی بر تمایل آنان برای ترک محل زندگی خود نیست. به هر حال، نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه، فقط معیاری برای ارزیابی عملکرد مدیریت شهری از دیدگاه شهروندان است. حتی در صورت ایجاد مدیریت شهری یکپارچه نیز شاید نتوان با اطمینان از بالا یا پایین بودن کیفیت زندگی افراد و رضایت آنان سخن گفت. قطعاً در هر کشور و با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی آن، عوامل مختلفی سبب بالا یا پایین بودن سطح رضایت افراد از زندگی می‌شود، همان طور که در کشور ما ممکن است وجود یک عنصر ویژه یا داشتن همسایگانی خوب یا موارد دیگر، عواملی باشند که به طور آشکار یا پنهان در تمایل افراد به زندگی در محله ای تأثیرگذارند.

منابع

۱. برک پور، ناصر (۱۳۸۲) دانشنامه مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۵ و ۱۶.
۲. برک پور، ناصر؛ ایرج اسدی (۱۳۸۸) مدیریت و حکمروایی شهری، دانشگاه هنر، تهران.
۳. مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۸۵.
۴. مهندسین مشاور بافت شهر (۱۳۸۲) بررسی مسایل توسعه شهری منطقه ۱، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
۵. مهندسین مشاور پارت (۱۳۸۲) بررسی مسایل توسعه شهری منطقه ۱۱، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
۶. وست فال، ماتیو؛ دوپلا، ویکتوریا (۱۳۸۷) شاخص‌های شهری برای مدیریت شهرها، ترجمه و تنظیم سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
7. Akther, M., Islam, I., Uddin Hassan, M (2009) Evaluation of municipal services in selected wards of Dhaka City Corporation: citizen's perspective, Bangladesh.
8. Bo Gattis (2010) The Why's and How's of Citizen Satisfaction Surveys: An Examination of the Relationships between Data Use and Achieving Desired Outcomes Among National Citizen Survey Participants, USA
9. Center for Survey Research, the Ohio State University, College of Social and Behavioral

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

Sciences .2002. Report to the City of Columbus:2002 Citizen Satisfaction Survey, USA

10. Duffy,B (Ipsos) (2009) One world many places, Citizens views of municipal government and local areas across the world.

11. Gutiérrez Rodríguez, P.; Vazquez Burguete, J.; Vaughan, R.; Edwards, J.2009. The Transformation of Municipal Services: towards Quality in the Public Sector, Spain.

12. Ipsos (2009) Citizen Satisfaction Survey, the City of Calgary, Canada.

13. Janke, J (2009) Citizen Satisfaction Survey, Report to the City of Columbus, USA.

14. Montalvo, D (2009) Citizen Satisfaction with Municipal Services, USA.

15. Van Ryzin, G (2006) Pieces of a puzzle: Linking government performance, citizen satisfaction, and trust, USA.

16. Walker Michael H. (1996) How Are We Doing? Using Citizen Surveys To Improve Government Management, Berkshire Advisors, Inc, England

17. Zenker, S., Petersen, S., Aholt, A. (2009) Development and Implementation of the Citizen Satisfaction Index (CSI): Four Basic Factors of Citizens' Satisfaction, Germany.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط؛

مطالعه موردی: مسجد امیر تهران

علی اکبر تقوایی* - دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
سکینه معروفی - پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Evaluation of the Role of Mosques in Improve the Quality of Urban Environment; Case Study: Amir Mosque in Tehran

Abstract: In this article, the authors try to describe and explain the influence mosques on the quality of urban environment. The investigation is going to answer the following questions: whether mosques can affect the quality of the surrounding physical environment or not? Whether the socio-cultural and religious function of mosques affects their social environment such as social cohesion and the sense of locality? The Hypotheses of this research are as below: 1. It seems that the existence of the mosques affects the surrounding physical environment. 2. There is a meaningful relationship between the socio-cultural and religious function of the mosques and the level of social cohesion in the case under study. 3. There is a significant relationship between the existence of mosque in a neighborhood and the sense of locality. In order to examine the above hypotheses, Hazrat-e Amir mosque was selected as the case study and a questionnaire was prepared and then data were collected. The variables were determined and defined. Finally the responds were analyzed by SPSS. Based on the results, the third hypothesis was rejected and the other two were accepted.

Keywords: Mosque, Quality of Environment, Physical Environment, Social Cohesion, Sense of Locality

چکیده

«مسجد» یکی از عناصر مهم و تاثیرگذار در شهرهای اسلامی است، در طول تاریخ شکلگیری شهرهای اسلامی مساجد همواره به عنوان فضاهای عمومی مهم و مردمی دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی بوده و در زندگی مردم نقش محوری داشته‌اند. این مقاله بر آن است تا با مطالعه موردی بر روی یکی از مساجد شهر تهران ضمن تبیین جایگاه کیفیت محیط شهری و مولفه‌های آن، به ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط پردازد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین و ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط (اجتماعی و کالبدی) است. برای آزمون فرضیه‌های فوق، پس از انجام مطالعات نظری و پایه در خصوص ارائه تعاریف نظری و عملیاتی از متغیرهای تحقیق، به بررسی نمونه موردی (مسجد حضرت امیر در تهران) پرداخته شد. در این تحقیق، با تهیه پرسشنامه اطلاعات لازم در خصوص آزمون فرضیه‌های مورد نظر جمع آوری شده، سپس با استفاده از نرم افزار spss، داده‌های جمع آوری شده تجزیه و تحلیل گردید. بر اساس نتایج بدست آمده، فرضیه سوم رد شد و دو فرضیه اول و دوم مورد تایید قرار گرفت.

واژگان کلیدی: مسجد، کیفیت محیط کالبدی، کیفیت محیط اجتماعی، همبستگی اجتماعی، احساس تعلق به محیط.

مقدمه

در طی دهه‌های اخیر همزمان با فراگیر شدن مشکلات عدیده در شهرها به ویژه در کلان شهرها، مفاهیمی چون «افزایش کیفیت محیط» در ابعاد مختلف اجتماعی، کالبدی و اقتصادی در جهت تقابل با این مشکلات مطرح شده‌اند. امروزه، ارتقاء کیفیت محیط بویژه در محیط‌های شهری، هدف مهم اجرای طرحها و برنامه‌های شهری در کشورهای مختلف بشمار می‌رود و پرداختن به فضاهای شهری و افزایش توانمندیهای آنها از جمله ابزارهای مهم ارتقاء کیفیت محیط تلقی می‌شود. بر اساس تحقیقات انجام شده «میان فضاهای شهری و نحوه استفاده از آنها و کیفیت محیط، ارتباط معناداری وجود دارد». فضاهای شهری، می‌توانند ابزار و معیار مناسبی برای ارتقاء و سنجش میزان کیفیت محیط در جامعه به شمار آیند. توجه به محیط و نحوه اثرگذاری بر آن از جمله دغدغه‌های اندیشمندان عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و شهری است، که هر یک به نوبه خود در پی ارتقاء کیفیت محیط هستند. در این میان نقش شهرسازان (طراحان و برنامه ریزان) در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی به ویژه محیط‌های شهری، بارز و انکار ناپذیر است. کیفیت محیط یک مفهوم عام است که دارای دو جنبه کلی کالبدی و غیرکالبدی (سخت افزاری و نرم افزاری) می‌باشد. این دو عرصه، دارای ارتباطات و کنش‌های متقابل بر یکدیگر هستند. کار و عمل بر روی یکی مستلزم تلاش برای رفع نواقص دیگری و از سوی دیگر بهبود یکی از این دو، می‌تواند بهبود و ارتقاء دیگری را به دنبال داشته باشد. اینکه کدام عامل مهمتر است و کدام بر دیگری مقدم است و جریان تقدم و تاخر میان این دو بر چه منوالی است، از جمله سوالاتی است که همواره در محافل علمی مطرح بوده است. برخی از معماران و طراحان شهری کالبد را هم عرض محتوا می‌شمارند و معتقدند که این دو در کنار یکدیگر و در عرض همدیگر می‌توانند عمل کنند و حتی بر این باورند که گاه می‌توان با ایجاد کالبدی تاثیرگذار به تعریف و تحدید عملکرد و ارتباطات انسانی خاص اقدام کرد؛ در حالیکه عده دیگری بر این هم عرضی و یا تقدم کالبد اعتقاد ندارند و بر این باورند که روابط انسانی و به قولی

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۲۰ ■

مظروف بر ظرف تقدم دارد. اینان معتقدند، هر ظرفی و هر لباسی برای مظروفی و اندامی خاص تهیه می‌شود تهیه یک کالبد بدون توجه به شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده‌کنندگان آن کالبد به همان اندازه غیر منطقی است که تهیه یک لباس برای اندامی بدون توجه به ویژگیهای آن.

حال اگر بپذیریم که حد میانه ای برای این دو دیدگاه وجود دارد و این دو (شکل و شاکله) همزمان و هم عرض یکدیگر می‌توانند تعریف شوند، باید بدنبال جستجوی راهکاری باشیم که بتواند این دو را همزمان به میدان عمل وارد کند؛ هم راهکارهای اجتماعی را به منصف ظهور رساند و هم فرصتی برای ارائه راهکارهای کالبدی بوجود آورد. به نظر می‌رسد فضاهای شهری مأمن اصلی کاربرد این دیدگاه باشند. فضاهای شهری دو مقوله اجتماعی و فیزیکی را در برمی‌گیرند یا به عبارتی هر دو بعد «محیط مصنوع» و «محتوا» را شامل می‌شوند. فضای شهری عبارت است از مجموع یک سخت افزار (کالبد) و نظام اجتماعی که به مثابه یک نرم افزار در درون آن عمل می‌کند.

به این ترتیب فضاهای شهری می‌توانند به عنوان اصلی‌ترین خاستگاه بروز ایده توجه به کالبد در کنار توجه به روابط و کنش‌های اجتماعی مطرح گردند. در فضاهای شهری است که زندگی اجتماعی جوامع در درون آن و در چارچوب کالبدی خاص شکل می‌گیرد، لذا توجه و تاکید بر فضاهای شهری در برنامه ریزی و طراحی شهری برای ارتقاء کیفیت محیط از اهمیت خاصی برخوردار است. در این میان مسجد به عنوان یکی از عناصر مهم فضاهای شهری در شهرهای اسلامی می‌تواند نقش بسزائی در رسیدن به این هدف ایفا نماید (تقوایی و معروفی، ۱۳۸۹، ص ۵). در شهرهای اسلامی مسجد به دلیل پیشینه قوی در زمینه عملکردهای اجتماعی و اهمیت کالبدی، همواره به عنوان فضای شهری تاثیرگذار در میان سایر فضاهای شهری مطرح بوده است.

نقش مسجد در شکل‌گیری شهرهای اسلامی
واژه مسجد در قرآن، بیست و هشت بار آمده است و صریحاً از مسجد به عنوان مکانی که انسان مسلمان در آن

عبادت نموده و به وسیله آن ایمان به یگانگی خداوند را اظهار می‌دارد نام برده شده است (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). تکرار این واژه در قرآن و تاکید بر نقش آن نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسجد در دین اسلام و میان مسلمانان است. با مطالعه تاریخ و تمدن اسلامی در می‌یابیم که مساجد به عنوان عبادتگاه مسلمانان در طول اعصار از تحول و پویایی خاصی در کالبد و محتوا برخوردار بوده‌اند. این امر از طرفی ریشه در حس پرستش موجود در فطرت آدمی داشته و از طرف دیگر برخاسته از حس زیبایی دوستی انسانها می‌باشد. مسلمانان در طول زمان تلاش کرده‌اند این حس زیبایی دوستی را در کالبد مساجد به تصویر کشیده و به خلق فضاهایی بپردازند که ضمن برآورده کردن نیاز پرستش و عبادت برآورنده حس زیبایی شناختی آنان نیز باشد (سلیمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۶). همچنین انسانها بنا بر نیاز فطری خود مجبور به زندگی جمعی هستند، ضرورت بر طرف کردن این نیاز به حدی است که برخی معتقدند انسان بدون زندگی جمعی قادر به ادامه حیات نمی‌باشد و بقاء انسانی با زندگی جمعی او در آمیخته است (کوزر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). در طول تاریخ اسلام، مساجد در زندگی جمعی مسلمانان نقش مهمی داشته‌اند. شاید بتوان گفت در مقاطعی از تاریخ اسلام، مساجد یکی از مهمترین و منحصر بفردترین عناصر بروز زندگی جمعی بوده و به نوعی برقرار کننده ارتباط میان زندگی جمعی و مادی انسان و زندگی عبادی و فردی او بوده‌اند.

در ایران نیز مساجد از دیرباز نقش مهمی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی ایفا نموده‌اند. آنها از یک سوم محل برگزاری مراسم عبادی بوده‌اند و از سوی دیگر، مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می‌کرده و به حل و فصل امور مردم می‌پرداخته‌اند. در تاریخ شهرهای ایران، به وفور نمونه‌هایی از این نوع عملکرد دوگانه مساجد یافت می‌شود به گونه‌ای که برخی مورخان غیر بومی نیز به آن اشاره نموده‌اند. دروازه مسجد در ایران، با دو مناره در طرفین آن یادآور خاطره بهشت بوده که در میان دو مظهر متضاد تنها محور جهان است (امین زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲). مساجد همواره محل برقراری ارتباطات اجتماعی

در سطح محلات و شهرها بودند. بسیاری از کنش‌های اجتماعی و اقتصادی مردم نظیر آموزش (مسجد مدرسه ها) (همان، ص ۲۸)؛ و حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مساجد صورت می‌گرفت. حتی مساجد در زمینه امور سیاسی همواره به عنوان اهرم‌های کنترل و نظارت بر حاکمین سیاسی جامعه عمل می‌کردند (حاج سید جوادی، ۱۳۷۸، ص ۸۳)؛ به این ترتیب می‌توان گفت مسجد در جامعه ایرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و کالبدی تاثیر گذار بوده است.

علیرغم پیشینه قوی مساجد در عملکردهای مختلف و تاثیرگذاری آنها بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی جامعه، در حال حاضر از میزان تاثیرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مساجد کاسته شده است. به نظر می‌رسد از جمله علل این کاهش کم شدن دامنه فعالیت‌های مساجد در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و حتی مذهبی می‌باشد. همزمان با پیدایش سازمانها، موسسات و نهادهای گوناگون اجتماعی به مرور از میزان فعالیت‌های مساجد کاسته شده است به گونه‌ای که می‌توان گفت حتی در عرصه مذهبی نیز با توجه به فعالیت‌های فزاینده رسانه‌های ارتباط جمعی (صدا و سیما) و ارائه برنامه‌های مذهبی متعدد به تدریج عملکرد مساجد در این بعد نیز تحت الشعاع قرار گرفته است. همچنین رشد بی‌رویه شهرها و پدید آمدن قارچ‌گونه‌ی ساختمانهای بلند مرتبه و آسفتگی بصری موجود در منظر شهرها، عملکرد کالبدی مساجد نیز کم رنگ شده است. علیرغم واقعیت‌های موجود به نظر می‌رسد، هنوز برخی از مساجد در سطح شهرها و سکونتگاههای انسانی به دلایلی چون قدمت تاریخی مسجد، تعدد و تنوع فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن، ویژگیهای کالبدی بارز، مدیریت توانمند، پایگاه اجتماعی متولیان و امامان جماعت و موقعیت جغرافیایی خاص، دارای تاثیرات اجتماعی و کالبدی ویژه‌ای هستند؛ از جمله این مساجد، مسجد حضرت امیر در منطقه شش تهران می‌باشد.

مسجد حضرت امیر تهران یکی از بیست و شش مسجد موجود در منطقه شش تهران است. این مسجد در سال

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer



تصاویر ۱ و ۲. مسجد حضرت امیر؛
ماخذ: نگارندگان، تاریخ ۱۳۸۹.

۱۳۴۵ در خیابان امیر آباد شمالی سابق و خیابان کارگر شمالی فعلی تاسیس گردید. مسجد در حد فاصل میان دانشگاه تهران و کوی دانشگاه قرار گرفته است. این محدوده در زمان تاسیس مسجد، از تراکم جمعیتی و ساختمانی پایینی برخوردار بود. به گفته بانیان اولیه هدف اصلی تاسیس مسجد ایجاد جاذبه‌های فرهنگی و مذهبی عمدتاً برای دانشجویانی که در مسیر دانشگاه و کوی دانشگاه تردد می‌کردند و اقشار نسبتاً مرفه ساکن در این منطقه بود. زیر بنای مسجد حدود ۱۴۰۰ متر است که ۸۰۰ متر از آن توسط خیرین خریداری شد و مابقی نیز برای احداث مسجد اهداء شده است. طرح اولیه مسجد در سال ۱۳۴۲ توسط دکتر میرزا علی تهرانی ارائه گردید. طرح این مسجد از جمله طرح‌های مدرن دوران معاصر به شمار می‌رفت و مناره پلکانی و ورودی خاص، مسجد را به لحاظ کالبدی از مساجد دیگر متمایز می‌کرد. ساخت مسجد حدود چهار سال به طول انجامید و در سال ۱۳۴۵ مورد بهره برداری قرار گرفت. پس از احداث مسجد به دلیل موقعیت خاص آن و با هدف تاثیر گذاری بر روی طبقه دانشجویان و ساکنان نسبتاً مرفه منطقه از حجت السلام علوی تهرانی که از وعاظ به نام منطقه بازار تهران به شمار می‌رفت برای اقامه نماز و برپایی مجالس و عظ و سخنرانی دعوت شد. مرحوم آیت الله علوی تهرانی به مدت سی سال به عنوان امام جماعت مسجد حضرت امیر به انجام فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی همت گمارد. در حال حاضر نیز پس از فوت آن مرحوم فرزند ایشان به عنوان امام جماعت مسجد فعالیت می‌نمایند. بدلیل کمبود فضا و مشکلات ناشی از آن پیشنهاد توسعه کالبدی مسجد توسط هیات امنای مطرح شد و طرح توسعه مسجد در سال ۱۳۸۲ توسط مهندسين مشاور آسایش ارائه گردید. در طرح توسعه حیاط مسجد آن حفظ شد و توسعه در قسمت شمال غربی صورت گرفت. دو سالن اجتماعات و کتابخانه عمومی به طرح اولیه مسجد الحاق گردید. در حال حاضر مساحت مسجد ۱۴۰۰ متر و زیر بنای آن ۱۷۰۰ متر می‌باشد.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۲۲ ■

تحقیق ارزیابی نقش مسجد امیر بر روی کیفیت محیط پیرامون آن، با طرح سئوالات و فرضیه‌های زیر آغاز شد:
سئوالات، فرضیه‌ها و متغیرهای تحقیق عبارتند از:

الف) سئوالات

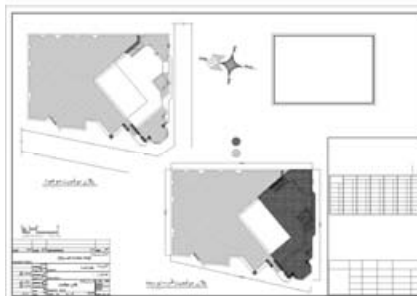
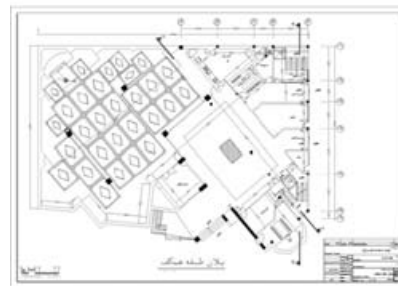
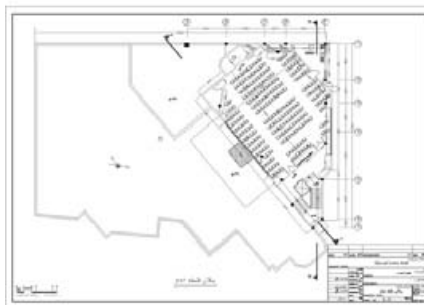
(۱) آیا فیزیک و کالبد مسجد حضرت امیر به لحاظ کالبدی بر افزایش کیفیت محیط کالبدی پیرامون خود تاثیر گذار است؟

(۲) آیا عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد حضرت امیر بر کیفیت اجتماعی محیط (انسجام اجتماعی و احساس تعلق به محیط) تاثیر گذار است؟

ب) فرضیه‌ها

(۱) به نظر می‌رسد میان وجود مسجد امیر و عناصر فیزیکی آن با کیفیت محیط کالبدی در منطقه مورد مطالعه ارتباط معنی داری وجود دارد.

(۲) به نظر می‌رسد میان عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد حضرت امیر و انسجام اجتماعی در



نقشه ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶. پلان موقعیت و طبقات مسجد امیر؛ ماخذ: مهندسین مشاور آسایش.

قدمتی به اندازه خود اسلام دارد. اولین مسجد با ورود پیامبر اسلام به مدینه پایه‌گذاری شد. بر اساس شواهد تاریخی صدر اسلام در تشکیل و ساخت مساجد توسط پیامبر (ص) از لحاظ توجه به ویژگیهای کالبدی آن از اهمیت بالایی برخوردار نبود. نخستین مساجد با نقشه‌ای ساده و مصالح بومی نظیر تنه، شاخ و برگ درختان نخل و گل در شبه جزیره عربستان بنا شدند سپس برای امنیت و حفظ و حراست مسلمانان از حمله دشمنان و آفتاب‌گرم، دیوارهای بیرونی تقویت گردید و پیشخوانی ستوندار با محلی برای اذان به آن اضافه شد (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۷۶). آنچه در زمان پیامبر اهمیت داشت نگاه و نگرش به اصلاح و ارتقاء شرایط فرهنگی و اجتماعی مردم جامعه بود. از این رو مسجد به عنوان

جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد. (۳) به نظر می‌رسد میان عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد حضرت امیر و احساس تعلق به محیط در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد.

ج) متغیرها

متغیرهای این تحقیق با توجه به فرضیه‌ها ذکر شده عبارتند از: متغیر مسجد و عناصر کالبدی آن، کیفیت محیط کالبدی، عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد، انسجام اجتماعی و احساس تعلق به محیط. تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پنجمانه تحقیق عبارتند از:

مسجد و عناصر کالبدی آن

مسجد نیایشگاه و محل گردهمایی مسلمانان است و

ابزار و وسیله ای مهم در این راستا مورد استفاده پیامبر اسلام قرار گرفت.

علیرغم اینکه در صدر اسلام، نقش کالبدی مساجد از اهمیت زیادی برخوردار نبود لیکن باگذشت زمان مسجد توانست از منظر کالبدی نیز به عنوان یک عنصر تاثیرگذار در شهرهای اسلامی عمل کند. تاثیر کالبدی مساجد به مرور به گونه ای خاص و پراهمیت گشت که در مقاطعی از تاریخ در شهرهای اسلامی، مسجد (به ویژه مسجد جامع) عنصر مهم در طرح و پلان اصلی شهر محسوب می شد و شریانه‌های مهم شهری به طرف فضای مسجد و ورودیهای آن جریان می یافت. مسجد به شهر اسلامی هویت می بخشید و به محیط شهری معنا می داد و موجب خوانایی و جهت دهی آن می شد. مسجد در شهر و محله به آن اعتبار کالبدی و اجتماعی می داد به نوعی که همین امر موجب افزایش میزان ارزش زمین های مجاور مسجد در گذشته می شد (همان، ص ۷۹).

در این تحقیق مسجد و عناصر کالبدی آن به عنوان متغیر مستقل می باشند که بر روی کیفیت محیط تاثیرگذار است.

عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد

دین اسلام، حدود چهارده قرن پیش در میان مردمی که به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به گواهی تاریخ یکی از جوامع عقب مانده و بدوی زمان خود به شمار می رفتند، ظهور کرد. حضرت محمد (ص) در میان چنین مردمی مامور ارائه و تشریح کامل ترین و پیشروترین دین الهی گشت. ایشان در اولین گام تشکیل حکومت اسلامی به ساختن مسجد اقدام نمودند. مسجد قبا و مسجد النبی به عنوان اولین مساجد امت اسلامی اگرچه به لحاظ کالبدی در اوج سادگی و خودبسندگی ساخته

شدند لیکن بر اساس اسناد و شواهد تاریخی در زمان نبی مکرم اسلام (حتی سالها پس از رحلت ایشان) مساجد فقط به عنوان محلی برای عبادت یا ارتباط با خدا استفاده نشدند، بلکه همواره در سیره نبوی مسجد علاوه بر عملکرد عبادی دارای عملکردهای متنوع دیگر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بوده است. تنوع و کثرت فعالیتها و عملکردهای اجتماعی مساجد در زمان رسول خدا به گونه ای بود که می توان گفت، مساجد در سیره نبوی عامل و وسیله ای برای تجلی دین اسلام و نمود عینی تلاش پیامبر (ص) برای ارتقاء زندگی اجتماعی مردم جامعه خود بودند.

مسجد در صدر اسلام از چنان اهمیت والایی برخوردار بود که عده ای معتقدند در زمان پیامبر (ص) مساجد در واقع الگویی از جامعه مطلوب دینی (در مقیاس کوچک) و زمینه ای برای فراهم آمدن فضایی مناسب برای تمرین شهروندی بوده اند (الویری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). مساجد همواره در طول تاریخ شکل گیری خود دارای اثرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه اسلامی بوده اند که در زمینه های گوناگون نظیر تقویت انسجام اجتماعی، ارتقاء مشارکت های مردمی، افزایش امنیت اجتماعی، ایجاد تنوع عملکردی و ارتقاء حس تعلق مکانی نقش داشته اند.

در محیط سنتی اسلام، استفاده از مسجد به گونه ای ایده ال بود، زیرا مسجد به عنوان مکانی چند منظوره برای عبادت و گردهمایی، قرائت قرآن، تصمیم گیری سیاسی و نیز مکانی برای استراحت مورد استفاده قرار می گرفت (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). به عنوان مثال، مسجد مدینه در صدر اسلام تنها برای ادای فریضه نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت های دینی و اجتماعی مسلمانان، همان مسجد بود (مطهری، ۱۳۴۹،



تصویر ۳. منحنی ارزش زمین در شاه جهان آباد؛ ماخذ: پور جعفر، ۱۳۸۱، ص ۸۱.

از عملکردهای دیگر مساجد می‌توان به کارکرد قضایی، کارکرد مددکاری اجتماعی، کارکرد فرهنگی و کارکردهای آموزشی اشاره کرد. یکی از مهمترین کارکردهای مساجد، کارکرد آموزشی بوده است که از بدو تاسیس مسجد، در درون آن جای گرفته است و همواره بانسب و فرازهایی به عنوان یکی از کارکردهایی که در درون و یا کنار مسجد قرار داشته مطرح می‌شود. در محیط سنتی اسلام فراگیری تمام معارف و احکام اسلامی، در مسجد انجام می‌گرفته است، همه گونه تعلیمات دینی و علمی، حتی امور مربوط به خواندن و نوشتن در آنجا آموزش داده می‌شد. تا آغاز قرن چهارم هجری غالباً مساجد، در غیر اوقات نماز، نقش مدارس را ایفا می‌کرده‌اند، حتی بعدها که مراکز تحصیلی از مساجد به مدارس منتقل گردید، باز مدارس در جنب مساجد ساخته می‌شد و از این طریق پیوند ناگسستنی دین و علم به نمایش گذارده می‌شد (حاج سید جوادی، ۱۳۸۷، ص ۸۶).

عملکرد دیگر مساجد، برپایی مراسم آیینی همچون برگزاری مراسم تعزیه خوانی، مراسم سوگواری، برگزاری مراسم دعا و نیایش در ایام ویژه است. اساساً به نظر می‌رسد در طراحی کالبدی و برنامه ریزی عملکردی مساجد همواره توجه خاصی به قابلیت انعطاف پذیری و تغییر عملکرد برای فضا در نظر گرفته می‌شده است. برای این منظور معمولاً در شهرهای اسلامی، مساجد از نظر دامنه، تنوع و حوزه عملکردی آنها به انواع مختلفی تقسیم می‌شدند که مساجد جامع، مساجد متوسط محله‌ای، مساجد کوچک و مسجد مدرسه‌ها از آن جمله هستند. همچنین مساجد در طول تاریخ اسلام دارای کارکرد سیاسی نیز بوده‌اند، همیشه مساجد به مثابه ابزار نظارتی برای حاکمان عمل می‌کرده‌اند و آنان همواره برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود مجبور به نزدیکی مساجد و عالمان و قدرتهای مذهبی بودند. از این رو، حاکمان سیاسی هرگاه از عالمان و قدرتهای مذهبی دور می‌شدند و از حمایت‌های آنها محروم می‌شدند سعی در ایجاد مساجد و قدرتهای مذهبی وابسته به خود می‌نمودند که از آنها به عنوان مساجد

همچنین کاربریهای گوناگون اطراف مسجد بیانگر جو فعال و پویا و ارزش بالای زمین در اطراف مسجد جامع بود؛ به گونه ای که کاربریهای تجاری، فرهنگی (انجمن‌های گوناگون، کتابخانه) جهانگردی (مهمانسراها و رستورانها و غیره) و خرده فروشیهای دیگر (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۷۹) سبب افزایش میزان مطلوبیت محیط برای افراد جامعه می‌شده است. در این تحقیق عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی به عنوان متغیر وابسته بوده و از طریق شاخص‌هایی چون برپایی آیین‌های مذهبی، جلسات سخنرانی، کلاسهای آموزشی، برگزاری اردوهای مسافرتی، وجود کتابخانه، بنیاد خیریه، صندوق قرض الحسنه و کمک به نیازمندان برای سنجش عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در مسجد استفاده شد.

کیفیت محیط کالبدی

کیفیت محیط کالبدی از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت برای اولین بار توجه به کیفیت محیط کالبدی در نوشته‌های «کوین لینچ» مطرح شد. وی در مورد کیفیت محیط شهرها می‌گوید: «برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تامین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مرفه و مطلوب سازد» (لینچ، ۱۳۷۴، پیش گفتار). وی رابطه متقابل و تاثیر کیفیت محیط شهری بر کیفیت زندگی ساکنان شهرها را مورد تاکید قرار داده است. لینچ معتقد است، اگر بناست برنامه ریزی و طراحی شهری مفید واقع گردد، بنابراین باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری رساند (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۴۳). لینچ مدلی شامل ۵ محور عملکردی که از نظر او کلیه محوره‌های اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می‌دهند به همراه دو فوق معیار «کارایی»



و «عدالت» به عنوان مدل جامع کیفیت شهر پیشنهاد می‌کند. از نظری شهر زمانی مطلوب است که:

- «سرزنده باشد» (پایدار، ایمن و هماهنگ)؛ و
- «معنی دار باشد» (قابل تشخیص، سامان یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل درک و با اهمیت)؛ و
- «متناسب باشد» (انطباق نزدیک شکل و رفتار)؛ و
- «قابل دسترس باشد» (متنوع، عادلانه و قابل اداره کردن در سطح محلی باشد)؛ و
- «به خوبی نظارت شده باشد» (سازگار، مطمئن، جوابگو و به طور متناوب نرم و آزاد باشد). همه این‌ها باید با عدالت و کارایی درونی حاصل شود (همان، ص ۳۰۷).

«دیوید کانتر»^۲ صاحب نظر دیگری است که در زمینه کیفیت محیط، به ارائه نظریه پرداخته است. وی مدلی را برای مولفه‌های سازنده کیفیت محیط مطرح کرد که به مدل مکان شهرت دارد. در این مدل کانتر عنوان می‌کند که محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آن جا که کیفیت محیط شهری یک مکان، ناگزیر از پاسخ دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، می‌توان مولفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مولفه‌هایی به موازات مولفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر با اقتباس از نظریه مکان کانتر میتوان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مولفه که هر یک از آن‌ها مسئول برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه گانه کالبدی، فعالیت و تصویری محیط شهر می‌باشند (گلکار، ۱۳۸۰، ص ۴۳).

«ساوت ورث» نیز دوازده معیار کلی را به عنوان عوامل اصلی موثر در کیفیت محیط شهری مطرح می‌کند. همچنین پروفیسور «دوهل» استاد دانشگاه برکلی در اواسط دهه گذشته در کنفرانسی در شهر تورنتوی کانادا ده معیار را به عنوان ویژگی‌های کیفیت محیط شهرها ارائه کرد:

- «بالا بودن سطح بهداشت بر اساس شاخص‌های قابل قبول بهداشتی»؛ و
- «وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترس برای کلیه ساکنین»؛ و
- «بالا بودن کیفیت کالبد محیط مسکن»؛ و
- «وجود اکوسیستم‌های سالم»؛ و
- «وجود محلات فعال و معنی دار»؛ و
- «رفع نیازهای اولیه هر شهروند»؛ و
- «وجود روابط اجتماعی در حد معقول»؛ و
- «وجود اقتصاد متنوع و خودکفا»؛ و
- «تنوع فعالیت‌های فرهنگی» (طبیعی و بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

سایت PPS.org (Projects for Public Spaces) یک موسسه تخصصی برای طراحی و احیای فضاهای عمومی شهری است، معیارهای زیر را برای افزایش کیفیت محیط‌های شهری عنوان می‌کند. برخی نیز بالا بودن کیفیت محیط شهر را در گرو ویژگی‌های زیر عنوان کرده‌اند:

- کلیه نیازهای ساکنین خود را تامین کند؛
- دارای ایمنی، امنیت و حفاظت بوده و از نظر بصری و

شادی و شغف	سرزندگی و حیات	راحتی و آسایش	دسترسی
معنی	تنوع و تجانس	حفاظت از محیط	شکل
سلامتی و ایمنی	مرمت و نگهداری	باز بودن فضاها	خوانایی ساخت

تصویر ۴. معیارهای کیفیت محیط شهر از دیدگاه ساوت ورث؛ ماخذ: بحرینی و طبیعیان، ۱۳۷۷، ص ۴۴.

معاشرت پذیری - نمایش فرهنگی بیشتر - تبادل و حفظ اطلاعات ،
دانش و ارزش ها - کاهش موانع قومی و طایفه ای - احساس اتحاد



برخوردهای معنی دار
اجتماعی

تشکیلات اجتماعی بزرگ - احساس سربلندی و غرور - جاودانگی
ارزش ها - نیاز کمتر به کنترل شهرداری - مدیریت خودگردان



معرفی هویت اجتماعی

منظر خوب - محیط هیجان آور - احساس تعلق به محیط - ایمنی
بیشتر - کیفیت محیط بهتر - احساس آزادی



افزایش احساس راحتی

پیاده روی راحت - ایمنی برای عابرن پیاده - سازگار با حمل و
نقل عمومی - کاهش نیاز به اتومبیل و پارکینگ - استفاده بهتر از
زمان و پول



دسترسی های خوب

اختلاط قوم ها و فرهنگ ها - دسترسی به فعالیت ها و کاربری ها -
واحدهای سرویس دهنده به استفاده کنندگان از فضا - تشویق به
خلاقیت اجتماع



جذب اقشار مختلف

کارآفرینی در مقیاس کوچک - دستیابی به کالاهای با کیفیت بهتر -
ارزش های ملکی خوب - ارزش های محلی - سرعت رشد



حمایت اقتصادی

تصویر ۵. معیارهای موسسه PPS برای افزایش کیفیت محیط شهرها؛ ماخذ: سایت PPS.org

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۲۷

همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی از جمله مفاهیمی است که در دهه های اخیر در میان نویسندگان و نظریه پردازان رشته های مختلف در زمینه های علوم انسانی رواج پیدا کرده است. اصطلاح همبستگی اجتماعی (social cohesion) برای نخستین بار توسط «امیل دورکیم» جامعه شناس فرانسوی مطرح شد (کورز، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱). همبستگی اجتماعی در واقع شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه و جامعه است و بعبارتی کشش (احساس تعلق و هم سرنوشتی) بین اعضای گروه و جامعه را نشان می دهد.

همبستگی اجتماعی عاملی است برای تسهیل ارتباطات اجتماعی با وجود چنین عاملی شهروندان می توانند با یکدیگر روابط متقابل داشته و از پیامدهای مثبت آن سود ببرند. از این مفهوم تحت عنوان چسب اجتماعی نیز نام برده می شود که افراد و گروهها را در کنار یکدیگر نگه می دارد. این چسب در واقع همان ارتباطات میان افراد یک گروه است که شامل تعاملات، شبکه ها و ظرفیت ها می شود. بدون چنین چسبی ما در واقع فقط با یک گرد همایی انسانها در کنار یکدیگر مواجهه هستیم (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۷۶). به نظر می رسد که همبستگی اجتماعی

عملکردی محیطی سامان یافته و بانظم باشد؛

- محیط اجتماعی هدایت کننده باشد و حس مکان را تقویت نماید؛

- دارای یک تصویر ذهنی مناسب، شهرت و اعتبار خوب باشد و به مردم حس اعتماد و منزلت دهد؛

- به مردم فرصت خلاق بودن، شکل دادن به فضای شخصی و بیان خودشان را بدهد؛ طراحی شده، از نظر زیبایی شناسی مطبوع بوده و از نظر کالبدی قابل تصور باشد (براندی و هیلدر، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

بر اساس مطالعه ای که توسط موسسه PPS بر روی بیش از ۱۰۰۰ فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان انجام داده شد، مطالعه کنندگان به این نتیجه رسیدند که ۴ عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند که این عوامل عبارتند از:

الف- دسترسی و به هم پیوستگی؛ ب- آسایش و منظر؛ ج- استفاده ها و فعالیت ها؛ د- اجتماع پذیری (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴). در این تحقیق متغیر کیفیت کالبدی محیط از طریق شاخصهایی چون هویت، خوانایی، جهت داری، نشاط و سرزندگی محیط و معنی داشتن مورد ارزیابی قرار گرفت.

دارای معنای گسترده‌ای بوده و ابعاد و سطوح مختلفی را در برگیرد. همبستگی اجتماعی را در سطح محله ای در سطح شهری و در سطح ملی می توان بررسی کرد. همچنین می توان همبستگی اجتماعی را در پیوندهای همسایگی و شبکه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مدنی شهروندان جستجو کرد.

برای بررسی همبستگی در میان گروهها و جوامع معیارهای گوناگونی ارایه شده است به نظر می رسد این معیارها با توجه به این که چه سطحی از همبستگی مورد توجه باشد، متفاوت است. در همبستگی‌های ملی معیارهای کلان، چون ارزشهای ملی و مذهبی مشترک، اهداف، زبان، تاریخ، فرهنگ، مذهب و ملیت مشترک عواملی هستند که سبب ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح کلان می شوند، در حالی که در سطوح خرد و میانی علاوه بر عوامل فوق الذکر عوامل دیگری نیز دخیل می باشند.

در سطح محله ای همبستگی اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای غیر رسمی حاکم بر آنها مطرح می شود. در مقیاس خرد همبستگی اجتماعی را با گروه‌ها و نهادهای محلی همچون انجمن ها، باشگاهها و تشکلهای مردمی، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان یک محله، میزان و شدت پیوندهای همسایگی، وجود شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیر رسمی در محله، مشارکت‌های مردمی در محله و وجود اعتماد اجتماعی میان افراد محله ارزیابی می کنند (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱). انسجام اجتماعی از مولفه‌های اصلی سرمایه‌های اجتماعی بشمار می رود. امروزه سرمایه‌های اجتماعی موتور محرکه برای حرکت بسوی توسعه پایدار به شمار می رود. در این تحقیق همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته بوده و از طریق سه شاخص روابط دوستی و همسایگی، مشارکت‌های اجتماعی و میزان اعتماد به افراد و گروه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می گیرد.

احساس تعلق به محل

احساس تعلق به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله

احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسانهاست. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی حس تعلق اجتماعی، زبان و چارچوبی را به وجود می آورد که بوسیله آن ما نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروهها و اجتماعات دانش و آگاهی پیدا کنیم. وجود این حس سبب می گردد از یک سو فرد در جامعه و محیط به شکل بالنده و پویا عمل نماید. از سوی دیگر موجب می گردد که فرد، گروه و جامعه و مکان (محله، شهر و غیره) را متعلق به خود دانسته و در جهت اعتلا، ارتقاء و توسعه آن بکوشد. داشتن حس تعلق منجر به ایجاد حس داشتن سرنوشت مشترک می شود، حسی که از نظر روانشناسی موجب ایجاد همکاری، تعاون و مشارکت در میان اعضاء یک گروه و جامعه می گردد.

حس تعلق به محیط و مکان (محله و شهر) نیز نوعی از احساس تعلق است. وجود این حس ضمن اینکه برای فرد نوعی تشخیص و بالندگی را به همراه دارد سبب می شود که ساکنان در فعالیت‌های اجتماعی مربوط به مکان مورد نظر احساس مسئولیت کرده در آن مشارکت نمایند؛ به عبارتی حس تعلق مکانی میزان مشارکت پذیری افراد یک محله یا شهر را در امور مربوط به آن افزایش می دهد. (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۶۸). حس تعلق محله ای با تاثیر گذاشتن بر روی میزان مشارکت‌های اجتماعی در محله باعث تسریع و تسهیل در جریان توسعه محله ای می شود. از این رو می توان گفت حس تعلق خاطر محله ای در کنار عامل همبستگی اجتماعی در محله می تواند نقش مهمی در توسعه کالبدی و اجتماعی آن داشته باشد. در این تحقیق احساس تعلق داشتن به محله، متغیر وابسته است که با سه شاخص میزان رضایت از محله، تمایل به ادامه زندگی در محله، آگاهی نسبت به اتفاقات محله، مورد ارزیابی قرار می گیرد.

داده‌های تحقیق

برای انجام این تحقیق و آزمون فرضیه ها، ابتدا متغیرهای هر یک از فرضیه‌ها مشخص گردید. برای متغیرها تعاریف نظری و عملیاتی ارائه شدند. با مشخص شدن شاخص‌های هر متغیر، پرسشنامه‌ها تهیه و

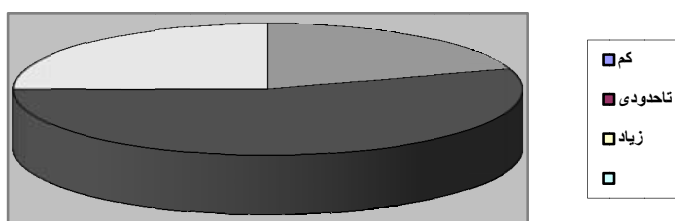
اطلاعات مورد نظر از جامعه آماری (به طور تصادفی از میان چهل نفر از ساکنین منطقه و نمازگزاران مسجد امیر تهران) جمع آوری شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS داده‌های بدست آمده تجزیه و تحلیل گردید در ادامه نتایج حاصل از تجزیه تحلیل اطلاعات جامعه آماری بیان می‌شود.

در این تحقیق پنج متغیر: «۱- ویژگیهای کالبدی مسجد؛ ۲- کیفیت محیط کالبدی؛ ۳- عملکردهای اجتماعی- فرهنگی و مذهبی مسجد و ۴- انسجام اجتماعی و ۵- احساس تعلق داشتن به محیط»، مورد توجه قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که در جامعه آماری مورد مطالعه همبستگی و انسجام نسبتاً بالایی میان افراد وجود دارد. با توجه به جدول شماره یک بیشترین درصد فراوانی متعلق به طبقه متوسط است که فراوانی آن برابر است با ۲۲ و ۵۵٪ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد،

و کمترین درصد فراوانی متعلق به دسته کم می‌باشد که فراوانی آن ۸ بوده و ۲۰ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد. بنابر این در جامعه مورد مطالعه می‌توان گفت که میزان انسجام اجتماعی در حد متوسط می‌باشد. میزان احساس تعلق به محله در جامعه آماری در حد متوسط و بالاتر از میزان تعلق محله‌ای پایین‌تر است به عبارت دیگر با توجه به جدول شماره دو بیشترین درصد فراوانی متعلق به طبقه متوسط (تا حدودی) است که فراوانی آن برابر است با ۲۱ و ۵۲.۵٪ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد، و کمترین درصد فراوانی متعلق به دسته کم می‌باشد که فراوانی آن ۷ بوده و ۱۷.۵ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد؛ بنابر این در جامعه مورد مطالعه میزان متوسط احساس تعلق به محله بیشتر از دو طبقه دیگر یعنی احساس تعلق کم و احساس تعلق زیاد می‌باشد

جدول ۱. میزان همبستگی اجتماعی در جامعه آماری مورد مطالعه

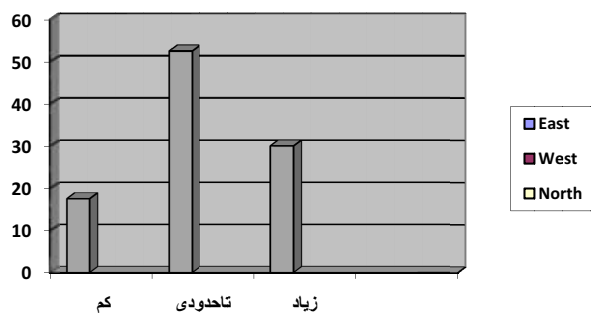
شرح	فراوانی	درصد	فراوانی مطلق	فراوانی تجمعی
کم	۸	۲۰	۲۰	۲۰
تاحدودی	۲۲	۵۵	۵۵	۷۵
زیاد	۱۰	۲۵	۲۵	۱۰۰
جمع	۴۰	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار ۱. میزان همبستگی اجتماعی در جامعه آماری مورد مطالعه

جدول ۲. میزان احساس تعلق به محله در جامعه آماری مورد مطالعه

شرح	فراوانی	درصد	فراوانی مطلق	فراوانی تجمعی
کم	۷	۱۷,۵	۱۷,۵	۱۷,۵
تاحدودی	۲۱	۵۲,۵	۵۲,۵	۷۰
زیاد	۱۲	۳۰	۳۰	۱۰۰
جمع	۴۰	۱۰۰	۱۰۰	



نمودار ۲. میزان احساس تعلق به محله در جامعه آماری مورد مطالعه

میزان رضایت از کیفیت محیط کالبدی در جامعه آماری مورد مطالعه نیز بالا می‌باشد؛ بطوریکه با توجه به جدول شماره سه بیشترین درصد فراوانی متعلق به طبقه سوم یعنی متعلق به افرادی است که کیفیت محیط کالبدی منطقه خود را مناسب ارزیابی کرده‌اند که فراوانی آن ۹ بوده و ۲۲.۵ درصد جامعه آماری را شامل می‌شود؛ بنابراین در جامعه مورد مطالعه افرادی که کیفیت محیط کالبدی را مناسب ارزیابی کرده‌اند از دو طبقه دیگر بیشتر بوده است. آزمون فرضیه اول: میان وجود مسجد و ویژگیهای

میزان رضایت از کیفیت محیط کالبدی در جامعه آماری مورد مطالعه نیز بالا می‌باشد؛ بطوریکه با توجه به جدول شماره سه بیشترین درصد فراوانی متعلق به طبقه سوم یعنی متعلق به افرادی است که کیفیت محیط کالبدی منطقه خود را مناسب ارزیابی کرده‌اند که فراوانی آن برابر است با ۱۷ و ۴۲.۵ درصد جامعه آماری را در بر می‌گیرد، و

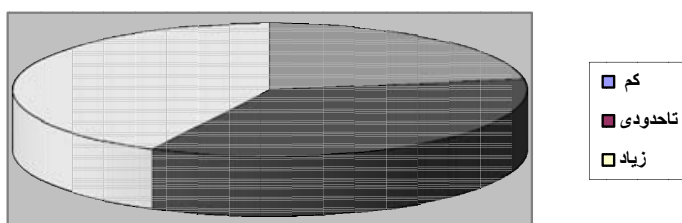
جدول ۳. کیفیت محیط کالبدی از نظر افراد جامعه آماری مورد مطالعه

فراوانی	فراوانی مطلق	درصد	فراوانی	شرح	کیفیت محیط کالبدی
۲۲,۵	۲۲,۵	۲۲,۵	۹	نامناسب	کیفیت محیط کالبدی
۵۷,۵	۳۵	۳۵	۱۴	تاحدودی مناسب	
۱۰۰	۴۲,۵	۴۲,۵	۱۷	مناسب	
	۱۰۰	۱۰۰	۴۰	جمع	

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۳۰



نمودار ۳. کیفیت محیط کالبدی از نظر افراد جامعه آماری مورد مطالعه

جدول ۴. بررسی ارتباط میان متغیر ویژگیهای کالبدی مسجد و متغیر کیفیت کالبدی محیط

جمع	کیفیت کالبدی محیط			شرح
	مناسب	تاحدودی	نامناسب	
۸	۰	۰	۸	نامناسب ویژگیهای کالبدی مسجد
۱۴	۱	۱۳	۰	تاحدودی مناسب
۱۸	۱۶	۱	۱	مناسب
۴۰	۱۷	۱۴	۹	جمع

جدول ۵. بررسی همبستگی میان دو متغیر ویژگیهای کالبدی مسجد و کیفیت کالبدی محیط با استفاده از آزمون خی دو

	Value	df	Asymp. Sig. (۲-sided)
Pearson Chi-Square	۶۴,۰۸	۴	.۰۰۰
Likelihood Ratio	۶۲,۸۰	۴	.۰۰۰
Linear-by-Linear Association	۲۹,۹۹	۱	.۰۰۰
N of Valid Cases	۴۰		

جدول ۶. بررسی ارتباط میان متغیر همبستگی اجتماعی و متغیر عملکردهای اجتماعی و فرهنگی

جمع	همبستگی اجتماعی			شرح	عملکردهای اجتماعی و فرهنگی
	زیاد	تأحدودی	کم		
۱۲	۲	۳	۷	کم	
۱۳	۱	۱۱	۱	تأحدودی	
۱۵	۷	۸	۰	زیاد	
۴۰	۱۰	۲۲	۸	جمع	

جدول ۷. بررسی همبستگی میان دو متغیر عملکردهای اجتماعی و فرهنگی و مذهبی مسجد با متغیر انسجام اجتماعی با استفاده از آزمون خی دو

	Value	df	Asymp. Sig. (۲-sided)
Pearson Chi-Square	۲۱,۵۵	۴	.۰,۰۰۰
Likelihood Ratio	۲۲,۰۸	۴	.۰,۰۰
Linear-by-Linear Association	۱۱,۴۲	۱	.۰,۰۰۱
N of Valid Cases	۴۰		

کالبدی آن با کیفیت محیط کالبدی در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون خی دو میزان X^2 برابر ۶۴,۰۸ و درجه آزادی برابر است با ۴ و در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری برابر است با ۰ که این مقدار از ۰/۰۵ کوچکتر است. به عبارت دیگر با اطلاعات کالبدی آن با کیفیت محیط کالبدی در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد.

موجود فرضیه صفر (بین متغیر ویژگیهای کالبدی مسجد و کیفیت کالبدی محیط رابطه معنی داری وجود ندارد) رد شد و در مقابل فرضیه یک تایید گردید.

H1: بین متغیر مسجد و ویژگیهای کالبدی مسجد با متغیر کیفیت کالبدی محیط رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون فرضیه دوم: میان عملکردهای اجتماعی، فرهنگی

جدول ۸. بررسی ارتباط میان متغیر کیفیت کالبدی محیط و متغیر احساس تعلق به محیط

جمع	احساس تعلق			شرح
	زیاد	تاحدودی	کم	
۹	۲	۷	۰	کم
۱۴	۲	۸	۴	تاحدودی
۱۷	۸	۶	۳	زیاد
۴۰	۱۲	۲۱	۷	جمع

جدول ۹. بررسی همبستگی میان دو متغیر کیفیت کالبدی محیط با متغیر احساس تعلق به محیط با استفاده از آزمون خی دو

	Value	df	Asymp. Sig. (۲-sided)
Pearson Chi-Square	۷,۶۵۰	۴	.۱۰۵
Likelihood Ratio	۹,۱۰۰	۴	.۰۵۹
Linear-by-Linear Association	.۳۴۸	۱	.۵۵۵
N of Valid Cases	۴۰		

و مذهبی مسجد و همبستگی اجتماعی در جامعه آماری احساس تعلق افراد به محیط در جامعه رابطه معنی داری وجود دارد. رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به نتایج آزمون خی دو میزان X^2 برابر است با ۲۱.۵۵ و درجه آزادی برابر است با ۴ و در فاصله اطمینان ۹۵٪ سطح معناداری برابر است با صفر که از ۰/۰۵ کوچکتر است. به عبارت دیگر با اطلاعات موجود فرضیه صفر (بین متغیر عملکردهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مسجد و همبستگی اجتماعی در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود ندارد) رد شد و در مقابل فرضیه تحقیق تایید شد:

H1: بین عملکردهای اجتماعی فرهنگی مسجد و میزان همبستگی اجتماعی در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود دارد.
H0: بین عملکردهای اجتماعی فرهنگی مسجد و میزان انسجام اجتماعی در جامعه آماری رابطه معنی داری وجود ندارد.

آزمون فرضیه سوم: میان کیفیت محیط کالبدی و

نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به مطالعه انجام شده در خصوص مسجد حضرت امیر تاثیر مسجد بر کالبد پیرامون آن تایید گردید بر این اساس می توان در ایجاد و تحکیم هویت، خوانایی، معنا بخشی و جهت دهی به محیط کالبدی پیرامون خود نقش موثر داشته باشد. با نظارت بر ساخت و سازهای پیرامون مسجد و همچنین تقویت حضور کالبدی مسجد در فضای می توان بر اهمیت مسجد در این زمینه افزود. اگر بخواهیم شهر اسلامی دارای هویتی متمایز از شهرهای دیگر باشد، بی شک مساجد یکی از مهمترین ابزارهای پرداختن به هویت کالبدی در شهر اسلامی خواهد بود. حضور پر رنگ کالبدی مساجد موجب هویت بخشی به شهرهای اسلامی می شود.

همچنین با توجه به نتایج این تحقیق ارتباط میان سطح عملکردی مساجد در حوزه های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی با میزان همبستگی اجتماعی در میان ساکنین منطقه تایید شد. به عبارت دیگر هرچه بر میزان کمیت و کیفیت فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و مذهبی مسجد افزوده شده و افراد بیشتری در انجام این فعالیت ها درگیر شوند، میزان همبستگی اجتماعی ساکنین منطقه تقویت خواهد شد، همبستگی اجتماعی از مولفه های سرمایه های اجتماعی است. امروزه سرمایه های اجتماعی بعنوان موتور محرکه حرکت جامعه به سوی توسعه پایدار بشمار می رود؛ لذا می توان گفت تقویت و گسترش فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مساجد موجب تسریع و تسهیل حرکت جامعه اسلامی به سوی توسعه پایدار خواهد شد.

مسجد به عنوان خانه خدا فضای مناسبی برای تجمع کلیه افراد یک محله در آن است، از سوی دیگر مساجد سرمایه های عظیم کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در سطح شهرها و سکونتگاه های اسلامی می باشند. عدم استفاده بهینه از این سرمایه های گرانقدر مصداق عینی اسراف و تبذیر در اموال مسلمین بشمار می رود. لذا تلاش در جهت استفاده هر چه بهتر و بیشتر از این سرمایه های ملی و مذهبی وظیفه ای بر دوش دست اندرکاران امور مربوطه است. برای رسیدن به این هدف لازم است عده ای از متخصصان امور مختلف اجتماعی،

نظیر کارشناسان آموزشی، شهرسازی، جامعه شناسی، روانشناسی در تشکل های مردمی داوطلبانه برای کمک و همفکری در اداره امور مساجد مشارکت نمایند. همفکری و مشارکت این افراد می تواند زمینه های گسترش فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مساجد را فراهم نماید. به طور کلی می توان گفت برای رسیدن به هدف استفاده بهینه از مساجد اصلاح سیستم مدیریتی مساجد و استفاده از تیم کارشناسی در اداره آن لازم و ضروری است. با انجام این امر می توان در زمینه های ارتقاء و افزایش اثرگذاری مساجد در زمینه های کالبدی و عملکردی نیز اقدام نمود.

منابع

- ۱- الوانی، سید مهدی و سید تقوی، میر علی (۱۳۸۱) سرمایه های اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۳.
- ۲- الویری، محسن (۱۳۸۵) مسجد الگوی جامعه دینی، مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش هفته جهانی مساجد (فروغ مسجد) سال ۱۳۸۵.
- ۳- امین زاده، بهناز (۱۳۷۸) حیاط مساجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر ۱۳۷۸.
- ۴- بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- براند فری، هیلدر (۱۳۸۳) طراحی شهری به سوی یک شکل پایدارتر شهر، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۶- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۱) توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر، شماره سال ۱۳۸۱.
- ۷- تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.
- ۸- حاج سید جوادی، فریبرز (۱۳۷۸) مسجد مدرسه ها، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

- ۹- بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
- ۱۰- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهاى عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
- ۱۱- سلیمانی، محمد جواد (۱۳۷۸) معماری مسجد، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر آذرماه ۱۳۷۶.
- ۱۲- کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.
- ۱۳- گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
- ۱۴- لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- مرتضی، هشام (۱۳۸۷) اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۱۶- مطهری، مرتضی (۱۳۴۹) خدمات متقابل اسلام و ایران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۷- موسوی، سید احمد (۱۳۸۵) برنامه ریزی توسعه محله ای با تاکید بر سرمایه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: کوی طلاب شهر مشهد)، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۸- مهندسین مشاور آسایش (۱۳۸۴) گزارش طرح توسعه مسجد امیر ۱۳۸۳.
- ۱۹- نوری، مهدی (۱۳۷۸) تحلیل جامعه شناختی مسجد، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۳.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۳۴ ■

شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت‌های فرسوده با رویکرد گردشگری در

برنامه‌ریزی شهری؛ «نمونه موردی محله امامزاده یحیی، ناحیه ۲، منطقه ۱۲ شهرداری تهران»

محسن رفیعیان* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمدرضا بمانیان - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مجتبی رفیعیان - دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

ظهور نظریات «توسعه درون‌زا» از اوایل قرن بیستم تاکنون نیاز به مرمت بافت‌های فرسوده درونی شهرها را الزامی می‌کند. بافت‌های واجد ارزش، با وجود ارزش‌های محتوایی (تاریخی، فرهنگی و اجتماعی) از نظریات شناخت و الگوی نوسازی دچار آشفتگی‌های بصری و عملکردی هستند. برای حل مساله این بافت‌ها تاکنون رویکردهای متفاوتی تحت عنوان موزه‌ای، توانمندسازی و آرگانسیتی اتخاذ گردیده است؛ رویکرد آرگانسیتی که با جامع‌نگری سعی در تکیه بر میراث موجود در بافت‌های فرسوده واجد ارزش و تلفیق اقتصاد و فرهنگ و احیای پایدار بافت‌های تاریخی از طریق تعیین نقش آن‌ها در سازمان فضایی شهر دارد، با تئوری‌های جدید ساماندهی شهری از جمله «توسعه خلاق» همخوان است که یکی از روش‌های پیاده‌سازی توسعه خلاق برنامه‌ریزی گردشگری بافت‌های فرسوده می‌باشد. این مقاله با بررسی نظریات نوین توسعه بویژه توسعه خلاق با رویکرد گردشگری و تدوین مدل (SZCD)، که مدلی برای شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP) است. عوامل، معیارها و شاخص‌های مدل در محدوده امامزاده یحیی را استخراج کرده و نتیجه را در قالب پهنه زمینه‌ساز توسعه پیشنهاد کرده است.

واژگان کلیدی: توسعه خلاق، پهنه‌های زمینه‌ساز، گردشگری، مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق (SZCDM)، تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، تهران.

Identification of Suitable Zones for Creative Development in Urban Deteriorated Places with Tourism Approach in Urban Planning "Case Study: Emamzade Yahya Neighborhood, Tehran, the 12th Municipality Region"

Abstract: Inner city renovation attitudes has been increased last decades, this growing attitudes make planners pay attention to best comprehensive approaches, one of this is organic approaches that consider all economical, social, functional, legislative and physical aspects together. Creative development as a means of this approaches also consist on combination of culture and economy explained by Florida (2002), this concept can carry in heritage sites with tourism consideration, it means that creative development with tourism approaches can led to renovation. But the question is that "Is the potential of deferent parcels or zones in one district the same for development?" this theses focus on identifying suitable zones for creative development with tourism approach in heritage sites with SZCD model, that measure factors, criteria and indexes of creative development with tourism approaches by using AHP methods.

Key Words: Creative Development, AHP, SZCD Model, Zones, Tourism Planning, Tehran.

ساکنان این بافت‌ها به دلیل کاستی و نارسایی زیر ساخت‌های شهری که ریشه در چنین بینشی دارد، ناگزیر به ترک بافت می‌شوند؛ فرآیند نگرش موزه‌ای، شهر را به موزه‌ای تغییر ناپذیر مبدل می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

- «نگرش سلولی»: در نگرش سلولی (توانمندسازی) فضاهای شهری اغلب به مثابه میراثی از شهر تلقی می‌شوند که باید برای تقویت وضعیت اجتماعی و اقتصادی فعال شوند و محصول آن دگرگونی منظم و بی وقفه فضاهای فرسوده و آسیب دیده تاریخی شهرها بدون در نظر گرفتن جمیع جهات می‌باشد (خانی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

- «نگرش آرگانستی»: نگرش آرگانستی (نگرش عقلانی) که در حقیقت جمع‌بندی دو نگرش قبلی است، بر مفاهیم جدیدی چون «کلیت»، «نظام سلسله مراتب» و «پویایی پدیده‌ها» تاکید فراوان دارد. در این نگرش احیای پایدار بافت‌های تاریخی از طریق تعیین نقش آن‌ها در سازمان فضایی شهر، جایگاه معنا دار و قابل دفاعی پیدا می‌کند. تبیین نقش بافت‌های تاریخی در سازمان فضایی یک شهر این بافت‌ها را از حالت یک سیستم بسته خارج می‌کند، در این زمینه اتصال بین دو بخش بافت به آرامی، با ظرافت و تدریجی انجام می‌شود تا شهر دچار مشکل‌های عملکردی و شکنندگی در تصویر ذهنی نشود (عباس‌زادگان و رضازاده، ۱۳۸۰، ص ۱۷) و (مهدیزاده، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

۳- مفهوم خلاقیت راهبردی نوین در توسعه بافت‌های فرسوده

از جدول شماره ۱، مقایسه اینگونه می‌توان استنباط کرد که سیر تفکرات مرمتمی به سمت تلفیق نگاه‌های تک سویه و بخشی در راستای جامع‌نگری پیش می‌رود. نکته دیگر اینکه در سال‌های اخیر نگرش‌های نوینی در پی رعایت اصول و نظریه‌های جدید برنامه ریزی و در راس آن توسعه درون‌زا و توسعه پایدار با اهداف: تصمیم‌سازی هم پیوند در کلیه سطوح و مقیاس‌های توسعه کالبدی (کالبدی)، جلب مردم به شهرها و به ویژه مراکز شهرها که ترکیب اجتماعی متنوعی را در خود جای دهند

با ظهور ناکارآمدی اصل توسعه برون‌زا در نیمه دوم قرن بیستم و قطع فرآیند تاریخی شهر، محدوده‌های مرکزی ابعاد مفهومی و هویتی خود را از دست دادند و رشد از برون شهر قدیم را از نو ساختن خویش باز داشته، به معاصر نشدن و جریان نیافتن زمان در کالبد آن کمک کرده است. بافت‌های فرسوده در شهرها روز به روز در حال گسترش و به موازات آن نگرش‌های مختلف با بازگشت به اصل توسعه درون‌زا در پی حیات بخشی مجدد به فضاهای شهری از دست رفته هستند. این اصل راه نو شدن را در معماری گرانقیمت و کج سلیقه، جاده‌های سریع بی برنامه و شهرسازی گسترده و شتاب‌زده در محدوده‌ای وسیع جستجو نمی‌کند، بلکه در پی احیای مناطق تاریخی و رجوع به شهرسازی بومی، استفاده از کاربری‌های مختلط، اولویت دادن به حمل و نقل عمومی و تردد پیاده، فراهم آوردن شرایط زیست محیطی سالم، ایجاد رونق اقتصادی پایدار، اشتغال بومی، جذب مشارکت محلی و توجه به میراث فرهنگی می‌باشد. این مقاله با تبیین نگرش‌های گوناگون مرمت و بررسی نمونه‌های موردی در این زمینه، مدلی برای شناسایی پهنه‌های دارای پتانسیل توسعه خلاق پیشنهاد کند.

۲- نگرش‌های مرمت بافت فرسوده

پیشرفت‌های علمی جدید، نیاز روز افزون به توسعه و تحولات شهری در پی افزایش جمعیت، ایجاد محیط زندگی متناسب با این تحولات را بیش از پیش می‌کند. برای پاسخگویی به این نیازها در سال‌های اخیر، توجه به بافت‌های فرسوده درونی شهرها افزایش یافته و رویکردهای گوناگونی اتخاذ شده است که سه نگرش موزه‌ای، سلولی و آرگانیک از آن جمله‌اند، مقایسه این سه نگرش در جدول شماره ۱ آمده است.

«نگرش موزه‌ای»: این نگرش بر شالوده حفاظت از میراث فرهنگی استوار است و مداخله در بافت‌های تاریخی را جز در جهت حفاظت آن‌ها نمی‌پذیرد. در این روش حفظ شهرها به شکل تاریخی و بدون مداخله بر مقتضیات زندگی امروز ترجیح داده می‌شود. در نتیجه

جدول ۱. مقایسه سه نگرش کلی مرمت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی

نوع نگرش و ابعاد و نمونه ها	راهکارها؛ پیامدهای اقتصادی	راهکارها؛ پیامدهای اجتماعی	راهکارها؛ پیامدهای کالبدی	مزایا و معایب
موزه‌ای	در این زمینه توضیحی ندارد و بازار تعیین کننده است.	ترک بافت توسط ساکنین و گسست اجتماعی پیامد حفاظت به شکل تاریخی و مداخله بر مبنای عدم توجه به مقتضیات زندگی امروز است.	شهر را به موزه‌ای تغییر ناپذیر مبدل می‌کند. مختل شدن کارکردهای شهری و تهدید حیات شهری است.	گسست محدوده از سیستم پویای شهر در تمامی زمینه‌ها
سلولی	در این دوره مرمت شهری با هدف توانمند سازی صورت می‌گیرد. نوسازی ساختار اقتصادی اهمیت اصلی را دارد.	این طرح‌های ماهیتاً دارای محاسباتی مستقل از تعلق خاطرهای مردم و ارزش‌های مردم شناختی- فرهنگی دارند، ایده ای مقید به استمرار ارزش‌های فرهنگی در این نگرش به چشم نمی‌خورد و مشارکت اجتماعی پایین است.	در این نگرش فضاهای شهری اغلب به مثابه میراثی از شهر تلقی می‌شوند که باید برای تقویت وضعیت اجتماعی و اقتصادی فعال شوند و محصول آن دگرگونی منظم و بی وقفه فضاهای فرسوده و آسیب دیده تاریخی شهرها بدون در نظر گرفتن جمیع جهات می‌باشد.	نگرش تک بعدی و یکسویه به حل مساله بافت‌های فرسوده،
ارگانیک	ایده تلفیق فرهنگ و اقتصاد و احیای پایدار بافت‌های تاریخی از طریق تعیین نقش آن-ها در سازمان فضایی شهر مطرح می‌شود. مرمت باید از طریق برگزیدن درست کانون-های مداخله صورت پذیرد تا این کانون‌ها در پیرامون خود منجر به توسعه شهر شوند. ارزش‌های تاریخی و معماری باید بعنوان بخشی از ارزش‌های کلی حیات شهری در تعامل زنده با شهر و شهروندان در نظر گرفته شود و حفاظت فیزیکی با حفاظت اجتماعی و علاقه عمومی همراه شود. حفظ ارزش‌های تاریخی فرهنگی فقط به معنای حفظ بناها و یادبودهای قدیمی نیست بلکه با گسترش روح آن‌ها در کالبد بافت‌های جدید همراه است.	جامع‌نگری و تلفیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی		

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۳۷

(اجتماعی)، جذب نیروهای بازار به فرصت‌های توسعه شهری و تزریق سرمایه به مراکز آن‌ها (اقتصادی) شکل یافته‌اند (مهدوی، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

امروزه یکی از تکنیک‌های دستیابی به این اهداف، تاکید بر فعالیت‌هاییست که با تلفیق ابعاد مختلف اقتصاد و فرهنگ در گونه ای از نظم منطقی انسانی تحت عنوان «خلاقیت»^۱ شکل می‌گیرند. این موضوع اولین بار توسط ریچارد فلوریدا در سال ۲۰۰۲ مطرح شد. در سال ۲۰۰۷ نیز آقای آلن اسکات با استفاده از ادبیاتی که ریچارد فلوریدا مطرح کرده بود در مورد چگونگی سوق مزیت‌های رقابتی و ظرفیت‌های موجود در شهرها به سمت خلاقیت

1. Creativity
2. ICOMOS

میراث تاریخی و فرهنگی است، می توان زمینه پیاده سازی رویکرد خلاق را در بافت های فرسوده یافت. در بیانیه کیوتو^۳ (۱۹۶۷) بر حفاظت از میراث فرهنگی بعنوان سند افتخار ملی و گفت و گوی تمدن ها و عدم تفکیک معنا و مفهوم از بنا و اثر تاکید شده است، این بیانیه برای بازیافت سریع سرمایه و منابع مالی بعد اقتصادی و صنعت گردشگری را مورد توجه قرار می دهد. «بیانیه سنت آنتونیو»^۴ (۱۹۹۶) بر مطالب «اجلاس کیوتو» تاکید و ضرورت توسعه پایدار فرهنگی و توجه به گردشگری فرهنگی را در راستای کاهش اثرهای منفی اقتصاد گردشگری مطرح می کند، در این بیانیه اصالت و اقتصاد گردشگری، بعد دیگری از نگرش به مجموعه های تاریخی است. نکته قابل تامل اینجاست که با گذشت زمان در راستای تقویت مفاد معاهده ها، جامع نگری افزایش می یابد و ظهور ایده تلفیق فرهنگ و اقتصاد در بستر توسعه پایدار (که بیشتر از طریق گردشگری اجتماع محور (فرهنگی) عنوان می شود، را می توان

صراحتاً در مفاد این بیانیه ها ملاحظه کرد؛ به طوری که «بیانیه مکزیکوسیتی»^۵ (۱۹۹۹) معروف به بیانیه بین المللی گردشگری بر مفهوم جامع و جهانی میراث و تعامل آن با گردشگری تاکید دارد و آن را وسیله ای برای تبادل فرهنگی تلقی می کند. طبق این بیانیه فعالیت های گردشگری و حفاظتی در بافت ها و مجموعه های تاریخی باید با احترام به علایق، سنن و خواست های مردم محلی و منطقه ای در جهت ارتقای سطح زندگی آنان همراه شود. این بیانیه بر لازم و ملزوم بودن مرمت و حفاظت بافت های کهن و تاریخی و صنعت گردشگری تاکید و مهمترین وسیله تبادل فرهنگی را گردشگری بومی و بین المللی دانسته، همچنین حفاظت و توسعه پایدار را عامل ارتباط مکان های میراثی و گردشگری پویا می داند (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳-۸۷).

۳-۱- گردشگری رویکردی برای دستیابی به توسعه خلاق همانطور که در مطالب بالا آمد، نگرش برتر در مرمت

جدول ۲. زمینه ها، اهداف و راهبردهای توسعه خلاق با رویکرد گردشگری

زمینه	هدف	راهبرد
اقتصادی	پویایی اقتصادی محله	بالا بردن سطح درآمد ساکنان و پایین آوردن بار تکفل با ایجاد فرصت های شغلی رونق مشاغل محلی استفاده از نیروی کار محلی در رونق و اداره مراکز جهانگردی
اجتماعی	تقویت حیات اجتماعی در محله	ایجاد نظارت اجتماعی ایجاد کاربری های گذران اوقات فراغت از بین بردن ناهمگونی های اجتماعی از بین بردن کاربری های ناسازگار ایجاد کاربری های محمل حیات مدنی جلب مشارکت مردمی
فرهنگی	احیای هویت فرهنگی محله و تکیه بر آن در برنامه ریزی گردشگری	احیای هنجارهای رفتاری کهن احیای ارزش های کالبدی کهن شناساندن ارزش های تاریخی فرهنگی محله به گردشگران
کالبدی	ایجاد محیط مطلوب جهت ساکنان و گردشگران	معاصر سازی عملکردها از بین بردن کاربری های ناسازگار اقدام های زیست محیطی و بهداشتی (دفع فاضلاب و آب های سطحی) تداوم سازمان فضایی کهن تعریف شبکه پیاده محدود ساختن ترافیک سواره ایجاد تسهیلات پارکینگ

ماخذ: (Christian M. Rogerson, 2006, p.31)

- «پتانسیل‌های ویژه»: قرار گرفتن شهر در منطقه‌ی گردشگری و وجود محدوده‌های وسیع داخل شهر دارای پتانسیل بازسازی، همچنین میراث فرهنگی متعدد همچون هتل‌های قدیمی، ایستگاه مرکزی مترو، ساختمان قدیمی شهرداری و کتابخانه عمومی شهر از جمله توان‌ها و استعداد بالقوه بافت برای نوسازی محسوب می‌شود.

- «اقدام‌های انجام شده»: اجرای برنامه‌ریزی گردشگری در راستای بهبود ساختار کالبدی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد فضاهای جذاب و درآمدزا، توجه به نقش تاریخی محله (با توجه به اینکه تئودوس استیونز (۱۸۶۸-۱۹۷۲) بنیان‌گذار حزب جمهوریخواه در پنسیلوانیا و لیدا همیلتون (۸۴-۱۸۱۳) تاجری با نژاد آفریقایی-آمریکایی مورد اعتماد تئودوس بوده است.

مهمترین اصول مرمتی در برنامه‌ریزی این پروژه عبارتند از: «معاصر سازی شهر قدیم با ایجاد حیات مدنی و زندگی شهری، توسعه شهر از درون، قانونمند ساختن میراث فرهنگی و تاریخی، تدوین چارچوبی برای اقدام‌های مداخله گرانه، معاصر سازی تجهیزات زیرساختی شهر کهن، ارتقای گردشگری فرهنگی با توجه به ویژگی‌های میراث فرهنگی و ظرفیت‌های هویتی تاریخی محیط، رعایت ملاحظه‌های اقتصادی و درآمدهای گردشگری، معاصر سازی فضای شهری برای ارتقای صنعت گردشگری، حفظ چهره، سیما و منظر کلی بناها و مجموعه‌های تاریخی، تداوم سازمان فضایی کهن.»

از مهمترین نتایج اجرای طرح مرمت محله تئودوس استیونز و لیدا همیلتون در شهر لانکستر قرارگیری مجدد محله در سیستم پویای اقتصادی شهر و تعادل بافت اجتماعی، همچنین تبدیل بسیاری از میراث فرهنگی موجود به ثروت و منبع درآمد پایدار ساکنان، که بهبود مستمر بافت در تمامی زمینه‌ها را به همراه داشته و اشتغال محلی و نظارت اجتماعی را نیز ایجاد کرده است (Kelly M. Britt & James A. Delle, 2005, pp.2-33).

(Mary Ann Levine).

بافت‌های فرسوده نگرش آرگانیستی و یکی از جدیدترین نظریه‌های آن جامع نگری در برنامه‌ها و اقدام‌ها برای تلفیق فرهنگ و اقتصاد در بستر توسعه پایدار (خلأقیت) است که از طریق گردشگری می‌توان بدان دست یافت. در دهه‌های اخیر گردشگری در برنامه‌ریزی شهری بعنوان ابزاری کارآمد، پدیدار شد. زمینه‌ها، اهداف و راهبردهای توسعه خلأق بارویکرد گردشگری در جدول شماره ۲ آمده است).

۴- نمونه‌های موردی

هدف از بررسی دو نمونه موردی محله «تئودوس استیونز» و «لیدا همیلتون»^۶ و محدوده اسکله «کلارک کوای»^۷ که اولی ویژگی بارز برنامه‌ریزی مرمتی در بافت واجد ارزش و دومی دارای نکات مثبت برنامه‌ریزی گردشگری می‌باشد در این قسمت، توجه به این موضوع است که در تجارب جهانی ابعادی از موضوع مورد بحث این مقاله موجود است و مهمتر از آن می‌توان از اصول استفاده شده در آن‌ها در راستای تدوین چارچوب نظری بهره‌گیری کرد.

۴-۱- محله تئودوس استیونز و لیدا همیلتون، لانکستر، پنسیلوانیای آمریکا

این نمونه موردی به بررسی نقش گردشگری بافت تاریخی در توسعه بافت می‌پردازد. محله تئودوس استیونز و لیدا همیلتون در شهر صنعتی و کوچک لانکستر که حدود ۵۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد در جنوب پنسیلوانیای آمریکا واقع شده است.

- «مسایل و مشکل‌ها»: لانکستر در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم شاهد رشد بی‌رویه حومه و مهاجرت طبقه‌های متوسط روبه بالا به نقاط پیرامونی شهر بود به طوری که فضاهای بی‌دفاع در محدوده مرکزی شهر شکل گرفت، رونق اقتصادی بافت مرکزی بدلیل مشکل‌های دسترسی مراجعان و رقابت مراکز خرید خارج از شهر با محدوده مرکزی تنزل یافت و شهرهای مشابه ساحلی شرق آمریکا نیز در رقابت با این شهر گردشگران را به سمت خود جذب می‌کردند.

6. Thaddeus Stevens & Lydia Hamilton

7. Clarke Quay

۴-۲- تجربه محدوده کلارک کواي، سنگاپور

«موقعیت جغرافیایی و مشخصه‌های مکانی»: اسکله کلارک محدوده‌ایست متشکل از پنج بلوک به وسعت ۲۳۰۰۰ مترمربع واقع در حاشیه رودخانه سنگاپور و حدود یک کیلومتری مرکز تجاری این شهر-کشور واقع شده است. این مجموعه شامل انبارها، خانه‌ها و مغازه‌های قرن نوزدهم می‌باشد و تعدادی از ساختمان‌های معروف آن عبارتند از: «مرچنتز کورت»^۸، «کنری»^۹ (کارخانه کنسروسازی که بعدها به تولید کمپوت آناناس اختصاص یافت) و کارخانه یخ سازی و امپوا^{۱۰}.

«مسایل و مشکل‌ها»: اسکله کلارک در حدود سال ۱۹۹۰ دارای رودخانه‌ای بسیار آلوده داشت و نقش سنتی آبراه بعنوان یک مرکز عبور کشتی بدلیل پیشرفت‌هایی که در فناوری‌های جدید کشتیرانی پدید آمده بود از بین رفته بود. همچنین ردیف خانه-مغازه‌ها شخصیت کاربری منطقه را شکل می‌دادند در طبقه‌های فوقانی این ساختمان‌های دو یا سه طبقه قشر کارگر مستقر بودند. در کل می‌توان گفت این اسکله در دهه آخر قرن بیستم فاقد پویایی اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و سلامت زیست محیطی بود.

«پتانسیل‌های ویژه»: نزدیک بودن به مرکز تجاری شهر-کشور و پتانسیل‌های گردشگری بافت، همچنین شکل باریک خانه-مغازه‌ها و انبارها که امکان تبدیل آن‌ها را آسان می‌کند از مهمترین پتانسیل‌های محدوده برای

نقش پذیری و معاصر سازی بودند.

«اقدام‌های انجام شده»: فرآیند بازسازی از سال ۱۹۸۹ توسط یو.آر.ا. آغاز و شامل اقدام‌هایی از قبیل ایجاد ترکیبی از کاربری‌های جدید متناسب با بافت تاریخی، مرمت ساختمان‌های قدیمی و پیاده سازی کل مجموعه، احداث پیاده راه ۱۰ الی ۱۵ متری لب به لب آب همراه با درختکاری و پارک‌های کوچک و محل‌های اجرای برنامه‌های هنری همچنین تبدیل بیش از ۶۰ انبار به حدود ۲۰۰ رستوران، مغازه و مرکز خرید از جمله اقدام‌های صورت گرفته در محدوده اسکله کلارک می‌باشد.

اصول مرمتی در پروژه «اسکله کلارک» عبارتند از: «از بین بردن کاربری‌های ناسازگار، تدبیر اندیشی اقدام‌های زیست محیطی و بهداشتی (دفع فاضلاب و آب‌های سطحی)، توجه به رونق مشاغل محلی، استفاده از نیروی کار محلی در رونق و اداره مراکز جهانگردی، زیبایی شناسی منظر شهری، معاصر سازی کاربری و فعالیت با تاکید بر ارتقای سطح دانش عمومی، ایجاد کاربری‌های گذران اوقات فراغت، مشارکت مردمی، ارتقای گردشگری فرهنگی با توجه به ویژگی‌های میراث طبیعی و ظرفیت‌های محیطی، پژوهش‌های جامع قبل از مداخله، آموزش مداوم و همگانی، مشارکت مالکان و ساکنان.

اگرچه در ظاهر اسکله همانند گذشته است ولی کیفیت کاملاً متفاوتی پیدا کرده است. خرده فروشی‌ها،

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۴۰ ■



تصویر ۱ و ۲. تصاویر محدوده اسکله کلارک، تصاویر بازسازی‌های صورت گرفته در محدوده اسکله کلارک؛

ماخذ: www.clarkequay.com.sg (June 2010)

غذاخوری‌ها، تفریح در شب و آب‌نماها و فواره‌ها، جذب جریان گردشگران اروپایی و ژاپنی را به محدوده باعث شده و شادابی و سرزندگی ویژه‌ای به محدوده داده است. همچنین بهبود وضعیت زیست محیطی رودخانه و دسترسی به اسکله در رونق اقتصادی و جذب ساکنان بومی موثر بوده است، تصاویر ۲ و ۳، اشکال محدوده پس از بازسازی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸).

۵- جمع‌بندی ادبیات نظری و ارائه رویکرد نظری

«توسعه خلاق» بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری بعنوان یکی از شیوه‌های تفکر اُرگانستی که آخرین جمع‌بندی از شیوه‌های مداخله در بافت‌های فرسوده می‌باشد، دارای اصولی بدین شرح می‌باشد:

- فرآیند توسعه خلاق ایده تلفیق فرهنگ و اقتصاد را مطرح می‌کند؛

- توسعه خلاق بر پویایی اقتصاد محلی از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی دانش محور و ایده تلفیق فرهنگ و اقتصاد و احیای پایدار بافت‌های تاریخی از طریق تعیین نقش آن‌ها در سازمان فضایی شهر تاکید دارد؛

- اصول مرمتی توسعه خلاق تجدید حیات و روان بخشی بافت قدیمی را ملزم به پیوند حیات گذشته و امروز شهر می‌کند؛

- توسعه خلاق باید از طریق برگزیدن درست‌کانون‌های مداخله صورت پذیرد تا این کانون‌ها در پیرامون خود منجر به توسعه شهر شوند. به بیان دیگر پهنه‌ها بدین دلیل انتخاب می‌شوند که مداخله در سراسر بافت در بسیاری موارد امکان پذیر نیست؛

- ارزش‌های تاریخی و معماری باید بعنوان بخشی از ارزش‌های کلی حیات شهری در تعامل زنده با شهر و شهروندان در نظر گرفته شود و حفاظت عمومی با حفاظت اجتماعی و علاقه عمومی همراه شود؛

- حفظ ارزش‌های تاریخی فرهنگی باگسترش روح آن‌ها درکالبد جدید همراه است؛

- گفتگوی چند جانبه محیط و فضای شهری با تعیین عملکرد؛

- تزریق محتوای جدید برکالبد قدیم (معاصر سازی)؛
- اتصال بین بخش‌های متفاوت بافت بایستی به آرامی، با ظرافت و تدریجی انجام شود تا شهر دچار مشکل‌های عملکردی و شکنندگی در تصویر ذهنی نشود؛

- هفت زمینه فعالیتی در راستای اصول توسعه خلاق عبارتند از: ادبیات، سینما، موسیقی، مهارت و هنر فولک، طراحی، هنرهای رسانه‌ای و تغذیه که کاربری‌ها و فعالیت‌ها باید شامل آن‌ها باشند.

شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری نیازمند اعمال اصول فوق در قالب مدلی کارا و جامع است، چگونگی تدوین این مدل، عوامل، معیارها و شاخص‌های آن در بخش بعد ارائه گردیده است.

۶- مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده

مداخله در بافت‌های فرسوده شهری نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، جامع و سنجیده یا به عبارتی مطالعه علوم مختلف در ارتباط با هم و بعنوان لایه‌های تاثیر پذیر از یکدیگر است. تصمیم سازان و دست اندرکاران عمدتاً بدون استفاده از سیستم‌های پشتیبانی تصمیم نمی‌توانند تمامی اطلاعات، نیازها، امکانات و محدودیت‌ها را در ارتباط با یکدیگر سنجیده، آن‌ها را مدون کنند و به مرحله اجرا برسانند. این پژوهش به شناسایی قطعات یا پهنه‌هایی در بافت فرسوده می‌پردازد که واجد عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق هستند. استخراج قطعات یا پهنه‌ها مستلزم در نظر گرفتن ابعاد مکانی و فضایی بسیاری به طور همزمان می‌باشد. به بیان دقیق ترکیب قطعات محدوده باید نسبت به این عوامل، معیارها و شاخص سنجیده شده، و آن‌هایی که نسبت به سایر قطعات دارای ارزش بیشتری می‌شوند بعنوان نقطه آغاز مطمئن در توسعه خلاق معرفی شوند.

برای طراحی این مدل، توجه به چهار مقوله مهم:

۱. «توانایی از نظر ابعاد فضایی و زمانی»؛

۲. «انعطاف‌پذیری به طوری که یک کاربر بتواند بسته به

نیاز خود از آن مدل اقتباس کند»؛

۳. «درستی و اعتبار داده‌ها و طراحی بر اساس معیارهای



در دسترس»؛

۴. «مقدار هزینه با توجه به محدود بودن پژوهش»؛ مد نظر بوده و با جمع بندی دو مدل سنجش قابلیت اراضی و تصمیم‌گیری چند معیاره (پیوست الف) همچنین تلفیق آن‌ها با فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و منطق ارزش‌گذاری لایه‌ها (Index Overlay) در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مدل تحلیل این پژوهش استخراج می‌گردد (et al, 2002, p.21, Agarwal).

عنوان مراحل فرآیند بدین ترتیب است:

- تعریف عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری (همچنین معیارها و شاخص‌ها)،

- ارزش‌گذاری محدوده نسبت به شاخص‌ها و ارائه خروجی رستر،

- ارزیابی و تحلیل سلسله مراتبی تبادر ثب و مقایسه زوجی معیارها و شاخص‌ها،

- طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نتایج ارزیابی و ارائه لایه نهایی تحت عنوان «پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق (SZCD)»^{۱۱} مبین پهنه‌ها و قطعات دارای پتانسیل توسعه خلاق بافت فرسوده (کانون‌های مداخله)،

۱-۶- تعریف عوامل، معیارها و شاخص‌های شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده

در استخراج عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری توجه به دو دسته عامل مهم است، یکی عوامل موثر در توسعه بافت فرسوده شامل پنج عامل عمده عملکردی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، حقوقی که از بررسی راهبردهای جدید توسعه

که در مطالب پیشین آمده‌اند استخراج می‌شود و همچنین عوامل موثر در برنامه‌ریزی گردشگری که با توجه به موضوع مقاله از تقسیم فضای مورد برنامه‌ریزی به شش عامل کالبدی، تفسیری، بصری، دسترسی، اقتصادی- محرک و اطلاعاتی مطابق تصویر ۴ بدست می‌آید. این تقسیم بندی از مفاهیم کالبدی، تشخیصی و اقتصادی که به ترتیب در برنامه‌ریزی، معماری و بازاریابی توسط لینچ^{۱۲}، گرانتر^{۱۳} و سایرین مطرح شده است، نشأت می‌گیرد. توجه به این نکته که این عوامل با یکدیگر همپوشانی داشته و تنها مدلی برای دستیابی به شناسایی پهنه‌های توسعه خلاق در بافت فرسوده ارائه می‌کند، حائز اهمیت است (عندلیب، ۱۳۸۵، ص ۴۳- ۲۶) و (خاکساری، ۱۳۸۳، ص ۱۸) و (Stoep, 2006, p.14, Miyakuni & Vander).

تعریف معیارها و شاخص‌های شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق نیز نیازمند بررسی تمامی ابعاد کالبدی، فضایی محدوده است، با بررسی پژوهش‌های مرتبط و ملاحظه وضوح، روایی، مقیاس جغرافیایی، بازه زمانی، در دسترس بودن و دسته‌بندی مناسب داده‌های در اختیار و شاخص‌های مطرح شده و دریافت نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران توسعه بافت‌های فرسوده و گردشگری به روش شبه دلفی^{۱۴} سلسله مراتب عوامل، معیارها و شاخص‌ها شامل سه عامل عمده کالبدی- عملکردی، نهادی- مدیریتی و اقتصادی- اجتماعی تدوین می‌گردد:

- «عوامل نهادی- مدیریتی»: این دسته تمامی عوامل حقوقی، قانونی، ساختاری و تشکیلاتی که در توسعه خلاق موثرند را شامل می‌شود. از این جمله می‌توان به حل مسایل و مشکل‌های ناشی از مالکیت، توارث و وقف،

11. Suitable Zones for Creative Development

12. Lynch

13. Granter

۱۴. روش دلفی که توسط دالکری وهلمر (Dalkery and helmer -1969) تدوین گردید. منافع و مزایای روش گروهی را بدون برخورد چهره به چهره اعضا به همراه دارد. این روش، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری گروهی موثر و کارآمد در فواصل طولانی، بین اعضای غیر منسجم را عملی می‌داند. روش دلفی نیازمند مجموعه‌ای از پرسشنامه توزیع شده بین اعضای هیات تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری می‌باشد. نتایج اولین پرسشنامه توسط فرد هماهنگ‌کننده هیئت خلاصه می‌شوند. این خلاصه با پرسشنامه دوم به هیات ارجاع می‌شود. اعضای هیات مجدداً پاسخ می‌دهند و فرآیند تکرار می‌شود تا اینکه اجماعی حاصل شود و تصمیمی صحیح پیرامون موضوع اتخاذ گردد. با وجود پیچیدگی و هزینه توزیع مجموعه پاسخنامه‌ها، روش دلفی در موقعیت‌هایی که جمع‌آوری مردم از لحاظ فیزیکی ممکن نیست، تصمیم‌گیری گروهی را ممکن می‌سازد.

وضع قوانین و مقررات مورد نیاز تصمیم‌گیران و مجریان طرح‌ها و همچنین ساختار و تشکیلات و نوع مدیریت حاکم در جریان توسعه بافت، ذینفعان و ذینفوذان توسعه و از همه مهمتر نوع برنامه‌ریزی‌ای که تمامی این موارد را شکل می‌دهد اشاره کرد.

«عوامل اجتماعی- اقتصادی»: پایداری اقدام‌های بهسازی و نوسازی احیای اقتصادی نیازمند تلفیق زمینه‌های فرهنگ و اقتصاد است. مجموعه عواملی که در راستای رویکرد تلفیق اقتصاد و فرهنگ موثرند،

براشتغال بومی بر مبنای پتانسیل‌های میراث فرهنگی، و راهکارهای اجتماعی و اقتصادی توسعه تاکید دارند، ذیل این دسته جای می‌گیرند. تعدادی از عوامل اقتصادی اجتماعی عبارتند از: پراکندگی متوازن جمعیت در بافت و توسعه متعادل، تقویت حس تعلق خاطر ساکنین به بافت، کاهش فاصله طبقاتی ساکنان، زمینه‌سازی روان‌شناسی بهسازی برای مشارکت هرچه بیشتر ساکنان، افزایش امنیت اجتماعی، تقویت عوامل تفسیری برای ایجاد تجربه گردشگری کامل و موثر برای ضمانت مراجعه مجدد گردشگران، تبلیغات و انگیزه‌های اقتصادی که گردشگران را به بازدید بیش از یک جاذبه تشویق می‌کند.

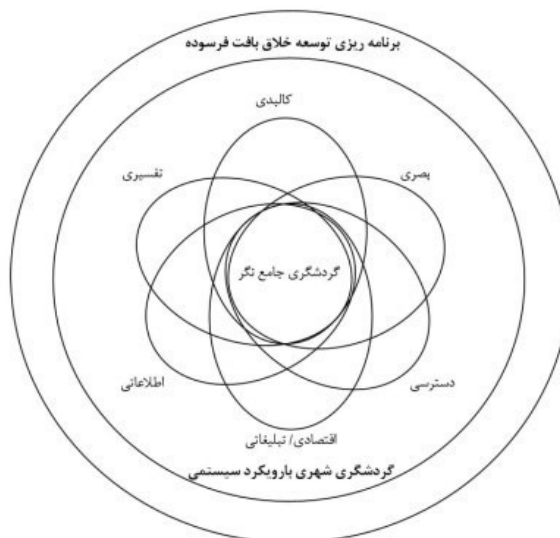
«عوامل کالبدی- عملکردی»: این دسته شامل تمامی عواملی که کاربری و فعالیت قطعات، توسعه کالبد محدودده اعم از تک بناها، شبکه عبور و مرور، شبکه زیرساخت‌ها، برنامه‌ریزی بهینه تراکم و پیوستگی بافت، تیپ و نوع بناهای مسکونی، مصالح بکار رفته در بناها کریدورهای کالبدی، طراحی گرافیک، رنگ، فونت و نقاط شاخص، نوع مصالح (سنگ، چوب، خشت)، کفسازی و المان‌های هنری راکه می‌توانند منجر به توسعه خلاق شوند، در بر می‌گیرد.

۱-۱-۶- عامل کالبدی- عملکردی: مجموعه ویژگی‌های مرتبط با این عامل از بررسی مقاله‌های «طبقه‌بندی چندگانه کاربری و چگونگی تکامل آن، بازتاب آن بر نوآوری روشمند در برنامه‌ریزی شهری» نوشته آلبرت گوتنبرگ^{۱۵}؛ «گردشگری میراثی و تعالی اجتماعی» نوشته لوین، بریت و دله^{۱۶}؛ «توسعه شاخص‌های دسترسی شهری» نوشته بهات^{۱۷} و همکاران؛ رساله دکتری محمد رحیم رهنما با عنوان «احیای بافت قدیم و توسعه شهری، نمونه بافت‌های مسکونی مرکز شهر مشهد»؛ همچنین پایان نامه «سنجش اثرات افزایش تراکم ساختمانی بر بافت‌های مساله دار و فرسوده شهری» نوشته غلامعلی حنیفی استخراج شده است.

مدیریت شهری

دوفصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۴۳



تصویر ۴. شش عامل موثر در گردشگری شهری با رویکرد سیستمی؛

ماخذ: (Miyakuni & Vander Stoep, 2006, p.23).

15. Albert Guttenberg

16. Levine; Britt & Delle

17. Bhat

از بررسی تک تک این پژوهش‌ها مشخص می‌شود که در برشمردن ویژگی‌های کالبدی و عملکردی، دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده، مشخصه‌ای در یکی اهمیت پیدا کرده و در دیگری ذکر نشده است. برای استخراج معیارها و شاخص‌ها، تمامی معیارها و شاخص‌های مطروحه در این متون بررسی شده و با توجه به هدف مقاله و اطلاعات در دسترس، تعدادی از آن‌ها انتخاب شده است. محمد رحیم رهنما در پایان نامه خود مشخصه‌های کالبدی: شامل عمر ساختمان‌ها، کیفیت ابنیه، تعداد طبقات، و کاربری اراضی را ذکر می‌کند. غلامعلی حنیفی بیشتر بر ویژگی‌های تک بناها تاکید دارد و از معیارهای مرتبط با موضوع این پژوهش فقط به طبقه‌بندی بافت نسبت به عرض معبر، کیفیت ابنیه و سرانه کاربری مسکونی و سرانه کاربری خدماتی اشاره دارد، آلبرت گوتنبرگ به مشخصات کاربری‌ها از جمله شعاع خدمات کاربری‌ها، تاریخ شکل‌گیری، فراوانی کاربری‌ها، نوع فعالیت و تسهیلات مجاور آن‌ها اشاره دارد. لوین، بریت و دله بر مبنای نمونه موردی خاص خود ارزش‌های اجتماعی، تاریخی و معماری بنا و قدمت همچنین دسترسی‌ها را از نظر جوابگو بودن برای عبور پیاده بررسی می‌کنند. بهات و همکاران شاخص‌هایی همچون ظرفیت عبور پیاده و سواره، پارکینگ مورد نیاز و موجود، طول و عرض و کیفیت مصالح و مشخصات فنی دسترسی‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. در یک جمع‌بندی می‌توان معیارها و شاخص‌های برشمرده شده در این متون را در سه دسته معیار کلی کیفیت بنا برای سنجش ارزش‌های کالبدی و فضایی ساختمان‌ها، ویژگی کاربری برای بررسی فراوانی و مقیاس کاربری‌ها و دسترسی برای دسته‌بندی بلوک‌های ساختمانی از نظر فضای پارک، طول و عرض معابر تقسیم‌بندی کرد، جدول فوق، معیارها و شاخص‌های این عامل را نشان می‌دهد (حنیفی، ۱۳۸۵، ص ۶۶) و (رهنما، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴) و (James A.Delle, 2005, pp.19-28) و (Mary Ann Levine, Kelly M.Britt & Bhat Chandra & others, 2002, p.15) و (Miyakuni & Vander Stoep,

۱-۱-۱-۶ «کیفیت بنا»: در این مقاله دسته‌بندی کیفیت بنا به دو شاخص «ارزش بنا» و «قدمت» تقسیم شده است. ارزش، بناهای محدوده را در پنج زمینه ارزش معماری، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی و هویتی؛ و قدمت، نیز بناها را در پنج دسته نوساز، ۵ تا ۱۵، ۱۵ تا ۳۰، ۳۰-۵۰ و تخریبی بررسی می‌کند. هدف از این معیار و دو شاخص آن سنجش منابع گردشگری و پتانسیل جذب گردشگر محدوده است (حنیفی، ۱۳۸۵، ص ۶۶) و (Kelly M.Britt & James A.Delle, 2005, pp.19-28).

۱-۱-۲ «دسترسی»: نتیجه بررسی‌ها معیار دسترسی را با سه شاخص عرض گذر و طول گذر و پارکینگ تبیین کرده و هدف را در سنجش پتانسیل دسترسی‌های موجود محدوده جهت برنامه‌ریزی توسعه خلاق جستجو می‌کند. ساز و کار تحلیل دو شاخص اول دسته بندی پنج‌گانه و وزن‌دهی آن‌ها و اختصاص ارزش هر دسترسی به بلوک مجاور آن است. شاخص پارکینگ نیز ظرفیت موجود هر بلوک برای پارک را برداشت و در دسته‌بندی پنج‌گانه تحلیل می‌کند (pp.12-43 Bhat Chandra & others, 2002, p.15) و (Miyakuni & Vander Stoep,

۱-۱-۳ «ویژگی کاربری»: معیار ویژگی کاربری برای سنجش پتانسیل کاربری‌ها در جذب گردشگر و سطح ارائه خدمات جهت شناسایی پهنه‌های آغازگر توسعه خلاق شاخص‌های شعاع خدمات و فراوانی کاربری‌ها را بکارگیری می‌کند (حنیفی، ۱۳۸۵، ص ۷۲) و (رهنما، ۱۳۷۵، ص ۵۲) و (Guttenburg, 2002, p.21).

۱-۱-۲ «عامل اجتماعی- اقتصادی»: توجه به جنبه‌های اجتماعی- اقتصادی محدوده و تدوین معیارهایی برای شناسایی آن‌ها نیازمند بررسی پژوهش‌هایی است که ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی را با معیارهای علمی و مورد قبول مجامع دانشگاهی سنجیده‌اند. از این جمله می‌توان به کتاب «استانداردهای شهرسازی» تهیه شده در مرکز برنامه‌ریزی آمریکا، مقاله «برنامه‌ریزی گردشگری در محدوده‌های تاریخی» نوشته هاریل و دی. پاتز^{۱۸} رساله دکتری محمد

جدول ۳. شاخص‌های مطرح دو معیار مشخصه‌های اجتماعی و مشخصه‌های اقتصادی، در پژوهش‌های مرتبط

پژوهش، طرح	مشخصه‌های اجتماعی	مشخصه‌های اقتصادی
برنامه‌ریزی گردشگری در محدوده‌های تاریخی	- محل تولد - آیا شخص ساکن خود را بومی محله می‌داند؟ - مالکیت - سابقه سکونت - تعداد انجمن‌هایی که فرد ساکن در آن عضو است. - تعداد دوستانی که فرد در محله دارد. - تعداد اقوامی که فرد در محله دارد. - تعداد اشخاصی را که فرد می‌شناسد.	- درآمد ساکنان - اشتغال ساکنان
سنجش اثرات تراکم ساختمانی بر بافت‌های مسئله-دار و فرسوده شهری	- تراکم خالص و ناخالص جمعیتی - درصد پاسوادی - درصد جمعیت کمتر از ۱۰ سال بعد خانوار	- درصد بیکاری ^۴
احیای بافت قدیم و توسعه شهری نمونه مشهد	- تراکم خانوار در واحد مسکونی - محل تولد سرپرست خانواده - سابقه سکونت در محل - سواد سرپرست - نحوه تصرف مسکن	- وضعیت عمومی اشتغال - میزان درآمد سرپرست - امکانات اقتصادی خانوار - توزیع شاغلان برحسب گروه‌های عمده فعالیت در محدوده - توزیع درصدی کارگاه‌های مستقر - ارزش زمین
استانداردهای شهرسازی ^{۲۱} APA	ویژگی‌های جمعیتی - سن - جنس - نرخ‌ها - تحصیلات	- نیروی کار - اشتغال - درآمد خانوار - تقاضا برای اجاره - قیمت زمین

ماخذ: (American Planning Association, 2006, p.454)، (رهنما، ۱۳۷۵، ص ۵۲)، (Harril & D.Potts, 2003, p.239) و (حنیفی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸).



دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۴۵ ■

رحیم رهنما با عنوان «احیای بافت قدیم و توسعه شهری، نمونه بافت‌های مسکونی مرکز شهر مشهد»؛ پایان نامه «سنجش اثرات افزایش تراکم ساختمانی بر بافت‌های مساله دار و فرسوده شهری» نوشته غلامعلی حنیفی، اشاره کرد.^{۱۹} اهم معیارها و شاخص‌های این متون جهت سنجش مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی در جدول ۱-۳ ارائه شده است.

مطابق جدول فوق، دو دسته معیار «مشخصه‌های اجتماعی» و «مشخصه‌های اقتصادی» ذیل عامل تحلیل اشتغال بر مبنای آمار سرشماری ۱۳۸۵ که حاوی

۱۹. علاوه بر نمونه‌های ذکر شده جهت تدوین معیارها و شاخص‌های عامل اجتماعی - اقتصادی از «گزارش توسعه انسانی سازمان ملل» و مقالات «توزیع درآمد و توسعه» نوشته استوارت فرانسیس و «مباحثی در سنجش توسعه انسانی» اثر مظفر قزلباش نیز استفاده شده است.

۲۰. البته نویسنده این مقاله مواردی همچون: درآمد خانوار، قیمت زمین، هزینه مسکن، هزینه ساخت، درآمد سرانه شهری را در مراحل ابتدایی برشمردن شاخص‌ها آورده است ولی تنها از شاخص بیکاری در تحلیل نهایی استفاده کرده است.

21. American Planning Association

اطلاعات مربوط به اشتغال در حد بلوک می باشد، صورت می گیرد. نظر به اینکه اطلاعات دقیقی از وضعیت درآمدی ساکنان در دسترس نیست، برای ارزش گذاری این شاخص نیز از فیلد بیکار، آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ که می تواند با ارزش گذاری معکوس معرف این شاخص باشد، استفاده شده است. لایه اطلاعاتی ارزش زمین نیز از برداشت میدانی قیمت روز زمین در محدوده بدست می آید.

۶-۲-۱-۱-۲- «مشخصه های اجتماعی»: این معیار به سنجش پتانسیل اجتماعی محدوده که پیش بینی کننده مشارکت ساکنان در برنامه ریزی و اجرا، میزان تعلق خاطر ساکنان به بافت و پراکندگی متوازن جمعیت می باشد، می پردازد. شاخص های این معیار با توجه به جدول فوق شامل ویژگی های جمعیتی، سواد، سابقه سکونت و بومی بودن ساکنان می شود. که با توجه به موارد ۶-۱-۱-۱ در انتخاب شاخص ها و اینکه مقیاس محدوده در کار مد نظر است و موضوع نیز شناسایی قطعات یا پهنه های واجد پتانسیل خلاق است، آن ها را می توان تحت عنوان سه شاخص «توزیع جمعیت»، «سطح سواد» و «سابقه سکونت» دسته بندی کرد. توزیع جمعیت مبین پراکندگی یکسان یا خلاهای جمعیتی یا تراکم بیش از حد بلوک های ساختمانی است. سطح سواد نمایانگر بینش و نگرش ساکنان بافت، و سابقه سکونت برای سنجش هویت ساکنان و نظارت اجتماعی آن ها بر محدوده استفاده می شود. خروجی تحلیل این شاخص ها لایه سنجش پتانسیل اجتماعی محدوده است.

۶-۱-۳- «عامل نهادی- مدیریتی»: این عامل که بیشتر از نتیجه مطالعات سازمان نوسازی شهر تهران برگرفته شده است، بر سنجش مواردی مانند مالکیت و وقف و قوانین و مقررات موجود همچون طرح های فرادست تاکید دارد. در کنار این مطالعات مقاله «تلاش هایی پیرامون نوزایی شهری و گردشگری میراث، نقش آفرینان محلی، دولت و تلاش های بین المللی، نمونه موردی سالت^{۲۲} اردن» نوشته رامی فاروق داهر^{۲۳}، نیز مورد بررسی قرار

گرفته است که توجه به ثبت میراث موجود در بافت و طرح های فرادست از عوامل تاثیرگذار در توسعه بر مبنای برنامه ریزی گردشگری در آن معرفی شده است. نتیجه اینکه ذیل عامل نهادی مدیریتی می توان، دو معیار «موانع حقوقی» و «ضابطه پذیری» را جهت سنجش پتانسیل قطعات محدوده از نظر مدیریتی، قانونی و ساختاری برای قرارگیری در روند توسعه خلاق تعریف کرد (Farouk Daher, 2006, p.13) (عندلیب، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

۶-۱-۳-۱- «ضابطه پذیری»: این معیار با استفاده از دو شاخص «اشاره مستقیم در طرح های فرادست» و «دارای ثبت میراث»، قطعات و بلوک هایی را که دارای پتانسیل ها یا محدودیت های ویژه جهت برنامه ریزی هستند شناسایی می کند. تعداد بیشتر قطعات میراثی ارزش بیشتری را برای آن بلوک ساختمانی به همراه دارد. همچنین اشاره در طرح های فرادست ارزش مثبت برای بلوک به همراه دارد (عندلیب، ۱۳۸۵، ص ۵۸) و (p.13 Farouk Daher, 2006).

۶-۱-۳-۲- «موانع حقوقی»: یکی از بازدارنده های اصلی توسعه موانع حقوقی و بویژه مسایل ناشی از مالکیت و تصرف قطعات است، در این میان بر مبنای نتیجه مطالعات بررسی شده، مالکیت شخصی بیشترین مقاومت در برابر توسعه مالکیت وقفی در درجه بعدی و مالکیت دولتی کمترین مقاومت را دارد. این نظر مبنای تولید لایه های اطلاعاتی و وزن دهی آن هاست (p.13 Farouk Daher, 2006).

22. Salt

23. Rami Farouk, Daher

جدول ۴. معرفی عوامل، معیارها و شاخص‌های مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق و نمایش

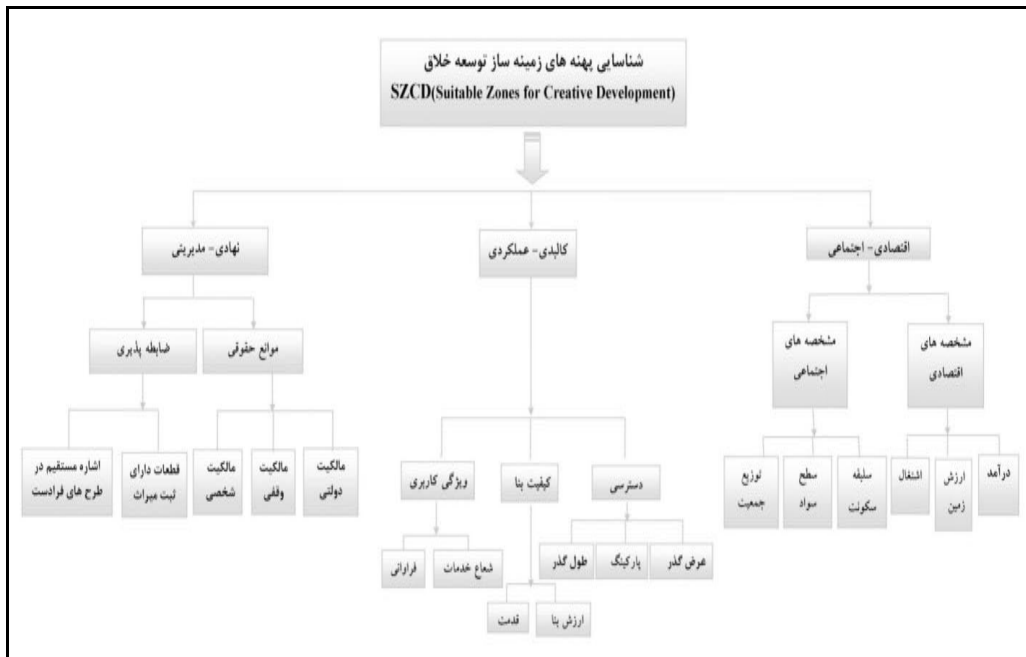
تأثیر مثبت و یا منفی شاخص‌ها^{۲۳}

عوامل و معیارهای ارزیابی	عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق (شاخص‌ها)	تأثیر شاخص در مدل بر مبنای مطالعات بررسی شده
اجتماعی- اقتصادی	(APA, 2006)(Rich Harril & Tomas D.Potts2003), (حنیفی، ۱۳۸۵) و (رهنما، ۱۳۷۵)	
مشخصه‌های اقتصادی	اشتغال	↑
	ارزش زمین	↓
	درآمد ساکنان	↑
مشخصه‌های اجتماعی	توزیع جمعیت	↑
	سطح سواد	↑
	سابقه سکونت	↑
کالبدی- عملکردی	(Mary Ann Levine, Kelly M.Britt & James A.Delle, 2005) (Miyakuni, Kaoruko & GAIL A. Vander Stoep, 2006) (Bhat,2002) (Albert Guttenburg, 2002) (حنیفی، ۱۳۸۵) (رهنما، ۱۳۷۵)	
کیفیت بنا	قدمت	↓
	ارزش بنا	↑
دسترسی	پارکینگ	↑
	طول گذر	↑
	عرض گذر	↑
ویژگی کاربری	فراوانی	↑
	شعاع خدمات	↑
نهادی- مدیریتی	(Farouk Daher, 2006) و (عندلیب، علیرضا، ۱۳۸۵)	
موانع حقوقی	مالکیت دولتی	↑
	مالکیت شخصی	↓
	مالکیت وقفی	↑
ضابطه‌پذیری	قطعات دارای ثبت میراث	↑
	اشاره مستقیم در طرح‌های فرادست	↑

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۴۷ ■



نمودار ۱. سلسله مراتب عوامل، معیارها و شاخص‌های مورد استفاده در مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری

در آن‌ها امکان تحلیل و ارزیابی کلیه اطلاعات موجود در مورد لایه‌ها بر اساس معیارهای متفاوت و چندبعدی وجود دارد، مناسب‌تر باشد. از جمله مهمترین روش‌های تحلیل چند معیاری، روش تحلیل سلسله مراتبی AHP است. این روش، روشی است منعطف، قوی و ساده که برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (زبردست، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

بررسی عناصر تحلیل سلسله مراتبی

درخت سلسله مراتب (نمودار ۱) در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی شامل هدف، معیارها، شاخص‌ها و گزینه‌ها می‌باشد که در ذیل به تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت (Peter Kuyler, 2006, P.47):

- «هدف»: که در این تحقیق، شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق (SZCD) می‌باشد.
- «معیارها»: همان عوامل اصلی توسعه خلاق با رویکرد گردشگری به حساب می‌آیند.

۲-۶- ارزش‌گذاری محدوده نسبت به شاخص‌ها و ارائه خروجی رستر

در این مرحله از طریق اعمال منطق ارزش‌گذاری (Index Overlay) در محیط GIS قطعات مالکیتی بر اساس هر شاخص به طور جداگانه وزندهی می‌شوند و نقشه‌هایی بدست می‌آیند که دامنه‌ای از اعداد را در بر می‌گیرند. به عنوان مثال در وزندهی عامل طول گذر، معابری که بیشترین طول را داشته‌اند، وزن ۹ گرفته و بر عکس گذرهایی که کمترین طول را داشته‌اند، وزن ۱ گرفته‌اند؛ نکته دیگر اینکه در این پژوهش بدلیل بکارگیری روش مارینونی خروجی ارزش‌گذاری‌ها باید به صورت رستری ارائه گردد.

۳-۶- ارزیابی و تحلیل سلسله مراتبی AHP در GIS و مقایسه زوجی معیارها و شاخص‌ها

با توجه به اینکه کار شناسایی عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق، در سه حوزه کالبدی - عملکردی، اجتماعی - اقتصادی و نهادی مدیریتی صورت خواهد گرفت، لذا به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های تحلیل چندمعیاری که

- «شاخص‌ها»؛ هر یک از معیارها نیز در قالب این مدل، به زیر معیارهایی مرتبط می‌گردند. شاخص‌ها زیر معیارهای فرعی مشتق از معیارها می‌باشند.

- «گزینه‌ها»؛ گزینه‌ها، پارامترهایی هستند که در مدل تحلیل سلسله مراتبی، نهایتاً مورد ارزیابی قرار گرفته و امتیاز نهائی آن‌ها محاسبه خواهند شد. در این پژوهش گزینه‌ها، کلیه قطعات محدوده نمونه موردی هستند.

۶-۳-۱- اجرای تحلیل سلسله مراتبی AHP در GIS با برنامه Ext-AHP, Marinoni

به منظور اجرای مستقیم فرآیند AHP در GIS استفاده از برنامه تحلیل سلسله مراتبی به روش «مارینونی» که در ثب‌قابل اجراست، می‌تواند راهگشا باشد و مزیت آن این است که کلیه محاسبات اعم از وزن دهی و محاسبه ضرایب توسط نرم‌افزار انجام می‌شود و این برنامه دیگر نیازی به نرم‌افزارهای کمکی مانند Expert Choice ندارد. ضمن اینکه با استفاده از این پنجره کلیه خروجی‌ها به صورت نقشه ارائه می‌شود و کار در مراحل بعد آسان‌تر است. ۲۵

۶-۴- طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نتایج ارزیابی در این مرحله خروجی تمامی مراحل قبل در قالب نقشه نتیجه تحلیل سلسله مراتبی دارای دسته‌بندی ۵ گانه ارائه می‌شود، که در آن رده دارای بیشترین امتیاز معرف «پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق (SZCD)» است.

۷- پیاده سازی مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در محله امامزاده یحیی

۷-۱- معرفی محدوده

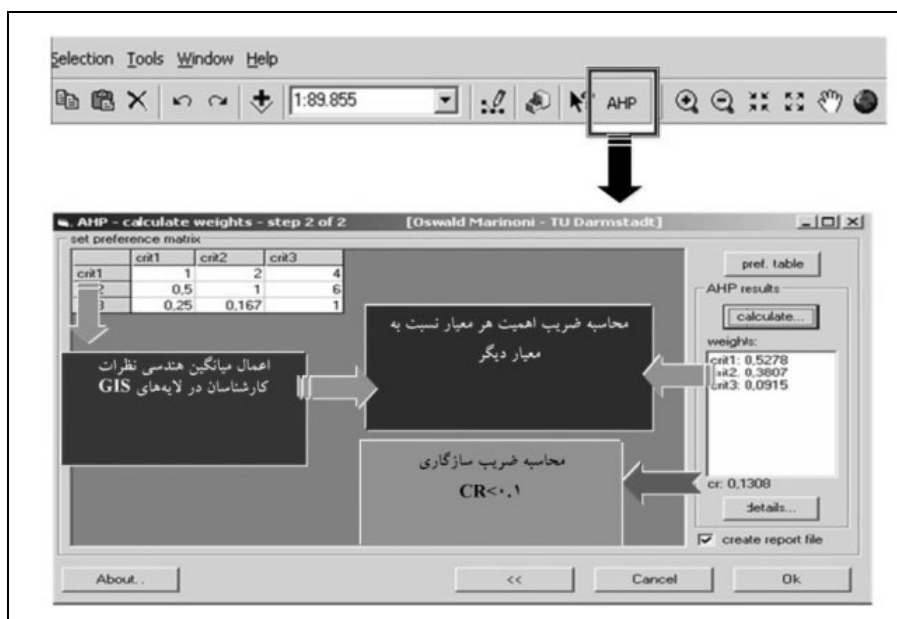
محله امامزاده یحیی یکی از محلات، ناحیه ۲ منطقه ۱۲ شهرداری تهران در عرصه مابین خیابان امیرکبیر از شمال، شهید مصطفی خمینی از غرب، پانزده خرداد از جنوب و ری از شرق محدود شده است، تصویر ۶، همجواری محلات و تصویر ماهواره‌ای سال ۲۰۱۰ را نشان می‌دهند.

محله امامزاده یحیی که تا قبل از خیابان کشی‌های زمان پهلوی اول جزیی از محله عودلاجان بوده است، دارای بناهای شاخصی همچون خانه وثوق، حمام نواب، خانه نصیرالدوله (آصفی)، خانه دبیرالملک، مسجد و مدرسه

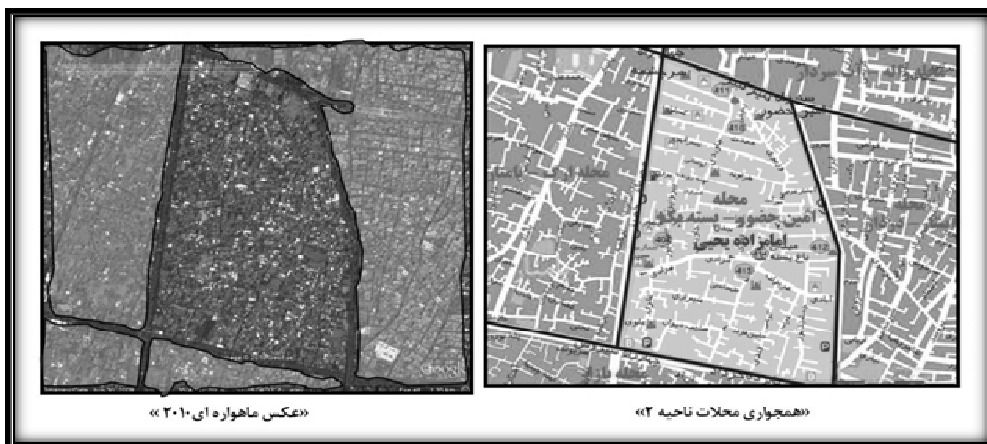
مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۴۹



تصویر ۵. نحوه محاسبه ضریب اهمیت معیارها در محیط GIS توسط برنامه جانبی AHP



تصویر ۶. همجواری محلات و تصویر ماهواره ای سال ۲۰۱۰؛ ماخذ: مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران و Google Earth

- معماری و امامزاده یحیی است. تصویر ۷، تعدادی از این بناها را نشان می‌دهد (ملک، ۱۳۸۵، ص ۶۵).
- در این قسمت با بررسی مدل‌های شاخص انتخاب پهنه‌ها و یا قطعات واجد ویژگی خاص و در نظر گرفتن مبانی نظری مرتبط با بافت فرسوده و گردشگری، با توجه به موضوعات مطرح شده، با استفاده از ثب و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مدل پیشنهادی پژوهش طی مراحل زیر انجام می‌شود:
- ۱- شناخت پدیده موضوع و نیازهای خاص آن؛
 - ۲- بررسی ویژگی‌های محدوده مطالعاتی؛
 - ۳- تعیین پارامترهای موثر و داده‌های مورد نیاز؛
 - ۴- جمع آوری و آماده‌سازی داده‌ها؛
- ۵- انتخاب مدل تلفیق داده‌ها و روش وزن دهی؛
 - ۶- ایجاد نقشه‌های وکتور و تعیین وزن آنها مطابق با روش تلفیق داده‌ها؛
 - ۷- تهیه نقشه‌های رستر؛
 - ۸- استفاده از روش ارزیابی سلسله مراتبی چند معیاره (AHP)؛
 - ۹- طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نتایج ارزیابی و معرفی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق (SZCD).
- ۲-۷- تشکیل لایه‌های اطلاعاتی مورد نیاز مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در GIS

مدیریت شهری

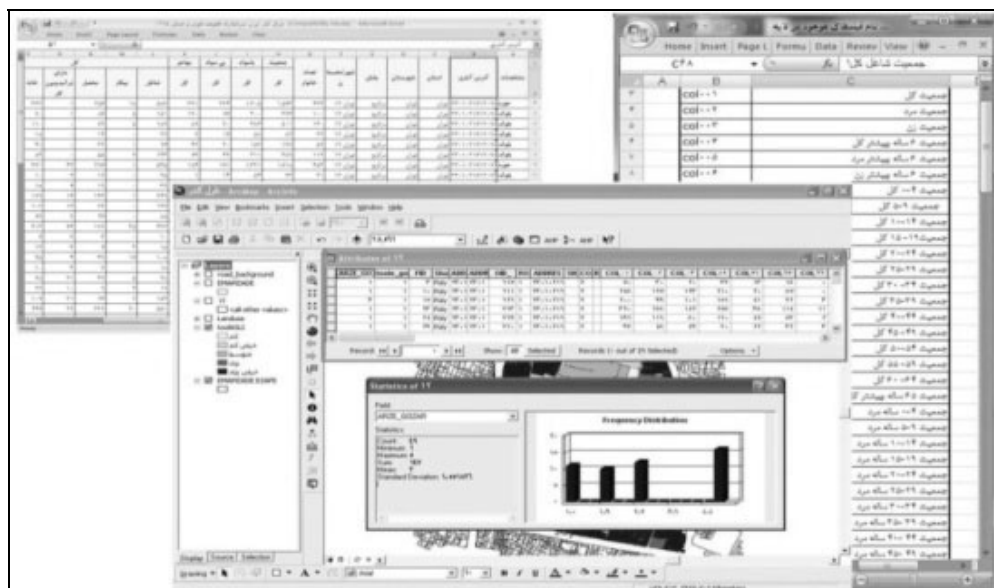
دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۵۰ ■



۱. خانه واهوق ۲. حمام نوب ۳. خانه فرهنگ محله واجد ارزش معماری ۴. خانه نصیرالدوله ۵. خانه دیرالمک ۶. مسجد و مدرسه معمار باقی ۷. قدیمی ترین چنار تهران ۸. امامزاده یحیی ۹. گذر اصلی از میدان بسته بک در جنوب تا مرکز ملی فروش لوازم خانگی (بین حضور) در شمال

تصویر ۷. بناهای شاخص محله امامزاده یحیی؛ ترسیم از نگارندگان.



تصویر ۸. نمونه بانک اطلاعاتی قطعات محدوده امامزاده یحیی در GIS

۳-۷- ارزش‌گذاری کلیه قطعات محدوده مورد مطالعه نسبت به شاخص‌ها بر مبنای لایه‌های اطلاعاتی در GIS در این مرحله از طریق اعمال منطق ارزش‌گذاری (Index Overlay) در محیط GIS کلیه قطعات محدوده بر اساس هر شاخص به طور جداگانه وزندهی شدند. در مدل وزندهی، به هر قطعه یا بلوک (بر اساس اطلاعات در دسترس) با توجه ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی، کالبدی، وزن‌های مختلف داده شده و ترکیبات انعطاف‌پذیری از نقشه‌ها بدست می‌آید که دامنه‌ای از اعداد را در بر می‌گیرد. با توجه به یکسان بودن مراحل تولید نقشه‌ها ذیل سه عامل کالبدی- عملکردی، نهادی- مدیریتی و اجتماعی- اقتصادی و جلوگیری از تکرار و اطاله مطالب در ادامه عامل کالبدی عملکردی توضیح داده می‌شود، همین مراحل در مورد دو عامل دیگر انجام شده و فقط نتایج آن ارائه می‌گردد. نکته دیگر اینکه نمایش نقشه‌های تمامی شاخص‌ها، معیارها و عوامل در تصویر ۹ آمده است.

به منظور شناسایی عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق، یک پایگاه داده و بانک اطلاعاتی در قالب آمار و همچنین برداشت میدانی به دست آمد، این اطلاعات در قالب «فیلد»^{۲۶} های اطلاعاتی نقشه‌های وکتوری^{۲۷} (شیپ فیلد)^{۲۸} به لایه‌های اطلاعاتی «اضافه»^{۲۹} گردید. در تصویر ۸، نمونه این بانک اطلاعاتی آورده شده است. نکته شایان ذکر اینکه بدلیل کمبود اطلاعات دقیق و در دسترس در برخی زمینه‌ها مانند توزیع جمعیت در مقیاس قطعات از آمار توزیع جمعیت در مقیاس بلوک ساختمانی بهره‌گیری شده است. فهرستی از این تطابق‌ها در جدول شماره ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵. فهرست تطابق لایه‌های اطلاعاتی برای جبران کمبود

اطلاعات دقیق و در دسترس

لایه اطلاعاتی مورد نیاز بر مبنای معیارها و زیرمعیارها	نزدیکترین لایه اطلاعاتی که بتواند معرف لایه مورد نظر واقع شود
توزیع جمعیت (نقطه در حد قطعه)	توزیع جمعیت (نقطه در حد بلوک)
سابقه سکونت	تحلیلی بر لایه های محل تولد و تعداد مهاجر
درآمد ساکنان	اطلاعات لایه آمار بیکاران در حد بلوک

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۵۱

- 26. Field
- 27. Vector
- 28. Shape File
- 29. Add

۷-۳-۱- ارزش گذاری محدوده بر مبنای شاخص های عامل کالبدی- عملکردی

در این بخش قطعات و بلوک های محدوده مورد مطالعه نسبت به سه دسته زیرمعیار شامل کیفیت بنا، دسترسی و ویژگی کاربری وزندهی شده اند، این دسته ها شامل معیارهای کیفیت بنا (قدمت، ارزش بنا)، دسترسی (عرض گذر، پارکینگ، طول گذر)، ویژگی کاربری (فراوانی، شعاع خدمات) می باشد.

۷-۳-۱-۱- کیفیت بنا

- «قدمت»: بر مبنای برداشت میدانی قدمت کلیه قطعات محدوده در ۵ دسته، نوساز، ۵ تا ۱۵، ۱۵ تا ۳۰، ۳۰-۵۰ و تخریبی ارائه شده است، برای وزن دهی دسته اول عدد ۹، دسته دوم عدد ۷؛ دسته سوم عدد ۵؛ دسته چهارم عدد ۳ و دسته پنجم عدد ۱ را در طیف الساعتی می گیرند. نکته شایان ذکر اینکه بناهای دارای عمر بالای ۵۰ سال که مرمت شده اند در دسته نوساز قرار می گیرند.

- «ارزش بنا»: این معیار برای نمایش ارزش بناها، کلیه قطعات محدوده را با مبنای برداشت میدانی مطابق فرم مندرج در پیوست ۱ در پنج زمینه واجد ارزش معماری، اقتصادی، تاریخی، اجتماعی و هویتی وزن دهی می کند. شایان ذکر اینکه اگر بنایی یکی از این ویژگی ها را داشته باشد، وزن ۱ و اگر بنایی تمامی آن ها را داشته باشد وزن ۵ می گیرد.

۷-۳-۱-۲- دسترسی

- «عرض گذر»: برای ارزش گذاری این زیرمعیار عرض کلیه دسترسی های محدوده در ۵ دسته تقسیم بندی ۳، سپس ارزش عرض طولانی ترین گذر بلوک به آن نسبت داده شده است و نقشه رستری مورد نیاز تحلیل تهیه گردیده است. البته برای این کار در برخی متون از میانگین هندسی ارزش عرض گذرها هم بهره گیری شده است که با توجه به مقیاس محدوده مورد مطالعه معقول به نظر نمی رسد که هر بلوک توسط گذرهای متعدد با عرض بالا محصور شود ارزش بیشتری بگیرد.

- «طول گذر»: شاخص طول گذر از طریق طبقه بندی ۵ گانه طول دسترسی های محصور کننده بلوک های ساختمانی محدوده و محاسبه میانگین هندسی ارزش

طول گذرهای هر بلوک، محدوده را ارزش گذاری و نقشه ی رستری ارائه می کند.

- «پارکینگ»: شاخص پارکینگ نیز ظرفیت وضع موجود هر بلوک برای پارک وسایل نقلیه را بر اساس اطلاعات کاربری در دسته بندی پنج گانه وزن دهی کرده است. در این لایه بلوک های فاقد فضای پارک وزن ۱، و سایر بلوک ها بر اساس مجموع مساحت فضای پارک در ۴ دسته بعدی با وزن های ۲، ۳، ۴، ۵ قرار گرفته اند.

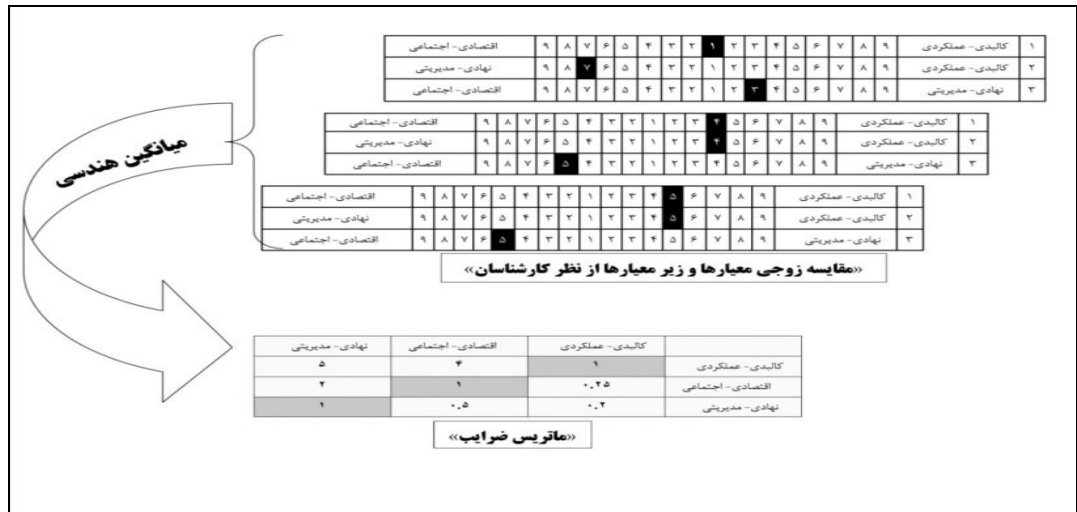
۷-۳-۱-۳- ویژگی های کاربری

- «فراوانی»: این شاخص به بررسی فراوانی کاربری خاصی در محدوده می پردازد، به بیان دیگر در توزیع آماری کاربری ها، دسته هایی که فراوانی بیشتری دارند امتیاز بیشتر و آن هایی فراوانی کمتری دارند، امتیاز کمتری به خود اختصاص می دهند. روند کار به این صورت است که ابتدا بر مبنای فیلد کاربری نقشه رستر تولید می کنیم، سپس با استفاده از فیلد Count لایه رستری به بیشترین تعداد ارزش بیشتر و به کمترین تعداد ارزش کمتر می دهیم. برای قابل استفاده شدن این وزن دهی ها، دسته های دارای ارزش های نزدیک تلفیق شده و کل کاربری ها در طبقه بندی ۵ گانه قرار می گیرند. سپس لایه رستری این وزن دهی تولید شده است.

- «شعاع خدمات»: با استفاده از فرم های برداشت اطلاعات شعاع خدمات کاربری ها در دسته بندی ۵ گانه زیرمحل، محله، منطقه، شهر و فراشهری طبقه بندی شده و نقشه رستری جهت استفاده در فرآیند تحلیل استفاده می شود.

۷-۴- مقایسه زوجی عوامل، معیارها و شاخص ها

در این مرحله عوامل، معیارها و شاخص ها، دودو با هم مقایسه شده که در آن با توجه به هدف بررسی، شدت برتری معیار ۱ نسبت به معیار ۲، سنجیده می شود. بر همین اساس برای مقایسه و قضاوت دودویی از جدول نه کمیتی ساتی در قالب تهیه پرسشنامه و جلب نظرات کارشناسی استفاده شد. در این بخش میانگین هندسی نظرات کارشناسان، برای بدست آوردن میزان اهمیت



نمودار ۲. نمونه محاسبه میانگین هندسی نظرات کارشناسان در مقایسه زوجی شاخص‌ها

معیارها و شاخص‌ها مورد استفاده قرار گرفته است که به عنوان نمونه میانگین هندسی نظرات کارشناسان در خصوص دسته عوامل به شرح نمودار ۲ بدست آمد: گردد.

۷-۵- محاسبه «ضریب اهمیت» (CW)^{۳۱} شاخص‌ها و معیارها و همپوشانی لایه‌ها
 ارزیابی و تبیین ضریب اهمیت عوامل، معیارها و شاخص‌ها جهت تدوین مدل، اقدامی مهم برای شناسایی عوامل زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری و تعیین کانون‌های مداخله در بافت می‌باشد. در این پژوهش به منظور بدست آوردن ضریب اهمیت از برنامه جانبی^{۳۳} AHP در نرم افزار Arc GIS استفاده گردیده است. این روش در سال ۲۰۰۶ میلادی به صورت یک برنامه جانبی توسط Oswald Marinoni ارائه شده است^{۳۴}. در ادامه هر یک از شاخص‌ها و معیارها با توجه به اعمال ضریبشان در رده همتراز خود

جدول ۷. ضریب اهمیت شاخص‌های معیار دسترسی

ضریب اهمیت criteria weights	عامل کلیدی- عملکردی- شاخصهای معیار دسترسی
۰.۵۲۷۸	عرض گذر
۰.۳۳۲۵	طول گذر
۰.۱۳۹۶	پارکینگ
۰.۰۵۱۵	ضریب سازگاری [CR]>۰.۱
consistency ratio	

جدول ۶. ضریب اهمیت شاخص‌های معیار کیفیت بنا

ضریب اهمیت criteria weights	عامل کلیدی- عملکردی- شاخصهای معیار کیفیت بنا
۰.۶۶۶۷	قدمت
۰.۳۳۳۳	ارزش بنا
۰.۰	ضریب سازگاری [CR]>۰.۱
consistency ratio	

31. criteria weights

32. Extention

33. www.esri.com\arcsript\ext-ahp\marinoni

جدول ۸. ضریب اهمیت شاخص‌های معیار ویژگی کاربری

معیارهای عامل کالبدی- عملکردی	ضریب اهمیت criteria weights
کیفیت بنا	۰.۵۴۹۸
دسترسی	۰.۳۶۸۱
ویژگی کاربری	۰.۰۸۳۱
ضریب سازگاری	۰.۰۸۳۵
consistency ratio [CR] > ۰.۱	

جدول ۹. ضریب اهمیت معیارهای عامل کالبدی- عملکردی

عامل کالبدی- عملکردی شاخص‌های معیار ویژگی کاربری	ضریب اهمیت criteria weights
فراوانی	۰.۱۲۵
شعاع خدمت	۰.۸۳۵
ضریب سازگاری	۰.۰۰
consistency ratio [CR] > ۰.۱	

شده است. نتیجه اجرای فرایند تحلیل سلسله مراتبی، با استفاده از جدول شماره ۷ و ext-AHP بر شاخص‌های معیار کیفیت بنا، در تصویر ۹ آمده است. ضریب اهمیت هر یک از شاخص‌های معیار دسترسی در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

نتیجه اجرای فرایند تحلیل سلسله مراتبی، با استفاده از جدول شماره ۸ و ext-AHP بر شاخص‌های معیار کیفیت بنا، در تصویر ۹ آمده است. ضریب اهمیت هر یک از معیارهای عامل کالبدی- عملکردی در جدول شماره ۹ ارائه شده است. نتیجه اجرای فرایند تحلیل سلسله مراتبی، با استفاده از جدول ۹ و ext-AHP بر معیارهای عامل کالبدی- عملکردی در تصویر ۹ آمده است. عامل کالبدی- عملکردی، آمده است.

۸- محاسبه ضریب اهمیت عوامل و همپوشانی لایه‌ها برای ارائه لایه «SZCD»

این قسمت در ادامه مطالب قبل ضریب اهمیت نرمال هر یک از عوامل را که با استفاده از برنامه جانبی Ext-AHP در نرم افزار GIS حزا و ماتریس نظرات کارشناسی محاسبه گردید مورد تحلیل قرار می‌دهد و لایه نهایی تحلیل که پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق را نشان می‌دهد، به نمایش می‌گذارد. جدول شماره ۱-۱۰ ضریب اهمیت عوامل کالبدی- عملکردی، اقتصادی- اجتماعی و نهادی- مدیریتی، و نقشه شماره ۱-۱ پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق یا کانون‌های مداخله را

به نمایش می‌گذارد. جدول فوق نشان می‌دهد که معیار کالبدی- عملکردی نسبت به سایر معیارها، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و معیارهای اقتصادی- اجتماعی در مرتبه دوم اهمیت قرار دارند.

۹- نتیجه‌گیری و جمع بندی

گرایش‌های توسعه درون‌زا در قرون اخیر رویکردهای متفاوتی را در مرمت بافت‌های فرسوده به همراه داشته است از دهه ۱۹۵۰ در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که هدف توسعه، افزایش ظرفیت سکونت بوده، دهه ۶۰ که ملاحظات اجتماعی مطرح می‌شود، دهه ۷۰ که رویکردهای توانمندسازی مورد اقبال واقع می‌شود، دهه ۸۰ که پویایی اقتصادی بافت هدف است، دهه ۹۰ که توسعه پایدار بر تمامی اقدامات سایه می‌افکند تا به امروز که رویکردهای یکپارچه یا جامع‌نگر در توسعه بافت ملاحظه تمامی رویکردهای فوق را همزمان ضروری می‌داند و در آخرین نظریه‌ها از توسعه بافت با تلفیق زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی یا توسعه خلاق و کارایی گردشگری در دستیابی به آن صحبت شده است. نکته‌ای که در تمامی مداخلات مدنظر است این است که کانون‌های مداخله برای ورود به محدوده کجا باشد؟ و چه نوع مداخله‌ای در این کانون‌ها باید صورت گیرد؟ پژوهش حاضر برای پاسخ به این سوال در محدوده امامزاده یحیی که جزء بافت‌های فرسوده واجد

جدول ۱۰. ضریب اهمیت نرمال هر یک از معیارها نسبت به همدیگر؛ ماخذ: نتیجه محاسبات پژوهشگران

مجموع	کالبدی- عملکردی	نهادی- مدیریتی	اقتصادی- اجتماعی	عوامل زمینه ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه ریزی شهری
۱	۰.۶۸۳۳	۰.۱۱۶۸	۰.۱۹۹۸	ضریب اهمیت criteria weights



نقشه ۱. پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق یا کانون‌های مداخله در بافت

ارزش به حساب می‌آید، با استخراج عوامل توسعه خلاق بافت و عوامل موثر در برنامه‌ریزی گردشگری سه دسته عامل کلی شامل معیارها و شاخص‌ها استخراج نموده‌است سپس با تعریف مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری، لایه‌ای که نشان دهنده پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه یا همان کانون‌های مداخله است، تهیه کرده‌است. ویژگی‌های خاص این پهنه برخوردار بودن از موانع حقوقی کمتر، ضابطه‌پذیر بودن، ارزش به حساب می‌آید، با استخراج عوامل توسعه خلاق بافت و عوامل موثر در برنامه‌ریزی گردشگری سه دسته عامل کلی شامل معیارها و شاخص‌ها استخراج نموده‌است سپس با تعریف مدل شناسایی پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه خلاق بافت فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه‌ریزی شهری، لایه‌ای که نشان دهنده پهنه‌های زمینه‌ساز توسعه یا همان کانون‌های مداخله است، تهیه کرده‌است. ویژگی‌های خاص این پهنه برخوردار بودن از موانع حقوقی کمتر، ضابطه‌پذیر بودن،

سطح خوب مشخصه‌های اجتماعی و اقتصادی، همچنین کیفیت خوب بناها، دسترسی مناسب و کاربری‌های دارای ویژگی‌های مثبت مطابق مبانی مدل، این پهنه را بعنوان پهنه زمینه‌ساز توسعه خلاق یا محرک توسعه معرفی می‌کند. در صورتی که ورود به بافت از طریق این پهنه صورت گیرد، احتمالاً بازدهی برنامه‌ریزی و اجرا مناسب بوده و از هدرروی منابع جلوگیری می‌شود، همچنین ارتقا بافت در مراحل بعدی نظام‌مند خواهد بود.

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

۲۵۵



تصویر ۹. سلسله مراتب همپوشانی نقشه‌ها: ترسیم از نگارندگان

منابع

۱. جهانی، علی (۱۳۷۶) «کاربرد GIS در قابلیت اراضی شهری»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۲. حبیبی، سید محسن و ملیحه مقصودی (۱۳۸۴) «مرمت شهری»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. حبیبی، کیومرث و احمد پوراحمد و ابوالفضل مشکینی (۱۳۸۶) «بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری»، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان.
۴. حنیفی، غلامرضا (۱۳۸۵) «سنجش اثرات افزایش تراکم ساختمانی بر بافت‌های مساله‌دار و فرسوده شهری»، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. خانی، علی (۱۳۸۳) «روش‌های حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهرها»، ویژه‌نامه حفظ و احیای بافت تاریخی شهرها، ضمیمه شماره ۶۱ ماهنامه شهرداری‌ها.
۶. رهنما، محمدرحیم (۱۳۷۵) «احیای بافت قدیم و توسعه شهری، نمونه بافت‌های مسکونی مرکز شهر مشهد»، رساله دکتری جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۷. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۰) «کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
۸. سرداری، محمد رضا (۱۳۸۶) «مدلسازی رشد سکونتگاه‌های غیر رسمی، نمونه موردی شهرستان قزوین»، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. عباس زادگان، مصطفی و راضیه رضازاده (۱۳۸۰) «نگاهی به طرح حفظ، احیا و بازسازی بافت تاریخی سمنان»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۴، سازمان عمران و بهسازی شهری.
۱۰. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۵) «دفت‌های نوسازی در بافت فرسوده، جلد اول، نوسازی بافت‌های فرسوده حرکتی نو در شهر تهران»، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان نوسازی شهر تهران.
۱۱. لنگ، جان (۱۳۸۶) «طراحی شهری: گونه شناسی رویه‌ها و طرح‌ها»، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) «نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵»، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
۱۳. ملک، ماندانا (۱۳۸۵) «تهیه سند طراحی شهری معطوف به حضور پیاده نمونه موردی گذر امامزاده یحیی»، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. مهدوی، محمد جواد (۸۱-۱۳۸۰) «راهبردهای توسعه بافت فرسوده»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۷.
۱۵. مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۰) «نظری اجمالی به ساماندهی مرکز شهر تهران»، فصلنامه هفت شهر، شماره ۳.
۱۶. مهندسان مشاور باوند (۱۳۸۶) «طرح تفصیلی منطقه ۱۲»، کارفرما معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران.
17. Agarwal, C., Green, G. L., Grove, Evans, M., T., & Schweik, (2002) C. "A Review and Assessment of Land-Use Change Models: Dynamics of Space, Time, and Human Choice", Indiana University US Forest Service and Center for the Study of Institutions, Population, and Environmental Change (CIPEC).
18. American Planning Association (2006) "Planning and Urban Design Standards", New Jersey, wiley & Sons, Inc.
19. Bhat Chandra, et Al (2002) "Development of an Urban Accessibility Index", Centre for Transportation Research the University of Texas at Austin.
20. Christian M. Rogerson (2006) "Creative Industries and Urban Tourism:South African Perspectives", Urban Forum, Vol. 17, No. 2,
21. Guttenburg, Albert (2002) "Multidimensional Land Use classification and How It Evolved: Reflections on a Methodological Innovation in Urban planning", Jornal of Planning History, Vol.1, No.4.
22. Harril, Rich and D.potts, Tomas (2003) "Tourism Planinng in Historic District", APA Journal, Vol. 69, No.3.

23. J. Scott, Allen (2006) "Creative Cities: Conceptual Issues and Policy Questions" Journal of Urban Affairs, Vol.28, No. 1.
24. K.Robert (1982) "Inner City Regeneration" North East London Polytechnics.
25. Kuyler, P., (2006) "Application of Multi-criteria Analysis in Landuse Decisions", Centre for Environmental Management, University of the Free State,(May).
26. Mary Ann Levine, Kelly M.Britt & James A.Delle,) 2005("Heritage Tourism and Community Outreach: Public Archaeology at the Thaddeus Stevens and Lydia Hamilton Smith Site in Lancaster, Pennsylvania USA", International Journal of Heritage Studies, Vol. 11, No. 5.
27. Miyakuni, Kaoruko & Gail A. Vander Stoep (2006) "Linking Linkage Concepts from Diverse Fields to Build a Community-Based Tourism Planning Framework: The Case of Shuri, Japan", Tourism Geographies, Vol.8, No. 3.
28. Musturd, Sako (2001) "Amsterdam AZ Creative Cultural Knowledge City: Some Conditions", Built, environment, VOL. 30, NO. 3.
29. Rich Harril & Tomas D.Potts (2003) "Tourism Planning in Historic District, Attitudes Toward Tourism Development in Charleston", APA Journal, Vol.63, No.3.
30. Richard Florida (1996) "Regional Creative Destruction: Production Organization, Globalization, and the Economic Transformation of the Midwest" Economic Geography, Vol. 72, No. 3. (July).
31. Rami Farouk, Daher (2006) "Urban Regeneration/Heritage Tourism Endeavours: The Case of Salt, Jordan Local Actors, International Donors, and the State", International Journal of Heritage Studies, Vol. 11, No. 4.
32. <www.stevensandsmith.org>(June 2010)
33. <www.clarkequay.com.sg>(June 2010)

مدیریت شهری

دو فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۸۹
No.25 Spring & Summer

■ ۲۵۷ ■

پیوست الف)

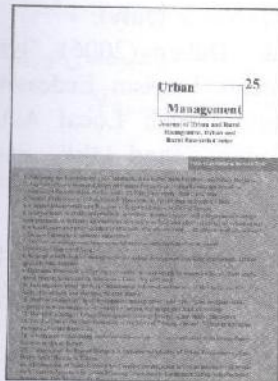
روش ارزیابی چند معیاره (MCEM)^{۳۷}: روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه به منظور ارزیابی اوزان برای شاخص‌های موجود در یک تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه‌ی برتر، توسعه یافته‌اند که از این میان می‌توان به روش‌هایی نظیر روش آنتروپی، روش LINMAP، روش کمترین مجذورات وزین شده و روش AHP را نام برد. در این روش که مبانی آن بر تحلیل همزمان چند عامل در محدوده و کمک گرفتن از سیستم اطلاعات جغرافیایی در مراحل مختلف پایه‌گذاری شده است. (سرداری، ۱۳۸۶، ص ۱۱-۸۳) و (جهانی، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

روش سنجش قابلیت اراضی (LESA)^{۳۴}: هدف اصلی این روش که اولین بار در اوایل دهه ۱۹۸۰ در آمریکا برای سنجش قابلیت زمین‌ها از نظر کشاورزی بکار گرفته شد، مشخص کردن این نکته است که بهترین زمین‌های کشاورزی کجا واقع شده‌اند؟ دو جزء اساسی این مدل عبارتند از ارزیابی زمین (LE)^{۳۵} و سنجش ظرفیت محدوده (SA)^{۳۶}، هر کدام از این دو جزء عواملی را در ارتباط با قطعات مالکیتی بررسی و قطعات را وزن دهی می‌کنند، در نهایت هر قطعه وزن خاصی می‌گیرد، این وزن‌ها با عدد آستانه که بر مبنای نظر کارشناسی و بررسی شیب‌های وزن دهی استخراج شده مقایسه می‌شود، قطعاتی که امتیاز بالاتر از آستانه دارند مناسب برای کشاورزی محسوب می‌شوند. بدین ترتیب زمین‌های مناسب جهت کشاورزی یا مناسب جهت توسعه‌های شهری شناسایی می‌شوند.

34. Land Evaluation & Site Assessment
35. Land Evaluation
36. Site Assessment
37. Multi Criteria Evaluation Method

Urban Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning
Vol. No. 25 Spring & Summer
2010



The Urban and Rural Research Center

Address: No. 17 , Shahid Naderi
St., Keshavarz Bivd , Vali-e-Asr sq.,
Tehran, iran

Tel:88976651-88986382-
88966239

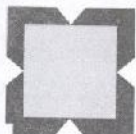
Fax:88977918

Urban Research Center:

Address. Az above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)

Managing Director: Mohammad Reza Ershadmanesh

Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board

Aminzade, Behnaz. Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University

Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada

Azizi, Mohammad Mahdi. Associate Prof, Faculty of Fine Arts,
Tehran University

Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran

Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University

Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University

Eghbali, Naser. Assistant Prof, Social Sciences Department, Azad
University of Tehran

Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University

Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University

Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University

Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University

Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University

Mirsepassi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran

Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran

Pourjafar, Mohammadreza. Associate Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University

Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University

Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department, -
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmouddinedjad, Hadi, Phd, scholar; Tarbiat
Modares University

English Text Editing: Hamid Hashtroudi

Editorial Committee: F. Kamandi, E. Taherimehr, M.
Heidaroolad

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban Management

25

Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center

Vol.8 No.25 Spring & Summer 2010

1. Analyzing the Consequences of Globalization on Cities, with Emphasis on Urban Regimes
2. Analysis of Environmental Safety of County Parks as an Urban Landscape based on Womankind Viewpoint (on the Basis of CPTED); Case study: Saie Park, Iran
3. Spatial Evaluation of Urban Growth Management Mechanism in Iranian Cities
4. Counter urbanization and Prospect of Decentralization in City of Tehran
5. Analyze study of children's creativity incentives in urban spaces and environment's design with emphasis on bringing up cohesions between creativity and physical design of urban spaces
6. Classification and prioritization of 19 region educational needs with attention of educational syllabus of urban civil assistant department
7. The rule of management in areas social and economy stability Development
Case study: Seaport of Noor
8. Structural pathology of management and urban development: making appropriate Tehran spaces for the disabled
9. Optimum Pattern of firefighting and safety services supply in country villages (Case study, Rural District Taherghorab, Someesara Town ship of Gilan)
10. Investigation about the Social Structure in Informal Settlements of Babdarabbas City; Case Study: Poahtshahr and sheshsad dastgah district
11. Study of analysis of "land development management" using the "land readjustment" approach with an emphasis on transfer of urban real estate and land ownership
12. Shared Visioning in Urban Development strategy Process; Case Study: Maragheh
13. The Analysis of the Transformation of the Signs of "Babapashman" Village at Lorestan Province after the Relocation
14. valuation of Municipality Performance based on Citizen Satisfaction with Urban Public Services in city of Tehran
15. Evaluation of the Role of Mosques in Improve the Quality of Urban Environment; Case Study: Amir Mosque in Tehran
16. Identification of Suitable Zones for Creative Development in Urban Deteriorated Places with Tourism Approach in Urban Planning "Case Study: Emamzade Yahya Neighborhood, Tehran, the 12th Municipality Region"